وزارت معارف
ریاست عمومی تربیهٔ معلم
پروگرام تربیهٔ معلمان داخل خدمت

انست سوم

مواد آموزشی علوم دینی، تاریخ، جخرافیه و مهارت های عالی لسان برای معلمان

شامل موضوعات انتخابی صنوف ۷ و ۸ نصاب جدید تعلیمی

تهیه کنندگان: پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی
پوهنوال دکتور عبدالباری حمیدی
شووندوی نجیب الله قبادی
شوونیار فضل الرحمن فضلی
دکتور ستیف بیالوستاک

سال: ۱۳۹۲ هـ ش



INSET III

Islamic Studies, History, Geography and Enhance Literacy Resource Book For Teachers

Covering Topics From Grades 7 and 8

Authors: Professor Mohammad Ibrahim Ibrahimi
Associate Professor Dr. Abdul Bari Hamidi
Lecturer Najibullah Qabadi
Lecturer Fazel-ul- Rahman Fazli
Dr. Steven Bialostok

2013

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی تربیهٔ معلم

مواد آموزشی علوم دینی، تاریخ، جغرافیـــه و مهارت های عالی آموزش لسان برای معلمان

شامل دروس انتخابی صنوف ۷ و ۸ نصاب جدید تعلیمی

دیزاین: عصمت الله عمرزوی
سال: ۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

تعلیم و تربیه یکی از عوامل اساسی پیشرفته جامعه بوده که باید بنابر اقتضای وقت، طبق شرایط ملی و بین المللی همان جامعه، انکشاف و رشد نماید. بادر نظرداشت این واقیعت ضرورت احساس می شود که در سیستم تعلیمی و تربیوی تغیر بنیادی بوجود آید. به این اساس بدون رشد مسلکی و ارتقای ظرفیت معلمان امکانات تغییر و پیشرفت دیده نمی شود. از این جهت برای معلمین پروگرام های آموزشی تخصصی، مسلکی ترتیب شده است

ما میخواهیم که معلمین افغانستان در مسایل تخصصی و مسلکی خود بنیاد اساسی را ایجاد کند و آرزو داریم که مواد درسی طوری که آماده شده معلمین به شکل مأخذ از آن استفاده کند همچنان آرزو داریم که برای معلمین قسمی مواد را بدسترس شان قرار دهیم که دلچسپ و تشویق کننده باشد. ما میدانیم که معلمین میخواهند دارای دانش علمی و مسلکی بوده و شیوه های جدید تدریس، تجارب کامیاب و آن اصول را بفهمند که برای انکشاف تعلیم و تربیه موثر باشد و عقیده داریم که در افغانستان معلمین دارای ذکاوت عالی هستند و میخواهند که درک و فهمی مسلکی داشته باشند ازینرو درین رهنمود مواد، در رشته های مانند تعلیمات اسلامی، تاریخ و جغرافیه و مهارت های زبان به بحث گرفته شده تامعلمین محترم مربوطه بتوانند از ین مواد، فعالیت ها و مهارت های متفاوت که در آنها استفاه گردیده مستفید شده و آنر امقایسه نمایند لازم به یاد آوری است که هر علم در جامعه بشری جایگاه خاص خود را داشته بنا:

چون مسوولیت بزرگ انسان که به عهده او گذاشته شد ایجاب کار عملی و مثمر اجتماعی را مینماید که در ارشادات مصادر تشریع اسلامی ریشه‌یابی میگردد، آگاهی و فهم دقیق از علوم دینی و اسلامی راه گشای پیشرفت وسیع در تمام عرصه های حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و علمی بشر به حساب رفته که از موثریت آن هیچ تمدن چشم پوشی کرده نمی‌تواند و صفحات تاریخ بشری به اهمیت، ضرورت و فهم درست و دقیق از این منابع مملو بوده و اثر مثبت آن در تمدن و فرهنگ انسانی ظاهر و هویدا است.

مطالعه علم جغرافیه ما را از بشر و فعالیت های آن که ارتباط مستقیم و ناگسستنی بازمین دارد آگاه میسازد. علم جغرافیه از آغاز پیدایش انسان وجود داشته است، هنگامی که انسان بروی زمین پدیدار گشت برای رفع نمودن نیازمندی های خویش همیشه در تلاش بوده و برای این منظور قطعاتی از زمین را انتخاب و مورد بهره برداری قرارداده است ازینرو آموزش و تدریس این علم یکی از ضروریات مبرم شمرده میشود.

تاریخ انسان را در مراحل مختلف زندگی با اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری آشنا میسازد. ازین رو، تاریخ علم مطالعه سرگذشت زندگی انسان ها در قید زمان و مکان معین است. پس مورخین را لازم است تا با بی طرفی کامل و رعایت عدالت، حقایق رویداد ها و وقایع تاریخی را جستجو نماید و با تحلیل علمی و منطقی خوبی ها و بدی ها را مشخص و ارایه بدارد.

مهارت های زبان راه بهبود تدریس، ارتباط رابطه بین صنف، خانه و جامعه، شناخت ضروریات و تفاوت های شاگردان، و احترام به تفاوت های فردی اختصاص یافته و همچنان در این پروگرام آموزشی به بخش های هم جای داده شده است که معلمان مضامین مختلف برای تدریس مضمون مربوطه خود به شیوه درست، مستفید شده بتوانند.

باید یاد آور شدکه این پروگرام آموزشی معلمین برمبنای نصاب جدید تعلیمی مکاتب و نیازسنجی هائیکه از معلمین صورت گرفته طوری ترتیب گردیده تا معلمین بتوانند شاگردان را با اساسات علوم خوبتر آشنا سازند.

امید وارم معلمین عزیز کشور ما بتوانند با اسلوب آموزش فعال و با استفاده ازین مواد آموزشی به طور ثمربخش بهره مند گردند. و سویه علمی و مسلکی خویش را به حیث معلمان کشور ارتقا بخشند و آماده خدمت بیشتر و بهتر به آینده سازان کشورشان شوند.

در پایان جا دارد تا از همکاری آن عده استادان پوهنتون ها و اعضای علمی و مسلکی ریاست عمومی تربیه معلم وکارمندان تخنیکی و طباعتی که در تدوین این مواد آموزشی سهم خویش را ایفا نموده اند، اظهار امتنان نموده و از بارگاه خداوند متعال برای ایشان موفقیت های بیشتر را بهبود تعلیم و تربیه اولاد وطن خواهانیم.

سوسن وردک

رئیس عمومی تربیه معلم

و مشاور ارشد مقام وزارت معارف

فهرست مطالب

وسایل، فعالیتها و روشهای تدریس علوم دینی

تجوید قرآن کریم صنف هفتم

تجوید قرآن کریم صنف هشتم

تعلیم و تربیه اسلامی صنف هفتم

تعلیم و تربیه اسلامی صنف هشتم

تاریخ صنف هفتم

تاریخ صنف هشتم

جغرافیه صنف هفتم

جغرافیه صنف هشتم

تجارب جغرافیه در نبود لابراتوار (بخش اول)

تجارب جغرافیه در نبود لابراتوار (بخش دوم)

تجارب جغرافیه در نبود لابراتوار (بخش سوم)

مهارت های عالی آموزش لسان

وسایل، فعالیتها و روشهای تدریس علوم دینی

تهیه کنندگان: پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی، پوهندوی دکتور عبدالباری حمیدی

مقدمه

الحمد لله القائل: «ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۝١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝٢ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۝٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ۝٥» (العلق، ۱-۵).

وایضا قال: «قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ۝٩» (الزمر، ۹) والصلوة والسلام علی من قال: «إن الله و ملائِکَتَه و أهل السموات والارض حتی النملة فی جُحرها و حتی الحوتَ لَیُصلون عل معلمی الناسِ الخیرَ» (اخرجه الترمذی) و علی آله و اصحابه و من دعی بدعوته الی یوم الدین.

چنانچه همه می‌دانیم امروز در جهان تعلیم و تربیه برای تدریس علوم مختلف میتودها و روشهای جدید وضع و روی دست گرفته شده که استفاده از این میتودها و روشها در تدریس علوم اسلامی نیز خالی از مفیدیت نمی‌باشد، این میتود ها و روشها به طور عام در تدریس همه علوم ریاضی، طبیعی و انسانی مورد استفاده قرار داده می‌شود، اما علوم دینی و اسلامی علاوه از کار برد این میتود ها و روشهای عام یک سلسله طریقه ها و شیوه های مخصوص بخود را نیز بکار می‌بندد، این طریقه ها و شیوه ها که از سوی مدرسین با تجربه علوم اسلامی در کشورهای مختلف عربی و اسلامی وضع گردیده برای تدریس هر مضمون مربوط به علوم اسلامی از هم تفاوت دارد و تنظیم این طریقه ها و شیوه ها برای استادان و معلمان علوم اسلامی بی اثر نخواهد بود.

دین مقدس اسلام به تعلم و تعلیم اهمیت زیاد قائل است، قرآن کریم از طریق تعلم و تحقیق، انسان را به شناخت الله جل جلاله و باور داشتن به وجود او تعالی دعوت می کند.

کار تعلیم و تربیهٔ نیک وظیفهٔ هر فرد مسلمان است ولی به طور خاص و مسلکی آن توسط افراد خاصی به پیش برده می‌شود. چهار چیز است که پایه های تعلیم و تربیهٔ خوب را می‌سازند:

۱. داشتن علم: هدف از داشتن علم، داشتن معلومات است در مورد حقایق عالم وجود که توسط معلم و مدرس به شاگردان تقدیم و ارائه می‌شود.

۲. داشتن فن: هدف از داشتن فن موجودیت آن روشها و طریقه های است که به واسطهٔ آن معلم معلومات و حقایق را به شاگردان انتقال می‌دهد، چه بسیاری اوقات معلم دارای دانش وسیع بوده ولی روش و هنر چگونگی انتقال دانش به شاگردان را باخود نمی‌داشته باشد که یقیناً درین صورت کار آموزش به طور درست صورت نمی‌گیرد.

۳. داشتن استعداد فطری: هدف از استعداد فطری داشتن آن توانایی و ملکه است که الله جل جلاله در سرشت و فطرت برخی اشخاص گذاشته که آنها در اثر داشتن آن ملکه در امر رسالت تعلیم و تربیهٔ درست، اشخاص شایسته و موفق می‌باشند.

۴. داشتن اخلاق: داشتن اخلاق نیکو یگانه ممیزهٔ تمدن ملتها است، معلم نباید فاقد اخلاق حسنه باشد و به طور خاص معلم علوم دینی که احکام دین را که سراسر سجایای اخلاقی است تدریس می کند، اخلاق برای یک معلم به منزله روح است برای یک جسد، او در حقیقت با اخلاق نیکوی خود یک ملت مؤمن، با اخلاق و متمدن را می‌سازد.

ما درین مجموعه کوشش نموده ایم تا در ابتدا راجع به وسایل آموزشی، فعالیت های درسی، روشهای مختلف تدریس و موضوعات ضروری دیگر برای مربیان و استادان محترم علوم دینی معلومات مختصر ارائه داشته و بعد کار اساسی این مجموعه را که عبارت از تهیه مواد رهنمودی در برخی دروس مغلق برای مربیان محترم علوم دینی است، ادامه دهیم.

ما درین مجموعه برخی دروس نسبتا مغلق ۶ کتاب درسی علوم دینی صنفهای ۷ و ۸ را تشخیص و مورد بحث قرار خواهیم داد تا مربیان محترم بتوانند با استفاده از این مواد جلسات خود را موفقانه دایر و به پایان برسانند.

****

وسایل، فعالیتها و روشهای تدریس علوم دینی

چگونگی وسایل آموزشی:

با پیشرفت سطح زندگی و تنوع نیازمندیهای انسانی وسایل زندگی از جمله وسایل آموزشی نیز تنوع پیدا کرده و اقسام مختلفی را به خود گرفته است، در برخی وسایل آموزشی نقش قوه و حاسهٔ سامعه بیشتر بوده و در برخی دیگر آن سهم قوه حاسهٔ باصره قابل ملاحظه است و اما در برخی وسایل آموزشی دیگر نقش و سهم هر دو قوه و حاسه (سامعه و باصره) متبارز می‌باشد، قسم اول این وسایل را به نام وسایل آموزشی سمعی، قسم دوم آن را به نام وسایل آموزشی بصری و قسم سوم آن را به نام وسایل آموزشی سمعی و بصری یاد کرده که به توضیح مختصر هر کدام آنها ذیلاً پرداخته می‌شود:

الف– وسایل آموزشی سمعی:

این وسایل دارای انواع مختلف بوده که در ذیل به چند نوع مهم آن اشاره صورت می‌گیرد:

۱. **رادیوی آموزشی:** این وسیلهٔ آموزشی بین اداره، کادر تدریسی، و شاگردان رابطهٔ محکم را قایم کرده و از طریق آن پروگرامهای آموزشی، اخبار، فعالیتهای آموزشی و غیره امور ضروری به شاگردان انتقال داده می‌شود.

۲. **کسیت های سمعی:** از طریق کسیت های سمعی محتویات درسی بسیاری مضامین به شاگردان منتقل گردیده و هم نقش مهمی را در نشر و سمع لکچرها، مناظره های علمی و سیمینارهای مورد ضرورت ایفاء می‌نماید، به طور نمونه در علوم دینی، قرآن کریم ترتیل شده و مجود برای تدریس و تطبیق قوانین تجوید از طریق کسیت ها در اختیار شاگردان قرار می‌گیرد، پس برای هر مکتب و مدرسه امر ضروری است تا از این وسیلهٔ آموزشی سمعی استفاده بیشتر کند، کسیتها از طریق تایپ ریکاردر استعمال می‌شود چنانچه CD ها و DVD ها از طریق CD پلیر و کامپیوتر شنیده شده می‌تواند و هم ممکن است سمع مطالب از طریق موبایل، .... ۵، ۴، ۳ MP و سایر وسایل پیشرفته سمعی صورت گیرد.

ب– وسایل آموزشی بصری:

وسایل آموزشی بصری نیز اقسام مختلفی دارد که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می‌شود.

۱. وجود اشیاء مانند حیوانات، نباتات، جمادات، مایعات و گازات.

۲. نقشه، تصاویر و غیره اوراقی که اماکن، موقعیتهای جغرافیایی، کوها، دریاها، آتش فشان ها، آثار زلزله ها و غیره موارد، معلومات ضروری را ارائه دهد.

۳. میکروسکوب: که توسط آن موجودات بسیار خرد چندین برابر بزرگتر نشان داده شده و قابل دید می‌گردد، به طور نمونه اگر یک قطره آب از یک خندق گندیده برداشته شده و زیر سلاید میکروسکوب گذاشته شود در آن به ده ها موجود حیه قابل دید خواهد بود.

۴. پروجیکتور و سینما: که از طریق آن فیلمهای آموزشی مفید ارائه می‌گردد، به طور مثال تمام مراسم حج و اجرای مناسک آن، چگونگی ادای نماز های مختلف و غیره امور ضروری از طریق آن منعکس شده می‌تواند.

۵. کتابخانه: کتابخانه یکی از وسایل مهم آموزشی به شمار رفته که از قدیم الایام مورد استفاده نهاد های آموزشی، علمی و تحقیقی قرار داشته است، در کتابخانه معمولاً مراجع مختلف در ساحات مختلف علمی قابل دریافت می‌باشد.

۶. مراکز تکنالوژی معلوماتی (IT): موجودیت این مراکز در نهاد های آموزشی و به طور خاص در دوره های ثانوی امر ضروری پنداشته می‌شود که از طریق آن هم استاد و هم شاگردان موضوعات مختلف علمی و فنی را به بسیار سادگی یافته می‌توانند. در سایتهای انترنت به زبانهای مختلف هر گونه موضوعات دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ساینسی، صحی و طبی، فلکی و غیره قابل دریافت است. در صفحات شبکهٔ بین المللی انترنت کتابخانه های الکترونیکی نیز قابل دسترس است که هر کدام دارای هزار ها جلد کتاب می‌باشد، مانند المکتبة الشاملة، صیدالفوائد، السلطان الاسلامی و یا هم سایر کتابخانه هایی که کتب آن به شکل PDF در آن عکس برداری شده است.

۷. مجلات علمی، هفته نامه ها و روزنامه ها نیز از جمله وسایل آموزشی بصری به شمار می‌رود.

۸. کتاب درسی: کتاب درسی هم یک وسیلهٔ بسیار مهم آموزشی بصری است که اکثریت شاگردان به آن دسترسی داشته و حاوی مطالب درسی طبق مفردات یک مضمون بوده و برای یک دورهٔ ۹ماههٔ نهادهای تعلیمی نگاشته می‌شود.

۹. تخته: تختهٔ صنف یکی از قدیمی ترین وسایل آموزشی بصری به شمار می‌رود، از تخته در امور مقدماتی درس مانند نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم، نوشتن عنوان درس، تاریخ درس و غیره استفاده می‌شود و بیشتر برای نوشتن موضوعات اساسی درس، خلاصهٔ درس، نتیجه گیری درس و غیره از آن استفاده به عمل می‌آید.

ج- وسایل آموزشی سمعی و بصری:

مهمترین این وسایل قرار ذیل می‌باشد:

۱. **فلمهای متحرک سینمایی:** در این فلمها موضوعات علمی با توضیح کلامی آن ارائه و قابل سمع می‌باشد، مثل اینکه در فلم مربوط به مناسک حج تلبیه با آواز بلند قابل شنیدن باشد: «لبَّیک اللهم لبَّیک...». از طریق فلمهای سینمایی معلومات، مهارتها، حوادث و اخبار علمی به صورت جذاب و با تسلسل منطقی به شاگردان از طریق یک پردهٔ بزرگ ارائه می‌شود.

۲. **تلویزیون و ویدئو:** این دو وسیله هم از جملهٔ وسایل مهم آموزشی سمعی و بصری شمرده می‌شود. ازطریق این وسایل فلمهای علمی با در نظر داشت مستوای شاگردان نشان داده می‌شود، طریقهٔ استعمال این وسایل بسیار آسان بوده و ایجاد مصرف بیشتر را نمی‌کند، در فلمها صوت و حرکت با هم یکجا شده و سمع و بصر در درک مطالب آن با یکدیگر همکاری می‌نمایند. در ارائه فلمها استاد باید قبل از ارائه، آن فلم را سر تا پا دیده باشد تا سوالات احتمالی شاگردان را جواب گفته بتواند و هم استاد از صحت وسیلهٔ منعکس کننده مانند هر وسیلهٔ دیگر مطمئن شده باشد و فلم در یک مقطع خاصی از درس ارائه گردد تا در تحقیق یک غرض و مصلحت خاصی کمک کند. و هم شده می‌تواند استاد در برخی قسمتهای مهم، فلم را متوقف ساخته و معلومات ضروری را در مورد آن قسمت های مهم به شاگردان ارائه دهد و هم در اخیر برای مناقشهٔ شاگردان و محصلان زمینه مساعد گردد.

۳. **پارچه های تمثیلی:** در پارچه های تمثیلی شده می‌تواند برخی مطالب آموزشی مهم از طریق شاگردان به نمایش گذاشته شود.

٤. **تطبیقات عملی:** شاگردان و محصلان تحت رهنمایی استاد برخی مطالب عملی و تطبیقی دروس را در ساحه، میدان، لابراتوار و غیره تجربه می‌نمایند.

در استخدام وسایل آموزشی چه سمعی باشد، یا بصری و یا هم هر دو، شرط اساسی آن است که استخدام آن از لحاظ شرعی مشکل نداشته باشد در غیر آن از استعمال همچو یک وسیله جداً خود داری گردد.

شیوه های استخدام وسایل آموزشی:

بخاطر اینکه استخدام وسایل آموزشی اهداف درسی را به وجه احسن بدست آورده باشد ضروری است تا شیوه های ذیل در استخدام آنها در نظر گرفته شود:

۱. استاد در درس خود باید چنان وسیلۀ آموزشی را انتخاب کند که با موضوع و هدف درس مناسبت داشته، سوالات خاصی را جواب بگوید و یا مشکلات خاصی را حل نماید.

۲. وسیلۀ آموزشی باید متناسب با سطح فهم شاگردان بوده و هم متناسب با عنعنات و فرهنگ آنها باشد، مطالبی که از طریق یک وسیله به محصلان پوهنتونها نشان داده می‌شود بعضاً این مطالب قابل فهم به شاگردان دورۀ ابتدائیه و یا حتی دورۀ ثانویه نباشد و عکس آن هم عین مشکل را داشته می‌تواند.

۳. مطلبی که از طریق یک وسیله منعکس می‌شود باید با درس و یا یک مطلب آن ارتباط نزدیک داشته باشد و مشکل خاصی را در آن درس حل نموده بتواند.

۴. استخدام وسیله نباید بیشتر از دو غرض را در پی داشته باشد و هر گونه ابهام در زمینه بر طرف گردد.

۵. حجم وسیله و تعداد شاگردان باید با هم متناسب باشد، وسیله ای که برای ۲۰ نفر در نظر گرفته شده نباید برای ۴۰ نفر مورد استفاده قرار گیرد.

۶. مطالبی که از طریق وسیلۀ آموزشی ارائه می‌شود عاری از هر گونه خطاها و اشتباهات باشد و فکر غلط را به شاگردان انتقال ندهد.

۷. شده می‌تواند در یک ساعت درسی از وسایل بیشتر استفاده به عمل آید ولی احتیاط بکار است تا اذهان شاگردان کاملاً به وسایل آموزشی چنان معطوف نشوند که رابطۀ آنها را با درس ضعیف سازد، گاهی استفاده بیشتر از کمپیوتر و یا کدام وسیلۀ دیگر این چنین مشکل را ایجاد کرده می‌تواند. در استخدام وسایل هر قدر اگر حواس مختلف شاگردان دخیل ساخته شوند به همان اندازه برای استحکام هر چه بیشتر مطالب درس کمک می‌کند.

۸. وسیله ایکه در وسط درس استخدام می‌شود نباید در اول درس نشان داده شود چه ممکن است ذهن شاگردان را آنقدر به خود جلب کند که مطالب درس را به دقت تعقیب کرده نتوانند، و این هم ممکن است که در برخی موارد نشان دادن وسیله در اول درس بعنوان تمهید و یا وسیلۀ ایجاد انگیزه، یک امر مفید دانسته شود، این تفاوتها را یک استاد ما هر بخوبی درک نموده می‌تواند.

۹. وسیلۀ آموزشی بعد از استعمال باید از پیشروی شاگردان برداشته شود.

۱۰. بعد از ارائهٔ مطالب توسط وسیلهٔ آموزشی نباید بالفور به درس خاتمه داده شود بلکه از سوی استاد در مورد فعالیتها، اهداف، مراجعه به مراجع مختلف و غیره امور ضروری، وظائف مشخص به شاگردان داده شود.

برای تدریس علوم دینی از وسایل زیادی استفاده صورت میگیرد که ما در ذیل برخی وسایل آموزشی تدریس قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ را بطور نمونه ذکر میکنیم:

وسایل آموزشی ایکه در تدریس قرآن کریم بکار برده می‌شود:

در تدریس تلاوت، تجوید، ترجمه، تفسیر و حفظ قرآن کریم وسایل زیادی استخدام شده می‌تواند که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می کنیم:

۱. مصحف قرآن کریم، بر استاد واجب است تا تمام آداب استعمال مصحف قرآن کریم را طبق سنت قولی و فعلی پیامبر اکرم ﷺ و آثار صحابهٔ کرام ﷺ به شاگردان تفهیم نماید.

۲. لوحه ها، تخته ها و غیره وسایل از این نوع تا روی آن قواعد اساسی، سوالات تطبیقی عمده و غیره امور تحریر شود.

۳. کتابهای داستانها و قصص قرآنی تا ازطریق آن شاگردان پند و عبرت گرفته و مطالب اساسی آن داستانها را بیرون نویس کنند.

۴. وسایل ثبت: تا توسط آن قرائت استاد و شاگردان ثبت شده و به اشتباهات قرائت شاگردان اشاره شود، و هم از طریق ثبت قرائت برخی شاگردان، تشویق آنها صورت گیرد.

۵. ارائه دادن برخی فلمها که در آن برخی ظواهر طبیعت به نمایش گذاشته شده باشد و شاگردان به قدرت، تدبیر و حکمت بالغهٔ ذات اقدس الهی پی ببرند.

۶. نقشه ها و تصاویر: که برای استحکام دروس مربوط به وقایع صدر اسلام از آن استفاده صورت می‌گیرد، مانند تصویر کوه احد، تصویر خندق، تصویر غار ثور و غیره.

وسایل آموزشی ای که در تدریس حدیث شریف بکار برده می‌شود:

۱. لوحه ها، تخته و غیره وسایل از این نوع.
۲. کتب صحاح حدیث، مسانید و سنن آن.
۳. فلمها و نمایش نامه های که در آن آداب و اخلاق اسلامی منعکس شده باشد.
۴. ارائه یک قصه و حادثه خاصی که با محتوای حدیث شریف مربوط مطابقت داشته باشد.

تعریف فعالیت درسی:

فعالیت در زبان عربی به معنی «نشاط» است و نشاط در لغت به معنی خروج از یک جای به جای دیگر است. و در اصطلاح فعالیت و نشاط عبارت از مجموعه ای از کار هایی است که شاگرد آن را در داخل صنف و یا خارج از آن به منظور تطبیق عملی یک نظر مجرد انجام داده و او در آن جسماً و ذهنا سهیم می‌گردد، مثلاً از شاگردان خواسته می‌شود تا اشکال مختلف هندسی داخل صنف را تشخیص و عملاً اندازه گیری کنند، یا از شاگردان خواسته می‌شود تا در یک سورهٔ کوتاه مثالهای مد طبیعی را پیدا و بعد از نوشتن روی کاغذ آن را به صدای بلند به همصنفان خود قرائت کنند وغیره مثالها.

اصول اجرای یک فعالیت درسی:

برای اینکه یک فعالیت درسی به وجه نیکو انجام گردیده و مثمر به ثمری شده باشد موجودیت اصول ذیل در آن حتمی می‌باشد:

۱. در انتخاب فعالیت درسی علاقه و رغبت شاگردان در نظر گرفته شده و مطابق سویه های شان باشد.
۲. فعالیت درسی نباید خیلی آسان و یا خیلی مشکل باشد بلکه قابل اجراء بوده و یک دست آورد جدیدی با خود داشته باشد.
۳. مراحل یک فعالیت درسی از آسان به سوی مشکل تنظیم شده باشد.
۴. فعالیت درسی با زندگی واقعی شاگردان ارتباط داشته و آنها را در حل مشکل زندگی شان کمک کند.
۵. فعالیت درسی با اهداف درسی مطابقت داشته و شاگردان را برای رسیدن به آن اهداف رهنمایی کند.
۶. فعالیت درسی برای شاگردان خوش آیند بوده و ذوق آنها را برای آموزش زیاد و بهتر، بیشتر سازد.
۷. در فعالیت درسی همه شاگردان سهم گرفته بتوانند.

اهمیت و هدف فعالیت درسی:

فعالیت درسی در آموزش فعال امروزی نقش اساسی داشته و وسیلهٔ آن می‌شود تا شاگردان مطالب درسی را در زندگی واقعی خود عملی کرده بتوانند، اهمیت و هدف فعالیت درسی ذیلاً منعکس می‌گردد:

۱. فعالیت درسی، شاگردان را محور عملیهٔ آموزش قرار داده و آنها را قادر به حل مسائل مطروحه می‌سازد.
۲. فعالیت درسی استعداد های پوشیدهٔ شاگردان را تبارز داده و آنها را مبتکر و کنجکاو بار می آورد.
۳. فعالیت درسی شاگردان را در اجرای مستقلانه امور با تجربه ساخته و اعتماد به نفس ایشان را تقویت می‌نماید.
۴. فعالیت درسی به شاگردان صفات نیکو و سجایای پسندیده را آموزش می‌دهد، مانند الفت، محبت، تعاون، فدا کاری، ایثار، تشویق دیگران و غیره.

اهداف فعالیت درسی علوم دینی:

فعالیت درسی هر مضمون با مضمون دیگر متفاوت است، فعالیتهای درسی مضامین علوم دینی نیز متفاوت با فعالیتهای درسی سایر مضامین می‌باشد. هدف اساسی تدریس علوم دینی ساختن انسان است از لحاظ صحت جسمانی، اعتقادی، فکری، روحی و اخلاقی. موضوع علوم دینی «انسان» است که چگونه بتواند رابطهٔ خود را با کائنات، زندگی و خالق آنها تنظیم کند. فعالیت درسی علوم دینی به یک زمان خاصی که ساعت درسی است منحصر نمی‌شود بلکه در همه اوقات و زمانه ها اجراء شده می‌تواند، و همچنان فعالیت درسی علوم دینی به یک جای که عبارت از صنف درسی باشد محدود نمی‌گردد بلکه در همه جا انجام شده می‌تواند: در خانه، در کوچه، در مسجد، در موتر، در شهر و بازار، در حضر و سفر.

اهداف عمدهٔ فعالیت درسی علوم دینی قرار ذیل است:

۱. ترویج و تکثیر تخمی که استاد علوم دینی در صنف درسی، آن را بذر می‌کند.
۲. رشد و انکشاف شخصیت شاگردان با اسلام عملی و اشراف مباشر از طریق رویه و سلوک پسندیده.
۳. نشر و بخش افکار و تعالیم اسلامی تا مردم به حقانیت امور اعتقادی، عملی و اخلاقی این دین الهی و نجات بخش پی ببرند.
۴. شناخت دقیق شاگردان از لحاظ روحی و عاطفی و آماده ساختن آنها به دعوت مردم، با حکمت و موعظهٔ حسنه بسوی راه پروردگار.

انواع فعالیتهای درس علوم دینی:

در ساحۀ علوم دینی فعالیتهای مختلفی وجود دارد که تنها محدود به ساعت درسی و صنف درسی نمی‌باشد، مجالهای زیادی برای اجرای آن وجود دارد، ما در ذیل به برخی این فعالیتها مختصراً اشاره می‌کنیم:

۱. سرودن اشعار دینی و خواندن ترانه های دینی:

با سرودن اشعار دینی و خواندن ترانه های دینی، عقیدۀ شاگردان تقویت یافته، فضایل اخلاقی و سجایای اسلامی در وجود آنها استحکام بیشتر می‌یابد، در ترقیق مشاعر و تحریک عواطف آنها نقش اساسی بازی می‌کند.

۲. پارچه های تمثیلی:

پارچه های تمثیلی قضایای مختلف اجتماعی و اخلاقی را منعکس ساخته و از طریق آن فضایل اخلاقی مورد تأیید قرار گرفته، عادات و تقالید ناپسند و غیر اسلامی، مذموم و محکوم می‌گردد.

۳. فعالیت درسی در کتابخانه و مرکز IT:

شاگردان برای دریافت جوابات درست به مسائل مطروحه در ساعات درسی به کتابخانه و مرکز IT مراجعه کرده و مشکلات خود را حل می‌نمایند.

٤. فعالیت در مسجد:

مسجد یک مکان مناسب برای اجرای فعالیتهای درسی علوم دینی به شمار می‌رود، وضوء خانه، صحن مسجد و منبر آن جاهان مناسبی برای اجرای عملی عبادات دینی است، پس هر نهاد آموزشی و خصوصاً نهاد آموزشی دینی باید دارای مسجد باشد.

٥. تدویر محافل و تجلیل از وقایع تاریخی دینی:

شاگردان از طریق تدویر محافل مختلف تجلیل از مناسبتهای مهم دینی ضمن فعالیتهای گوناگون به اصلاح شخصیات شان می‌پردازند.

٦. سیرهای علمی:

از طریق سیر علمی، شاگردان چیز های زیادی را می آموزند و عملاً آن را اجراء می‌کنند، قرآن کریم در موارد متعددی انسان ها را به سیر در روی زمین امر می‌کند، چنانچه می‌فرماید: «قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَ...» (العنکبوت، ۲۰). ترجمه: بگو ای پیامبر که بروید بروی زمین پس ببینید که کار خلقت چگونه آغاز شده است. و یا این قول الله ﷻ: «أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَتَكُونَ لَهُمۡ قُلُوبٞ يَعۡقِلُونَ بِهَآ أَوۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَا...» (الحج، ۴۶). ترجمه: آیا چرا گردش نمی‌کنند بروی زمین تا برای آنان قلبهایی باشد که توسط آن تعقل کنند یا گوشهایی باشد که توسط آن بشنوند.

برای سیر های علمی وقت و جای مناسب در نظر گرفته شده وطبق تقسیم وظایف، شاگردان به اجرای امور معین مؤظف ساخته شوند.

۷. جراید دیواری:

شاگردان از طریق جراید دیواری نهاد آموزشی به نشر انتاجات فکری خود می‌پردازند.

۸. تشکیل جمعیتهای دینی:

شاگردان از طریق جمعیت های مختلف دینی نهاد آموزشی خود می‌توانند فعالیتهای مختلفی را انجام دهند، مثلاً اجرای فعالیتهای مختلف از طریق جمعیت اصلاح و تعاون اجتماعی، جمعیت فرهنگی، جمعیت تنظیم امور مسجد، جمعیت ثقافت اسلامی، جمعیت نشراتی و غیره.

و سایر فعالیتهای درسی که در جریان درس در داخل صنف به طور انفرادی و یا گروپی اجراء می‌شود.

روشهای تدریس:

روشهای تدریس اولاً به دو نوع تقسیم می‌شود: روشهای تدریس عنعنوی و روشهای تدریس جدید. هرکدام از روشهای عنعنوی و روشهای جدید دارای اشکال و اقسام متفاوت است، به طور مثال انواع مشهور تدریس عنعنوی عبارت اند از روش القاء و لکچر، روش استنتاجی، روش استقرایی، روش محاوره یی، روش بحث و مناقشه و غیره. روشها و انواع مشهور تدریس جدید عبارت اند از روش پروژه یی، روش حل مشکلات، روش واحد ها و غیره.

ممیزهٔ مهم روش های عنعنوی اینست که در آن استاد اساس و محور تدریس را تشکیل داده و تدریس به اساس فعالیت او صورت می‌گیرد و این روشها را به نام روشهای استاد محوری نیز یاد می‌کنند ولی در روشهای جدید تدریس موضوع برعکس است یعنی شاگرد محور اساسی تدریس است و تدریس به اساس فعالیت شاگرد صورت می‌گیرد و این روشها را به نام روشهای شاگرد محوری نیز یاد می‌کنند. و قابل یاد آوری است که برخی از روشهای عنعنوی با برخی روشهای جدید تدریس در تداخل قرار می‌گیرد و از برخی جهات با هم مشابهت پیدا می‌کند.

اهمیت روش تدریس:

از نظر ما هر روش تدریس موفق بوده نمی‌تواند، صرف ما آن روش تدریس را موفق و مفید می‌دانیم که در آن به هر سه بُعد آموزش شاگردان (معلومات، مهارتها، و ذهنیت تطبیق) که از طرف علمای تعلیم و تربیهٔ امروزی به آن تأکید بیشتر می‌شود، توجه تام و کامل صورت گیرد.

استاد از چنان شیوهٔ تدریس استفاده کند که طی آن شاگردان بتوانند محتویات اساسی درس، مفاهیم، اصطلاحات و نظریات مربوط به آن را بدرستی بفهمند، به طور مثال در مضمون فقه در یکی از دروس آن فرایض، سنن و مستحبات وضوء را با تمام اصطلاحات، مفاهیم و اختلاف مذاهب بفهمند و کدام مشکل در فهم آن باقی نماند که این همه مربوط می‌شود به بُعد معلوماتی آموزش فعال ولی کار تعلیم و آموزش به اینجا خلاصه نمی‌شود، روش تدریس موفق و مفید زمینهٔ آن را نیز مساعد می‌سازد که با استخدام برخی مهارتها و فعالیتها آن را درک کرده و یاد بگیرند یعنی اولاً آن را فهمیده باشند و در فهم آن مشکل نداشته باشند و ثانیاً آن را درک، یاد و حفظ کنند، این مهارتها و فعالیتهای آموزشی می‌تواند به شکل فیزیکی انجام شود و یا به شکل ذهنی و هر کدام آنها یقیناً در حفظ و درک مطالب درس کمک می‌کند. اما باز هم کار در اینجا ختم نمی‌شود، روش تدریس موفق و مفید شاگرد را انگیزه می‌دهد تا در قبال این فهم و درک از محتوی درس، در مورد آن ذهنیت تطبیق نیز داشته باشد، او در جریان تدریس و آموزش فعال وضوء کردن را

عملاً یاد بگیرد و این را هم بداند که وضوء کردن در زندگی او چه نقش مفیدی را بازی می‌کند و چگونه او را در امر رعایت نظافت، حفظ الصحهٔ بدن، وجاهت در اجتماع و رشد شخصیت وی کمک می‌کند.

اگر در تدریس، شاگردان صرف به شنیدن و خواندن درس از روی کتاب مکلف ساخته شوند، آموزش کامل صورت نمی‌گیرد بلکه آنها تنها یک جزء آموزش فعال را بدست می‌آورند، استاد باید در تدریس خود چنان روشی را اختیار کند که در اثر آن شاگردان بتوانند هر سه جزء آموزش را بدست آورده، تمرین و تجربه کنند. حفظ کردن مطالب درس به سهم خود کار خوبست مشروط بر اینکه شاگردان قبلاً آن مطالب را فهمیده باشند ولی اگر شاگردان چیزی را حفظ می‌کنند که مفهوم آن را نفهمیده اند در حقیقت آموزش درست صورت نمی‌گیرد، محتوای هر درس از شاگردان می‌خواهد تا آن را بفهمند بعد درک و حفظ کنند و بعد آن را در زندگی خود تطبیق و عملی نمایند، هر درس از شاگردان خود می‌طلبد تا در سلوک و رویهٔ آنها تغییر مثبت ایجاد شود در غیر آن هدف اساسی آموزش بدست نمی‌آید، علمی که از آن در عمل کار گرفته نشود و به دنیا و آخرت انسان مفید نباشد در حقیقت یک شیء بیهوده است و حامل آن صرف اسفار آن را حمل نموده و خود را بی جهت به زحمت ساخته است.

روش تدریس موفق و مفید آن روشی است که در آن علاوه از ابعاد سه گانهٔ مذکور مستوی و سطح فهم، هوش و علاقمندی شاگردان نیز از نظر دور انداخته نشود، هر شاگرد استعداد آموزش و فراگیری را دارد ولی به شیوه های متفاوت، شاگرد واستاد در روش تدریس خود باید آن را جداً در نظر داشته باشد و با فعالیتهای متفاوت درسی می‌تواند معضلهٔ تفاوت قابلیتهای شاگردان را حل نماید.

این معضله در روش های تدریس عنعنوی و تاریخی حل نمی‌شود بلکه صرف در روشهای جدید تدریس حل شده می‌تواند چنانچه سه بعد متذکره آموزش فعال نیز در روشهای تدریس عنعنوی مورد توجه قرار نمی‌گیرد بلکه تنها روش جدید و فعال آموزش است که به این هر سه عملیهٔ آموزش (معلومات، مهارتها و ذهنیت تطبیق) اهمیت زیاد قابل است.
اگر ما روش عنعنوی تدریس را با روش موفق و مفید تدریس امروزی مقایسه کنیم نکات متفاوت ذیل را در بین آنها ملاحظه کرده می‌توانیم:
در روش عنعنوی شاگردان شنوندگان آرام و ساکتی هستند که صرف به حرفهای استاد خود گوش می‌دهند ولی در روش جدید شاگردان فعالیتهای متنوع اجرا کرده و حرکت می‌کنند.

در روش عنعنوی استاد صرف یک اندازه معلومات را به شاگردان خود منتقل می‌سازد ولی در روش جدید شاگردان تشویق می‌شوند تا خود تحت اشراف استاد خود بیاموزند.

در روش عنعنوی انضباط و نظم صنف بسیار خوب بوده و شاگردان وقت زیاد مصروف فعالیت ذهنی می‌باشند در حالیکه در روش جدید شاید صنف ظاهراً بی نظم به نظر آید ولی شاگردان جسماً و ذهناً بیشتر فعال می‌باشند.

در روش عنعنوی شاگردان به یک طرف صنف واستاد به طرف دیگر صنف قرار داشته و شاگردان صرف از استاد خود می‌آموزند ولی برعکس در روش جدید استاد در بین گروپهای شاگردان مصروف رهنمایی و همکاری بوده و شاگردان از یکدیگر خود نیز می‌آموزند.

در روش عنعنوی شاگردان خود را مجبور به آموزش احساس کرده و اکثراً درس برای شاگردان لایق ارائه می‌شود در حالی که در روش جدید شاگردان تحریک و تشویق به آموزش شده و استاد سویه های متفاوت شاگردان را در نظر می گیرد.

در روش عنعنوی استاد همیشه از معلومات شاگردان با عبارات چه چیز کی و چه وقت؟ جویا می‌شود در حالیکه در روش جدید سوالات استاد با عبارات چرا؟ و چطور؟ مطرح شده و هدف بیشر جستجوی علل و اسباب وقوع حوادث و چگونگی کیفیت موضوعات مطروحه می‌باشد. و از این قبیل تفاوتهای دیگر.

استادان محترم! در هر درس خود عملیه ها و ابعاد سه گانۀ آموزش فعال را در نظر گیرند و هر درس رابطۀ مستقیم با هدف آن درس و هدف کلی مضمون مربوطه و اهداف عمومی سیاست تعلیمی و تربیتی کشور داشته باشد. در روش تدریس موفق و مفید اهداف خاص و عام هر درس جداً در نظر گرفته می‌شود. روش موفق تدریس آن روشی است که در اثر آن شاگردان اشخاص تحلیلگر، کنجکاو و مبتکر بار آمده و مشکلات فردی، خانواده گی و اجتماعی خود را به‌خوبی حل کرده بتوانند، محیط، کشور، دنیا، ملت خود، ملل دیگر، دین و ثقافت اسلامی خود، دین و فرهنگ دیگران، گذشته، حال و آیندۀ ملت خود را بشناسند و هر کدام آن موضوعات را تحلیل منطقی نموده بتوانند. استاد در روش جدید تدریس خود باید شاگردان خود را متوجه سازد که آنها متعلق به یک ملت و یک کشور مستقل به نام افغانستان اند و این ملت و این کشور از آنها توقعات زیادی دارند تا آنها سبب پیشرفت اجتماعی و اقتصادی شده و بر ضد جهل، نادانی، فقر، تعصب و غیره مظاهر عقب مانده گی مبارزه کنند.

آنچه که گفته شد نشان می‌دهد که محتوای خوب و مفید درسی و انتخاب روش تدریس موفق و مفید امری است بس عظیم در آموزش، تعلیم و تربیۀ سالم اولاد وطن.

تجوید قرآن کریم صنف هفتم

الحمد لله الذی قال فی کلامه المجید و فرقانه الحمید:

«ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ» (سورة البقرة، آیه: ۱۲۱).

ترجمه: «کسانی که ایشانرا کتاب (قرآن) دادیم به حق آنرا می‌خوانند آن گروه به آن باور دارند». و ایضاً قال الله تعالی:

«وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ۝٤» (سورة المزمل، آیه: ۴).

ترجمه: «قرآن را به دقت و تأنی بخوان».

و قال رسول اللهﷺ: «ان الله یحبُّ أن یُقرأ القرآن غضاً کما أُنزل». (الجامع الصغیر، تألیف سیوطی، ج:۲، صفحه: ۲۹۷).
ترجمه: خداوندﷻ دوست دارد که قرآن کریم همان طوری که نازل شده تازه خوانده شود.

وهمچنان در حدیث شریف دیگر وارد است: «زیِّنوا القرآن باصواتکم» (سنن نسائی، ج: ۲، ص: ۱۷۹ از برأ بن عازبرضي الله عنه روایت شده است).
ترجمه: قرآن را باصداهای خود زینت بخشید.

ابن جزری در مقدمه کتاب «الجزریه» گفته است:

و هو حلیة التلاوة   و زینة الاداء و القراءة

ترجمه: تجوید زیور بخش تلاوت و جمال ادای حروف و قرائت است.

بنا بر آنچه که گفته شد برای همه مسلمانان لازم است تا در تلاوت قرآن کریم در حد امکان خود قواعد تجویدی را رعایت کنند.

ما درین بخش سه کتاب تجوید و قرآن کریم صنوف ۷-۹ مکاتب را انتخاب نموده و قواعد ضروری و نسبتا مغلق تجویدی آنها را طی نه درس و جلسه جداگانه با استفاده از کتاب تجوید رشته علوم دینی دارالمعلمین ها توضیح بیشتر خواهیم نمود:

جلسه اول

موضوع: علامات وقف

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- تمام علائم وقف را بفهمند.
- این علائم را درقرآن کریم عملی کرده بتوانند.
- به تطبیق این علائم علاقمند شوند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی، یک نسخه قرآن کریم، مثال و صفحه توضیحی کتاب درسی، چارت، جدول، و سایر مواد مورد نیاز، مانند تخته، مارکر و غیره.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت علایم وقف را بنویسد.
- مواد مورد ضرورت را تنظیم کند.
- آمادگی قبلی در مورد موضوعات جلسه را داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: ۱. آیا علایم وقف با نقطه گذاری تفاوت دارد؟ ۲. اگر در یک قسمتی از آیه کریمه علامه حرف ج را مشاهده کردید، چه کاری باید انجام دهید؟ ۳. آیا جزء، حزب، نصف و ربع آنرا میشناسید؟
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: ۱. چرا ما به فراگیری علم تجوید نیازمند هستیم؟ ۲. آیا در کتب علوم دینی صنف ششم به قواعد تجویدی روبرو شده اید؟ ۳. تا چه حد مطمئن هستیم که آیات قرآنی را به درستی تلاوت کرده میتوانیم؟
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی از تمام شاملین جلسه دعوت میکند تا بطور انفرادی مطالب مهم ذیل را در مورد علایم وقف بخوانند: اشتراک کنندگان علائم وقف را قبلا میدانند و ما در زبانهای ملی خود و یا هر زبان دیگر با

علائم وقف آشنایی داریم، ما این علائم را اکثرا بنام نقطه گذاری یاد میکنیم و عربها آنرا بنامهای علائم وقف، اصول ترقیم، اصول تنقیط و... یاد میکنند. در مصحف عثمانی قرآن کریم این علائم با شیوه خاصی در نظر گرفته شده است. این علائم در اکثر چاپهای قرآن کریم در اخیر از طرف مطابع مربوطه توضیح میگردد که استادان محترم میتوانند در آنجا ملاحظه کنند. هدف از حرف (م) لازم بودن وقف است که حرف اخیر کلمه لازم منظور است. کلمه (لا) در زبان عربی به معنی نهی است که درینجا هم به عدم وقف دلالت دارد. کلمه (صلی) علامه وقف جائز است ولی وصل در آن بهتر است که کلمه مذکور هم از ماده وصل میباشد. کلمه (قلی) هم علامه وقف جائز است اما وقف کردن درآن بهتر میباشد که کلمه مذکور از لحاظ حروف به اولی بودن وقف دلالت دارد. حرف (ج) به جائز بودن وقف اشاره میکند. پس لازم است شاگردان این همه علائم را به شکل تطبیقی قسمی یاد بگیرند که در هرجایی از قرآن کریم که یکی از آن علائم را میبینند بالفور عمل مطلوب آن علامه به ذهنش تداعی شود و آنرا فورا عملی سازند.

درین عنوان علامه موضع آغاز جزء (پاره)، حزب، نصف و ربع نیز آورده شده که شما آنرا میدانید. قرآن کریم به سی جزء مستقل تقسیم شده و دقت کنید که هر جزء به دو جزب (قسمت) تقسیم شده که قرآن کریم مجموعا حاوی ۶۰ حزب میباشد، و هر حزب به چهار ربع یا چهار قسمت تقسیم شده که ابتدای یک حزب را درحاشیه بغل صفحه مقابل آغاز آیه کریمه مطلوبه مثلا به این عبارت ذکر میکند (الحزب ۵۲) یعنی آغاز ربع اول این حزب است، بعد از مرور ربع اول حزب، این عبارت در حاشیه بغل صفحه ذکرمیشود (ربع الحزب ۵۲) و پس از گذشت ربع دوم نوشته می شود (نصف الحزب ۵۲) و بعد ازگذشت ربع سوم حزب نوشته میشود (ثلاثة ارباع الحزب ۵۲) یعنی سه ربع این حزب خاتمه یافت، و بعد ازین، ربع چهارم این حزب شروع میشود که درختم آن با علامه مذکور، در بغل صفحه اینطور نوشته میشود (الحزب ۵۳). و به این شکل تقسیمات احزاب ادامه میابد. پس اگر ۶۰ حزب را، ضرب ۴ ربع کنیم، مساوی میشود به ۲۴۰ قسمت. علامه ذکر شده در کتاب درسی شما، در این همه ۲۴۰ موضع قرآن کریم گذاشته شده است.

موضوعات و معلومات اضافی مرتبط به درس:

احکام وقف:

تعریف وقف:

وقف در لغت به معنی باز داشتن و جلوگیری نمودن و خود داری کردن است، «وَقَفَ الشَّیءَ» یعنی آن را باز داشت. و در اصطلاح: عبارت است از «قطع صدا از کلمه همراه با نَفَس کشیدن عادی به قصد از سرگرفتن قرائت به کلمهٔ ما بعد یا ماقبل مکان وقف».

فرق بین سکته و وقف وقطع:

سکته؛ عبارت از قطع صدا به زمانی کمتر از وقف است؛ بدون آنکه قاری در آن نَفَس بکشد. مقدار این سکت نزد حفص کم و لطیف است، چنانکه امام شاطبی رَحمة الله می‌گوید:

«وَسَکتَهُ حَفصٍ دُونَ قَطعٍ لَطِیفَةٌ... .»[1]

اما قطع؛ عبارت از منصرف شدن از قرائت و پایان دادن آن است و همچنین مشغول شدن به امر خارجی که هیچ را بطه ای با قرائت ندارد قطع به حساب می‌آید. بعضی از متقدّمان بین قطع و وقف فرق نمی‌گذارند و آن دو را به یک معنی استعمال می کنند.

قطع قرائت جزبر سر آیات جایز نیست، و قاری را شایسته نیست؛ قبل از پایان یافتن آیه از قرائت منصرف شود. ابن جزری در «النشر» با اسناد از عبدالله بن ابی الهذیل[2] روایت می کند که گفته: «هرگاه یکی از شما قرائت آیه ای را شروع کرد، آن را قبل از تمام شدن آیه؛ قطع نکند»[3] و اگر بعد از قطع قاری قصد قرائت کرد؛ استعاذه می کند.

اما وقف در وسط آیه جایز است، و غالباً بر اواخر تمامتر. و همچنین بعد از وقف؛ اگر قاری به امرخارجی مشغول نشود؛ استعاذه واجب نیست؛ اگرچه طول کشیده باشد.

شرح احکام وقف و ذکر بعضی از دلایل آن:

سنت رسول الله ﷺ – به وقف بر سر آیه ها وارد شده است.

(اُمّ سَلَمه رضی الله عنها در مورد قرائت رسول الله ﷺ – پرسیده شد، او در جواب گفت:

ایشان قرائت خود را از هم قطع می‌کردند: می‌فرمودند: «ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢﴾»

و می‌ایستادند، «ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٣﴾» و می‌ایستادند).

امام ترمذی این حدیث را روایت کرده است[4] و در روایتی نزد ابو داود آمده: ام سلمه گفت: «ایشان قرائت خود را آیه آیه قطع می‌کردند».

شناختن اماکن وقف از مُتَطَلَّبات فصاحت در کلام فصیحان است، چنانکه از مهمترین امور لازم در تجوید قرائت نیز می‌باشد.

دلیل اولی حدیثی است که امام مسلم و ابو داود و دیگران روایت کرده اند:

«سخنگویی در حضور رسول الله ﷺ چنین سخن گفت: (مَن یُطِعِ الله وَ رَسُولَهُ فَقَد رَشَدَ، وَ مَن

۱. متن شاطبیه؛ باب فرش حروف؛ سورة کهف.

۲. عبدالله بن أبی الهذیل از علمای مشهور واز قدهای تابعین، از ابّی و عمر و ابن مسعود و دیگران روایت دارد.

۳. النشر فی القراآت العشر، چاپ مصر، ج: ۱ ص ۲۳۹.

۴. جـامع ترمذی با تحفۀ الأ حوذی چاپ هند: ابواب القراإت عن رسول الله ﷺ، ج ۴ ص ۴۵۷ و سنن ابو داود با عون المعبود، چاپ هند، کتاب الحروف و القراإت، ج ۴ ص ۶۵.

یَعصِهِما فَقَد غَوی)[1].

رسول اللهﷺ خشمگین شدند و فرمودند: تو چی سخنران بدی برای این جماعتی»[2]

و در روایتی؛ امام ابو جعفر نَحّاس[3] با اسنادی که همهٔ رجال آن مورد اعتمادند؛ از عَدِیّ بن حاتمﷺ روایت کرده است که آن سخنگو بر «وَ مَن یَعصِهِمَا» ایستاد، و این وقف قبیح سبب انکار رسول اللهﷺ گردید[4].

و از دلیل دوّمی؛ حدیث حاکم[5] و بیهقی[6] از ابن عمرﷺ است که گفته: «ما در برهه ای از زمان زندگی کردیم که به هر یک از ما؛ ایمان قبل از قرآن داده می‌شد، سورة نازل می‌شد؛ حلال و حرام اوامر و زواجر و اماکن مناسب وقف آن را یاد می‌گرفت. اما حالا می‌بینم؛ شخص را قرآن قبل از ایمان داده می‌شود؛ از فاتحه تا آخر می‌خواند او امر، زواجر و اماکن وقف آن را نمی‌داند، و مانند خرمای پست نامرغوب آن را می‌پراکند».

ابن جزری در (النشر) از علی بن ابی طالبﷺ آورده است که دربارهٔ معنی ترتیل از آیـهٔ «وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلاً ۝٤» (سورهٔ المزل، ۴) از او سؤال شد، او در جواب گفت: ترتیل، تجوید حروف و شناخت اماکن وقف است.

اقسام وقف:

از آنجاییکه اطلاعات مربوط به وقف و شناختن اماکن مناسب آن؛ بر دانستن معانی و تفسیر آیات مترتّب است؛ دانشمندان بر حسب اختلافشان در تحقیق معانی؛ اقسام وقف را مختلف ذکر کرده اند، لکن به سبب تداخل آن تقسیمها؛ از چهار قسمی که ابو عمرو دانی و ابن جزری به ترتیب زیر یاد کرده اند؛ خارج نمی‌شود:

تام، کافی، حسن، قبیح.

در نتیجهٔ تتبّع و استقرای اقوال دانشمندان در این انواع و امثلهٔ آنها؛ دریافتیم که آنان با توجه به عبارتهای واقع در قبل و بعد موضع وقف؛ اماکن آن را تعیین کرده، نوع آن را مشخص می‌نمایند، و این امر مبنی بر بحث از سه رابطهٔ زیر، یا یکی از آنها است:

۱. رابطهٔ لفظی
۲. معنی خاص هر عبارت

---

۱. کسیکه فرمان خدا و رسول ببرد راه یافته و راشد است، و کسیکه نا فرمانیشان کند؛ گمراه.

۲. صحیح مسلم کتاب الجمعه ح : ۴۸ به تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی ۵۹۴/۲. و سنن ابو داود باعون المعبود کتاب الجمعه؛ باب الرجل یخطف علی قوس (چاپ هند ؛ ۱/ ۴۲۹.

۳. ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل مرادی از دانشمندان بزرگ لغت و تفسیر وادب و صاحب تصنیفهای فراوان بسال ۳۳۸ هـ ق وفات یافت.

۴. کتاب القاطع والإستئناف، از مخطوطات کتابخانهٔ عارف حکمت در مدینه منوره و ابن جزری نیز این حدیث را به اسناد خود در (التمهید) روایت کرده است.

۵. ابوعبدالله بن محمد بن حمدویه حاکم نیشابوری صاحب مستدرک بر صحیحین و علوم حدیث و تاریخ نیشا بور، در سال ۵: ۴،۵ هـ ق وفات یافت.

۶. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی فقیه محدث اصولی، صاحب السنن الکبری و کتب مهم دیگر، بسال: ۴۵۸ وفات یافت.

	۳. سیاق عام (موضوع) اگر هیچ رابطه ای بین دو عبارت نبود؛ و معنای خاص هر عبارت در نفس خود کامل بود؛ و به عبارت دیگری برای اتمام فایده احتیاج نداشت؛ و عبارت دوم؛ ابتدای موضوع جدیدی بود؛ وقف تام است. و اگر هنوز موضوع یکی است؛ وقف کافی است. و اگر دو عبارت با یکدیگر رابطهٔ لفظی دارند، و در معنی و سیاق عام نیز به یکدیگر مرتبطاند؛ لکن عبارت اولی در نفس خود؛ معنای مفیدی را تشکیل می‌دهد؛ وقف حسن است. و اگر دو عبارت به اندازه ای به یکدیگر احتیاج دارند که هیچکدام بدون دیگری، معنی مفیدی را نمی‌رساند؛ وقف قبیح است. درینجا مربی محترم از شاملین جلسه میخواهد تا مطالب فوق را با مطالب صفحه ۵ کتاب درسی مقائسه و مقارنه کنند.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. شاملین جلسه در چهار گروپ تنظیم و برای هر گروپ سوال اساسی مربوط به موضوعات مهم درس داده شود، و هم نتایج کار گروپی توسط نماینده هر گروپ ارائه گردد.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: ۱. هدف از علامات وقف چیست؟ و چرا رعایت این علایم در تلاوت قران کریم ضروری دانسته میشود؟ ۲. انواع وقف کدام است؟ و با کدام علایم از هم تفکیک میگردد. ۳. تقسیمات قران کریم به اجزاء و احزاب به چه شیوه صورت گرفته و با کدام علایم شناخته میشود؟

جلسه دوم

موضوع: حروفیکه با غنه و یا قلقله ادا میشوند

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملین الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مطالب مربوط به غنه و قلقله را بفهمند.
- حروف غنوی و قلقله دار را به درستی ادا کرده بتوانند.
- به ادای درست این حروف علاقمند شوند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی، یک نسخه قرآن کریم، تایپ ریکاردر، مثال و صفحه توضیحی کتاب درسی، چارت، جدول، و سایر مواد مورد نیاز، مانند تخته، مارکر و غیره.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت حروف غنوی و قلقله دار را بنویسد.
- مواد مورد ضرورت را تنظیم کند.
- آمادگی قبلی در مورد موضوعات جلسه را داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: ۱. آیا حروف غنوی با حروف قلقله دار تفاوت دارند؟ ۲. هدف از غنه و قلقله چیست؟ ۳. آیا صدای مخصوص غنه و قلقله را تشخیص نموده میتوانید؟
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: ۱. چرا ما به رعایت علامات وقف نیازمند هستیم؟ ۲. وقف در کدام وقت واجب و در کدام وقت جایز است؟ ۳. علایم وقف را به روی تخته بنویسید.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی از تمام شاملین جلسه دعوت میکند تا بطور انفرادی مطالب مهم ذیل را در مورد حروف غنوی و حروف قلقله دار بخوانند. **ادغام**: ادغام در لغت به معنی فرو بردن است، گفته می‌شود «أدغَمَ الفَرَسُ اللِّجَامَ فيِ فَيهِ» یعنی:

اسب لگام را در دهان خود فرو برد. و در اصطلاح: عبارت است از «فرو بردن حرف اولی در حرف دومی به شکلی که به یک حرف شددار تبدیل شوند».

فایدۀ ادغام آسان سازی است؛ زیرا در تلفظ دو حرف متماثل یا متقارب بطور جداگانه و اظهار هر کدام یک نوع سنگینی وجود دارد که به وسیلۀ ادغام تخفیف می‌یابد؛ بنابراین ادغام کننده دو حرف را در یک زمان تلفظ می‌کند؛ که اولی ساکن و دومی متحرّک است.

ادغام در همۀ حروف - غیر از حروف حلق - ممکن است.

اما نون ساکن زمانی که بعد از یکی از حروف که در کلمه «یرملون» جمع شده اند بیاید ادغام می‌شود و در دیگر حروف الفبا ادغام نمی‌شود، در چهار حرف: (یا، نون، میم و واو) باغُنّه، و در دو حرف: (لام، راء) بدون غنه.

قلب:

قلب در لغت چرخاندن چیزی از صورت اصلی آن است، و در اصطلاح تبدیل کردن «نون» ساکن به «میم» را قلب گویند، و فقط نزد «باء» حاصل می‌شود. این «میم» بوجود آمده؛ همراه با غنه در «باء» اخفا می‌شود، و فرق نمی‌کند «نون» و «باء» در یک کلمه یا در دو کلمه باشند، مثل: «الأَمنبِيَآء» – «مِنْم بعَد» – «عَلِيمُم بِذَاتِ الصُّدُورِ» – «مَشَّآءِم بِنَمِيمٍ».

قلقله:

قلقله در لغت؛ یعنی حرکت و اضطراب. و مقصود از آن در اینجا: به حرکت در آوردن مخرج همراه با صدا، بعد از انحباس و فشار بالای آنها است. زیرا اوّلاً صدا در مخرج حبس شده زیر فشار شدیدی قرار می‌گیرد، سپس با سرعت – در حالیکه لرزشی قوی در مخرج بجای می‌گذارد – آزاد می‌شود این لرزش را «قَلقَله» گویند.

حروف قلقله پنج تا است، در این مجموعه «قُطبُ جَدّ». چنانکه می‌بینیم همه از حروف جهر و شدتند. و این بدان علت است که گفتیم: باید قبل از قلقله؛ صدا و هوا در مخرج حبس شود.

موضوعات و معلومات اضافی مرتبط به درس:

مثالهای ادغام (باغنه) در جدول ذیل مذکور است:

یاء	إِنْ يَّشَأْ	وَإِنْ يَّرَوا	اَيَةً يُّعرِضُوْا
میم	مِنْ مَّالٍ	مِنْ مَّآءٍ مَّهِينَ	عَذَابٌ مُّقِيم
واو	مِنْ وَّاقٍ	مِنْ وَّلِيٍّ وَّلاَنَصِيرٍ	يَومَئِذٍ وَّاجِفَةٌ
نون	إِنْ نَّعفُ	مِنْ نَّذِيرٍ	شَيءٍ نُّكُرْ

	مثالهای ادغام بدون غنه: <table><tr><td>لام</td><td>مِنْ لَّدُنکَ</td><td>وَ مَنْ لَّم یَحْکُمْ</td><td>یَومَئذٍ لَّخَبِیْر</td></tr><tr><td>راء</td><td>مِنْ رَّبِّکَ</td><td>مِنْ رَّبِهّم</td><td>لَرَءُوفٌ رَّحِیْمُ</td></tr></table> درینجا مربی محترم از شاملین جلسه میخواهد تا مطالب فوق را با مطالب صفحه ۶ کتاب درسی مقائسه و مقارنه کنند.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	<u>فعالیت چهارم:</u> درینجا مربی محترم روشهای مختلفی را برای استحکام بهتر درس در ذهن اشتراک کنندگان، اجرا کرده میتواند، بطور نمونه: اگر مربی از یک اشتراک کننده لایق تقاضا کند تا راجع به این موضوع مطالب اساسی را روی تخته اتاق جلسه بنویسد و از اشتراک کنندگان دیگر نیز بخواهد تا برداشت های خود راجع به آن موضوع را در کتابچه های خود یاداشت کنند، بعد اگر مربی مطمئن شد که نوشته اشتراک کننده لایق درست است پس از همه اشتراک کنندگان بخواهد تا یاداشتهای خود را با نوشته تخته مقائسه و مقارنه کنند. و یا استفاده از روشهای دیگر.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	<u>فعالیت پنجم:</u> ۱. هدف از شناختن حروف غنوی و قلقله دار چیست؟ و چرا رعایت غنه و قلقله حروف در تلاوت قران کریم ضروری دانسته میشود؟ ۲. حروف غنوی کدام اند؟ و با کدام صوت از دیگر حروف تفکیک میگردند. ۳. تلفظ حروف قطب جد را در موارد مختلف آنها تکرار کنید.

جلسه سوم

موضوع: حروفیکه نمایانگر مد اند

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملین الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مطالب مربوط به مد را بفهمند.
- حروف مد دار را به درستی ادا کرده بتوانند.
- به ادای درست این حروف علاقمند شوند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی، یک نسخه قرآن کریم، تایپ ریکاردر، مثال و صفحه توضیحی کتاب درسی، چارت، جدول، و سایر مواد مورد نیاز، مانند تخته، مارکر و غیره.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت حروف مد دار را بنویسد.
- مواد مورد ضرورت را تنظیم کند.
- آمادگی قبلی در مورد موضوعات جلسه را داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: ۱. مد و قصر چیست و از هم چه فرق دارند؟ ۲. چند حرف محل وقوع مد میباشند؟ ۳. مد اصلی و مد فرعی چگونه از هم تفکیک میشوند؟
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: ۱. چرا ما به رعایت اصوات غنه و قلقله نیازمند هستیم؟ ۲. مجموعه قطب جد از کدام حروف تشکیل شده است؟ ۳. مخرج غنه در کجا موقعیت دارد؟
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی از تمام شاملین جلسه دعوت میکند تا بطور انفرادی مطالب مهم ذیل را در مورد مد و انواع آن بخوانند. اشتراک کننده محترم! ما مد و قصر هر دو را باید بشناسیم:

مـد در لغت به معنی طولانی کردن و بسیار ساختن و افـزودن است.
و در اصطلاح: کشیدن صدای حرف مد را؛ «مَدّ» می‌نامند.

و قصر در لغت به معنی حبس و باز داشتن است.
و در اصطلاح: برعکس مدّ، به معنی: اثبات حرف بدون افزودن صدای آن است.

محل وقوع مد فقط سه حرف است:

- الف که ما قبل آن فتحه باشد.
- واو (ساکنی) که ماقبل آن ضمه باشد.
- یای (ساکنی) که ماقبل آن کسره باشد.

در اصل؛ مقدار مد— در صورتی که قبل از سبب مقتضی زیادت واقع نشود— دو حرکت است. و از آنجاییکه از طبیعت حرف بر می‌خیزد، و ذات حرف بدون آن نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ آن را مد طبیعی می‌نامند و همچنین «مد اصلی» و «مد صیغه» نیز نامیده می‌شود. مثال: «قَالَ، قِيلَ، يَقُولُ، يَغشَىٰ، نُوْحِيْهَا».

هرگاه بعد از این حروف؛ سببی از اسباب مد بیاید؛ به مقدار اصلی آن افزوده می‌شود، و در این هنگام مدّ فرعی نامیده می‌شود.

مد (فرعی) اسباب لفظی و معنوی دارد، و اسباب لفظی مورد بحث ما است که آن دو سبب می‌باشد:
همزه و سکون. و زیر هر کدام انواع مختلفی از مد وارد می‌شود.

موضوعات و معلومات اضافی مرتبط به درس:

چنانچه قبلا تذکر رفت هرگاه بعد از حروف مد؛ سببی از اسباب مد بیاید؛ به مقدار اصلی آن افزوده می‌شود، و در این هنگام مدّ فرعی نامیده می‌شود.

مد (فرعی) اسباب لفظی و معنوی دارد، و اسباب لفظی مورد بحث ما است که آن دو سبب می‌باشد:

همزه و سکون: زیر هر کدام انواع مختلفی از مد وارد می‌شود:

اوّلاً– همزه:

ممکن است: همزه بعد از حرف مد و یا قبل از آن بیاید، و هرگاه بعد از حرف مد واقع شود؛ ممکن است: متصل بدان و در یک کلمه باشد و ممکن است منفصل از آن و در کلمهٔ دیگری باشد:

۱. واجب متصل:

مد واجب متصل؛ مدی است که حرف مد و سبب آن – یعنی همزه در یک کلمه، متصل بهم قرار گرفته باشند، و بدین سبب آن را متصّل می‌نامند، و از آنجاییکه همهٔ قُرّاء بر وجوب

کشیدن آن متفقند؛ آن را واجب گفته اند، اگرچه در مقدار کشیدن آن اختلاف دارند، ابن جزری در کتاب خود «النشر» گوید. در مورد قصر (نکشیدن) مد متصل بررسی نمودم، اما کسی را نیافتم که آن را نکشیده باشد، نه در قرائت صحیح و نه در قرائت شاذ. بلکه از ابن مسعود؛ نص برکشیدن آن را دیدم[1].

حکم این مد: کشیدن به مقدار چهار یا پنج حرکت است. مثال: «جَآءَ، شَآءَ، جِیْءَ، سِیْءَ، السُّوْءَ، قُرُوءُ، النَّسِیءُ، الْمَلٰئِکَة، أُولٰئِکَ».

۲. جایز منفصل:

مدّ جایز منفصل؛ مدّی است که حرف مد و سبب آن – همزه – از هم جدا است، و هر کدام در کلمه ای قرار دارد. مثال: «مَآأُنْزِل، یأَیُّهَاالَّذِیْن آمَنُوْا، قُوْا أَنفُسَکُمْ، اتَّبِعُونِی أَهْدِکُمْ».

سبب تسمیهٔ این مد به: منفصل؛ جدا بودن همزه از حرف مد، و سبب تسمیهٔ آن به جایز؛ جواز قصر و مد آن است. اما روایت از عاصم: کشیدن آن به مقدار چهاریا پنج حرکت است[2] و ابن جزری گفته که از حفص به چند طریق روایت دارد که قصر می‌کرده است.

اما اگر همزه قبل از حرف مد آید؛ آن را مد بدل گویند، مثل: «ءَادَم، ءَازَر، أُوتُوا، إِیمَانًا».

این مد را بَدَل می‌نامند، زیرا حرف مد آن؛ بدل از همزهٔ ساکنی است که در مثل این کلمات تبدیل به «الف» یا «واو» یا «یاء» شده، چراکه اصل آنها: «أَأْدَم، أَأْزَر، أُوأْتُوا، إِئْمَاناً» است. مقدار این مد دو حرکت است، مثل مد طبیعی.

ثانیاً- سکون:

سکونی که بعد از حرف مد می‌آید؛ ممکن است: لازم یا عارض باشد، و بر حَسب این؛ مد به دو نوعِ: لازم و عارض تقسیم می‌شود:

۱. مـــد لازم:

لازم؛ عبارت از مدی است که سکون بعد آن همیشه موجود است، یعنی هیچ وقت از بین نمی‌رود؛ چه در حالت وصل و چه در حالت وقف.

این مد چهار نوع است:

۱. لازم کلمی مثقل و قاعدهٔ آن: آمدن حرف ساکن بعد از حرف مد؛ (در کلمه) همراه با ادغام یا تشدید است. مثل: «تَأْمُرُونِّیْ، ءَآمِّیْنَ الْبَیْتَ، ءَآلذَّکَرَیْنِ، ءَآللهُ، أَتُحَآجُّونِّیْ، الصَّآخَّة، وَلا الضَّآلِّین».

آن را کلمی گفته اند: بخاطر اینکه حرف مد در کلمه آمده، و مُثَقَّل گفته اند؛ بخاطر اینکه بعد

---

۱. النشر؛ ج: ۱، ص: ۳۱۵ ، و حدیث را با اسناد آورده است.

۲. باید توجه داشت که مصحفهای متداول طبق روایت شاطبی از حفص از عاصم ضبط شده که کشیدن مد منفصل است، و برروایت ابن جزری از حفص در قصر منفصل؛ اموری مترتب می شود که عالمان به علم قرائت آن را میدانند لذا باید از نکشیدن مد منفصل خود داری کرد.

<table>
<tr><td>

از مد؛ ادغام یا تشدید آمده است.

۲. لازم کلمی مُخَفَّف: و قاعدۀ آن: آمدن حرف ساکن بعد از حرف مد؛ بدون ادغام و تشدید است. از این نوع فقط یک کلمه وجود دارد: «ءَآلئِنَ» که برای استفهام بکار رفته، و در دو جا از سورۀ (یونس) آمده است.

«ءَآلۡـَٔـٰنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٩١﴾»[1].

۳. لازم حرفی مُثَقَّل: و فقط در حروف مُقطَّعۀ اوایل سوره ها آمده است، هرگاه ساکنِ لازِم بعد ازحرف مد؛ همراه با ادغام باشد، مثال: «الٓمٓ ﴿١﴾، طسٓمٓ ﴿١﴾».

۴. لازم حرفی مُخَفَّف: هرگاه ساکن بعد از حرف مد؛ خالی از ادغام باشد؛ مثال:

« نٓ ، قٓ ، صٓ ، يسٓ ، حمٓ »

کشیدن جمیع انواع مد لازم به مقدار شش حرکت؛ واجب است. این مقدارِ کشیدن را در تجوید؛ طول یا اِشباع می‌نامند، و نزد همۀ قاریان وجود دارد.

۲. مَدّ عارض:

هــرگاه سکون بعد از حرف مد به سبب وقف عــارض شود؛ مد عارض بوجود آید؛ مثل: «مَئَاب، تَعلَمُونَ، الخُرُوج، مُنِيب، شَهِيد».

در این مد سه وجه جایز است: قَصر (= مد طبیعی = دو حرکت)، و تَوَسُّط (= چهار حرکت)، و اشباع (= شش حرکت).

۳. مدّ لِین:

هرگاه دو حرف «واو» و «یاء» ساکنِ ما قبل مفتوح باشند حرف لین خوانده می‌شوند. در این دو حرف در حالت وصل هیچ مدّی وجود ندارد، و کشیدن آنها ممنوع است لکن اگر بر مابعد آنها وقف شود؛ حکم مد عارض را به خود می‌گیرند، و در آنها همان سه وجه جایز است، مثل: «المَوْت، خَوْف، البَيْت، شَيْء».

درینجا مربی محترم از شاملین جلسه میخواهد تا مطالب فوق را با مطالب صفحه ۷ کتاب درسی مقائسه و مقارنه کنند.

</td><td></td></tr>
<tr><td>

<u>فعالیت چهارم:</u>

درینجا مربی محترم روشهای مختلفی را برای استحکام بهتر درس در ذهن اشتراک کنندگان، اجرا کرده میتواند، بطور نمونه: مربی محترم یک یک ورق ای فور را به اشتراک کنندگان توزیع نموده و از آنان بخواهد تا موضوعات اساسی و نکات کلیدی درس فوق را

</td><td>تعمیق و استحکام مطالب درس
۱۵ دقیقه</td></tr>
</table>

[1] سورة یونس، آیة : ۹۱.

	بنویسند، بعد از ارائه، نوشته های آنها را باهم مقایسه کند.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: برای حصول اطمینان از اینکه اشتراک کنندگان، مطالب درس را بخوبی یاد گرفته اند میتوانید با طرق مختلف، آنان را ارزیابی کنید، مثلا از طریق طرح یک یا چند سوال، قرائت آن آیات کریمه که در آن موضوعات این عنوان آمده باشد، چگونگی تطبیق عملی موضوعات این عنوان، شرح موضوعات کلیدی درس، حل مسائل مغلق، خلاصه کردن مطالب درس توسط آنها و... و... .

تجوید قرآن کریم صنف هشتم

جلسه اول

موضوع: مخارج برخی از حروف قریب المخرج

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملین الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مطالب مربوط به مخارج حروف را بفهمند.
- حروف هجای عربی را به درستی در مخارج مربوطه آنها تلفظ کرده بتوانند.
- به تلفظ درست حروف هجای عربی علاقمند شوند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی، یک نسخه قرآن کریم، تایپ ریکاردر، مثال و صفحه توضیحی کتاب درسی، چارت، جدول، و سایر مواد مورد نیاز، مانند تخته، مارکر و غیره.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت حروف قریب المخرج را بنویسد.
- مواد مورد ضرورت را تنظیم کند.
- آمادگی قبلی در مورد موضوعات جلسه را داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: ۱. مخارج حروف لسانی، حلقی، شفوی و غنوی در کجا موقعیت دارند؟ ۲. چرا ما به شناخت دقیق مخارج حروف هجای عربی نیازمند هستیم؟ ۳. دندانها نظر به موقعیت به چند دسته تقسیم میشوند؟
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: ۱. چرا ما به شناخت و رعایت مد درحروف نیازمند هستیم؟ ۲. مد و قصر از هم چه تفاوت دارند؟ ۳. حروف مد کدامها اند؟ مد اصلی و مد فرعی را ازهم تشخیص دهید؟
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی از تمام شاملین جلسه دعوت میکند تا بطور انفرادی مطالب مهم ذیل را در مورد حروف قریب المخرج بخوانند. اشتراک کننده محترم! درین درس باید مخارج حروف هجای عربی را بشناسیم: مخارج حروف عبارت اند از لسانی، حلقی، شفوی و غنوی.

قبل از آنکه مخارج حروف بیان شود لازم است حروف را از لحاظ اصلی بودن و فرعی بودن آنها بشناسیم:

حروف اصلی:

تعداد حروف اصلی بیست و هشت است، این در صورتی است که «الف» ممدودهٔ لَیّنه را فرع «همزه» بدانیم. اما اگر آن را حرفی مستقل بدانیم؛ تعداد حروف اصلی بیست و نه می‌شود.

حروف فرعی:

غیر از حروف اصلی؛ حروف فرعی دیگری نیز وجود دارد، و ضابطهٔ شناسایی آنها این است که بگوییم: حرف فرعی حرفی است که بین دو مخرج متردد باشد، ابن جزری هشت حرف فرعی را در کتاب (النشر) نام برده است که بطور نمونه دو حرف آنها را ذیلا ذکرمیکنیم:

۱. «صاد مخلوط به زای» در مثل: «الصراط» «أصدَقُ» که در بعضی قراءآت مخلوط باصدای «زای» تلفظ می‌شود.
۲. «نون اخفا شده» که مخلوط با صدای حرف بعدی تلفظ می‌شود. مانند: «فَمَن شَآءَ اتَخَذَ».

مخرج:

مقصود از مخرج؛ جای خارج شدن حرف از دهان و حلق است.

محققان تعداد مخارج حروف را «هفده» دانسته اند، خلیل بن احمد بر این قول تأکید کرده است، و ابن جزری آن را ترجیح داده است.

و سیبویه و اصحابش؛ تعداد مخرجها را «شانزده» می‌دانند، زیرا نزد آنان «الف» جوفی و «همزه» از یک مخرج تلفظ می‌شود.

و فَرَّاء و اصحابش می‌گویند: تعداد آنها «چهارده» است؛ زیرا نزد آنان مخرج «لام و نون و راء» یکی است.

مخرجها (بطور کلّی) در پنج جا وجود دارند:

«جَوف دهن، حلق، زبان، لب، خیشوم».

۱. جوف دهن:

مقصود از جوف فضای ممتد از حلق به طرف دهان است؛ که بنابراین مخرج غیر محدودی است، و از آن سه حرف زیر تلفظ می‌شود.

- «الف» لَینّهَ. مانند: مَا شَآءَ.
- «واو» ساکنی که قبل از آن ضمّه باشد. مانند: هُوداً.
- «یای» ساکنی که قبل از آن کسره باشد. مانند: نُوْحِیْهَا.
- این حرفها همراه با بیرون آمدن نفس ازششها تلفظ می‌شوند، و تا انقطاع صدا در خارج دهن ادامه دارند و از آنجاییکه صدای آنها همه این مخرج را در بر می‌گیرد و مشقتی در تلفظ آنها احساس نمی‌شود از این جهت حروف «مد و لین» نامیده شده اند.

۲. حلق:

در حلق سه مخرج وجود دارد:

أ- تَه «آخر» حلق: یعنی آخر آن به طرف سینه که مخرج «همزه و هاء» است.

ب- وسط حلق: مخرج «عین و حاء».

ج- اوّل حلق: یعنی نزدیکترین جزء آن به دهن که «غین و خاء)» از آن تلفظ می‌شود.

۳. زبان:

در زبان ده مخرج هست که به ترتیب عبارتند از:

أ- تَهِ زبان: یعنی آخر آن از طرف حلق و از بین آن و آخر سقف (کام بالا) دهان «قاف» تلفظ می‌شود.

ب- بعد از مخرج – قاف؛ مخرج «کاف» قرار دارد، ولی محل اداء آن کمی به طرف دهان نزدیک تر است.

ج- وسط زبان همراه با وسط سقف دهان؛ و از آنجا سه حرف «جیم، شین، یاء» تلفظ می‌شود.

د- پشت آخر زبان، با چسپیدن به بُنِ (بیخ) دندانهای پیش بالا؛ یعنی قسمتی از لثه (بیره) که دندانهای پیش در آن فرو رفته است.

بعضی از اهل تجوید از این مخرج به: «پشت آخر زبان» تعبیر می‌کند و قصد آنان: آخر زبان به طرف پشت آن است.

از این مخرج سه حرف: «طا، دال، تاء» تلفظ می‌شود. «طاء»؛ با انطباق و بالا رفتن زبان به طرف سقف دهان (کام بالا)، و «دال و تا» بدون بالا رفتن زبان.

ه- با پشت آخر زبان، لکن با چسپیدن به نوک دندانهای پیش بالا؛ که ازآن «ظاء» با بالا رفتن زبان تلفظ می‌شود و «ذال و ثاء» بدون بالا رفتن آن.

و- آخر زبان با – چسپیدن به بُنِ دندان های پیش بالا. از این مخرج «نون» تلفظ می‌شود.

ز- همین مخرج. سابق؛ لکن کمی نزدیک تر به پشت زبان، و بدون چسپیدن به دندانهای پیش؛ ولی خیلی نزدیک به انها که گویی نزدیک است بچسپد، این مخرج «راء» است.

ح- نوک زبان؛ یعنی جزئی که به طرف لبها است؛ با نزدیک شدن به دندانهای پیش، به شکلی که نزدیک است بدان بچسپد، امّا کمی فاصله باقی می‌ماند تا هوا و صدا از آن بگذرد.

از این مخرج سه حرف «صاد، زای، سین» تلفظ می‌شود، با توجه به اینکه «صاد» همراه

با بالا رفتن زبان تلفظ می‌شود و «زاء» و «سین» بدون بالا رفتن آن.

ط- کنار زبان؛ یعنی یکی از دو پهلوی آن، همراه با دندانهای آسیابی که در موازات آن قرار دارد می‌توان کنار راست زبان، یا کنار چپ آن را به دندانهای موازی چسپاند و یا هر دو کنار را به هر دو طرف. از این مخرج که مشکلترین مخرج است؛ «ضاد» تلفظ می‌شود.

ی- کنار زبان به طرف پیش: این مخرج از نزدیک مخرج «ضاد» در کنار زبان شروع شده، و تا آخر آن به طرف جلو ادامه دارد، یعنی به موازات دندانهای رباعی و نیش. این مقدار از کنار زبان به این دندانها از داخل می‌چسپد تا از آن «لام» تلفظ شود. از بین مخارج حروف؛ این مخرج از همه وسیعتر است، به اندازه ای که نزدیک است به مخرج «راء» متصل شود؛ لذا گمان کرده‌اند: مخرج لام شامل همهٔ اینها است. و قبلاً گفتیم: فرّاء، مخرج سه حرف: «لام، راء، نون» را یکی می‌داند؛ یعنی: آخر زبان با چسپیدن به بن دندانهای پیش.

با تأمّل ملاحظه می‌کنیم که مخارج این حروف خیلی نزدیک یکدیگر است و این چنین حروف را حروف قریب المخرج میگویند.

٤. لب:

در لبها دو مخرج هست:

١. شکم لب پایینی با چسپیدن به نوک دندانهای پیش بالا؛ که مخرج «فاء» است، به شرط اینکه التصاق نوک دندانها محکم نباشد تا بگذارد هوا از بین آنها بگذرد.
٢. بین دو لب: از این مخرج «واو» بدون چسپیدن لبها به یکدیگر تلفظ می‌شود، و «میم و با» با انطباق لبها.

٥. خیشوم:

خیشوم عبارت از آخر «نرمهٔ» بینی است، و مخرج «غُنَّه». غنّه از صفات حروف است، ولی بعلت استقلال مخرجش در این باب از آن یاد می‌شود، زیرا مخرج آن از مخرج «نون و میم» که غنه از صفات آنها است جدا است.

غنه در نون و میم در حالت تشدید و اخفا و اکثر صورتهای ادغام ظاهر می‌شود.

موضوعات و معلومات اضافی مرتبط به درس:

دندانهـا:

از آنجاییکه دندانها رابطهٔ شدیدی به مخارج حروف دارند؛ مناسب است یک مقدار دربارهٔ آنها نیز صحبت کنیم:

تعداد دندانهای انسان – در نهایت رُشد – به سی و دو می‌رسد؛ که به ترتیب زیر نامگذاری و تقسیم می‌شوند:

	۱. ثنایا (دندانهای پیش)؛ چهارتا؛ در هر آرواره (رسته بیره ها) دوتا. ۲. رَبَاعِیّات (دندانهای بعد از پیش) چهارتا؛ در هر آرواره دو تا. ۳. اَنیاب (دندانهای نیش). ۴. ضَوَاحِک (دندانهای بعد از نیش)؛ اولین دندانهای آسیاب؛ چهارتا؛ در هر آرواره دو تا. ۵. طَوَاحِن (دندانهای آسیاب)؛ دوازده تا؛ در هر آرواره شش تا. ۶. نَوَاجِذ (دندانهای عقل)؛ آخرین دندانهای آسیاب؛ چهارتا؛ در هر آرواره دو تا. درینجا مربی محترم از شاملین جلسه میخواهد تا مطالب فوق را با مطالب صفحه ۹ کتاب درسی مقائسه و مقارنه کنند. و هم با گروپهای دو نفری مخارج حروف، حروف قریب المخرج، اقسام دندانها و دیگر موضوعات مهم این درس را بخوبی تشخیص کنند.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: درینجا مربی محترم روشهای مختلفی را برای استحکام بهتر درس در ذهن اشتراک کنندگان، اجرا کرده میتواند، بطور نمونه: مربی محترم اشتراک کنندگان را در چند گروپ تنظیم و بعد هر یکی از موضوعات: حروف اصلی و فرعی، حروف قریب المخرج و اقسام دندانها را به هر گروپ، معین نماید تا راجع به آن موضوعات بین خود تبادل نظر کنند وبعد نماینده هر گروپ نظر گروپ خود را ارائه کند. و در اخیر مربی توضیحات لازم خود را در هر مورد ضروری داشته باشد.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: برای حصول اطمینان از اینکه اشتراک کنندگان، مطالب درس را بخوبی یاد گرفته اند میتوانید با طرق مختلف، آنان را ارزیابی کنید، مثلا از طریق طرح یک یا چند سوال، قرائت آن آیات کریمه که در آن موضوعات این عنوان آمده باشد، چگونگی تطبیق عملی موضوعات این عنوان، شرح موضوعات کلیدی درس، حل مسائل مغلق، خلاصه کردن مطالب درس توسط آنها و... و... .

جلسه دوم

موضوع: تفخیم (پر) و ترقیق (باریک) خواندن راء

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملین الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مطالب مربوط به تفخیم و ترقیق حرف راء را بفهمند.
- این هر دو حالت حرف راء را به درستی ادا کرده بتوانند.
- به ادای درست این حرف در هردو حالت علاقمند شوند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی، یک نسخه قرآن کریم، تایپ ریکاردر، مثال و صفحه توضیحی کتاب درسی، چارت، جدول، و سایر مواد مورد نیاز، مانند تخته، مارکر و غیره.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت جاهای تفخیم و ترقیق حرف راء را بنویسد.
- مواد مورد ضرورت را تنظیم کند.
- آمادگی قبلی در مورد موضوعات جلسه را داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: آیا این درست است که حرف راء: ۱. ممکن است در حالت وقف یا وصل باشد. ۲. ممکن است در اول کلمه، یا وسط آن، و یا آخر آن باشد. ۳. ممکن است دارای چهار حالت باشد.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: ۱. چرا ما به شناخت حروف قریب المخرج نیازمند هستیم؟ ۲. مخارج در کدام قسمتهای لب، دهن و حلق قرار دارند؟ ۳. چرا در علم تجوید به شناخت اقسام دندانها ضرورت است؟
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی از تمام شاملین جلسه دعوت میکند تا بطور انفرادی مطالب مهم ذیل را در مورد حروف تفخیم و ترقیق حرف راء بخوانند. اشتراک کننده محترم «راء» چندین حالت دارد:

- ممکن است در حالت وقف یا وصل باشد.
- ممکن است در اول کلمه، یا وسط آن، و یا آخر آن باشد.
- در این دو حالت ممکن است: متحرک به ضمه، یا فتحه، یا کسره، و یا ساکن بعد از ضمه، یا فتحه، و یا بعد از کسره باشد.

در همهٔ این حالتها «راء» دارای چهار حکم است:

(تَفخِیم، تَرقِیق، رَوم و اِشمَام).

اوّلاً– تفخیم: در لغت بزرگ ساختن را گویند و در اصطلاح تجوید بصورت غلیظ و پرخواندن حرف های«راء» و «لام» است که به تفصیل ذیل بیان می‌شود:

«راء» در هفت مورد تفخیم می‌شود:

۱. هرگاه متحرّک به ضمه باشد، مثل: حرف راء در کلمات:
«رُزِقنَا، رُبَمَا، رُحَمَآءُ».

۲. هرگاه متحرک به فتحه باشد، مثل:
«بِرَبّکُم، رَحمتُ رَبّکَ، رَءا ی کَوکَباً».

۳. هرگاه ساکن بعد از ضمه باشد، مثل: حرف راء در کلمات:
«فَاهجُر، لاَ تَکفُر، أنِ اشکُر».

۴. هرگاه ساکن بعد از فتحه باشد، مثل: حرف راء در کلمات:
«وَارزُقنَا، وَارحَمنَا».

۵. هرگاه ساکن بعداز حرف ساکنی – غیر – «یاء» واقع شود، و قبل از آن ساکن، فتحه یا ضمه باشد، مثل: حرف راء در کلمات:
«الأُمُورُ، لَفِی خُسرٍ».

۶. هرگاه ساکن بعداز کسرهٔ عارض (= غیر اصلی) باشد، مثل: حرف راء در کلمات
«أمِ ارتَابُوا، لِمَنِ ارتَضَی».

۷. هرگاه ساکن بعد از کسرهٔ اصلی باشد، لکن بعد از آن در همان کلمه حرفی از حروف استعلاء قرار داشته باشد. از این نوع پنج کلمه در قرآن کریم آمده است:
– «قِرطَاس» در سورهٔ الانعام. (آیه ۷)
– «فِرْقَة» و «إرْصاداً» در سورهٔ التوبه. (آیه های ۱۲۲ و ۱۰۷)
– «مِرْصَاداً» در سورهٔ النبأ. (آیه ۲۱)
– «لَبِا لمِرْصَادِ» در سورهٔ الفجر. (آیه ۱۴)

ثانیاً– ترقیق: در لغت نرم و نازک کردن را گویند و در اصطلاح تجوید حرف های «راء و

لام» را به آواز نرم و نازک تلفظ کردن را می‌گویند و در مثال های ذیل عملی شده است.

موارد ترقیق «راء» پنج است:

۱. هرگاه «راء» متحرّک به کسره باشد؛ مطلقاً ترقیق می‌شود – چه در اول کلمه، و چه در وسط، و چه در آخر آن؛ مثل: «وَأنذِرِ النَّاسَ، وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ».

۲. هرگاه «راء» ساکن بعد از کسرهٔ اصلی همان کلمه باشد، بشرط اینکه در همان کلمه بعد از «راء» حـرفی از حروف استعلا نباشد؛ مثل: «فِرعَون، شِرعَة، الفِردَوس، مِريَة، شِرذِمَة».

۳. هرگاه « راء » ساکن آخر کلمه و بعد از حرفی ساکن – غیر «یاء» واقع شده باشد که قبل از آن کسره است، مثل: «الذِّكرْ، السِّحر، الشِّعر».

این حالت فقط در صورت وقف بر «راء» حاصل می‌شود. اما در حالت وصل؛ حکم «راء» برحسب حرکت آن است.

۴. هرگاه «راء» ساکن آخر کلمه بعد از «یاء» ساکن باشد، مثل:
«قَدِير، نَذِير، نكِيْر».
این حالت نیز فقط در هنگام وقف صورت پذیراست.

۵. هرگاه «راء» ساکن بعد از کسرهٔ اصلی و قبل از حرف استعلاء، لکن منفصل از آن (در اول کلمهٔ بعدی) واقع شود؛ مثل: «فَاصبِرْ صَبْراً، أن أنذِرْ قَومَكَ، وَلاَتُصعِّرْ خَدَّ كَ».

ثالثاً- رَوم: درلغت کم کردن است و در اصطلاح تجوید مقصود از روم: تلفظ به کمی از کسره یا ضمه در حالت وقف است.
(این حکم مخصوص «راء» نیست) و بر سایر حروف نیز وارد می‌شود.

بنابراین هرگاه بر «راء» در مثل: «إِذَا يَسْرِ» و «تُرْجَعُ الأُمُورُ» وقف شود، جایز است با رَوم به حرکت اشاره شود، و همچنین اگر بر «نون» یا حروف دیگر وقف شود، مثل: «نَستَعِينُ، بِمَجنُونٍ».

رابعاً- اشمام: در لغت بویاندن است و در اصطلاح تجوید مقصود از اشمام: (اشاره کردن به ضمه – بدون صدا) با جمع کردن دو لب هنگام وقف به سکون، فقط بر حرف ضمه دار است.

موضوعات و معلومات اضافی مرتبط به درس:

تَکـریـر:

در لغت تکرار کردن و در اصطلاح تجوید تکریر فقط در «راء» موجود است، یعنی: هنگام تلفظ آن آخر زبان ثابت نمی‌ماند؛ بلکه می‌لرزد. بر اثر این لرزش صدا مُتَمَوّج می‌شود و بدون شدت و فشار از مخرج عبور می‌کند.

	«راء» قابلیت فراوانی برای زیادت تکریر دارد، و اگر از آن جلوگیری نشود، لرزش زبان زیاد شده و چندین «راء» بوجود می‌آید. این امر بعضی از مُجَوِّدین را واداشته تا بگویند: باید مواظب تکریر بود. و قصدشان جلوگیری از زیادت آن است. ابن جزری در «التمهید» می‌گوید: «باید تکریر را در قرائت اخفا کرد»[1]. موصوف می‌گوید: طریقۀ اخفای تکریر آن است که انسان بگذارد بعد از آنکه آخر زبانش موازی بُن دندانهای پیش شد؛ یکبار لرزش لطیف و سبکی از خود نشان دهد، سپس آن را بچسباند تا از استمرار تکریر جلوگیری شود. هنگامی که «راء» تشدید دارد، این صفت در آن واضح تر است، لذا باید بر عدم زیادت تکریر حریص بود، مانند: «وَ خَرَّ مُوسی» «أَشَدُّ حَرّاً» «الرَّحمَنِ الرَّحِیمِ». درینجا مربی محترم از شاملین جلسه میخواهد تا مطالب فوق را با مطالب صفحه ۱۰ کتاب درسی مقائسه و مقارنه کنند. وهم با گروپهای دو نفری حالات تفخیم و ترقیق حرف راء و دیگر موضوعات مهم این درس را بخوبی تشخیص و تمرین کنند.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: درینجا مربی محترم روشهای مختلفی را برای استحکام بهتر درس در ذهن اشتراک کنندگان، اجرا کرده میتواند، بطور نمونه: مربی محترم اشتراک کنندگان را در چند گروپ تنظیم و بعد هر یکی از موضوعات مربوط به تفخیم و ترقیق حرف راء را به هر گروپ، معین نماید تا راجع به آن موضوعات بین خود تبادل نظر کنند و بعد نماینده هر گروپ نظر گروپ خود را ارائه کند. و در اخیر مربی توضیحات لازم خود را در هر مورد ضروری داشته باشد.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: برای حصول اطمینان از اینکه اشتراک کنندگان، مطالب درس را بخوبی یاد گرفته اند میتوانید با طرق مختلف، آنان را ارزیابی کنید، مثلا از طریق طرح یک یا چند سوال، قرائت آن آیات کریمه که در آن موضوعات این عنوان آمده باشد، چگونگی تطبیق عملی موضوعات این عنوان، شرح موضوعات کلیدی درس، حل مسائل مغلق، خلاصه کردن مطالب درس توسط آنها و... و... .

۱. التمهید (طبع مصر سال ۱۳۲۶، ص: ۲۸).

جلسه سوم

موضوع: حکم لفظ جلاله

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملین الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مطالب مربوط به احکام لام لفظ الله ﷻ را بفهمند.
- تفخیم و ترقیق لام لفظ الله ﷻ را به درستی ادا کرده بتوانند.
- به ادای درست این دو حالت لام لفظ الله ﷻ تمایل نشان دهند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی، یک نسخه قرآن کریم، تایپ ریکاردر، مثال و صفحه توضیحی کتاب درسی، چارت، جدول، و سایر مواد مورد نیاز، مانند تخته، مارکر و غیره.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت جاهای تفخیم و ترقیق لام لفظ جلاله را بنویسد.
- مواد مورد ضرورت را تنظیم کند.
- آمادگی قبلی در مورد موضوعات جلسه را داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: به دقت بخوانید: از آنجاییکه «لام» از حروف استفال است در اصل ترقیق می‌شود، بجز در دو حالت لفظ جلاله (الله) که تفخیم می‌شود: ۱. هرگاه بعد از فتحه واقع شود؛ مانند: «قَالَ اللهُ، شَهِدَاللهُ». ۲. هرگاه بعد از ضمه واقع شود؛ مانند: «یَقُولُ اللهُ، قَالُو اللهُمَّ».
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: ۱. چرا ما به شناخت حالت تفخیم و ترقیف حرف راء نیازمند هستیم؟ ۲. حالات تفخیم حرف راء را تشخیص دهید؟ ۳. حالات ترقیق حرف راء را تشخیص کنید؟
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی از تمام شاملین جلسه دعوت میکند تا بطور انفرادی مطالب مهم ذیل را در مورد احکام

لام لفظ جلاله بخوانند.

اشتراک کننده محترم حرف (لام) دارای احکام چهارگانه ذیل است:

اول– ترقیق و دوم– تفخیم (تغلیظ) است:

از آنجاییکه «لام» از حروف استفال است در اصل ترقیق می‌شود، بجز در دو حالت لفظ جلاله (الله) که تفخیم می‌شود:

١. هرگاه بعد از فتحه واقع شود؛ مانند: «قَالَ اللهُ، شَهِدَاللهُ».

٢. هرگاه بعد از ضمه واقع شود؛ مانند: «يَقُولُ اللهُ، قَالُو اللهُمَّ».

اما اگر قبل از این «لام» کسره واقع شود؛ اختلافی در ترقیق آن نیست– چه کسره متصل به لام باشد و چه منفصل، چه اصلی باشد و چه عارضی – مثل:

«لِلّهِ» – «بِسمِ اللهِ» – «قُلِ اللهُمَّ، مَا يَفتَحِ اللهُ، أَحَدُنِ اللُّه».

سوم – اظهار است در حروف قمری:

هرگاه بعد از «ال» که بر اسماء کلمات عربی داخل می‌شود یکی از حروف که در جمله ذیل جمع شده اند: (اِبغِ حَجَّکَ وَ خِف عَقِيمَه) واقع شود. «ال» در اسم مذکور اظهار می‌گردد و در آن جاها بنام «لام» قمری یاد می‌گردد، طوری که هنگام وجود قمر (مهتاب) در آسمان، ستارگان به مشاهده می‌رسد و علامت «لام» قمری خالی بودن کلمه از تشدید در صدر آنست مثال: «الْقمر، الْعلم، الْعرش، الْارض، الْغنی، الْخبير» و غیره و سبب اظهار «لام» در این مواضع بُعد مخرج «لام» از مخارج حروف مذکوره است که «لام» به حرف بعدی ادغام نگردیده، بلکه اظهار می‌شود.

چهارم– ادغام است در حروف شمسی:

هرگاه بعد از «ال» که بر اسماء داخل می‌شود متباقی حروف الفباء بیاید که ضمن بیان حروف قمری از آنها نام برده شد، «ال» در حروف بعدی ادغام می‌شود و وجه تسمیه آن بحروف شمسی به نسبت آن است که هنگام وجود شمس (آفتاب) ستارگان در آسمان دیده نمی‌شوند و علامت آن در اسم موجودیت تشدید در حرف بعد از «لام» کلمه می‌باشد مثال: «الشّمس، النَّار، النَّاس، السّوء، الرُّجزِ» و غیره و سبب ادغام «لام» در حروف که بنام حروف (شمسی) شناخته شده تماثل مخرج، قرب و تجانس مخرج «لام» با آنها است.

موضوعات و معلومات اضافی مرتبط به درس:

- هرگاه بعد از لامِ ساکن؛ نون واقع شود؛ نباید ادغام کرد، با اینکه با یکدیگر متجانسند، مثل: «قُلْ نَعَم» .

چنانکه می دانیم (نون) در (لام) ادغام می شود، و همچنین (لام) در (راء) ادغام می شود، مثل «قُل رَّبِّ» ولی (راء) در (لام) ادغام نمی شود، مثل: «اغفِرلِی».

	درینجا مربی محترم از شاملین جلسه میخواهد تا مطالب فوق را با مطالب صفحه ۱۱ کتاب درسی مقائسه و مقارنه کنند. و هم با گروپهای دو نفری حالات تفخیم و ترقیق حرف لام لفظ جلاله و دیگر موضوعات مهم این درس را بخوبی تشخیص و تمرین کنند.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: درینجا مربی محترم روشهای مختلفی را برای استحکام بهتر درس در ذهن اشتراک کنندگان، اجرا کرده میتواند، بطور نمونه: اگر مربی از یک اشتراک کننده لایق تقاضا کند تا راجع به این موضوع مطالب اساسی را روی تخته اتاق جلسه بنویسد و از اشتراک کنندگان دیگر نیز بخواهد تا برداشت های خود راجع به آن موضوع را در کتابچه های خود یاداشت کنند، بعد اگر مربی مطمئن شد که نوشته اشتراک کننده لایق درست است پس از همه اشتراک کنندگان بخواهد تا یاداشتهای خود را با نوشته تخته مقائسه و مقارنه کنند. و یا استفاده از روشهای دیگر.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: برای حصول اطمینان از اینکه اشتراک کنندگان، مطالب درس را بخوبی یاد گرفته اند میتوانید با طرق مختلف، آنان را ارزیابی کنید، مثلا از طریق طرح یک یا چند سوال، قرائت آن آیات کریمه که در آن موضوعات این عنوان آمده باشد، چگونگی تطبیق عملی موضوعات این عنوان، شرح موضوعات کلیدی درس، حل مسائل مغلق، خلاصه کردن مطالب درس توسط آنها و... و...

تعلیم و تربیه اسلامی صنف هفتم

جلسه اول

موضوع: معرفی برخی اصطلاحات مربوط به علم حدیث

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- برخی اصطلاحات مربوط به علم حدیث را درک کرده بتوانند.
- اصطلاحات مختلف علم حدیث از اصطلاحات فقه و اصول فقه مشخص کرده بتوانند.
- مثالهای زنده ای را برای هر اصطلاح ارائه کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر. پریجکتور، جدول.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف درس را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- آمادگی قبلی داشته باشد.
- آماده ای پاسخ دادن به تمام سوالات احتمالی را داشته باشد.
- از مراجع مهم و دست اول علم حدیث آگاهی داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: **۱. مفهوم سنت وجایگاه آن:** در صفحۀ اول کتاب درسی فوق، زیر عنوان (تعریف حدیث) برخی اصطلاحات مربوط به علم حدیث را به بررسی گرفته شده است، و اولین موضوعیکه در یک جملۀ کوتاه به آن اشاره شده است همانا اهمیت و جایگاه سنت می باشد که نکات سه گانه ای ذیل دران قابل توضیح می باشد: أ. مفهوم سنت. ب. مصادر تشریع. ج. دلیل اینکه سنت مصدر دوم شریعت اسلامی می باشد.

مربی باید در قدم اول مفهوم سنت را توضیح دهد، سپس مصادر شریعت را به اشتراک کنندگان معرفی نموده، یک دلیل از قرآن کریم و یک دلیل دیگر از سنت نبوی را در مورد اینکه سنت مصدر دوم تشریع اسلامی می باشد، تذکر دهد.

در مورد مفهوم سنت باید گفت که سنت در لغت راه و روش را گفته میشود.
ومفهوم آن در اصطلاح محدثین، عین مفهوم حدیث است. یعنی سنت و یا حدیث عبارت است از: گفتار و کردار، تقریر و اوصاف پیامبرﷺ.
ودر مورد مصادر تشریع باید گفت که مصادر اصلی شریعت اسلامی نزد علمای اهل سنت چهار چیز است که عبارت اند از: کتاب الله، سنت رسول الله، اجماع مجتهدین، قیاس صحیح.
و دلیل اینکه سنت مصدر دوم شریعت اسلامی به شمار میرود آیات زیادی است که خداوند متعال توسط آنها مسلمانان را مامور نموده تا از وی وپیامبرش اطاعت و پیروی نمایند که از آن جمله این آیه سوره مائده است که خداوند متعال بعد از اطاعت از خود به اطاعت از پیامبرش امر نموده فرموده است: «وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَٱحۡذَرُواْۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٩٢﴾» (المائدة: ٩٢). «و خدا را اطاعت کنید و (نیز) پیامبر را اطاعت کنید و (از نافرمانی) برحذرباشید، پس اگر روی گرداندید؛ بدانید که بر پیامبر ما جز ابلاغ آشکار چیز دیگری نیست».

و دلیل آن از سنت این حدیث پیامبرﷺ است که فرمودند: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ»[1].
(برای شما دو چیز را گذاشته ام که اگر به آن دو تمسک داشته باشید هرگز گمراه نمی شوید و آندو، کتاب الله و سنت رسول الله می باشد).

۲. ارائه ای یک یک مثال برای قول، فعل و تقریر رسول اللهﷺ:

در ادامه ای موضوع قبلی در مورد تعریف اصطلاحی حدیث گفته شده ست: حدیث در اصطلاح عبارت از علمی است که در آن از قول، فعل و تقریر رسول اللهﷺ از لحاظ متن و سند بحث میشود.

اینجا مربی باید یک یک مثال برای هرسه نوع حدیث ارائه نماید:
مثال حدیث قولی:
اکثریت احادیث در کتب احادیث از جمله حدیث قولی به شمار میرود که یکی از نمونه های آن این حدیث پیامبرﷺ است که فرمودند: «الحَيَاءُ شُعبَة مِنَ الإيمَان»[2].

---

۱. الموطا (۲ / ۸۹۹).
۲. صحیح المسلم (۱ / ۱۲).

(حیاء شعبه ای از ایمان است).

مثال حدیث فعلی:
پیامبرﷺ فرض نماز صبح را دو رکعت، فرض نماز پیشین را چهار رکعت، فرض نماز عصر را چهار رکعت، فرض نماز شام را سه رکعت و فرض نماز خفتن را چهار رکعت خوانده اند.

مثالی از تقریر قولی:
هنگامیکه آنحضرتﷺ معاذ بن جبل را بحیث قاضی به یمن میفرستادند، از وی پرسیدند: به چه چیزی حکم میکنی؟ گفت: به کتاب خدا. فرمودند: اگر در کتاب خدا نیافتی؟ گفت: به سنت رسول اللهﷺ. گفتند: اگر در سنت هم نیافتی؟ گفت: به رأی و اجتهاد خودم فیصله میکنم. پیامبرﷺ از این گفته اش اظهار رضامندی کرد.[1]

مثالی از تقریر فعلی:
عایشه رضی الله عنها میگوید: حبشی ها بحضور رسول اکرمﷺ در روز عید بازی میکردند و من از سر شانه آنحضرت گردن خود را بالا کرده بازی و حرکات ایشان را نظاره نمودم.

مثالی از اوصاف:
آنحضرتﷺ دارای خلقت کامل و منظری پسندیده بودند.

۳. تعریف کامل حدیث متواتر، اقسام و حکم آن:

در صفحۀ (۳) کتاب تعلیم و تربیه دینی، حدیث متواتر تعریف شده اما آن تعریف کامل نمی باشد و نیز حکم حدیث متواتر بیان نشده است، پس مربی را می باید تا تعریف کامل آن را با اقسام و حکمش چنین توضیح دهد:
حدیث متواتر حدیثی است، که آن را در هر طبقه ای از طبقات سندش راویان زیادی روایت نموده باشند، به حدی که عقل به محال بودن اتفاق همه این راویان در ساختن یا جعل حدیث حکم نماید، به این صورت حدیث متواتر علم ضروری و یقینی را افاده می نماید، و انسان بدون تردیدی مکلف به قبول آن است.
وآن بر دو قسم است: ۱ – متواتر لفظی، که لفظ و معنای آن متواتر باشد. ۲ –متواتر معنوی، که معنای آن متواتر باشد، و نه لفظش.

۴. تعریف کامل حدیث آحاد و حکم آن:

حدیث آحاد: آحاد جمع احد و به معنای واحد است، و خبر واحد همان حدیثی است که آن را یک شخص روایت نموده باشد.
و در اصطلاح خبر واحد حدیثی است که شروط حدیث متواتر در آن موجود نباشد. این نوع احادیث علم نظری را افاده می کنند، علمی که ضرورت به نظر و استدلال دارد.

۱. مسند احمد (۲ / ۲۳۰).

	۵. تعریف کامل و صحیح صحابی: در صفحه دوم کتاب در سی صنف (۷) تعلیم و تربیه اسلامی صحابی را چنین تعریف کرده شده است: صحابی کسی است که رسول الله ﷺ را دیده و به ایشان ایمان آورده باشد! اما این تعریف صحیح و کامل نمی باشد؛ زیرا بر اساس این تعریف، اصطلاح صحابی افرادی را نیز شامل میگردد که بعد از اسلام مرتد شده و در حالت ارتداد و فات نموده باشد. پس تعریف صحیح صحابی طوریکه حافظ ابن حجر عسقلانی در نزهة النظر تعریف نموده است چنین است: «من لقی النبی صلی الله علیه وآله وسلم مؤمنا به ومات علی إسلامه». پس بر اساس تعریف فوق کسیکه به پیامبر ایمان آورده اما در اثر نا بینایی ندیده باشد مانند عبد الله بن ام مکتوم صحابی به شمار میرود، و کسیکه ایمان آورده اما بعد از ایمان مرتد شده و در حالت ارتداد وفات نموده صحابی به شمار نمیرود، مانند: ربیعه بن امیه بن خلف. و هم گفته شود که صفحه مثلا ۵-۷ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	<u>فعالیت چهارم:</u> طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با در نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	<u>فعالیت پنجم:</u> با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

جلسه دوم

موضوع: حرمت شراب و سایر مواد مخدر

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- حکم شریعت اسلامی را در مورد مواد مخدر توضیح داده بتوانند.
- اضرار شراب را در پرتو نصوص شرع توضیح داده بتوانند.
- اسباب و عوامل اعتیاد به مواد مخدر را توضیح بتوانند.
- استادان سهم دینی خویش را در زمینه جلوگیری از اعتیاد ادا کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر پریجکتور، اوراق تبلیغاتی که توسط برخی مؤسسات تکثیر گردیده است.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت عناوین عمده ای موضوع را تحریر نماید.
- به تمام سوالات احتمالی پاسخ های مناسبی را ارائه کند.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: در درس (۴۱) کتاب درسی صنف هفم تعلیم و تربیه اسلامی ضمن بر شمردن برخی اضرار مواد مخدر، اشاره بسیار کوتاهی به شراب شده است که با در نظر داشت شیوع و انتشار آن در جامعه امروزی ما کافی و بسنده نمی باشد؛ لذا مربی را می باید تا با استفاده از نصوص معتبر دینی و بر شمر دن اضرار متعدد آن مسئله حرمت شراب را که اصل و اساس حرمت مواد مخدر می باشد به شکل مشرح به اشتراک کنندگان ارائه نماید. دین مقدس اسلام بخاطر اضرار متعدد دینی، اخلاقی، و عقلی شراب، و هم چنان بخاطر جلوگیری از اثرات شوم و منفی آن بر عقل و صحت، مال و ثروت، لقب زشت و بسیار و

منفور «ام الخبائث» را بر آن وضع نموده و خوردن نوشیدن، خرید و فروش، صدور تولید و هرگونه استفاده از آن را بصورت قاطع نه تنها ممنوع و حرام قرار داده بلکه برای بر تخلف کنندگان عقوبت بسیار شدیدی را وضع نموده است. چنانچه خداوند متعال، در ضمن بیان نمودن اثرات خطرناک شراب حرمت آن را با شیوه های بسیار مؤکد بیان نموده فرموده است: «يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ ﴿٩١﴾» (مائده: ۹۰- ۹۱).

فعالیت ها:

۱. مربی باید آیة فوق را قرائت نموده و ترجمه آن را با سایر همکاران شریک نماید.
۲. تاکیداتی را خداوند متعال در این آیت در مورد حرمت شراب نموده است، توضیح دهد.
۳. اضرار ناشی از شرابی نوشی را به شکل مرتب بیان کند.

ترجمه: «ای مؤمنان! می خوارگی و قمار بازی و بتان و تیرها (سنگها و اوراقی که برای بخت آزمایی و فال زنی بکار میبرند این همه از لحاظ معنوی) پلید اند و (ناشی از تزیین و تلقین) عمل شیطان می باشند پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا اینکه رستگار شوید. شیطان میخواهد از طریق می خوارگی و قمار بازی در میان شما دشمنی و کینه توزی ایجاد کند و شمارا ازیاد خدا و خواندن نماز باز دارد پس آیا شما دست می کشید و بس میکنید!!».

تاکیدات ذکر شده بر حرمت شراب در آیة فوق:

در این دو آیه ای مبارکه طوریکه علما و دانشمندان اظهار داشتند برای حرام بودن شراب تاکیدات زیادی صورت گرفته است که میتوان آن تاکیدات را در چند نقطه بر شمرد:

أ. مصدّر نمودن جمله با کلمهٔ «إنما».
ب. ذکر شراب در ردیف اصنام و بتان.
ج. حکم بر رجس و پلید بودن آن.
د. برشمردن آن از عمل شیطان و مسلما از شیطان نباید توقع خیر را داشت.
ه. امر به اجتناب ورزیدن از آن.
و. اجتناب از شراب را علامهء فلاح و کامیابی قرار داده شده است.
ز. برشمردن بعضی آثار و عواقب شوم نوشیدن شراب که عبارت است از و قوع عداوت و دشمنی و باز ایستادن از ذکر و نماز.
ح. ختم آیت با جمله استفهامی «فهل أنتم منتهون» یعنی با وصف این همه تاکیدات و بر

شمردن اضرار متعدد شراب آیا شما باز می ایستید؟؟[1].

فشرده اضرار ناشی از شراب و خمر که اصل تمام مسکرات و مخدرات به شمار میرود:

با توجه به آیات مبارکهٔ فوق، حکمت حرمت شراب را میتوان در چند نقطه بطور مختصر و فشرده چنین بیان کرد:

۱. شراب عقل و هوش انسان را مختل میسازد که در نتیجه آن انسان کارهای را انجام میدهد که به جسم و روح، مال و اولاد، عزت و شرف، فرد و جامعه ضرر بس فوق العاده و جبران ناپذیری دارد.
۲. شراب سبب پیدا شدن خصومت و دشمنی در مابین مردم میگردد.
۳. شراب انسان را از نماز و ذکر خداوند منع میکند.
۴. شراب سبب از بین رفتن حیا و مروت، غیرت و شهامت میگردد.
۵. شراب سبب بالا رفتن سطح فشار خون میگردد.
۶. شراب سبب بلادت و کودنی، جنون و دیوانگی انسان و اولادش میگردد.
۷. شراب سبب فلج شدن اعضای انسان میگردد.
۸. شراب میل و رغبت انسان را به گناه و جرایم بیشتر میسازد که در نتیجه گراف وقوع حوادث و جنایات در جامعه بالا میگردد[2].

روش اسلام در مبارزه علیه شراب و سایر مواد مخدر:

با توجه به اضرار ناشی از شراب که در بالا بیان گردید حکومت های دنیا بعد از درک نمودن اضرار و عواقب زشت شراب و سایر مسکرات میخواهند برعلیه این پدیده ها مبارزه نمایند و در این راستا مبالغ بسیار هنگفتی را نیز به خرچ میرسانند اما این مبارزه شان چون ریشه اعتقادی و آیدولوژیک ندارد لذا تمام مبارزات شان نه تنها بی تاثیر بلکه برعکس گراف استعمال مخدرات و مسکرات بیشتر، و وقوع حوادث و جنایات به شکل بسیار سرسام آوری بالا رفته است، اما برعکس اسلام که افرادش را در سایه ایمان تربیه نموده بود بدون کوچکترین مصرف توانست تنها با یک فرمان و یک صدا تمام مسلمانان را از نوشیدن و استعمال آن باز دارد.

چنانچه انس رضی الله عنه میگوید: من در لحظه که در خانه ام ابوطلحه و ابوایوب و یکعده مردان دیگری را شراب مینوشاندم مردی وارد خانه ام شد و گفت: آیا خبر شدید؟ ما گفتیم نه خیر. آن مرد گفت: شراب حرام قرار داده شد. و شما این کوزه های شراب را بریزانید. انس رضی الله عنه

۱. تفسیر قرطبی (۲۸۵/۶) ، وتفسیر طبری (۳۱/۷) ، وروح المعانی از آلوسی (۱۵/۷).

۲. مختصر الفقه الإسلامی تالیف محمد بن ابراهیم التویجری (ص: ۹۱۲)، وتوضیح الأحکام شرح بلوغ المرام تالیف عبد الله بسام (۳۵۱/۵).

	میگوید بعد از بیرون رفتن آن هیچ کسی دوباره از آن کوزه های شراب جویا نه شد و نه دوباره شراب نوشیدند. این است اثر ایمان و تربیه آن [1]. طی یک فعالیت انفرادی دو صفحه فوق خوانده شود. و هم گفته شود که صفحه مثلا ۱۱۱- ۱۱۲ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

۱. فقه السنة سید سابق (۵۱۹/۲- ۶۲۲).

جلسه سوم

موضوع: زکات

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- حکمت مشروعیت زکات را بیان کرده بتوانند.
- نقش زکات را در از بین بردن فقر مشخص کرده بتوانند.
- نصاب زکات را مختلف را عملاً نشان داده بتوانند.
- نقش زکات را در تامین و حدت و همبستگی مسلمانان بیان کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر، جدول و وسایل دیگر.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت برخی آیات و احادیث مربوط به زکات تحریر گردد.
- در فلیپ چارت انواع مختلف زکات ترسیم نماید.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: در درس (۴۷) مطالب مفیدی در مورد زکات گنجانیده شده است اما در مورد مفهوم لغوی زکات حکمت مشروعیت آن باید توضیح بیشتر داده شود تا اشتراک کنندگان اهمیت آن را بیشتر درک نمایند. **۱. توضیح مفهوم لغوی زکات:** منظور از مفهوم لغوی اول زکات که همانا طهارت و پاکی است این است که پرداختن زکات سبب پاک شدن مال از حق فقراء و مستمندان و پاک شدن نفس زکات دهنده از حرص وبخل و پاک شدن نفس فقیر از کینه و حسد می باشد. زیرا در صورت عدم پرداخت زکات

فقیر در برابر غنی و افراد ثروتمند یکنوع کینه و حسد میگیرد که در اثر آن شاید به برخی تصرفات نامشروع مانند دزدی و غیره اقدام نماید، اما زمانیکه هر غنی زکات مالش را به رغبت و میل خویش بپردازد و در زندگی فقراء و نیازمندان تغییر مثبت بیاید پس در این وقت شکی نیست که نفس فقیر از هرنوع کینه و حسادت در برابر غنی پاک میگردد.

و در مورد مفهوم دوم آن که زیادت و نمو می باشد باید گفت که کشت و زراعت زمانی رشد می کند که از علف های هرزه پاک گردد، پس مال و ثروت انسان زمانی افزایش می یابد دران برکت پیدا میشود که انسان حق فقراء را بپردازد. طوریکه خداوند متعال در مورد افزایش خیر و برکت مالیکه زکات آن را پرداخته شود فرموده است: «وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٣٩﴾» (سورهٔ سباء، ۳۹)؛ هر چیزی را انفاق کنید [خداوند] جای آن را پر می کند و او بهترین روزی دهنده است.

۲. حکمت و فلسفهٔ زکات:

در زکات حکمت های متعددی نهفته است که فشردهٔ آن قرار ذیل است:

- زکات سبب طهارت و پاک شدن نفس از آلودگی بخل و حرص میگردد.
- زکات سبب مسلط شدن نفس بر غریزه حب مال میگردد.
- زکات یکی از نشانه های بارز موجودیت تکافل و همکاری اجتماعی در جامعه به شمار میرود.
- زکات یکی از زمینه های مواسات و همدردی با فقرا به شمار میرود.

۳. قدامت زکات:

زکات یک عبادت قدیمی بوده است که در آئینهای آسمانی پیشین شناخته شده است و حکم زکات به خاطر اهمیت آن درشرایع قبلی نیز همراه با نماز ذکر شده است. در سوره انبیاء درباره حضرت ابراهیم، حضرت اسحاق و حضرت یعقوب علیهم السلام می فرماید: «وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا عَٰبِدِينَ ﴿٧٣﴾» (سورهٔ انبیاء، ۷۳)؛ انجام نیکی ها و اقامه نماز و دادن زکات را بدا نان الهام نمودیم و پرستنده ما بودند.

در سوره مریم دربارهٔ حضرت اسماعیل علیه السلام فرموده است: «وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ» (سورهٔ مریم، ۵۵)؛ خاندان و اطرافیان خود را به نماز و زکات فرا می خواند.

از زبان مسیح نوزاد نیز در قرآن آمده است: «وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا ﴿٣١﴾».

از این آیات قرآن مجید معلوم است که نماز و زکات پیوسته از شعائر و ارکان خاص ادیان و شرایع پیشین بوده اند. البته در حدود و احکام تفصیلی آنها فرق و تفاوت وجود داشته است.

	طی یک فعالیت انفرادی دو صفحه فوق خوانده شود. و هم گفته شود که صفحه مثلا ص ۱۲۷ – ۱۲۸ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

تعلیم و تربیه اسلامی صنف هشتم

جلسه اول

موضوع: فضیلت صداقت و راستی در خرید و فروش

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- فضایل متعدد صداقت و راستی را بیان کرده بتوانند.
- اضرار ناشی از خیانت و دورغ را مشخص کرده بتوانند.
- شیوه های مختلف جعل و تزویر را نشان داده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت و مارکر.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت برخی نصوص وارده پیرامون صدق و راستی را تحریر نماید.
- اهمیت صدق و راستی را در چند نقطه مشخص نموده بتواند.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: یکی از فعالیت های مفیدی که در رشد و انکشاف سویه شاگردان کمک می نماید تهیه نمونه های مشابه به موضوع درس است، بطور مثال در مورد صداقت در خرید و فروش احادیث صحیح و صریح دیگری نیز وجود دارد که اهمیت صداقت و راستگویی را در معاملات برجسته می سازد. پس مربی استادان مضمون را تشویق نماید تا در تهیه چنین احادیث سهم بگیرند. بطور مثال در حدیث حکیم بن حزام آمده است که پیامبرﷺ صدق و راستی را سبب افزایش خیر و برکت قرار داده فرمودند: (الْبيِّعَان بالخِيارِ ما لم يَتفرَّقا، فإِن صدقَا وبيَّنا بورِك لهُما فی بَيعْهِما، وإِن كَتَما وكذَبَا مُحِقَتْ بركةُ بيْعِهِما) . هر دو معامله کننده (فروشنده و خریدار) اختیار قبول و یا رد بیع را دارند تا زمانی که از هم

جدا نشوند، اگر راست گفتند و (حقائق را) بیان نمودند، در معامله شان برکت نهاده می شود. ولی اگر حقائق را کتمان نمودند و دروغ گفتند، برکت معامله شان نابود میگردد.

از این حدیث فواید ذیل معلوم میگردد:

۱. وجوب اظهار عیب اجناس و حرمت پوشانیدن آن .
۲. آنچه که نزد الله است تنها توسط عمل صالح میتوان بدست آورد.
۳. نحوست و شومی معاصی و گناهان ؛ زیرا معصیت و گناه سبب محروم شدن انسان از خیر و سعادت دنیا و آخرت میگردد.
۴. ارزش صدق و راستی در امور تجارت و سائر معاملات.
۵. اساس و منبع اصلی حصول خیر و برکت در تجارت همانا صدق و راستی است.

طی یک فعالیت انفرادی مطالب ذیل خوانده شود.

در این شکی نیست که صدق و راستی یکی از ارزشهای مهم دینی و اخلاقی به شمار میرود که در جامعه امروزی ما بسیار کم رنگ شده و ضد آن که دروغ و خیانت است زیاد رواج یافته است. پس استاد مضمون مکلفیت دارد تا در پرتو آیات قرآنی و احادیث نبوی اهمیت صدق و راستی و آفتهای کذب و دروغ را بیشتر بر جسته سازد که خلاصه آن آیات و احادیث طی دو صفحه بیان میگردد:

خداوند متعال با این فرموده اش: «يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّـٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾»

مسلمانان را امر نموده است تا پیوسته صدق و راستگویی را سر مشق زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار داده، همواره با صادقین و راستگویان باشند.

پیامبر گرامی اسلام نیز پیروانش را به صدق و راستگویی امر نموده و آن را سبب حصول اطمینان و آرامش خاطر، و برعکس کذب و دروغ را مایه هرنوع تشویش و اضطراب قرار داده فرموده است: «دَعْ ما یَرِیبُکَ إِلَی مَا لا یَرِیبُک، فَإِنَّ الصِّدْقَ طُمأنینَةٌ، وَالْکَذِبَ رِیبةٌ».

فاصله گرفتن از صدق و راستی سبب رفتن به دنبال خرافات و اوهام میگردد که خداوند متعال در آیات متعدد قرآن کریم آن را مورد مذمت و نکوهش قرار داده است.

هم چنان دین اسلام بر اساس احترام و تاکید زیادی که به صدق و راستی دارد همواره تلاش نموده تا ساحۀ زیست را برای دروغگویان و کاذبین تنگ و تنگتر سازد، و بر اساس همین علت دروغ گفتن نزد پیامبرﷺ یکی از بدترین خصلت ها به شمار رفته و چهره شخص کذاب و دروغ گو از منفور ترین چهره‌ها بوده است.

فرد مسلمان در نتیجۀ التزام به صدق و راستی مقام صدیقیت و صدیقین را که بعد از پیامبران در مرتبه دوم قرار دارند، حائز میگردد.

	با توجه به اینکه کذب و دروغ گویی انسان را بطرف فجور و معاصی، و فجور عاملش را بطرف آتش جهنم سوق میدهد؛ لذا کذب و دروغ گویی در اسلام بصورت قطعی حرام بوده و از جملهٔ گناهان کبیره به شمار میرود. از جملهٔ دروغها بدترین دروغ این است که انسان بخاطر تصاحب نمودن مال دیگران سوگند دروغ بخورد و یا از حق مسلم شخص ذی حق انکار کند، و این نوع سوگند را در اصطلاح شریعت (یمین غموس) نامیده میشود که در مورد آن و عید بسیار سختی آمده است. کذب و دروغگویی که در آیات و احادیث مورد نکوهش قرار گرفته است با تمام انواع و اشکالش یکسان حرام بوده و بدترین آنها همانا دروغ بستن بر خداوند و پیامبرش می باشد. التزام پیامبرﷺ به صدق و راستی تا حدی بود که حتی کفار قریش که دشمن سرسخت ایشان محسوب میگردیدند به صداقت ایشان شهادت و گواهی میدادند. رعایت اصل صدق و راستگویی در خرید و فروش و سایر معاملات سبب افزایش خیر و برکت، و عدم رعایت آن سبب محو و نابود شدن هرنوع خیر و برکت میگردد. و هم گفته شود که صفحه مثلا ۵-۷ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

جلسه دوم

موضوع: نرمی و خشونت

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- اهمیت و فواید نرمی را بیان کرده بتوانند.
- اضرار ناشی از خشونت را مشخص کرده بتوانند.
- آثار مرتب بر نرمی را نشان داده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، جدول و مارکر.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت عناوین موضوع را ترسیم نماید.
- در فلیپ چارت برخی آیات و نصوص مربوط به نرمی را ترسیم بنویسد.
- آمادگی قبلی داشته باشد.
- به سوالات احتمالی پاسخ دهد

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: موضوع رفق و نرمی و خود داری از هرنوع خشونت یکی از توصیه ها و در عین حال مزایای دین مقدس اسلام به شمار میرود. و خشونت انواع مختلفی دارد که یک نوع آن خشونت در مراکز تعلیمی ما است که برخی استادان و معلمان در صنف به خشونت های کلامی مانند دشنام دادن و زشت گفتن و یا به خشونت فزیکی مانند لت و کوب شاگردان دست میزنند که خلاف ارشادات و آموخته های دینی به شمار میرود. و این در حالی است که ما در آموزه های دینی خود نمونه های زیادی از رفق و نرمی پیامبرﷺ را در هنگام درس و تعلیم داریم که یکی از آن نمونه ها خدمت استادان محترم ارائه میگردد.

عن أبی هریرةﷺ قال: بَال أَعْرَابیٌّ فی المسجِد، فَقَامَ النَّاسُ إِلَيْه لِيَقَعُوا فِيه، فقال النبی صَلّی اللهُ عَلَيْهِ وسَلَّم: (دَعُوهُ وَأَرِيقُوا عَلی بَوْلِهِ سَجْلاً مِنْ مَاءٍ، أَوْ ذَنُوباً مِن مَاء، فَإِنَّما بُعِثتُم مُيَسِّرِينَ ولَمْ تُبْعَثُوا مُعَسِّرِينَ)

شرح کلمات:

لِيَقَعُوا فِيه: تا اینکه ملامت و سرزنش نمایند.

دَعُوهُ: بگذارید که ضرورتش را رفع نماید و سرزنش نکنید.

أَرِيقُوا: آب بریزید.

مُعَسِّرِينَ: سخت گیری کنندگان.

ترجمۀ حدیث:

ابو هریرةﷺ روایت نموده میگوید: مرد اعرابی در مسجد بول نمود، مردم برخاستند تا او را بزنند. پیامبرﷺ فرمود: او را بگذارید و بر بول او دلوی یا چند دلوی آب بریزید، زیرا شما برانگیخته شده اید تا آسانگیر باشید و برای آن برانگیخته نشده اید که سختگیری کنید.

احکام و فوائد گرفته شده از حدیث:

۱. جهل و عدم آگاهی اعراب و صحرانشینان از احکام و مقررات شرعی.
۲. دور بودن از اجتماع مردم و مراکز تمدن یکی از اسباب مهم جهل و عدم آگاهی بشمار میرود.
۳. احترام نمودن مساجد و پاک نگهداشتن آنها از هرنوع آلودگی و کثافات.
۴. برجستگی و حسن اخلاق پیامبرﷺ طوریکه مشاهده گردید پیامبرﷺ بدون اینکه شخص اعرابی را تهدید و سرزنش نمایند بسیار به نرمی و مهربانی به اشتباهش متوجه ساختند.
۵. دور نگری و عاقبت اندیشی پیامبرﷺ و آگاهی عمیق ایشان از وضع مردم و همچنان سیرت و برخورد نیک ایشان با آنها، و این همه زمینه افزایش محبت ایشان با پیامبر گردید.
۶. رفتار و برخورد نرم در هنگام تعلیم و آموزش افراد جاهل و نادان.
۷. حرص و علاقۀ بیش از حد پیامبرﷺ به تعلیم و آموزش مردم، و برخورد نرم ایشان با مخالفت کنندگان در صورتیکه مخالفت ایشان ناشی از عناد و بدبینی نبوده باشد.

در مورد فضیلت رفق و نرمی و مذمت هرنوع خشونت، استاد مضمون میتواند موضوع را با استناد به برخی احادیث صحیح بیشتر توضیح دهد که اینک جهت کمک به استاد دو حدیث ذیل را با ترجمه و شرح کوتاه جهت استفاده استاد مضمون تقدیم میگردد.

۱ – حدیث اول در مورد عدم لت و کوب و برخورد خشونت آمیز با افراد زیر دست:
در صحیح مسلم از أبی مَسْعُودٍ بدْرِیٍّ رضِیَ اللَّه عنْهُ روایت شده که میگوید: (كُنْتُ أَضْرِبُ غُلَامًا لِی بِالسَّوْطِ فَسَمِعْتُ صَوتًا مِنْ خَلْفِی اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ فَلَمْ أَفْهَمْ الصَّوْتَ مِنْ الْغَضَبِ قَالَ فَلَمَّا دَنَا مِنِّی إِذَا هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا هُوَ يَقُولُ اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ اعْلَمْ أَبَا

مَسْعُودٍ قَالَ فَأَلْقَيْتُ السَّوْطَ مِنْ يَدِى فَقَالَ اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ أَنَّ اللَّهَ أَقْدَرُ عَلَيْكَ مِنْكَ عَلَى هَذَا الْغُلَامِ قَالَ فَقُلْتُ لَا أَضْرِبُ مَمْلُوكًا بَعْدَهُ أَبَدًا)

و در روایت دیگر حدیث این جمله اضافه شده است: (فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ حُرٌّ لِوَجْهِ اللَّهِ فَقَالَ أَمَا لَوْ لَمْ تَفْعَلْ لَلَفَحَتْكَ النَّارُ)

من غلام خود را با تازیانه می زدم در همین اثناء آوازی را از عقب خود شنیدم که می گفت: بدان ای ابا مسعود ...! بدان ای أبا مسعود ولی من از شدت غضب آنرا نفهمیدم. چون به من نزدیک گردید دیدم که رسول الله ﷺ است و میگوید: بدان ای ابا مسعود، بدان أی أبا مسعود!! و من تازیانه را از دستم انداختم. چون ایشان نزدیک شدند فرمودند: بدان ای ابو مسعود که الله بر تو قدرت بیشتر از آن دارد که تو برین غلام داری.!! گفتم یا رسول الله دیگر هیچ مملوکی را نمیزنم.

و در روایت دیگر چنین آمده است : گفتم یا رسول الله او را بخاطر رضای او تعالی آزاد کردم. ایشان فرمودند: اگر چنین نمی کردی الله حتماً ترا در آتش می سوختاند.

احکام و فوائد:

- ترغیب به رفتار و رویۀ نرم با مملوک وبرده.
- ترغیب به بکار بردن عفو و گذشت، فروبردن خشم و غضب همانطوریکه الله متعال از بندگان گنهگارش گذشت نموده و آنها را مورد عفو و مغفرت قرار میدهد.
- وجوب گردن نهادن و تن دادن به وعظ و نصیحت و اخطار های رسول.
- آزاد ساختن برده و غلام کفارۀ ضرب وشتم آن است.
- حدیث دلیل بر این مقولۀ مشهور است که گفته میشود: زمانیکه بر انسانها قادر شدی قدرت خداوند را فراموش مکن.
- اعراض از پند و نصیحت پیامبر ﷺ موجب سوختن در آتش جهنم میگردد.
- پذیرایی سریع وبلادرنگ اصحاب از نصایح و توصیه های پیامبر ﷺ و بهره مند شدن آنها از مواعظ ایشان.

حدیث دوم در مورد ترحم بر حیوانات:

عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِى بطَرِيقٍ اشْتَدَّ علَيْهِ الْعَطش،فَوجد بِئراً فَنزَلَ فيها فَشَرب، ثُمَّ خرج فإِذا كلْبٌ يلهثُ يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَش،فقال الرَّجُل: لَقَدْ بلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ العطشِ مِثْلَ الَّذِى كَانَ قَدْ بَلَغَ مِنِّى، فَنَزَلَ الْبِئْرَ فَملأَ خُفَّه مَاءً ثُمَّ أَمْسَكَه بِفيه، حتَّى رقِيَ فَسَقَى الْكَلْب، فَشكَرَ اللَّهُ لَه فَغَفَرَ لَه. قَالُوا: يا رسولَ اللَّه إِنَّ لَنَا فى الْبَهَائِم أَجْرا؟ فَقَالَ: « فى كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ»

از ابو هریرة رضی الله عنه روایت شده پیامبر ﷺ فرمودند: در اثنایی که مردی در راهی می رفت سخت تشنه شد، و چاهی را دید در آن فرو شد و آب آشامید، و بعد از آن بیرون شد، ناگهان سگی را

	دید که از شدت تشنگی زبان از کامش برآمده بود، از تشنگی خاک را می خورد. با خود گفت: این سگ هم مثل من تشنه شده، پس به چاه درآمده موزهء خود را آب را پر کرده آنرا بدهن خود گرفت از چاه بالا شد و سگ را سیراب کرد، خداوند مزد این عمل را داد و او را آمرزید. گفتند: یا رسول الله آیا در کمک کردن به چارپایان پاداش داده می شود؟ پیامبرﷺ فرمود: در هر جگر تازه ای پاداش است. و در روایت بخاری آمده است که خداوند مزدش را داد، و او را مغفرت نموده به بهشت داخل نمود. **احکام و فواید:** – ترغیب به احسان و نیکی بر حیوان، در صورتیکه مامور به قتل آن نشده باشیم. – فضیلت عمل آب دادن و سیراب نمودن. – وسعت و فراخی میزان رحمت خداوند که رحمتش شامل حیوانات بی زبان نیز شده است و این بخاطر آن است که حیوانات نیز مخلوقات خداوند اند. – وسعت و فراخی فضل و احسان خداوند که گاهی گناهان بسیار بزرگ را بسبب یک عمل کم و ناچیز مورد بخشش قرار میدهد. – انسان نباید هیچ عمل خیر را ناچیز و بی ارزش تلقی کند؛ زیرا بسا اوقات عمل کم و ناچیز هم سبب مغفرت گناهان انسان میشود. – هیچ عمل و یا حالتی از حالات بندگان از الله تعالی مخفی و پوشیده نمی ماند، لذا برای هر انسان مطابق عملش جزا و پاداش می دهد. – فضیلت اخلاص و خود داری ورزیدن از ریاء و خودنمایی، زیرا اعمالی را که افراد ذکر شده در حدیث انجام دادند دور از انظار مردم و خالی از هرگونه ریاء بود. طی یک فعالیت انفرادی دو صفحه فوق خوانده شود. و هم گفته شود که صفحه مثلا ۹۱ – ۹۲ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	<u>فعالیت چهارم:</u> طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	<u>فعالیت پنجم:</u> با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

جلسه سوم

موضوع: حرمت ربا و سود

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مفهوم ربا را بیان کرده بتوانند.
- اضرار و پیامد های ربا را مشخص کرده بتوانند.
- تاکیدات شریعت اسلام را در مورد حرمت ربا بیان کرده بتوانند..

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت و مارکر.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- برخی آیات و نصوص را در مورد حرمت ربا تحریر نماید.
- در فلیپ چارت برخی اضرار ناشی از ربا را تحریر نماید.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: برخی نکات توضیحی پیرامون ربا وسود: **۱. قبل از دلیل تحریم ربا استاد مضمون باید حکم ربا را چنین بیان کند:** **ربا به دلیل قرآن، سنت و اجماع امت حرام است:** خداوند متعال می فرماید: «يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَذَرُوا۟ مَا بَقِىَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓا۟ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ فَأْذَنُوا۟ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾» (سورة البقرة، ۲۷۸ – ۲۷۹).

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده است رها کنید؛ اگر مؤمن هستید. (۲۷۸) پس اگر (چنین) نکردید، یقین داشته باشید که خدا و رسولش با شما جنگ خواهند کرد. و اگر توبه کردید اصل سرمایه هایتان از آن شماست، نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود.

و می‌فرماید: «ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّۚ» (البقرة، ۲۷۵).

کسانی که ربا می خورند (روز قیامت از گور) بر نمی خیزند؛ مگر مانند بر خاستن کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند).

و می‌فرماید: «يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ» (البقرة، ۲۷۶).

خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش (و برکت) می دهد.

و پیامبرﷺ در یک حدیث ربا را با شش عمل دیگر از جملهٔ گناهانیکه سبب هلاکت انسان میگردد قرار دادند.

پس بر اساس دلایل فوق ربا و سود چه در معامله باشد و چه در قرض، قطعاً حرام است. گرفتن، دادن سود، از گناهان کبیره است که باید از آن دوری کرد. منکر حرمت آن کافر می‌شود.

۲. توضیح پیرامون صورتهای ربا:

سود بر دو نوع است:

۱- سود در فروختن نقد به نسیه یعنی نقد را به نسیه فروختن.

۲- سود در مقدار یعنی اندک را به بسیار فروختن.

برای حرام بودن سود، شرط است که دو چیز موجود باشند، آنگاه هر دو نوع سود حرام می‌شود.

یکی «اتحاد جنس» دوم «اتحاد قدر» یعنی کیل و وزن.

اگر یکی از این دو یافت شود و دیگری موجود نباشد، سود نسیه حرام است ولی اضافه گرفتن در مقدار جایز است. مثلاً اگر گندم به گندم یا نخود به عوض نخود یا خرما به خرما، طلا به طلا، نقره به نقره، آهن به آهن فروخته شود، هر دو شرط اینجا موجودند، پس نسیه و اضافه هر دو حرام می شوند.

و اگر گندم به نخود یا طلا به نقره یا جو به گندم فروخته شود، اضافه حلال است ولی نسیه دادن حرام می شود. زیرا گندم، نخود و جو، هر سه کیلی و پیمانه ای هستند و طلا و نقره هر دو وزنی و در قدر مشترک اند، اما جنس همه با هم تفاوت دارد. لذا در یک صورت حلال و در صورت دیگر حرام است.

اگر پارچه به پارچه یا گوسفند به گوسفند یا شتر به شتر اضافه فروخته و تعویض شود حلال است ولی نسیه حرام، زیرا وحدت جنس موجود است، ولی کیل و وزن موجود نیست. و اگر هر دو یعنی اتحاد جنس و قدر یافت نشوند، هم اضافه و هم نسیه حلال است مثلاً گندم به نقره یا عدس به آهن فروخته و تعویض شود، چون اتحاد جنس موجود نیست و اتحاد قدر هم موجود نیست، زیرا گندم و عدس کیلی و نقره و آهن وزنی می باشند.

یادآوری می شود معیار در کیلی و وزنی بودن اشیأ، فرموده ی پیامبر اکرمﷺ و تعامل آن زمان است، و تغییرات و تحولات مردم عصرهای بعدی در آنها اعتباری ندارد.

توضیحاتی پیرامون حکمت حرمت ربا:

در این شکی نیست که اکثریت احکام شرع معلل به علت می باشد، یعنی هیچ حکمی خالی از علت و حکمت نیست، پس در حرام بودن سود و ربا که حرمت آن بصراحت در قرآن و سنت ذکر شده است حکمتهای متعددی وجود دارد که برخی أنها در درس ذکر شده است و حکمت های مهم ذیل را نیز میتوان اضافه نمود:

۱. ربا یکی از شیوه های گرفتن و خوردن مال مردم به طریقه باطل است که خداوند متعال از آن منع نموده فرموده است: «وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ» (البقرة، ۱۸۸) «و اموالتان را در بین خود بباطل (و ناحق) نخورید».
۲. در سود افراد فقیر و بیچاره بیشتر متضرر می شوند ؛ چون در نتیجه عجز و ناتوانی آنها از پرداختن قرض، قرض دهنده مقدار قرض خود را دو برابر و چند برابر می سازد.
۳. سود سبب قطع صله رحمی و عطوفت بر فقراء می گردد.
۴. سود زمینه قرض حسن را مسدود ساخته و برعکس دروازه قرضهای سود باز می نماید که صد فیصد به ضرر افراد فقیر و بیچاره تمام می شود.
۵. سود سبب کساد تجارت و معطل شدن صنایع میگردد؛ زیرا سود گیرنده زمانیکه بدون کدام کار و زحمت زمانیکه به مبالغ هنگفت دست می یابد، از انجام دادن کار های سخت خود داری می نماید.

اضرار و پیامدهای ربا در روشنی آیات و احادیث:

۱- سود خوار روزقیامت دیوانه وار از قبر بر می خیزد.
۲- وعید عذاب دوزخ برای کسانیکه بدون در نظر داشت حکم ربا که حرمت است به سود گرفتن ادامه می دهند «وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝٢٧٥». و کسی که (به ربا خواری) باز گردد، آنان اهل آتشند و در آن جاویدان خواهند بود.
۳- در ربا هیچگونه خیر و برکت وجود ندارد «يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ». خداوند ربا را نابود می‌کند.
۴- ربا سبب محروم شدن از محبت الهی وبرعکس سبب نزول غضب وی می گردد

	«وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ...». ۵- سود گیرنده بسیار ناشکر و نا سپاس خوانده شده است. ۶- هم چنان سود گیرنده را بسیار اثیم یعنی گنهگار خوانده شده است. ۷- سود گیرنده با ترک نکردن سود با خدا و پیامبرش اعلان جنگ را نموده است «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ». ۸- سود را ظلم، و سود گیرنده را ظالم معرفی کرده شده است «لا تَظْلِمُونَ». ۹- سود را در یک آیت دیگر از اخلاق و عادات یهود معرفی کرده شده است «فَبِظُلْمٍ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾ وَأَخْذِهِمُ ٱلرِّبَوٰاْ وَقَدْ نُهُواْ عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَٰطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾». طی یک فعالیت انفرادی دو صفحه فوق خوانده شود. و هم گفته شود که صفحه مثلا ۱۱۴ - ۱۱۵ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.
تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.
ارزیابی ۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

جلسه چهارم

موضوع: سلام و برخی احکام متعلق به آن

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مزایا و فضایل سلام دادن را بیان کرده بتوانند.
- نقش سلام را در ایجاد محبت و دوستی در مابین مسلمانان مشخص کرده بتوانند.
- برخی احکام متعلق به سلام را بیان کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، جدول و مارکر.

آمادگی مربی:

- بعد از سلام و احوالپرسی محل جلسه را تنظیم و حاضری شاملین جلسه را اخذ نماید.
- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت برخی نصوص متعلق به موضوع را تحریر نماید.
- در فلیپ چارت عناصر عمده موضوع را تحریر نماید.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

مراحل و زمان	فعالیت ها
جلب توجه ۱۰ دقیقه	فعالیت اول: مثلا با طرح چند سوال و یا کدام طریقه دیگر.
بررسی درس قبلی ۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: با طرح چند سوال مربوط به موضوع.
توضیح مطالب مرتبط ۴۰ دقیقه	فعالیت سوم: در صفحهٔ (۸۱) کتاب درسی مضمون تعلیم و تربیهٔ دینی حدیثی را در مورد فضیلت سلام دادن با ترجه و شرح کوتاه آن تذکر داده شده است، اما در مورد احکام ضروری و مهم سلام ازجمله حق اولویت سلام دادن و حکم رد و یا جواب سلام دادن چیزی تذکر داده نشده است که شاید توسط شاگردان مطرح گردد. لذا برخی احکام سلام را در پرتو احادیث نبوی خدمت معلمین محترم ارائه کرده میشود. **۱ – سلام را چه کسی باید آغاز نماید:** در جواب این پرسش باید به حدیثی رجوع نمائیم که دران از پیامبرﷺ روایت شده که فرمودند: عن أبی هریرةؓ أن رسول اللهﷺ قال: (يُسَلِّمُ الرَّاكِبُ عَلَى الْمَاشِي وَالْماشی عَلَى

القَاعِدِ، والقليلُ على الكَثِيرِ).
وفي رواية البخاري: «والصغيرُ على الْكَبِيرِ».
از ابوهریرةﷺ روایت شده است که پیامبرﷺ فرمودند: «سوار بر پیاده و پیاده بر نشسته و گروه کمتر بر گروه بیشتر، سلام دهند».
در روایتی دیگر بخاری آمده است: «و کوچک بر بزرگ».

احکام و فواید:

- تعلیم و آموزش آداب سلام، و اداء نمودن حق هر فرد ذی حق.
- یکی از آداب سلام دادن این است که افراد خورد سال باید بر بزرگ سالان سلام دهند؛ زیرا این عمل نشان دهندهٔ احترام بزرگان است، و دین اسلام همواره خورد سالان را بر احترام بزرگان توصیه نموده است.
- افرادیکه از راه عبور مینمایند باید بر افراد نشسته سلام دهند.
- افراد کم باید بر افراد زیاد سلام دهند، و این یکی از دلائل فضیلت و برتری جماعت است.
- افراد سوار باید به افراد پیاده سلام دهند.
- موارد ذکر شده در حدیث جنبهٔ افضلیت و برتری را دارد؛ زیرا انجام دادن عکس آن نیز جائز است.
- در مورد اینکه جمع کثیری از نزد افراد کم و یا شخص کلان و بزرگتر از نزد خورد تر عبور نمایند چه کسی باید سلام دهد، کدام نصوص معینی در این مورد وجود ندارد! اما از بررسی احادیث دیگر معلوم میگردد که سلام دادن وظیفهٔ وارد شونده است، کم باشند و یا زیاد، خورد باشد و یا بزرگ؟.
- سنت در مورد کسیکه در راه ها و جاده های مزدحم و یا ساحات بازار که محل عبور و مرور مردم است رفت و آمد میکند این است که تا حد توان سلام را ترک نکند؛ زیرا در مورد ابن عمرﷺ آمده است که تنها به نیت کسب اجر سلام به بازار میرفت و بر عام و خاص سلام میداد.

برخی احکام مرتبط به سلام:

۱. مشروعیت سلام در وقت برگشت:

سلام همانطوریکه در ورود مشروع است در وقت برگشت نیز مشروع است، طوریکه از ابوهریرةﷺ روایت شده که پیامبرﷺ فرمودند: (إذَا انْتَهَى أحَدُكُم إلى المَجْلسِ فَلْيُسَلِّمْ، فَإذَا أرَادَ أنْ يَقُومَ فَلْيُسَلِّم،فَليسْت الأُولى بأَحَقِّ من الآخِرَة)
هرگاه یکی از شما به مجلسی برسد، باید سلام کند و هرگاه قصد کند که برخیزد، باید سلام کند زیرا سلام اولی از دومی سزاوارتر نیست.

<table>
<tr><td>

احکام و فواید:

- کسیکه نزد تودهٔ از مردمیکه یکجا نشسته با شند می آید باید قبل از هر سخن دیگر سلام دهد.
- کسیکه خواسته باشد بعد از بر آورده شدن حاجت و ضرورتش منصرف گردد باید در وقت انصراف و برگشت نیز سلام دهد.
- سلام در مرحلهٔ اول این مطلب را میرساند که شما در موجودیت من از هرنوع شر و اذیت من مصئون هستید و در حالت بر گشت این مفهوم را میرساند که شما در غیابم نیز از شر و اذیت من در امان بسر میبرید.

۲. مشروعیت سلام دادن بر اطفال:

بر مردان و اشخاص می باید که به هدف تعلیم دادن سوال گهگاهی بر اطفال خورد سال سلام دهند طوریکه انس﷛ این عمل را انجام میداد و می گفت: پیامبرﷺ این عمل را همواره انجام میدادند.

احکام و فواید:

۱- سلام دادن بر اطفال و خورد سالان نه تنها مشروع بوده بلکه فوائد ذیل را نیز دارا می باشد:

أ. اتباع و پیروی نمودن از سنت پیامبرﷺ.

ب. سلام بر خورد سالان دلیل تواضع و فروتنی است؛ زیرا برخی ها بر اساس تکبر و خود خواهی از سلام دادن بر خوردان امتناع می ورزند، در حالیکه تواضع مقام انسان را نزد خداوند بالا می برد.

ج. معتاد ساختن اطفال به اخلاق نیک و پسندیده.

د. سلام بر اطفال سبب جلب نمودن محبت ایشان میگردد

طی یک فعالیت انفرادی دو صفحه فوق خوانده شود. و هم گفته شود که صفحه مثلا ۸۱ – ۸۲ کتاب درسی ضمن یک فعالیت دو نفری خوانده شود.

</td><td></td></tr>
<tr><td>

<u>فعالیت چهارم:</u>

طی یک فعالیت گروپی استحکام و تعمیق مطالب درس صورت گیرد. نوت: فعالیت های انفرادی، جوره ای و گروپی با نظرداشت مطالب به شکل متنوع انجام شود.

</td><td>تعمیق و استحکام مطالب درس ۱۵ دقیقه</td></tr>
<tr><td>

<u>فعالیت پنجم:</u>

با طرح سوالات یا کدام شیوه دیگر صورت گیرد.

</td><td>ارزیابی ۱۰ دقیقه</td></tr>
</table>





تاریخ صنف هفتم

تهیه کننده: شووندوی نجیب الله قبادی

جلسه اول

موضوع: آیا در مورد تقسیم بندی زمان و تاریخ معلومات دارید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- دوران ماقبل تاریخ و تاریخی را ازهم تفکیک کرده بتوانند.
- اعصار ماقبل التاریخ را بیان کرده بتوانند.
- دوره های عهد سنگ را توضیح کرده بتوانند.
- دورۀ فلزات را شناسایی کرده بتوانند.
- دورۀ های تاریخی راتقسیم بندی کرده بتوانند.
- قرون اولی را شناخته و سنوات شروع و ختم آنرا بیان نمایند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر، کاغذ A۴ و خط کش

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- مربی قبلاً دایاگرام دوران ماقبل التاریخ و تاریخی را تهیه نماید.
- مربی قبلاً دیاگرام دورۀ ماقبل التاریخ را تهیه و در آن اعصار مختلف این دوره را نشان دهد.
- مربی دایاگرام تقسیم بندی دوران تاریخی را تهیه نماید.
- آماده گی قبلی داشته باشد.

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت اهداف و موضوعات را بالای تخته نصب نماید و از یک یا دو تن شاملان خواسته شود تا از روی چارت بخوانند و یک تن دیگر موضوع را واضح نماید و بعداً مربی نظریات خود را در اخیر جلسه بیان نماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت دوم: مربی هدایت میدهد که شاملان متن موضوع را طور انفرادی خاموشانه مطالعه نموده بعداً بشکل جورۀ در مورد جرو بحث نموده و مطابق به سوالات طرح شدۀ مربی جواب ارائه نمایند. سوالات: گذشتۀ انسان بروی زمین چند دوره را دربر میگرد؟ – اعصار ماقبل التاریخ کدام ها اند؟ – آغاز دورۀ تاریخی با کدام رویداد شروع شد؟ – قرون وسطی میان کدام رویداد های بزرگ قرار داشت؟ – قرون معاصر بکدام زمان گفته میشود؟

۲۰ دقیقه	فعالیت سوم: توضیحی مربی: موضوع درس را توضیح می نماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: کار گروپی مربی مشمولین را به چهار گروپ تقسیم نموده و سوالات هر گروپ را قبلاً در کاغذ A۴ تحریر کرده و در اختیار شان قرار بدهد. در اخیر نمایندهٔ هر گروپ موضوعات خود را ارائه می نمایند. گروپ اول: اعصار ماقبل التاریخ را بروی دایاگرام ترسیم نموده و توضیح نمائید. گروپ دوم: نقاط عطف دورهٔ تاریخی را بروی دایاگرام نشان دهید. گروپ سوم: دوره های قرون اولی و قرون وسطی را باهم مقایسه نمائید. گروپ چهارم: رویداد های قرون جدیده و معاصر را لست نموده مختصر توضیح نمایند.
۵ دقیقه	خلاصه: – اهداف جلسهٔ ما چی بود؟ – قدیمی ترین عصر زنده گی انسان چه نام دارد؟ – اهلی ساختن حیوانات و عصر کشت و کار را نام بگیرید؟ – خط و کتابت در کجا و چه وقت آغاز شد؟ – انقلاب صنعتی در کجا و در کدام دورهٔ تاریخی بوقوع پیوست؟ – انقلاب کبیر فرانسه در کدام سال بوقوع پیوست و شروع کدام دورهٔ تاریخی میباشد.

تقسیمات تاریخ

تاریخ علمیست که از گذشته های بشریت بحث میکند و یا اینکه سیر تکامل جوامع بشری را در قید زمان و مکان مورد بحث و تحلیل و مطالعه علمی دقیق قرار میدهد. اینگونه مطالعه تمدن بشریت در تاریخ از آوان خلقت بشر در روی زمین آغاز میشود. تمدن بشر در این دوره طولانی شامل نشیب و فراز های زیادی بوده. دوره های مختلفی را با مختصات متفاوت در مناطق مختلف کره زمین گذشتانده است. در مجموع دانشمندان و مورخین، تاریخ تمدن و فرهنگ بشری را در جهان به دو دورهٔ متمایز تقسیم کرده اند:

۱. دروهٔ ماقبل التاریخ.
۲. دورهٔ تاریخی.

اکنون لازم است که هر یکی از این دوره ها طور جداگانه تحت مطالعه قرار داده شود.

۱. دورهٔ ماقبل التاریخ

این دورهٔ تمدن انسان را از بدو خلقت او در روی زمین تا ایجاد خط و بدست آمدن اسناد و مدارک کتبی مورد مطالعه قرار میدهد، البته این دوره را از روی منابع و مدارک تاریخی مادی که از انسانها بجا مانده آلات و افزار تولید و شکار و دفاع از خود در برابر حیوانات، ظروف و اثاثه منازل، زیورات، وسایل جنگی و غیره که محققان از روی تحلیل و بررسی علمی این منابع میتوانند زنده گی ماقبل التاریخ بشر را توضیح و تشریح نموده، نمایان سازند و این وظیفه بعهده باستان شناسان قرار دارد.

دانشمندان تاریخ تمدن قدیم، دورهٔ ماقبل التاریخ را با در نظرداشت استفاده از وسایل و افزار تقسیم نموده اند، چون انسان اولیه ابتداء از سنگ و بعداً از فلزات استفاده کرده بناءً دوره ماقبل التاریخ را به ادوار دوگانه ذیل تقسیم نموده اند:

الف: عصر سنگ یا حجر

ب: فلزات

الف: عصر سنگ

دورهٔ سنگ یا حجر را با در نظرداشت خصوصیات متمایز به سه دورهٔ جداگانه تقسیم نموده اند:

۱. سنگ قدیم یا کهن سنگی و یا سنگ نا تراش — Paleo Lithique
۲. میان سنگی یا سنگ میانه و یا تراش سنگ — Mezo Lithique
۳. صیقل سنگ یا سنگ جدید یا نو سنگی — New Lithique

ب: عصر فلزات

دورهٔ فلزات را نیز به آشنایی و استفاده انسان اولیه از فلزات مانند: مس، طلا و نقره و از مخلوط نمودن مس و قلعی، فلز جدید مفرغ یا (برنج) و ساختن آلات و ادوات مورد ضروت به دوره های ذیل تقسیم گردیده است.

۱. دورهٔ مس
۲. دورهٔ مفرغ (برونز)
۳. دورهٔ آهن

۱. دورهٔ مس

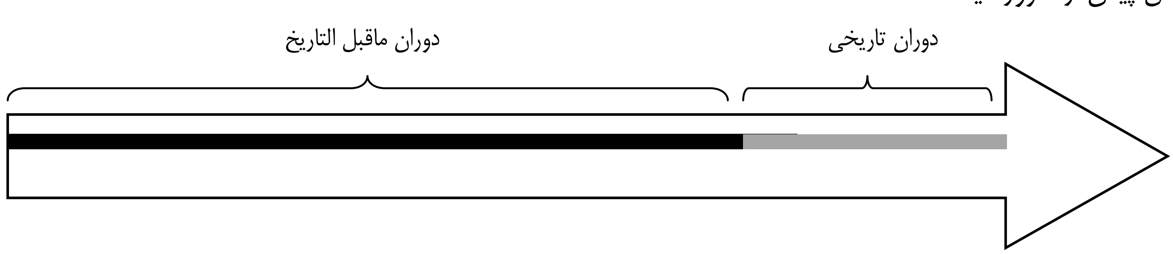
از جلمهٔ فلزات انسان بار اول با مس آشنا گردیده است که با دادن حرارت میتوان به آسانی آنرا ذوب و یا به اشکال و انواع مختلف وسایل خوبتر مبدل ساخت.

۲. دورهٔ مفرغ (ب)

از روی اسناد و مدارکی که در اثر حفریات باستان شناسان بدست آمده معلوم میگردد که: انسان با استفاده از آشنایی با مس و قلعی ساختن اشیا و ابزار مورد ضرورت خود از این فلزات، این راهم فهمید که از مخلوط نمودن مس و قلعی فلز جدید دیگری را که به آن برونز یا برنج میگویند و از دو فلز فوق الذکر بدست آمده و مقاومت آن زیاد است می تواند بدست آورند در این دوره این فلز مورد استفاده قرار گرفته و در ساختن وسایل بیشتر بکار برده شده است.

۳. دوره آهن

به اساس مطالعهٔ افزار و وسایل بدست آمده، باستان شناسان استفاده از آهن را به دوره تاریخی نزدیک میدانند و حتی عهد امروز را دنبالهٔ عصر آهن می شمارند و سابقهٔ استفاده و آشنایی با آهن و شروع عصر آهن را از ده الی دوازده هزار سال پیش از امروز میدانند.



۲. دورهٔ تاریخی

طوریکه قبلاً گفتیم آشنایی انسان با خط وکتابت و بدست آمدن اسناد و مدارک کتبی را در اثر کاوشهای باستان شناسان بدست آمده آغاز دوره تاریخی بشر میدانند، زیرا این اسناد کتبی چه توسط لوحه های سنگی، کتیبه های سفالین، پوست درختان و حیوانات و یا دیوار های مغاره ها باشد. معلومات و اطلاعات موثق را از زنده گی گذشته بشر و تمدن و فرهنگ بشری بدست میدهد.

پس تاریخ بشریت بعد از خط و کتابت بخاطری دارای ارزش بیشتر است که مورخ را از ابهام، شک و تردید بیرون میکند، ایجاد خط و کتابت را به سال (۳۳۰۰ق. م) نسبت میدهند. بنابران گفته میتوانیم که دورهٔ تاریخی جوامع بشری از (۳۳۰۰ق. م) آغاز گردید.

دورهٔ تاریخ بشر را نظر به حدوث وقایع مهم به چهار دوره متمایز تقسیم نموده اند.

۱. قرون اولی
۲. قرون وسطی
۳. قرون جدیده
۴. قرون معاصر

۱. قرون اولی

قرون اولی یا عهد قدیم از ایجاد خط (۳۳۰۰ق. م) آغاز و الی تجزیه امپراتواری روم به روم شرقی و روم غربی، بعد از مرگ امپراتور تیودوس در سال ۳۹۵م.

۲. قرون وسطی

قرون وسطی یا قرون میانه که از تجزیه امپراتوری روم به روم شرقی و غربی در سال ۳۹۵م شروع و تا فتح قسطنطنیه بواسطه سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی مشهور به فاتح در سال ۱۴۵۳م.

۳. قرون جدیده

از فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳م شروع و الی انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ ادامه داشت.

٤. قرون معاصر

قرون معاصر از انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ شروع و تا امروز ادامه داردم.
تقسیمات دیگری از تاریخ نیز وجود دارد که در آن نه تنها تغیرات سیاسی بلکه با اساس انقلابات اجتماعی تاریخ را زمان بندی نموده اند.

و آن چنین است

۱. کمون اولیه که شروع آن ابتدأ خلقت است – تاسیس دولت (۳۶۰۰ق. م).
۲. برده گی از ۳۶۰۰ق م شروع — ۴۷۶م سقوط برده داری.
۳. فیودالی از سقوط امپراتوری روم ۴۷۶ شروع — ۱۴۹۲ کشف امریکا.
۴. سرمایه داری شروع ۱۴۹۲ —انقلاب کبیر فرانسه — ۱۷۸۹م.

۵. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب سوسیالستی در روسیه شروع ۱۷۸۹ – ۱۹۱۷م.
۶. عصر نوین – از ۱۹۱۷ شروع – ۱۹۶۰ تسخیر فضا توسط انسان.
۷. از زمان تسخیر فضا (۱۹۶۰ – امروز) عصر ارتباطات.

جلسه دوم

موضوع: تبدیلی سنوانت تاریخ

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- در کشور ما افغانستان سنوات مروج را شناسایی کرده بتوانند.
- مبدأ سنۀ هجری شمسی و هجری قمری را بیان کرده بتوانند.
- مبدأ سنۀ میلادی را توضیح نمایند.
- تفاوت میان سنوات را تثبیت کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- کتاب درسی صنف هفتم، فلیپ چارت، مارکر

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- برای کار گروپی سوالات را قبلاً تهیه نماید.
- آماده گی قبلی داشته باشد.

وقت	فعالیت های مربی
۲۰ دقیقه	فعالیت اول: سوال و جواب - در کشور ما چند نوع تقویم مورد استفاده میباشد؟ - مبدأ تقویم میلادی کدام واقعۀ مهم است؟ - از تقویم هجری بکدام مفهوم استفاده میشود؟ - مبدأ تقویم هجری شمسی و هجری قمری از کدام رویداد مهم گرفته شده است؟
۲۰ دقیقه	فعالیت دوم: توضیحی مربی محتوای درس را توضیح مینماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت سوم: کار گروپی (صنف به چهار گروپ منظم تقسیم میگردد): سوالات: گروپ اول: اگر سال میلادی ۱۳۵۷ باشد مطابقت به کدام سال هجری شمسی و کدام سال هجری قمری دارد؟ گروپ دوم: اگر سال هجری قمری ۱۱۱۶ باشد مطابقت به کدام سال هجری شمسی و کدام سال میلادی میکند؟ گروپ سوم: اگر سال هجری شمسی ۱۳۹۸ باشد مطابقت به کدام سال هجری قمری و کدام سال میلادی مینماید؟ گروپ چهارم: اگر احمد تولدش ۱۳۵۸ باشد مطابقت بکدام سال هجری قمری و کدام سال میلادی دارد؟

۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: ارزیابی – تفاوت بین سال هجری شمسی با هجری قمری چند روز است و علت آنرا توضیح کنید؟ – تفاوت بین سال میلادی و سال هجری شمسی چند سال است؟
	خلاصه: اهداف آموزشی جلسۀ ما چی بود؟ یک یا دو تن از شاملان موضوع درس را طور فشرده جمع بندی و توضیح مینمایند.

تبدیل سنوات تاریخی با یکدیگر

باید دانست که برای دستیابی به تقویم مجهول واستخراج آن، آشنایی با تقویم معلوم لازم است و بدون این امر استخراج تقویم مجهول میسر نخواهد بود و وقتی تقویم معلومی را در اختیار داریم در صورتی میتوانیم از طریق آن تقویم مجهول مورد نظر را بدست آوریم که: اولاً از مبدأ هر دوی آنها آگاهی داشته و فاصله زمان مابین آنها را برحسب سال، ماه و روز در دست داشته باشیم و خصوصیات هر دو تقویم برای مان روشن باشد بعد طریقی که گذشتگان با تلاش پیگیر در این مورد تنظیم شده است که هر مبتدی با بکار گرفتن آن میتواند جهت آگاهی تقویم هجری (هـ ق) و میلادی از آن بهره مند شود.

تبدیل تاریخ هجری شمسی و میلادی

تفاوت بین سنوات شمسی و میلادی حدود ۶۲۲ = ۵۶۹،۶۲۱ سال است. بنابر این اگر سال شمسی با ۶۲۲ جمع گردد، سال میلادی را نشان میدهد که در جریان سال شمسی آغاز می یابد برعکس و قتیکه ۶۲۲ از سال میلادی تفریق شود، سال شمسی را معین میکند.

مثال: سال ۲۰۰۹ میلادی در جریان کدام سال شمسی آغاز می یابد.

حل: اگر سال میلادی به y نشان داده شود داریم که:

Y = ۲۰۰۹ - ۶۲۲ = ۱۳۸۷

یعنی سال ۲۰۰۹ میلادی در جریان ۱۳۸۷هـ ش میشود.

مثال: در جریان سال ۱۳۸۷هـ ش کدام سال میلادی شروع میشود.

حل: اگر سال هـ ش به c نشان داده شود.

C = ۱۳۸۷ + ۶۲۲ = ۲۰۰۹

لذا در جریان سال ۱۳۸۷هـ ش سال ۲۰۰۹م شروع می شود.

تبدیل سنوات هــ ش و هــ ق (روش هارتز)

هرگاه سال قمری با عدد $\frac{۳۲}{۳۳}$ ضرب گردد حاصل ضرب سال شمسی را معین میکند.

و برعکس وقتی که سال شمسی را با $\frac{۳۳}{۳۲}$ ضرب کنیم سال قمری بدست می آید در هر دو حالت شروع سال قمری در جریان سال شمسی معین شده میتواند. اگر سال قمری به X و سال شمسی به Y نشان داده شود روش بالا قرار ذیل فورمولیزه می شود.

$$Y = \frac{۳۲}{۳۳} . X$$
$$X = \frac{۳۳}{۳۲} . Y$$

مثال: سال ۱۴۳۰هـ ق با کدام سال هـ ش آغاز می شود؟

حل: در اینجا X = ۱۴۳۰ است بنا برآن

$$Y = \frac{۳۲}{۳۳} . X = \frac{۳۲}{۳۳} (۱۴۳۰) = ۱۳۸۶ .۶۶۶ = ۱۳۸۷$$

لذا سال ۱۴۳۰هـ ق در جریان سال ۱۳۸۷ آغاز می شود.

مثال: در جریان سال ۱۳۸۷ کدام سال قمری شروع می شود؟

حل: در این جا Y = ۱۳۸۷ پس سال قمری عبارت است از:

$$X = \frac{۳۳}{۳۲} . Y = \frac{۳۳}{۳۲} (۱۳۸۷ = ۱۴۳۰)$$

پس در سال ۱۳۸۷هـ ش سال ۱۴۳۰هـ ق آغاز می یابد.

تبدیل سال هجری قمری به میلادی روش (هارتز)

اگر سال قمری را با عدد $\frac{۳۲}{۳۳}$ ضرب کنیم و آنرا با عدد ۶۲۲ جمع نمائیم سال میلادی بدست می آید که در جریان سال قمری آغاز می شود برعکس در صورتیکه عد د ۶۲۲ را از سال میلادی تفریق گرد و حاصل تفریق آن با $\frac{۳۳}{۳۲}$ ضرب شود سال قمری بدست می آید یعنی:

$$C = \frac{۳۲}{۳۳} X + ۶۲۲$$
$$C = ۰,۹۶.۱۴۳۰ = ۱۳۸۶,۶۶۶۵ = ۱۳۸۷ + ۶۲۲ = ۲۰۰۹$$
$$X = \frac{۳۳}{۳۲} . y$$

X=۱،۰۳۱۲۵,۲۰۰۹

مثال: در سال ۱۴۳۰هـ ق کدام سال میلادی آغاز می یابد؟

تبدیل سال قمری به میلادی (روش و یلسون)

هرگاه سال قمری با عدد – ۰،۹۷۰۲۳ ضرب و حاصل ضرب با عدد ۵۶۹، ۶۲۱ جمع گردد، عدد حاصل شده بعد از روند آف، سال میلادی را نشان می دهد که در همین سال قمری آغاز می یابد و برعکس وقتی ۵۶۹، ۶۲۱ از سال میلادی تفریق گردد و حاصل تفریق بر عدد ۰،۹۷۰۲۳ تقسیم شود بعد از روند آف آن سال قمری بدست می آید یعنی:

$$C = (۰, ۹۶۹۶۹۷) + ۶۲۱, ۵۶۹$$
$$X = \frac{C - ۶۲۱,۵۶۹}{۰,۹۷۰۲۳}$$

مثال: در جریان سال ۱۴۳۰هـ ق کدام سال میلادی آغاز می یابد.

$$C = (۰,۹۶۹۶۹۷)\ X + ۶۲۱,۵۶۹$$
$$= (۰,۹۶۹۶۹۷)\ (۱۴۳۰) + ۶۲۱,۵۶۹$$
$$= ۲۰۰۸.۹۹ = ۲۰۰۹$$

یعنی در جریان سال ۱۴۳۰هـ ق سال ۲۰۰۹ میلادی شروع می شود.

با استفاده از طریقه های ذیل میتوان سنوات هجری شمسی را به هجری قمری و به هجری شمسی و هم چنان تبدیل سنهٔ هجری شمسی را به سنهٔ میلادی و سنهٔ میلادی را به سنهٔ هجری شمسی تبدیل کرد.

۱- تبدیل سنهٔ هجری قمری به هجری شمسی

مثال: سنهٔ ۱۴۱۹هـ ق را با انجام عملیهٔ ذیل میتوان به سنهٔ هـ ش تبدیل کرد.

- سنهٔ هجری قمری بر ۳۳ تقسیم گردد.
- حاصل تقسیم از سنهٔ هـ ق منفی شود.
- با عدد بدست آمده (یک) جمع گردد.

۱۴۱۹ | ۳۳
۱۳۲ | ٤۳
۹۹
۴۹
۰۰

۱۴۱۹
۴۳
۱۳۷۶

۱۳۷۶
۱
۱۳۷۷ هـ ش

۲- تبدیل سنهٔ هجری شمسی به هجری قمری

برای تبدیل نمودن سنهٔ هجری شمسی به هجری قمری اول باید سال هجری شمسی را به ۳۲ تقسیم نمائیم. بعداً حاصل تقسیم را با سال هجری شمسی جمع نموده از حاصل جمع بدست آمده عدد یک را منفی نمایم.

در نتیجه سال مورد نظر هجری قمری بدست می آید.

مثال

۱۴۱۹ | ۳۳
۱۳۲ | ۴۳
۹۹
۴۹
۰۰

۱۳۷۷
۴۳
۱۴۲۰
۱ -
۱۴۱۹

۳- تبدیل سنهٔ هجری شمسی به میلادی

سال هجری شمسی را با ۶۲۱ جمع میمائیم سال میلادی بدست می آید.

مثال

۱۳۷۷
۶۲۱ + میلادی
۱۹۹۸

٤- تبدیل سنهٔ میلادی به هجری شمسی

از سال میلادی عدد ۶۲۱ را تفریق میمائیم سال هجری شمسی بدست می آید.

مثال

۱۳۹۸

۶۲۱ - هجری شمسی

۱۳۷۷

اگر بخواهیم سنهٔ هجری قمری را به میلادی و یا میلادی را به هجری قمری تبدیل نمائیم بر علاوهٔ استفاده از فورمول های داده شدهٔ قبلی میتوانیم اول سنهٔ هجری قمری را به هجری شمسی تبدیل نموده و بعداً هجری شمسی به میلادی تبدیل نمائیم و یا برعکس ابتدا سنهٔ میلادی را به هجری شمسی تبدیل نموده بعداً هجری شمسی را به هجری قمری تبدیل مینمائیم.

جلسه سوم

موضوع: آیا آریایان را می شناسید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- مهد بود و باش اول آریایان را شناسایی کرده بتوانند.
- چگونگی شهری شدن آریایان را توضیح کرده بتوانند.
- در مورد مشاغل آریائی ها در بلخ و نو آوری شان را بیان کرده بتوانند.
- راجع به فرهنگ آریایان معلومات داده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر، نقشه تاریخی آریانا

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- آماده گی قبلی داشته باشد.

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت اهداف و موضوعات را بالای تخته نصب نماید و از یک و یا دو تن تقاضا بعمل آید که موضوع و اهداف تحریر شده را خوانده و مشمولین دیگر آنرا توضیح دهند و در اخیر خود مربی اهداف را توضیح دهد
۲۰ دقیقه	فعالیت دوم: مربی محتوای درس را خاموشاه بطور انفرادی مطالعه کرده (۵ دقیقه). بعداً بشکل جورهٔ در مورد تفاهم و جروبحث نمایند (۵ دقیقه). در اخیر مربی با طرح سوالات از شاملان موضوع درس را تحلیل مینماید (۱۰ دقیقه). سؤالات: - آریائیان در کدام زمان وارد سرزمین بخدی شده اند؟ - زنده گی ابتدایی آریائیان چگونه بود؟ - آریائیان سرزمین خویشرا بکدام نام یاد میکردند؟ - اساس اولین مدنیت آریائی در کجا گذاشته شد؟ - مشاغل اریائیان بعد از جابجا شدن شان در بخدی چگونه بود؟ - فرهنگ آریائیان چطور بود؟

۲۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی متن و محتوای درس را توضیح مینماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: شاملان به گروپهای مناسب تقسیم میشوند؟ موضوع کار گروپی: نقشه اریانا را در فلیپ چارت کشید و در آن ایالات ده گانه آنرا مشخص نمایند و همچنان راجع به زنده گی مردم آریانا معلومات ارائه دارند.
۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: مربی هدایت میدهد که صنف به دو گروپ تقسیم میشوند و یک گـروپ سـوال میکنـد و گـروپ دیگـر پاسخ ارائه مینماید.
۵ دقیقه	خلاصه: اهداف جلسهٔ ما چه بود، آیا به هدف رسیدیم یا خیر؟ مربی موضوع درس راجمع بندی میکند و خلاصه مینماید.

آریایی ها



کاوش های باستان شناسی نشان میدهد که سرزمین آریانا با وضعیت مساعد ساختمان و موقعیت طبیعی خود چندین هزار سال قبل از امروز قابل زنده گی بود، اما این که آریایی ها در کجا بودند نظریات متضادی وجود دارد.

علمای هندی باختر و پنجاب را مسکن اصلی آریایی ها میدانند، آنها میگویند اریایی ها در ابتدا در اینجا زنده گی خود سپری نموده اند، عده یی از علمای غربی نیز که موضوع زبان را ملاک قرار میدهند و کتلهٔ باختری و شعب هندی و ایرانی آنرا مطالعه مینمایند. عقیده دارند که آنها در باختر میزیستند. ازین نظریات این نتیجه بدست می آید که باختر (بلخ) نقطهٔ اصلی بود و باش ایشان میباشد، قدامت سرود های ویدی و اوستایی و مخصوصاً هم آهنگی این دو ماخذ قدیم در ترسیم داستانهایی که از زمان های خود آنها خیلی قدیمترین می باشد، این حقیقت را آشکار می سازد که آریایی ها باشنده گان اصلی این سرزمین هستند.

به اصطلاح عمومی آن، آرین ها دسته یی از اقوام را دربر میگیرد که زبان آنها باهم قرابت داشته و تمام اروپا و قسمتی از آسیای نزدیک را اشغال کرده اند اما به معنای خاص آن آرین ها شاخه یی از مردمان هندو اروپایی اند که بین گنگا و سواحل بحیره خزر مسکن گزین بوده و باشنده گان افغانستان امروز فارس و حصهٔ از شمال غرب هند را دربر میگیرد.

مورخین کلاسیک یونانی از قومی بنام (آری وا) و از خاک های بنام آریا (حوزه هریرود و آریانا (افغانستا قدیم) یاد کرده اند. مفهوم اصطلاحی و قدیم کلمهٔ آریا، نجیب، شریف بادرد، آقا مالک و اختیار دار است و هم چنان یکعده صفات دیگر، مانند جوانمردی، رشادت، دلاروی، وطن دوستی، مهمان نوازی، جنگجوی و غیره بدان پیوست شده، آریا واحدی بود که برای همه قبایل طور یک سان استعمال می شد و آنها را از بیگانگان متمایز میگردانید، اینها هر کدام مدارک درست تاریخی میباشدکه راجع به انتساب آریایی ها در این سرزمین در دست است و نشان میدهد که همان علم که به تعبیر اروپایی ها به معنی جامع به اقوامی اطلاق می شود که از لحاظ زبانی باهم شباهت دارند و بصورت اصطلاحی و فرضی در مورد آن ها تطبیق میگردد، در مورد اهالی و خاک کشور ما با سوابق و شواهد تاریخی استعمال می شد و هیچ کس از این امر انکار کرده نمیتواند.

چون در اوایل قرن ۱۹م موضوع قرابت زبان های اقوام هند و اروپایی با دلایل علمی ثابت شد و این نتیجه از آن بمیان آمد که اقوام مذکور از یک نژاد بوده و در اصل و مبدا باهم اشتراک داشتند به این ترتیب محل اصلی و اولی بود و باش اریایی ها طرف توجه علما قرار گرفت، از آن زمان تا حال تعداد زیادی از علمای کشور های مختلف در این زمینه مطالعه و اظهار نظر نموده و هر کدام با ارایه دلایل کانون اولیهٔ اریایی ها را در نقاط مختلف مانند: شمال اروپا، شمال بحیره سیاه، جنوب روسیه، شبه جزیره بالکان، آسیای مرکزی، پنجاب و غیره معین کرده اند.

بهر حال تازه ترین تحقیقات مهم تایید بر آن میگذارد که باختر کانون و مهد آن کتله آریایی ها است که در افغانستان، هند و فارس جابجا شده اند، موثق ترین مأخذ آریایی ها اوستا است که بصورت واضح در مورد مهد اولیهٔ شاخه یی از اقوام هند و اروپایی که خود را آریا خوانده اند تذکر بعمل آورده است. به این ترتیب با در نظرداشت مشابهت زبان، معتقدات و از روی افسانه ها و داستانها و بالاخره از اشارات صریح در منابع آریایی، چون سرود های ویدی و اوستایی چنین بر می آید که گهوارهٔ ظهور آریایی ها سرزمین های بین سرچشمه آمو دریا و سیر دریا (جیحون و سیحون) یعنی آریانا ویجه بود.

آریانا ویجه مرکب از دو کلمه یکی از (ایریا) و دیگر (ویجه) است، ایریا همان کلمه است که بیشتر در مورد معنی و مفهوم آن آشنایی حاصل کردیم، ویجه مسکن و جای معنی میدهد و معنی مرکبه (ایریانا ویجه) مسکن آریایی ها میشود، به شهادت اوستا ایریانا ویجه همان قطعه زمین سردی است که بین آمو دریا و سیر دریا موقعیت دارد، قراریکه از منابع اوستایی بر می آید آریایی ها در اثر سرما و خنگ و یا عوامل دیگر از آریانا ویجه مهاجرت نمودند و از راه سُغد و مرو وارد باختر (بخدی) شدند. آنها از حوالی ۵۰۰۰ هزار سال الی ۲۰۰۰ هزاز سال قبل از میلاد در باختر (بخدی) بودوباش داشتند، زنده گی آنها در ابتداء بسیار ساده و شکل ابتدایی داشت تا اینکه بعداً به اثر کثرت نفوس قلعه ها، قریه ها و شهر ها ساختند. ابتدأ اداره بدست پدر خانواده بود که بعداً رئیس قبیله و قریه بوجود آمد و بالاخره اولین پادشاه آریایی ها بنام یما بنای حکمروایی را گذاشت.

جلسه چهارم

موضوع: آیا در مورد سلالهٔ کوشانیان آگاهی دارید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- تأسیس دولت کوشانیان را توضیح کرده بتوانند.
- موثق ترین معلوماتیکه از کتیبه ها پیرامون کوشانیان بدست آمده است بیان کرده بتوانند.
- موسس امپراتوری کوشانیان و و لایاتی راکه که در اطراف بلخ باهم متحد ساختند نام گرفته بتوانند.
- بسط و توسعهٔ امپراتوری کوشانی و روابط آن با کشور های دیگر را ارائه کرده بتوانند.
- حدود اربعه دولت کوشانی را در نقشه مشخص کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر، نقشه، کاغذ A۴ بقدر ضرورت

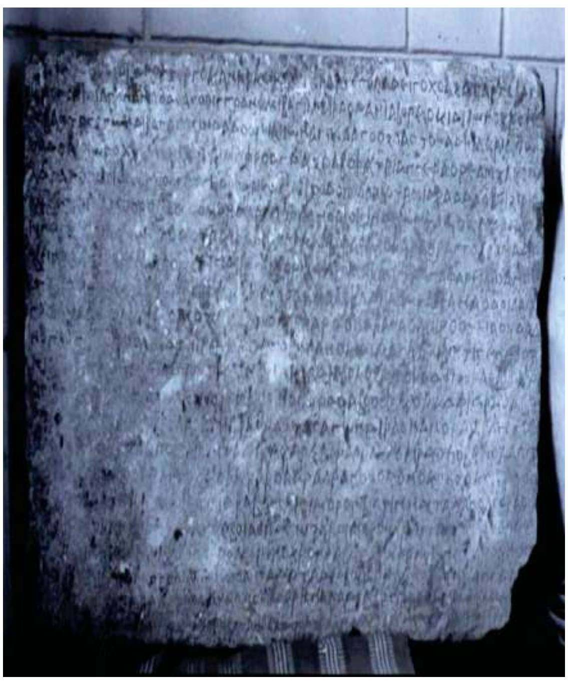
آمادگی مربی:

- مربی موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- چارتی که در آن ولایات دولت کوشانی تثبیت شده تهیه نماید.
- چارت مسیر راه ابریشم را تهیه بدارد.
- آماده گی قبلی در مورد موضوع داشته باشد.

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را در مقابل صنف نصب کرده و از شاملان تقاضا نماید تا موضوع و اهداف را خوانده و توضیح نمایند. مربی در اخیر جلسه اهداف جلسه را بیان میکند.
۴۰ دقیقه	فعالیت دوم: مربی شاملان صنف را به چهار گروپ تقسیم مینماید و برای هر گروپ موضوع تعین شده را میدهد؟ گروپ اول: در مورد چگونگی تاسیس دولت کوشانی و نخستین موسس آن معلومات دهند. گروپ دوم: مسیر راه ابرشیم را ترسیم نموده و در رابطه به آن معلومات لازم ارائه کنند. گروپ سوم: در مورد دوران حکمروایی کنشکا و پسرانش معلومات دهند. گروپ چهارم: در مورد فرهنگ دوران کوشانی ها معلومات تهیه دارند. در اخیر نماینده هر گروپ در مقابل صنف حاضر شده و چارت تهیه شدهٔ خود را ارائه کنند.
۲۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را توضیح میکند.

۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: گروپ های چهارگانه قبلاً تعین شده اند، گروپ اول سوال و گروپ دوم در مقابل جواب ارائه میدارد. و همچنان گروپ سوم سوال مطرح میکند و گروپ چهارم پاسخ میدهند.
۱۰ دقیقه	خلاصه: مربی موضوع درس را خلاصه و جمع بندی میکند و در اخیر آن: اهدافی که قبلاً تعیین شده بود می پرسد که آیا به هدف رسیدیم...

کوشانی ها



کوشانی ها عبارت از خاندان سلطتنی می باشند که از سالهای (۴۰- قرن ۵) در آریانا سلطنت کردند.

کوشانی ها که چینی ها آنها را یوچی نامیده اند از جملهٔ اقوام سیتی آریایی و شرقی ترین شاخهٔ آنها بشمار میروند. یوچی ها هنگام مهاجرت بزرگ آریایی ها بطرف شرق هجرت کردند و در ترکستان شرقی یا سنکیانگ در حوالی حوزه رود ایلی و تا رم رحل اقامت افگندند. البته در مجاورت آنها یک قوم دیگری بنام هیوان نوها (هون ها) زنده گی میکردند که در بین هر دو قوم دایم مناقشات و زد و خورد ها صورت میگرفت تا اینکه یوچی ها در اثر فشار هون ها مجبور به ترک آن دیار گردیدند و در بین سیر دریا و آمو دریا جابجا شدند و شاخه های اقوام سیتی (ساکها) را که سالها در آن ناحیه اقامت داشتند بطرف جنوب راندند.

مورخین بر این باور اند که سال (۱۲۵ قبل از میلاد) هنوز یوچی ها در سواحل شمال دریای آمو و اهالی باختر و تخارستان در سواحل جنوب رود خانهٔ مذکور مقیم بودند. باشنده گان جنوب آمو دریا قوم تجارت پیشه بودند و تعداد آنها تقریباً به یک ملیون میرسید، آنها پادشاه نداشتند و هر شهر دارای رئیس جداگانه بود، قوای عسکری زیاد نداشتند لذا از جنگ کناره میگرفتند بنابران یوچی ها به آسانی توانستند بجنوب آمو بیایند و اقامت اختیار کنند بنابرآن قرابت و یگانگی نژادی و قومی در بین آنها و تخاری ها مجادله و جنگ بوقوع نپیوست بلکه باهم مختلط گردیدند. یوچی ها از مدنیت تخاری ها و تخاری ها از سلحشوری یوچی ها استفاده نمودند.

منابع هندی برخلاف منابع چینی یوچی ها را اصلاً تخاری می خوانند و بعضی از مستشرقین اروپایی به همین باور اند. بهر حال اگر یوچی ها از آریایی های شرق و یا رکند (سینکیانگ) هم باشند پس از مدتی مراودات بین آنها و تخاری ها تا هنگامیکه شالوده بوده امپراتوری کوشانی ریخته می شد در بین تخاری ها حل گردیده از نقطه نظر زبان، لباس، عرف و عادات از آن ها فرق میشدند.

از منابع چینی معلوم می شود که دولت کوشانی صد سال پس از ورود یوچی ها به جنوب دریایی آمو بمیان آمد به استناد همین منابع قبایل یوچی بعد از سال (۷۰ قبل از میلاد) پنج حاکم نشین یا امارت در صفحات شمال آریانا داشتند که بعداً رئیس یا حاکم یکی از آن ها قسمت های پنجگانه چهار رئیس دیگر را مطیع خود می سازد و خودش عنوان شاه را اختیار نموده و اسم سلطنت خود را (کوی شوانک) یا کوشان می نهد و از این تاریخ به بعد جای کلمۀ یوچی را در تاریخ کشور ما کوشانی میگیرد. اگر کوشانی ها تا زمانی ایکه در شمال رود آمو اقامت داشتند مانند سایر قبایل یوچی خشن بودند اما تماس آن ها با مدنیت باختر و مرادوت تجارتی به تدریج از خشونت آن ها کاست و زمانی که به باختر سرازیر شدند استعداد قول مدنیت را پیدا کرده و به اندازۀ متعهد شدند که دورۀ سلطنت و زمامداری آنها یکیاز درخشانترین دورۀ تاریخ قدیم آریانا بشمار میرود.

کوشانی ها در تاریخ قدیم کشور ما رول مهم و بادوامی را بازی نموده اند و بعد از قرن اول میلادی تا زمانه های مقارن ظهور اسلام به استثنای دوره های نسبتاً کوتاه مانند نیم قرن حکمروایی یفاتله، ترکان غربی در تخارستان و بعضی تجاوزات ساسانی ها در حوالی غربی این سرزمین در تمام این مدت حکومت را در دست داشته اند. دو این دورۀ طولانی کوشانی ها، یفتلی ها، ترکان غربی و غیره طوری بهم مخلوط شدند که در طی یکی در قرن اخیر این دوره از همدیگر تفکیک نمی شدند. در این دورۀ طولانی با وقفه های مختلفی کوشانی ها چندین مرتبه در تاریخ کشور ما پدیدار شده و هر دفعه ظهور آنها در صحنۀ سیاست و ادارۀ کشور فصل جدیدی گشوده است.

شاهان کوشانی و رول آنها در تاسیس امپراتوری کوشانی

الف: کوشانی های بزرگ

دورۀ سلطنت کوشانی های بزرگ با دورۀ سلطنت کجوله کدفیزس آغاز می گردد، وی که یکی از امرا پنجگانه از جملۀ شهزاده گان کوشانی است. او توانست چهار امیر دیگر را مطیع خود ساخت و در سال (۴۰م) اعلان سلطنت نماید. او را کدفیزس اول هم میگویند وی بعد از استحکامات قدرت در شمال هندوکش خواست تا قلمر خویشرا گسترش دهد. وی قلمرو خویشرا بطرف غرب تا پارتیا وسعت بخشید و بطرف جنوب از هندوکش عبور نموده مناطق کاپیسا، پروان و کابل را اشغال نموده و سلطنت یونانو باختر را در دره کابل خاتمه داد. کدفیزس اول نفوذ خود را در آریانا استحکام بخشید و اساس بزرگترین امپراتوری کوشانی را گذاشت. حدود قلمرو وی در شرق تا اندوس و در شمال تا سغد و در غرب تا پارتیا توسعه یافت تنها در جنوب حدود قلمرو او واضیح معلوم نیست. کدفیزس اول در سال ۷۸م بعد از ۳۸ سال سلطنت وفات نمود از سکه های کدفیزس اول معلوم می شود که روابطی در آن وقت بین اریانا و روم موجود بود زیرا وی در ضرب مسکوکات خویش از مسکوکات رومی تقلید کرده است.

پس از وفات کدفیزس اول پسرش ویما کدفیزس (کدفیزس دوم) به سلطنت رسید، او بطرف ترکستان چین و هند لشکر کشی نمود و حدود قلمرو خود را در شرق تا حوزه دریای گنگاه و بنارس رسانید، در همین زمان چینی ها متوجه ممالک غرب امپراتوری خویش شدند قشونی را تحت اداره جنرال معروف چینایی پان چاو (Panchao) بطرف امپراتوری کوشانی گیسل داشتند و در جنگهای که تا سال (۱۰۲م) برای سی سال دوام نمود درگیر بودند در مقابل این تهاجم دولت چین کدفیزس هم برای جلوگیری از حملۀ چین آماده گی نظامی در برابر آنها گرفت و هم تقاضا ازدواج دختر امپراتور چین را نمود، جنرال پان چاو قاصدوی را توهین و لت کوب نمود و دوباره عودت داد همان بود که شاه کوشانی

اینرا اهانت بزرگی برای خویش دانست و لشکری مرکب از هفتاد هزار سوار را آماده نمود و بطرف چین اعزام داشت، چون لشکر مذکور از طریق پامیر راه چین را در پیش گرفته بود و صعب العبور بودن راه از یکطرف و از جانبی اعاشهٔ و تغذیه عساکر و علوفه برای اسپان ایشان مشکلات زیادی را بار آورد بناءً تعداد زیادی از عساکر از بین رفتند و باقیمانده توسط جنرال پان چا و قلع و قمع گردید و در فرجام دولت کوشانی برای مدت طولانی ای باجگذار دولت چین گردیدند. اما روابط دولت کوشانی علی رغم ارتباط با چین با امپراتوری روم در غرب خیلی دوستانه و صمیمانه بود مال التجاره از تمام مناطق دولت کوشانی به پیمانه زیاد بطرف روم سرازیر میگردید و در مقابل رومی ها که مردمان عیاش و خوش گذران بودند مقدار زیاد پول را برای خرید پارچه های ابریشمی که از چین وادویه جات و عطریات و سنگ های قیمتی که از قسمت های هندی امپراتوری کوشانی به باختر اورده می شد می فرستادند مدت دوام سلطنت کدفیزس و سال وفات او دقیق معلوم نیست بعضی ها مدت سلطنت اورا ۳۲ سال و برخی ۴۰ سال گفته اند، اما آنچه مسلم است اینست که وی میان سال های (۷۸– ۱۱۰م) حکومت کرده است.

پس از مرگ کدفیزس دوم سلطنت کوشانی به ضعف و انقراض مواجه گردیده و مدت ده سال این دوره فتور ادامه داشت. تا اینکه کنشکا دوبارهٔ شهنشایی کوشانی را رونق بخشید و این درست در حوالی (۱۲۰م) بود، این امپراتور جایگاهی خاص در تاریخ سرزمین آریانا، هند و اسیایی مرکزی دارد.

امپراتوری کنشکا علاوه بر سرزمین آریانا ساحات وسیعی را در مناطق شمال غربی هند تا سواحل کنشکا و در ترکستان چین تا حوزه رود تارم در برمیگرفت. کنشکا کشمیر را در اوایل سلطنت خود فتح نمود و شهری بنام کنشکا پور را در آن جا اعمار نمود و هم چنان پتالی پوترا که سال ها مرکز دولت موریایی در هند بود بدست کانشکا فتح شد. به همین ترتیب کنشکا بطرف غرب هم لشکر کشی نمود، بعد از انکه کنشکا هند و ایران را ضمیمه قلمرو خود ساخت بفکر تسخیر ترکستان شرقی برآمد وخو است تا انتقام شکست اریانا را د دوره کرفیزس دوم را بگیرد. اولی این دلیل ترکستان شرقی را مورد تهاجم قرار داد راه دره های هیمالیا که سهل تر بود بدان صوب اعزام نمود پس از برخورد شدید بیان نیروهای اریانا و امپراتوری چین توانست مناطق ختن، یارکند و کاشعز را متصرف شود و دولت چین را با جگذار دولت اریانا ساخت. چینی ها علاوه بر باج یرغمل های را که در ان شهزادگان نیز شامل بودند به دربار کنشکا فرستادند. کنشکا دارای دو پایتخت بود یکی بگرام و دیگری پورا شاپورا (پیشاور) یعنی یکی تابستانی و دیگری زمستانی بود.



امپراتوری کنشکا بعد از مرگ وی رو به ضعف نهاد. بعد از وفات وی امپراتوری موصوف بین پسرانش تقسیم گردیده پسر بزرگ او که و اسیشکا نام داشت جانشین پدر گردید میان سال (۱۶۰–۱۵۴م) او پادشاه بود بعد از وی برادر دیگرش به سلطنت رسیدند اما نتوانستند آن امپراتوری بزرگ را بخوبی اداره کنند، اما یکی از پسرانش بنام هوویشکا توانست مانند پدرش هر دو قلمرو شمال و جنوب را بخوبی اداره نماید و مانند پدرش در انکشاف و توسعه دیانت بودایی پرداخت اما بعد از وی باز مانده گانش نتوانستند آن امپراتوری بزرگ را اداره نمایند که عوامل تجزیه فراهم و قلمرو ایشان به شمال و جنوب تقسیم گردید.

ب: کوشانی های کوچک

در سالهای اخیر سلطنت و اسوداد قلمرو امپراتوری بزرگ کوشانی رو به انحطاط نهاد، برای محلی دولت کوشانی هر کدام بخاطر بقدرت رسیدن خود علم طغیان برداشتند و از جانبی در کشور فارس ارد شیر بابکان دولت بزرگ ساسانی را بنیاد نهاد و در شمال اریانا هیاطله (یفتلی ها) دولت جدیدی را بوجود اوردند کوشانی ها را مورد حمله قرار دادند و در هند دولت گوپتا ها بوجود آمد و فشار همین عوامل داخلی و خارجی سبب از بین رفتن و ضعف کامل دولت بزرگ کوشانی گردیده اما بقایای ایشان به شکل امرای محلی تا دیر باز وجود داشتند حتی الی مقارن بوجود آمدن دین مقدس اسلام در کابل سلطنتی به سر اقتدار بود که بنام کوشانی های کوچک یا کیداری ها یاد می شدند.

جلسه پنجم

موضوع: در مورد مدنیت اوستایی چی مدانید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر گردند که:

- مدنیت اوستایی را بیان کرده بتوانند.
- در مورد شخصیت زردشت معلومات ارایه کرده بتوانند.
- فرهنگ دوره اوستایی را توضیح کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه سیاسی جهان، نقشه سیاسی افغانستان، فوتوی زردشت، فلیپ چارت، مارکر.

آمادگی مربی:

- مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را قبلاً تهیه میدارد.
- فوتوی زردشت.
- نقشه ها.
- آمادگی قبلی.

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را در مقابل صنف نصب کرده و توسطه شاملان آنرا توضیح میدارد و خود مربی در آخیر جلسه پیرامون اهداف بحث مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی نخست شاملان را هدایت میدهد که متن و محتوای کتاب را طور خاموشانه و انفرادی مطالعه نموده. مدت ۱۰ دقیقه. بعداً طور جوره پیرامون محتوای درس باهم مشوره و بحث مینمایند. مدت ۵ دقیقه. متعاقباً مربی صنف را به دو گروپ مناسب تقسیم میکند و یک کروپ سوالات را طرح میکنند و گروپ دیگر در مقابل پاسخ ارایه میدارند. مدت ۱۰ دقیقه.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را توضیح مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی با طرح سوالات صنف را ارزیابی میکند. - مدنیت اوستا به کدام مدنیت اطلاق میگردد؟

	– زردشت کی بود؟ – دست آورد های مدنیت اوستایی کدام ها اند؟ – اصول سه گانه زردشت برای زندگی سالم انسان چه بود؟ – نظر مورخین در مورد ارتباط خانوادگی زردشت چه بود؟ – در مدنیت اوستایی کدام طبقات مشخص ساخته شده بودند؟ – در این دروه پیشه و مشاغل مردم چه بود؟
۱۰ دقیقه	خلاصه: – آیا اهداف را قبلاً تهیه کرده بودیم به آن رسیدیم؟ – مربی بحث را جمع بندی نموده در قسمت نکات کلیدی بحث مینماید.

مدنیت اوستا

مدنیت اوستایی قسمی که از نام آن پیدا است بطور مستقیم به کتاب مقدس اوستا که عبارت از مجموعه عقاید زردشت می باشد که در کتابی بسیار قدیمی در هزارهٔ یکم قبل از میلاد بوجود آمد و تنها سرود ویدی و کتاب تورات است که نسبت به آن قدمت دارند دیگر کدام نوشته تحریری در مورد دیانت و پرستش قبل از آن وجود ندارد.

چون کتاب اوستا توسطه زردشت برای مردم تقدیم شد پس لازم است که ابتدا بدانیم زردشت کی و از کجا بود؟
در قرن ششم قبل از میلاد، در هند بودا، در چین کنفوسیوس و در آریانا زردشت یا زردشترا در بلخ متولد گردید که بعداً بحیث بنیان گذار آئین زردشتی مردم را به سوی توحید و یکتا پرستی دعوت نمود، در متون قدیم زردشتی چنین آمده است که زردشت یک فرد صمیمی و متواضع بود، به هنگام جوانی در گفتگوها به نحوه بی سابقه دانا و حکیم بود او نسبت به فقرا و همچنین در مورد ترحم بر حیوانات بسیار مهربان بود. هنگامیکه به سن ۲۰ سالگی رسید خانه را ترک نمود و راه سرگردانی را در پیش گرفت و زندگی خوبتر را وقف دین نمود. نقطه عطف زندگی او در سن سی سالگی و زمانی بود که زردشت احساس کرد به حضور اهورا مزدا خوانده شد تا پاکیزه گردد و مردم را به نیکی هدایت نماید. زردشت اولین کسی بود که به تعلیم دینی پرداخت. در مدت ۱۰ سال اول موعظه و تبلیغ زردشت تنها یک نفر به آئین او آمد و اما نقطه عطف دیگر زندگی و شخصیت زردشت هنگام قبول آئین زردشتی توسط پادشاه آن عصر بود.

از آنجایکه زردشت متوجه شده بود که مردم قدرتمند اصلاحات او را نمی پذیرد، لذا برای پیشبرد مرام خود کوشید تا با خانواده شاه روابط بر قرار نماید و از طریق دادن و گرفتن دختر با سران و بزرگان دولتی رابطه خود را بیشتر برقرار ساخته و آنها را طرفدار خود بسازد. زردشت با دختر مشاور شاه ازدواج کرد و یکی از دختران زردشت هم با وزیراعظم ازدواج نمود. لذا زردشت به مرام خود نایل آمد و شاه آن عصر بلخ (ویشتاسب) را به دین دعوت نمود و به این ترتیب شخص شاه یکی از مبلغین و ناشرین پر اقتدار آئین جدید شد.
زردشت یکی از انقلابیون دوره خود بود که توانست با سعی و مجاهدت در طرزتفکر و مذهب قدیم آریانا نهضت جدیدی را به میان آورد، به شهادت منابع معتبر تاریخ زردشت از اهالی قدیم بلخ و از نجبای آن سرزمین بود. مرگ زردشت در اوستا ذکر نه شده است. اما در متون غیر دینی زردشتی مکرر نقل شده که مرگ او در زمان حمله تورانیان هنگام قتل و غارت شهر بلخ در سن (۷۷) سالگی بوقوع پیوسته است.

ظهور و انتشار آیین زردشتی

آریانای قدیم بعد از مرحله قبل التاریخ و دورۀ مدنیت ویدی که به مهاجرت آریایی ها از حوزه باختر و استقرار آنها در نقاط مختلف آریانا و ممالک همجوار (هند و فارس) منتهی گردید. از حوالی هزار قبل از میلاد به بعد مدنیت درخشانتری طلوع میکند که آنرا مدنیت اوستایی خوانده اند، مدنیت اوستایی در حقیقت دامنه ای همان مدنیت ویدی است که هر دو مظهر رهنمایی مردم در یک جغرافیای بزرگ میباشد.

مجموعه از عقاید زردشت در یک کتاب بنام اوستا تدوین شده اوستا کتابی است بسیار قدیمی که در هزارۀ یکم قبل از میلاد بوجود آمد. اوستا به دستور ویست آسپه بر روی دوازده هزار پوست گاو با آب طلاع نوشته و به عبادتگاه ها فرستاده شده و تا ختم دورۀ خاندان اسپه در باختر و سایر نقاط محفوظ و مصئون ماند ولی بعد از دوره خاندان اسپه که هرج و مرج شروع شد و حملات آشوریها در سرزمین های ماد و فارس تا داخل آریانا توسعه یافت و در جنگهای که میان لشکر های آریانا و اشوریها صورت گرفت خسارات زیادی به عبادت گاه ها پرستش گاه ها و کانون های علمی آریانا وارد شد و بسیاری از نسخ اوستای قدیم از بین رفته و مانند سایر آثار قیمت دار به یغما رفت. بعد از آشوری ها نوبت به فارس ها رسید، کوروش و داریوش پادشاهان هخامنشی با جنگ های طولانی با آریایی ها و هم منازعاتی که میان آریایی ها و شاهان بعدی هخامنشی تا ظهور اسکندر مقدونی در این کشور ادامه یافت شیرازی زندگی از هر لحاظ در آریانا بر هم خورد و به آثار تاریخی و مذهبی خسارات سنگینی وارد شد، کتب و آثار قلمی به شمول نسخه های اصلی اوستا و آنچه باقی مانده بود از میان رفت. هخامنشی ها با وجود یکه در سرزمین آریانا مشکلات زیادی ایجاد کردند و در اثر تماس طولانی با مردمان این سرزمین بالاخره آیین و مدنیت اوستایی را با خود به سرزمین فارس بردند و از آنجا به سایر نقاط سرزمین خویش انتقال دادند. یونانیان نیز در جریان لشکرکشی های شان در آریانا با آیین اوستایی آشنا شدند و حتی یکی از نسخه های اوستا توسطه اسکندر به یونان انتقال یافت.



زردشت

اصول و عقاید زردشتی

زردشت از همان آغاز به مردم توجه داشت و نمی توانست نسبت به رنج ها و آلام جسمانی و روانی مردم بی تفاوت بماند ولی دید که چگونه دیو، پلیدی پیروز می شود و فرشته نیکی محکوم، زردشت جهان را عرصۀ دروغ و راستی، نیکی و زشتی، نور و ظلمت میدید. در این فکر بود و می اندیشید که برزشتی و پلیدی چگونه بایستی پیروز شد، اندیشه اش آن بود تا راهی را بیابد که رنج را تخفیف دهد و مردم را به جای انهدام و ویرانی برای آبادی و زیبایی ترغیب و تشویق نماید، زشتی وپلیدی را از میان بردارد و به عوض راستی، درستی و نیکی را رایج سازد، زردشت پس از سالها تلاش به حقیقت پی برد و راز ها برایش اشکار شد در میان مردم ندای یکتا پرستی را سر داد و مردم را به (اهورامزدای) یکتا دعوت نمود. سفارش او این بود که «حقیقت در جهان یکی است و آن یکتا پرستی است» در آن زمان مردم ماه، خورشید، ستاره گان باران، آتش و غیره را پرستش می نمودند و برای خدایان خود قربانی میکردند زردشت اعلان کرد

که آیین قدیم باطل است خدایان و بت ها جز پاره سنگها و چوب هایی بیش نیستند و خداوند یگانه اهورا مزدا است، در آئین زردشتی اهورامزدا ضامن نظم اخلاقی جهان بوده و نیکی بر مبنای اراده او تعریف می شود وی در مورد اعمال افراد قضاوت کرده نیکوکاران را پاداش میدهد و بدکاران را مجازات میکند.

عباراتی که به بهترین وجه اصول اخلاقی دین زردشتی را نشان میدهد این ها اند:

- پندارنیک
- گفتار نیک
- رفتار نیک

کمک و صدقه به نیاز مندان را تشویق مینماید و رفتار خوب در مقابل افراد خوب و رفتار در در برابر افراد بد را می آموزاند.

جلسه ششم

موضوع: آیا میدانید که تمدن یونان قدیم چگونه آغاز گردید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- نظریهٔ توسیدیدس را در مورد یونان قدیم را بیان کرده بتوانند.
- در مورد میسنی ها معلومات داده بتوانند.
- دوران حماسی یونان را توضیح داده بتوانند.
- مفهوم دولت شهر را در یونان قدیم تشریح کرده بتوانند.
- در مورد برخورد فارسیان با یونانی ها معلومات ارائه کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشهٔ سیاسی جهان، نقشه یونان، تصاویر فلاسفهٔ یونانِ، فلیپ چارت، ماکر و غیره.

آمادگی مربی:

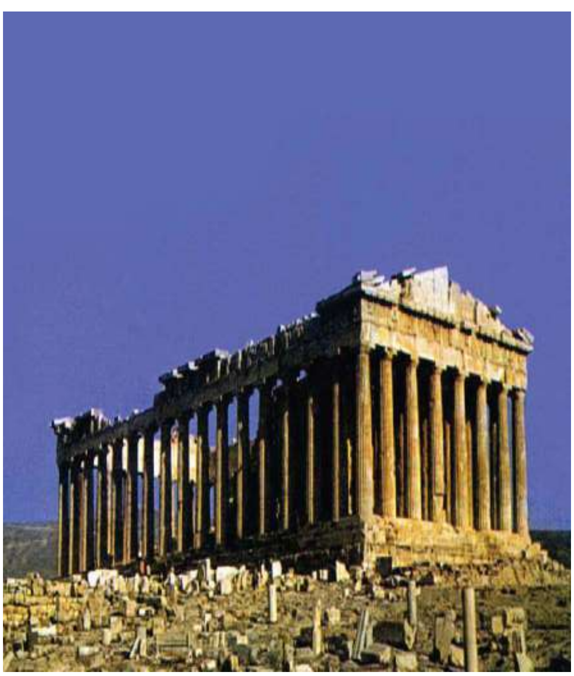
- مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را قبلاً تهیه میدارد.
- نقشه های مورد ضرورت.
- عکس های فلاسفه یونانی.
- آمادگی قبلی.

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربِی چارت موضوع و اهداف را در مقابل صنف بالای تخته نصب نموده و از شاملان می خواهد که آنرا خوانده و توضیح نمایند. و بعداً خود مربی در مورد اهداف بحث مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی شاملان را هدایت میدهد که متن مربوط درس را خاموشانه برای مدت ۱۰ دقیقه مطالعه نمایند. بعداً به شکل دو نفره در مورد موضوع درس بحث و مشوره را انجام دهند. مدت (۵) دقیقه متعاقباً مربی صنف را به دو گروپ تقسیم نموده یعنی اینکه یکی گروپ سوال طرح می نماید و گروپ دیگر جواب دهد. مدت (۱۰) دقیقه.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی: موضوع درس را توضیح می نماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی با طرح سوالات صنف را ارزیابی مینماید.

	– کشور یونان در کدام قاره موقعیت دارد؟ – توسیدت کی بود و چه نظر داشت؟ – در یونان باستان چند تمدن در آن عصر عرض اندام نمود؟ – تمدن میسنی چه مفهوم دارد؟ – در مورد تمدن هلنیک معلومات دهید. – هومر کی بود؟ – منظومهٔ ایلیاد در کدام مورد سروده شده است؟ – چرا یونانی ها با فارسیان داخل جنگ شدند؟ – فلاسفه بزرگ یونان کدام ها اند؟
۱۰ دقیقه	خلاصه: مربی موضوع درس را خلاصه و جمع بندی نموده و در اخیر خاطرنشان می سازد که آیا اهدافی را که تعیین نموده بود به آن رسیده و یا خیر؟

تمدن یونان قدیم

کشور یونان که قبلاً آنرا جمهوری هلنی مینامیدند عبارت از سرزمین اصلی یونان است و جنوبی ترین قسمت شبه جزیرهٔ بالکان را تشکیل میدهد.



مساحت این کشور در مجموع با جزایر مربوط آن در حدود ($۱۳۱۹۹۰ km^2$) می باشد.

سر زمین اصلی تا حد زیادی با بحیره ها احاطه شده است، بخش ساحلی جنوب وغرب در مجاورت بحیرهٔ مدیترانه و ساحل شرقی در مجاورت آبهای گرم اژه (یکی از خلیج های کوچک بحیره مدیترانه) است، در شمال این کشور با چهار همسایه سرحد مشترک دارد که عبارتند از : ترکیه، مقدونیه، بلغارستان و البانیه.

خصوصیت نزدیک بودن به بحیره و داشتن خطوط ساحلی طویل بیانگر این می باشد که یونان از همان ابتدأ کشوری وابسته به دریا نوردی بوده است. یونان از اعصار قدیم در کار دریانوردی، کشتی سازی و کشتی رانی مهارت کامل داشتند. کوه ها و شبه جزایر یونان در گذشته سفرهای زمین را مشکل می ساخت اما سفر از راه های آبی به آسانی صورت میگرفت.

ماهیت جغرافیایی یونان چنان بود که جدایی سیاسی را تشویق میکرد و مردم هر دوره و هر حوزهٔ رود خانه حس هویت وطن پرستانهٔ خودرا پرورش میداندند، یونانیان طوری فکر مینمودند که در ابتدأ به محل مربوط خویش ارتباط دارند و

بعداً به همه کشور این واقعیت سبب آن شده بود که یونان به چندین دولت دولت های کوچک تقسیم شود که هریک دارای دولت مستقل بوده و خصوصیات منطقوی خویشرا داشتند.

در واقع یونان باستان از دهها دولت های کوچک مجزا تشکیل میشد که هریک آنها خودرا کشور جداگانه بحساب می آورد که احتمالاً مهم ترین تفاوت جغرافیایی و سیاسی بین یونان باستان و یونان امروزی می باشد.

تاریخ یونان باستان را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱. دورۀ میسنی ها: که از حدود (۲۰۰۰ ق.م) تا فتح شبه جزیره بدست مهاجمان تا سال های (۱۱۰۰ق.م) بطول انجامید.
۲. هلنیک (Hellenic) که از دوران هومر تا فتح دولت های شهری یونان بدست مقدونیان در اواسط سال های (۳۰۰ ق.م) بطول انجامید که بنام عصر کلاسیک نیز معروف است.
۳. دورۀ نهایی عصر هلنستی یا (یونانی مأبی): درین دوره فرهنگ دو رگه و موفقیت های شایانی در بخش علوم و هنر بمیان آمد. شاعران، پیکر تراشان و نقاشان به درجات بلندی از مهارت و واقع نگری رسیدند که در دوران ماقبل ناشناخته بود.

اول: تمدن میسن یا مینوسی

مینوسی ها مردم متمدن و ساکن جزیره کرت و چند جزیرۀ جنوبی بحیره اژه بودند (دانشمندان تاریخ نام آن ها را از پاد شاه اسطوره ای کرت بنام مینوس اقتباس کرده اند.) آنها اولین تمدن پیشرفته را در یونان تشکیل داده و تأثیر فرهنگی بزرگی بالای اولین یونانی ها زبان های ساکن این این منطقه گذاشتند. از اثرات عمدۀ این تمدن پرورش افرادی چون پریکلس، افلاطون، ارسطو و اسکندر کبیر و مشاهیر و دانشمندان می باشد.

هومر شاعر مشهور یونانی هم محصول این تمدن می باشد که دو اثر مهم حماسی را سروده که عبارت از ایلیادو و اوریسه است. که اثر حماسی ایلیاد موضوع جنگ تروا را بیان میکند، جنگ تروا عبازت از برخورد یونانیان با کشور آسیای صغیر یا ترای است که مبنی داستان عشقی آن می باشد که قهرمان های اصلی آن پاریس پسر پریام پاد شاه آسیای صغیر و هلن عروس پسر پادشاه یونان بود، هلن توسط پاریس پسر پرپام از ترای فرار داده شد و یونانیان بخاطر دوباره بدست آوردن هلن لشکر بزرگی را تنظیم بطرف آسیای صغیر سوق نمودند و مدت تقریباً ده سال کشور موصوف را محاصره نمودند، بعد از ده سال یونایان حیله یی را بکار گرفتند و وارد شهر ترای شدند، آنرا تسخیر، هلن دستگیر و شهر را به آتش کشیده و هم نفوس آنرا قتل عام نمودند.

دوم: دورۀ هلنیک یا تمدن هلنیک Hellenic

پس از پایان دورۀ تمدن میسن دورۀ هلنستیک شروع شد که تقریباً از حدود (۸۰۰ ق.م) شروع می شود. در طی قرن هشتم و هفتم ق.م یونان به دولت های شهری کاملی تبدیل شده بود که مردم یونان این دولت های شهری را پولیس (Polic) می نامیدند که کلمۀ پولیس در زبان یونانی به معنی جامعۀ متشکل از اشخاص بالغ و آزاد است که امروز معادل آن را دولت شهری (city state) ترجمه کرده اند. این دولت های شهری با همدیگر شباهت های زیادی داشتند و دارای تفاوت های زیادی نیز بودند مثلاً دولت شهر آتن از لحاظ وسعت بزرگترین آن ها بشمار میرفت که تقریباً در اوج خود (۳۰۰,۰۰۰) سکنه داشت و کوچکترین آن چیزی بیشتر از یک روستا (ده) نبود.

در عصر قدیم دو پولیس یا دولت شهر بر زنده گی سیاسی یونان مسلط شدند که یکی آن آتن و دیگری اسپارت بود. ایندو دولت شهر در زنده گی شهروندی مقابل هم قرار داشتند، آتن مرکز فعالیت های هنری و علمی و زاد گاه دموکراسی سیاسی به شمار میرفت. اسپارت جامعهٔ نظامی گروه استبدادی بود که حیات هنری و فکری را تحقیر میکرد، در فرجام هردو قطب به مقابله با یکدیگر پرداختند و نتیجه منجر به شکست آتن شد.

سوم: دورهٔ نهایی عصر هلنستی (یونانی مآبی)

دراواسط قرن چهارم قبل از میلاد فلیپ دوم که مرد با استعداد و توانا بود بر تخت سلطنت نشست و در مدت کوتاهی کشور قدرتمند و سپاه قوی تشکیل داد، فلیپ دست به فتوحات زد از جمله در سال ۳۳۸ق.م با پسر ۱۸ ساله اش یونان را تصرف کرد و می خواست فتوحات خودرا بیشتر ادامه دهد اما ۳۳۶ ق.م بقتل رسید و پسرش اسکندر به جای او به تخت جلوس نمود.

اسکندر ۲۰ سال داشت که در راس سپاه قدرتمند قرار گرفت او راه فتوحات به جانب شرق را به ادامهٔ کار پدر خود آغاز نمود، و داریوش سوم در برابر او شکست خورده سرزمین فارس را تسخیر نموده و فتوحات خویشرا ادامه داده و بعداً سرزمین آریانا را نیز بدست آورده و فتوحات را الی سر زمین هند ادامه داد. و در هند بود که عساکرش احساس خسته گی نمودند چون چند سال بود که از وطن خویش دور بودند از او خواستند که دوباره بطرف یونان حرکت نماید. مدت کوتاهی پس از بازگشت در سن ۳۳ سالگی در بابل در گذشت، پس از مرگ اسکندر امپراتوری وسیع ایکه او ایجاد کرده بود متلاشی گردید و قلمرو مفتوحه وی بین سه تن از جنرالانش تقسیم گردید.

۱. در مصر و حوالی و حواشی آن بطلیموس اعلان سلطنت کرد.
۲. در مناطق آریانا جنرال دیگرش بنام سلیوکس اعلان پادشاهی.
۳. در یونان و مناطق همجوار آن، کسی به نام آنتیگون به پاد شاهی رسید.

مؤرخان این سرزمین ها را هلنستی یا هلنی به معنای (یونانی مآب) مینامند زیرا از نظر اجتماعی آمیزه یی از زبان، رسوم و اندیشه های یونان و سایر مناطق شرق بودند. در این دوره شماری از سلسله های یونانی مانند بسیاری از اخلاف اسکندر بر قسمت های وسیعی از سرزمین های مفتوحهٔ اسکندر حکومت کردند و فرهنگ یونانی سرداران را در بین مردم غیر یویانی رواج دادند.

عقاید مذهبی

عقاید مذهبی یونانی ها در دوران هومری بوجود آمد، مردم نظر به روایات افسانه ها و اساطیر به ارباب الانواع باور داشتند که برای مظاهر طبیعی قوت و قدرت خدایی و نیمه خدایی میدادند.

در اساطیر یونانی دیده می شود که جانورانی مانند: مار، گرگ را می پرستیدند اما بعد ها در یونان دین جدیدی بوجود آمد که دین خدایان اولمپ بود، بعقیده آن ها این خدایان مالک آسمان ها و زمین بودند و در قلهٔ اولمپ که کوهی در شمال یونان است اقامت داشتند که عبارت بودند از: زئوش، پوزیدون و ایدونوس. خدایان اولمپ نظر به باور آنها به شکل انسان و با حالت اشرافی ظاهر می شدند و از امتیازات وسیع مادی و معنوی برخوردار بودند.

دست آورد های تمدن یونان

اولین آثار ادبی و هنری یونان باستان منظومه های ایلیاد و اودیسه عبارت از حماسه هایی اند که به هومر شاعر اساطیری یونان نسبت داده می شود. این منظومه ها صحنه های زنده گی فرهنگی و اجتماعی را الی قرن هشتم ق.م مجسم می سازد. نخستین بار در یونان است که تیاتر بوجود می آید که در آن نمایش نامه ها به نمایش گذاشته می شدند، مشهورترین نمایشنامه نویسان یونان عبارت بودند: از آشیل، سوفوکل و اوپید که همین تیاتر بود سبب انکشاف ذهنی مردم یونان در آن عصر گردیده بود.

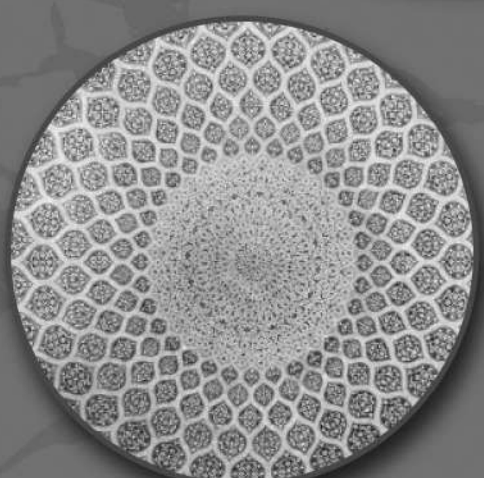
در بخش ریاضیات و طب نیز دست آورد های بزرگی را یونانیان در آندوره داشتند و نخستین کسی که در عرصۀ ریاضی تحقیقات نمود تالس بود که می گویند ریاضی را در مصر آموخته بود.

در بخش طبابت اولین شخصی که طبابت منظم را بوجود آورد ایپوکراتوس یا بقراط حکیم بود که در قرن پنجم ق.م میزیست.

در بخش فلسفه: در یونان بود که فلسفه به شکل منظم و سیستماتیک بوجود آمد و کلمۀ مرکب فلسفه که از فیلو و سوفیا بوجود آمد معنی عشق (علاقه) به دانش را معنی میدهد، فیلسوف می کوشد که به سوال های مهم در بارۀ انسان و طبیعت جواب دهد.

مشهور ترین فلاسفه یونانی عبارتند از سقراط، افلاطون و ارسطو، این ها هر کدام به نوبۀ خود واضح ساختند که : زیبایی چیست؟ مقصد از آموزش چه می باشد، عدالت چیست؟ مقصد از زنده گی چیست؟ دنیا چطور آغاز شده است... و غیره.





تاریخ صنف هشتم

تهیه کننده: شووندوی نجیب الله قبادی

جلسه اول

موضوع: اوضاع خراسان (افغانستان) در روزگار عباسی ها

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- در مورد خاندان عباسی معلومات داده بتوانند.
- در باره عکس العمل مردم خراسان در دوره بنی امیه ابراز نظر کرده بتوانند.
- برامکه را بشناسند و در باره ایشان معلومات ارایه کرده بتوانند.
- فرهنگ دوره عباسی را تشریح و بیان کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه خراسان در دوره خلافت بنی عباس، تصویر ابومسلم خراسانی، فلپ چارت، مارکر و غیره

آمادگی مربی:

- مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را قبلاً تهیه میدارد.
- نقشه مورد ضرورت
- تصویر ابومسلم خراسانی
- آماده گی قبلی

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت و اهداف را در مقابل صنف بالای تخته نصب نموده و از شاملان می خواهد که آنرا خوانده و توضیح نمایند و پس از آن که خود مربی در مورد اهداف بحث مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی به مشمولین هدایت میدهد که متن را خاموشانه برای مدت (ده دقیقه) طور خاموشانه مطالعه نموده و بعداً در گروپ های دو نفره برای مدت ۵ دقیقه بحث و گفتگو نمایند. بعداً مربی صنف را به دو گروپ مساوی تقسیم نموده طوریکه یک گروپ سوال طرح مینماید و گروپ دیگر جواب میدهد که این سوال و جواب ایشان مدت ده دقیقه را در بر میگیرد.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی درس را طور مکمل توضیح میدهد.
۲۵ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی با طرح سوالات صنف را ارزیابی مینماید. - عباسیان کی بودند؟ - مخالفین دولت بنی امیه بیشتر در کجا مستقر بودند؟

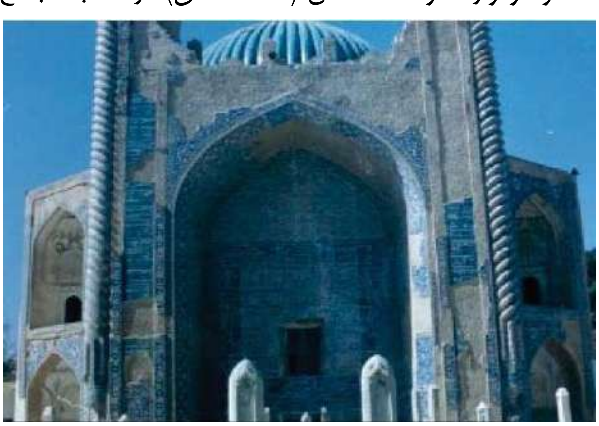
– مدت فرمانروایی بنی عباس چند سال را در بر گرفت؟ – ابو مسلم کی و از کجا بود؟ – ابومسلم ابتدا در کجا فعالیت خویش را بر ضد بنی امیه شروع نمود؟ – برمکیان کی ها بودند؟ – چند نفر از اعضای مهم خاندان برمکی را نام بگیرید. برامک در زمان کدام خلیفه عباسی قتل عام شدند؟	
فعالیت پنجم: خلاصه درس مربی موضوع درس را خلاصه و جمع بندی مینماید و در اخیر مشخص میسازد که آیا به اهداف تعیین شده رسیده اند یا خیر...	۱۰ دقیقه

اوضاع خراسان (افغانستان در دوره عباسی ها)



بعد از اینکه دین مقدس اسلام به خراسان رسید مردم این سرزمین با اعراب که اسلام را با خود آورده بودند بعد از کشمکش ها و جنجال های زیاد، دین جدید را قبول و با تماس مستقیم با ایشان زبان و آداب اعراب را البته با حفظ زبان خویش آموختند، اما زمانیکه بنی امیه بین عرب و عجم تفاوت قایل شدند و حیثیت مردم خراسان را نادیده انگاشته به آن ها وقعی نه نهادند مردم از ایشان رو گردان شده و در برابر آن ها به شورش دست زدند، همزمان با این حرکات مردم یک مرد سلحشور عرض اندام نمود که ابو مسلم نام داشت وی اصل نامش عبدالرحمن است در سال (۱۰۰ ه. ق) در خراسان زاده شد. و در ۲۳ سالگی به کوفه سفر نمود و در آنجا با مردی بنام امام ابراهیم از اولاده حضرت عباس عم حضرت محمد(ص) ملاقات نموده و امام ابراهیم او را بحیث نماینده خویش به سرزمین خراسان گسیل داشت.

مروان آخرین خلیفه بنی امیه در سال (۱۳۱ هـ ق) برابر با سال ۷۴۸ م ابراهیم را به قتل رسانید، برادر ابراهیم بنام ابوالعباس سفاح به کوفه گریخت، ابو مسلم از خراسان حرکت نمود و وارد کوفه شد سال (۱۳۲ هـ ق) در مسجد جامع



کوفه خطبه نماز جمعه را بنام ابوالعباس سفاح خواند. ابومسلم شخص با سواد بود و علوم متداوله روزگار را فراگرفته بود به هر دو زبان دری و عربی شعر میگفت یکی از صفات پسندیده او این بود که همواره به عهد خویش وفا می نمود و از آزادی و استقلال خوشش می آمد و غرض وی از بقدرت رسانیدن بنی عباس در عوض بنی امیه این بود که در فرجام از اختلافات اعراب استفاده نموده و خراسان را آزاد اعلان نماید، اما از این خواست

والای او ابو جعفر دومین خلیفه عباسی آگاهی یافت همان بود که او را ناجوانمردانه به قتل رسانید، اما این پایان کار نبود.

در دوره عباسی ها بعد از کشته شدن ابو مسلم تشکیلات اداری خلافت بنی عباس نسبت به ادارات دوران اموی گسترش یافت و چون نفوذ مردم خراسان در مرکز خلافت بیشتر از پیش فزونی گرفت، خاندان برمکی در مرکز خلافت (بغداد) و ده ها نفر دیگر از مردمان خراسان به حیث حکام کشوری داخل کار شدند. یکی از افراد مهم این خانواده که در دربار عباسی ها مقام و منزلت بدست آورد خالد برمکی است. در هنگام مبارزات ابومسلم خراسانی علیه بنی امیه یکی از سرداران شناخته شده اش همین خالد برمکی بود، خالد برمکی مردی بود دارای جلال، مقام، کرم و احسان وی هم مرد شمشیر بود و هم مرد قلم، چون در بقدرت رسیدن عباسی ها مساعی زیادی انجام داده بود، بنابران در نزد ابوالعباس سفاح مقام و منزلتی خاص داشت. و شخصیت مهم دیگر این خاندان یحی پسر خالد بود، او مردی کریم، سخنور، فکور و دانشمند مانند پدرش از ارکان در بار عباسی در دوره سفاح و منصور بود، یحی نیز در دربار پرورش یافت، در عهد مهدی امور تربیت و تعلیم هارون بدوش وی سپرده شد، وقتیکه هارون به خلافت رسید یحی سمت وزارت یافت و تمام ادارات و دیوان به وی سپرده شده بود، همان دوره طلایی ایکه در عصر عباسی ها زبان زد خاص و عام است مرهون زحمات اندیشه و فکر این مرد بزرگ بود، در حقیقت یحی و پسران چهارگانه اش بودند که امور دولت داری بدوش ایشان بود و از خلیفه هارون الرشید جز نام امیرالمومنین چیز دیگری نبود، حتی روایت است که هارون خواهرش عباسه را به پسر یحی جعفر برمکی بزنی داده بود، اما در سال ۱۸۷ هـ ق بود که هارون الرشید این خانواده را مورد غضب و قهر قرار داد، جعفر برمکی را بدار آویخت و یحی را با پسران دیگرش زندانی ساخت مورخان دلیل این مورد غضب قرار گرفتن خاندان برمکی را از جانب هارون الرشید این میدانند که تا وقتیکه هارون در مشکلات قرار داشت و از جانب رقبایش تهدید می شد از شجاعت، دلاوری و فهم و دانش آن ها استفاده برد اما وقتیکه دیگر نیازی به ایشان وجود نداشت، بالایش تهمت زده و آنها را از میان برداشت و هم بعضی روایات وجود دارد که گویا ایشان نیز مانند: ابومسلم خواهان آزادی خراسان بودند بناً به غضب خلیفه گرفتار شدند.

در اخیر باید تذکر داد که عباسیان خلافت پنجصد ساله خود را مرهون مردمان خراسان زمین استند. و تمام پیشرفت های فرهنگی و علمی که درخشش آن چشم را خیره می نمود همه به همت و برکت دانشمندان خراسانی فراهم گردیده بود، اما در مقابل عباسیان از هیچگونه ظلم و احجاف علیه کسانیکه زمینه ساز خلافت ایشان بودند دریغ نه نموده و در از میان برداشتن آنها دست به هر گونه فریب و نیرنگ زده و ایشان را قلع و قمع نمودند و شرمساری تاریخی را بر پیشانی خویش حک نمودند.

جلسه دوم

موضوع: طاهریان، صفاریان و سامانیان

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- طاهر فرزند حسین را بشناسند و در مورد وی ابراز نظر نمایند.
- در باره روابط طاهر باعباسیان معلومات ارایه کرده بتوانند
- صفاریان و خصوصاً یعقوب لیث شناخته و در مورد زنده گی او معلومات بدهند.
- در باره عیاری و اینکه عیاران به چه کسانی گفته می شود تشریحات داده بتوانند.
- در مورد سامانیان معلومات ارایه کرده بتوانند.
- علل سقوط دولت سامانی را بیان کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه های قلمرو دولت های طاهری، صفاری وسامانی، فلپ چارت مارکر...و غیره.

آمادگی مربی:

- مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را قبلا تهیه مینماید.
- نقشه.
- آماد گی قبلی.

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را در مقابل صنف نصب کرده و توسط شاملان آنرا تشریح میدارد و خود مربی در اخیر جلسه پیرامون اهداف بحث مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی صنف رابه سه گروپ تقسیم نموده و به هر گروپ طور جداگانه هدایت میدهد نقشه های دوره طاهری، صفاری و سامانی را ترسیم نموده و مراکز و مناطق متصرفه هر کدام را واضع سازند.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی در این مرحله به سه تن از مشمولین وظیفه میدهد که هرکدام، دوره های طاهری، صفاری و سامانی را تشریح نمایند.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی با طرح سوالات، صنف را ارزیابی میکند. - طاهر از کجا بود و چگونه به قدرت رسید؟ - طاهر چطور نام خلیفه را از خطبه انداخت؟

	– یعقوب توسط کدام گروه ابتدا به قدرت رسید؟ – علت تیره گی روابط یعقوب با خلیفه بغداد چی بود؟ – پایتخت سامانی ها کجا بود؟ – سامانی چگونه بر صفاریان غلبه حاصل نمودند؟ – علت انقراض دولت سامانی چی بود؟
۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: خلاصه آیا به اهداف تعیین شده رسیدیم... مربی در اخیر درس راجمع بندی نموده و نکات کلیدی درس با یکبار دیگر خاطرنشان مینماید.

طاهریان، صفاریان و سامانیان

الف: طاهریان



بنیان گذار این خانواده طاهر فرزند حسین است که در یکی از خانواده های مقتدر پوشنگ (زنده جان امروز) در ولایت هرات بدنیا آمد، پدر کلانش از طرف خلافت بنی عباس حاکم پوشنج یا پوشنگ بود، بعد از او پسرش حسین جانشین اوگردید، طاهر فرزند حسین که یکی از دلاوران آندوره بود به آزادی خراسان از دست بنی عباس علاقه پیدا کرد و بنا بر همین فکر او بود که اولین حکومت ملی در خراسان اساس گذاشته شد و آرمان دو صد ساله اسلاف فداکار وی تحقق پیدا کرد

بعد از مرگ هارون الرشید پسرش بنام امین خلیفه شد. آما پسر دومش مامون به برادر بیعت نمود وی که در این زمان حاکم خراسان بود سپاه بزرگی را تحت قیادت طاهر پوشنگی بطرف بغداد سوق نمود در نتیجه لشکر امین در برخورد با ایشان مغلوب گردیده و امین بدست طاهر اسیرو بعداً بقتل رسید بلا فاصله طاهر سر امین را به مامون فرستاد و او را خلیفه اعلان نمود و به تخت خلافت بغداد نشاند بنا بر همین خدمت او بود که مامون ابتدا او را به حکومت شام و بعدا به حکمرانی خراسان مقرر کرد و به لقب ذوالیمینین ملقب گردید (۸۱۴ م– ۱۹۹ هـ ق) طاهر وحدت خراسان را تامین نمود و در ظرف دوسال کرمان، سیستان، هرات، نیشاپور، مرو، جوزجان، بلخ و تخارستان را به دولت خویش ضم نمود و تاسال ۲۰۵هـ ق – ۸۲۰ م از این فتوحات فارغ گردیده و نقشه استقلال را طرح کرد و در همین وقت بود که مردم را گرد خود جمع نمود و این مصارف بود به روزجمعه ۲۴ جمادی الاخر سنه ۲۰۷ هـ ق برابر با ۸۲۲م که طاهر استقلال خراسان را اعلان نمود و نام مامون را از خطبه نماز جمعه انداخته و به عوض نام خود را در خطبه ذکر کرد و اساس نخستین حکومت ملی را در خراسان بوجود آورد، آما بدبختانه در همین شب طاهر چشم از جهان فروبست و پسر بزرگ او طلحه که از طرف پدر حکومت سیستان را اداره مینمود به جای پدر خویش زمام امور را در دست گرفت ومدت ۶ سال با عدالت و انصاف حکم راند و خلافت بغداد نیز حکومت وی را برسمیت شناخت، این مرد متدین وعالم در سال (۲۱۳ هـ ق = ۸۲۸ م) وفات نمود و برادرش عبدالله بن طاهر که مدتی در شام و مصر حکمران بود امیر شد و در بار بغداد او

را رسماً بحیث امیر خراسان برسمیت شناخت، روابط عبدالله با خلافت بغداد بسیار صمیمانه بود و همواره با دشمنان خلافت میرزمید، او مدت هفده سال بر تمام خراسان و حصص غربی آن حکمران راند و به سال (۲۳۰ هـ ق = ۸۴۴ م) از جهان رفت.

بعد از عبدالله پسرش طاهر دوم تا مدت ۱۸ سال حکمراند در زمان او قیام سیستان رویداد طاهر دوم ابراهیم بن حفیظ را بحیث حکمران سیستان مقرر نمود و ابراهیم پسر نا اهل خویشرا که احمد نام داشت والی بُست تعیین نمود، احمد با بزرگان آن دیار در آویخت و مردم سیستان و بست از طاهریان رو برتافتند، در همین بحران بود که یعقوب لیث صفاری قوت گرفت و در سال (۲۴۶ هـ ق – ۸۶۰ م) سیستان را از دست طاهریان گرفت و طاهر دوم در سال (۲۴۸ هـ ق = ۸۶۲ م) از جهان رفت.

محمد پسر و جانشین طاهر دوم شخص بیکفایت، عیاش و تنبل بود و یعقوب لیث صفاری او را شکست داد و در سال (۲۵۹ هـ ق – ۸۷۲ م) به زندان افگند و به همین ترتیب سلسله طاهریان در خراسان منقرض گردیده و در عوض دولت صفاری جانشین آن شد.

دولت طاهری با خلافت بغداد روابط دوستانه داشت و زبان درباری و ادبی شان زبان عربی بود و ضد ادیان دیگر خاصتاً زردشتیان بودند چنانچه عبدالله ۱۱۳ هـ ق – ۸۲۸ م) تعداد زیادی از کتب زردشتی را به آتش کشید.

لست شاهان طاهری:

۱. طاهر بن حسین فوشنجی (۲۰۵ هـ ق – ۲۰۷ هـ ق)
۲. طلحه بن طاهر (۲۰۷ هـ ق – ۲۱۳ هـ ق)
۳. عبدالله بن طاهر (۲۱۳ هـ ق – ۲۳۰ هـ ق)
۴. طاهر دوم بن عبدالله (۲۳۰ هـ ق – ۲۴۸ هـ ق)
۵. محمد بن طاهر دوم (۲۴۸ هـ ق – ۲۵۹ هـ ق)
۶. طاهر سوم بن محمد (۲۵۹ هـ ق – ۲۸۲ هـ ق)

ب: صفاریان



در عصر امویان و عباسیان سیستان همواره مرکز سیاسی بود و فرقه خارجیان مخصوصاً در این ولایت مرکز گرفته بودند و جمعیت عیاران که جمعیتی بود نظیر احزاب سیاسی و اجتماعی امروزه، نیز در سیستان قوت یافتند، از این جمعیت یک مرد سیستانی که یعقوب فرزند لیث باشد و در قریه قرنین متولد شده بود برآمد و با برادر خود عمر و لیث به خدمت صالح بن نصر حکمران سیستان پیوست و به رتبه سپه سالاری رسید، یعقوب مرد دلیر و داعیه طلبی بود و می خواست حکومت مقتدری را در سیستان و بلوچستان تشکیل دهد، زیرا در این وقت طاهریان ضعیف شده بودند و توان مقابله را با خلافت بغداد نداشتند، یعقوب به سال (۲۴۷ هـ ق – ۸۶۱ م) به کمک یاران سلحشور خود خوارج را شکست

داد و از مردم سیستان بیعت گرفت. یعقوب در جنگ های متعدد، صالح حکمران سیستان، رتبیل شاه حکمران زاول، عمار خارجی و دیگران را سرکوب نمود و او در این جنگ ها ده ها هزار اسیر و اموال غنیمت به دست آورد.

یعقوب لیث صفاری در دوره اسلامی اولین حکمران عادل و با انصاف بود که تمام خراسان را از دریای آمو تا سیستان و از بادغیس و مرو و هرات تا کابل و گردیز را از آنها بگرفت و در تنظیم امور نظامی و آبادانی خزاین جد و جهد کرد. بعد از مرگ او در خزانه دولتش پنجاه ملیون درهم هشتاد بلیون دینار وجود داشت. وی به عجم بودنش فخر مینمود و در نامه منظومیکه به المعتمد خلیفه عباسی به بغداد فرستاد، به دودمان عباسیان بغداد اخطار داد که از این کشور بر آیند و الا به نیروی شمشیر و قلم کشیده خواهند شد او مدت هفده سال حکومت نمود و به مرض قلنج از جهان رفت.

پس از مرگ یعقوب برادرش عمر و لیث جانشین او شد و دربار خلافت عباسی ها هم او را به پادشاهی خراسان، سیستان، فارس، کرمان، هند و سند ماورالنهر بشناخت و روابط سیاسی او در ابتدا با عباسیان دوستانه بود ولی بعد از مدت کمی المعتمد خلیفه عزل او را اعلان و قلع و قمع او را در پیشگاه جماعتی از حجاج خراسان اظهار کرد.

عمر و لیث شورش های متعددی را که در خراسان بر علیه او واقع شد با شهامت سرکوب نمود و دشمنان خود را از بین برد و خراسان را تصفیه نمود، بلاخره در یکی از جنگهای که در بلخ با لشکر اسماعیل بن احمد سامانی مشغول مقابله بود به سال (۳۸۷ هـ ق – ۹۰۰ م) کشته شد. عمر و لیث نیز پادشاه عمران دوست و عادلی بود که هزار رباط و پنجصد مسجد و پل ها و راه های زیاد ساخت. در حسن سیاست و تدبیر مملکت دارای نظیر نداشت او به احوال کشور، نظامیان و افسران لشکر خود خیلی آگاه بود و احدی نمیتوانست که کسی را بدون اجازت عمر و مجازات کند.

بعد عمر و لیث دولت صفاری ضعیف گشت و سامانیان بلخی بر افغانستان شمالی و هرات تا حدود سیستان حاکم شدند. اخلاف صفاریان تا مدتی حکمران سیستان بودند و از (۲۸۹ هـ ق – ۹۰۱ م) به بعد حکمرانان متعددی از این خاندان بر سیستان حکمرانی کردند.

ملوک صفاری در خراسان اولین پادشاه علم دوست و عمران پرور و عادل اسلامی بودند که مملکت را وحدت سیاسی و دینی دادند، در زمان صفاریان بود که زبان دری زبان درباری و ادبی گردید و اولین قصیدۀ فارسی در وصف یعقوب لیث سروده شده است.

<u>لست سلسله صفاریان:</u>

۱. یعقوب بن لیث صفاری (۲۴۷–۲۶۵)
۲. عمر و لیث صفاری (۲۶۵– ۲۸۷ هـ ق)
۳. طاهر بن محمد بن عمرولیث و برادرش یعقوب (۲۸۹– ۲۹۶ هـ ق)
۴. لیث بن علی (۲۹۶– ۲۹۸ هـ ق)
۵. بوعلی معدل بن علی بن لیث اول (۲۹۹– ۳۰۰ هـ ق)
۶. حفص عمر و بن یعقوب بن محمد عمر و لیث (۳۰۰– ....)
۷. امیر ابو جعفر (۳۱۱– ۳۵۲ ه ق)

ج: سامانیان (۲۷۹– ۳۸۹ ه ق)



خاندان سامانی از اولاده (سامان خدا) مرد شریفی که در روستای بلخ حکمرانی میکرد و مذهب زردشتی داشت و به دست مامون الرشید در حدود سال (۱۹۷ هـ ق برابر با سال ۸۱۲ م) مسلمان شد و اسد فرزند سامان به دربار مامون راه یافت. اسد چهار پسر داشت نوح، احمد، یحیی و الیاس. غسان بن عباد حکمران خراسان، سمرقند و سغد را به نوح، فرعانه به احمد و چاچ را به یحیی و هرات را به الیاس سپرد. ابراهیم پسر الیاس به سپه سالاری دودمان طاهریان رسید. فرزند احمد بن سامان که امیر نصر نام داشت از طرف خلیفه معتمد به سال(۲۶۰ هـ ق – ۸۷۴م) به امارت ماورالنهر رسید وی حکومت بخارا به برادرش اسماعیل بن احمد گذاشت تا که به سال (۲۷۵ ه ق – ۸۸۸ م) در بخارا بین دو برادر جنگ سختی رویداد و نصر بدست اسماعیل افتاد و به سمرقند فرستاده شد و به سال ۲۷۹ هـ ق – ۸۹۲ م از جهان رفت و تمام ماورالنهر و خراسان بدست اسماعیل افتاد و دربار خلافت عباسی نیز او را رسماً به حیث پادشاه (خراسان) برسمیت شناخت، وی موسس دولت سامانی است که به سال (۲۸۸هـ ق برابر با سال ۹۰۰ م) قوت گرفت و در بار خلافت بنی عباس نیز او را در مقابل آل صفار سیستان که دم از استقلال میزدند تقویت کرد و همین سال در بلخ عمر و لیث صفاری را اسیر کرد و خراسان شمالی و غربی را از تخارستان تا مرو و هرات و شمال فارس و ممالک ماورالنهر را با مملکت سامانی یکجا گردانیدند و به قول مجمل فصیحی اسماعیل بر برخی از ناحیت های غربی هند نیز مسلط شده بود که شاید مقصد وی کندهار باشد.

بعد از مرگ اسماعیل فرزندش احمد به جای او نشست. وی در سال (۹۰۹ م برابر با ۲۹۷ هـ ق) به هرات آمد و حسین بن علی مروزی را به سیستان فرستاده تا حکمرانان صفاری را که تا بست و رحج دست یافته بودند از بین برد سیستان را به منصور بن اسحاق سامانی داد. احمد به سال ۳۰۱ هـ ق به دست غلامش کشته شد و مردم پسر هشت ساله او نصر بن احمد را به تخت نشاندند وزیر او امور مملکت را اداره میکرد.



در سال ۹۱۴ م – ۳۰۲ هـ ق تا سالهای (۳۰۶ هـ ق – ۹۱۸ م) شورش هایی در سیستان و خراسان بر پا شد و در عهد نصر ولایت سیستان بین حکمرانان سامانی و امرای محلی دست به دست میگشت. نصر بعد از سی سال سلطنت در سال (۹۴۲ هـ ق = ۳۳۱هـ ق) در گذشت که بعد از او نوح اول بر بر تخت جلوس نمود در زمان وی شورش هایی بوقوع پیوست. نوح به سال (۳۴۳ هـ ق – ۹۵۴) فوت نمود و فرزندش عبدالملک اول بر تخت نشست در زمان همین شاه سامانی بود که اختلاف و سرکشی سبب خرابی بیشتر اوضاع مملکت گردیده و امرای سامانی در فکر برانداختن سلطنت سامانی ها شدند از جمله الپتگین که سپه سالار و حاجب الحجاب آن دولت بود.

در عصر سامانی ها دیانت اسلام وحدانیت اسلامی با زبان و ادبیات عربی تا کابل رواج پیدا کرد و باقی مملکت در فرهنگ ودیانت قدیم خویش باقی ماندند و در همین دوره بود که زبان دری انکشاف و نشو و نمای خوبی نمود.

از مشاهیر ایندوره دو وزیر دانشمند سامانی ها قابل یاد آوری اند که عبارتند از محمد بن احمد جیهانی و محمد بن محمد بلعمی و شاعرانی مانند: ابوشکور بلخی، رودکی، دقیقی بلخی و رابعه بلخی.

لست سلسله سامانیان:

۱. نصر اقل بن احمد سامانی (۲۶۱- ۲۷۹ هـ ق)
۲. اسماعیل بن احمد (۲۷۹- ۳۹۵ هـ ق)
۳. احمد بند اسماعیل (۲۹۵- ۳۰۱ هـ ق)
۴. نصرثانی بن احمد (۳۰۱ - ۳۳۱ هـ ق)
۵. نوح اول بن نصر (۳۳۱ - ۳۴۳ هـ ق)
۶. عبدالملک اول بن نوح (۳۴۳-۳۵۰ هـ ق)
۷. منصور اول بن نوح (۳۵۰ - ۳۶۶ هـ ق)
۸. نوح دوم بن منصور (۳۶۶- ۳۸۵ هـ ق)
۹. منصور دوم بن نوح دوم (۳۸۷ - ۳۸۹ هـ ق)

جلسه سوم

موضوع: غوریان و خوارزمشاهییان

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- در باره غوری ها معلومات حاصل کرده و شناسنامه ایشان را توضیح داده بتوانند.
- در مورد سهم‌گیری غوریان در نهضت عباسی معلومات ارائه کرده بتوانند.
- خوارزمشاهییان را شناخته و در مورد به قدرت رسیدن ایشان تشریحات داده بتوانند.
- در مورد سلطان محمد خوارزم‌شاه و کارنامه‌هایش معلومات ارایه کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه های تاریخی دوران سلطنت غوریان و خوارزم‌شاهییان، فلیپ چارت، مارکر...

آمادگی مربی:

- مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را قبلاً تهیه می‌دارد.
- نقشه‌ها
- آمادگی قبلی

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را در مقابل صنف نصب کرده و توسط شاملان آنرا توضیح میدارد و خود مربی در اخیر جلسه پیرامون موضوع بحث مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی به مشمولین هدایت میدهد تا متن مربوط را برای مدت ده دقیقه طور انفرادی خاموشانه مطالعه نموده و بعداً برای مدت (۵دقیقه) به‌شکل جوره‌یی بالای آن بحث و گفتگو نمایند. بعداً مربی صنف را به دو گروپ تقسیم نموده که یک گروپ سوال طرح می‌نمایند و گروپ دیگر جواب ارایه میدارند.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی درس را طور مکمل تشریح نموده و به سوالات مشمولان جواب ارایه میدارد.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی با طرح سوالات صنف را ارزیابی می‌نماید. - غوریان کی و از کجا بودند؟ - سابقهٔ اسلام آوردن غوریان به چه زمان می رسد؟ - غوریان چگونه به قدرت رسیدند؟

	– شاهان مهم غوری کدام ها بودند؟ – خوارزم در کجا موقعیت دارد؟ – خوارزم‌شاهییان چگونه به قدرت رسیدند؟ – در مورد شخصیت علاوالدین محمد خوارزم شاه معلومات بدهید. – خوارزم‌شاهییان توسط چه کسانی منقرض گردیدند؟
۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: مربی درس را جمع بندی نموده و در اخیر تذکر میدهد که آیا به اهداف مطروحه رسیده اند و یا خیر.

غوریان و خوارزم شاهییان

الف: غوریان



ولایت غور در دوره قبل از اسلام دارای حکومت محلی بوده و مربوط به خانواده حکمران «سوری» خوانده می‌شدند. اخلاف این خانواده در قرن اول هق دین اسلام را پذیرفتند.

امیر فولاد غوری (سوری)، امیر بنجی غوری، امیر سوری بن محمد مشهورترین حکمرانان های این خانواده را در قرن اول، دوم و سوم هق تشکیل میدادند که از ایشان در تاریخ نامبرده شده است. امیرمحمد بن سوری غوری شخص دیگر این سلسله می‌باشد که در قرن چهارم به دست سلطان محمود غزنوی از بین برده شد. از این پس افراد این خاندان به حیث حاکم و عامل امپراتوری غزنوی در ولایت غور باقی ماندند از قبیل شنسب بن محمد، عباس بن شنسب، ابو علی بن محمد، امیر محمد بن عباس، ملک قطب الدین محمد، حسن بن امیر محمد، ملک عزالدین حسین بن قطب‌الدین شخص اخیر الذکر به عنوان سلطان علاوالدین حسین معروف به جهان‌سوز بر ضد شهنشاه بزرگ غزنوی عصیان کرد و آن دولت بزرگ را منقرض و برای بار اول دولت غوریان افغانستان را اعلان کرد. دولت غوری بزودی ولایات شمالی کشور را با جنگ به چنگ آورد و به قلمرو خود ملحق نمود. دولت غوری همینکه قلمرو خویشرا از آمو تا سند تأمین نمود. در ماورا سند به فتوحات آغاز کرده بقایای شاهان غزنوی را در پنجاب بر انداختند و به تاسی از شاهان غزنوی به فتح اراضی و نشر دین اسلام در حوزه گنگا مشغول شدند.

سلاطین مشهور غوری سلطان غیاث الدین و شهاب الدین غوری بودند که قسمت بزرگی از هندوستان را فتح و دهلی را عوض لاهور پایتخت خویش قرار دادند و مدت طولانی ای در هند حکومت کردند. چون شاهان غوری در هند مصروف فتوحات و حکمروایی بودند و به کشور خودشان (خراسان) توجه شان کمتر گردید، بناءً خوارزم شاهییان و

خلافت بغداد از این خلا استفاده نموده، بر ضد سلاطین غوری دست به اقدامات خصمانه و تفرقه افگنانه زدند. شاهان خوارزم علیه سلاطین غوری فعالیت نظامی می نمودند. خلفای بغداد مانند گذشتگان خویش بین غوریان و خوارزم شاهیان آتش نفاق را مشتعل میگردانید. بغداد حتی بعد از سقوط غوریان نیز از این دسیسه های سیاسی خویش منصرف نگردیدند و از جانب دیگر فوت سلطان شهاب الدین غوری و عدم کفایت بازمانده‌گان او زمینه را برای خوارزم شاهیان آماده ساخت تا بر سرزمین غوری ها تاخت و تاز نمایند، هندوستان زیر قیادت افسران غوری از خراسان جدا شد و در داخل کشور ملوک الطوایف بقدرت رسیدند.

اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوره غوری

دولت غوری با آنکه متمرکز بود، قلمرو خود را در تیول و اقطاع فیودال های خاندان شاهی و سایر قدرت مندان تقسیم نموده بود و هرکدام از این فیودال ها در قلمرو خویش بطور مطلق برجان و مال مردم حاکم بودند، اینها همواره بر سرمنافع در مجادله و کشمکش بودند تا که درنتیجه دولت مرکزی را از پا در آوردند.

به صورت عموم فرهنگ و تمدن این‌دوره علی الرغم دولت های قبلی خالی از تعصب مذهبی بود سلطان غیاث الدین مذهب شافعی داشت و برادرش سلطان شهاب الدین حنفی بود داشتن دو مذهب مختلف سبب کدام کشمکش بین ایشان نگردید.

از عمرانات این دوره میتوان از اعمار مسجد جامع هرات، همچنان از منار جام نام برد منار جام تقریباً ۲۰ سال قبل از حملۀ مغل بوجود آمده و یادگار عالی و با شکوهی است و یک شهکار معماری مشرق زمین حساب می‌شود. از کتب مهمی که در این دوره نوشته شده چهار مقاله عروضی سمرقندی است که در خور اهمیت خاصی است. در این دوره پیشه‌وری، فلزکاری و نساجی رشد یافته و انکشاف نمود و همچنان زراعت و آبیاری به شکل بهتر در آمد، تجارت توسعه پیدا کرد، روابط با کشورهای همسایه در ساحه تجارت و رفت و آمد قوافل توسعه یافت.

در دربار غوری ها غلامان دارای اعتبار زیادی بودند و حتی به مراتب شاهی نیز میرسیدند، سلطان شهاب الدین چون فرزند پسر نداشت، غلامان او بجای فرزندانش افسران و والیان او بودند و بالاخره در هندوستان به پادشاهی هم رسیدند و به اثر حمایت همین ها بود که محمد عوفی و منهاج السراج جوزجانی کتب مهم لباب الالباب و تاریخ طبقات ناصری را نوشتند.

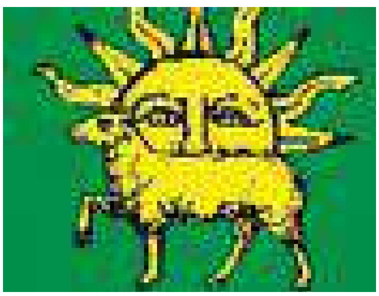
در امور ادارای و نظامی غوریان به شیوه غزنویان عمل میکردند، در غور شاهان بر حسب لیاقت و کاردانی به سلطنت میرسیدند و باید خلافت بنی عباس هم ایشان را تایید می‌نمود و ازجانب دیگر قدرت مندان محلی و بزرگان دولتی نیز از ایشان حمایت می‌نمودند. سلطان امور ولایات زیر سلطۀ خویشرا به نزدیکان خود می‌دادند. سلطان خودش فرمانده کل سپاه و مسوول ادارۀ کشوری بود، امور ادارات ایشان طوری بود که: دیوان وزیر به ریاست وزیر به مالیه و ادارۀ عمومی مربوط میگردید. و باقی دوا وین عبارت بودند از: دیوان رسالت، دیوان عرض، امور استخبارات، اوقاف و دیوان قضأ.

سلاطین غوری بخاطر حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور خویش از تجاوز بیگانگان دارای یک اردوی قوی و نیرومند بودند. و اردوی ایشان از اقوام مختلف تشکیل گردیده بود مانند: ترکان، خلجیان، تاجکان، غزان، پشتون‌ها و هندیان بودند و این سپاه در تشکیل خود سواره نظام و پیاده نظام داشت و درجنگ‌ها از نیروی فیل هم استفاده میکرند، سلاح های ایشان عبارت بودند از: شمشیر، نیزه، فلاخن، و سپاهیان ایشان و دارای لباس مخصوص جنگی بودند و کلاه مکلل و جوشن نیز داشتند.

سلاطین غوری عبارت بودند از:

- سلطان علاوالدین جهانسوز (۵۰۳ – ۵۵۱ هق)
- ملک سیف الدین محمد بن علاو الدین (۵۵۱ – ۵۵۸ هق)
- ملک غیاث الدین محمد بن سیف الدین (۵۵۸ – ۵۹۸ هق)
- ملک شهاب الدین بن سیف الدین (۵۹۸ – ۶۰۳ هق)
- بهاءالدین سام بن محمود (۶۰۷ هق)

ب: خوارزمشاهییان



ایالت خوارزم یا خیوه ای قدیم در آسیای میانه در قسمت انتهای و پائینی رود آمو موقعیت داشته است. این منطقه بخاطر زراعت و آبیاری منظم و موقعیت خاص جغرافیایی و تجارتی از لحاظ اقتصادی از اهمیت ارزشمند و نیرومندی برخوردار بود. خوارزمیان از زمان حکومت سامانیان تا سلسلهٔ غزنویان دارای حکومت محلی بودند که با حفظ آزادی داخلی و محلی از دربار سامانیان و بعدها غزنویان اطاعت میکردند، اما سلطان محمود ولایات خوارزم را مستقیماً جز امپراتوری خود ساخت که بعداً در هنگام قدرت سلجوقیان تحت سلطهٔ سلاطین سلجوقی قرار گرفتند، بعد از ضعف دولت سلجوقی شاه خوارزم بنام تکش شهرهای خراسان؛ چون: مرو، سرخس و طوس را در حیطهٔ قلمرو خود شامل نمود. درحالیکه شهر بلخ و نواحی شمال هندوکش توسط غوریان تصرف شده بود، تکش شهرهای ری و همدان را نیز تصرف نمود. و بعد از مرگ تکش در سال (۵۹۶ هــق) پسرش علاؤالدین محمد خوارزمشاه بر تخت شاهنشاهی خوارزم تکیه زد. خوارزم شاه که ۲۰ سال سلطنت کرد از جملهٔ شاهان مشهور سلسلهٔ خوارزم شاهییان می‌باشد.

در عصر این پادشاه قلمرو خوارزم شاهییان به اوج عظمت و قدرت و انتهای وسعت رسید. تا آنجا که در آسیای میانه یگانه قدرت به شمار میرفت در این عصر تنها دولت غوری رقیب خوارزمشاهییان محسوب میگردید. از این سبب بود که محمد خوارزمشاه قبل از همه در صدد تسخیر قلمرو غوریان بود. و به همین اساس خوارزمشاه در خراسان پیشروی نموده و بادغیس را تاراج نمود و از مردم هرات غرامت هنگفتی گرفت. سلطان معزالدین غوری که مصروف فتوحات در نیم قارهٔ هند بود. به مجرد بازگشت به وطن جانب خوارزم لشکر کشید. در نخستین تصادم شهر خوارزم تاراج گردید، مگر خوارزم‌شاه سپاهیان قراختایی را جهت مقابله با غوریان به یاری طلبید، آنگاه قوای متحدهٔ قراختایی و خوارزمی لشکریان غوری را مغلوب ساخته از خوارزم بیرون ساخت و این پیروزی، سیادت خوارزمشاهییان را در شمال مسلم ساخت.

بعد از مرگ معزالدین غوری، سلطان محمد، مجدانه جهت تصرف تمام قلمرو غوریان اقدام نمود، او در مرحلهٔ اول عناصر سست عنصر دربار غوری را آلهٔ دست خویش قرار داده شهرهای بلخ و هرات و دیگر شهرهای شمالی هندوکش را بدست آورد و با یک حمله ناگهانی دیگر آخرین پادشاه غوری جلال الدین علی را از بین برد و در سال ۶۱۲ هــق غزنی و سایر مناطق جنوب هندوکش را تسخیر نمود و سرحد امپراتوری خویش را تا کناره های سند رسانید. سلطان محمد اداره مناطق بدست آمده راکه تقریباً افغانستان امروزه می باشد بدست پسر ارشدش جلال الدین سپرد و جلال الدین و الیان و اداره چیان آن مناطق را بدست اشخاص مطمئن خودش قرار داد. خود اکثر به دربار پدر در مرکز خوارزم

می‌بود و سلطان محمد منحیث یک امپراتور مستقل و مقتدر به نفوذ قراختایان نیز پایان داد و کل آسیای میانه، افغانستان امروزی و ایران قدیم را تحت اداره خویش قرار داد. این شاه نتوانست قلمرو وسیعی را که بدست آورده بود بخوبی اداره نماید چراکه از تدبیر و تفکر قاطعی برخوردار نبود و همواره در اجرای امور متردد و دو دل بود و با بدست آوردن قلمرو قراختان و غوریان سبک مغزی غرور بیجا پیدا کرده بود.

و از جانب دیگر ترکان خاتون ما در سلطان، زن خود خواه و جاه طلب بود و در امور و کارهای دولتی مداخلات بیجا می‌نمود و اشخاص ضعیف النفس را به امورات قوی گماشته بود و روابط خود سلطان محمد خان نیز با خلافت بغداد خوب نبود و حملاتی بدان سو داشت و از همه مهمتر اینکه نتوانست با مغلان چین و حکمران مقتدر و نیرومند آن چنگیزخان روابط دوستانه داشته باشد و با اعمال نا عاقبت اندیشانه خویش که کشتن تاجران چینی و تاراج کاروانهای تجارتی ایشان توسط غایر خان و بعداً کشتن هیت بررسی قضیه که از طرف چنگیز فرستاده شده بود. خشم چنگیز مشتعل گردیده و سلطان محمد تا اینکه بجنبد به شکل سیل آسا مورد حملهٔ خان مغل قرار گرفته آسیای وسطی و خراسان غربی با خاک و خون یک سان گردید و دولت خوارزم شاهیان به شکل فجیعی سقوط نمود.

جلسه چهارم

موضوع: صفوی های فارس

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- در بارۀ صفوی ها و اینکه از کجا عروج کردند توضیحات داده بتوانند.
- در مورد زندگی شاه اسماعیل و چگونگی به قدرت رسیدنش معلومات ارایه کرده بتوانند.
- در بارۀ رقابت همسایه‌گان افغانستان در این تشریحات لازم داده بتوانند
- در مورد شاه عباس معلومات داده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشۀ تاریخی فارس از دوران صفوی، فلپ چارت، مارکر.... و غیره

آمادگی مربی:

- تصاویر
- نقشه
- آمادگی قبلی

وقت	فعالیت های مربی
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت اهداف را در مقابل صنف نصب کرده و از شاملان می خواهد که آنرا از روی بخوانند و توضیح نمایند. و بعداً خودش پیرامون موضوع روشنی انداخته و بحث می‌نماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی به مشمولین وظیفه میدهد تا متن مربوط طور خاموشانه برای مدت ده دقیقه مطالعه نمایند بعداً به ایشان هدایت میدهد که دو دو نفر در باره متن مربوط بحث و گفتگو نمایند. سپس صنف را به دو گروپ مساوی تقسیم نموده طوری که یک گروپ سوالات را طرح نموده و گروپ دیگر به جواب می‌پردازد.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی درس مربوطه را کاملاً تشریح می‌نماید و به شاملین هدایت میدهد تا در مورد سوال نمایند آنگاه به جواب ایشان می‌پردازد.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: در این بخش مربی سوالات ذیل را طرح و شاملین را ارزیابی می‌نماید. ۱. صفوی ها کی بودند و درکجا به قدرت رسیدند؟ ۲. گارد خاصی که توسط اسمعیل صفوی ایجاد شد چه نامیده می‌شد؟

	۳. بعد از سقوط دولت تیموری افغانستان بین کدام قدرت ها تجزیه شد؟ ۴. محمد خان شیبانی توسط کی به قتل رسید؟ ۵. قوی ترین شاه صفوی چه نام داشت؟ ۶. انقراض تدریجی سلسلۀ صفوی چه وقت آغاز شد؟ ۷. افغانها چگونه از فارسی ها (صفوی ها) انتقام کشیدند؟ ۸. آخرین پادشاه صفوی چه نام داشت و چطور سقوط کرد؟
۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: مربی درس را جمع بندی نموده و در اخیر خاطرنشان میسازد که آیا به اهداف تعیین شده رسیده انـد و یا خیر.

صفوی های فارس



بعد از دوران سلطنت سلطان حسین میرزای (بایقرأ) دولت تیموریان در هرات به اساس کشمکش های دوامدار میان پسران وی بنام های بدیع الزمان و مظفر حسین رو به انقراض نهاد. گرچه بعد از مرگ سلطان حسین با یقرأ جانشین وی بدیع الزمان میرزا بود اما به اثر دسایس و توطئه مادر انداش بنام خدیجه که در بین لشکر از نفوذ برخوردار بود. و حتی در زمان حیات سلطان حسی خواهان ولیعهدی پسر خودش مظفر حسین بود کوشش نمود تا او را به سلطنت برساند. مخالفت بین دو برادر آغاز گردید و در اخیر خدیجه توانست که پسرش مظفر حسین را در سلطنت شریک سازد.

بعبارۀ دیگر در این زمان بود که در یک اقلیم دو پادشاه به سراقتدار آمدند و دو دولت بوجود آمد، سکه بنام هر دو ضرب زده شد و خطبه بنام هر دو پادشاه خوانده می شد، امور مالی به هر دو مساویانه تعلق گرفت، دو صدارت و دو وزارت در تشکیلات دولتی ایجاد گردید. در این زمان بحران اداری و سیاسی بوجود آمد که خود سبب آشفته گی اوضاع از هر لحاظ گردید که عوامل مذکور عملاً سبب فروپاشی دولت تیموریان شد و زمینه را برای مداخلۀ دولت های شیبانی و صفوی فراهم ساخت.

مقارن سقوط دولت تیموری در سه منطقۀ اسیا (ماورأالنهر، هند و فارس) قدرت های جدید عصر بوجود آمدند و هر کدام به نوبۀ خود این خطه را مورد تجاوز و مداخله قرار دادند. و ولایات شمال، شرق و غرب کشور ما را تصاحب نمودند واین کشور در طی دو نیم قرن در حالت تجزیه و جدایی قرار گرفت و به میدان رقابت ها و جنگ های دوامدار این دولت های تبدیل گردید و هر یک از آنها تلاش داشتند که متصرفاتی در این کشور داشته باشند، از جمله دولت صفوی فارس که بعد از دورۀ طولانی تجزیه و عدم وحدت، دوباره انسجام یافته و وحدت خویشرا دو باره تامین نموده بودند، و یک

دولت مرکزی را که به محور تعصب مذهبی استوار بود ایجاد کرده بودند. تلاش نمودند تا قلمرو خود را به جانب شرق و شمال شرق توسعه دهند، شاه اسمعیل صفوی که بنیان گذار دولت صفوی فارس بود و قدرت مرکزی را در آنجا بوجود آورده بود، در سال (۱۵۱۰ م = ۹۱۷ هـ ش) متوجه سرزمین خراسان (افغانستان) گردید، و طوس، مشهد، سرخس و مرو را از محمد شیبانی که درگذشته این مناطق را از تیموریان تصرف کرده بود بدست آورد، وی از کشته شده گان کله منار ساخت، بعد به هرات آمد و در مسجد جامع هرات، فرمان فتح صفوی را قرائت نمود، اما حافظ زین الدین هراتی امر پادشاه را نقض نموده و آنرا خلاف، خلفای اربعه دانسته و آنرا رد نمود.



افسران و لشکریان صفوی که از تعصب مذهبی میلرزیدند، حافظ ذین الدین هراکی را در همان مسجد اعدام کردند، مردم از این عمل آنها متنفر گردیدند، این برخورد نامناسب لشکریان صفوی در هرات و تنفر مردم از آنها، اسمعیل صفوی را مجبور ساخت تا شخصاً به هرات آید و از مردم هرات معذرت بخواهد و ایشانرا دلداری نموده و با مردم سلوک مدبرانه نماید اوامر کرد که تا به بدگویی خلفأ و سایر شخصیت های اسلام نپردازند و بعد به ولایات شمالی افغانستان هجوم برد و به ظهیرالدین محمد بابر که بعد ها دولت گورگانی ها را در هند اساس گذاشت امداد نظامی نمود تا ماوراًالنهر را از ازبکان بگیرد، بابر این کار را کرد مگر در سال (۱۵۱۲م = ۹۱۹هـش) بازمانده گان دولت شیبانی قوای امدادی صفوی را شکست دادند و مردم که از استبداد صفوی ها به جان آمده بودند از ازبکان جانب داری نمودند و همین عامل سبب شکست صفوی ها گردیده آنها حاکم دولت صفوی را در بلخ به قتل رسانیده و به عوض او حاکم ازبک را قبول نمودند.

در هرات نیز علیه واعظ و مؤذن صفوی شوریدند و بخون خواهی حافظ زین الدین او را کشتند. هنگام بازگشت قوای صفوی به هرات، برضد استیلای صفوی دست به شورش زدند، اما چون قوای دشمن (صفوی) نیرومند بود مردم را سرکوب و شهر هرات را تاراج نمودند و تعداد زیادی از مردم را به قتل رسانیدند و به طرف قندهار حرکت نمودند تا قندهار را هم تصرف نمایند و شجاع بیگ حاکم آنولایت را از بین ببرند، این سپاه قندهار را فتح کرده نتوانست، و بخاطر تعقیب شجاع بیگ به بلوجستان تاختند تا او را دستگیر نمایند اما نتوانستند که او را بدست آورند در این جنگ مردم

بلوچستان متقبل ویرانی و تاراج شدند و شاه اسماعیل از طریق مشهد به تبریز بایتخت خود رهسپار شد و در سال (۱۵۱۵م = ۹۲۲هـق) حکومت شمال غربی افغانستان را به پسر و ولیعهد خود طهماسب مرزا داد و بعداً امور این منطقه را به پسر دیگر خود بنام سام مرزا سپرد. اسماعیل صفوی شهر مشهد را مرکز ولایت خراسان قرار داد و هم این شهر را منحیث یک شهر مذهبی شناخت. و توجه مردم فارس را به طر ف شهر جلب نمود خصوصاً که بعدها مقامات مذهبی نجف و کربلا از دست فارس برآمد، شاه اسمعیل در سال (۱۵۲۴م = ۹۳۱هـق) چشم از جهان فروبست. بعد از مرگ شاه اسماعیل پسر و ولیعهدش طهماسب میرزا به قدرت رسید. از حملهٔ ازبکان به هرات جلوگیری نمود، یکی از حوادث مهمیکه در زمان طهماسب صفوی رخداد شکست همایون پادشاه مغلی هندوستان است که بعد از بقدرت رسیدن شیرشاه سوری در هندوستان به طرف افغانستان فرار کرده بود، به امر طهماسب صفوی در هرات از همایون توسط (۳۰هزار) سواره و پیاده نظام استقبال گرم به عمل آورد، بعداً ده هزار نفر برایش کمک کرد تا به افغانستان باز گردد و ولایات قندهار، کابل و زابل را از برادران و مخالفان خود پس بگیرد. و در مقابل همایون تعهد نموده بود که بعد از تصرف ولایت از دست رفته ولایت قندهار را به عمال صفوی بسپارد. همان طور کرد، مگر بعد از مرگ حکمران صفوی در قندهار، همایون قندهار را تصرف و به حمکران خود بیرام خان سپرد، اما در (۱۵۳۶م = ۹۴۴هـق) شاه طهماسب دوباره قندهار را تصرف نمود و بعد از مدت کمی کامران میرزای بابری قندهار تصرف نمود و بالاخره شاه طهماسب در سال (۱۵۳۶م – ۹۴۴هـق) بار دیگر قندهار را از دست وی کشید.

کار دیگریکه شاه طهماسب در دوران سلطنت خود انجام داد، عبارت از رد نمودن پشنهاد ملکه انگلستان مبنی بر تأسیس کمپنی تجارتی در فارس در سال (۱۵۶۱م = ۹۶۹هـق) است، شاه طهماسب توسط یکی از زنان حرمش در سال (۱۵۷۶م = ۹۸۵هـق) مسموم گردید و جانیشنانش بنام های حیدر و اسمعیل یکی پی دیگری بدست امرای دربار کشته شدند، بعد سر دیگر طهماسب بنام (خدا بنده) به قدرت رسید و پس از مرگ وی پسرش بنام شاه عباس اعلان سلطنت نمود، در زمان سلطنت شاه عباس ترکان عثمانی تبریز، شیروان گرخیستان و لرستان را مورد تعرض قرار دادند و شاه عباس ماوراألنهر را شکست داد و به همکاری انگلیس هاییکه زیر نام تجارت به فارس آمده بودند، قوای نظامی به خصوص توپچی و تشکیل گارد جدیدی بنام (شاه سون) یعنی شاه دوست را تقویت بخشیده تا ولایت از دست رفتهٔ خویشرا از نزد ترکان عثمان دوباره بدست آرد. در زمان عباس بود که بنادر خلیج فارس بر رخ انگلیس ها باز گردید و امتیاز تاسیس کمپنی تجارتی برای انگلیس ها داده شد. و تاسال (۱۶۲۵م = ۱۰۳۵هـق) به کمک انگلیس، هالند تمام متصرفات بحری را در خلیج فارس از پرتگال تصرف نمود و نفوذ سیاسی و اداری انگلیس در فارس ریشه دوانید.

شاه عباس در سال (۱۶۲۰م = ۱۰۳۰هـق) قوای خود را به قندهار اعزام داشت تا قندهار را که در تصرف بابریان بود، دو باره به تصرف در آورد. در سال(۱۶۴۸م = ۱۰۵۹هـق) این فتح انجام یافت و مانند شهرهای هرات، مشهد و نیشاپور تا قرن (۱۸م) زیر تصرف صفویان قرار داشت. و تلاش دوبارهٔ دولت بابری در حصهٔ تصرف این شهر ناکام گردید، چون شاه عباس دوم نسبت برگشتن او از مذهب امامیه مورد مخالفت امرأ و درباریانش قرار گرفته بود، مخالفین او را توسط خواهرش مسموم نمودند. بعد از وی شاه سلیمان صفوی پسر و جانشین شاه عباس دوم از سال (۱۶۶۷م–۱۶۹۴م) مطابق (۱۰۷۹–۱۱۰۶هـق) و شاه حسین صفوی پسر شاه سلیمان (۱۶۹۴م–۱۷۲۲ = ۱۱۰۶–۱۱۳۵هـق) سلطنت نمودند. در دوران ایندوشاه کدام کار تازه یی انجام نشده است. در این دوره دولت صفوی به بحران مواجه گردید و رو به انحطاط نهاد، دولت مرکزی ضعیف شد، اراکین دولتی و درباریان در برابر هم قرار گرفته مشغول مجادلات و مبارزات

بخاطر تصاحب بیشتر قدرت گردیدند، حاکمان و امرای ولایت از دساتیر و اوامر مرکز سرباز زده و از دادن مالیه ابا ورزیدند روی این دلیل عواید دولت تقلیل یافت و همین عوامل سبب نرسیدن معاش لشکر در وقت معینش گردید بناً اردو نیز ضعیف گردید.

هم چنان ظلم و ستم حکام دولت بالای مردم ضعف دولت را سرعت بخشید، این همه عوامل موجب شورش های زیاد در سراسر مملکت گردید و یکی از این شورش هایی که عوامل سقوط دولت را بیشتر فراهم نمود قیام مردم قندهار تحت قیادت میرویس خان هوتکی و ابدالیان هرات، اسلاف احمد شاه ابدالی برعلیهٔ حکومت صفوی فارس بود، که به تسلط صفوی در سر زمین خویش خاتمه داده و حکومت مستقل را در قندهار و هرات تأسیس نمود و حکومت هوتکی بخاطر گرفتن انتقام از دولت صفوی به فارس لشکر کشید که در نتیجه دولت فارس مغلوب گردیده و شاه حسین صفوی خودش در سال (۱۷۲۲م = ۱۱۳۵هـ‍ق) تاج امپراتوری فارس را بر سر شاه محمود هوتکی گذاشت و به این صورت دولت صفویان فارس پایان یافت.

جلسه پنجم

موضوع: جنگ های صلیبی

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر گردند که:

- در باره چگونگی صلیب توضیحات داده بتواند.
- درمورد اینکه به این جنگ ها چرابه بنام جنگ های صلیبی مسمی گردیده معلومات داده بتواند.
- درباره طراهان این جنگ ها تشریحات ارایه کرده بتواند.
- درمورد نتایج ایکه از جنگ های صلیبی نصیب غرب شد معلومات داده بتواند.

مواد مورد ضرورت:

- تصاویرجنگ های صلیبی،فلیپ چارت،مارکر...وغیره

آمادگی مربی:

- مربی چارت اهداف وموضوع جلسه را قبلاً تهیه میدارد.
- تصاویر.
- نقشه.
- آماده گی قبلی.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع واهداف رادر مقابل صنف نصب کرده و از مشمولین می خواهد که آنرا به نوبت از روی بخوانند و توضیح نمایند، بعداً خود مربی در مورد موضوع درس مفصلاًمعلومات ارایه بدارد.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی شاگردان راهدایت میدهد که به گروپ هاتقسیم شده ومسیر حرکت جنگاوران صلیبی برروی نقشه مشخص نمایند وبعداً هرگروپ وظیفه دارد که در مورد یکی از جنگ های صلیبی مطالعه نموده ومعلومات بدست آمده را برروی چارت نوشته وپس از آن برای شاملان ارایه بدارد.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: در این فعالیت مربی درس را سر تا پا تشریح مینماید واز شاملین میخواهد تادر مورد سوال نماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: در این قسمت مربی سوالات ذیل راطرح نموده ومشمولین را ارزیابی میکند. ۱. صلیب چه معنی دارد ودر مورد آن چی میدانید ؟ ۲. جنگ های صلیبی چگونه شروع شد؟ ۳. اولین اردوکشی صلیبی هابه کدام تاریخ آغاز شد ؟

۴. در مورد اجتماع کلرمون چی میدانید؟ ۵. در اولین لشکرکشی صلیبی کی ها سهم گرفتند؟ ۶. شوالیه ها کی ها بودند؟وتا کجادرشرق رسیدند؟ ۷. آیا صلیبی ها به هدف خود رسیدند ؟ ۸. این جنگ ها چه مدت رادر برگرفت وچند جنگ بود؟	
فعالیت پنجم: خلاصه درس مربی درس را توسط دو،سه تن از مشمولین جمع بندی مینمایدوخاطر نشان میسازد که به اهداف مطروحه رسیده اند ویاخیر.	۱۰ دقیقه

جنگ های صلیبی



درقرون وسطی که ظلم وستم فیودال ها به اوج خود رسیده بود و آنها دهقانان سرف (وابسته به زمین) را بطور وحشیانه تحت استثمار و بهره کشی قرار داده بودند، دهقان وابسته به زمین ازفرط ظلم وبیدادگاهی دست به شورش وقیام میزدند اما از جانب فیودالها سرکوب وبه انواع شکنجه وعذاب محکوم میگردیدند.

صلیب علامهٔ مقدس برای عیسویان می باشد آنها طوری فکر میکنند که گویا عیسی(ع) از جانب مخالفین چارمیخ یا مصلوب گردیده بناءً علامت صلیب یا چلیپا نزد آن ها مقدس می باشد. در این جنگ هر جنگجویی عیسوی علامت صلیب را به سینه خود نصب نموده بود از این لحاظ این جنگ بنام جنگهای صلیبی مشهور گردیدکه تقریباً دوقرن را در بر گرفت یعنی از (۱۰۹۵م– ۱۲۷۰م).

چرا چنین جنگی بوقوع پیوست علل و عوامل آن چی بود؟

به نظر عیسویان آنوقت اروپا که اکثر مردم آن در فقر و بیچاره گی به سرمیبردند شرق منبع ثروت بود وفکر میکردند که به اثر حملات ایشان به شرق ثروت زیادی بدست خواهند آورد.و ایتالیا که در آنزمان نسبت به سایر نقاط اروپاه انکشاف بیشتری نموده بود و در تجارت پیشرفت های زیادی داشت بناءً تاجران آن طوری فکر میکردند که بعد از بدست آوردن پیروزی در مشرق تحت نظر دولت های عیسوی خواهند توانست مراکز تجارتی را تاسیس نمایند و از آن طریق بتوانند تجارت خود را با شرق دور (چین و جاچان) تأمین نمایند. عدهٔ زیادی از دهقانان که از ظلم و ستم فیودالان بجان آمده بودند. تصور میکردند که بعداً از اشتراک در این جنگ ثروت زیادی بدست آورده وبعد از اینکه در جنگ پیروز شوند و دوباره به اروپا مراجعت نمایند زنده گی شان خوب خواهد شد.

اجتماع مکرمون: در سال ۱۰۹۵میلادی در کلرمون شهری در فرانسه اجتماعی از رهبران کلیسا تشکیل شد. در این اجتماع پاپ و روحانیون وارد مانیون پاینتر از او، فیودالان، بازرگانان نوپا وعده زیادی از دهاقین از نقاط مختلف در آن شرکت نموده بودند.

پاپ اوربان دوم: ضمن بیانیه ای حاضران در کلرمون را مورد خط .ب قرار داد . و همه را دعوت کرد تابرای رهایی مزار خدا (عیسی (ع)) از چنگ مسلمانان بسوی بیت المقدس حمله نموده و از غنایمی که در انتظار شان درشرق است استفاده نمایند .این دعوت از جانب حاضران با هیجان قابل وصفی استقبال شد . حاضران قرار گذاشتند که در این جنگ مقدس اشتراک نمایند وعلامت صلیب را برنگ سرخ در لباس خویش بدوزند . پاپ خاطر نشان نمودکه دردوران جنگ صلیبی در اروپا صلح برقرار خواهد بود،از خانواده های جنگ جویان واموال ایشان حفاظت خواهد شدوپرداخت مالیات به تعویق خواهد افتاد وبه دهقانان وابسته به زمین مژده آزادی داده شد. وبه تمام عمال کلیسا دستور داده شد که جنگ را تبلیغ نمایند.

در مرحله اول سپاه چریکی از دهقانان آماده شده آن ها فاقد سلاح کافی و زاد راه بودند ایشان در هر منطقه که کدام ابادی ای را میدیدند می پرسیدند که بیت المقدس اینجاست . این دهاقین گرسنه ابتدا در مناطق هنگری و بلغارستان که به ایشان به نظر غارتگر می دیدند مورد تاخت و تاز قرار گرفتند و وقتیکه به قسطسطنیه رسیدند در برابر خود سپاه مجهز ترکان را مشاهده نمودند واکثریت ایشان در اینجا به قتل رسیدند ویک تعداد کمی از ایشان که باقی مانده بود در انتظار رسیدن اردوی کمکی ای بودند که متشکل از اشراف خرده پا بنام شوالیه ها بودند.

جنگجویان چریکی شوالیه ها در سال به ۱۰۹۷م به قسطسطنیه رسیدند ودر آنجا اجتماع کردند، الکسی کومنن امپراتور روم شرقی به آن ها اعتماد نمی کرد و از آنها وهم داشت که در صدد تسخیر بیزانس نشوند الکسی این سپاه چریکی رابه اسیای صغیر (کوچک) فرستاد، اما این راه بسیار پردرد سربود واز جانب سواران ترک مورد تاخت وتاز قرار گرفتند و یک تعداد آن ها از بین رفتند و باقی راه خود را ادامه دادند و در مسیر راه شهر انطاکیه را محاصره وبعداً تسخیر نمودند و اهالی مسلمان آنرا بقتل رسانیدند و غنایم زیادی بدست آوردند.

بسیاری از آن هابعد از گرفتن انطاکیه دوباره به طرف اروپا باز گشت نمودند عده یی از آنها به اثر بیماری از بین رفتند و تنها یک گروه چند هزار ایشان توانستند به اورشلیم (بیت المقدس) رسیدند واین مصادف با سال ۱۰۹۹م بود شهر مزبور را فتح و اهالی انرا که مسلمانان بودند کشتند ایشان از قتل اطفال وزنان نیز دریغ نورزیدند همه را قتل عام نمودند.

حکومت صلیبیان



از سرزمین هایی که اردوی شوالیه ها بدست اورده بودند. حکومت اورشلیم (بیت المقدس) بوجود آمد .انها در انجا نظام فیودالی را بوجود آوردند و به شکل وحشتناکی دهقانان را مورد بهره کشی قرار دادند. که دهقانان سرف چندین بار علیه ظلم وستم ایشان قیام نمودند. جنگ های صلیبی در حقیقت هشت جنگ را دربر گرفت در یکی از این جنگ ها کودکان را جمع آوری نمودند که به فکر ایشان انها بی گناه و معصوم حساب شده بودند و تصور می نمودند که پیرزوی آنها حتمی خواهد بود ممکن است که اراضی مقدس را زودتر و بهتر بدست آورند. بنابرآن در المان و فرانسه تعداد زیادی از اطفال گرد

آمدند و در کشتی ها جابجا شدند در اثنای سفر از طریق بحیره مدیترانه آبها طوفانی شد عده ای زیادی از آنها غرق شدند و باقی مانده را کشتی رانان به مصر بردند و به قسم برده و غلام بفروش رسانیدند و این بود سرنوشت محتوم اطفال تقریباً یکسره از بین رفتند.

در اخیر قرن سیزده هم هشتمین جنگ صلیبی رخداد (۱۲۷۰م)که این اردوکشی صلیبی منجر به غارت احمقانه و بی دلیل توده های مردم گردید.

آن عده از اشراف خرده پای اروپای غربی که در مشرق باقی مانده بودند نتوانستند ازخود دفاع کنند وآخرین سنگر صلیبیان شهر عکا در سال ۱۲۹م سقوط کرد، پس از گذشت دو صد سال صلیبیان نیز جزیرهٔ قبرس در دست ایشان باقی ماند و بس. اما جنگ های صلیبی سبب منفعت مادی و معنوی برای اروپایی ها گردید. و بقول یک تعداد مورخین اروپا بعد از جنگهای صلیببی وارد تمدن گردید. به این ترتیب که ایشان بعد از تصادم با شرق مسلمان به این دست آورد هها دست یافتند. با سیستم جدید زراعت و محصولات تازه آشنا شدند مانند: گندم سیاه، ذرت (جواری) برنج، لیمو، زردآلو مصرف قندو شکر رو به توسعه نهاد، ضنعت بلور سازی و ابریشم بافی در اروپا معمول گردید. آداب شستن دست قبل از غذا، شستن بدن (غسل کردن) و شتسن لباس را با خود از شرق مسلمان بردند و این امر به فکر انکشاف افق فکری ایشان در آن زمان منجر شد.

جلسه ششم

موضوع: انسانس یادوره تجدد ادبی وفرهنگی در اروپاء

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر گردند که:

- در مورد کلمه انسانس که چه معنی میدهد باید بدانند.
- تفکراتی که سبب بوجود آمدن رنسانس گردید توضیح داده بتوانند.
- درباره رشد شهری شدن وشهر نشینی معلومات ارایه کرده بتوانند.
- در مورد اینکه در ایتالیا چگونه برای بار اول رنسانس ظهور کرد بدانند.
- درباره افزایش قدرت پادشاهان که چطور بالا گرفت توضیحات داده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- تصاویر مربوط به دوره رنسانس در ایتالیا،نقشه اروپای قرون جدیده، فلپ چارت،مارکر...و غیره.

آمادگی مربی:

- مربی چارت اهداف وموضوع جلسه را قبلاً تهیه مینماید.
- تصاویر
- نقشه
- آماده گی قبلی

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را در مقابل صنف نصب کرده واز چند نفر از مشمولین میخواهد که آنرا به نوبت از روی بخوانند و توضیح نمایند، بعداً خود مربی در مورد موضوع جلسه مفصلاً ارایه میدارد.
۲۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی به شاگردان هدایت میدهد که متن درس مربوط را طور خاموشانه در نزد خودشان مطالعه نمایند و پس از آن در گروپ های دو نفری موضوع را باهم بحث و مذاکره نمایند و در اخیر ایشان رابه دو گروپ مساوی تقسیم نموده و به آن ها هدایت میدهد که یک گروپ سوالات را طرح نموده وگروپ دیگر باید بجواب بپردازد.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی درس رامفصلاً تشریح مینماید و شاملین دستور میدهد که در مورد از مربی سوال نماید و آنگاه بجواب ایشان می پردازد.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: در این بخش مربی سوالات ذیل راطرح نموده و شاملین را ارزیابی مینمایند. ۱. رنسانس چه معنی دارد توضیح دهید؟

	۲. عوامل واسباب بوجود آمدن رنسانس را ذکر نمائید؟ ۳. رشد وگسترش مناسبات شهری چگونه بوجود آمد ؟ ۴. عوامل فکری ومعنوی رنسانس چی هابودند؟ ۵. دولت شهر هاچه مفهوم را ارایه میدارد؟
۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: – مربی جلسه راتوسط شاگردان جمعبندی نموده و مشخص میسازد که آیا به اهداف مطروحه رسیده اند یاخیر.

رنسانس یا دورۀ تجدد ادبی و فرهنگی در اروپا

بعد از ختم قرون وسطی دورۀ جدیدی بنام رنسانس آغاز میگردد که نشان دهندۀ پیشرفت و توسعۀ اروپا در ساحات علوم، ادبیات و هنر است. با وجود آمدن این دورۀ تاریخی، قرون وسطی به پایان میرسد و جامعۀ اروپایی و در کل جامعۀ بشری شامل یک دورۀ جدید تاریخی بنام قرون جدیده میگردد. تحولات عقلانی و بینش فکری ایراکه در این دوره به میان آمده است بنام رنسانس یاد کرده اند.



کلمۀ رنسانس که در زبان انگلیسی به کسر «را» (رنسانس Renew cenee) آمده است معنی تجدید، تجدد، احیاء و رجوع به زنده گی، اعاده، بازگشت، نیروی جوانی، تازگی، طراوت زنده گی، نوزایی، تولد دوباره و غیره بیان گردیده است، اما از لحاظ تاریخی رنسانس تقریباً سه قرن (۱۳۵۰–۱۶۳۹م) را در برگرفته. به مفهوم تجدید حیات علم و ادب بشری بکار برده شده است، در این دوره دانشمندان اروپاء به تمدن قدیم یونان و روم مراجعه کرده علوم عهد باستان را مورد مطالعه قرار دادند. مطالعه دربارۀ علوم یونان و روم به مفهوم تجدید حیات علوم و ادب بشری نامیده شد.

دورۀ رنسانس یعنی تجدید مطالعۀ بخشهای مختلف زنده گی بشری مانند معماری، حجاری، مجسمه سازی، نقاشی، موسیقی، ادبیات، فلسفه، علوم، تعلیم و تربیه را در بر میگرفت و اخلاق و ادب و تفکر جدید را در اروپا رواج می داد، باید خاطر نشان کرد که دانشمندان، دورۀ رنسانس را دور، تجدد علوم، هنر، ادبیات و غیره دانستند اما این بدان معنی نیست که در ادوار گذشته قبل از رنسانس یعنی قرون وسطی که آنرا دورۀ تاریک نیز خوانده اند، صنایع، ادب و دیگر علوم کاملاً از بین رفته و در عصر رنسانس ناگهانی و به یکباره گی شکل گرفته باشد، بلکه رنسانس نیز مانند سایر پدیده های اجتماعی و بشری بدون ارتباط به گذشته و بدون علل به میان نیامده است.

علل پیدایش رنسانس



پیدایش رنسانس نیز مانند پیدایش سایر پدیده ها و حوادث تاریخی از خود عواملی داشته است، که ما می توانیم به توضیح و تشریح این عوامل بپردازیم، در پیدایش رنسانس، که بار اول در ایتالیا به میان آمد، سه عامل اساسی نقش داشت:

۱. رشد و گسترش مناسبات شهری.
۲. دانش قبلی فکری و فرهنگی.
۳. تنوع نظام های سیاسی در شهرهای ایتالیا.

الف: رشد و گسترش مناسبات شهری

رشد شهرها و احیای تجارت و تماس بین شرق و غرب در طول جنگهای صلیبی از مهمترین عوامل رشد شهرها و پیشرفت و انکشاف و توسعۀ رنسانس از نظر اجتماعی و اقتصادی بود، چرا که زمینه های اقتصادی و اجتماعی رنسانس در اروپا، فرهنگ متفاوتی با فرهنگ قرون وسطی ای داشت. این فرهنگ که شهرها حامل آن بودند. فرهنگ طبقۀ متوسط شهری و یا بورژوازی بود. در پاسخ این سوال که چه عواملی سبب شد، تا در میانه قرون وسطی شاهد اقتصاد شهری در اروپا باشیم. باید گفت که این موضوع به دو عنصر وابسطه است، اول مسئله تجارت با شرق و دوم تغیر و تحول در انواع اشتغالات و پیدایش حرفه ها و پیشه های جدید و جدائی آن از زراعت در مورد نخست باید گفت هر چند که تجارت در دنیای قدیم و جود داشت ولی با سقوط امپراتوری روم غربی و تهاجم جرمن ها به اروپا شهر های اروپائی رو به پیشرفت نهادند، اما عوامل اصلی انکشاف شهر ها در اروپا از قرن یازدهم میلادی به بعد به مسئله تجارت با شرق مدیترانه را دربر میگیرد و این خود سبب احیای اقتصاد اروپا شد.

برخی مورخان به این باورند که عامل اصلی رشد اقتصادی شهری در اروپا همین مسئله تجارت خارجی بود و عامل دیگری این رشد عامل داخلی میباشد و آن جدائی پیشه های شهری از پیشه های روستاها میباشد .

ب: گذشته فکری و فرهنگی

در سرزمین اروپا خاصتا ایتالیا که گهواره قدرت سیاسی و فرهنگی امپراتوری روم بود و دست آورد های زیادی دارد و در این سرزمین به مشاهده رسیده است رومی ها پیشرفت های زیادی در امور ساختمانی، ساخت وسایل جنگی، ایجاد قوانین متعدد و در نهایت نظام های شهری داشتند.

مردم ایتالیا میدانستند که در گذشته تمدن درخشانی داشته اندو مردمان شمال اروپا فاقد این تمدن بودند انها در گذشته دارای نظام های جمهوری پیشرفته بودند و فعلا با مطالعه زبان و ادبیات لاتین و برگشت به فرهنگ و تمدن گذشته پلی بین تمدن قدیم و عصر جدید گردند البته در این مورد سرزمین ایتالیا از هر جهت توانست پیشگام گردد. و برای نخست در همین جا بود که تغیرات و تحولات به وجود آمد و علم بردار رنسانس گردید.

ج: تنوع نظام های سیاسی در شهر های ایتالیا

اگر رشد شهرها که متناسب با فرهنگ بورژوازی بود، دلیل عام برای شناخت رنسانس باشد باید گفت که: در کشور های دیگر اروپایی چون فرانسه، آلمان و انگلستان نیز شهر های وجود داشتند که پدیده رنسانس میتوانست در آنجا بروز کند، در حالیکه این پدید برای بار اول در ایتالیا رخ داد. بنابرآن گفته میتوانیم که سرزمین ایتالیا از قدیم دارای شهر ها بود و در دوره قرون وسطی نیز شهر های جدید در آن شکل گرفتند که متفاوت با ساختار شهر های قدیمی بودند و این منحیث دلیل محکمی برای بوجود آمدن رنسانس در آنها گردید.



در کشورهای دیگری اروپایی مانند فرانسه و انگلستان شهر ها مربوط اداره مرکز دولت ها بودند اما این موضوع در ایتالیا بگونه دیگری بود و آن این که شهر ها را پادشاهان یا پاپ ها و یا اشراف زمیندار اداره نمیکردند، بلکه هر شهر با حمایت خاصی از طرف یک خانواده و افرادش اداره میشد به این ترتیب زمینه برای ایجاد نظام های شهری به شکل دولت یونانی و رومی بوجود آمد، هر یک از این شهر استقلال خود شان را داشتند و هر کدام به شیوه جدا گانه اداره میشدند.

موقعیت برتر ایتالیا در بحیره مدیترانه موجب رشد مناسبات پولی در این شهر ها گردید و همین رشد اقتصادی شهر ها بود که پشتوانه اقتصادی رنسانس را تشکیل داد باینترتیب پولی که صرف آثار هنرمندان، حجاران، پیکر تراشان و غیره میشد ناشی از همان در آمد های سرشار تجارتی بود.

پس بر محور عوامل فوق میتوان چنین قضاوت کرد که رنسانس در ایتالیا زاده شده و به وجود آمده و بعداً به دیگر کشور های اروپایی انتقال نموده است.





جغرافیه صنف هفتم

تهیه کننده: شوونیار فضل الرحمن فضلی

مقدمه

علم جغرافیا از لحاظ نظری و تیوریکی علم فضا شناسی است و از لحاظ عملی و کاربردی علم فضا سازی است. علم جغرافیا که به کسب حقایق و معلومات پیرامون سطح زمین و ارتباط آن با انسان می پردازد، تاریخ قدیمی دارد. مدت ها قبل از ایجاد خط و ظهور آثار کتبی در ساختمان های محلی و منطقوی سطح زمین مورد توجه انسانها قرار داشت. و به اساس آن معلومات مفیدی را در بارهٔ محل سکونت خویش کسب و اختلاف آنرا با نقاط دیگر درک میکردند.

منظور اصلی از مطالعهٔ جغرافیا عبارت از شناسایی و معرفت درست از جهانی است که ما درآن زیست داریم، البته بسیاری از موضاعات دیگر علاوه برجغرافیه به این منظور کمک میکند. و در حقیقت اغلب دروس مدارس به نحوی از انحا با این منظور تدارک شده که معلومات محصلان را در باره طبیعت و جهان پیرامون ما ارتقاء دهد. اما خاصیت هائیکه جغرافیه را اغلب علوم دیگر متمایز میسازد اینست که در این علم تمامی توجه به بررسی و تغییر نواحی مخصوص جهان و مسایل و معلومات مربوط به آن اعم از فعالیت های انسانی متمرکز میگردد.

پدیده های جغرافیایی، زاییدهٔ سمای خصیصه های فرهنگ انسانی و متأثر از سمای عوامل و شرایط محیط طبیعی است. اساس علم جغرافیا را پیوند و وابستگی میان ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه یا مکان زنده گی که آثار وتلاشهای انسانی در آن زمینهٔ مساعد مییابند، تشکیل میدهد. فلسفهٔ جغرافیا از مهمترین قوانین حاکم بر روابط انسان و محیط بحث میکند. فلسفهٔ جغرافیا عبارت از جهان بینی خاص از روابط جوامع انسانی و شرایط محیطی، پیوند واقعیت پدیده ها با یکدیگر در جهت آشنایی یا وحدت و تجانس ناحیه ی، اصول و قوانین حاکم بر روابط انسان و محیط است.

در این مواد آموزشی در بارهٔ مبادری علم جغرافیه و قاره های آسیا، اروپا و امریکا معلومات ارایه گردیده است تا معلمین محترم با استفاده از این مواد با اساسات علم جغرافیه و موقعیت های جغرافیایی قاره های آسیا، اروپا و امریکا با مهمترین موضوعات جغرافیایی آشنایی بیشتر حاصل نموده و از آنها به حیث دانش ممد علمی در تدریس خود استفاه به عمل آورد

همچنان علم تاریخ انسان رادرمراحل مختلف زندگی با اوضاع سیاسی ،اقتصادی واجتماعی جوامع بشری آشنا میسازد .ازین رو ،تاریخ علم مطالعه سرگذشت زندگی انسان ها درقیدزمان ومکان معین است پس مورخ رالازم است تا بابی طرفی کامل ورعایت عدالت ،حقایق رویداد ها ووقایع تاریخی را جستجو نماید،وبا تحلیل علمی ومنطقی خوبی ها وبدی ها را مشخص وارایه بدارد. مطالعه تاریخ گذشته جوامع بشری ازاهمیت زیاد برخوردار است چراکه گذشته بشریت بازندگی حال وآینده ارتباط ناگسستنی دارند وازتجارب آنها برای حال وآینده استفاده می آورند. پس بی مورد نیست که تاریخ را کتاب بزرگ عبرت ها بنامیم .انسان ازبدو پیدایش دردرازنای تاریخ همیشه درتکاپوی دست آوردجدید وتازه بوده واین خود سبب پیشرفت وانکشاف جوامع بشری گردیده وفراهم آوری مطالب ارزنده را که نیازمندی های بشربوده باسپری نمودن فراز ها ونشیب های سیرتکامل جوامع بشری بمیان آورده است .قید وثبت نموده ودرمعرض داوری وقضاوت نسل های آینده قرارمیدهد .

به اثر نیاز سنجی معلمین رشته تاریخ محتویات : مبادی علم تاریخ ، تقسیم بندی علم تاریخ ،سنه گذاری وتبدیل سنوات ،مدنیت های قدیم آسیائی واروپائی منحیث نمونه مورد بحث قرار گرفته که مطالعه آن برای علاقمندان علم تاریخ خاصتا معلمان محترم ضروری پنداشته میشود

جلسه اول

موضوع: آیا زمین شکل کروی دارد؟، خط استوا، مناطق اقلیمی و منطقهٔ مدارین

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- شکل کرهٔ زمین را شناخته و خصوصیات آنرا بیان کرده بتوانند.
- کرهٔ زمین را از لحاظ ساختمان در نقشه و مُدل کرهٔ زمین مشخص کرده بتوانند.
- خط استوا را شناسائی کرده و مشخصات آنرا عملاً نشان داده بتوانند.
- خطوط فرضی سرطان و جدی را با درجات آن بروی مُدل یا نقشه مشخص و توضیح نمایند.
- مناطق اقلیمی را بروی نقشه و مُدل کرهٔ زمین تثبیت کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مُدل کرهٔ زمین، نقشه های طبیعی جهان و مارکر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت خطوط فرضی (خط استوا، مدار سرطان، مدار جدی) ترسیم نماید.
- در فلیپ چارت مناطق اقلیمی را ترسیم نماید.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت، اهداف و موضوعات را بالای تخته نصب نماید و از یک یا دو تن شاملان خواسته شود تا از روی چارت بخوانند و یک تن دیگر موضوع را واضح نماید و بعداً مربی نظریات خود را در اخیر جلسه بیان نماید.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی چارت سفید را روی تخته نصب نموده نظریات شاملان را بروی آن تحریر نماید و یک تن از شاملان را به صفت محرر تعین نماید و سوال ذیل مطرح شود: آیا زمین چه شکل دارد؟
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: انفرادی ۱۰ دقیقه مطالعهٔ خاموشانه به تعقیب آن جر و بحث ۱۵ دقیقه جمعاً ۲۵ دقیقه مربی به شاملان هدایت میدهد که از صفحهٔ ۵-۱۰ جغرافیه صنف هفتم را بطور خاموشانه مطالعه کرده و در اخیر مطالعه به سوالات ذیل پاسخ دهید. سوالات: - در مورد قطر استوائی و قطر قطبی چه میدانید؟

	– بلندترین ساحه زمین در کجا و چه نام دارد؟ – عمیق ترین قسمت زمین در کجا و چه نام دارد؟ – کرۀ زمین توسط کدام مدار فرضی بدو نیم کره های مساوی تقسیم شده؟ – خط فرضی سرطان چند درجه و در کدام نیم کره مؤقعیت دارد؟ – مناطق اقلیمی کرۀ زمین را نام بگیرید؟
۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: توضیحی مربی موضوع درس را توضیح نماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت پنجم: کار گروپی مربی مشمولین را به طور گروپی تقسیم نموده و سؤالات هر گروپ را قبلاً در کاغذ A۴ تحریر کرده و در اختیار شاملان قرار بدهد. در اخیر نماینده هر گروپ موضوع خود را ارائه نماید. گروپ اول: کرۀ زمین را رسم و در آن قطر استوائی و قطبی، مرتفع ترین و عمیق ترین نقاط را تثبیت نمایند؟ گروپ دوم: کرۀ زمین را رسم در آن خطوط فرضی استوا، سرطان و جدی را نشان دهند؟ گروپ سوم: نقشه مسطح جهان را ترسیم و در آن خطوط فرضی مدارین را مشخص نماید؟ گروپ چهارم: کرۀ زمین را رسم در آن مناطق اقلیمی را مشخص نمائید؟
۵ دقیقه	خلاصه: – اهداف آموزشی جلسۀ ما چی بود؟ – اندازۀ تفاوت بین قطر استوائی و قطر قطبی چقدر است؟ – شعاع آفتاب در کدام ایام سال بالای خط استوا عمود می تابد؟ – چگونگی فصول را در دو نیم کره ها واضح سازید؟ – مناطق اقلیمی کرۀ زمین را با درجات تعیین شدۀ فرضی بیان کنید؟

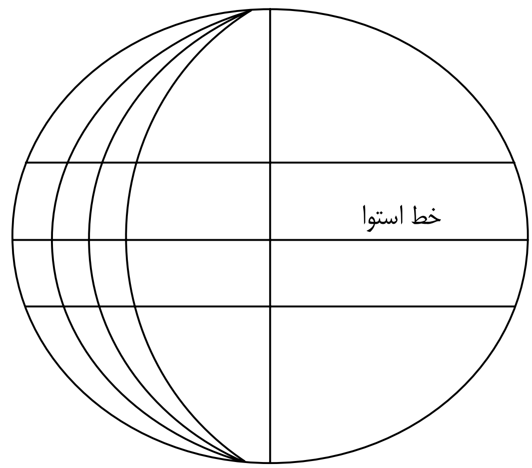
آیا زمین شکل کروی دارد؟



زمین یکی از سیارات نظام شمس است که تقریباً شکل کروی را دارا می باشد. به اساس مطالعات دقیق که صورت گرفته است قطب های زمین اندکی فرورفتگی داشته و در حصه استوا قدری بر آمده گی دارد. به این اساس زمین شکل یک کره مکمل را نداشته بلکه آنرا به شکل کرۀ نا منظم تعریف میکند. بناً قطر استوایی آن نظر به قطر قطبی قدری طویلتر می باشد.

کره زمین از لحاظ ساختمان دارای برجسته گی ها و فرورفتگی هاو صحرا ها و همچنین دارای دریا های خروشان، جهیلها، بحیره ها و ابحار میباشد. بلند ترین ساحه زمین را قله ایورست تشکیل میدهد که در کوه های هیمالیا براعظم آسیا در شمال هند موقعیت داشته و ۸۸۴۸ متر از سطح بحر بلندی دارد.

عمیق ترین قسمت زمین در بحر الکاهل جنوب شرق چین واقع است که ۱۱۰۳۶ متر از سطح بحر پائین افتاده است و بنام گودال ماریانا یاد میشود.



خط استوا:

دایرۀ فرضی بزرگی است که کرۀ زمین را به دو حصۀ مساوی تقسیم می کند و به دوایر طول البلد و محور زمین عمود می باشد حصه شمالی استوا را بنام نیمکرۀ شمالی و حصۀ حنوبی آنرا نیمکرۀ جنوبی یاد میکنند.

خط سرطان:

از اول حمل به بعد شعاع آفتاب آهسته آهسته به استقامت عرض البلد های شمالی عمود تابیده تا آنکه در اول سرطان بالای عرض البلد $23\frac{1}{2}$ درجه شمالی عمود واقع میشود.

از این سبب این عرض البلد را بنام دایره سرطان یا (Tropict of Cancer) یاد میکنند، در این وقت فصل تابستان نمیکرۀ شمالی واقع انقلاب شمسی تابستان می باشد.

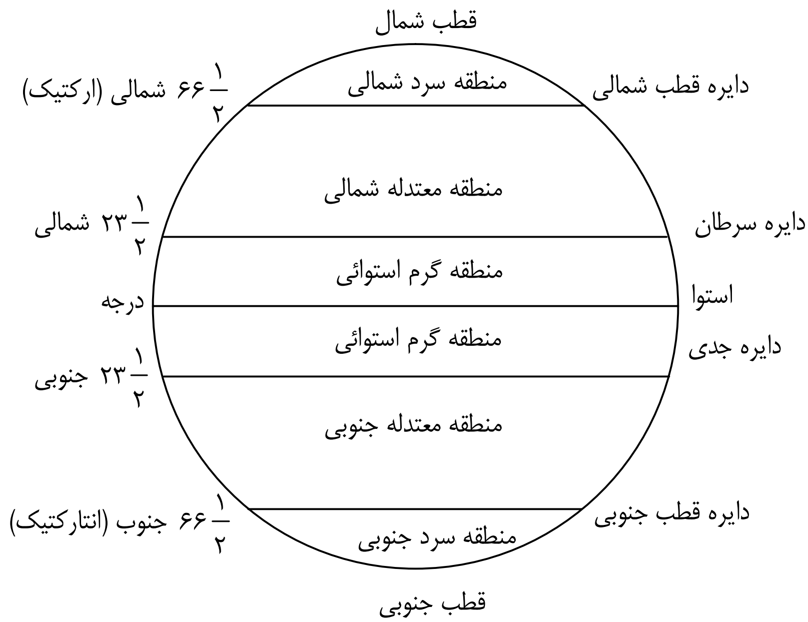
خط جدی:

بعد از اول میزان شعاع آفتاب به استقامت جنوب دائره استوا عمود می تابد تا وقتی که در اول جدی بالای عرض البلد $23\frac{1}{2}$ درجه جنوبی عمود واقع میشود. از این سبب این دایره عرض البلد را بنام دایره جدی (Tropic of Capricorn) یاد میکنند و تابستان نمیکره جنوبی میباشد.

بعد از اول جدی شعاع آفتاب دوباره جانب استوا حرکت کرده، باگذشت سه ماه دیگر یعنی در اول حمل بالای خط استوا عمود می تابد.

منطقه مدارین:

بالای خط جدی و خط سرطان شعاع آفتاب یک یک بار و بالای دیگر عرض البلد ها که بین دایره سرطان و جدی واقع اند دوباره شعاع آفتاب عمود می تابد. بنابر آن این منطقه را بنام منطقه مدارین استوائی یاد میکنند. که دارای هوای بسیار گرم و مرطوب بوده بارنده گی زیاد دارد.



منطقه معتدله:

بین عرض البلد $۲۳\frac{۱}{۲}$ درجه و $۶۶\frac{۱}{۲}$ درجه در نیم کره شمالی و جنوبی موقعیت دارد که آب و هوای آن معتدله است.

منطقه سرد و بارده:

بین عرض البلد های $۶۶\frac{۱}{۲}$ درجه و ۹۰ درجه در هر دو نیم کره واقع شده هوا اضافه تر سرد بوده منطقه بارده و یخچالی را تشکیل میدهد.

برای افزایش معلومات مربی:

زمین:

زمین یکی از سیاره های مهم، بسیار زیبا و متوسط نظام شمس است ازنظر فاصله از آفتاب، سیارهٔ سوم و از نظر حجم سیارهٔ پنجم در نظام شمس میباشد. فاصله زمین از مرکز نظام شمسی (آفتاب) در حدود (۱۴۹۵۰۰۰۰۰) کیلو متر است و زمین یگانه سیارهٔ نظام شمسی است که زندگی را می پذیرد، حالانکه بعضی از سیاره های دیگر نظام شمسی دارای اتموسفیر و آب است اما زندگی را نمی پذیرد.

زمین بطور مطلق مدور نیست، بلکه اندکی بیضوی است، یعنی قطر استوای زمین ۱۲۷۵۴ کیلو متر و قطر قطبی ۱۲۷۳۳ کیلو متر است. از این فاصله بطور کل خیلی ها اندک است زمین از مهتاب و فضای دور کاملاً مدور معلوم میشود.

زمین در حدود یک میلون و سه صد هزار از (۱۳۰۰۰۰۰) مرتبه کوچکتر از آفتاب است، یعنی آفتاب در داخل خود گنجایش بیشتر از یک میلون زمین را دارد شعاع زمین در حدود (۶۳۷۵) کیلو متر بوده محیط زمین در حدود (۴۰۰۷۱) کیلو متر میباشد اگر هوا پیمائی از کابل بطرف غرب حرکت کند، بعد از طی (۴۰۰۷۱) کیلو متر دوباره از سمت شرق به کابل خواهد رسید، زیرا شکل زمین کروی است.

خطوط دایروی عرض البلد:

این خطوط به طرف شرق و غرب به شکل موازی واقع گردیده که ۹۰ درجه آن بطرف نیم کره بالایی (شمال) و ۹۰ درجه آن بطرف نیم کره پائینی (جنوب) واقع است.

به کمک خطوط عرض البد در مورد اقلیم یک منطقه معلومات حاصل کرده می توانیم از جمله خطوط عرض البلد سه خط آن بسیار مهم است.

۱- خط که از قسمت وسط کره زمین می گذرد، یعنی خط استوا یک خط فرضی است که زمین را بدو حصهٔ مساوی و به دو نیم کرهٔ شمالی و جنوبی تقسیم می نماید و از کمر زمین این خط تیر شده است.
۲- خط سرطان که بطرف شمال خط استوا در ۲۳,۵ درجه واقع است.
۳- خط جدی که بطرف جنوب خط استوا در ۲۳,۵ درجه واقع گردیده است.
۴- موقعیت های انتهائی طلوع آفتاب با کره زمین در طول سال بالای خطوط سرطان و جدی تعیین میگردد.

استادان محترم: در کدام تاریخ سال، شب ها دراز و روز ها کوتاه میگردد؟

دراز ترین روز و دراز ترین شب در طول سال کدام است؟ شب و روز در طول سال چه وقت باهم برابر میگردد؟ میدانید که همه این وقایع به چه ارتباط دارد؟

میدانیم که موقعیت طلوع آفتاب در طول سال تغییر میکند. کوتاهی و درازی شب و روز به همین ارتباط دارد و سردی و گرمی فصول سال نظر به موقعیت طلوع آفتاب فرق میکند. تاریخ اول ماه های حمل و میزان شب و روز با هم برابر است. بخاطر که در این روز آفتاب بالای خط استوا عمود می تابد و از مناطق مرکزی زمین می گذرد. اول ماه جدی آفتاب از موقعیت انتهای جنوب خود آهسته آهسته بطرف استوا می آید و بالاخره جوزا به خط سرطان میرسد و در اول سرطان دوباره بطرف استوا میل میکند در مناطق که شعاع آفتاب عمود می تابد در آنجا گرمی زیاد میباشد و در مناطق که شعاع آفتاب مایل می تابد در آنجا هوا سرد است.

وقتی که آفتاب بالای خط جدی می تابد در نیم کره جنوبی تابستان می باشد و برعکس در نیم کره شمالی زمستان میباشد. ساحاتی که بین خطوط سرطان و جدی موقعیت دارد ساحات گرم میباشد، زیرا شعاع آفتاب در این مناطق تقریباً عمود می تابد.

- منطقهٔ استوائی بین درجات ۲۳,۵ درجه نیم کرهٔ شمالی و نیم کرهٔ جنوبی را بنام مناطق گرم یاد میکنند.
- مناطق بین درجات ۲۳,۵ و ۴۳,۵ درجه نیم کرهٔ شمالی و نیم کرهٔ جنوبی را بنام مناطق معتدله یاد میکنند.
- مناطق بین درجات ۴۳,۵ و ۶۶,۵ درجه در نیم کرهٔ شمالی و نیم کرهٔ جنوبی را بنام مناطق سرد یاد میکنند.
- مناطق بین درجات ۶۶,۵ و ۹۰ درجه در نیم کرهٔ شمالی و نیم کرهٔ جنوبی را بنام مناطق قطبی و یخ بسته یاد میشود.

خلاصه این که توسط خطوط عرض البلد موقعیت ممالک و تعیین مناطق گرم و سرد تهیهٔ نقشه ها صورت می گیرد. فاصله میان دوایر عرض البلد تقریباً مساوی است و به هر اندازه که بطرف قطب شمال و جنوب نزدیک مشویم قطر دوایر خورد میگردد و در قطبین ختم میشود. برزگترین این دوایر خط استوا است و از کمر زمین دور خورده است که کرهٔ زمین را به دو بخش تقسیم میکند.

جلسه دوم

موضوع: حرکت وضعیی زمین و نتایج آن

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- حرکت وضعیی زمین را فهمیده، توسط مُدل کرۀ زمین نمایش داده بتوانند.
- در مدت یک شبانه روز چند درجۀ طول البلد از مقابل شعاع آفتاب میگذرد بیان کنند.
- نتایج حرکت وضعیی زمین را توضیح نمایند.
- تفاوت وقت بین افغانستان و کشور های جهان را با موقعیت های جغرافیائی شان شرح داده بتوانند.
- مقدم بودن و تأخیر بودن وقت را در موقعیت های جغرافیائی تفکیک کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- مُدل کرۀ زمین نقشه های سیاسی جهان یا گیتی شناسی چارت، مارکر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- مواد ضرورت را آماده سازد.
- آمادگی قبلی جهت پیشبرد جلسه داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت اهداف و موضوعات را بالای تخته نصب نماید و از دو تن شاملان خواسته شود که یکی چارت را بخواند و نفر دیگر توضیح دهد و در اخیر خود مربی اهداف را توضیح دهد.
۲۰ دقیقه	فعالیت دوم: جورۀ ئی مربی هدایت میدهد، تمام شاملان به شکل جورۀ متن و محتوای درس را خاموشانه مطالعه کرده و بعداً در مورد باهم جروبحث نمایند، در اخیر به سوالهای مربی پاسخ ارائه نمایند. سوالات: - حرکات زمین را نام بگیرید؟ - حرکت وضعیی زمین چه نوع حرکت است؟ - دایره های آرکتیک و انتار کتیک در کدام حصۀ زمین واقع است؟ - دایرۀ سرطان چه اهمیت دارد؟ - اعتدال بهاری چیست؟ - روز های شش ماه در نیمکرۀ شمال چه وقت بوجود می آید؟ - انقلاب شمسی تابستانی و زمستانی چه وقت صورت میگردد؟

۲۰ دقیقه	فعالیت سوم: توضیحی مربی موضوع درس را شرح و تفاوت وقت افغانستان را با چند کشور جهان که در موقعیت جغرافیائی طول البلد های شرقی و غربی واقع بوده با مثال توضیح نماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: کار گروپی مربی صنف را به گروپهای مناسب تقسیم نموده برای هر گروپ فلیپ چارت، نقشه یا مُدل کرهٔ زمین و پارچه طرح سوالات توذیع گردد و در صورت ضرورت مربی با اعضای گروپ ها همکاری نماید برای گروپ ها وقت را تعیین کرده، سرگروپ، محرر و ناظر بوقت نیز تعیین شود. در اخیر نمایندهٔ هر گروپ موضوع خود را ارائه مینماید. موضوع هر گروپ قبلاً در ورق A۴ تحریر شده و به گروپ ها توذیع گردد. گروپ اول: اگر در شهر کابل ساعت ۸ بجه باشد در شهر مکهٔ معظمه ساعت چند بجه خواهد بود. در صورتیکه کابل در °۶۹ درجه طول البلد شرقی و شهر مکه در °۴۰ درجه طول البد شرقی موقعیت دارد. گروپ دوم: اگر در شهر کابل ساعت ۱۰ بجهٔ قبل از ظهر است در شهر داکا ساعت چند خواهد بود؟ در صورتیکه کابل در °۶۹ درجه طول البلد شرقی و شهر داکا در °۹۰ درجهٔ طول البلد شرقی موقیعت دارد. گروپ سوم: اگر در شهر کابل ساعت ۲ بجه ظهر باشد در شهر لندن ساعت چند بجه خواهد بود؟ در صورتیکه کابل در °۶۹ درجهٔ طول البلد شرقی و شهر لندن : صفر درجهٔ طول البد موقعیت دارد گروپ چهارم: اگر در شهر کابل ۱۰ بجه صبح باشد در شهر نیویوراک ساعت چند بجه خواهد بود؟ در صورتیکه شهر کابل در °۶۹ درجهٔ طول البلد شرقی نیویورک در °۷۴ درجهٔ طول البلد غربی موقعیت دارد.
۱۰ دقیقه	فعالیت پنجم: کار گروپی مربی هدایت میدهد: یک تن مشمول در مورد تفاوت وقت بین موقعیت های جغرافیائی نظر به درجات در نقشه یا مُدل کرهٔ زمین سؤال کرده و مشمول دیگری حاضر میشود در مقابل، آنرا حل کند.
۵ دقیقه	خلاصه: – خط فرضی صفر درجه طول البلد ها چه مفهوم دارد؟ – در کدام وقت شعاع آفتاب بالای دایره سرطان عمود می تابد؟ – در کدام ایام سال شعاع آفتاب بالای دایره استوا عمود میتابد؟ – دراول سرطان شعاع آفتاب از عقب دایرهٔ آرکتیک تماس میکند وچه حالتی رخ میدهد؟

حرکت وضعیی زمین و نتایج آن:

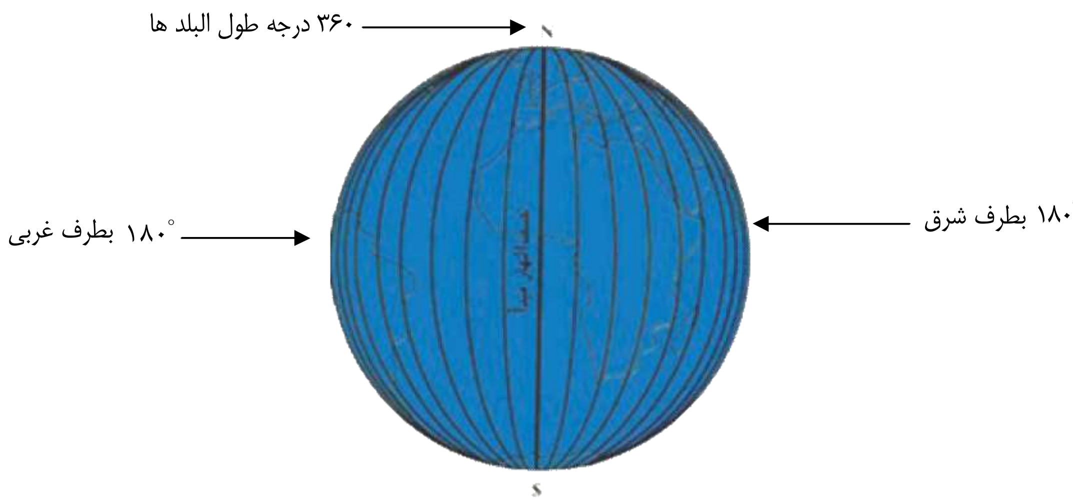
زمین دو نوع حرکت مهم دارد. حرکت وضعی و حرکت انتقالی زمین در مدت ۲۴ ساعت به دور محور خود می چرخد و یک دور کامل را تکمیل میکند، که این حرکت بنام حرکت وضعی زمین یاد میشود. از نتائج حرکت وضعی زمین بوجود آمدن شب و روز است. آفتاب همیشه در یک طول البلد در حالت طلوع و به جهت مخالف آن در یک طول البلد در حالت غروب می باشد بنابر این در تمام طول البلد ها شب و روز هم واقع میشود. کرهٔ زمین که شامل ۳۶۰ درجهٔ طول

البلد است، در مدت ۲۴ ساعت از مقابل شعاع آفتاب عبور میکند بنا بر این در مدت یک ساعت ۱۵ درجه طول البلد از مقابل شعاع آفتاب می گذرد.

(طول البلد) ۱۵ = ۲۴ ÷ ۳۶۰ **:**

یک درجه طول البلد در مدت ۴ دقیقه شعاع آفتاب می گذرد. ۴ = °۱۵ ÷ ۶۰ نخست طول البلد های شرقی از مقابل شعاع آفتاب می گذرد و بعد به تعقیب آن طول البلد های غربی از مقابل شعاع آفتاب می گذرد. بنابر این وقت طول البلد های شرقی ناوقت تر از طول البلد های غربی میباشد. مثلاً اگر در شهر کابل ساعت ۱۰ بجه قبل از ظهر است آیا در شهر داکا ساعت چند خواهد بود؟

در صورتیکه کابل در °۶۹ درجه طول البلد شرقی و شهر داکا در °۹۰درجه طول البلد شرقی موقیعت دارد.
۱,۴ = ۶۰ ÷ ۸۴ = ۴ × °۲۱ = °۶۹ − °۹۰ بناً تفاوت بین کابل و شهر داکا یک ساعت و چهار دقیقه است شهر کابل ۱۰ بجه و شهر داکا ۱۱,۴ است ۱۱,۴ = ۱,۴ + ۱۰پس ساعت داکا یاده بجه و چهار دقیقه می باشد.
در صورت پیدا نمودن وقت یک منطقه درجه طول البلد آن را از نقشه پیدا می کنیم. بعد تفاوت هر درجه را با شهر خود مقایسه می کنیم، چون هر درجه در چهار دقیقه از مقابل شعاع آفتاب می گزرد آن را ضرب ۴ دقیقه می کنیم به این صورت تفاوت بین دو منطقه پیدا میشود.



معلومات برای مربی:

حرکت محوری زمین:

زمین بدور محور خود میچرخه که در نتیجه شب و روز پیدا میشود. زمین حرکت محوری خود را در مدت ۲۳ ساعت ۵۶ دقیقه و ۴،۱ ثانیه طی میکند.

اگر صرف چندی قبل کسی ملگیفت که بدور زمین محور خود میچرخه و موجودیت شب و روز از حرکت محوری خود زمین است نه حرکت آفتاب، بطور حتمی مورد تمسخر قرار میگرفت، زیرا تا اوایل قرن هفده ام حتی ساینس دانان شب و روز را از حرکت آفتاب از شرق بغرب میدانستند. زمین را کاملاً ساکن تصور میکردند و عقیده بر آن که زمین مرکز

کائنات است و همه کائنات بشمول آفتاب و مهتاب بدور زمین در حرکت میباشد. دربارهٔ حرکت محوری و انتقالی زمین حتی تصوری در ذهن کسی خطور نمی کرد.

«خَلَقَ السّماواتِ وَ ألأَرْضَ بِالْحَقّ يُكَوِّرُ اللّيْلَ عَلَى النّهارِ وَ يُكَوِّرُ النّهارَ عَلَى اللّيْلِ» (سورهٔ الزمر) را به روز می پیماند روز را به شب.

در حقیقت در هر قسمت از زمین که ما قرار داریم این روز است که آفتاب را نمایان میکند و این شب است که آفتاب را می پوشاند. یعنی حرکت آفتاب باعث شب و روز نیست بلکه روز در مقابل آفتاب قرار میگیرد و شب روی میپیچاند از آفتاب (حرکت محوری).

حرکت محور زمین، آفتاب، مهتاب و تام پدیده های کائنات را حتی پدر جاذبه (نیوتن) هم نمی دانست حرکت محوری را انشتاین برای بار اول در جهان ساینس بطور علمی در سال ۱۹۱۲ میلادی معرفی نمود.



کره زمین و سمت حرکت وضعی از غرب به شرق

جلسه سوم

موضوع: حرکت انتقال زمین

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- حرکت انتقالی زمین را به دور آفتاب در مدار بیضوی عملاً نشان داده بتوانند.
- اعتدال بهاری، خزانی و نتائیج آنرا عملاً توسط مُدل کرۀ زمین بیان نمایند.
- نتائیج عمود تابیدن شعاع آفتاب بالای خط سرطان را ارائه کنند.
- رویداد که در اول جدی، شروع زمستان، شعاع آفتاب بالای دایرۀ جدی عمود باشد توضیح نمایند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مُدل کرۀ زمین، نقشه های مسطح، اطلس گیتی شناسی، مارکر و پنتر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف جلسه را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت مدار بیضوی و موقعیت های کرۀ زمین را در حالت انتقال زمین ترسیم نماید.
- آمادگی قبل داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت اهداف و موضوعات را بالای تخته نصب شاملان را دعوت به خواندن و توضیح کردن آن نماید و مربی در اخیر جلسه نظریات خود را بیان نماید.
۲۰ دقیقه	فعالیت دوم: نخست خاموشانه طور انفرادی محتوای درس را شاملان مطالعه میکند (۵ دقیقه). بعداً طور جوره ئی در تصویر که حرکت انتقالی زمین بدور آفتاب است تبصره و جروبحث مینمایند (۵ دقیقه). چند تن نظریات خود را در مورد بوجود آمدن فصل های سال در مقابل صنف ارائه میدارند (۱۰ دقیقه).
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: توضیحی مربی با سهمگیری فعالانۀ مشمولین متن و محتوای درس را توضیح و ارائه میدارد و همچنان حرکت انتقالی زمین را بدور آفتاب در فلیپ چارت که قبلاً ترسیم کرده و یا یک مدار بیضوی بالای تخته ترسیم کرده و مُدل کرۀ زمین را ازطرف راست بطرف چپ نمایش داده حالت های بوجود آمدن فصل ها را و ایجاد اعتدالین و انقلابین را عملاً برای مشمولین نشان دهد.
۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: کار گروپی شاملان به گروپهای مناسب تقسیم میگردند، تمام گروپ ها در فلیپ چارت کلان حرکت انتقالی زمین را بدور آفتاب رسم کرده و در آن فصول سال را نشان دهند.

	در اخیر نمایندهٔ هر گروپ در مقابل صنف موضوع کارکرد گروپ خود را بیان میدارد.
۲۵ دقیقه	فعالیت پنجم: سوال و جواب به شاملان صنف هدایت داده میشود که خود شان سوال مطرح کنند و دیگران پاسخ دهند.
۵ دقیقه	خلاصه: – اهداف جلسه ما چه بود؟ – آیا به اهداف تعیین شده نایل گردیدیم. – مربی موضوع درس را جمع بندی کرده بالای نکات کلیدی مرور مینماید.

حرکت انتقالی زمین:

حرکت انتقالی زمین به دور آفتاب صورت می گیرد و مدار آن بیضوی است. آفتاب دریکی از محراقهای بیضوی قرار دارد. از این سبب فاصله زمین از آفتاب ۱۴۷ ملیون کیلو متر و درو ترین فاصله آن ۱۵۲ میلون کیلو متر است.

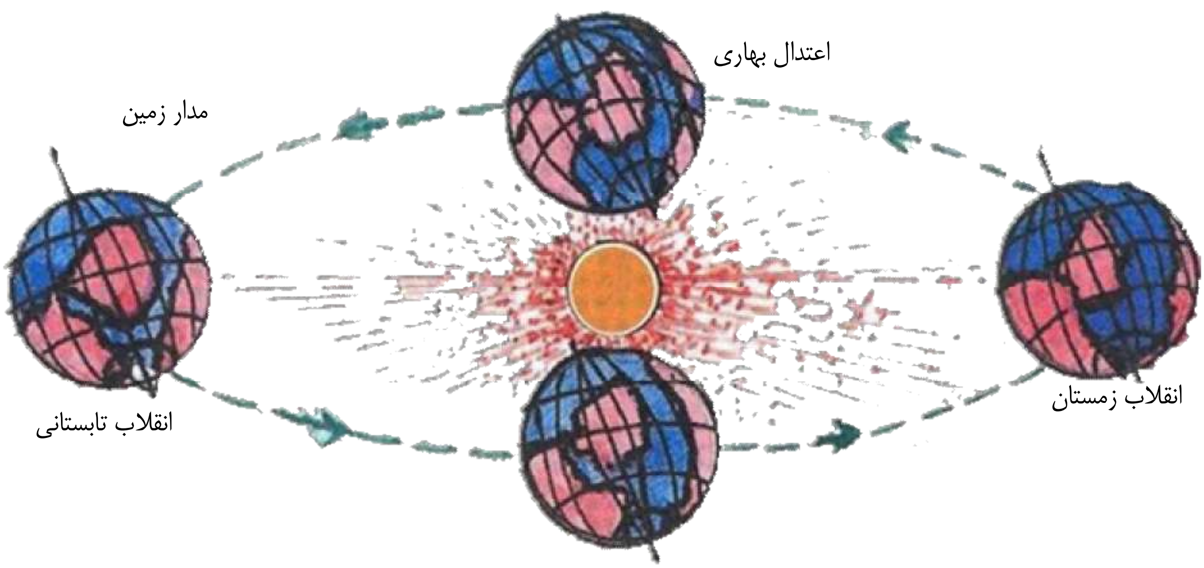
حرکت زمین در بالای مدار به سرعت ۳۰ کیلو متر فی ثانیه صورت می گیرد.
در فصل بهار، رشتهٔ آفتاب بالای خط استوا عمود است و آن هم در اول حمل.
در اول سرطان، شروع فصل تابستان، شعاع آفتاب بالای دایره سرطان عمود می تابد.
در اول میزان، شروع فصل خزان، شعاع آفتاب بالای دایره استوا عمود می باشد.
در اول جدی، شروع فصل زمستان، شعاع آفتاب بالای دایره جدی عمود می باشد.

از جانب دیگر در اول سرطان شعاع آفتاب از عقب دایره آرکتیک ($۶۶\frac{۱}{۲}$ درجه غرض البلد) شمالی مماس می گزرد و قطب شمال تماماً تحت اشعه آفتاب قرار میگردد. اما در قطب جنوب اشعه آفتاب نا پدید میشود. بنابر آن در قطب شمال روز های شش ماه و در قطب جنوب شب ها شش ماه رخ میدهد.

بر خلاف در اول جدی شعاع آفتاب از عقب دایره انتارکتیک ($۶۶\frac{۱}{۲}$ درجه عرض البلد) جنوبی مماس گذشته قطب جنوب تماماً توسط اشعه آفتاب روشن میگردد و روز های شش ماه در قطب جنوب رونما میشود، که این وضع بر خلاف قطب شمال می باشد.

اول حمل را اعتدال بهار و اول میزان را اعتدال خزان گویند.
اول سرطان را انقلاب شمسی تابستان و اول جدی انقلاب شمسی زمستان می نامند.

رفت و برگشت شعاع آفتاب جانب خط سرطان وخط جدی در دوازده ماه تکمیل میگردد و در عرض البلد های متوسطه چهار فصل (بهار، تابستان، خزان و زمستان) به وضاحت دیده میشود.



شکل: حرکت انتقال زمین بدور آفتاب

معلومات بیشتر برای مربی:

حرکت سالانه (انتقالی) زمین:

برای فهمیدن اینکه چرا در فصلهای مختلف سال در ارتفاعات مختلف برافق قرار می گیرد، باید حرکت انتقالی (سالانه) زمین را به دور آفتاب بدانیم. زمین بدور آفتاب در مدت (۳۶۵) روز و ۶ ساعت یک بار دور میخورد. مدت دوران زمین بدور آفتاب به نام سال یاد میشود برای سهولت سال را (۳۶۵) روز حساب میکنند که همین سال رسمی قبول شده است. سال رسمی (۶) ساعت از سال شمسی کوتاه تر است. برای جبران این کمبود در هر چهار سال یک روز به سال رسمی اضافه می شود که این سال (۳۶۶) روزی را سال کبیسه مینامند. اگر معمولاً ماه فبروی (۲۸) روز باشد، پس در سال کبیه ماه فبروری (۲۹) روز را دربر میگرد. در اثر حرکت انتقالی زمین بدور آفتاب فصلهای سال تغییر میکند.

انقلاب تابستانی:

طوریکه در کره مصنوعی می بینید محور زمین میلان دارد. در اثر همین تمایل محور زمین در فصلهای مختلف، آفتاب گاهی نیمکرهٔ شمالی و گاهی نیمکرهٔ جنوبی را روشن میکند. برای انیکه اطمینان شما حاصل گردد شما، یک کرهٔ مصنوعی و چراغ را طوریکه در شکل نشان داده شده است، قرار دهید. زمین نسبت به آفتاب در (۲۲) جون (اول سرطان) در همین وضع قرار می گیرد.

کره را بدور محورش حرکت داده می بینیم که شعاع آفتاب بروی مناطق اطراف قطب جنوب (انتارکتیک تماماً نمی افتد. در این جا در همین لحظه، شب طولانی و سرد قطبی میباشد که در قطب جنوب شش ماه ادامه دارد، ولی در مناطق شمالی شب قطبی کوتاه شده میرود. مثلاً شبهای قطبی در (۸۰) درجهٔ عرض البلد جنوبی تقریباً (۱۲۷) روز و در ۷۰° درجه عرض البلد جنوبی (۶۰) روز ادامه می یابد. وقتیکه در (۲۲) جون بالای خط سرطان عمود می تابد $۶۶\frac{۱}{۲}$ درجه عرض البلد جنوبی آفتاب خیلی پائین می باشد. و همچنان در قسمت های شمالی آن شب های قطبی رخ نمی دهند.

دایره متذکره در کرۀ زمین بنام دایره قطب جنوب یاد میشود وقتیکه در قطب شب باشد، در قطب شمال و نواحی اطراف آن روز قطبی حکم فرماست و این عمل را با دور دادن کرۀ بدور محور آن مشاهده کرده می توانید. در این قطب آفتاب طی شش ماه غروب نمی کند. و همچنان در ۸۰ درجه عرض البلد شمالی تقریباً طبی (۱۲۷) روز و در ۷۰ درجه عرض البلد مذکور طی ۶ روز غروب نمی کند در $۶۶\frac{۱}{۲}$ درجه عرض البلد شمالی بتاریخ (۲۲) جون (اول سرطان) آفتاب در افق غروب نمی کند. این دایره به نام دایره قطب شمالی یاد میشود. در قسمت جنوبی دایره قطب در تابستان شب ها خیلی روشن میشوند که بنام شب های سفید معروف هستند.

درین وقت تمام نیم کره شمالی حرارت روشنی بیشتر را از آفتاب جذب می نمایند. در نواحی جنوبی قاره های یورشیا و امریکای شمالی آفتاب هنگام چاشت (نصف روز) در ارتقاع بلند قرار میگیرد. روز ها دراز و شب ها کوتاه میشوند گویا نیم کرۀ شمالی زمین بطرف آفتاب گشته است.

در دایرۀ ($۲۳,۵^{\circ}$) درجه عرض البلد شمالی آفتاب (۲۲) جون در نصف روز مستقیماً بالای سر قرار می گیرد. روز (۲۲) جون (اول سرطان) مصادف با انقلاب تابستانی است. در همین وقت در نیم کرۀ جنوبی آفتاب در ارتفاع بسیار پست واقع میگردد و زمستان میباشد.

اعتدال شب و روز در فصل خزان:

اعتدال شب و روز مساوی شدن شب و روز است این اعتدال در دو موقع سال، یعنی خزان و بهار صورت می گیرد. اعتدال خزان در (۲۳) سپتمبر (اول میزان) صورت می گیرد و در این وقت شب و روز مساوی میشود. بعد از سه ماه انقلاب تابستانی زمین به دور آفتاب وقتی انتقال می کند که شعاع آفتاب هم نیم کره شمالی کره جنوبی را یکسان روشن می سازد و در تمام کره زمین غیر از قطب ها روز و شب برابر میگردد و این را اعتدال خزانی می نامند.

انقلاب شمسی زمستانی:

بعد از سه ماه اعتدال خزانی، در (۲۲) دسمبر (اول ماه جدی) انقلاب شمسی زمستانی صورت میگیرد. درین وقت نمیکرۀ جنوبی بطرف آفتاب میگردد و در اینجا تابستان شروع میشود و در نیمکره شمالی زمستان رخ میدهد. درین وقت ساعت (۱۲) ظهر در عرض البلد ۲۳،۵ درجه آفتاب تنها بالای سر قرار می گیرد (عمود می تابد). دایره متذکره ترویپک جنوبی نام دارد.

اعتدال شب و روز فصل بهار:

بعد از سه ماه در (۲۱) ماه مارچ (اول حمل) در تمام کرۀ زمین روز و شب دوباره مساوی میشوند که همین را اعتدال بهاری میگویند.

بدین وسیله زمین در مدت (۳۶۰) روز و (۶) ساعت بدور آفتاب یک بار گردش میکند. در عین زمان میلان محور گردش زمین همیشه ثابت باقی می ماند و شعاع آفتاب گاهی نیم کره شمالی و گاهی نیم کره جنوبی را بیشتر روشن می نماید.

مناطق حرارتی:

مناطق مختلف کره زمین را آفتاب بیک اندازه گرم نمی سازد. منطقۀ دو طرف خط استوا معنی بین ترویپک های شمالی و جنوبی بیش از همه از شعاع آفتاب برخوردار است. طی تمام سال این جا گرمی مسلط بود، در همواریهای این جابرف نمی بارد. منطقه متذکره که از شمال الی جنوب بیش از (۵۰۰۰ کیلو متر) را دربر گرفته است، بنام منطقه گرم یاد

میشود. در قسمت های شمالی دایره قطب شمالی و جنوبی دایره قطب جنوب تمام سال سر ما مسلط بوده وطی تابستان کوتاه حتی برف و یخ آّب شده نمی تواند. آفتاب طی چندین ماه نمایان نمی شود. تابستان به پائین میرسد.

منطقه شمالی دایره قطب شمال بنام منطقه سرد شمالی و منطقه جنوبی دایره قطب جنوبی بنام منطقه سرد جنوب یاد میشود. بین دایره قطب شمال و تروپیک شمالی منطقه معتدله شمالی قرار دارد. در نیم کره جنوبی بین دایره قطب جنوب و تروپیک جنوبی منطقه معتدله جنوبی واقع است.

بدین وسیله در کره زمین پنج منطقه حرارتی وجود دارند. یعنی یک منطقه گرم، دو منطقه معتدله و دو منطقه سرد. باید در نظر داشت که سرحد مناطق حرارتی خطوط تروپیک و دایره های قطبی طور فرضی قبول شده است، زیرا حرارت اصلاً توسط یک سلسله علامات تعیین می گردد که قبل از همه به خصوصیت سطح محل ارتباط دارد.

جلسه چهارم

موضوع: موقعیت و حدود افغانستان

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- افغانستان در کدام قسمت آسیا و در کدام قسمت جهان موقعیت دارد بیان کنند.
- افغانستان در کدام نیم کره ها (از نگاه عرض و طول جغرافیائی) اخذ موقعیت کرده توضیح بتوانند.
- حدود اربعه افغانستان را عملاً در نقشه نشان داده بتوانند.
- افغانستان به خشکه محاط است و نزدیکترین فاصلهٔ آن به کدام بحیره و تقریباً چند کیلو متر است واضیح نمایند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه سیاسی جهان، مُدل کرهٔ زمین، نقشه سیاسی و اداری افغانستان، فلیپ چارت، مارکر و اطلس های گیتی شناسی.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در فلیپ چارت نقشه افغانستان را با تعیین موقعیت جغرافیائی توسط خطوط فرضی آن تثبیت و ترسیم نماید.
- در فلیپ چارت حدود اربعه و طول اعظمی و عرض اعظمی افغانستان را قبلاً تهیه نماید.
- آمادگی قبلی داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را بالای تخته نصب نماید و از شاملان تقاضا بعمل آورد تا موضوع را واضح و اهداف آنرا تحلیل نمایند و مربی پیرامون اهداف در اخیر جلسه نظریات خود را بیان میکند.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی شاملان را بکار جورهٔ معرفی میدارد و نقشه های سیاسی جهان، نقشه سیاسی افغانستان، مُدل کرهٔ زمین و اطلس های جغرافیائی را بدسترس شان قرار میدهد و هدایت میدهد: ۱۰ دقیقه. افغانستان را دریافت کنید که بین کدام خطوط فرضی عرض البلد ها، نیم کره ها، بکدام طرف خط استوا، بکدام طرف خط گرنیج لندن، در کدام قسمت براعظم آسیا، کشور های همجوار آن، فاصله افغانستان و بحیره عرب، مساحت آن چقدر است جروبحث کنند. - مربی بعداً شاملان را به مطالعه خودی طور خاموشانه دعوت میکند برای مدت (۵ دقیقه). - بعد از مطالعه خودی در موارد فوق که باهم جروبحث کرده بودند از همدیگر سوال به پرسند و پاسخ ارائه کنند مدت (۱۰ دقیقه).
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را عملاً توسط مُدل کرهٔ زمین، نقشه سیاسی جهان و نقشه سیاسی افغانستان تشریح و توضیح مینماید.

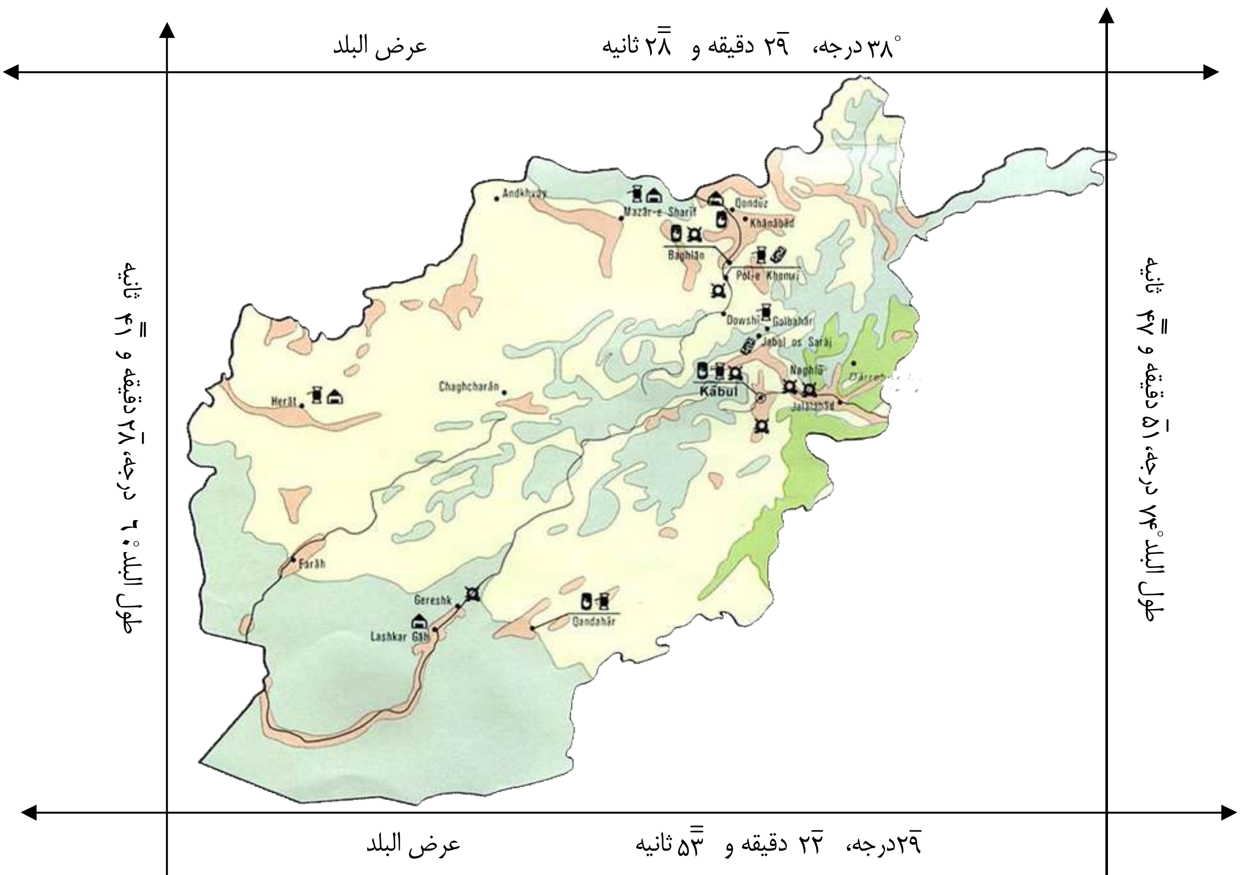
۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: توضیحی مربی مشمولین صنف را به گروپ های مناسب تقسیم بندی میکند و فلیپ چارت و مارکر بدسترس شان قرار میدهد و همه گروپ ها نقشه افغانستان را ترسیم کرده و در آن موقعیت جغرافیائی افغانستان را (که بین کدام درجارت) موقعیت داشته، تشبیت نمایند. و در ختم نمایندۀ هر گروپ در مقابل صنف اجراأت از کارکرد خود را بیان کند.
۲۵ دقیقه	فعالیت پنجم: مربی با طرح سوالات جریان درس خود را ارزیابی مینماید: – افغانستان بین کدام درجات عرض البلد ها موقعیت دارد؟ – افغانستان بین کدام درجات طوالبلد ها موقعیت دارد؟ – افغانستان از نگاه موقعیت چند درجۀ عرض البلد و چند درجۀ طول البلد را دربر گرفته است؟ – افغانستان در کدام نیم کره ها اخذ موقعیت کرده است؟ – حدود اربعه افغانستان را بیان دارید؟ – مساحت افغانستان به چند کیلو متر میرسد.
۵ دقیقه	خلاصه: – اهداف جلسۀ ما چه بود؟ – آیا ما و شما به اهداف که قبلاً تعیین کرده بودیم به هدف رسیدیم؟ – کدام قسمت جلسه برای تان دلچسپ بود؟

موقعیت و حدود افغانستان:

افغانستان کشوری است کوهستانی، که در جنوب براعظم اسیا در نیم کره شمالی (از خط استوا بطرف شمال) و نیم کره شرقی (از خط کرنیویچ لندن به طرف شرق) موقعیت دارد. مساحت افغانستان بیش از ۶۵۲۰۰۰ کیلو متر مربع است. کشور ما افغانستان از چهار طرف به خشکه احاط شده است و به بحر آزاد راه ندارد. نزدیکترین فاصله آن به بحیره عرب تقریباً ۴۰۰ کیلو متر می رسد.

به طرف شمال افغانستان جمهوریت های تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان (اسیای میانه موقعیت دارند. سرحدات کشور ها در سمت های جنوبی و شرق با جمهوری اسلامی پاکستان به واسطه خط تحمیلی دیورند نشانی شده است که مردم افغانستان آنرا به رسمیت نشناخته اند. بطرف غرب کشور ما جمهوری اسلامی ایران موقعیت دارد.

درسمت شمال شرق کشورما، به یک فاصله کم با جمهوری چین هم سرحد می باشد. کشور های آسیای میانه هم به بحر ازاد راه ندارند از ین سبب تجارت آنها از راه افغانستان با ممالک جنوبی قارۀ آسیا صورت می گیرد که این موضوع به موقعیت افغانستان اهمیت خوبی می دهد.



نقشه موقعیت جغرافیائی افغانستان

معلومات بیشتر:

موقعیت و حدود افغانستان:

در براعظم آسیا دوازده کشور محاط به خشکه واقع است که یکی از آن جمهوری اسلامی افغانستان میباشد، با خصوصیات برجسته طبیعیی خویش یک کشور کوهستانی را در آسیای جنوبی تشکیل داده و با داشتن قدامت تاریخی و پنج هزار سالهٔ کشور باستانی را در آسیا معرفی میدارد.

افغانستان در نیم کرهٔ شمالی بین عرض البلد های ۲۹° درجه ۲۲ دقیقه ۵۳ ثانیه و ۳۸° درجه، ۲۹ و ۲۸ ثانیه شمالی و در نیم کرهٔ شرقی بین طول البلد های ۶۰° درجه، ۲۸ دقیقه و ۴۱ ثانیه و ۷۴° درجه، ۵۱ دقیقه و ۲۷ ثانیه شرقی موقعیت دارد.

مساحت افغانستان ۶۵۲۰۰۰ کیلو متر مربع است که از نظر مساحت برزگتر از هر یک کشور های اروپای میباشد. افغانستان در براعظم آسیا از لحاظ مساحت به درجه دوازدهم[21] قرار میگرد.

نفوس افغانستان در سال ۱۳۸۸ هجری شمسی در حدود ۲۶ میلیون نفر تخمین شده است.

[21]. کشور های که در براعظم آسیا بزرگتر از افغانستان است عبارت اند از: روسیه، چین، هند، عربستان سعودی، ایران، منگولیا، قزاقستان، اندونیزیا، پاکستان، ترکیه و برما.

طول اعظمی افغانستان از نقطه شرقی یعنی دوۀ یولی الی غربی ترین نقطه یعنی ذوالفقار ۱۲۰۰ کیلو متر و عرض اعظمی آن از منطقه خماب در شمال الی کوه های چگایی در جنوب ۹۱۲ کیلو متر میباشد.

نزدیکترین فاصله افغانستان با بحر هند بصورت مستقیم از جنوب غرب کوتل مزاری واقع در کشتگان غرب کوتل مزاری واقع در کشتگان غر ولایت هلمند الی نزدیکترین ساحل بحرۀ عرب در حدود ۳۹۰ کیلو متر است.

جمهوری اسلامی افغانستان از شمال متصل است به جمهوری های تاجکستان، ازبکستان و ترکمستان آسیای میانه. ازطرف غرب متصل است به جمهوری اسلامی ایران، ازطرف شرق و جنوب سرحدات کشور متصل است با جمهوری اسلامی پاکستان که به واسطه خط تحمیلی دیورند که از قلب قبایل پشتون ها میگذرد، نشانی شده است از این لحاظ مردم افغانستان آنرا به رسمیت نشناخته اند.

بطرف شمال شرق، افغانستان در یک فاصله تقریباً ۹۲ کیلو متر با ولایت سنکیانگ جمهوری مردم چین هم سرحد میباشد. عرض افغانستان در قسمت پامیر در حدود ۲۴ کیلو متر میرسد که تاجکستان را از کشمیر جدا میسازد.

موقعیت جغرافیائی افغانستان در سر راه آسیای مرکزی از نظر سیاست و اقتصاد این منطقه بسیار مهم است، زیرا افغانستان محل اتصال سه حوزۀ ایران، هند و پاکستان و کشور های آسیای مرکزی است.

کشور های آسیای میانه هم به بحر آزاد راه ندارند. ازین سبب تجارت آنها از راه افغانستان با ممالک جنوبی قاره آسیا صورت می گیرد که این موضوع به موقعیت افغانستان اهمیت زیادی میدهد.

جلسه پنجم

موضوع: موقعیت و حدود اربعه براعظم آسیا

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- موقعیت جغرافیائی قارۀ آسیا را در نقشه و مُدل کرۀ زمین و نثبیت کرده بتوانند.
- حدود اربعه آسیا را عملاً در نقشه نشان داده بتوانند.
- قارۀ آسیا را از قارۀ آروپا با تمام مشخصات آن جدا نمایند.
- در مورد قدیمی ترین تمدن ها و ادیان معلومات ارائه کنند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه سیاسی جهان، مُدل کرۀ زمین، نقشه سیاسی و طبعیی قارۀ آسیا، اطلس های گیتی شفاهی، فلیپ چارت و مارکر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت قبلاً تحریر نماید.
- آمادگی قبلی در مورد ادیان، تمدن های قدیم این قاره، موقعیت جغرافیای داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را بالای تخته نصب نماید و از شاملان تقاضا نماید که موضوع و اهداف جلسۀ را توضیح نمایند و مربی اهداف را در اخیر جلسه بیان کند.
۳۰ دقیقه	فعالیت دوم: مربی شاملان را به گروپ های مناسب تقسیم مینماید و نقشه های سیاسی جهان، اطلس های دنیا و مُدل کرۀ زمین را بدسترس شان قرار میدهد و برایشان هدایت میدهد که برویت جلسۀ پنجم کتاب را مطالعه کرده و تمام مشخصات قارۀ آسیا که در متن و محتوای درس تذکر داده شده در نقشه و مُدل کرۀ زمین تعیین و تثبیت نمائید و باهم نظریات تانرا شریک بسازید مربی بصفت تسهیلگر و کمک کننده همه گروپ ها را یاری میرساند. ۲۰ دقیقه. بعداً شاملان یک گروپ سوال می پرسند و گروپ دیگر در مقابل پاسخ ارائه میدارد ۱۰ دقیقه.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را عملاً در نقشه و مُدل کرۀ زمین تشریح و توضیح مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی توسط سوالات زیر درس خود را ارزیابی میکند. سوالات – قارۀ آسیا بین کدام درجات طول البلد ها قرار دارد؟

– آسیا بین کدام درجات عرض البلد ها موقعیت داشته عملاً در نقشه نشان دهید؟ – حدود اربعه آسیا را در نقشه تعیین نمائید؟ – کوه های اورال، دریا اورال، بحیرهٔ کسپین و بحیرهٔ سیا و آبنای باسفورس را در نقشه عملاً نشان دهید؟ – بحیرهٔ سرح، کانال سویز، آبنای بیرنگ را در نقشه نشان دهید؟ – سه جزیره، نماهای بزرگ قارهٔ آسیا را در نقشه نشان دهید؟ – ادیان که در قارهٔ آسیا بمیان آمده نام بگیرید؟	
خلاصه: – اهداف جلسه ما چه بود؟ – آیا ما و شما به اهداف که قبلاً تهیه بودیم به هدف رسیدیم؟ – کدام قسمت از جملهٔ امروزی برای شما دلچسپ بود؟	۵ دقیقه

موقعیت و حدود اربعه آسیا:

آسیا بزرگترین براعظم است که اکثریت ساحه آن در نیم کرهٔ شرقی و نیم کرهٔ شمالی موقعیت دارد.

براعظم آسیا در بین طول البلد های ۲۵° درجه شرقی و ۱۷۰° درجه طول البلد غربی و ۱۰° درجه عرض البلد جنوبی و ۸۰° درجه عرض البلد شمالی واقع است. به طرف جنوب آن بحر هند، به طرف شرق آن بحر الکاهل واقع است. به طرف غرب سرحد طبیعی بین قارهٔ آسیا به سمت جنوب اورال، دریای اورال، بحیرهٔ کسپین، بحیره سیاه و آبنای باسفورس تشکیل میدهد. به سمت جنوب غرب بحیرهٔ سرخ و کانال سویز اسیا را از افریقا جدا می سازد و به طرف شمال شرق ابنای بیرنگ آسیا را از براعظم امریکا جدا می سازد.

قارهٔ آسیا و اروپا را یک جابه نام یوریشیا هم یاد کرده اند. ازینکه در مورد سه قارهٔ آسیا، اروپا و افریقا مردم از زمانه های قدیم شناخت داشتند بنابر این بنام دنیای قدیم هم از آن نام برده شده است.

براعظم آسیا سه جزیرهٔ نمای بزرگ دارد که عبارت اند از جزیرهٔ نمای عربستان، جزیرهٔ نمای هند و جزیرهٔ نمای هند و چین. در این براعظم بلند ترین نقاط جهان واقع است.



نقشه براعظم آسیا با حدود آن

قارهٔ آسیا گهوارهٔ قدیمی ترین تمدن ها وادیان است. مردم دنیا آسیا را با تمدن های قدیمی کلده، آسور و بابل می شناسند. آثار دیدنی و تاریخی چون خانه کعبه در مکه معظمه و آرامگاه پیامبر بزرگ اسلام در مدینه منوره اهمیت زیاد دارد. حضرت آدم و بی بی حوا در آسیا زنده گی میکردند.

مهمترین و بزرگترین ادیان الهی چون دین مقدس اسلام، دین عیسویت و یهودیت، و بزرگترین آئین ها چون بودیزم، کنفیسوس و غیره در این قاره به میان آمده اند.

معلومات بیشتر:

دین عیسویت:

با تولد حضرت عیسی(ع) مبداء تاریخ سنهٔ میلادی یا عیسوی آغاز میگردد.
از سرگذشت عیسی(ع) در اوان کودکی و جوانی اطلاع مستقیمی در دست نیست. مطالب مندرج در انجیل های چارگانه، خاندان او از طبقهٔ مردم متوسط ولی بسیار مؤمن و دیندار بوده اند برای ادای مراسم عبادت به کنیسه می رفته و قطعات طولانی از تورات و صحف انبیأ را از برداشته است و به مقداری فراوان از اخبار و صحف انبیأ اطلاع یافته. شغل او نجاری بود به همین سبب به طبقهٔ متوسط و کارگران و پیشه وران علاقهٔ خاص در دل داشت عیسی همواره با ایمان و اطمینان از اعماق قلب خود سخن و تفسیر مینمود که ملکوت الهی ذات قادری است دارای صفات و حاکم برکل موجودات. سر رشته تمام مقدرات افراد بشری در دست قدرت اوست. نظر عیسی(ع) به طبعیت در حدود ایمان و اندیشه او دربارهٔ باری تعالی است. او نیز مانند دیگر متفکران یهود، طبعیت را کار گاه یا صفحهٔ نمایشگاه متعال الهی می دانست که نجات و آزادی انسان در آغاز به ظهور می پیوندد. به نظر او طبعیت حقیقت نهایی نیست، بلکه اعمال خداوند(ج) از درون آن به وسیلهٔ آن ظاهر میشود و میتوان بطور کلی گفت عیسی(ع) نیز مانند دیگر انبیای بنی اسرائیل می کوشید که وسیلهٔ طبعیت به خدا راه برد.

تعالیم عیسی دو نوع است:

۱- مبادی دینی.
۲- تعالیم اخلاقی.

عیسی(ع) خود تعالیم خود را تحریر نکرد، بلکه به شاگردان خود اعتماد فرمود و به آنها امر کرد به اطراف جهان بروند و آنچه را از او آموخته اند در حافظهٔ خود به یاد دارند بدیگران تعلیم دهند گویا عیسی خود نیز مانند دیگران نیروی شفا بخش، به او عطا شده بود متعجب گردیده است. این نکته قابل توجه است که عیسی بیماران را نمیتوانست شفا بخشد، مگر به قوت ایمان خود شان و او باکمال امانت این نیرو را از جانب خود انکار کرده به هر کس شفای یافت و میگفت (به سلامت برو و دیگر گناه مکن، ایمان تو، تو را شفا بخشود).

عیسی(ع) به سادگی بزبان حالی از اصطلاحات و عوام فهم سخن میگفت و غالباً از مظاهر طبعیت و حیات انسانی اقتباس ها کرده و مثال می آورد و از افکار درونی و اندیشه های باطنی مردم سخن میگفت و زندگانی و شخصیت خود را نمونه و مثال آن قرار میداد.

بحقیقت یکی از صفات بارز عیسی(ع) در سراسر مبادی اخلاقی او این بوده است که پیرامون خود را از امور ظاهری به سوی امور باطنی متوجه سازد. و مبادی و جدانی درونی را که مبتنی بر تمایلات روحانی باشد، جانشین تظاهر و ریاکاری کند. زیرا توجه به رسوم و آداب ظاهری، که برطبق شریعت یهود محمود و سپندیده بود، اگر عملاً بر خلاف اخلاق باشد منقصت بزرگی است. نجات و رستگاری فقط در آن است که آدمی قبلاً مطهر و پاک و مخلص باشد و برطبق او امر ضمیر خود رفتار کند، روح و وجدان اساس اعمال سپندیده است و فلاح و نجاح آدمی در زندگانی از قلب او سرچشمه میگیرد.

به عبارهٔ دیگر دستوارعیسی(ع) اینچنین خلاصه میشود که یکی به هر صورت که باشد دارای نیروی قاهری در برابر بدی است که اثرنیک و نتیجهٔ مطلوب بار می آورد.

دین یهودیت:

یهودیت همانا دین عبرانی های نسل ابراهیم(ع) است که معروف به اسباط و از بنی اسرائیل میباشد، کسانی که خداوند(ج) موسی(ع) را با تورات، به حیث پیامبر به سوی ایشان فرستاد.

موسی(ع) شخصی از بنی اسرائیل بود. ولی در دوران فرعون مصر رمسیس دوم (۱۳۰۱– ۱۲۳۴) ق.م در مصر بدنیا آمد، مادرش بعد از تولد، وی را در صندوق کرده در نهر انداخت، نهر صندوق را در قصر فرعون بر آورده موسی(ع) در همان قصر تربیه گردید، وقتی جوان شد یکی از مصریان را کشت و سبب فرار شدنش برمدین گردید در آنجا نزد شعیب(ع) به چوپانی پرداخت و شعیب(ع) یکی از دو دختر خود را در نکاح وی در آورد.

در راه بازگشت به مصر، خداوند(ج) در سینا به سوی وی وحی فرستاد و امرش کرد که وی با برادرش هارون به سوی فرعون بروند تا او را دعوت نموده بنی اسرائیل را نجات دهند، بنابر آن موسی(ع) به سوی فرعون رفت ولی فرعون دعوت ایشان را نپذیرفت و از آنان روی گردانید موسی(ع) با بنی اسرائیل از مصر خارج شد، البته این واقعه در سال (۱۲۱۳ ق.م) در دوران فرعون منفتاح که جانشین پدر خود رمسیس دوم گردیده بود به وقوع پیوسته بود. فرعون با لشکر خود آنان را تعقیب نموده به آنان رسید ولی خداوند وی را غرق نموده موسی(ع) و قومش را نجات بخشید.

در صحرای سینا موسی(ع) به کوه بالا رفت تا با پروردگار سخن گوید. و نسخه تورات را تسلیم شود، ولی وقتی بازگشت نمود بنی اسرائیل را در اطراف گوساله ایکه سامری از طلا برایشان درست کرده بود به پای عبادت نشته یافت و آنانی را زجر و منع کرد، وقتی آنان را به داخل شدن فلسطین امر کرد آنان امتناع ورزیده گفتند: آنجا قوم ظالمی قرار دارد، تو با پروردگارت بروید و جنگ کنید، ما همینجا نشته ایم، همان بود که خداوند(ج) بر آنان غضب شد و ایشانرا چهل سال سر گردان در صحرا گذاشت و موسی(ع) در خلال همین سال ها، بدون اینکه در فلسطین داخل شود وفات نموده در یک تپه سرخ دفن گردید.

دین بودایی:

بودایی دینی است که در قرن پنجم قبل از میلاد، بعد از دین برهمنی، در هند ظاهر گردید، در ابتدای پیدایش متوجه به رعایت انسان بود، همچنان به تصوف، زندگی خشن، دور کردن عیش پرستی و رفاهی، ایجاد دوستی، تسامح، و انجام دادن کار های نیک، دعوت می نمود، ولی بعد از مردن مؤسسش دیری نگذشت که به طرف اعتقادات باطل بت پرستی تغییر کرد، و پیدایش در شخصیت مؤسس آنقدر افراط و غلو نمودند که وی را پروردگار و معبود خود پنداشتند.

مؤسس آن زیدار تاگایما ملقب به بودا (۵۶۰–۴۸۰ ق م) است، بودا به معنای عالم و دانشمند میباشد، ولی همچنان ملقب به سکیامونی بود که معنای معتکف است، بودا در قریه ای از حدود نیپال نشات نمود، چون امیر بود در زندگی مترفانه و رفاه بخش بزرگ شد و در سن نزده سالگی ازدواج نمود، چون به عمر ۲۶ سالگی رسید همسرش را ترک نمود و رو به زهد، زندگی خشن، تامل و فکر در کاینات، و ریاضت نفسی آورد، و به این عزم شد که باید در راه نجات انسان از درد ها و آلامش که منبع آن شهوات استو کار کند، بعداً به سوی پذیرفتن نظریات و افکارش دعوت نمود و تعداد زیادی از مردم از و پیروی نمودند در تکالیم بودا دعوت به سوی محبت، تسامح، معامله به نیکی، صدقه بر فقرا، ترک ثروتمندی، ترک عیش پرستی، باعث ساختن نفس برزندگی خشن، تحزیر از زنان و مال ترغیب به دوری از عروسی وجود دارد.

دین کنفسیوس:

کونفسیوس دیانت اهل چین است، و آن به حکم فلیسوف کونفسیوسی باز میگردد در قرن ششم قبل از میلاد ظاهر شد و به سوی احیای شعائر، عادات و تقالید دینی دعوت نمود، عادات و شعائری که چینیان آنرا از اجداد خویش به میراث گرفته بودند، البته به اضافۀ اشیائی از فلسفه و نظریات خویش دربارۀ اخلاق، معاملات، و روش درست و دیانتی است که به اساس عبادت پروردگار آسمان و یا پروردگار بزرگتر، تقدیس ملائکه و عبادت ارواح آبا و اجدا استوار میباشد کونفوسیوس مؤسس حقیقی این دین در سال ۵۵۱ قبل از میلاد در شهر تسو Tsou که یکی از شهر های مقاطعۀ لو Lu به شمار میرود چشم به جهان کشود. نامش کونج Kung (نام قبیله ای که وی به آن تعلق دارد)فوتس Futze (که معنایش رئیس و یا فیلسوف میباشد) است یعنی رئیس و یا فیلسوف قبیلۀ کونج. وی به خاندان بزرگی منسوب بود و پدر کلانش والی همین ولایت بود، پدرش ضابط حری ممتازی بود، ولی خود ولی در نتیجۀ ازدواج غیر شرعی بدنیا آمده بود، وی در سن سه سالگی بود که پدرش وفات نمود. یتیم زندگی نمود، چوپانی کرد، در اوائل جوانی خود قبل از سن بیست سالگی عروسی نمود و صاحب پسرو دختری گردید ولی بعد از دو سال ازدواج در میان زن و شوهر جدائی آمد البته سببش دقت شدید ولی در خورد و نوش و لباس بود آنرا زنش تحمل کرده نتوانست.

وقتی به سن ۲۲ سالگی رسید دمدرسه ای برای تدریس اصول فلسفه انشأ نمود، شاگردانش رو به افزایشی نهادند و به سه هزار شاگرد رسید و در میان آنان تقریباً ۸۰ تن از افرادی وجود داشتند که علامات زکات و نجات در آنان دیده میشد.

در چندین مقام ایفای وظیفه نموده به حیث مشاور امیران و ولایت و به حیث قاضی، حاکم، وزیر کار و وزیر عدلیه، ایفأ نموده در سال (۴۹۶ ق.م) به حیث رئیس الوزراء تعیین گردید، و در آن وقت به اعدام بعضی از وزیران سابق و تعدادی از رجال سیاست و اغتشا شگران اقدام نمود و بدین گونه مقاطعۀ «لو» را نمونه ای برای تطبیق آراء و اصول فلسفی مثالی که به سوی آن فرا می خواند ساخت بعداً سفر ها نمود و به شهر های زیادی رفت که حاکمان را نصیحت و رهنمائی مینمود، با مردم میدید و افکار و تعالیم خویشرا در میان شان نشر می نمود و آنان را به اخلاق نیک تشویق میکرد.

شخصی بود نرمخوی، کشاده جبین، ادیب و باریک بین بود، از گریۀ دیگران متاثر میشد، گاهی خیلی سخت دل و ترشروی می گردید، بلند قامت بود، در خوردن، نوشیدن و لباس خویش دقت و توجه می نمود که چگونه است، دوستدار خواندن، تحقیق نمودن، آموختن، آموزانیدن معرفت و آداب بود خطیب و سخنران ممتازی بود ولی کلام زیاد را دوست نداشت عبارت و جملاتش خیلی کوتاه میبود که به منزله ضرب المثل های کوتاه و پند های بلیغ به شمار میرفت نزدوی احساس دینی وجود داشت، پروردگاری را که در زمانش پرستش میشد احترام داشت و برای اداء کردن مراسم دینی مداومت میکرد، در عبارات خود به طرف پروردگار بزرگ و یا پروردگار آسمان متوجه میشد. خاموشانه نماز میخواند، این را ناپسند میدانست که از پروردگار امید اعضای نعمت و یا مغفرت گناهانش را داشته باشد، زیرا نماز نرد وی فقط بخاطر انتظام روش و سلوک افراد است و دین به نظر وی تنها ایجاد الفت میان مردم میباشد. در سال (۴۷۹ ق.م) وفات نمود و از خود مذهب رسمی و عمومی بجا گذاشت که تا نصف قرن بیستم وجود داشت.

جلسه ششم

موضوع: اقلیم براعظم آسیا

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- راجع به مناطق مختلف اقلیمی آسیا آشنائی حاصل کنند.
- مشخصات اقلیم ساحۀ قطبی و یخچالی را بیان کرده بتوانند.
- مناطق اقلیم ستیپ را عملاً در نقشه تثبیت کرده بتوانند.
- نام مناطق اقلیم کوهستانی و نقاط مرتفع را گرفته و در نقشه نشان دهند.
- اوصاف اقلیم جنگلات بارانی استوار فهمیده و عملاً در نقشه نشان دهند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشۀ طبیعی جهان، نقشۀ سیاسی جهان، اطلس های جغرافیائی، مُدل کرۀ زمین، فلیپ چارت و مارکر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را قبلاً بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- در نقشۀ سفید و یا در مُدل کرۀ زمین مناطق اقلیمی را قبلاً نشانی و تهیه دارد.
- آمادگی بالای موضوع درس داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی نخست چارت موضوع و اهداف جلسه را در مقابل صنف کرده و توسط شاملین موضوع و اهداف را توضح مینماید و خود میری در اخیر اهداف که تعیین کرده بیان میدارد.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی در مورد اقلیم براعظم آسیا از شاملین می پرسد. ایا قارۀ آسیا با بزرگی و وسعت که دارد چگونه اقلیم را دارا میباشد. به کتب مراجعه نمی کنند صرف نظریات خود را بیان کرده و یک تن از شاملان صنف آنرا در مقابل صنف در یک فلیپ چارت ثبت مینماید مدت ۱۰ دقیقه. بعداً مربی شاملان را به مطالعۀ خودی طور انفرادی هدایت میدهد مدت ۵ دقیقه. متعاقباً طور جورۀ شاملان در مورد مناطق اقلیم در کتاب و نقشه ها جروبحث کرده و مناطق اقلیمی را شناسائی میکنند مدت ۱۰ دقیقه.
۲۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را عملاً در نقشه و مُدل کرۀ زمین توضیح و مناطق اقلیمی مختلفه را مشخصی میکند.

۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: شاملان به چهار گروپ مناسب تقسیم مشوند و مربی قبلاً وظایف هر گروپ را در کاغذ A۴ تحریر کرده و برایشان میدهد. گروپ اول: اقلیم ساحهٔ قطبی و یخچالی و اقلیم تحت قطبی را در نقشه مسطح و یا مُدل کرهٔ زمین ترسیم کنند. گروپ دوم: اقلیم منطقهٔ ستپ و اقلیم کوهستانی و نقاط مرتفع را در نقشه و یا مُدل کرهٔ زمین ترسیم کنند. گروپ سوم: اقلیم صحرای و اقلیم معتدله را در نقشه و یا مُدل کرهٔ زمین رسم کنند. گروپ چهارم: اقلیم مدیترانه ئی، اقلیم سوانای استوائی و اقلیم جنگلات بارانی استوا را در نقشه و یا در مُدل کرهٔ زمین رسم کنند و هر گروپ او صاف اقلیم های مربوط را در اخیر نمایندهٔ گروپ توضیح مینماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت پنجم: با طرح سوالات صنف ارزیابی می گردد: – در کدام مناطق کرهٔ زمین هوا دایماً گرم و مرطوب است و در آنجا فصل سال وجود ندارد؟ – در کدام ساحهٔ اقلیمی که توام با یخ و برف بوده حرارت آن بسیار کم و تقریباً به °۶۰ درجهٔ سانتی گرید می رسید؟ – کشور عزیز ما افغانستان شامل کدام منطقه میشود با او صاف آن بیان کنید؟ – کدام مناطق اصلی آب دریا های کشور های آسیا را تشکیل میدهد در نقشه نشان دهید؟ – نباتات ستروس (نارنج، مالته و لیمو) در کدام اقلیم به کثرت میرویند عملاً نقشه نشان دهید؟
۵ دقیقه	خلاصه: – اهداف جلسه ما چه بود؟ – آیا اهداف که قبلاً تهیه گردیده بود به آن نأیل گردیدیم. – کدام قسمت از جلسه امروزی برای شما دلچسپ بود.

اقلیم براعظم آسیا:

براعظم آسیا، یک قاره وسیع است از ساحه خط استوا الی قطب شمال و از شرق الی غرب آن مناطق مختلف اقلیمی وجود دارد، از همین سبب است که در براعظم آسیا پیدا وار نباتی، جنگلات، خاک طرزمنازل و لباس به اشکال گوناگون و مختلف می باشد انواع اقلیمی آسیا از این قرار است.

۱- اقلیم ساحه قطبی و یخچالی:

در امتداد سواحل شمال براعظم آسیا از عرض البلد های $۶۶\frac{۱}{۲}$ درجهٔ شمالی الی درجه اقلیم انکشاف یافته است. این ساحه اقلیمی را به نام منطقه تندرا یاد میکنند بته های پست قامت در اینجا زیاد بوده، خاک آن حاصل خیز نبوده توأم بایخ و برف می باشد. حرارت بسیار کم است که تقریباً °۶۰ درجه سانتی گرید می رسید.

۲- اقلیم تحت قطبی:

این منطقه اقلیمی از شرق به غرب ساحه وسیع سایبریا را در بر می گیرد زمستان آن بسیار سرد و تابستان کمی سرد یعنی بین ۱۸ و ۱۹ درجه سانتی گرید می باشد. جنگلات سوزنی برگ همیشه سر سبز (تایگا) در این منطقه اکثریت دارد.

۳- اقلیم منطقه ستپ:

این نوع اقلیم آسیای مرکزی که از شمال غرب چنین شروع شده مثل یک نوار بزرگ تاترکیه امتداد دارد، کشور های آسیای مرکزی را به شمول افغانستان و ایران دربر می گیرد. مقدار بارنده گی آن خیلی کم بوده تقریباً بین ۱۵۰ و ۲۰۰ میلی متر قرار می گیرد. حرارت آن درتابستان تقریباً ۴۰ درجه سانتی گرید و سردی زمستان به منفی °۱۰ الی °۱۵ درجه سانتی گرید می رسد. شبیه این صحرا ها در ایران، افغانستان، هند و پاکستان نیز به ملاحظه میرسد.

٤- اقلیم کوهستانی و نقاط مرتفع:

سلسله همالیا، قراقرم، تیان شان، هندوکش، البرز و زاگروس اقلیم مناطق مرتفع و کوهستانی را تشکیل داده مقدار بارنده گی آن در زمستان، بهار و خزان زیاد می باشد.

بارنده گی دایماً به شکل برف بوده این سلسله کوه ها منبع اصلی آب دریا های آسیا را نیز تشکیل میدهد.

٥- اقلیم صحرایی:

شبه جزیره عربستان سعودی که در امتداد صحرای اعظم افریقا واقع است. درجه حرارت تابستان از °۴۵ درجه سانتی گرید بالا می رود و در زمستان °۲۰ او °۱۵ درجه سانتی گرید پائین می آید. در اکثر سال ها بارنده گی دیده نمی شود. بارنده گی آن تقریباً به ۵۰ میلی متر در سال می رسد که آن هم سیلابی و تخریبی می باشد.

٦- اقلیم معتدله:

بارنده گی سالانه آن از ۴۰۰ میلی متر اضافه تر بوده حرارت وسطی زمستان از ۱۵ درجه سانتی گرید بلندتر و تابستان آن به ۳۰ درجه سانتی گرید می رسد. تمام کشور چین، جنوب همالیا و شمال هند در این جمله شامل است.

۷- اقلیم مدیترانه یی:

یک حصه محدود سواحل ترکیه، حصه شمال شرق عراق، یک ناحیه کوچک ساحل جنوب شرقی بحرۀ کسپین و ساحل شرقی مدیترانه در جمله اقلیم مدیترانه شامل است. تابستان آن خشک، زمستان آن بارانی و معتدل و تابستان آن نسبتاً گرم است. نباتات ستروس (نارنج، مالته، لیمو) و مدیترانه یی در این جا به کثرت میرویند.

۸- اقلیم سوانای استوایی:

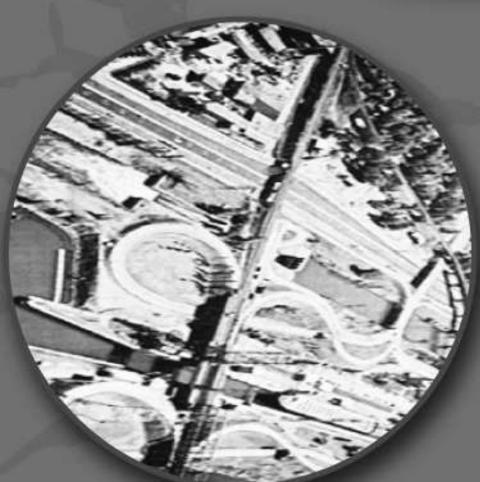
بارنده گی تابستان آن خیلی زیاد بوده ۸۰۰ میلی متر زیاد تر می باشد. حرارت تابستان و زمستان زیاد اختلاق نداشته بین ۲۰ و ۳۰ درجه سانتی گرید در تحول می باشد. جزیره نهای هند و چین حصۀ زیاد تر نیم قاره هند دارای همین نوع اقلیم استوایی سوانا می باشد. بته های بلند قامت و اشجار مثمر و غیر مثمر در آن می رویند.

۹- اقلیم جنگلات بارانی استوا:

جزایر شرق الهند، سواحل غربی هند و چین شمول جنوب بنگله دیش و یک حصه شمال غربی هند در این جمله شامل است. بارنده گی سالانه آن خیلی زیاد است و در هر ماه از ۵۰۰ میلی متر اضافه تر بارنده گی دارد.

فصل سال در اینجا و جود ندارد حرارت وسطی سالانه آن بین ۲۵ و ۳۰ درجه سانتی گرید است. هوا دایماً گرم و مرطوب است و درخت را بر پیدا وار مهم آنها می باشد.





جغرافیه صنف هشتم

تهیه کننده: شوونیار فضل الرحمن فضلی

جلسه اول

موضوع: با قارۀ آروپا آشنا شوید

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- حدود اربعه قارۀ اروپا را عملان در نقشه نشان داده بتوانند.
- قارۀ بزرگ آسیا توسط کدام کوه ها، دریاها و بحیره ها از اروپا جدا گردیده عملاً در نقشه نشان بدهند.
- قارۀ اروپا توسط کدام خطوطه فرضی عرض البلد ها موقعیت نموده بیان کرده بتوانند.
- قارۀ اروپا بین کدام خطوط فرضی طول البلد ها موقعیت داشته در نقشه عملاً تثبیت نمایند.
- شبه جزیره های اروپا را بیان کنند.
- شبه جزیرۀ بالکان را در نقشه موقعیت کشور های آن شرحه داده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه سیاسی جهان قارۀ اروپا نقشه طبعی جهان، اطلس گیتی شناسی جهان، فلیپ چارت و مارکر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف را بروی فلیپ چارت تحریر نماید.
- تهیه و آماده کردن نقشه های سیاسی وطبعیی اروپا و یا جهان.
- آمادگی و حاکمیت بالای موضوع.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی با نصب کردن چارت موضوع و اهداف درس از چندین مشمولین تقاضا کرده تا موضوع و اهداف جلسه را بیان کنند و خود مربی در اخیر جلسه بالای آن بحث نماید.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: کتب درسی بسته باشد و مربی با طرح سوالات در رابطه به موضوع درس می پرسد. سوالات: - در نقشه، موقعیت جغرافیائی قارۀ اروپا را نشان دهید؟ - اروپا از نگاه وسعیت در بین قاره ها چگونه است؟ - اروپا کدام نیم قاره ها موقعیت دارد در نقشه نشان دهید؟ - حدود اربعه قارۀ اروپا را نشان دهید؟ - موقعیت جغرافیائی قارۀ اروپا را بروی نقشه تثبیت کنید؟ - بکدام علت جغرافیه دانان هر دو قاره را یک قاره دانسته بنام چه نامیده اند؟ - شبه جزایر قارۀ اروپا را در نقشه نشان دهد؟

۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی مشمولین را به مطالعه خودی طور انفرادی برای ۱۰ دقیقه وظیفه میدهد ۱۰ دقیقه. بعداً بطور کار جوره ئی در مورد موقعیت های جغرافیائی در متن درس آنچه که تذکر یافته با هم جروبحث و در نقشه ها و اطلس ها موقعیت ها را تثبیت کرده. ۱۰ دقیقه
۱۵ دقیقه	فعالیت چهارم: توضیحی مربی موضوع درس را در نقشه ها عملاً تشریح و توضیح نماید.
۲۵ دقیقه	فعالیت پنجم: کار گروپی مشمولین به چهار گروپ مناسب تقسیم میشود. موضوع گروپ ها قبلاً در کاغذ های A۴ تحریر و برای هر گروپ تادیه کرده. گروپ اول: نقشه قارۀ اروپا را رسم کنید و در آن حدود اربعه و شبه جزایر اروپا را نشان دهید. گروپ دوم: نقشه اروپا را ترسیم کرده در آن موقعیت جغرافیائی و سرحد شرقی اروپا را تثبیت کنید؟ گروپ سوم: نقشه اروپا را رسم کنید در آن حدود اربعه و موقعیت جغرافیائی را تثبیت کنید؟ گروپ چهارم: نقشه اروپا را رسم کنید در آن سرحد شرقی و شبه جزایر را با کشور های آن نشانی نمائید؟
۵ دقیقه	خلاصه: – اهداف آموزشی جلسه ما چه بود؟ – نکات و موضوعاتیکه در جریان جلسه باقیمانده بحث و جمع بندی جریان درس را مربی میکند.

با قارۀ اروپا آشنا شوید:

حدود و موقعیت جغرافیائی:

اروپا یکی از کوچکترین قاره های جهان است و در منطقه معتدله شمالی قرار گرفته است.

این قاره ازطرف شمال محدود است به اقیانوس منجمد شمالی، از جنوب به بحیرۀ مدیترانه، از شرق به قارۀ بزرگ و وسیع آسیا که توسط کوه های اورال، دریای اورال، بحیرۀ کسپین و بحیرۀ سیاه از اروپا جدا شده است و از غرب محدود است به اقیانوس اطلس اروپا در نیم کرۀ شمالی بین 35° درجه تا 80° درجه عرض البلد شمالی و 60° درجه طول البلد شرقی و 25° درجه طول البلد غربی موقعیت دارد.

شمالی ترین نقطه آن کشور ناروی و جنوبی ترین نقطه آن جزیرۀ کریت شرقی ترین نقطه آن دریای اورال و کوه اورال، غربی ترین نقطه آن شمال آیسلند میباشد.

- آیا قارۀ اروپا خشکه جدا گانه است؟

اروپا را میتوان دنباله قارۀ بزرگ آسیا دانست و به همین جهت برخی از جغرافیا دانان قارۀ آسیا و اروپا را یک قاره دانسته و آن را بنام یورشیا نامیده اند.

- مساحت اروپا (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) کیلو متر مربع و تعداد نفوس آن در سال (۲۰۰۶م) به (۷۳۲, ۶۱۲, ۶۰۰) نفر میرسد و بعضی کشور های مهم صنعتی جهان در این براعظم موقعیت دارد.



اروپا به نسبت بریده گی های ساحلی و وجود بحیره ها و خلیج های متعددی که در داخل خاک پیشرفته است، شبه جزیره های زیادی را به وجود آورده که ما در اینجا از مهمترین آنها نام می بریم.

- شبه جزیرهٔ اسکاندیناویا و یا که شامل کشور های سویدن، فنلاند و ناروی می باشد.
- شبه جزیره بالکان که شالم کشور های آلبانیا، بلغاریا، بونسی، هرزگونی، صبرستان، کرواسی و موتینگرو می باشد.
- شبه حزیره ایبری که شامل کشور های اسپانیا و پرتکال می باشد.
- شبه جزیره اپنین که در آن کشور ایتالیا واقع است.



جلسه دوم

موضوع: در مورد جغرافیه سیاسی اروپا چه میدانید

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- قارۀ اروپا را معرفی کرده بتوانند.
- موقعیت جغرافیائی قارۀ اروپا را بیان کرده بتوانند.
- حدود اربعه قارۀ اروپا را بروی نقشه نشان دهند.
- سر حدات قارۀ اروپا را بروی نقشه توضیح کرده بتوانند.
- کشور هائیکه به خشکه محاط و به آب راه ندارند اسم هایشان را بیان کنند.
- نه (۹) کشور که از لحاظ وسعت کوچک هستند در نقشه موقعیت هایشان را تثبیت نمایند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارک، اطلس گیتی شناسی، نقشه های بزرگ و متوسط سیاسی اروپا و جهان.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف جلسه را بروی فلیپ چارت قبلاً تحریر نماید.
- نقشه ها و اطلس های متوسط و بزرگ تهیه گردد.
- آمادگی و حاکمیت قبلی مربی.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف را نصب و توسط یک یا چند تن از مشمولین آنرا توضیح مینماید و خودش در اخیر جلسه بالای اطراف که قبلاً تهیه شده بود بحث میکند.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی به مشمولین صنف هدایت میدهد که محتوای موضوع را بطور خاموشانه مطالعه کنید مدت ۷ دقیقه. بعداً طور جورۀ مشمولین با هم در نقشه ها و اطلس های جغرافیای موقعیت های جغرافیائی تحریر شده را تثبیت و با هم تبادل تجارب کنند مدت ۲۳ دقیقه.
۲۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی متن و موضوع درس را عملاً در نقشه ها و اطلس ها تشریح و توضیح مینماید.
۲۰ دقیقه	فعالیت چهارم: ارزیابی جریان درس جدید: صنف به دو گروپ تقسیم میشود و از یک گروپ سؤال مطرح میگردد و گروپ دوم در مقابل عملاً در نقشه ها و اطلس ها به سؤالات پاسخ میدهند.

۱۰ دقیقه	خلاصه: – اهداف جلسهٔ ما چه بود؟ – آیا به هدف رسیدیم؟ – مربی موضوع درس را جمع بندی کرده بالای نکات ضعیف که توسط پروسه ارزیابی برملاء گردیده بحث مینماید.

در مورد جغرافیه سیاسی اروپا چه میدانید:

اروپا یکی از سه قاره قدیمی جهان است و در نیم کره شمال بین ۳۵°درجه تا ۸۰° درجه عرض البلد شمالی و ۶۰° درجه طول البلد شرقی و ۲۵° درجه طول البلد غربی موقعیت دارد.

شرق ترین نقطه آن دریای اورال و کوه اورال، غربی ترین نقطه آن شمال آیسلند، شمالی ترین نقطه آن کشور ناروی و جنوب ترین نقطع آن جزیرهٔ کریت می باشد.

طول آن از شمال به جنوب ۶۴۰۰ کیلومتر و عرض آن از شرق به غرب ۴۸۰۰ کیلوم متر است.

سرحدات:

اروپا از سه طرف به آب های بزرگ جهان احاطه شده است و با مقایسه به آسیا شبه جزیره کوچکی است که از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از جنوب به بحیرهٔ مدیترانه، بحیرهٔ سیاه کسپین، از شرق به براعظم آسیا که کوه اورال و دریای اورال این دو قاره را از هم جدا می سازد، محدود گردیده است.



اروپا شامل کشور های است که تعداد آنها بالغ بر ۴۴ کشور میشود. در بین این کشورها ۹ کشور وجود دارد که به آب راه ندارد. مثل سویس، رومانیا، اتریش، هنکری، مقدونیه، ملداوی، روسیه سفید، سلواکی، چک همچنین در این قاره ۹ کشور که از لحاظ وسعت کوچک هستند. مثل: لوکزامبورک، بلجیم، هالند، واتیکان، لیختن اشتاین، موناکو، سان مارینو، واندورا وجود دارد.

معلومات اضافی برای مطالعه:

اتحادیه اروپا:

این اتحادیه در سال ۱۹۵۷ میلادی به وجود آمد که ابتدا اعضای آن شامل کشور بلجیم، آلمان غرب، ایتالیا، فرانسه، لوکزامبورک و هالند بود و هم اکنون دارای ۲۷ عضو می باشد.

هدف از تشکیل این اتحادیه عبارتند از:

- گسترش هر چه بیشتری همکاری اقتصادی و مالی بین کشور های عضو.
- اتخاذ سیاست های مشترک در امور خارجی و دفاعی.
- همکاری در امور قضائی در داخل کشور های عضو.
- یورو واحد پول اروپای که از سال ۱۹۹۹ میلادی در دادوستد بانکی و حواله ای در میان کشور های عضو رایج شده است.

واحد های سیاسی قارهٔ اروپا را میتوان اینگونه تقسیم کرد:

- کشور های شمال اروپا مثل: سویدن، ناروی، فلند، آیسلند و دنمارک.
- کشوره های جنوب اروپا مثل: ایتالیا، یونان، اسپانیا، پرتگال و غیر کشور های خورد جزیره یی.
- کشور های شرقی اروپا مثل: روسیه، روسیه سفید، اوکراین و غیره
- کشور های غرب اروپا مثل: آلمان، فرانسه، انگلستان، بلجیم و غیره.
- کشور های مرکزی اروپا مثل: اتریش، چک، پولند و غیره.

در بخشی از قارهٔ اروپا بین این کشور ها مرز های گمرکی وجود نداشته و مناسبات سیاسی تحت یک پیمال به نام اتحادیه اروپا اجرا می گردد.

جلسه سوم

موضوع: در مورد موقعیت جغرافیای براعظم امریکا چه میدانید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- موقعیت جغرافیائی قارهٔ امریکا را در نقشه معیین کرده بتوانند.
- حدود اربعه براعظم امریکا را برویت نقشه توضیح کرده بتوانند.
- تقسیمات منطقوی براعظم امریکا را بیان کرده بتوانند.
- شمالی ترین نقطه قارهٔ امریکا و جنوبی ترین نقطهٔ قارهٔ امریکا را بیان کنند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر، نقشه سیاسی جهان، نقشه قارهٔ امریکا، اطلس های جغرافیای و مُدل کرهٔ زمین.

آمادگی مربی:

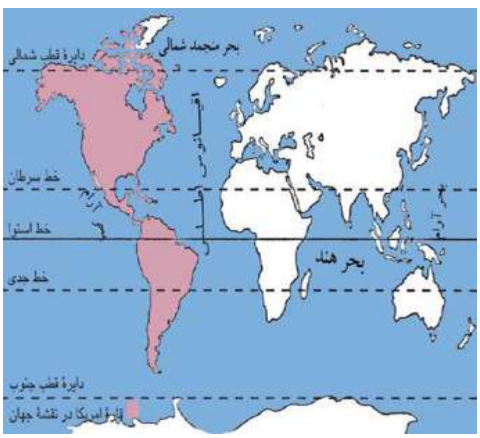
- موضوع و اهداف جلسه را قبلاً برویت فلیپ چارت تحریر نماید.
- موضوعات کار گروپی را برای مشمولین قبلاً تهیه دارد.
- آمادگی قبلی بالای موضوع درس داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را در تخته نصب کرده و توسط مشمولین انرا توضیح داده و در اخیر جلسه خود مربی بالای اهداف قبلاً تهیه شده بحث میکند.
۱۰ دقیقه	فعالیت دوم: مربی از سه و یا چهار تن مشمولین عین سؤال را می پرسد که: که در مورد موقعیت جغرافیائی و حدود اربعه قارهٔ امریکا چه میدانید، تنها در مقابل صنف نقشهٔ سیاسی جهان و یا مُدل کره زمین قرار داشته بدون آنکه کسی به کتاب مراجعه کنند معلومات خود را بیان دارند.
۱۵ دقیقه	فعالیت سوم: مشمولین را نخست طور انفرادی به مطالعه خاموشانه مربی هدایت میدهد. بعداً طور جورهٔ نظریات خود را با هم شریک مینمایند و موضوع درس را بالای اطلس های جغرافیائی تعیین مینمایند.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: مشمولین صنف به سه گروپ منظم تقسیم بندی میشود. گروپ اول: در چارت نقشه براعظم امریکا را کشیده در آن موقعیت جغرافیائی آنرا با درجات آن ترسیم مینمایند. گروپ دوم: در چارت کلان نقشه براعظم امریکا را کشیده و در آن حدود اربعه را تعیین نمایند.

	گروپ سوم: در چارت کلان نقشه براعظم امریکا را کشیده در آن سه بخش قارهٔ امریکا را کشیده و مشخصات آنرا واضح کنند.
۲۰ دقیقه	فعالیت پنجم: مربی موضوع درس را توضیح مینماید.
۵ دقیقه	خلاصه: – مربی بالای موضوع درس که قبلاً تعیین گردیده بود بحث میکنند که آیا به هدف رسیدیم. – مربی بالای نکاتیکه ایجاب مینماید بحث و جمع بندی پروسه درس را میکند.

در مورد موقعیت جغرافیای براعظم امریکا چه می دانید؟

موقعیت حدود اربعه:



قارهٔ امریکا بین طوالبلد های (°۳۵درجه و °۱۷۰ درجه) غربی و بین (۸۴ درجه) عرض البلد شمالی و (۵۵ درجه) عرض البلد جنوبی موقعیت دارد این قاره از شمال به بحر منجمد شمالی، در جنوب به آبنای در یک (Derik) (که حد فاصل بین انتارکتیکا و امریکا است)، در شرق به بحر اطلس که براعظم اروپا و افریقا را از برعظم امریکا جدا میکند و در غرب به بحر الکاهل (آرام) و آبنای بیرنگ که به عرض ۸۵ کیلو متر الاسکارا از روسیه جدا می سازد، محدود شده است.

مساحت ۴۲،۱ میلیون کیلو متر مربع و به شمول گرنیلند ۴۳ میلیون کیلو متر مربع می باشد. شمالی ترین نقطه قاره امریکا قطب شمال و جنوبی ترین نقطهٔ آن د ماغهٔ کپ هارن (Cope-Horn) میباشد. طول آن از شمال به جنوب ۱۵۰۰۰ کیلو متر است و عرض آن از شرق به غرب طول های مختلف دارد.

تقسیمات براعظم امریکا:

براعظم امریکا از شمال به جنوب به سه بخش عمده تقسیم گردیده که عبارت از:
امریکای شمالی، امریکای مرکزی و امریکای جنوبی.

قارهٔ امریکا از شمال به جنوب بصورت طولانی واقع شده است. امریکای شمالی شامل کشور کانادا و آیالات متحده امریکا میباشد. که از قطب شمال الی کشور مکسیکو امتداد یافته است. امریکای مرکزی میان امریکای شمالی و جنوبی واقع است، امریکای مرکزی ازطرف شمال به آیالات متحده امریکا و از جنوب به امریکای جنوبی هم سرحد بوده و کانال پانامه بحیره کارابین را به بحر آرام وصل می سازد و حد فاصل بین امریکای مرکزی و جنوبی میباشد. امریکای جنوبی در نیم کره جنوبی بین عرض البلد های °۱۲ درجه شمالی تا °۵۵ درجه جنوبی قرار دارد و در نیم کرهٔ شمالی قسمت کم آن واقع می باشد. امریکای جنوبی در جنوب امریکای مرکزی به شکل مثلث قرار گرفته است که راس آن را کپ هارن تشکیل میدهد و قاعده آن در بحیرهٔ کارابین و امریکای مرکزی قرار دارد.

جلسه چهارم

موضوع: در مورد کشف براعظم امریکا چه می دانید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- سفر کرستف کولمب بحر پیمائی ایتالوی را بیان کرده بتوانید.
- سفر بحر پیمائی امریکووسپو چی را تشریح و توضیح نمایند.
- چگونگی نامگذاری قارهٔ امریکا را بیان کرده بتوانند.

مواد مورد ضرورت:

- نقشه سیاسی جهان، نقشهٔ امریکا، مُدل کرهٔ زمین، اطلس های جغرافیائی، فلیپ چارت و مارکر.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف جلسه را قبلاً برای فلیپ چارت تحریر نمایند.
- آماده گی قبلی بالای موضوع درس داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را در تخته مقابل صنف نصب کند و توسط مشمولین آنرا توضیح نماید و در اخیر جلسه خود مربی بالای اهداف که قبلاً تهیه شده بحث کند.
۴۰ دقیقه	فعالیت دوم: مربی صنف را به گروپ های مناسب تقسیم مینماید و هدایت میدهد اینکه: متن و محتوای درس را بشکل گروهی مطالعه کرده و بعد در چارت کلان نقشه براعظم امریکا را کشیده و نماینده هر گروپ در مقابل صنف موضوع درس جدید را توضیح مینماید هرگاه تمام گروپ ها موضوعات خود را بیان کردند بعداً هدایت مکرر داده میشود که نمایندهٔ تمام گروپ ها در مقابل صنف تشریف فرماشوند و در مقابل صنف برایشان یک یک پایه چوکی گذاشته و نماینده ها بالای آن بنشینند و مشمولین صنف، نام یک نماینده را میگیرد و سؤال که نزد خود دارد مطرح میکند به همین طور تمام مشمولین در متن و محتوای درس اگر کدام سوال داشته باشند از نماینده های گروپ ها مطرح مینمایند بالاخره همین پروسه هنگامیکه سوالات شاملان ختم شد پاسخ دهنده گان نیز به جاهای خود تشریف میبرند.
۲۰ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را تشریح و توضیح مینماید.
۲۰ دقیقه	فعالیت چهارم: مربی با طرح سوالات ذیل شاملان جلسه را ارزیابی میکند.

	– کولمب چرا برای سفر به هند راه غرب اروپا را انتخاب کرد؟ – هدف اساسی کولمب درین سفر چه بود؟ – جغرافیه دانان مسلمان چه نقشی در کشف امریکا دارند؟ – جغرافیه دانان چرا این قاره جدید را بنام امریکا یاد کردند؟ – امریکووسپو چی در سفر بحری خود کجا را کشف کرد؟ – برای اولین بار کدام جغرافیه دان قارهٔ جدید را به بنام امریکا مسمی ساخت؟ – در ابتدا کلمهٔ امریکا به کدام بخش قاره امریکا استعمال می شد؟
۵ دقیقه	خلاصه: – مربی اهداف که قبلاً تهیه کرده بود می پرسد که آیا به هدف رسیدیم و نکات که در جریان درس باقیمانده باشد خلاصه و جمع بندی مینماید.

در مورد کشف براعظم امریکا چه می دانید؟

کرستف کولمب بحر پیمای ایتالوی به اساس کروی بودن زمین در سال ۱۴۹۲ میلادی ازطرف شاه اسپانیه موظف شد تا سفری به سوی غرب، به هندوستان نماید و ثروتی که در آن سر زمین بود بدست آورد، اما وقتی کولمب روانهٔ سفر شد، به جای رسید که آن را غرب الهند گفت و اولین منطقه که در آن جا پیاده شد، آنرا سان سلوادور (نجات دهنده مقدس) نامید که از جمله مجمع الجزایر بهاما بود. کولمب تصور میکرد که به آسیا و هند رسیده است و به همراهانش امر کرد که به جستجوی جزایر بپردازد. کولمب سه بار دیگر نیز به قارهٔ امریکا سفر نمود.

پس از کولمب بحرپیمای دیگری به نام امریکووسپو چی راه کولمب را ادامه داده تا °۵۲ درجه عرض البلد جنوبی به نزدیکی های سواحل برازیل پیشرفت. این بحر پیما در بارهٔ سفر بحری خود یک مقاله نوشت و آن را چاپ نمود، پس از آن در سال ۱۵۰۲ میلادی جغرافیه دانی کتابی نوشت و در آن کتاب مقالهٔ امریکورا در مقدمهٔ اترش جا داده و چاپ نمود.



در سال ۱۵۰۷ میلادی این کتاب به زبان لاتین ترجمه گردید که در مقدمه ان یکی از جغرافیه دانان پیشنهاد کرد که این قطعهٔ خشکه به نام کاشف اش امریکا نامیده شود.

در ابتدا نام امریکا شامل قارهٔ جنوب خط استوا می شد که کولمب به آن سفر نکرده بود ولی بعد هاشامل قسمت شمال نیز گردید و برای اولین بار در جغرافیه در سال ۱۵۳۸ میلاد گرهار در کاتور در نقشه معروف خود نام امریکا را بر تمام نیمکره عربی اطلاق کرد. از آن به بعد قارهٔ جدید را تا امروز به اسم امریکو، قاره امریکا مسمی مشناختند.

معلومات بیشتر:



قارۀ امریکا:

بعد از قارۀ آسیا که از جهت مساحت و جمعیت بزرگترین قارۀ جهان است، وسیعترین و پر جمعیت ترین قاره های جهان امریکاست. (البته در صورتی که سه بخش امریکای شمالی مرکزی و جنوبی را یکجا در محاسبه و جمعیت منظور کنیم) ولی در هر صورت امریکا دو مین قارۀ جهان از حیث جمعیت محسوب میشود. قارۀ آمریکا شامل سرزمین های وسیعی با تنوع اقلیمی فراوانی میباشد که در حقیقت به سه بخش امریکای شمالی، امریکا جنوبی و امریکای مرکزی تقسیم میشود.

در مطالعات برروی نقشه قاره ها، آمریکا اولین قسمت بر جدید شناخته شده است. زیرا اولین باز این قاره در سفر های دریای کرستف کلمب در سال ۱۴۹۲ میلادی کشف شد و تا قبل از آن، مردم از وجود چنان قاره ای اطلاع نداشتند با این که از پیدایش این قاره و تشکیل دولتهای آن مدت زیادی نگذشته است معهذا این بر جدید (خشکۀ جدید) در زنده گی اقتصادی وسیاسی جهان جای بسیار مهم و قابل توجهی پیدا کرده است، ولی چه از جهت وسعت و چه از لحاظ دیگر بر جدید با بر قدیم قابل مقایسه نیست. بر قدیم و بر جدید از طریق باب برینگ به هم نزدیک است. ولی از جهان دیگر قرابتی با هم ندارند. اروپا و قارۀ آمریکا با این که از جهت طبیعی به هم نزدیک نیستند ولی از جهت زبان نژاد، مذهب و خصوصیات نوع معشت به هم شباهت و قرابت زیادی دارند. زیرا ساکنین امروزی امریکا را اروپائیان تشکیل می دهند و از تمام اقوام اروپا نمونه های کوچک و بزرگ در دو آمریکا (منظور شمال ولاتین است) دیده میشوند. قسمت اعظم آمریکای شمالی را اقوام ژرمن انگلوساکسون واسلاو تشکیل می دهند. آمریکای جنوبی را اقوام ایبری (اسپانیا و پرتگال) تشکیل میدهند. بین دو آمریکا چه از نظر طبیعی و چه از نظر معیشت شباهت های زیادی وجود دارد. از نظر شکل، دو امریکا مثلثی هستند که قاعدۀ مثلث در شمال و رأس آن به سمت جنوب کشیده است.

در دو آمریکا کوههای مرتفع دوران سوم قرار گرفته و کوههای فرسودۀ قدیمی در مشرق قاره قرار گرفته اند.

شباهت کلی بین دو آمریکا از لحاظ نوع معثیت وسطح زندگی است که از اقوام اروپای پر شده و هر دو آمریکا یک تمدن جدید دارند که در میان آنها آیالات متحده سطح بسیار بالاتری قرار گرفته است. تفاوت های زیادی چه از نظر سیاسی و اقتصادی بین سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی آمریکا وجود دارد.

کشف قارهٔ آمریکا در قرن ۱۵ توسط کرسیتف کلمب و بر اساس احتیاجات اقتصادی دولت های اسپانیا و پرتکال انجام گرفت. زیرا مایل به یافتن راه دریای تازه ای به جای راه استانبول بودند تا تجارت ممالک آسیا را که سود سرشاری داشت از دست ندهند. ولی با تکیه بر فرضیهٔ گرد بودن زمین تصمیم گرفت ازطرف مغرب یعنی اقیانوس اطلس حرکت کند و به آن طرف دنیا که در نظر وی هندوستان بود برسد. این دریا نورد بر سر راه خود و سر زمین های را کشف کرد که اگر چه خود او آنها را هندوستان می نامند ولی بعد ها معلوم شد که آنها اراضی جدیدی هستند که تا آن زمان کسی از وجود آنها اطلاعی نداشتند و بعد ها که دریانورد دیگری بنام (آمریکووسپوس) ثابت کرد که اراضی جدید لاکشاف کرسیتف کلمب هندوستان نسبت نام او را بر روی آن سرزمین ها گذاشته و به اسم امریکا معروف شد.

مسلمانان پیشرو در علم جغرافیا:

در قرآنکریم تاکید فراوانی به سیر و سیاحت و اندیشه در سر نوشت اقوام و ملل شده و این امر بر علاوه نیاز های بازرگانی و سیاسی و مذهبی (مانند حج) و غیره باعث گردید که مسلمین در زمینه علم جغرافیه و جهانگردی نیز پیشرفت های بسیار چشمگیر کرده و آثار ارزنده ای از خود بجا بگذارند.

باید به خاطر داشت که هانری دریا نورد، ماژلان کرسیتف کلمب و بسیاری دیگر از کاشفان مهم دوران رسانس با کمک جغرافیه دانان و دریا نوردان اسلامی بود که توانستند از اقیانوس اطلس بگذرند و دماغه امید (نیک) را دور زنند و از حادثه به کمک همین مسلمین قدرت و سیاست دریابی مسلمانان را از پهنه اقیانوس هند بر چیدند.

قرن ها پیش از کلمب و آمریکو، این جهانگردان و تاجران و جغرافیه دانان مسلمان بودند که ما به قارهٔ امریکا گذارده و آن را کشف کردند چنانچه اسناد تاریخی و جغرافیائی این را نشان می دهد و سیاحان اروپائی که قرنها بعد وارد این قاره شدند، بالغات عربی و اصطلاحات شرقی در آن منطقه نیز مواجه شدند.

جلسه پنجم

موضوع: در مورد جغرافیای بشری قارهٔ امریکا چه میدانید؟

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- نژاد های ساکن قارهٔ امریکا را شناسائی کنند.
- تاریخچه زنده گی امریکائی ها را بیانکرده بتوانند.
- فرهنگ و زبان را یج را در قارهٔ امریکا توضیح کرده بتوانند.
- وجه تسمیه امریکای لاتین را معرفی کنند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر نقشه سیاسی جهان، نقشه بشری قارهٔ امریکا، اطلس های جغرافیائی، مُدل کرهٔ زمین.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف جلسه را قبلاً در فلیپ چارت تحریر کنید.
- حاکمیت بالای موضوع درس داشته باشد.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را در تخته مقابل صنف نصب کرده و توسط مشمولین آنرا توضیح داده و در اخیر جلسه خود مربی بالای اهداف که قبلاً تهیه کرده بحث کند.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی هدایت میدهد که نخست شاملان طور انفرادی به مطالعه خاموشانه پرداخته مدت ۱۰ دقیقه بعداً بشکل جوره با هم نظریات خود را بروی نقشه ها شریک بسازند مدت ۱۰ دقیقه. در اخیر مربی پرسش های ذیل را طرح مینماید: سوالات: - در قارهٔ امریکا چند نوع نژاد را مشناسید؟ - بومیان یا سرخ پوستان چه مفهوم دارد؟ - سفید پوستان در قارهٔ امریکا کی ها هستند؟ - سیاه پوستان در قارهٔ امریکا چگونه افزایش یافتند؟ - چرا فرهنگ انگلیسی در امریکائی شمالی ایالات متحده امریکا، کانادا مسلط است؟ - امریکائی لاتین یعنی چه؟
۱۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را توضیح میکند.

۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: شاملان به سه و یا چهار گروپ تقسیم میشوند. تمام گروپ ها نقشه قارهٔ امریکا را ترسیم کنند و همچنان در آن موضوعات ذیل را مشخص بسازند: گروپ اول: بومیان یا سرخ پوستان در کدام قسمت قارهٔ امریکا زنده گی میکند در نقشه نشان داده و توضیح شود. گروپ دوم: سفید پوستان از کجا مهاجرت کردند و در کدام قسمت قارهٔ امریکا زیست میکند. گروپ سوم: سیاه پوستان در کجا زنده گی میکند. گروپ چهارم: دو فرهنگ و زبان که در براعظم امریکا را یج است مناطق آنرا تعیین و توضیح کنید.
۱۰ دقیقه	خلاصه: - مربی بالای اهداف که قبلاً تهیه کرده بود بحث میکند. - نکاتیکه در جریان تدریس باقیمانده است مربی بالای آن بحث و موضوع درس را جمع بندی کرده و درس را خلاصه و بسته میکند.

در مورد جغرافیه بشری قارهٔ امریکا چه می دانید؟



الف- نژاد و زبان:

مردم قارهٔ امریکا از نژاد ها و شاخه های گوناگون تشکیل شده اند و مهمترین آن ها عبارت اند از!

۱- بومیان یا سرخ پوستان:

ساکنان اصلی و قدیمی امریکا را تشکیل می دهند که در ایالات متحده امریکا و کانادا زنده گی می کنند و به آنها هندیها (Indian) نیز می گویند. پس از کشف امریکا و باورود سفید پوستان اورپایی به این قارهٔ که در جستجو و تصرف زمین های سرخ پوستان بودند جنگ های متعدد بین بومیان و اروپاییان رخ داده که به سبب آن امروز عدهٔ کمی از آنها باقی مانده اند.

شغل این مردمان زراعت و شکار حیوانات بود و از ریشهٔ درختان نیز تغذیه میکردند. سرخ پوستان را از نژاد زرد پوستان نیز می دانند که در گذشته ها از قارهٔ آسیا ازطریق آبنای بیرنگ به قارهٔ امریکا مهاجرت کردند.

۲- سفید پوستان:

از قرن شانزدهم میلادی به بعد به تدریج مهاجرت سفید پوست اروپا به امریکا آمدند.
در آنجا زنده گی کردند و روز به روز به تعداد آنها افزوده شد. امروز عده یی زیادی از مردم قارهٔ امریکا دو رگه هستند که از اختلاط نژاد و میلت های گوناگون به وجود آمده اند.

۳- سیاه پوستان:



سیاه پوستان امریکایی در واقع فرزندان و نواده گان برده گان افریقای هستند که در دوران استعمار به وسیله سفید پوستان اروپایی برای کار در مزارع زراعتی و معادن به اجبار به این قاره آورده شدند.

امروز عدۀ زیادی از سیاه پوستان در امریکای شمالی، مرکزی و جنوبی زنده گی میکنند.

در ایالات متحدۀ امریکا سیاه پوستان بشر در جنوب شرقی این کشور و نیز در شهر های بزرگی چون شیکاگو و نیوریارک زنده گی دارند.

و شرایط زنده گی آنان از نظر اقتصادی، اجتماعی در مقایسه با سفید پوستان نا مناسب است.

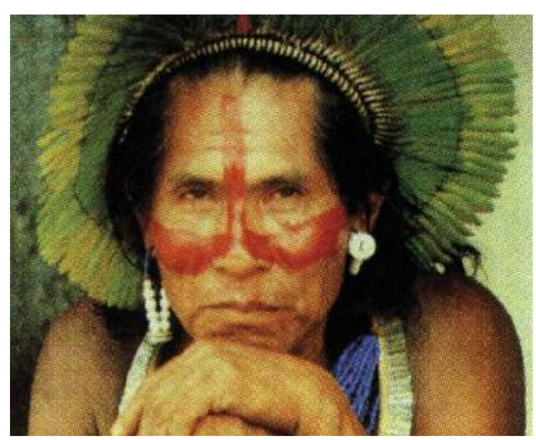
آیا میدانید دو فرهنگ و زبان های رایج در قارۀ امریکا کدام است؟

الف- آمریکا شمالی:

در امریکای شمالی یعنی در ایالات متحده امریکا، کانادا انگلیسی ها در اثر مهاجرت و سکونت در اوایل قرن هفده و اواخر قرن هجده یک نوع فرهنگ انگلیسی را بر قرار کردند که هنوز هم باقی است و مردم کانادا به زبان های انگلیسی و فرانسوی و مردم ایالات متحده امریکا به زبان انگلیسی تکلم می کنند.

ب- امریکای لاتین:

قسمت امریکای مرکزی و امریکای جنوبی مجموعاً لاتین معروف است هم نام این منطقه و هم روش زنده گی آنان نماینده گی از فرهنگ اروپایی لاتین یعنی هسپانیه و پرتگال می کند که زبان اسپانیوی زبان رایج ۱۸ جمهوری از ۲۰ جمهوری این منطقه می باشد. مردم برازیل به زبان پرتگالی و هاستی به زبان فرانسوی تکلم میکنند.



چهره سرخ پوست



چهره سفید پوست



چهره سیاه پوست

جلسه ششم

موضوع: راجع به جغرافیای مواصلاتی امریکا چه می دانید

وقت: ۹۰ دقیقه

اهداف: شاملان الی اخیر جلسه قادر خواهند بود که:

- جغرافیه مواصلاتی را تعریف کرده بتوانند.
- انواع مواصلات را در براعظم امریکا نام گرفته بتوانند.
- ترانسپورت پایپ لین در امریکای شمال بیان نمائید.
- مواصلات امریکای شمالی را با امریکای جنوبی مقایسه کنند.

مواد مورد ضرورت:

- فلیپ چارت، مارکر، نقشه سیاسی جهان، نقشه مواصلاتی قارهٔ امریکا، مُدل کرهٔ زمین و اطلس های جغرافیائی.

آمادگی مربی:

- موضوع و اهداف جلسه را قبلاً بروی چارت تحریر نماید.
- محتوای درس را قبلاً آمادگی گرفته و حاکمیت بالای موضوع درس داشته باشید.

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	فعالیت اول: مربی چارت موضوع و اهداف جلسه را در مقابل صنف نصب کرده و دریعهٔ چند تن از شاملان توضیح کرده و در اخیر جلسه خود مربی بالای اهداف که قبلاً تهیه شده بحث کند.
۱۵ دقیقه	فعالیت دوم: مربی هدایت میدهد که شاملان طور خاموشانه بشکل انفرادی محتوای درس را مطالعه کرده و هر یک از شاملان یک و یا دو سؤال از متن درس نزد خود آماده میسازد. بعد از ۱۰ دقیقه خواندن درس، صنف به دو گروپ بزرگ تقسیم میشوند و گروپ ها در مقابل همدیگر قرار گرفته و یک تن از یک گروپ سؤال خود را مطرح مینماید و در مقابل پاسخ ارائه میدارد به همین منوال پروسه سؤال و جواب ادامه می یابد.
۱۵ دقیقه	فعالیت سوم: مربی موضوع درس را تشریح و توضیح مینماید.
۳۰ دقیقه	فعالیت چهارم: شاملان با شمارش اعداد به گروپ های مناسب تقسیم میشوند و مربی موضوعات کار گروپی هر گروپ را قبلاً در کاغذ A۴ تحریر کرده تا از ضیاع وقت جلوگیری صورت گیرد. گروپ اول: جغرافیای مواصلاتی را تعریف کرده و مواصلات امریکائی شمالی و جنوبی را با هم مقایسه کرده توضیح نمایند.

	گروپ دوم: مواصلات امریکای شمالی و امریکای جنوبی را مقایساً توضیح کنند. گروپ سوم: مواصلات آبی امریکائی شمالی و جنوبی را توضیح کنید. گروپ چهارم: مواصلات زمینی امریکائی شمالی و جنوبی را توضیح کنید.
۱۰ دقیقه	خلاصه: – اهداف که قبلاً تهیه شده بود بالای آن بحث کرده و بعداً موضوعات که در جریان درس باقیمانده جمع بندی و توضیح مینماید.

راجع به جغرافیای مواصلاتی امریکا چه می دانید؟



جغرافیه مواصلاتی عبارت از مطالعه ارتباطات بین محلات، شهر ها و بندرگاه های مهم تجارتی می باشد، که در این مسیر امتعهٔ تجارت (واردات، صادرات) و حمل و نقل افراد و اشخاص صورت می گیرد که انواع مختلف دارد.

راه های مواصلاتی امریکا را میتوان تحت دو عنوان جدا گانه مطالعه نماییم.

امریکای شمالی:

الف: مواصلات زمینی



امریکای شمالی دارای شبکه های متراکم، شاهراه و راه های آهن است، که همه شهر ها، مراکز استخراج معادن، مراکز صنعتی، مصرفی و بنا در کشور ها را باهم مرتبط ساخته است، یعنی خطوط آهن و شاهراه های کشور های امریکای شمالی بین خود و هم با کشور های ساحلی بحر الکاهل امریکای مرکزی وصل گردیده که با استفاده از آن میتوان به این همه کشور ها سفر ها و روابط تجارتی قایم نمود.

ب: مواصلات آبی:

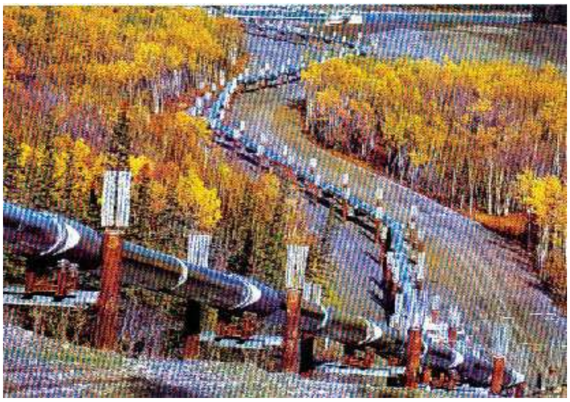


موقعیت مناسب جغرافیائی امریکای شمالی در بین بحر اتلانتیک و بحر الکاهل و بریده گی های مناسب ساحلی باعث آن شده تا تاسیسات و بندرگاه ها، تجارت و فن کشتیرانی در این مناطق ارتقا یابد و بیش از صد کشور ساحلی جهان از طرف آن تجارت نمایند. همچنین با استفاده از راه های آبی و دریایی نیز میتوان در داخل کشور و ازطریق آن به راه های بین المللی راه یافت.

ج: مواصلات هوایی:

این ترانسپورت معمولاً برای فاصله های دور غرض انتقال فاصله های دور غرض انتقال مسافرین و اموال که وزن آن کم و ارزش آن بیشتر باشد، مورد استفاده قرار می گیرد. بزرگترین کمپنی های ترانسپورت هوائی ایالات متحده امریکا و کانادا با داشتن تعداد زیادی از طیارات خورد و بزرگ خود در داخل و خارج کشور در عرصه ترانسپورتی فعالیت دارند.

د: ترانسپورت پایپ لین:

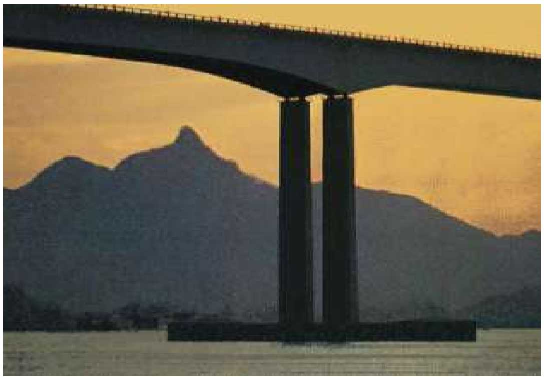


توسط این ترانسپورت بیشتر مایعات بدون ضایعات با سرعت زیاد به مراکز مصرفی انتقال میگردد. این ترانسپورت بیشتر در کشور های امریکای شمالی انکشاف نموده و برای انتقال نفت، گاز و آب استفاده میشود.

امریکای جنوبی:

عوامل طبیعی در این قاره مانع بزرگ برای توسعه راه های ارتباطی می باشد. سلسله کوه های اندیز از یک طرف و جنگلات وسیع آمازون ازطرف دیگر توسعه راه های ترانسپورت را برای کشور های ذینفع کمتر ممکن ساخته است. کشور های امریکای جنوبی از نگاه راه های خشکه فقیر می باشد.

الف: مواصلات زمینی:



خطوط آهن در امریکا جنوبی بیشتر در دو ناحیه نفوس، منطقه قهوه خیز برازیل در اطراف ریودوژانیرو و منطقه حاصل خیز پامپاس در اطراف بؤنس آیرس متمرکز گردیده است.

خطوط مهم آهن امریکای جنوبی قرار ذیل است:

۱- راه آهن سرتا سری کشور ارجنتاین به کشور چیلی.
۲- خط آهن کشور ارجنتاین به بولیویا.
۳- راه آهن ساحل شرقی از کشور ارجنتاین به کشور برازیل.
۴- راه آهن کشور بولیوی به کشور چیلی.

شاهراه به نام پان امریکن که بسیاری پایتخت های امریکای جنوبی را به هم پیوند می دهد یکی از مهمترین شاهراه های امریکای جنوبی محسوب می شود.

ب: مواصلاتی آبی:



کشور های امریکای جنوبی از نگاه راه آبی غنی می باشند، زیرا بسیار از دریا ها به فاصله های خیلی زیاد قابل کشتی رانی می باشند. مثلاً دریای آمازون به طول ۴۰۰ کیلو متر قابل کشتی رانی است. از طرف دیگر واقع شدن امریکای جنوبی درین بحر الکاهل و اتلانتیک، این امر سبب توسعه

مواصلات آبی شده است. کانال پانامه که بحر اتلانتیک را به بحرالکاهل وصل میکند، طول آن ۸۲ کلیو متر می باشد. و دارای اهمیت خاص اقتصادی و استراتیژیکی است.

ج: مواصلات هوائی:



با توجه به محدودیت توسعه راه های زمینی در اکثر کشور های امریکای جنوبی بیش تر به راه های هوائی توجه نموده اند.

بر علاوه برخطوط بین المللی هوائی که مورد استفاده قرار می گیرد، قسمت عمده ارتباطات داخلی مخصوصاً برازیل و ارجنتاین که وسعت خاک آن ها خیلی زیاد است، از راه هوا تأمین میشود.

تجارب جغرافیه

در نبود لابراتوار

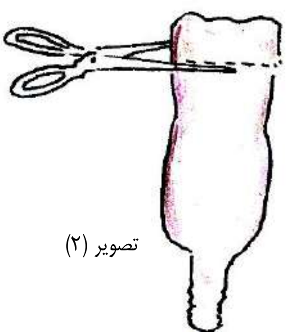
مؤلف: کمله باری

بخش اول

درس اول

جریان آب را بالای خاک ملاحظه نمایید

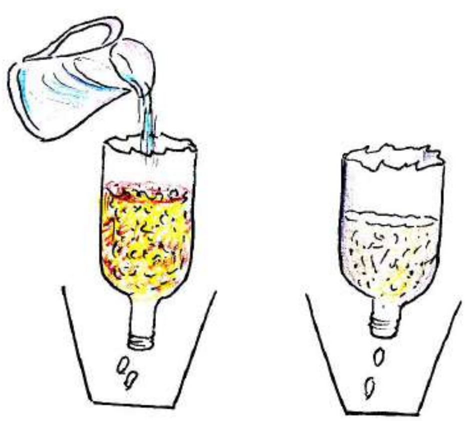

تصویر (۱)

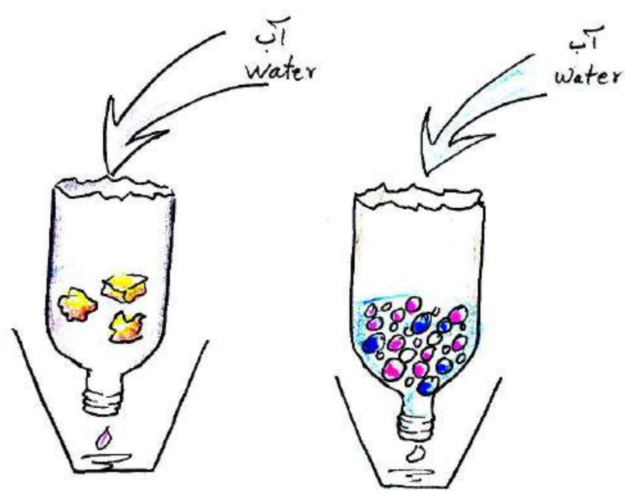

تصویر (۲)

۱. نمونه های خاک را از جاهای مختلف جمع آوری کنید. تصویر (۱)
۲. نمونۀ خاک ها را در بوتل های مختلف بگذارید. عین مقدار آب در هربوتل انداخته شود. تصویر (۲)
۳. مشاهده کنید که چه قدر وقت را آب در گذشتن از روی خاک ،در هر بوتل در بر میگیرد آیا آب از زیر مرتبان بیرون میشود؟ تصویر (۳)

آب به سرعت از ریگ میگذرد و به آهستگی از خاک عبور میکند اگر آب به بسیار سرعت بگذرد ریشه های نباتات تغذیۀ درست نمی توانند و اگر به بسیار آهستگی عبور نماید ریشه های نباتات گندیده گی (پوسیده گی) پیدا میکنند.

۴. مواد دیگری را در بوتل انداخته و مشاهده کنید که آب چگونه از آن عبور میکند مواد مانند: برگهای مرده، کاغذ دستمال کاغذی، اسفنج، خاک و سنگ مرمر را تجربه نماید.


تصویر (۳)



تصویر (۴)

درس دوم

چطور ریشه های نباتات میتوانند از فرسایش خاک جلوگیری نمایند؟

اصطلاح اساسی ساینس: شاگردان به ارزش نباتات و ریشه های آن در امر غنا و حفاظهٔ خاک زراعتی آشنا میگردند.

قطعهٔ از زمین را که دارای قشر سخت و سطح مایل بوده در کنار مکتب و یا نزدیک خانهٔ تان که در آن نباتات وجود ندارد مورد آزمایش قرار دهید. مقداری از آب را از ارتفاع تقریباً ۳۰ سانتی متر بالاروی این قطعه از خاک بریزید. بعد از این آب را مشاهده نمایید و از خود بپرسید که بالای آب چی واقع شده است؟ تقریباً تمام آب بطرف پایین جریان نموده و در عین زمان مقداری از خاک را با خود از همان قطعه زمین که مایل است آورده است.



تصویر (۱)

این بار عین مقدار آب را بالای قطعهٔ زمین مانند اولی (سطح سخت و مایل) بریزید در اینصورت مشاهده خواهید نمود که تقریباً تمام آب در خاک جذب شده و همچنان خاک سطح زمین را با خود بیجا ننموده است. شما بهتر میدانید که نباتات در اثنای روییدن خاک های سخت را نرم نموده و این عمل باعث میگردد که آب بتواند به سهولت در خاک جذب گردد



تصویر (۲)

باید به خاطر داشت که نموی نباتات و درختان در تپه ها، خاک مفیدهٔ تپه ها را از فرسایش نجات میدهند. تصویر (۱) قابل یاد آوری است که قطع نمودن در ختان و یا تخریب نباتات تپه ها توسط حیوانات علف خور باعث میگردد که سطح مفیده خاک آن توسط باران رو به فرسایش باشد. تصویر (۲)

به نظر شما دهاقین کدام طرق دیگری را مورد استفاده قرار دهند تا از جریان پایین آمدن آب از تپه ها جلوگیری نمایند.

- زمین های تپه یی را به طور افقی بیل میزنند تا از جریان آب از تپه ها بطرف پایین جلوگیری نمایند.
- زمین ها را به قطعات کوچک که بتوانند آب را در خود نگهدارند تنظیم مینمایند تا بدین صورت از تخریب و یا فرسایش خاک جلوگیری به عمل آید.
- بعضاً دهاقین از طریق ساختن پلوان ها و یا آب گردانها از جریان پایین آمدن آب از تپه ها جلوگیری مینمایند.

درس سوم

کاسه های بادی و فرسایش باد

مفاهیم عمدهٔ ساینس: آموزش در بارهٔ فرسایش باد و تاثیرات آن بالای زراعت.

درین درس اطفال دربارهٔ تاثیرات ویرانگر فرسایش باد و راه های جلوگیری از آنرا می آموزند.

مواد مورد ضرورت:

بکس های کارک که به عمق ۲ سانتی متر بریده شده باشد، خاک کاملاً خشک، بلاکهای کوچک چوبی. درصورت نبودن بکسها میتوانید از پطنوس های بزرگ استفاده نمایید.

آغازکار: یک بستهٔ کوچک را که توسط کاغذ تحفه پوش شده باشد به شاگردان نشان بدهید. شاگردان نمی دانند که درآن چی است، شاید گرانبها ترین چیز در روی زمین (کثافت) باشد از شاگردان بخواهید تا دریابند که در داخل آن چیست. بعد مواد داخل آنرا به شاگردان نشان دهید. حالا بگویید که چرا کثافت گرانبها ترین مواد در روی زمین است.

بحـــث:

انسانها و حیوانات خاک را ساخته نمیتوانند. (کرمهای زمینی میتوانند خاک را اصلاح نمایند ولی آنها قادر به ساختن آن نیستند). اگر خاک توسط شمال و یا سیلابها شسته شود برای همیش ازبین میرود. خاک همراه با آفتاب، اساس زنده گی در روی زمین می باشد. انسانها و حیوانات از نباتات تغذیه می نمایند.

انسانها در ازبین بردن خاکهای خوب رول مهم دارند، آنها بعضی اوقات با قطع نمودن درختان کـه باعـث خشـک شـدن ریشه ها می گردد زمینهٔ ازبین رفتن خاک را مهیا میسازند. البته باید گفت که ریشه ها در محکم نگهداشتن خاک بـالای زمین بسیار مهم می باشد. این امر در مناطق بی ثمر جایی که درختان قطع گردیده اند بسیار به مشاهده میرسد که کـوه ها در افغانستان و کشور مصر مثال عمدهٔ آن است.



کاسه های بادی در افغانستان

تاریخچهٔ کاسه های بادی:

در اوایل قرن بیستم در قسمتهای زیادی از امریکا مردم سکونت نداشتند. حکومت با پیشنهاد سود ارضی (سود بردن با بدست آوردن املاک) میخواست مردم در آنجا به زنده گی آغاز نمایند. آنها با مهیا ساختن زمین به افرادی که تقاضای آنرا داشتند از ایشان می خواستند تا در آنجا به زنده گی آغاز نمایند.



بسیار از راپورها نشان می دهد که هنگـام رسـیدن مهـاجرین در آنجـا سـبزه زارهای بزرگ که سبزه ها با بلندی ۱۳ فُت ریشه هـا بـاعمق ۶ فُـت در آن موجود بود قرار داشت. دهقانان برای کشـت گنـدم سـبزه هـا را درو کردنـد. در زمان جنگ جهانی اول کشت گندم از منفعت خوب برخـوردار بـود. بعـدها کشـت گندم از مفاد چندان خوبی برخوردار نبود به همـین دلیـل دهقانـان مـزارع خـود را ترک نمودند که این امر باعث بوجود آمدن کاسه های بادی درین مناطق گردید.



هزارها تن خاک در طوفانها برباد رفت، خاک از شهر های همجوار تیکساس و کلورادو به شهر نیویارک توسط باد انتقال می گردید. تنها جاهاییکه از طوفان مسئون ماند عبارت از تپه های ساختگی، مزارع دهقانان، باغ ها، و خانه ها بود. این مشکل با سالهای خشک سالی بیشتر گردید و مردم بسیار ناوقت به این موضوع پی بردند که ریشه ها باعث محکم نگهداشتن خاک میگردد، بنابرین موضوع درس ما دریافت راه های نگهداری خاک از برباد رفتن است.

طرز عمل:



به شکل گروپی کار نمایید. یک کنار بکس را باز نموده آنرا هموار نمایید. مقدار خاک را بالای بکس و یا پطنوس هموار نمایید. بعد بلاکهای چوبی را در آن قرار بدهید که آنها نماینده گی از خانه ها و چهار دیواریهای حیوانات نمایند.

به شاگردان هدایت بدهید تا حد اقل ۵۰ بار از کناری که باز نموده بودند مستقیماً در مقابل خاک پف نمایند.

بعد از اجرای این عمل تاثیرات شمال را بالای خاک مشاهده نمایند.

مشاهده باید شامل مواد ذیل باشد:

- کاغذ کارک باز
- برباد رفته گی ها به جز از سنگها.
- خانه ها شاید پوش شده باشند.
- اساسات ازبین رفته می باشد.
- تپه ها.

چالشها:



خاک را دوباره هموار نموده خانه ها را بالای آن دوباره قرار دهید.

آیا شاگردان قادربه دریافت راه های محفوظ نگهداشتن خاک از باد هستند؟

شاگردان شاید از اشیای داخل صنف و بیرون استفاده نمایند. آنها برای پوش نمودن این مزرعه از یک سقف استفاده نخواهند کرد.

بعد از اینکه شاگردان راه های حل را دریافت نمودند، برای مشاهدهٔ راه حل شان باید بالای مزرعهٔ کوچک جمع شوند و از ایشان خواسته شود تا بالای مزرعه با دهن شان پف نمایند تا مشاهده نمایند که راه حل شان مفید است و یا خیر.

مثالهایی که شاگردان تدارک نموده:

- دیوارها، موانع شمال.
- نباتات برای محکم نگهداشتن خاک مهم اند.
- تر نمودن خاک.
- روشهایی را که ساینس دانهای حکومات برای نگهداشتن خاک استفاده مینمایند.
- بادشکن ها، دیوارها، درختان، قطارهای گل آفتاب پرست.
- کار کردن در مقابل باد: غرس نمودن دانه های نباتات در مقابل جریان باد، گذاشتن کلوخها در مزرعه، نگهداری نباتات در مزرعه، نگهداشتن خرمن در مزرعه بعد از درو.

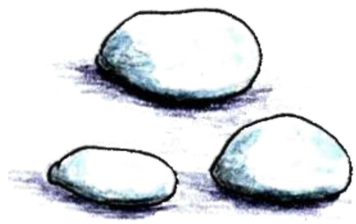
بحث و سؤالات

۱. مروری به بادهای ۱۲۰ روزهٔ مشهور افغانستان نمایید. حالت بادهای ساحوی را مورد بحث قرار دهید. بطور مثال در کابل معمولاً بادهای قوی در بعد از ظهر می وزد.
۲. این بادها در هنگام هوای خشک با خود گرد و خاک را انتقال میدهد. آیا خاک در چشمها و یا درگلوی شاگردان در جریان بادهای قوی داخل گردیده است؟ در افغانستان مردم معمولاً روهایشانرا با چادر و شال می پوشانند که باعث جلوگیری از داخل شدن خاک می گردد ولی در امریکا مردم از شال و یا چادر استفاده نمی نمایند که باعث داخل شدن خاک در ششهایشان می گردد.
۳. در هنگام وزیدن باد در شش های حیوانات چی اتفاق می افتد؟ آنها چگونه خود را حفاظت میکنند؟ در باد های شدید امریکا حیوانات در اثر تنفس زیاد میمیرند. چگونه آنها را میتوان محافظت کرد؟
۴. شاگردان، کدام روشها را در مزارع شان برای جلوگیری از خاکباد استفاده می نمایند؟ آیا دهقانان از این روشها استفاده می کنند؟
۵. تصاویری را که دهقانان واقعی برای جلوگیری از خاکباد استفاده می نمایند مرور نمایید. راه حل آنها را با راه های حل شاگردان مقایسه نمایید.
۶. آیا کوه های بی ثمر افغانستان در گذشته ها دارای درختان زیاد بوده؟ بعضی از گزارشهای تاریخی نشان میدهد که این کوه ها دارای درختان زیاد بوده است که از ارزش خاص بر خوردار بوده است. (باعث محکم نگهداشتن خاک و آب می گردیدند).
۷. چگونه میتوان خاک های از دست رفته را احیا نمود. (البته آوردن آن به حالت اول نسبت به نگهداشتن خاک که از قبل موجود است مشکلتر می باشد، ولی با آن هم میتوان که با غرس نمودن نباتات جلوگیری از غایب شدن خاک را به عمل آورد).
۸. در منزل و مکتب تان برای نگهداشتن خاک چی کرده میتوانید؟

درس چهارم

شور دادن خشت

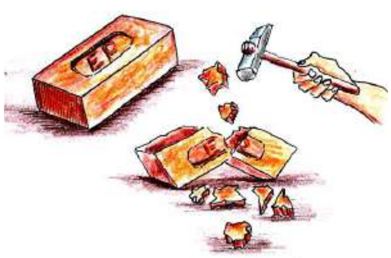
اصطلاحات اساسی ساینس: یکی از طرق فرساییدن سطح زمین همانا خراش و یا سایش آن سطح میباشد.



وقتیکه به سطح دریا نظر اندازید سنگ های لشم آنرا مشاهده مینمایید، بیایید از خود بپرسیم که چرا این همه سنگ ها لشم اند؟

۱. توسط چکش یک خشت را به توته های خرد تبدیل نمایید.

۲. توته های خشت را به دقت مشاهده نمایید، آنرا لمس کنید، آنرا رسم نمایید، آنها را اندازه نمایید، کنارهای آنرا لمس نمایید و کنار های آنها را مطالعه نمایید. آیا کنار های شان تیز است و یا خیر؟



۳. توتهٔ خشت را در داخل یک بوتل که نصف آن از ریگ پر است بگذارید و سر بوتل را بسته نمایید.

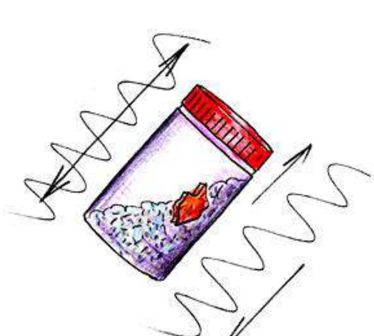
۴. همرای گروپی از رفقای تان این بوتل را برای ۱۰۰۰ مرتبه شور دهید. باید یاد آور شد که این کار نباید وقت زیاد شما را بگیرد. برای انجام این تجربه به هدایات بعدی توجه نمایید.



۵. چطور میتوان بوتل را برای ۱۰۰۰ مرتبه به سرعت تام شور داد. باید گفت که یک طفل میتواند به سرعت، این بوتل را برای ۱۰ مرتبه شور دهد (۱۰*۱۰=۱۰۰) اگر این عمل به سرعت انجام پذیرد صرف ۳۰ ثانیه وقت را خواهد گرفت. اگر ۱۰ شاگرد این کار را انجام دهد ۱۰۰۰ مراتب بوتل را شور داده اند.



۶. حالا بوتل را خالی نمایید. توتهٔ خشت را مشاهده نمایید و اظهار دارید که آیا توتهٔ خشت تغییر نموده است و یا خیر؟ کنار های توتهٔ خشت را مشاهده و تغییرات آنرا دقیقاً مطالعه نمایید کناره های توتهٔ خشت تیز اند و یا کند؟ بعد از انجام این فعالیت واضحاً توتهٔ خشت خرد ولشم شده است. این خردی ولشم شدن آن توسط ریگ که در بوتل جا داده شده صورت گرفته است. یعنی بطور خلص ریگ توتهٔ خشت را ساییده و خرد ساخته است.



حالا بیایید از خود بپرسیم که چرا سنگ های سطح دریا لشم اند؟

چطور میتوانیم که این سنگ ها را هر چه بیشتر خرد و لشم ساخت؟ البته جواب برای ما معلوم است یعنی ما میتوانیم توسط ریگ درشت تر و شورانیدن طولانی تر میتوان همان توتهٔ خشت را خردتر و لشم تر ساخت که واقعیت در امر سنگ های دریا نیز صدق میکند.

سؤالات

۱. چطور میتوان این خشت را هر چی بیشتر لشم و خرد ساخت؟ توسط ریگ درشت تر و شورانیدن طولانی تر.

۲. دهقانی روزی زمینش را نرم میکرد دفعتاً بعد از روز های طولانی کار وی به تخته های سنگ های بزرگ مواجه شد. به نظر شما این تخته سنگ ها از کجا در آن جا پیدا شده است؟

به وضاحت میتوان گفت که بدون تردید این زمین وی روزی بستر دریا بوده است.

۳. شما در تجارب روزمرۀ تان مشاهده نموده اید که زرگر سنگ های قیمتی را تراشیده و از آنها سنگ های مقبولی تیار نموده که بعداً از آنها زیورات قیمتی تیار میکند و مردمان برای زینت از آنها استفاده مینمایند. سنگ تراش یک آلۀ برقی است که به روی سطح سنگ ها مرور داده میشود و سنگ ها را میتراشد. همان ریگ که شما در بوتل گذاشته بودید وظیفۀ همین سنگ تراش را انجام داده است و توتۀ خشت تجربی شما را خرد ولشم نموده است.

۴. در صورت موجودیت باد و ریگ ها، بالخصوص ریگ های درشت و یا در صورت موجودیت ریگ و آب جاری تخریش و فرسایش سطح زمین صورت میگیرد. شما میتوانید قسمت هایی از افغانستان را نام ببرید، باالخصوص کنار دریا ها، جهیل ها حتی در کابل که ریگ و باد و یا آب و ریگ باعث فرسایش زمین و یا کوه، گردیده باشد.

۵. اگر به اهرام های مصر نظر اندازید مشاهده خواهید نمود که بعضی قسمت های شان تراشیده و یا فرساییده شده است. دلیل این است که باد و ریگ همه و همه این فرسایش ها را در اهرام های تاریخی به وجود آورده است.

۶. به نظر شما کدام یک، تعمیر سنگی و یا تعمیراتی که از سنگ ساخته نه شده اند زودتر فرسایش میگردد (تعمیراتی که از مواد نرم ساخته شده اند به زودی فرسایش میگردند).

ارزیابی:

شاگردان میتوانند که همان تجربۀ قبلی شانرا تکرار نمایند. آنها به سرعت بوتل را شور دهند ومراتب شور دادن را به دقت محاسبه نمایند. شاگردان همان توتۀ خشت را که مورد تجربه قرار داده اند رسم نمایند. شاگردان این بار تصویر توتۀ خشت را که بعد از شور دادن موجود است نیز رسم نمایند و بعداً این دو رسم های شانرا با هم مقایسه نمایند. نتایج مشاهدات شانرا در کتابچه های یادداشت شان ثبت نمایند.

شاگردان هر کدام شان بوتل های جداگانه را گرفته و تجربۀ را انجام داده شاگردان را مشاهده نمایند که از دیگران پیش قدم اند و زیادتر در کمتر وقت بوتل مربوطۀ شانرا شور داده اند. از ایشان بخواهید که این بار سنگ های مختلف یعنی نرم و سخت و سخت تر را امتحان نمایند و نتایج کار شانرا با دیگران شریک سازند.

درس پنجم

دوران کلسیم

اصطلاحات اساسی ساینس: دانستن ساختار سطح زمین، دانستن پروسس تشکل منرالهای دارای کلسیم



سنگ آهک یک نوع از کلسیم کاربونیت میباشد.

۱. در بالای کوه های مرتفع شما میتوانید مقداری از سنگ آهک را ملاحظه نمایید.



۲. وقتی در بالای کوه ها باران میبارد آب باران مقداری از سنگ آهک ر ابا خود جذب نموده که این عمل باعث ایجاد مغاره های زیبا میگردد. و مخلوط آب و سنگ آهک توسط ریشهٔ نباتات جذب میگردد.

۳. حیوانات و انسانها این نبات را میخورند و از آن کلسیم را بخود میگیرند. در عین زمان وقتیکه انسانها شیر حیوانات را مینوشند مقداری از کلسیم را از آن حاصل میدارند.



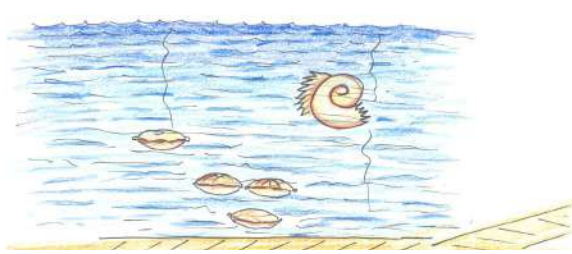
این درس مقدماتی پیرامون دوران کلسیم کاربونیت باعث طرح تعداد متعددی از سوالات در ذهن شما میگردد. بطور مثال: شما از خود میپرسید که چطور باران میتواند که سنگ آهک را جذب نماید؟ برای دریافت جواب این سوال و سوالات دیگر ناگزیر شما به کتب معتبر جیولوژی مراجعه نمایید. این درس به طور ساده طرح و تنظیم گردیده ولی در واقعیت امر شما را به مسایل عمده که در حیات روزمره بدان مواجه میشوید میکشاند. باید علاوه نمود که شما در اثنای آببازی در بحر امر در مواد منحل شدهٔ سنگ آهک شناور میباشید.





۴. حیوانات نر م تن ویا نرم تنان بحری از سنگ آ هک منحل شده اقشار شانرا میسازند.

۵. وقتیکه این حیوانات میمیرند اقشار شان در سطح بحر قرار میگیرد.



۶. در طول میلیون هاسال این اقشار جمع میگردند و توسط فشار بزرگ با هم جمع شده ودر نتیجه طبقه های بزرگ آهک را تشکیل میدهند.

۷. در طول میلیون ها سال فشار زمین این اقشار

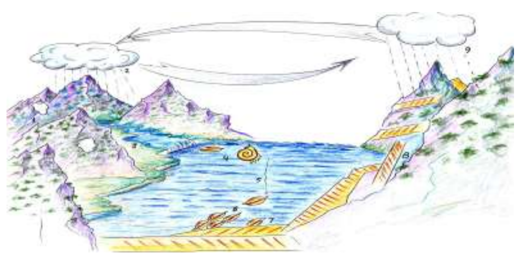


متراکم آهک را به طرف بالا میکشاند وبدین وسیله قشر آهک سطح بحر منحیث کوه ها تبارز مینمایند. البته این پروسه میلیون ها سال را در بر میگیرد.

۸. آب باران به سر کوه ها میبارد از خود بپرسید که بعد چی واقع میشود؟



دوران کلسیم:



بخش دیگر از دوران کلسیم:

چطور کلسیم در استخوانهای مان قرار میگیرد؟

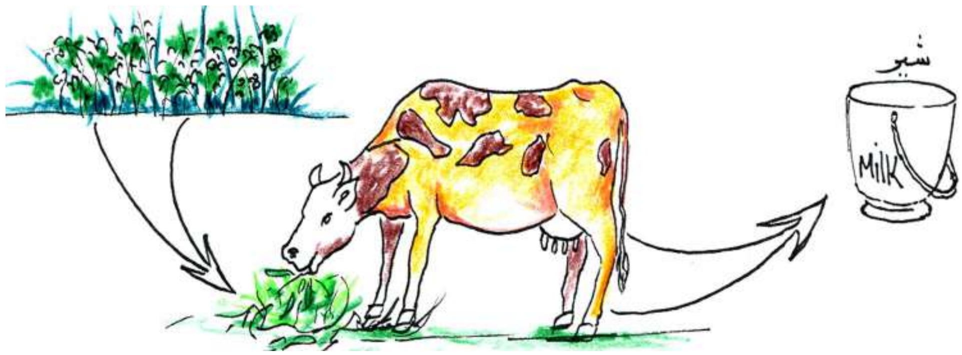
۱. سنگ آهک در آب باران منحل گردیده و از اینطریق با خاک یکجا میگردد.





۲. نباتات این را از طریق ریشه های شان جذب میکنند.

۳. انسانها وحیوانات نباتات را میخورند واز خوردن آن در وجود شان کلسیم ذخیره میگردد. وقتیکه انسانها از حیوانات شیر مینوشند نیز کلسیم ذخیره مینمایند. (کلسیم در دندانها- استخوانها و خون ذخیره میگردد).



سؤالات

۱. چرا ما اظهار میداریم که کلسیم، جز از سایکل یا دوران طبیعی (**Natural cycle**) میباشد؟
۲. از موادی نام ببرید که دارای کلسیم میباشند؟ (فوسیل ها و یا قسمت های قشری حیوانات بحری، سنگ های آهک، ساختمان های مغاره ها، استخوانهای دندانها، نباتات که در خاک آهک دار روییده اند، شیر).
۳. حیوانات، چطور کلسیم را حصول میدارند؟ در کدام قسمت های بدن حیوانات کلسیم ذخیره میگردد؟ (در قسمت های استخوانها، خون و دندانهای شان).
۴. در صورت ریزش باران بالای سنگ های آهک، چی واقع میشود؟
۵. تشکل مغاره ها با دوران کلسیم چی رابطه را میتواند بر قرار نماید؟ در این درس در اینمورد چی نوع تشریحات گنجانیده شده است؟
۶. چطور فوسیل های بحری میتوانند پروسهٔ دوران کلسیم را کمک نمایند؟

ارزیابی:

در پطنوس یک تعداد از اجناس را قرار دهید. از شاگردان تان بپرسید که اولاً موادی که دارای کلسیم است آن را جدا نمایند و بعداً آنرا در گروپ جداگانه قرار دهند. بعد از این از شاگردان تان بپرسید که چطور کلسیم توانسته است که به هر کدام از این مواد جا گیرد؟ و هم از ایشان بپرسید که بعد از این بالای دوران کلسیم چی واقع میشود؟

شاگردان از چندین طریق میتوانند که این وظیفه را تکمیل نمایند. در قدم اول میتوان از مباحثات صنفی نامبرد زیرا از اینطریق شاگردان میتوانند که نظریات شانرا با یک دیگر شریک سازند. در عین زمان میتوانند از خانه پری چارت که در صفحهٔ عقب قرار دارد نیز استفاده نمایند. این چارت میتواند شاگردان را وادارد تا نظریات و افکار شانرا تنظیم نمایند. معلم میتواند شاگردان را در عین کار با این چارت مشاهده نماید و بعد از مشاهده شاگردان میتوانند بدانند که آیا شاگردان وی به مفهوم علمی این اصطلاح ساینسی به طور درست و عملی پی برده اند و یا خیر؟

در اینمورد بهترین طریقه این است که در قدم اول معلم بالای یک و یا دو جنس در صنف مباحثه نماید و بعد از آن بگذارد که شاگردان خود چارت را خانه پری نمایند.

بطور مثال:

تخم: شما میدانید که پوست تخم مرغ دارای کلسیم است. بیایید از خود بپرسیم که کلسیم چطور به پوست تخم راه پیدا کرده است؟ در صورت دقت میتوان گفت که در قدم اول چوچه مرغ ها غذاهایی را خورده اند که دارای کلسیم بوده و بعد از آن کلسیم را دوباره برای ساختن پوست تخم بکار میبرند و بعد از همه، همین پوست های تخم همرای خاک مخلوط شده و کلسیم را به خاک انتقال مینماید. یاداشت: این بهتر خواهد بود که برای مرغان تان پوست های میده تخم را منحیث غذا تدارک نمایید.

چوب: چوب کلسیم ندارد.

توتهٔ از سنگ مرمر را مورد دقت قرار دهید. در دکان ها سنگ های مرمر را میتراشند که این سنگ دارای کلسیم بوده زیرا مرمر خود نوع از سنگ های آهک میباشد. بیایید از خود بپرسیم که این کلسیم از کجا آمده است؟ (از قشر حیوانات عظیم الجسهٔ قدیمی بحری) بیایید باز هم از خود بپرسیم که بعد از این چی رخ میدهد؟ جواب این است که این کلسیم توسط باران و یا بعضی از اسید ها منحل گردیده و به خاک میرسد و دوباره در اشیای بعدی تجدید دوران میکند.

دندانها: دندانها را میتوانید که از معاینه خانهٔ داکتر دندان، دکان قصاب و یا در غذایی که میخورید دریافت نمایید. دندانها دارای کلسیم است. حیوانات کلسیم خویش را از نباتات کلسیم دار و یا از شیر حصول میدارند. از اینکه بعداً چی واقع میشود، به بخش تخم مراجعه نمایید.

پالک: نوع از سبزی است که دارای کلسیم میباشد. این کلسیم در این نبات از کجا آمده است؟

(از زمین که از لحاظ کلسیم غنی میباشد). بیایید بپرسیم که بعداً این کلسیم به کجا میرود؟ حیوانات این را میخورند و دوباره باعث بوجود آمدن کلسیم در استخوانهای شان میگردد.

کدام مواد محتوی کلسیم میباشد؟

مواد	محتوی کلسیم است.		کلسیمش از کجا آمده؟	بعداً چی واقع میشود؟
	بلی	نی		

درس ششم

تجارب کلسیم کاربونیت

اصطلاح اساسی سا ینس: تشخیص انواع سنگ ها و معلومات پیرامون ارزش اقتصادی آنها

سنگ های آهک به وفرت در کشور پیدا میشوند و دارای ارزش اقتصادی بخصوص میباشند. از این سنگ ها در تعمیرات و دیوار های شان استفاده میگردد. میتوان از این سنگ ها شن حاصل نمود و از سوختاندن این سنگ ها سمنت و کانکریت بدست می آید. از پودر این سنگ ها درپلستر کاری و خشک نمودن دیوار ها استفاده میگردد. از پودر این سنگ منحیث کود کیمیاوی درزراعت نیز استفاده میگردد. باید یاد آور شد که آهک نوع از کلسیم کاربونیت میباشد.

آب باران چطور میتواند که سنگ های آهک را حل نماید؟

۱. دریک پیالهٔ سرکه تبا شیری را داخل نمایید. فردای آنروز شما مشاهده خواهید نمود که تباشیر در اصل خویش کلسیم کاربونیت میباشد. تصویر (۱)
۲. باید یاد آور شد که تیزاب ها تباشیر یا کلسیم کاربونیت را حل میکنند. وقتیکه قطرات باران در فضا از کاربن دای اکساید در هوا عبور نماید در اینصورت قطرات باران به تیزاب ضعیف تبدیل میگردد. (کلسیم کاربونیت)
۳. شما میتوانید از تیزاب های متعددی استفاده نمایید. در مورد میتوان از شربت لیمو، سودا...


تصویر (۱)

تجربه برای کلسیم کاربونیت

۱. ماده یی را به داخل پیاله که دارای تیزاب میباشد داخل نمایید. اگر شما بروی سطح آب حباب های کوچکی را مشاهده نمو دید بدین مفهوم است که تیزاب، با کلسیم همان شی تعامل مینماید.
۲. آیا شما صداهای حباب ها را می شنوید؟ و در عین زمان قابل پرسش است که آیا شما صدای کفیدن حباب ها و یا پوقانه ها را بروی آب احساس مینمایید؟
۳. آیا بعضی از مواد نسبت به دیگر مواد بیشتر پوقانه ها را به وجود می آورند؟

تیزاب هاییکه مورد استفاده قرار دارد عبارت اند از: شربت لیمو، سرکه و مشروب سودا.

تیزاب های مورد استفاده شما: شربت لیمو – سرکه – سودا و کولا

آشیایی که در تیزاب می اندازید: استخوانهای مرغ یا دیگر حیوانات – تباشیر و پوست تخم مرغ – سنگ هـای کوچـک – دندان – پلاستیک و چوب...

باید یاد آور شد که بعضی از آشیا دارای کلسیم بوده در حالیکه بعضی دیگر فاقد کلسیم میباشند.

جهت بهتر درک این موضوع از شاگردان تان بخواهید که آن آشیایی که دارای کلسیم هستند لست نمایند.

سؤالات

۱. شما بهتر میدانید که سودا ها محتوی آب – کاربن دای اکساید –گاز – بوی و طعم میباشند. اگر شما آب و کار بن دای اکساید را یک جا نمایید در اینصورت اسم محصول چی خواهد بود؟ (کار بو نک اسید)

۲. اگر تبا شیری را برای مدت یک شب در سودا داخل نمایید چی واقع میشود؟ (قسماً تمام تباشیر منحل میگردد).

۳. شما میدانید که دندانها دارای کلسیم میباشند. به نظر شما اگر دندانی را برای مدت یک شب در سودا بگذارید چی واقع خواهد شد؟ (قسماً منحل میگردد). از این سبب است که برای صحت بهتر دندانها، نباید زیاد سودا نوشید.

۴. چرا تشکل مغاره ها نسبت به منحل شدن تباشیر در تیزاب به وقت زیاد ضرورت دارند؟ (زیرا اسید در آب باران بسیار ضعیف میباشد).

ارزیابی:

شاگردان باید موفقانه، بتوانند دسته یی از مواد را که دارای کلسیم کاربونیت بوده، از خانه ها و یا محیط زیست شان جمع آوری نموده و از آنها چارت را تهیه نمایند.

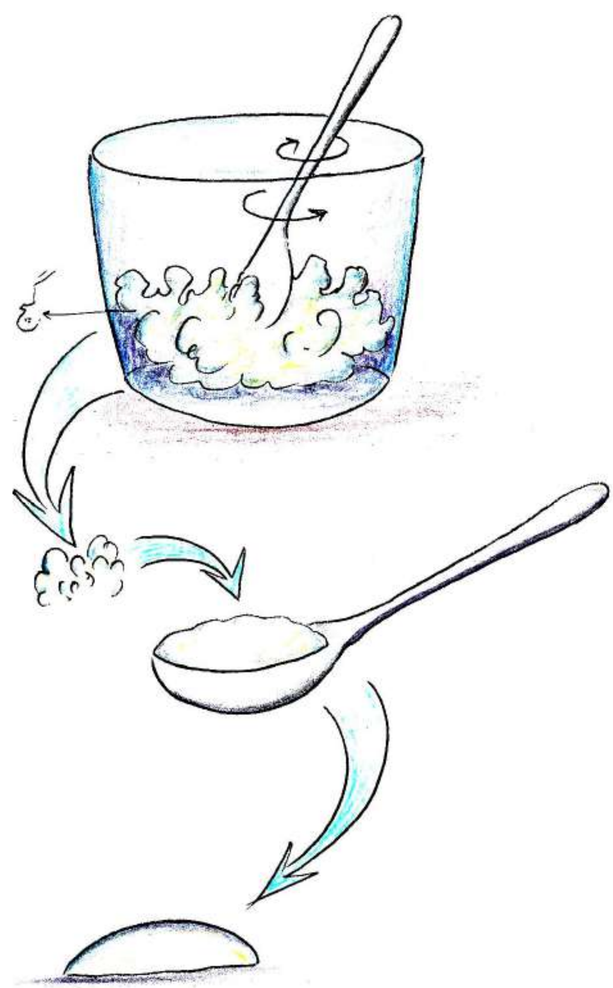
درس هفتم

شما میتوانید خود، سنگ تهیه نمایید

اجرای تجربه توسط خود تان: شمامیتوانید از مواد پلستر ساختمانی ،سنگ آهک یا (کلسیم کاربونیت) تهیه نمایید.

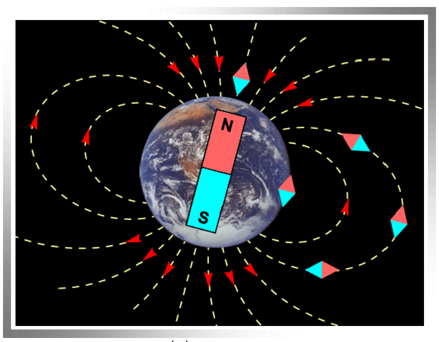
از مواد پلستر ساختمانی غرض تولید سنگ آهک (lime stone) در زمینه کار گرفته میتوانید.

۱. دوپیمانه پلستر و یک پیمانه آب را مخلوط کنید خوب شور بدهید تا مخلوط شوند. هیچ قسمت از پودر (پلستر) خشک نماند.
۲. مواد مخلوط شده باید مانند دوغ غلیظ باشد مخلوط را به یک قاشق بگیرید (مانند شکل) و بگذارید تا بعد از یک شب خشک شود.
۳. روز بعد مواد قاشق را، (مانند شکل) جدا کنید، در این جا یک شی بیضه مانند از کاربونیت خواهید داشت.
۴. شما میتوانید تجارب ساینس را توسط این سنگ که خود تهیه نموده اید، انجام دهید.



درس هشتم

خاصیت مقناطیسی زمین



تصویر (۱)

اصطلاح اساسی ساینس: دریافت و فهم ساحهٔ مقناطیسی زمین.

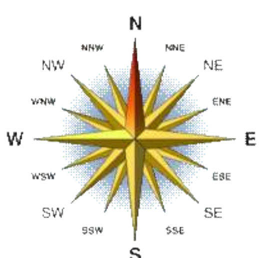
قطب نما عبارت از یک آله ای است که شمال مقناطیسی را نشان میدهد.

مراحل تدریس:

شاگردان در بارهٔ یک قطب نما که شمال و جنوب را نشان میدهد چی میدانند؟

آنها چی فکر می کنند که چرا این اتفاق می افتد؟

توضیحات: حرکات در آهن ذوب شده هستهٔ زمین باعث تولید حوزهٔ مقناطیسی می گردد تصویر (۱) که میتوان آنرا توسط قطب نما دریافت نمود. ساینس دانها و کاشفین در طی قرون گذشته برای آموختن بیشتر در مورد زمین از قطب نما استفاده نموده اند. برای ساختن یک قطب نما شما به مواد اندکی ضرورت دارید.



تصویر (۲)

قبل از ساختن قطب نما چهار سمت را که عبارتند از، شمال، جنوب، شرق، و غرب تصویر (۲) مرور نمایید. از یک نقشه زمین و یا جهان نمااستفاده نمایید. بعداً از نقشهٔ افغانستان استفاده نموده و چهار سمت را با شهرهایی که شاگردان با آنها آشنا اند ارتباط بدهید. تصویر (۳) به طور مثال: ایران در غرب افغانستان ، پاکستان در شرق وبه همین گونه مزار شریف در شمال و قندهار در جنوب کابل موقعیت دارد.



تصویر (۳)

سمت های وسطی (نیمه) مانند، جنوب شرق، جنوب غرب، شمال شرق و شمال غرب را نیز مورد بحث قرار دهید.

از شاگردان پرسیده شود که اگر آنها در یک جایی که با آن آشنایی نداشته باشند و قرار باشد که به سمت شمال بطرف مزار شریف سفر نمایند چطور میتوانند تصمیم بگیرند که به کدام راه بروند؟ این یک سوال باز می باشد که میتواند دارای جوابات متعدد باشد. بعد ازینکه شاگردان نظریات شانرا ارایه نمودند، به ایشان یک راه قابل اعتماد که عبارت از قطب نما میباشد پیشنهاد گردد.

رهنمایی برای دنبال نمودن یک قطب نما:


تصویر (۴)

۱. یک سوزن را بالای میز اسکاشتیپ نمایید و یا آنرا بالای آن محکم قرار بدهید. تصویر (۴)

۲. آهن ربا را بالای سوزن ۲۵بار در عین جهت بخلانید. البته آهن ربا را در تمام قسمتهای سوزن به شکل موازی بخلانید.

۳. سوزن را در یک سیب، توته چوب و یا چیزی کوچک که در آب به آسانی شنا میکند بچسپانید. بعد در یک کاسه آب بگذارید تا به صورت عمودی در آن شنا کند. تصویر (۵)



تصویر (۵)

۴. سوزن را باید بطرف سمتهای شمال – جنوب منظم نمایید. انجام شمال آنرا با رنگ ناخون نشانی نمایید، تصویر (۶) این عمل، شما را در بیاد داشتن انجام شمال بعد ازینکه قطب نما را به خانه ببرید کمک می نماید.

۵. قطب نما ها به چه اندازه دقیق اند؟ آیا (قطب نما) خانگی شما در سفر دریایی به شما کمک خواهد نمود؟

۶. (قطب نمای شما بسیار دقیق نیست، اما سمت های بزرگ را نشان می دهد. دریانوردان از قطب نماهای دقیقتر استفاده می نمایند و نسبت به شاگردان ابتدایی راجع به حوزه های مقناطیسی زمین بیشتر آموخته اند.



تصویر (۶)

یادداشت:

۱. اگر بیشتر ازیک شاگرد، همزمان سوزنهای قطب نمای شانرا در آب شنا بدهند، سوزنها بطرف یک دیگر جذب میگردند.
چرا؟ برای اینکه سوزنها خاصیت مقناطیسی را بخود گرفته اند. هر شاگرد باید ظرف جداگانه داشته باشد و یا یک شاگرد در یک وقت سوزن خود را در آب بگذارد و دیگران به نوبت خود انتظار باشند.

۲. بعد ازینکه سوزن قطب نمای شاگردان در آب کاملاً ایستاده شد به ایشان گفته شود تا دوباره آنرا حرکت دهند. چرخیدن سوزن را در آب برای موقعیت گیری به سمت شمال– جنوب مشاهده نمایند، که این عمل برای آنها جالب می باشد.

۳. حالت ایستادۀ سوزن قطب نما را در ظرف توضیح دهید. و بعداً اطفال خواسته شود تا به قطب نما ببینند و چهار سمت آن را که عبارت از شمال، جنوب، شرق و غرب می باشد دریابند.

۴. آیا اطفال برای یافتن سمتهای جنوب غرب، شمال شرق و غیره از قطب نما استفاده کرده میتوانند؟

لغات جدید برای فهمیدن و استفاده:

- آهن ربا(مقناطیس)
- حوزۀ مقناطیسی
- قطب نما
- چهار سمت

سؤالات

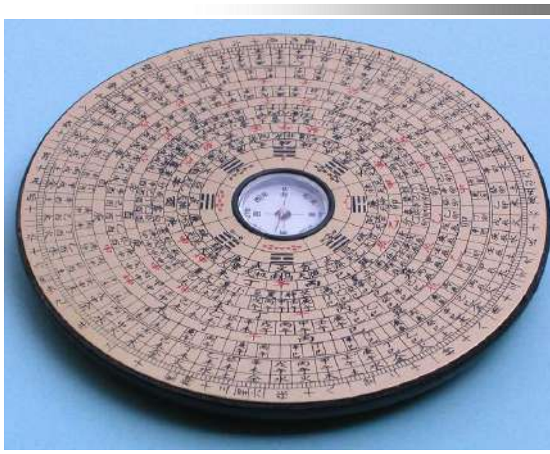
۱. چرا قطب نما برای سمت یابی یک آلۀ مهم می باشد؟
۲. قطب نما تنها شمال- جنوب را نشان میدهد. آیا برای یافتن سمتهای شرق و غرب نیز از آن استفاده میتوان کرد؟
۳. چرا سرخ رنگ نمودن یک انجام سوزن مهم می باشد؟ (اگر رنگ نگردد بعد از دور نمودن سوزن از جایش، سمتی که سوزن در آن قرار گرفته بود فراموش میگردد).
۴. آیا بعد از خانه بردن هنوزهم قطب نمای شما به صورت درست کار خواهد نمود؟ (بلی، مگر اینکه سوزن آنرا خراب نمایید و یا خاصیت آهن ربای آنرا از بین ببرید. خاصیت آهن ربای سوزن را میتوان توسط حرارت دادن و یا نزدیک نمودن آن به آهن ربای بزرگتر از بین برد).
۵. قطب نما ها به چه اندازه دقیق اند؟ آیا (قطب نما) خانگی شما در سفر دریایی به شما کمک خواهد نمود؟ (قطب نمای شما بسیار دقیق نیست، اما سمت های بزرگ را نشان می دهد. دریانوردان از قطب نماهای دقیقتر استفاده می نمایند و نسبت به شاگردان ابتدایی راجع به حوزه های مقناطیسی زمین بیشتر آموخته اند.
۶. قرار گرفتن سوزن را به سمت شمال- جنوب چگونه توضیح میدهید؟ چه باعث آن میگردد؟ آیا سیارات دیگر در نظام شمس دارای حوزه های مقناطیسی می باشند؟

تاریخچۀ مختصر کشف آهن ربا و اختراع قطب نما:



تصویر (۷)

افسانه های مختلف برای کشف آهن ربا موجود است که یکی از آنها قصۀ یک چوپان بزرگ سال به اسم مگنیز می باشد، وی هنگام چراندن رمه اش در منطقه مگنیزیا که درشمال یونان موقعیت دارد بالای سنگ بزرگ سیاه ایستاده بود، ناگهان متوجه شد که میخهای بوتهایش و نوک فلزی چوبش در سنگ محکم چسپیده بود. بعد از آن این گونه سنگ بنام آهن مقناطیسی (مگنتاید) که از نام مگنیزیا گرفته شده است مسمی گردید. تصویر (۷)



تصویر (۸)

قرنها قبل فال بینهای چینایی برای ساختن تختۀ فال بینی از آهن ربا استفاده می نمودند. آنها آهن ربا را در یک ظرف بـه شنا می آوردند مانند قطب نما کـه شـما در صـنف سـاختید. ظروف آنها شاید اولین قطب نمایی بوده باشد، حالانکه آنهـا برای سمت یابی از آن استفاده نه نموده باشند. تصویر (۸)

اروپایی ها تا اینکه مارکوپولو به چین سفر نمود، از قطب نما استفاده نکرده بودند. آیا مارکوپولو خبر قطب نما را با خود آورد؟ هیچ کس نمیداند، مگر دریانوردان اروپایی با گذشت زمان فهمیدند که قطب نما در سفرهای بزرگ دریایی به

آنها کمک می نماید. در گذشته ها دریانوردان نقاط برجستهٔ زمین را نشانه های قابل اعتماد برای سمت یابی می دانستند. قطب نما یک آلهٔ مهم در گشایش سر زمینهای جدید برای کاشفین قرار گرفت.

در سال ۱۴۹۲دریانورد ایتالوی کلمبوس در یک سفر دریایی از بحر اتلنتیک به امریکا از قطب نما استفاده نمود. او استفادهٔ کامل آنرا نمیدانست و برای رهنمای خود بالای موقعیت ستاره گان اعتماد نمود. امروز ما در بارهٔ حوزه های مقناطیسی زمین و دریافت آنها توسط قطب نما بیشتر میدانیم، ولی هنوزهم ساینس دانها چیزهای جدید و جالب را می آموزند.

استفاده از قطب نما توسط مسلمانان

یک کتاب قصهٔ فارسی از استفادهٔ قطب نمای ماهی مانند در سال ۱۲۳۲ خبر میدهد. منجم عربی بنام الشریف از قطب نمایی که از سوزن شناور در آب ساخته شده بود در سال ۱۲۸۲ استفاده نمود. او شاید در سال ۱۳۲۲ یکصدو پنجاه سال قبل از اروپایی ها استفاده قطب نما را در سفر کشتی آغاز نموده باشد. دریا نوردان عربی قطب نما ۳۲ درجه را بعد از آن معرفی نمودند..

بسیاری از مسلمانها برای راه یابی به مکه از قطب نما استفاده می نمایند.

درس نهم

ساختن تابلوی عرض البلد و طول البلد برای مکتب تان

مفاهیم عمدۀ ساینسی: آموزش در مورد نقشه ها و سیستمهای های آن.



تصویر (۱)

عرض البلد و طول البلد شهرتانرا توسط رسام بالای یک تابلو رسم نموده در قسمت بالای دروازۀ مکتب تان آویزان نمایید و یا میتوانید آنرا بالای یک پارچه ترسیم نموده، منحیث گلیم دهان دراوزۀ در دروازۀ صنفتان استفاده نمایید. تصویر (۱و۲)

برای دریافت عرض البلد و طول البلد شهرتان میتوانید از نقشه ها، اطلس، و یا انترنیت استفاده نمایید. اگر شما به انترنیت دسترسی دارید نام شهر تانرا در آن جستجو نمایید. در صورت اینکه شهر شما کوچک باشد، یک شهر بزرگ در نزدیک آن را جستجو نمایید.

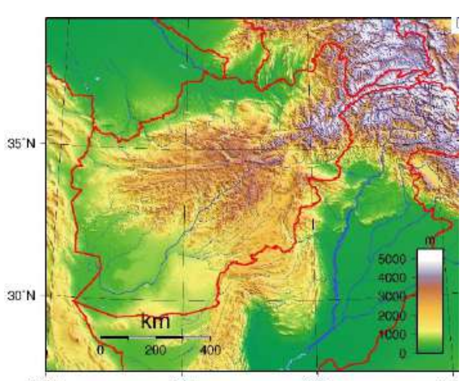


تصویر (۲)

موضوع تابلو و یا گلیم دهن دروازه شاید این طور باشد.

- خوش آمدید به کابل
- عرض البلد °۳۴ ۲۸ شمال
- طول البلد °۶۹ ۱۱ شرق

استاد باید در مورد موقعیت مشخص شاگردان در روی زمین یاد آور گردد، به این معنی که آنها هدف از اصطلاحات عرض البلد و طول البلد را نمی دانند، استاد با بیان مفهوم آنها به ایشان کمک می نماید تا حس کنجکاوی آنها در مورد نقشه ها و موقعیت ها تحریک گردد.



خطوط عرض البلد عبارت از خطوط تصوری اند که به شکل موازی با خط استوا به دور زمین میچرخند. آنها نظربه فاصلۀ شان به سمت شمال و جنوب از خط استوا درجه بندی می گردند، پس از همین لحاظ موقعیت های آنها با حرف N برای نشان دادن شمال و حرف S برای جنوب نشانی میکردند. باید یاد آور شد که خط استوا دارای عرض البلد صفردرجه می باشد.

خطوط طول البلد خطوط تصوری اند که از قطب شمال به قطب جنوب امتداد دارند. به دلیل اینکه آنها در قطب ها باهم یکجا میگردند موازی نیستند. آنها همچنان به درجات نشان داده شده اند، آغاز آن از خط صفر درجه میباشد که از میان گرینویچ شهر لندن انگلستان میگذرد. خطوط دیگر طول البلد درشرق و یا در غرب خط گرینویچ قرار دارند که به حروف E و یا W نشان داده میشوند. خط صفر درجه که از میان گرینویچ میگذرد بنام نصف النهار گرینویچ یاد میشود.

طول البلد و عرض البلد به ما کمک می نماید تا موقعیت دقیق خود را در روی زمین دریابیم. آنها مشابه به گرافهای روی کاغذی چارت میباشند.

سؤالات

۱. به موقعیت کابل قسمیکه در فوق نشان داده شده است نظر باندازید. آیا کابل به سمت شمال ویا جنوب خط استوا قرار دارد.اگر شما نمی دانستید، چطور آنرا شرح دهید نظر به اشارات coordinates ("شمال" در اشارات (coordinate) عرض البلد شامل است، به این معنی که کابل در شمال خط استوا قرار دارد).

۲. کابل به کدام طرف خط "صفردرجه" عرض البلد که ازمیان گرینویچ انگلستان میگذرد قرار دارد. شرق و یا غرب؟ (کابل در شرق نصف النهار گرینویچ قرار دارد).

۳. برای شاگردان عرض البلد و طول البلد شهر های بزرگ را بدهید و از آنها بخواهید تا این شهرها را در کرۀ زمین و یا نقشۀ جهان دریافت نمایند.

بعضی از کشور ها با پایتخت ها، عرض البلد و طول البلد

کشور	پایتخت	عرض البلد	طول البلد
افغانستان	کابل	۳۴° ۲۸ شمال	۶۹° ۱۱ شرق
البانیا	تیران	۴۱° ۱۸ شمال	۱۹° ۴۹ شرق
الجیریا	الجیرس	۳۶° ۴۲ شمال	۰۳° ۰۸ شرق
ساموا امریکایی	پاگو پاگو	۱۴° ۱۶ جنوب	۱۷۰° ۴۳ غرب
اندورا	اندورا لاویلا	۴۲° ۳۱ شمال	۰۱° ۳۲ شرق
انگولا	لاواندا	۰۸° ۵۰ جنوب	۱۳° ۱۵ شرق
انتیگا و باربودا	هند غربی	۱۷° ۲۰ شمال	۶۱° ۴۸ شرق
ارجنتاین	بونس اریس	۳۶° ۳۰ جنوب	۶۰° ۰۰ شرق
ارمینا	یوریوین	۴۰° ۱۰ شمال	۴۴° ۳۱ غرب
اروبا	اورنجستاد	۱۲° ۳۲ شمال	۷۰° ۰۲ شرق

درس دهم

وقتیکه زمین جوان بود

علمای ساینس بدین عقیده اند که قاره ها حرکت میکنند و حرکت شان افغانستان را نیز متاثر مینماید.

اصطلاحات اساسی ساینس: شاگردان پیرامون سطح خارجی زمین آموخته و در عین زمان در مورد علل بـروز زلزلـه هـم معلومات پیدا میکنند.



تصویر (۱)

۱. از شاگردان بخواهید که هفت قاره ها را نام گیرند و آنها را بروی نقشه پیدا کنند. آنها عبارت اند از: افریقا، آسیا، اروپا، امریکای شمالی، امریکای جنوبی، انترکتیکا و آسترلیا. تصویر (۱)

۲. بسیاری از این قاره ها توسط ابحار از هم جدا گردیده اند. ولی با آنهم علمای ساینس را عقیده بر این است که روزگاری این ها همه یک کتلهٔ بزرگ و یک قاره بوده اند که این کتلهٔ بزرگ را بنام (Pangaea) یاد میکنند. به این تصویر دقت نمایید. شما از لابلای آن درک خواهید نمود که مرام از Pangaea چیست؟ تصویر (۲)



تصویر (۲)

۳. با آنکه، این یک واقعیت غیر قابل باور بوده پس، چطور و چرا؟ علمای ساینس معتقد بدین بوده اند که Pangaea وجود داشته است. اگر قبول نمود که روزگاری همه این قاره ها یک کتلهٔ وسیع از زمین بوده پس چطور این کتله چنین پاشان گردیده است؟

۴. برای وضاحت هر چه بیشتر موضوع بیایید که سوال اولی را مورد مداقه قرار دهیم. سوال اینطور است. چرا علمای ساینس بدین عقیده اند که زمانی این کتلهٔ بزرگ وجود داشته است؟ دانشمندان در سنگ های امروزی این قاره هانشانه هایی را دریافته اند که گواه این گفتهٔ شان میباشد. طبقه بندی سنگ ها در یک قاره با طبقه بندی سنگ ها در قارهٔ دیگر مطابقت دارد در حالیکه حالا هر یک قاره های جداگانه اند.



تصویر (۳)

در عین زمان میتوان گفت که جیولوجست ها فوسیل ها را در این مورد دریافت نموده اند. بطورمثال در قارهٔ بسیار سرد انترکتیکا دانشمندان، فوسیل های نباتات را دریافت نموده اند که این نباتات گاهی هم در مناطق سرد نمیرویند پس میتوان گفت که این قاره زمانی در نزدیک خط استوا قرار داشته است یعنی جایی که برای نموی این نوع نباتات مساعد میباشد.

۵. بدین منوال دانشمندان، شواهدی متعددی را مطالعه نموده و بعد از همه دقت و مطالعات و مشاهدات بدین عقیده گراییده اند کـه


تصویر (۴)

روزگاری همهٔ این قاره ها یک کتلهٔ زمین بوده که بعد ها متلاشی گردیده اند. ولی با همه این شواهد و مطالعات، دانشمندان در تفکر غرق بوده اند که چطور این قاره ها روزی کتلهٔ وسیع یک زمین بوده، پس چطور این ها از هم جدا شدند؟ شما میدانید که پروسه های جیولوژیکی میلیون ها سال را در بر میگیرد بنابر این دانشمندان نمیتوانند که آنرا به چشم های شان مشاهده نمایند. بعد از همهٔ این تذکرات میتوان گفت که در این مورد شواهد موثق در اثنایی بدست آمد که دانشمندی در کوه های آلپ سویزرلند مشغول بازی سنگی بود.

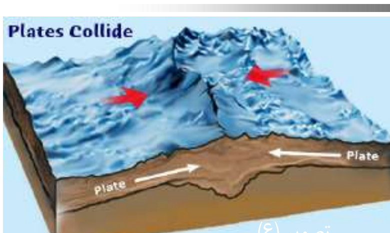
۶. این دانشمند بسیاری از طبقات سنگ های آهک را مشاهده نمود که بطور افقی یکی بالای دیگر قرار گرفته بود تصویر (۳) و علاوه بر آن مشاهده نمود تصویر (۴) که فوسیل های تعدادی از حیوانات بحری در این طبقات افقی بملاحظه میرسید. این دانشمند متحیر شد که چطور حیوانات بحری توانسته اند که به قُلهٔ کوه الپ بالا شوند. برای مدت ها در این ارتباط فکر مینمود بالاخره مشاهدات خویش را همرای دیگر دانشمندان شریک نمود بعد از مباحثه و مداقه با دیگر دانشمندان وی نظریهٔ خارق العاده را به وجود آورد. وی نظر داد.

روزی کوه های الپ بستر بحر بوده است.


تصویر (۵)

وی اظهار نمود که سنگ های آهک، سنگ های رسوبی اند و طبقات شان از قشر حیوانات بحری که مرده اند ساخته شده است.

۷. البته باید تذکر داد که این موضوع باعث بروز سوالات دیگری گردید. پس چطور شد که کف بحر ویا بستر بالای قُلهٔ فرق کوه الپ بیاید .بعد از سالهای طولانی دانشمندان برای این سوالات جواب قناعت بخش و علمی را دریافت نمودند. آنها اظهار داشتند که قاره ها از یک جا به جای دیگر حرکت نموده اند. ایشان اظهار نمودند که پوست ویا قشر قاره ها نسبت به قشر زمین ضخیم نبوده تصویر (۵) بناءً قاره ها بالای زمین شناور شده است. کتله های عظیم قاره ها را بنام (plate) یا صفحه و مطالعهٔ حرکت این صفحات را بنام (Plates tectonics) یاد نمودند.



تصویر (۶)


تصویر (۷)

۸. این صفحات میتوانند بایکدیگر تصادم نمایند وقتیکه این ها با هم تصادم نمودند کوه ها به وجود آمدند. باید علاوه نمود که کو ه های هندوکش همینطور بمیان آمده اند. تصویر(۶و۷)

کوه های آلپ توسط این تصادمات صفحات میلیون ها سال قبل به وجود آمده اند. قسمتی از آن کوه ها ممکن در سطح بحر بوده وزمانیکه دو صفحه با هم تصادم نموده همان قسمت بالا آمده وکوه را تشکیل داده است.

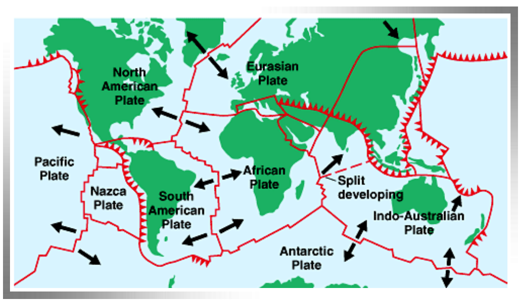
۹. بعضی از میان کوه ها بسیار عمیق بوده و در سطح بحر قرار دارد بطور مثال در قسمت های وسط بحر اتلانتیک و دیگر آن در افریقا موقعیت دارد. تصویر (۸)



تصویر (۸)

۱۰. صفحات بطور حیران کننده یکی بالای دیگر قرار گرفته است. علمای ساینس هنوز هم پیرامون این صفحات و حدود شان میخواهند معلومات جدیدی بدسترس ما قرار دهند. به این نقشهٔ ساده صفحات و حدود شان توجه نمایید. ساختمان های لوزی الماس شکل نشان دهندهٔ همان نقاط است که تصادم صفحات را نشان میدهد. خطوط نا هموار و دندان دار نشان دهنده کشش های جداگانهٔ صفحات میباشند. تصویر (۹)

کشور عزیزمان، افغانستان را در این نقشه دریابید. شما مشاهده خواهید نمود که کشور تان در بالای سرحد صفحات قرار دارد. آیا به نظر شما این سرحد در اثنای تصادمات به این جانب کش شده است؟



تصویر (۹)

به نظر شما در این محدوده چی واقع شده است؟ (ایجاد کوه ها باید بخاطر داشت که زمانیکه صفحات حرکت نمایند زلزله به وجود می آید. آیا شما در افغانستان شاهد زلزله ها بوده اید؟ (بلی، البته) پس در اینصورت حالا شما میدانید که چرا زلزله واقع میشود؟

۱۱. بعد از همه تذکرات میتوان گفت که بعد از این شما مانند ساینتست ها به همه شاخصها و اشارات متوجه گردید. شما میتوانید به کتله های بزرگ زمین توجه نمایید. این کتله های بزرگ در واقعیت امر در جا های اولی شان قرار ندارند. این ها را به احتیاط تام توسط قیچی قطع نمایید. تصویر (۱۰)



تصویر (۱۰)

۱۲. سعی به عمل آرید تا مطابق درک (Pangaea) آنها را در کنار همدیگر قرار دهید. در این مورد اگر نظر شما با دیگر شاگردان متفاوت است هیچ باکی ندارد. ولی با آنهم، کوشش نمایید که در مورد توجه دقیق و زیرکانه نمایید. در مورد به این شاخص ها ویا اشارات ویا دلالت ها زیرکانه دقت نمایید:

a. کنار های قاره ها با داشتن فوسیل های مشابه و در عین زمان سنگ های مشابه پهلوی هم قرار میگیرند.

b. باید بخاطر داشت که شکل بعضی از قاره ها مانند توته های سامان بازی اطفال بوده که توته های همانند و هم شکل با هم پیوست میگردند و در اخیر شکلی مانوس از آن بدست می آید.



تصویر (۱۱)

وقتیکه شما کار خود را به اکمال رسانیدید آنرا بروی کاغذ بزرگی سرش نمایید در واقعیت امر این نظر و درک شما از Pangaea یا یک کتلهٔ بزرگ میباشد.

۱۳. وقتیکه کار تانرا تمام نمودید آنرا به همه همصنفان خود شریک سازید و برایشان اظهار دارید که چطور شما مطابق نظر تان این کار را به انجام رسانیدید. بعد از معرفی کارتان به ایشان گوش فرا دهید که آنها کار های شانرا چطور انجام داده اند. به نظر شما، آیا ایشان بعضاً نظریات خوبی هم داشته اند و یا خیر؟ چرا؟ تصویر (۱۱)

سؤالات

۱. چرا علمای ساینس بدین عقیده اند که قاره ها از موقعیت های اصلی شان حرکت نموده اند؟
۲. علمای ساینس به کتلهٔ اولی و یا کتلهٔ واحد بزرگ کدام اسم را مناسب دیده اند؟
۳. کدام اشارات علمای ساینس را معتقد میسازد که بتوانند موقعیت اصلی و یا اولی قاره ها را تعیین و تشخیص دهند؟
۴. چطور فوسیلی از بحر توانسته است که در بالای کوه آلپ قرار گیرد؟
۵. هدف از صفحات و یا (plate tectonics) چیست؟
۶. صفحات چطور میتوانند که به وجود آمدن کوه ها را شرح نمایند؟
۷. مطابق کدام نظریات میتوانید اظهار دارید که این صفحات زمانی از هم گسیسته و دور قرار داشته اند؟
۸. چطور میتوانید که برویت این صفحات زلزله ها را شرح نمایید.

ارزیابی:

شما نقشهٔ قارهٔ آسیا را رسم نمایید و خط السیر تمام صفحاتی که از روی آن گذشته اند نشان دهید. شما میدانید که صفحات از هم متلاشی و دور توسط خطوط نا منظم نشان داده میشود در حالیکه صفحاتی که با هم متصادم بوده به خطوط ناهموار الماس گونه نشان داده میشود. بعد از آن نظریات تانرا پیرامون تشکل کوه هندوکش بنویسید. در این مورد میتوانید از نظریات مربوط (plate tectonic) استفاده نمایید. نظریات تانرا پیرامون تشکل کوه های جدید بنویسید و دلایل تانرا پیرامو ن تشکلی که شما خاطر نشان مینمایید نیز اظهار دارید.

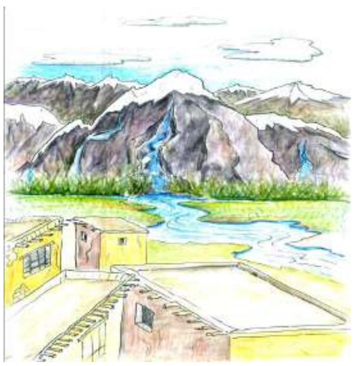
شاگردان را وادارید که این نقشه ها را قیچی نموده و تشخیص نمایند که کدام قاره است.

بخش دوم

درس اول

چطور آب فاسد میگردد

اصطلاحات اساسی ساینس: دانستن علل فاسد شدن آب



تعداد زیادی از کشور های جهان به پرابلم آب ملوث ویا فاسد شدن آب مواجه انـد. شاگردان باید بدانند که ایشان خود بخشی از تولید کننده گان این پرابلم بـوده، ودر عین زمان ایشان میتوانند بخش عمدۀ حل ویا رفع این مشکل باشند.

۱. معلم میتواند که در برابر انظار شاگردان به طور هدفمندانه یک گیلاس آب شفاف را گرفته و به مزۀ عام وتام آنرا بنوشد و سعی به عمل آرد تا شاگردان به دقت معلم شانرا تعقیب نمایند. تصویر (۱)



تصویر (۱)

۲. مزایای نوشیدن آب شفاف را با شاگردان ذیلاً مورد مباحثه قرار دهد.

a. آب ما را در اثنای تشنگی کمک نموده وما را تازه و نیرومند میسازد.

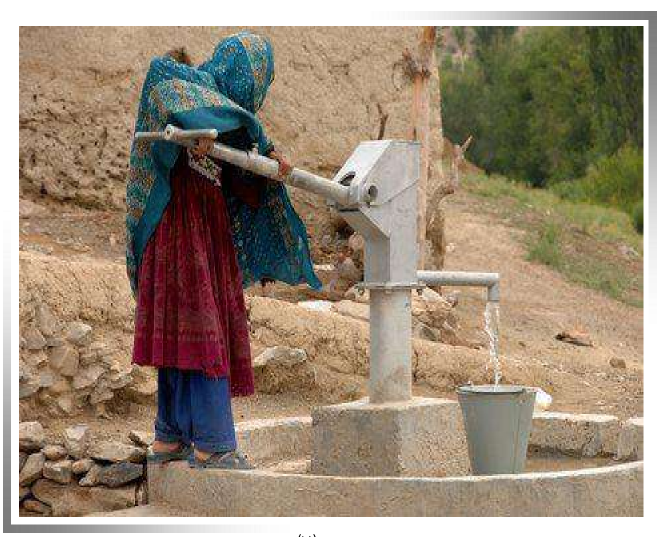
b. ۲ الی ۳ بخش از بدن ما از آب تشکیل گردیده و از جانب دیگر تمام فعالیت های بدن ما در موجودیت آب امکان پذیر میگردد.

c. ما نمیتوانیم غذا را بدون آب هضم نماییم.

۳. برای اینکه آب صحی باشد باید اولتر از همه در امر پاک نگهداشتن آن مبادرت ورزید.

۴. بیایید از خود بپرسیم که این مادۀ حیاتی از کجا می آید؟ تصویر (۲) از شاگردان بپرسید. از همه معلومات ایشان و معلومات شما، شما وشاگردان تان میتوانید در دیاگرامی را که بدسترس خود دارید منابع آب را نشان وبر ملا نمایید. در داخل صنف تان نقشۀ شهر مربوطۀ تانرا رسم کنید و شاگردان که خود نیز در همین شهر امرار حیات مینمایند میتوانند که منابع آبی شانرا نشانی و شرح نمایند. و اظهار دارند که این آب شهر مربوطۀ شان از کدام منابع به شهر شان سرازیر میگردد؟

۵. شما میتوانید که یکی از منابع آب را به طور نمونه برای شاگردان تان توضیح دهید.

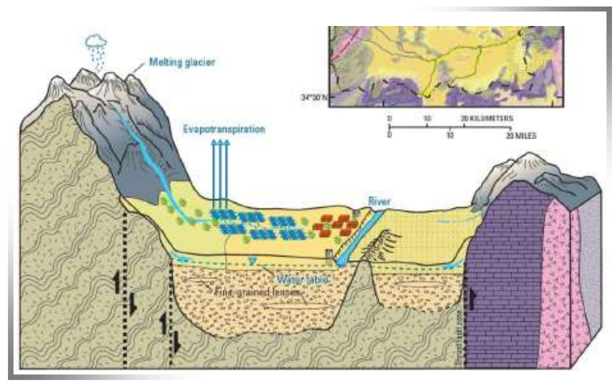


تصویر (۲)

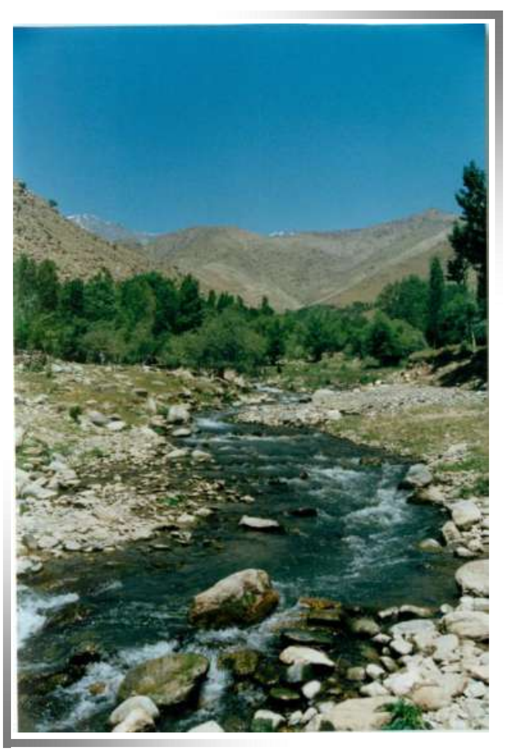


تصویر (۳)

- اولاً قطرات باران ویا دانه های برف بر سر کوه ها میبارد و ذخیره میگردد. تصویر (۳)
- بعد از مدتی برف آب میشود و قطرات باران جمع شده ودر جوی بارها در حرکت می افتد. نام جوی های محل را برای شاگردان تذکر دهید.
- بعضی از قطرات باران و آب برف در زیر زمین فرو میروند و آب های زیر زمینی را به وجود می آورند. تصویر (۴)



تصویر (۴)



تصویر (۵)

- جوی های کوچک با هم یک جا شده دریا های عظیمی را تشکیل میدهند در مورد اسمای دریا هایی را که میدانید برای شاگردان تان تذکر دهید. تصویر (۵)
- بعضی از مردمان آب آشامیدنی شانرا مستقیماً از دریا ها به دست می آورند.
- بعضی از دریا ها به جهیل ها ویا ذخیره گاه ها جمع میشوند و مردمان آب مورد ضرورت شانرا از آنجا بدست می آورند. تصویر (۶)
- تعدادی از مردمان آب مورد ضرورت شانرا از کاریز ها، چشمه ها و چاه ها به دست می آورند. باید تذکر داد که این همه همان آب های زیر زمینی اند که از اثر قطرات باران و یا دانه های برف به وجود آمده است.



تصویر (۶)

- مردمان در شهر ها آب آشامیدنی شانرا از ذخایر آب به دست می آورند.
- بعد از همه تذکرات در فرجام پیاله یی از آب را در برابر انظار شاگردان تان قرار دهید.

۶ آن زمانیکه قطرات باران و دانه های برف بر سر قله های شامخ کوه ها فرود می آیند معمولاً پاک میباشد. مگر متاسفانه در طول فاصله بین آن کوه ها و تا نزد ما آب ملوث میگردد. از شاگردان تقاضا به عمل آید تا تمام این مراحل را که آب فاسد میگردد بین شان در حضور صنف مباحثه و مشاجره نمایند. ممکن شاگردان در کثیف شدن آب، بسی از قدمه ها را تذکر دهند که معلم میتواند آنها را بالترتیب لست نماید که شاید این لست را بوجود آرد:

معلم یک تانکر آب شفاف را در برابر انظار شاگردان قرار دهد:

I. تعدادی از خانم ها لباسهای خانه را در دریا ویا جوی میشویند که این عمل باعـــث آلوده گی آب میگردد. معلم از شاگردان بخواهد که یک کلچه صابون ویا قف آنرا در همان تانکر آب شفاف بیاندازند. تصویر (۷)

II. رمه های گوسفندان به کنار دریا ایستاده و آب را گل آلود میسازند. شاگردان مقداری از کثافات را در تانکری که در برابر شان قرار دارد بیاندازند.

III. برای اینکه باشنده گان قریه ویا شهر بتوانند کثافات را از کنار خانه های شان دور نمایند آنها ر ابه دریا می افگنند. شاگردان مقداری از غذای



تصویر (۷)

پوسیده ویا پاره های اخبار کهنه را به آن تانکر علاوه نمایند.

IV. تعدادی دیگری از شهر وندان، خانه هایشانرا در نزدیک ذخایر آب اعمار مینمایند و تمام آب های تشناب ها... در آب علاوه میگردد. شاگردان مقداری از کاغذ های تشناب را به همان تانکر علاوه نمایند.

V. تعدادی از قصابان حیوانات و یا مرغ ها را در نزدیکی دریا و یا جوی ذبح نموده و پر ها، پوست و استخوان های آنها را به دریا میریزند. شاگردان تعدادی از استخوان های پوسیده را در تانکر بیاندازند.

VI. تکسی رانان موتر های شانرا در دریا شست وشو نموده آب دریا همرای تیل آلوده میگردد. شاگردان میتوانند مقداری از تیل ویا روغن را در تانکر بیاندازاند. تصویر (۸)



تصویر (۸)

VII. بعضی از فامیلها در کنار و اکناف دریا به میله میروند. باد تمام کثافات و مواد باقیماندۀ میله را به دریا میبرد. شاگردان یک تعداد از کاغذ های دست پاک... را در آن تانکر علاوه نمایند.

۷. حالا شما در مورد آب یا این مادۀ حیاتی، چی فکر مینمایید؟ آیا هنوز هم میخواهید که آن آب را نوش جان نمایید؟ تصویر (۹)

در مورد وضع رقت بار آب که در برابر شما در تانکر قرار دارد با هم مباحثه نمایید. همان آب آلوده را بدور نیاندازید. همان آب آلوده را در کنار خود بگذارید شما و شاگردان شما در مورد اینکه چطور میتوانید این آب را پاک نمایید با هم مباحثه و مذاکره نمایید.



تصویر (۹)

سؤالات

۱. کی این آب را ملوث نموده است؟
۲. آیا به نظر شما این وضع در تعدادی زیادی از کشور ها رخ میدهد و یا صرف در کشور ما، افغانستان.
۳. آیا شما بخشی از ملوث کنندۀ آب هستید؟ بلی ما همه بخشی از تولید کننده گان این پرابلم میباشیم.

ارزیابی:

شاگردان همه باید به این سوالات جواب دهند: وتمام شاگردان باید سهم گیرند.
نقش خود و فامیل تانرا در امر پاکی آب ابراز دارید. ویا چطور شما از ملوث شدن آب میتوانید جلوگیری نمایید؟
جواب های مناسب و قناعت بخش دارای روحیۀ عملی ومشخص میباشد. به طور مثال:
انداختن همه مواد اضافی مان به جا های مربوطه نه اینکه آنها را به دریا افگنیم.
جمع آوری مواد کثیف از روی آب وقتیکه ما آنرا مشاهده می نماییم.
استفاده از تشناب هایی که آب شان به جای معین انتشار یابد نه اینکه به دریا ویا ذخایر آبی

جوابات ضعیف:
باید بکوشیم که پاک باشیم.
از کشور و مردم مان بخواهیم که آبرا ملوث نسازند.
شاگردان میتوانند که جوابات شانرا از چندین طریق ابراز نمایند:

- توسط رسم نمودن بعضی ازصحنه ها درکتابچه هایشان و یا بروی تختۀ صنف
- یا از طریق فعالیت های گروپی و ارایۀ فعالیت های شان به صنف مربوطه
- از طریق نوشتن نظریات شان به کتابچه ها

درس دوم

طرز تشکل شبنم



اصطلاحات اساسی ساینس: شما میتوانید آب و هوا را در داخل بوتل به وجود بیآورید.

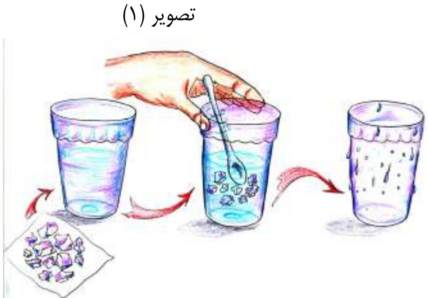
مقداری از آب را در یک پیاله بریزید. اطراف بیرونی پیاله را به دقت خشک کنید. تصویر (۱)

این آب به نام شبنم یاد می شود زیرا در صبح بسیار سرد می باشد بدین گونه شما میتوانید شبنم را در بالای موتر تان و یا سبزه ها مشاهده نمایید.

اگر آب بیرونی پیاله بسیار سرد شود چه واقع میگردد؟ سعی نمایید که این جواب را برای خود دریابید.



تصویر (۱)



تصویر (۲)

۱. مقداری یخ تکانده شده را به پیاله افزوده و شروع به شور دادن نمایید. پیاله را از بالا بلند (محکم) کنید. دستان تانرا به اطراف پیاله نگذارید.
۲. مقداری نمک را به پیاله بیافزایید. یک قاشق در یک مرتبه بعد از هر افزودن آب را شور دهید. متیقن شوید نمک در آب قبلاً حل شده، بعداً قاشق دیگری را بیافزایید. وقتی نمک را به پیاله میافزایید آب یخ دار داخل پیاله مقدار زیاد حرارت را جذب کرده میتواند. این عمل هوای بیرون پیاله را سردتر میسازد و این پروسه بنام تشکل شبنم و یا نقطهٔ یخ بستن نیز یاد میگردد.
۳. بعد از چند دقیقه آب را به بیرون پیاله مشاهده خواهید کرد. این آب از کجا آمده؟ از شاگردان پرسیده شود. تصویر (۲)

باید یاد آور شد که شبنم برای همیش در هوا موجود می باشد ولی ما نمیتوانیم آنرا مشاهده نماییم ولی میدانیم هر زمانی که هوا سرد شود منقبض می گردد این بدین مفهوم است که قطرات آب بزرگ شده و ما میتوانیم آنها را مشاهده نماییم در فرجام میتوان گفت شما سطح بیرونی پیاله را سرد نموده اید که آب هوا در آن منقبض گردیده است. تصویر (۳)



تصویر (۳)

درس سوم

تولید غبار در بوتل

مفاهیم اساسی ساینس: غبار عبارت از ابر است و در سطح زمین قرار دارد، که توسط حالت آب و هوای بخصوص به وجود می آید.

اهداف آموزشی:

غبار نوعی از ابری است که در نزدیک زمین تشکیل می یابد. تصویر (۱) بعضی اوقات غبارهم مفید و هم مضر می باشد.مفید بخاطری که همراه با رطوبت می باشد و سبب نموی نباتات و سردی هوا می شود.

مضر بخاطریکه، زمانیکه در زمین فرو می آید ما نمی توانیم چیزی را تماشا نماییم و تصادم عراده جات، طیاره ها و یا غرق کشتی ها در همین زمان اتفاق می افتد.


تصویر (۱)

در اثر فکتور های مختلف غبار بوجود می آید : رطوبت گرم هوا باید یک سطح معتدل را تماس نماید که همراه با ذرات گرد و خاک می باشد. این ذرات سبب تراکم رطوبت به شکل قطرات نسبتاً بزرگ برای مسدود ساختن ساحهٔ دید ولی کوچک برای باریدن باران می گردد.
ما می توانیم این حالات را در یک بوتل تشکیل داده و می توان غبار خود را ساخت.

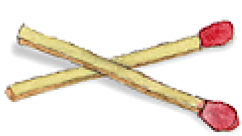
پروژه:

در یک گروپ کار نمایید. مواظب شعله های آتش و آب گرمی که در این تجربه به کار می رود باشید.

۱. یک ظرف شیشه یی یا یک بوتل فانتا را تهیه نمایید.اگر از بوتل فانتا استفاده می نمایید باید قسمت بالایی آنرا قطع نموده، لیبل آنرا دور ساخته و آنرا خوب پاک نمایید.
۲. از شاگردان بخواهید تا پاکی و شفاف بودن بوتل را مشاهده نمایند.
۳. استاد آب بسیار گرم و دارای بخار را به اندازهٔ دو انچ در بوتل می اندازد. تصویر (۲)
۴. شاگردان باید با سرعت دهن بوتل را با پلاستیک بپوشند و مواظب باشند که بخار از بوتل خارج نشود.


تصویر (۲)

۵. استاد یا یکی از شاگردان بزرگتر یک توته تار را سوختانده و آنرا خوب پف نماید تا دود از آن خارج گردد. تصویر (۳)
۶. کنارهٔ از سر بوتل را باز نموده و قسمت سوخته شدهٔ تاررادر بوتل قرار داده و سرآنرا دوباره ببندید.


تصویر (۳)

۷. بالای دهنهٔ بوتل که با پلاستیک بسته شده توتهٔ یخ را قرار دهید. تصویر (۴)

چه اتفاق خواهد افتاد؟ غبار باید در داخل بوتل تشکیل بیآبد.اگر غبار به قدر کافی تیره باشد، شاگردان نخواهند توانست داخل بوتل را به ساده گی تماشا نمایند. تصویر (۵)


تصویر (۴)


تصویر (۵)

<u>چرا غبار تشکیل یافت؟</u>

شما باید حالات تشکیل دهندۀ غبار را به خاطر داشته باشید.

a. رطوبت گرم هوا.
b. یک سطح سرد.
c. گرد یا دودی که در هوا مخلوط میگردند.

بخار گرم هوا از سبب آب گرم به وجود می آید و توتۀ یخ سطح سردی را برای آن فراهم می سازد. توتۀ تار فراهم کنندۀ دود در داخل بوتل می باشد.آب به آسانی می تواند تغلیظ گردد اگر درآن ذرات کوچک دود و خاک موجود باشد. در محیط طبیعی ما این تقریباً درست می باشد. هر چند در بوتل ما هیچ مواد منحل در هوا وجود نداشت، فلهذا ما ضرورت به اضافه نمودن دود داشتیم.

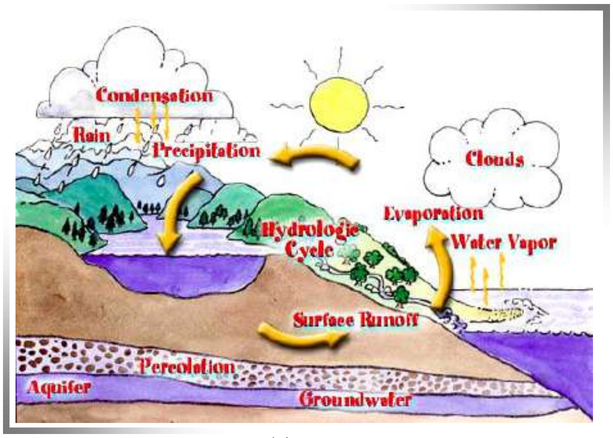
سؤالات

۱. شاگردان از کجا غبار را مشاهده نمودند؟
۲. اگر هوا بسیار سرد باشد، غبار از سبب نفس کشیدن یک طفل به وجود می آید. چرا؟ (هوایی که در بدن اشخاص موجود می باشد دارای مقدار زیادی حرارت و رطوبت می باشد. هر زمانیکه به هوای سرد زمستانی تماس می نماید، سبب تغلیظ غبار می گردد).
۳. در امتداد دریای چلی، غبار بسیار عمیق و متراکم تشکیل می گردد. آب بحر که در سواحل چلی در جریان است، آب نسبتاً گرم می باشد و با تماس در کناره های سرد سواحل سبب تشکیل غبار می گردد. چرا غبار تشکیل گردید؟ (جریان آب در سواحل تشکیل دهندۀ هوای گرم و مرطوب می باشد و فضای دور زمین سرد می باشد. زمانیکه این دو با هم تماس می نمایند سبب تشکیل غبار می گردد).
۴. دهقانان اکثراً غبار را خوش دارند. چرا؟ (زیرا، غبار برای نباتات آنان رطوبت را فراهم می سازد. غبار نسبت به هوای اطراف ما گرم تر می باشد و این موضوع سبب نگهداری نباتات از آسیب سرما می گردد).

درس چهارم

دوران آب در صراحی

اصطلاح اساسی ساینس: کسب دانش پیرامون دوران آب.



تصویر (۱)

نا گفته پیداست که آب مادۀ حیاتی بوده و بدون آن زنده گی انسانها بروی کرۀ زمین امکان پذیر نخواهد بود. تصویر (۱) از جانب دیگر ما میدانیم که صرف بخشی از آب منحیث مایع ذخیره میگردد. آب مایع ذخیره شده را میتوان در ابحار، بحیره ها، دریا ها و در زیر زمین در یافت نمود. باید علاوه نمود که بخش عظیمی از آب روی زمین به شکل بخار یا دمه در اتموسفیر موجود میباشد. بعضاً ما میتوانیم که بخار ویادمۀ آب را مانند پارۀ ابر ها– به چشم های مان مشاهده نماییم ولی، بخش بزرگ از بخار آب غیر قابل دید میباشد.

آب چطور میتواند به اتموسفیر انتقال نماید؟ (از طریق تبخیرات)

پروژۀ شماره (۱):

یک حفرۀ کوچک آب را در نظر گیرید. و اگر موجود نباشد حفرۀ کوچک را در نزدیکی های مکتب تان بسازید. در حفرۀ عمیق، شما مشاهده مینمایید که به زودی آب آن تبخیر مینماید. ممکن، در آغاز، این یک پروژۀ ساده و بسیط معلوم شود ولی در حقیقت این درس برای نسل جوان تجربۀ خوب است زیرا ایشان را به تفکر وامیدارد وبه تعدادی از سوالات شان جواب میدهد.

آنها از خود میپرسند که:

- این آب به کجا میرود؟
- چرا ما بیشتر از این نمیتوانیم که آب مذکور را به چشم مان مشاهده نماییم؟
- آیا در روز های ابری آب تبخیر مینماید؟
- آیا در موجودیت دمه و غبار آب تبخیر مینماید؟

آب در موجودیت شعاع گرم آفتاب تبخیر مینماید. این بدین مفهوم است که حرارت آفتاب همان رابطه (Bondes) که مالیکولهای آب را باهم نگهمیدارد، را میشکنند. در این وقت است که آب شکل گازی را بخود میگیرد که این پروسه را بنام تبخیر یاد میکنند. ذرات آب تبخیر شده بسیار کوچک اند که حتی به چشم دیده نمیشوند ولی باید علاوه نمود که تمام هوا دارای مقداری از بخارات آب میباشند. قابل یاد آوریست که حتا هوای خشک نیز تا حدی بخارات آب را در خود دارند.

موجودیت بخارات آب در اتموسفیر برای انسانها مایهٔ خوشبختی بوده باید علاوه نمود که بعضی از سیارات دارای مقدار کافی قوهٔ جاذبه نبوده تا بتوانند که اتموسفیر را در تحت قوهٔ خود قرار دهند. در نتیجه میتوان گفت که اتموسفیر باعث گردیده که تمام آب کرهٔ زمین حفظ گردد. همین تبخیرات آب در اتموسفیر در واقعیت امر در بسی از مسایل عمده مربوط به آب و هوا میباشد و از همین طریق است که خاک به طور همواره مرطوب باقی میماند.

پروژهٔ شماره (۲):

حالا شما میتوانید که سر پوشی را بالای صراحی بگذارید و مشاهده نمایید که چی واقع میشود؟ در عین زمان شما در صراحی مقدار ریگ را نیز علاوه نمایید. در سطح پایینی صراحی آب در اطراف واکناف ریگ نماینده گی از ساحات آبرا ه زیر زمینی مینماید. تصویر (۲)



تصویر (۲)

آب داخل صراحی توسط حرارت آفتاب گرم شده و بـه بخـار تبـدیل میشود در اینصورت است که شما میتوانیـد آنـرا بـه شـکل بخـار در اطراف صراحی مشاهده نمایید. و اگر شما توته هـای یـخ را بـالای سرپوش بگذارید در اینصورت قطـرات آب ماننـد "بـاران" از آن بـه پایین میریزد. تصویر (۳)

بعد از همه تذکرات فوق میتـوان تصـویر درسـت از دوران آب را در تذکرات زیرین ملاحظه نمایید:



تصویر (۳)

- حرارت آفتاب آب را تبخیر نموده و قابلیت حمل آنرا به اتموسفیر آماده مینماید.
- وقتیکه اتموسفیر بنابر دلایل متعددی خوب سرد شد آب دوباره منقبض گردیده باعث به وجود آوردن باران میگردد.
- باران بالای سطح زمین و یا در ابحار میریزد و دوران متذکره یا دوران آب به طور متداوم همین گونه صورت میگیرد.

بسی از بخارات در ابحاریکه به نزدیکی خط استوا قرار دارند یعنی در موقعیت هایی که بسیار گرم قراردارند صورت میگیرند. کشورهایی که در نزدیکی خط استوا و در نزدیکی ابحار قرار دارند دارای هوای مرطوب و گرم میباشند. هوای گرم مرطوب توسط باد به مناطق و کشور های دیگر انتقال داده شده وقتیکه سرد شد به باران تبدیل گردیده و به طرف پایین نزول میکند.

شما بهتر میدانید که مقداری از آب در زمین نفوذ نموده و مقدار باقیمانده توسط دریا ها به ابحار یک جا شده که دوباره پروسهٔ دوران آب آغاز میگردد.

سؤالات

۱. چطور آب باران میتواند به عمق زمین جذب گردد؟ (باران به شکل قطرات آب بروی زمین میریزند و در صورتیکه زمین نرم و آماده جذب نمودن آن باشد، در زمین جذب میگردد.

۲. به نظر شما اگر تمام مردم چاه های عمیق حفر نمایند و بتوانند که به آب های زیر زمینی برسند در اینصورت چی واقع خواهد شد؟ (سطح آب زیر زمین پایینتر میرود و مردم ضرورت دارند که باز هم چاه های عمیقتر حفر نمایند که همهٔ این باعث میگردد که آب زیر زمین مورد استفاده قرار گرفته و باز هم توسط پروسهٔ جذب نمودن آب سطح زمین ذخایر آب های زیر زمینی اکمال میگردند.

۳. به نظر شما چرا بعضی از ابر ها باعث باریدن باران میشوند؟ در حالیکه بعضی دیگری از ابرها تولید باران نمیکنند؟ (ممکن بعضی از ابرها رطوبت کافی را در خود ندارند و یا اینکه سردی که برای ساختن قطرات باران ضرورت است موجود نمی باشد از این سبب باران از آنها تولید نمیگردد.

۴. چرا مردمی که در جلال آباد امرار حیات دارند نظر به مردم کابل زیاد تر باران را شاهد اند؟ بخارات آب از بحر هند به شکل ابرها به جلال آباد میرسند و باعث باران میگردند ولی موجودیت کوه های بلند بین جلال آباد و کابل باعث گردیده اند که تا حدود زیاد ابر ها نتوانند که از این کوه ها عبور نمایند از این سبب است که کابل دارای باران کمتر است. برای وضاحت بیشتر به نقشه مراجعه شود.

۵. چرا آب یک حوض در کابل با مقایسهٔ جلال آباد بیشتر تبخیر میشود؟ (چون هوای کابل خشک است و بر عکس هوا در جلال آباد مرطوب میباشد. شما بهتر میدانید که بخارات آب در هوای خشک بیشتر است.

درس پنجم

آشنایی با نقشهٔ آب و هوا

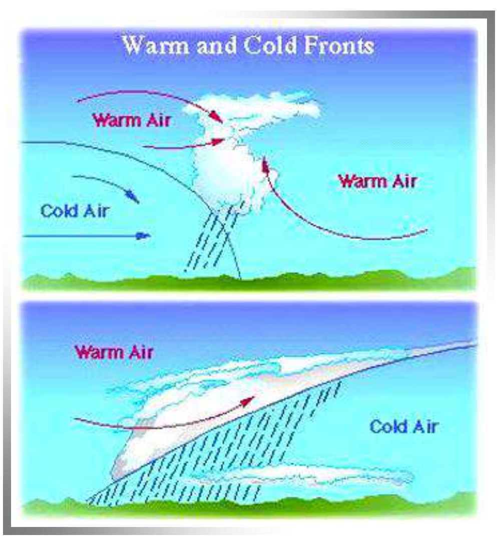

تصویر (۱)

اهداف آموزشی: بسیاری از مردم ضرورت دارند تا در بارهٔ آب و هوای امروزی معلومات حاصل کنند. آیا تصور کرده میتوانید که کدام افراد میخواهند در بارهٔ آب و هوا معلومات داشته باشند؟ دهاقین، فامیل هایی که پلان میله را دارند، دریا نوردها، اطفالی که میخواهند کاغذ پران بازی کنند، پیلوت های طیاره و بسیاری افراد دیگر.

نقشهٔ آب و هوا یگانه راه تهیهٔ این نوع معلومات است. نوشتن تمام معلومات در یک نقشه شاید بسیار وقت و مسافه را دربر گیرد، لهذا دانشمندان، ازسمبول ها استفاده میکنند. تشریح سمبول ها در نقشهٔ آب و هوا وجود دارد. تصویر (۱)

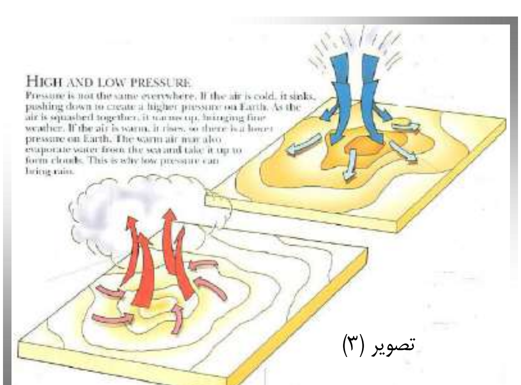
بعضی از سمبول های آب و هوا قرار ذیل اند:

- وقتی که کتله های بزرگ هوای سرد در حرکت میباشند بنام "جبهٔ سرد" یاد میشود.
- وقتی کتله های بزرگ هوای گرم در حرکت میباشند بنام "جبهٔ گرم" یاد میشود.
- وقتی که جبه های گرم و سرد هوا با هم تصادم میکنند در نتیجه باران و طوفان به وجود میاید. برای این جبه، سمبول وجود دارد، لیکن یک تصویر نیز وجود دارد که نتیجهٔ این تصادم را نشان میدهد. تصویر (۲)
- وقتی هوای گرم از یک ساحه صعود میکند ما آن را بنام ساحهٔ دارای فشار کم یاد میکنیم. فشار کم توسط"L" بزرگ در روی نقشهٔ آب و هوا نشان داده میشود. در چنین حالت امکان زیاد برف و باران وجود دارد.
- وقتی که هوای سرد بالای یک ساحه نزول میکند ما آن را بنام ساحهٔ دارای فشار زیاد یاد میکنیم. فشار زیاد توسط"H" بزرگ نشان داده میشود ونشان دهندهٔ آسمان صاف میباشد.



تصویر (۲)

تصویر (۳) چند جلد نقشهٔ آب و هوای کابل از اول اگست سال ۲۰۱۰ را تقسیم کنید. دو خط مستقیم از منطقهٔ هرات عبور کرده است. شاگردان را چند ثانیه وقت بدهید تا خاموشانه نقشه را ببینند، بعداً سوالات ذیل را از آنها بپرسید. تصویر (۴)



تصویر (۳)

۱. انگشت تان را بالای کشور افغانستان بگذارید. (کنترول کنید که عین کار را انجام داده باشند).

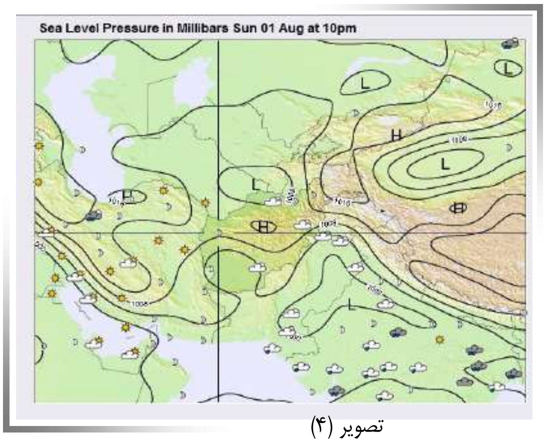
۲. کدام سمبول دروسط افغانستان قرار دارد؟ (H برای فشار بالا)

۳. کدام نوع آب و هوا را توقع دارید؟ (آسمان صاف)

۴. کجا باران میبارد؟ (قسمت های هندوستان) آیا آن ساحه دارای فشارزیاد است یا کم؟ (فشار کم) شما چطور میدانید؟ (فشار کم) شاگردان میدانند چرا که در آن جا باران میبارد، و همچنان به خاطریکه آنجا یک L است.

۵. کدام قسمت افغانستان ابر آلود است؟ (طرف شمال شرقی)

۶. تغییرات زمین درکدام قسمت کشور وجود دارد؟ (کوه های بلند هندوکش)



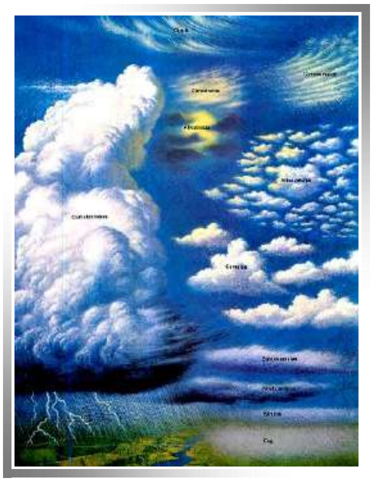
تصویر (۴)

درس ششم

تشکیل ابر در مرتبان

مفاهیم عمدهٔ ساینسی: ساختن ابر توسط سیستم فشار پایین.

اهداف آموزشی: چطور فشار های بالا و پایین در تشکل ابر ها اثر گذار می باشد؟ تصویر (۱)



تصویر (۱)

وقتی که ما سیستم فشار پایین و بالا میگوییم منظور ما کتله های هوا می باشد. اگر هوای سرد در زمین ویا بحر فرو رود سیستم فشار بالا را مـی داشـته باشـیم چون جریان هوا به طرف پایین فرو میرود و اگر بر عکس آن هوای گرم بطـرف بالا برود فشار کم بوده و این سیستم فشار پایین می باشد.

سیستم فشار پایین معمولاً باعث تشکیل ابر ها و باران می گردد. چرا؟
همینکه هوا بطرف بالا می رود سرد گردیده و کتله های آب تراکم می نماید. (برای معلومات بیشتر به درس، ساختن غبار مراجعه نمایید).

سیستم فشار بالا بر عکس آن بوده در هوای آفتابی و صاف درجهٔ حرارت بلند می رود.

در جهان طبیعی حرارت پایین و بالا در نتیجهٔ گرم شدن نا مساوی سطح زمین به میان میآید. قسمت های خشکهٔ زمین نسبت به بحر ها زودتر گرم می گردد. مناطق نزدیک به خط استوایی گرم تر از مناطق نزدیک به قطب ها می باشند.

در این تجربه ما با تبخیر کردن مقدار کم آب سیستم فشار بالا و پایین را با فشار دادن کنار های بوتل تشکیل می دهیم.

۱. یک قاشق بزرگ آب گرم را در یک بوتل پلاستیکی فانتا که دارای کنارهای محکم باشد انداخته سر آنرا بسته نمایید. آب داخل بوتل را خوب شور داده آنرا در آفتاب بگذارید تا تبخیر نماید بنا برین این عمل بخار آب را در بوتل تشکیل می دهد.
۲. گوگرد را روشن نموده، سر بوتل را باز نمایید، به زودی گوگرد را خاموش نموده نزدیک دهن بوتل قرار دهید، باید یاد آور شد که قبل از خاموش نمودن گوگرد، بوتل را از دو کنار فشار دهید و بعد از خاموش نمودن آن بوتل را رها نمایید. دود گوگرد در داخل بوتل کش خواهد گردید، حال سر بوتل را ببندید.
۳. شما قادر به ساختن حالاتی که برای تشکیل ابر ضرورت است شده اید که آن عبارت از بخار آب و مواد دارای ذرات کوچک می باشد.
۴. برای ایجاد فشار هوا در داخل بوتل آنرا در بین دستان تان محکم فشار دهید. تصویر (۲)



تصویر (۲)

۵. بعد از کم نمودن فشار خواهید دید که ابر در داخل بوتل تشکیل گردیده است. تصویر (۳ و ۴)
۶. بوتل را دوباره فشار دهید، خواهید دید که ابر از بین رفته.



تصویر (۳)



تصویر (۴)

یادداشت: اگر شما قادر به ساختن ابر در داخل بوتل نمی گردید، حتماً فشار کافی بالای بوتل وارد ننمودید و یا دود کافی در داخل آن نیست. برای مشاهدهٔ تغییراتی که در اثر فشار بالا و پایین در درجهٔ حرارت داخل بوتل صورت می گیرد یک گرما سنج را داخل آن نمایید. در هنگام فشار بالا ازدیاد خفیف ولی قابل ملاحظه را در درجهٔ حرارت مشاهده خواهید نمود.

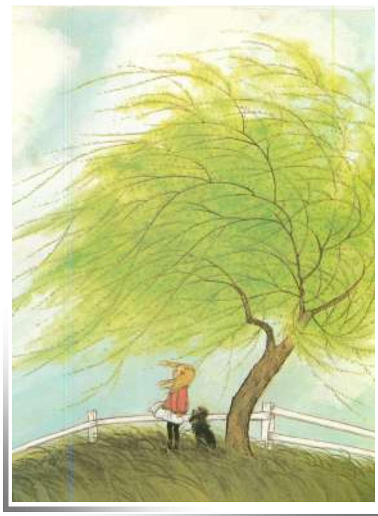
علماء فشار هوا را توسط آله یی که بنام گرما سنج یاد می شود اندازه می نمایند.

سؤالات

۱. از کلکین صنف به بیرون نگاه کنید، کدام نوع هوا را مشاهده خواهید نمود، هوای دارای فشار بالا و یا پایین؟ از روی چی شما جواب می دهید؟ (ابر در آسمان به معنی فشار پایین و آسمان صاف به معنی فشار بالا. البته آلوده گی هوا میتواند تصمیم گیری شما را به مشکل مواجه نماید).
۲. در جریان سیستم فشار بالا، بالای کتله های هوا چی اتفاق میآفتد. (کتله ها سرد می گردد).
۳. در جریان سیستم فشار پایین، بالای کتله های هوا چی اتفاق میآفتد. (هوای گرم بالا میرود).
۴. دلیل داشتن فشار بالا در بعضی قسمتها و فشار پایین در قسمتهای دیگر عبارت از گرم شدن نامساوی سطح زمین می باشد. اینرا با مثال واضح نمایید. (بحر ها در جذب و رها کردن حرارت نسبت به خشکه متفاوت میباشد و مناطق نزدیک خط استوا نسبت به مناطق نزدیک به قطب ها گرمتر می باشد. کوه ها نسبت به زمینهای هموار سرد تر می باشد).
۵. کدام نوع هوا گرمتر می باشد، هوای دارای فشار بالا و یا پایین؟ (هوای دارای سیستم فشار بالا گرمتر می باشد).

درس هفتم

با باد قدم زدن





تصویر (۱)

اصطلاح اساسی ساینس: باد دارای سرعت های متفاوت بوده، چرا پیمایش سرعت باد مهم میباشد؟

شما بهتر میدانید که حرکت هوا را به نام باد یاد میکنیم. باد ها میتوانند هم مفید و هم مضر باشند.

آیا شما نشانه هایی از مفید بودن باد را برای انسانها به خاطر آورده میتوانید؟ در قدم اول برای نظریات شاگردان انتظار نمایید و بعد از آن این نکات را برای شان خاطر نشان نمایید:

- باد ها کشتی های بحری را در اثنای حرکت کمک میکند.
- باد ها باعث به وجود آوردن باران های مفید میگردد.
- باد ها کاغذ پران ها را در هوا بلند میکند. تصویر (۱)
- باد ها بدن ما را سرد میسازند.
- آسیاب های بادی که غله را برای ما آرد مینمایند. فعال میسازد.
- باد ها هوای ملوث را از شهر ها دور میبرند.

باد ها میتوانند که خطرناک و مضر هم باشند:

- باد های قوی تعمیرات و شهر ها را ویران مینمایند.
- باد ها سطح مفیده و قوی خاک را با خود میبرند.
- باد ها باعث ایجاد امواج گردیده که میتوانند کشتی ها را غرق نمایند.
- باد ها باعث طوفان های ریگی میشوند. تصویر (۲)
- باد ها نباتات را خشک مینمایند.



تصویر (۲)

سرعت و سمت باد ها در تعیین باد "خوب"و باد "خراب" نقش به سزایی دارند. به طورمثال: باد های قوی باد هـای خـوب انـد ولی طوفانها را میتوان از جملهٔ باد های خطرناک و ویران کننـده بر شمرد.

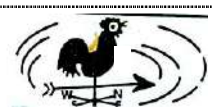
ساینتست ها باد را تحت مطالعهٔ خویش قرار میدهند ولی هرگز نمیتوانند که آنرا به چشم ببینید باید خاطر نشان نمود که هوا غیر قابل دید میباشد. برای مطالعهٔ بهتر باد ها آنها از وسایل اندازه گیری و سمت نما های باد استفاده مینمایند.

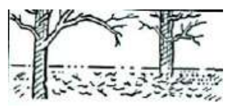
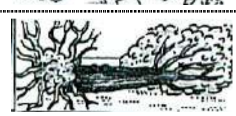
وسایل اندازه گیری میتوانند که باد را اندازه نمایند که در اینمورد میتوان از وسایل تعیین و پیشگویی آب و هوا یاد نمود. باید یاد آور شد که برای همیشه به وسایل تخنیکی و وسایل اندازه گیری پیشرفته برای اندازه نمودن باد آنقدر ها ضرورت مبرم احساس نمیگردد. شما در اینمورد میتوانید از چشمان تان استفاده نمایید.

صد ها سال قبل ساینتستی بنام "بیوفورت"(Beaufort) رهنمای دیدنی"Visual guide" را اختراع نمود تا به واسطهٔ آن بتوان سرعت باد ها را به طور دیدنی پیشگویی نمود. وی میخواست تا کشتی را نان را که و سایل تکنالوژیکی باخود نداشتند کمک نماید. باید یاد آور شد که کشتی هایی که توسط قوهٔ باد حرکت میکنند باید کشتی ران های آنها بدانند که آیا باد به قدر کافی موجود است که بتواند کشتی را در حرکت آورد و هم در مورد باد های بسیار قوی که باعث ایجاد خطر برای کشتی ها میباشد نیز باید آگاهی حاصل نمایند.

دانشمند متذکره در پی شاخصهای معمول و قابل دید برای همه گان بوده که بتوانند سرعت باد را معلوم نماید. چارت را که وی طرح نموده تا حالا مورد استعمال قرار دارد. چارت متذکره در ارتباط همین درس موجود میباشد و شما میتوانید آنرا مشاهده نمایید.

Beaufort Wind Scale

شماره	تفصیلات	سرعت باد فی کیلومتر در ساعت	تصویر	پیمایش باد
۰	آرام	۱<		دود بالا میرود.
۱	باد آهسته و ملایم	۱-۳		دود به یک جهت میرود.
۲	نسیم ملایم	۴-۷		برگ ها شر شر میکنند.
۳	باد تند	۸-۱۲		برگها وبیرقها حرکت میکنند.
۴	هوای متوسط	۱۳-۱۸		شاخچه ها حرکت میکنند بیرقها فلپ فلپ میکنند.
۵	هوای تازه	۱۹-۲۴		درختان خورد یک طرف خم میشوند بیرقها درخشش میکنند.

۶	هوای بسیار تند	۲۵-۳۱		شاخچه های بزرگ حرکت میکنند بیرقها به هم میخورند.
۷	طوفان	۳۲-۳۸		تمام درختان حرکت میکنند بیرقها راست میگردند.
۸	هوای نسبتاً تند	۳۹-۴۶		شاخچه های کوچک میشکند قدم زدن مشکل است.
۹	باد طوفانی	۴۷-۵۴		علامات و تخته اعلانات و آنتن ها به پایین می افتند.
۱۰	طوفان نسبتاً خوب	۵۵-۶۳		درختها از ریشه میبرایند باندازۀ قابل ملاحظه تعمیرات خساره وارد مینماید.
۱۱	طوفان	۶۴-۷۲		اطراف مملکت ویران میشود.
۱۲	طوفان بسیار قوی	۷۲<		تمام مملکت را تخریب میکند.

بعد از این همه توضیحات شما پیرامون ارزش و اهمیت باد با شاگردان تان مباحثه نمایید و بعد از آن همان چارت را به دسترس شاگردان بگذارید. برای ایشان اجازه دهید که برای چند دقیقه چارت را مورد مطالعۀ خویش قرار دهند. بعد از آن برای شان چارت و طریقۀ استفادۀ آنرا برای شاگردان توضیح نماید و برای شان وانمود نمایید که چطور هر کدام از این تصاویر میتوانند سرعت باد را معلوم نمایید. ایشانرا با چارت آشنا ساخته تا بدانند که کدام تصویر کدام اندازۀ سرعت باد را نشان میدهد.

به این سه فعالیت مر بوط درس باد توجه نمایید و برای شاگردان مطابق سن و سال شان از این فعالیت ها انتخاب نمایید که عبارت اند از:

۱. برای شاگردان اظهار نمایید که خود را مانند درخت تصور نمایند. در اینصورت اطفال دستان شانرا باز نموده تا شکل شاخه های درخت را به خود بگیرند و در عین زمان پنجه هایشانرا باز نمایند. پا هایشانرا محکم به زمین زده تا ریشه های درخت را بدین صورت تمثیل نمایند بعداً برای اطفال بگویید:
   a. باد وجود ندارد. (اطفال آرام می ایستند).

b. باد با جهت کم وجود دارد (اطفال پنجه های شانرا شور میدهند).
c. باد مانند پوف قوی موجود است. (اطفال بازوان شانرا به عقب و به پیشرو میبرند و آرام میشوند).
d. یک باد قوی موجود است. (اطفال بازوان و پنجه هایشانرا بسیار محکم و به سرعت حرکت میدهند).
e. باد بسیار شدید قوی موجود است. (تمام اعضای بدن به سرعت بسیار زیاد حرکت میکند).
f. باد قوی و یا طوفان موجود است. (پا های اطفال بالا شده و به روی سطح اتاق می افتند مانند اینکه همه چیز ریشه کن شده است).

۲. قدم زدن را در اثنای باد شروع نمایید. شاگردان را به خارج از صنف باخود داشته و از ایشان بخواهید که همان چارت را با خود داشته و توسط آن اعضای بدن شان باد را اندازه نمایند. آنها میتوانند که توسط این چارت سرعت باد را در اوقات مختلفهٔ روز یعنی صبح اندازه نمایند. تصویر (۴ و ۵) آنها مشاهده خواهند نمود که معمولاً سرعت باد در وقت صبح کمتر و در ظهر زیاد تر میباشد.



تصویر (۵)



تصویر (۴)

یک باد نما بسازید:

یک پر پاک مرغ را به یک تار ببندید و جانب دیگر تار را به یک چوب و یا یک پنسل بسته نمایید و بیرون رفته و وزیدن باد را مشاهده نمایید.

a. در یک پارچه تکه یک سوراخ نمایید و یک تار را به آن سوراخ بسته و آنرا به یک چوب بسته کنید به بیرون رفته و سرعت باد را مشاهده نمایید.
b. شما میتوانید که باد نما های ساختهٔ خود تانرا در بام مکتب جا دهید و سرعت باد را اندازه نمایید و بعد از آن همان بادنما را به میدان مکتب تان قرار دهید و تغییر سرعت باد را ملاحظه نمایید هر قدریکه بالا روید سرعت باد زیاد میشود.

اگر شما کدام سامان از بادنما های مدرن بدسترس دارید آنرا در اوقات مختلفهٔ روز امتحان نمایید.

یاداشت برای معلمین: شما بهتر میدانید که باد ها توسط تغییرات حرارت های غیر معمول سطح زمین به وجود می آینـد. هوا در جاهایی که دارای هوای گرم اند بالا میرود به جاهایی که دارای هوای سرد است نزول مینماید. وقتیکه هـوا بـالا میرود هوای سرد میخواهد جای آنرا بگیرد در اینصورت است که شما باد را احساس میکنید.

یک چارت دانشمند متذکره را به دیوار صنف تان آویزان نمایید و شاگردان تانرا وادارید که هر روز از آن استفاده نمایند.

سؤالات

۱. دانستن سرعت باد دارای کدام ارزش ها و یا مفیدیت ها میباشد؟
۲. آیا سرعت باد امروز به کدام طرف بوده است. (شمال، جنوب، شرق، غرب)
۳. به بیرون صنف تان نظر اندازید، با استفاده از چارت بیوفورت سرعت باد را تعیین نمایید.
۴. قبل از بالا نمودن کاغذ پران چطور میدانید که باد کافی برای بالا نمودن آن موجود است؟ در اینصورت به جوابات شاگردان تان گوش فرا دهید. ممکن شاگردان تان باد مورد ضرورت را به روی شان احساس نمایند و یا ممکن آنها به شور خوردن تکه ها نظر اندازند و یا ممکن آنها به پارچه های کاغذ که در هوا اینطرف و آنطرف در حرکت اند نظر اندازند و بعد از آن اظهار دارند که آیا باد کافی برای بالا نمودن کاغذ پران وجود دارد و یا خیر؟

بخش سوم

درس اول

سایه ها و حرکت آفتاب


تصویر (۱)

اصطلاحات اساسی ساینس: مشاهدهٔ حرکت روزانهٔ زمین بصورت غیر مستقیم.

شما میتوانید پیرامون آفتاب از طریق مشاهدهٔ سایهٔ خود بیاموزید.

۱. در این باره باید شخصی شما را کمک نماید.
۲. در خیابان بایستید و طوری دور زنید که روی تان به جانب سایهٔ مربوطهٔ تان باشد و برای لحظه یی بدون حرکت همانطور بایستید. تصویر (۱)
۳. از رفیق خود بخواهید تا جای هر دو پای شما را رسم نماید، تا شما بدانید که در اثنای رسم نمودن سایهٔ شما، شما در کدام موقعیت قرار داشتید. تصویر (۲)
۴. بعداً دوست شما سایهٔ تانرا رسم میکند. تصویر (۳)
۵. اسم تانرا بالای سایهٔ مربوطهٔ تان بنویسید. در اثنای نوشتن اسم تان بالای سایهٔ مربوطه، سایهٔ شما اینطور معلوم خواهد شد. تصویر (۴)
۶. برای یک ساعت بالای همان جاهای قبلی پای های تان قرار گیرید و مشاهده نمایید که این بار سایهٔ شما اینطور ظاهر خواهد گشت. تصویر (۵)
۷. آیا سایهٔ شما تغییر نموده است، چرا؟


تصویر (۲)

توضیحات بیشتر پیرامون مفید بودن سایه ها:

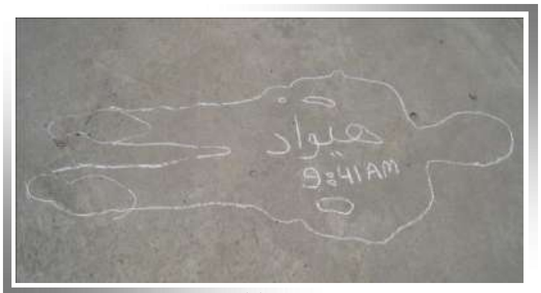
وقتیکه آفتاب در امتداد آسمان حرکت مینماید سایهٔ شما تغییر میکند. در واقعیت امر، این حرکت آفتاب نبوده بلکه بر عکس، چرخش زمین بدور آفتاب میباشد.

حالا میتوانید اظهار دارید که عامل تغییر در سایهٔ شما حرکت زمین در اوقات مختلف روز بدور آفتاب میباشد علاوه بر آن ما همه میدانیم که آفتاب گاهی هم بدور زمین حرکت نمی نماید.


تصویر (۳)

باید علاوه نمود، که در واقعیت، ما نمیتوانیم چرخش زمین را بدور آفتاب مشاهده نماییم زیرا ما خود در بالای زمین قرار داریم. به طور معمول، ما اظهار میداریم که آفتاب در اطراف واکناف آسمان حرکت میکند و این عمل از لحاظی است که ما همینطور آنرا مشاهده مینماییم.

سایه های شما از یک دقیقه تا دقیقهٔ دیگر تغییر مینماید. شما بهتر میدانید که آفتاب در آسمان از طرف شرق به طرف غرب در حرکت میباشد. بنابر این ساینسدانان میکوشند تا از طریق مشاهدهٔ سایه ها پیرامون چرخش زمین با در نظرداشت آفتاب معلومات حاصل نمایند.



تصویر (۴)

در اوقات صبح سایه ها بسیار طولانی میباشند زیرا آفتاب در آسمان پایین میباشد. به طور معمول سایه ها وقتیکه آفتاب بطرف بالای آسمان میرود، به تدریج کوتاه میگردند. این حرکت آفتاب به طرف بالای آسمان الی چاشت دوام میکند و این وقتی است که سایه ها دارای کوتاه ترین طول میباشد. بعد از آن زمانیکه آفتاب به طرف غرب در حالت غروب میرود سایه ها به تدریج طولانی میگردند. از همین سبب است که در اثنای غروب سایه ها طولانی تر میگردند.


تصویر (۵)

وقتیکه آفتاب حرکت میکند سایه ها نیز میچرخند. در صورت تعمق میتوان گفت که: سایه ها در اثنای صبح تقریباً تمایل به طرف غرب داشته زیرا (در این اثنا آفتاب به طرف شرق آسمان میباشد) در اوقات چاشت سایه ها به طرف شمال متمایل میباشد. در اوقات ناوقت بعد از ظهر سایه ها به طرف شرق متمایل بوده زیرا آفتاب به طرف غرب غروب مینماید.

سایه ها و ساعت آفتابی: "Sundials" سن دایلز تصـویر (۶)، ساعت آفتابی بوده که میتواند اوقات را با استفاده از سایه نمایان سازد. بعضی از این ساعت های آفتابی بـر اسـاس طـول سایه ها، میتواند که وقت را نشان دهد.

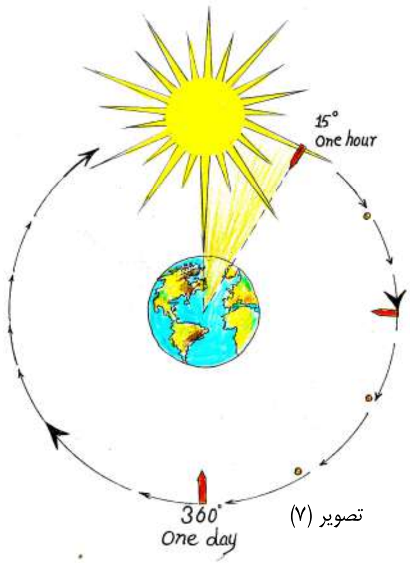

تصویر (۶)

تعداد دیگری از این ساعت ها وقت را بر حرکت زاویه یی میتوانند نشان دهند. بعضی از دهقان ها با استفاده از سن دایلز های غیر رسمی میتوانند که وقت را برای شان معلوم نمایند طوریکه بیل شانرا به زمین فرو میبرند هر وقتیکه طول سایۀ بیل شان کوتاه باشد همان وقت را برای صرف نان چاشت تعیین مینمایند. شما خود نیز میتوانید که برای تان سن دایلز ساده ساخته و از سایۀ خود برای تعیین وقت استفاده نمایید. برای انجام این کار شما میتوانید از فروبردن چوبی به طور عمودی در زمین استفاده نمایید. شما میتوانید که موقعیت سایه را در هر ساعت نشانی نمایید و بعد از آن هر روزیکه سایه در همان نقطه موقعیت داشته باشد شما بدون اینکه ساعت را باخود داشته باشید، میتوانید وقت را بدرستی بدانید.

چی فاصله یی را آفتاب و یا سایۀ شما در یک ساعت طی میکند؟

به طور عموم ستاره شناسان، کشتی رانان و مهندسین از همین معلومات (حرکت آفتاب و سایه) استفاده نموده و از همینطریق میخواهند بدانند که در کجا قرار دارند تا در پرتو این معلومات وسایلی که ساعت را نشان دهند طرح و تنظیم نمایند. شما به سهولت میتوانید که فاصلۀ حرکت آفتاب را در آسمان دریابید.

۱. حرکت زاویه یی و دایروی معمولاً توسط درجه اندازه میشود. از جانب دیگر شما بهتر میدانید که آفتاب در آسمان دارای حرکت دایروی میباشد بنابر این فاصلهٔ حرکت وی را باید به درجه اندازه نمود نه توسط کیلومتر.



تصویر (۷)

۲. آفتاب به دور زمین طی حرکت دایروی هر روز چرخش میکند. (ولی در حقیقت، این زمین است که به دور آفتاب در چرخش میباشد). همچنان شما بهتر میدانید که دایره محتوی ۳۶۰ درجه میباشد.
۳. شبانه روز ها دارای ۲۴ ساعت میباشند.
۴. در صورت تقسیم نمودن ۳۶۰ بالای ۲۴ داریم: ۱۵ =۳۶۰/۲۴ degree. از این جاست که میتوان گفت (آفتاب در طول هر ساعت به اندازهٔ ۱۵ درجه حرکت میکند). تصویر (۷)

اهمیت طول سایه و چاشت:

شما بهتر میدانید که سایه ها دارای کوتاه ترین طول در اثنای چاشت میباشند و این وقتی است که: آفتاب در بلندترین قسمت آسمان قرار میگیرد. بادر نظرداشت این واقعیت میتوان گفت که چاشت کاملاً حقیقی همان وقت است که سایه ها دارای کوتاه ترین طول باشند. (در واقعیت امر، چاشت واقعی همان چاشتی که در ساعت ساخت انسان نشان داده میشود نمیباشد زیرا انسان ها کوشیده تا برای رفاه خویش چاشت آفتابی را بطور تخمینی در ساعت ساخت خود تخمین نمایند). باید علاوه نمود که چاشت یگانه وسیلهٔ پیمایش در ساعت های قدیمی بوده زیرا این یگانه طریقهٔ ممکنه به شمار میرفت. انسانها در گذشته ها طول سایهٔ چوب را در وسط روز بسیار دقیق مشاهده میکردند و میدانستند که به هر اندازه یی که سایهٔ چوب روبه کوتاهی رود به همان اندازه اوقات چاشت سپری شده است.

بعد از همه تذکرات فوق، میتوان گفت که در گذشته ها "چاشت" بهترین وقت برای کشتی رانان و دیگر انیکه در جستجوی وقت بوده اند به شمار میرفت. از همین لحاظ بوده که در مراکز بسیار شهر های بزرگ در گذشته ها چاشت نما ها موجود بوده است. در کشور عزیزمان توپ چاشت نمایانگر وقت و نمایانگر وسط روز بوده است. تصویر (۸)


تصویر (۸)

سایه ها وعرض البلد:

سایهٔ شما میتواند که معلومات پیرامون عرض البلد را ابراز دارد. به گونهٔ مثال: اگر شما سایهٔ تانرا در اثنای چاشت کاملاً معین و مشخص، اندازه نمایید و در عین زمان متولد دوگانه گی با شما سایهٔ خود را در مزارشریف اندازه نمایید در اینصورت بوضاحت میتوان گفت که سایه های شما دارای عین طول نخواهد بود. (آفتاب در عرض البلدهای متفاوت از زاویه های مختلف میتابد از این لحاظ است که طول سایهٔ ها متفاوت میباشند). کشتی رانان با استفاده از طول سایهٔ چاشت میتوانند که عرض البلد خویش را دریابند. آنها از چارت های کتب که طول سایه با عرض البلد در مطابقت قرار دارد استفاده مینمایند.

تعقیب مقدماتی این درس:

اتاقی را تاریک ساخته و در آن از چراغ دستی طوری استفاده نمایید تا بتواند اثرات آفتاب را بالای سایه ها نشان دهد. به گونۀ مثال: قلم پنسل تانرا بالای پارچۀ سفید کاغذ و یا تکۀ سفید به طور ایستاده قرار دهید. چراغ دستی را به طرف بالای قلم حرکت دهید و در آن زمان سایۀ قلم را مشاهده نمایید. شما خواهید دید که طول سایۀ قلم در هر حرکت آفتاب تغییر میکند. سایۀ قلم را به اوقات روز مطابقت دهید (طوریکه مشخص نمایید که این وقت چاشت است که آفتاب در بالای سرما قرار دارد و این وقت از آن بعد از ظهر میباشد...

سؤالات

۱. چرا طول سایه ها در اوقات روز تغییر مینماید؟ (منبع نور "آفتاب" ظاهراً در حرکت است).
۲. شما چطور مشاهده نموده اید که سایۀ شما حرکت مینماید؟ جوابات مختلف خواهد بود زیرا این وابستگی کامل با اوقات روز دارد. طول سایه میتواند که طویلتر و یا کوتاه تر شوند و در کنار ها در حرکت میباشند.
۳. در کدام اوقات سایه ها طویلترین اند؟ (در اوقات آفتاب بر آمد و غروب).
۴. در کدام اوقات سایه ها کوتاه ترین میباشند؟ (چاشت)
۵. از این درس آموختیم که: "ساعات در ساعت های ما" با "چاشت آفتابی" مطابقت ندارد. ما میدانیم که انسانها در ساعت های ساخت خود شان سعی به عمل آورده تا "ساعات معیاری" را در هر کجا یک سان داشته باشند از جانب دیگر "چاشت آفتابی" در هر نقطۀ زمین بر مبنای تابش نور آفتاب اختلاف دارد. به گونۀ مثال: از یک کنار میدان فوتبال تا کنار دیگر آن اختلاف ساعت آفتابی ۳ ثانیه میباشد. بعد از همه تذکرات فوق میتوان گفت که بر مبنای همین ضرورت بوده تا زون های معیاری و ساعات معیاری را به وجود آورند. باید به خاطر داشت که ساعت معیاری تخمینی از ساعت آفتابی میباشد. به نقشۀ زون وقت دقت نموده افغانستان را در آن پیدا نمایید.
۶. بخاطری که برای شما هدایت داده شده بود که برای رسم نمودن سایۀ تان باید اولتر از همه جاهای پاهایتان را نشانی نمایید؟ (برای اینکه برای مقایسۀ نمودن سایه ما باید بار دوم درست در همان موقعیت و یا جای پای خود ایستاده شویم تا بدین صورت بتوانیم سایۀ را دوباره در همان موقعیت اندازه نماییم در غیر آن نمیتوانیم که مقایسه خوب را با سایه اولی انجام دهیم.
۷. چرا تأکید صورت گرفته بود تا شما خود اسم تانرا بالای سایۀ تان بنویسید؟ (برای اینکه شما بتوانید سایۀ مربوطۀ خود را تشخیص نمایید).
۸. آیا سایۀ شما با مقایسۀ طول حقیقی قدتان کوتاه تر است و یا دراز تر؟ (این به اوقات روز بستگی دارد. سایۀ مان میتواند نظر به قد ما درازتر و یا کوتاه تر باشد.
۹. چطور میتوانید که طول سایۀ تانرا با بلندی قدتان مقایسه نمایید؟ (شما میتوانید که در پهلوی سایۀ تان بروی زمین بخوابید. با استفاده از تار میتوانید که طول قدتانرا اندازه نمایید و بعد از آن میتوانید که همان طول قد تان را با طول سایۀ تان مقایسه نمایید. در عین زمان شما میتوانید با استفاده از فیته های درجه دار هم طول قد و هم طول سایۀ تانرا اندازه نمایید.
۱۰. اگر شما سایۀ تانرا به تاریخ ۲۱ جون در وقت چاشت معین و مشخص اندازه نمایید و بار ثانی طول سایۀ تانرا به تاریخ ۲۱ دسمبر باز هم در وقت چاشت معین و مشخص اندازه نمایید. آیا سایه های شما دارای عین اندازه خواهد بود؟ نخیر، زیرا حرکت آفتاب در هر تاریخ از هم فرق دارد. در اینصورت کدام یک از سایه های شما طولانیتر خواهد بود؟ (سایه در موسم زمستان طولانیتر میباشد زیرا در این موسم آفتاب در قسمت های پایینی قرار دارد.

درس دوم

مهتاب که شما میتوانید بخورید.

اصطلاحات اساسی ساینس: آموزش پیرامون تغییر و تحول مهتاب.



آموزش پیرامون مهتاب به طور مجرد عنوان خواهد بود خسته کن. روی این اصل، معرفی این درس تحت عنوان "مهتاب خوردنی" عنوان دلچسپ برای اطفال درنظر گرفته شده است. بادرنگ منحیث مواد مورد نیاز این درس انتخاب شده است چی از یک جانب این سبزی صحی بوده و اطفال به آن از قبل آشنایی دارند و از جانب دیگر بسیار قیمتی نمیباشد. باید علاوه نمود که پیرامون دیگر گزینه ها در ختم این درس تاکید صورت خواهد گرفت.

برای اطفال خاطر نشان سازید که مهتاب توپ گرد است که به دور زمین میچرخد. از شاگردان تان بپرسید که توپ دارای چی شکلی است؟ جواب این خواهد بود که اگر توپ را از یک جانب آن مشاهده نماییم میتوانیم تصویر (۱) بگوییم که دایروی ویا گرد است. از ایشان بپرسید که آیا شکل های دیگری را وقتیکه به مهتاب نگاه کرده اند مشاهده نموده اند ویاخیر؟ شاگردان اظهار دارند که ایشان کدام شکل ها را مشاهده نموده اند؟ از شاگردان بخواهید که شکل های دیدنی شانرا از مهتاب، به روی تخته رسم نمایند و در عین زمان آنرا توضیح نمایند. در ابتدا اگر رسم های شان خرد ویا نا منظم بود باکی ندارد. بعد از همه تذکرات و مباحثات پیرامون مهتاب، برای شاگردان تان اظهار دارید که این شکل های متفاوت را به نام "مراحل مهتاب" یاد میکنند.



تصویر (۱)

برای شاگردان اظهار دارید که از زمانهای قدیم تا حالا، مردم مهتاب را مشاهده نموده اند که شکل آن منظماً در تحول وتغییر میباشد. شما میتوانید که شکل های مهتاب را بالترتیب رسم وبه روی تخته نصب نمائید. شما میتوانید که از آغاز ماه مبارک رمضان شروع نمایید. باید سعی به عمل آرید تا اشکال را منظم مانند شکل زیرین رسم نمایید.



تصویر (۲)

بعد از آخرین قوس، شما میدانید که مهتاب برای مدت ۱ و یا ۲ روز غایب میباشد. بعضاً این موضوع وهم تغییر اشکال مهتاب آنهایرا که نمیدانند که شکل مهتاب تغییر مینماید به حراس می افگند. این نوع مردمان در دیدن مهتاب بسیار خوشحال میشوند حتی تسکین روحی برای شان رخ میدهد. باید به خاطر داشته باشید که مهتاب اشکالش را

به طور متداوم تغییر میدهد و این پروسه برای همیش در جریان است. برای درک بهتر این موضوع عوض اینکه مهتاب را در قطار طولانی رسم کنیم ما میتوانیم که آنرا در داخل یک دایره رسم نماییم که اینرا به نام"دور مکرر" Repeating Circle" یاد مینماییم. تصویر (۲) آیا شما بعضی از دیگر دور های مکرر طبیعی را تذکر داده میتوانید؟

<u>به قسم نمونه به این دور های طبیعی نظر اندازید:</u>

- روز وشب
- دور حیات حیوانات: از حالت تخم طفل میشوند، جوان میشوند، بزرگ میشوند ودوباره تخم میگذارند.
- به فصول دقت نمایید.
- دور آب: آب مایع، بخار، باران دوباره به بحر.
- تخم نبات: تخم جوانه میزند، بزرگ میشود، دوباره تخم میکند وغیره وغیره.

مردمان دقیق و متفکر میدانند که برای تکمیل نمودن دور کامل مهتاب به مدت ۲۸ روز ضرورت است. چون این پروسه کاملاً پروسهٔ منظم است مردمان این دور را برای ساختن جنتری انتخاب نموده اند. شما بهتر میدانید که جنتری اسلامی بر مبنی دور اشکال مهتاب عیار میگردد.

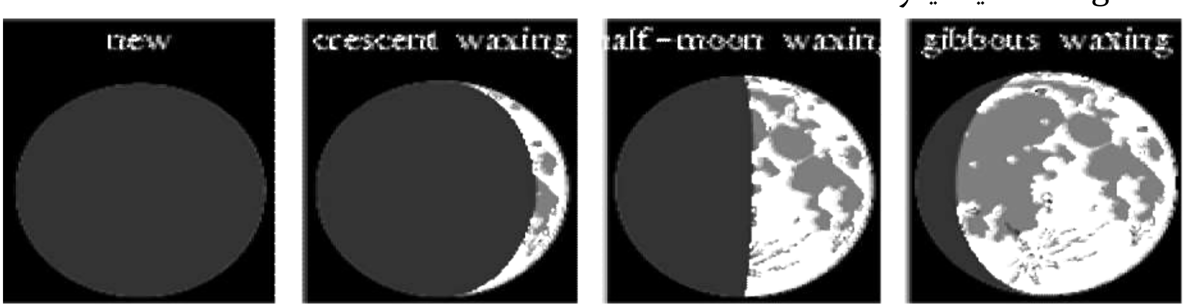
ستاره شناسان یک بخش دور قمری را بنام "ربع" یاد نموده اند. شما میتوانید ربع را اینطور درک نمایید: شما میتوانید دو خط قاطع را طوری رسم نمایید که دایرهٔ دورانی مهتاب را به چهار حصه ربع تقسیم نماید.

هفتهٔ اول را به نام ربع اول و هفتهٔ دوم را به نام ربع دوم و همینطور تا ربع چهارم ادامه پیدا میکند.

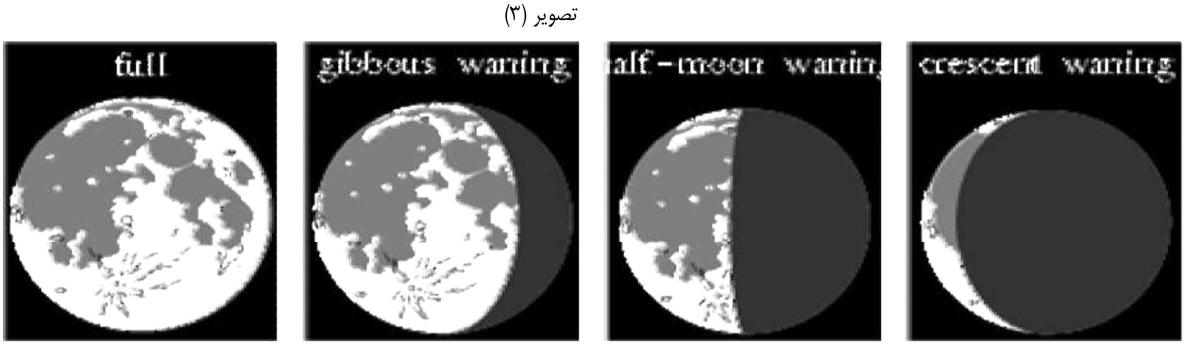
البته قابل تذکر است که مهتاب نیز در این مراحل به همین اسمها یاد میشود.

ترسیمات و اصطلاحات : قوس اولی، ربع اول، gibbous، مهتاب کامل ربع سوم، قوس، مهتاب جدید.

وقتیکه مهتاب بزرگتر میشود به نام waxing moon یاد میشود وزمانیکه مهتاب کوچکتر میشود تصویر (۳) بنام waning moon یاد میشود.



تصویر (۳)



تصویر (۳)

حالا از شاگردان تان بخواهید که از توته های بادرنگ مراحل مختلفهٔ مهتاب را ترتیب دهند. هر کدام از این توته ها را به نوبت گذاشته ودر کنار هر کدام شان اسم همان مرحله را بنویسید. قبل از این پروژه از شاگردان بخواهید که تمام مراحل را که شما در تخته رسم نموده اید در کتابچه هایشان یاد داشت نمایند. بعد از اینکه شاگردان همه مراحل را نقل نمودند تخته را پاک نمایید و شاگردان را وادارید که ایشان خود مراحل را از روی کتابچه هایشان ترتیب دهند.

پروژه:

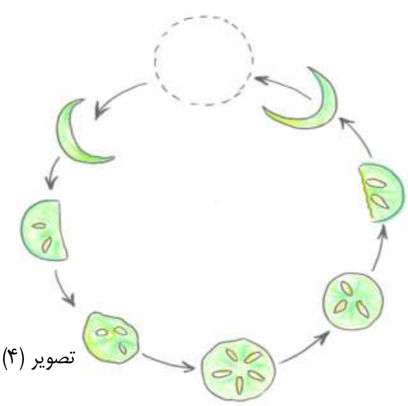


۱. از شاگردان بخواهید که توته های بادرنگ که حلقوی قطع شده اند چک زنند. تصویر (۴)
۲. توته های بادرنگ را که مانند مراحل مهتاب میباشند به روی کاغذ گذاشته و اسم هر مرحله را به روی همان کاغذ بنویسند.



باید بخاطر داشت که این درس جواب این را که چرا مهتاب دارای مراحل متمایز است نمیدهد. ولی هدف عمدهٔ این درس این است که، اطفال را با مراحل مختلفهٔ مهتاب آشنا نموده تا بتوانند در مورد مهتاب صاحب نظر باشند. درک و شناخت مراحل مهتاب شاگردان را کمک میکند تا در مورد مهتاب بدانند ودر مورد آن بتوانند بنویسند.

اگر شما اشعاری و یا قصه هایی را پیرامون مهتاب میدانید آنها را با شاگردان شریک سازید.



تصویر (۴)

سؤالات

۱. همین حالا مهتاب در حالت کدام مرحله میباشد؟
۲. بعد از این مرحله کدام یک مرحلهٔ مهتاب ظاهر میشود؟ بعد از یک هفته از همین وقت مهتاب شامل کدام مرحله خواهد گردید؟ به شاگران اظهار دارید که اصطلاحات درست را پیرامون مهتاب که آموخته اند بکار برند.
۳. آیا شما میتوانید که در ایام روز، مهتاب را مشاهده نمایید؟ از شاگردان بپرسید که چرا چنین است. البته این مربوط این درس نیست ولی بگذارید که شاگردان پیرامون آن فکر نمایند.
۴. تصویر ربع اول مهتاب چنین است- تصویر آنرا برای شان نشان دهید و بپرسید که چرا به نام ربع اول یاد میشود؟ (زیرا مهتاب یک ربع دایره را تکمیل نموده است).
۵. در صورت مشاهده نمودن مهتاب به اشکال مختلف آیا واقعاً شکل مهتاب تغییر نموده است (نی – مهتاب برای همیشه دایروی است) پس چرا ما مهتاب را به اشکال مختلفه مشاهده مینماییم. در این مورد باید گفت که جواب این سوال در این درس گنجانیده نشده ولی باز هم بگذارید که شاگردان در مورد تفکر نمایند.
۶. چرا قوس ربع اول با قوس ربع اخیر فرق دارد؟ فرق شان فقط مربوط دهن قوس ها به سمت های مختلف میباشد. چطور قوس ربع اول با قوس ربع سوم مختلف میباشد (باز هم میتوان گفت که فقط فرق شان در موقعیت قوس ها به سمت ها میباشد.
۷. چرا مراحل مهتاب را به نام "دور" یا "cycle" یاد میکنند؟

ارزیابی:

شاگردان میتوانند که توته های بادرنگ را به ترتیب درست گذاشته تا تمام مراحل مهتاب در آن بازتاب نماید و بعد از آن هر مرحله را نام گذاری نمایند. در این مورد تعقیب خوب از کار شاگردان این است که برای شان تصاویر ویا رسم های مربوطه را برای بعضی از گروپ های شاگردان داده و از ایشان خواسته شود، که آنها را به ترتیب وتنظیم درست بگذارند. شاگردان بعداً تصاویر ویا رسم ها را گرفته ودر برابر صنف بایستند و اظهار دارند که در آن تصاویر چی را مشاهده میکنند و ترتیب نمودن درست آنها را نیز با دیگر هم صنفانشان شریک نمایند. از دیگر شاگردان خواسته شود تا نظریات شانرا پیرامون درست بودن مهتاب اظهار نمایند.

در بارهٔ تهیه نمودن مواد توجه نمایید: برای ارایهٔ، بهتر این درس میتوان از کلچه های سیاه نیز در این درس استفاده نمود این بنوبه اش برای خوشحالی شاگردان نیز نقش بارزی دارد. شاگردان میتوانند که از آن مراحل مهتاب را بسازند. قسمت عقب کلچه نماینده گی از آسمان میکند.





درس سوم

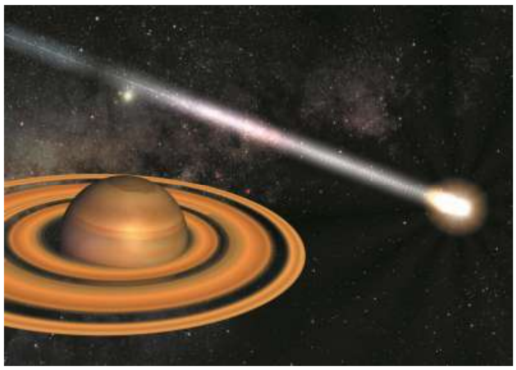
معلومات پیرامون مهتاب من

اسم: ____________________ تاریخ: ____________________

دید من از مهتاب:

از آهن ربا استفاده کنید تا سنگ های آسمانی را دریابید

مفاهیم عمدۀ ساینس: نشانه های سنگ های آسمانی غنی از آهن را میتوان به صورت عموم کشف نمود.



در کاینات بسیار کتله های سنگلاخی، یخی و گازی وجود دارد: سیاره ها، مهتاب ها، ستاره های دنباله دار، شبه ستاره، شهاب ثاقب، سنگ های آسمانی. آنها مطابق مواد و اندازۀ شان طبقه بندی شده اند. بعضی اوقات آنها از لحاظ گردش شان طبقه بندی میشوند (به طور مثال، آیا آنها به دور اشیای دیگر میچرخند یا به شکل اتفاقی حرکت میکنند).

در اینجا بعضی از اشیاء وجود دارند که توسط ستاره شناسان کشف گردیده اند:

- سیاره ها: یک جسم آسمانی اند که به دور ستاره میچرخد.
- مهتاب ها: ماه واره یک سیاره یعنی به دور سیاره می چرخد.
- ستاره های دنباله دار: جسم آسمانی که از سنگ و یخ ساخته شده و دارای یک دم میباشد.
- شبه ستاره: اشیای کوچک سنگی اند که به دور آفتاب میچرخد.
- شهاب ثاقب یا سنگ های آسمانی: اجسام فلزی یا سنگی اند که از طریق اتموسفیر به زمین می افتند.

اشیای سنگلاخی مملو از آهن و سنگهای آهن دار میباشند. بعضی اوقات آنها به اندازۀ کافی به زمین نزدیک میشوند و از فضا میگذرند. زمانیکه آنها از فضا مالیکول های هوا را در اثر اصطکاک حرارت تولید میکنند و ما راه های آتشی آنها را در شب ملاحظه کرده میتوانیم. اگرجسم به اندازۀ کافی بزرگ باشد، پس شاید به زمین برسد. بسیاری اوقات این اجسام بسیار کوچک میباشند که قبل از رسیدن به زمین سوخته از بین میروند. از همین لحاظ آنها به شکل سنگ به زمین نمیرسند. اگرچه، روزانه هزاران ذره خاک از فضا به زمین می آیند.

اگر یک ستارۀ دنباله دار یخی زمین را تحت تأثیر قرار دهد، امکان دارد که آب از فضا نیز به زمین نشئت کند. دانشمندان بدین باور اند که بسیاری از آب های زمین از تحت تاثیر قرار دادن زمین توسط ستاره های دنباله دار به وجود می آیند! ستاره های دنباله دار به سطح زمین کشانیده شده و آب توسط اتموسفیر جذب میشود. در افغانستان نشانه های قدیم از حادثۀ فوق در تابستان کوه های هندوکش دیده شده. دانشمندان چطور میدانند که آب از شهاب ثاقب بدست می آید؟ بخاطریکه آب دیرینه هر زمانیکه از آبخیز های پنهان در زیر زمین تراوش میکند تا هنوز هم دارای همان منرال (آب معدنی) تغییر نیافته و اصلی میباشد. شکارچیان پدیده های آسمانی را اساساً از قارۀ انترکتیکا جمع آوری میکنند. آنها این اشیاء را توسط آله یی که به نام آشکار ساز های آهنی یاد میشود کشف میکنند.



تصویر (۱)

این اشیاء حتی صدها و هزاران دالر ارزش دارند. و توسط دانشمندان، موزیم ها وگردآورنده ها خریده میشوند. این اشیاء

عموماً به تمام قسمت های زمین اصابت می کنند، لیکن ما این را به بسیار خوبی از قارۀ انترکتیکا در جایی که زمین پر از برف و سفید است میتوانیم دریابیم. برف وسطح زمین حضور این اجسام را پنهان کرده نمیتوانند. به همین دلیل فرسوده گی این اجساد به آسانی اتفاق نمی افتد.

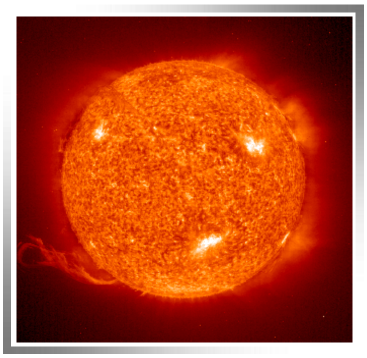
همچنان، شما اگر آهن ربا دارید، خاک فضا را در هر جایی که بخواهید پیدا کرده میتوانید. یک آهن ربا را بالای زمین خشک در مکتب یا حویلی تان بسایید در تصویر (۱) ببینید که پارچه های آهن به او می چسپند. این در حقیقت همان خاک فضایی غنی از آهن است که به آهن ربای شما چسپیده است.

اگر شما یک مقدار خاک فضایی غنی از آهن را پیدا میکنید، ببینید و آن را ازریابی کنید. این خاک میلیون ها میل را می پیمایند تا به دست شما برسند.

درس چهارم

ساختن یک داش آفتابی

مفهوم اساسی ساینس: آشنایی شاگردان در بارۀ استفاده از شعاع آفتاب.


تصویر (۱)

در درسهای قبلی این کتاب، شما در بارۀ انعکاس و جذب نور معلومات حاصل کردید. شاید شما مسیر حرکت آفتاب را در آسمان در جریان یک روز یا در جریان فصل های سال نیز مطالعه نموده باشید. حالا شما هر دو درس را یکجا مورد استفاده قرار دهید تا بتوانید یک داش آفتابی را بسازید.

یک داش آفتابی چیست؟ داش آفتابی تنها توسط آفتاب غذا را پخته کرده میتواند. تصویر (۱)

چرا به این داش ضرورت داریم؟

افغانستان همیشه برق قابل اطمینان ندارد. به منقل های چوبی و چوب ضرورت دارد، که همیشه دستیاب نمی باشد. گاز، تیل، چوب و برق پول مصرف دارد. سوختاندن چوب و گازباعث تولید دود درهوا میشوند. تولید انرژی برق یک منبع دیگراز کثافات میباشد، مخصوصاً اگر ذغال استفاده شود.

در مقایسه، انرژی آفتابی در افغانستان رایگان و بسیار زیاد است. همچنان انرژی آفتابی کثافت هم تولید نمی کند.

آیا داشتن داش آفتابی ضرر هم دارد؟ داش آفتابی تنها در وقتیکه آفتاب در حال تابیدن است کار میدهد. و وقت زیاد را دربر میگیرد تا غذا را تهیه کند، لهذا شما باید از صبح وقت برای تهیۀ غذا آماده گی بگیرید.

ما در این درس طرح ساخت داش آفتابی را تشریح میکنیم. و ما یک شکل ساده اش را می سازیم. اگر شما یک شکل مغلق تری را میخواهید، پس شما میتوانید مشخصات دیگر را در داش تان اضافه کنید. نکاتی که در ساختن این نوع داش ضروری است قرار ذیل میباشد:


تصویر (۲)

رنگ سیاه نور را جذب میکند. تصویر(۲) وقتیکه نور آفتاب به یک شی سیاه میتابد، شعاع طبیعی منتقل میشود. به عوض "انرژی نوری"شعاع به" انرژی حرارتی" یا اشعۀ ما تحت سرخ یا (infrared) تبدیل میشود. شما نیز این حرارت را احساس کرده میتوانید، یک کاغذ سیاه یا آهن سیاه را به آفتاب بیاندازید و بعد از چند دقیقه به آن تماس بگیرید.

رنگهای روشن فلزی نور را خوب منعکس میسازند. تصویر(۳) اگر شما نور آفتاب را به یک پارچۀ سیاه اصابت دهید، شما این پارچه را خوبتر گرم ساخته میتوانید تا اینکه آن پارچۀ سیاه را در زیر آفتاب جا به جا کنید. برای پروژۀ ساخت داش آفتابی، شما بسیار اجناس آفتابی رایگان یا ارزان را پیدا کرده میتوانید: قسمت داخلی خریطه های چپس کچالو و بسکیت، زرورق المونیم، آیینه ها، بکس های فلزی، اشکاستیب المونیمی وغیره.

پلاستیک شفاف و شیشه حرارت را جذب نمی کنند. شما متوجه شده باشید که موتر هایی که در آفتاب همرای شیشه های بسته پارک می شوند چقدر داغ میآیند. تصویر (۴) کلکین های شیشه یی نور را به داخل اجازه می دهد، در آنجا توسط اشیای داخلی موتر جذب شده و به انرژی حرارتی تبدیل میشود. اگر کلکین ها بسته باشند، انرژی حرارتی از موتر خارج شده نمی تواند. خانه های با کلکین های زیاد و بسته نیز حرارت را جذب میکنند.



تصویر (۳)

اگر آفتاب به شکل مستقیم بالای یک شی بتابد آن را زودتر گرم میسازد تا اینکه آفتاب به شکل مایل بالایش بتابد. از همین خاطر، آفتاب نیمروز گرمترین آفتاب است، و تابستان گرمتر از زمستان است.

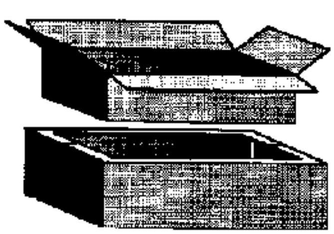


تصویر (۴)

عایق گذاری مانع گریز حرارت میشود. اگر شما در جذب حرارت آفتاب موفق شوید، هرگز، نمیخواهید که آنرا از طریق جدار های داش در هوای تازه یا در روی زمین از دست دهید.

فکرکنید تا بفهمید که طرح ها در کدام قسمت ساختن این داش بکار گرفته شده اند. (این داش غذا را در هر وقت از روز گرم کرده می تواند، لیکن بهتر است که در نزدیک نصف روز در تابستان استفاده شود).

۱. دو بکس را که یکی آن کلانتر از دیگرش باشد تصویر (۵) گرفته طوریکه بکس کوچک باید در بین بکس کلان جاداده شود و یک یا چند انچ از اطراف بکس مصافه داشته باشد.
   أ. یک بکس بوت یا بکس خوردتر خوبتر کار میدهد.
   ب. بکس داخلی میتواند یک بکس کوچک فلزی باشد.



تصویر (۵)

۲. قسمت تحتانی بکس کوچک را سیاه کنید. شما میتوانید آنرا رنگ کنید، کاغذ سیاه محکم و مقوای نازک را نیز استفاده کرده میتوانید.
۳. قسمت های داخلی بکس کوچک را جلا دار بسازید. اگر شما یک بکس فلزی را استفاده میکنید، پس اطراف اش از قبل جلادار است. اگر شما یک بکس از مقوای نازک استفاده میکنید، شما میتوانید که زر ورق المونیمی یا اشکاستیب المونیمی را در بین بکس هموار کنید. در آخرین تحلیل شما کاغذ سفید و یا رنگ را در اطراف بکس میتوانید استفاده کنید. لیکن اینها به اندازهٔ مورد نیاز، منعکس کنندهٔ خوب نیستند.

۴. اخبار را خورد خورد بسازید و آنرا در قسمت تحتانی بکس کلان بیاندازید. حالا بکس کوچک را بالای بکس کلان بگذارید، تاکه اخبار در اطراف همین بکس ها باشد.
۵. غذا را بین بکس کوچک بیاندازید. برای این کار داش ابتدایی غذا باید زود پز باشد. در مورد غذا های زود پز بعضی معلومات در ختم درس موجود است.
۶. هر دو بکس را همرای پلاستیک بپوشانید. و کنج های پلاستیک را تا پایان کش کرده آنرا محکم بسته کنید. پلاستیک محکم و ظرف شیشه یی نیز قابل استفاده است، لیکن اطراف اش همرای اسکاشتیپ باید خوب بسته شوند.
۷. داش را به جانب شعاع آفتاب قراردهید. یک سنگ یا یک شی دیگر را زیر دیگ قرار دهید تا دیگ کج شود. و آفتاب مستقیماً بالایش بتابد.
۸. بعد از یک ساعت داش را کنترول کنید که آیا غذای شما گرم شده یا خیر؟
۹. نوت برای غذا های مناسب: در جریان روز های مکتب، وقت کافی برای تهیهٔ غذا های ثقیل در داش آفتابی نمی باشد، لهذا غذا های ساده و آسان خوبتر کار میدهند.
   - یک توته چاکلیت را بالای یک بسکیت بیاندازید تا آب شود.
   - عسل و یا عسل و مسکه را بالای نان چرب کنید تا خوب گرم شود.
   - یک توته پیزای آمریکایی پخته کنید. نان را همرای روغن چرب کنید، بعداً بادنجان رومی خورد شده ، پیاز، نمک و دیگر مصاله جات را بالایش اضافه کنید. و پنیرپیزا را خورد خورد کرده بالایش علاوه نمایید. حالا این را در داش آفتابی تان پخته کنید.

ما میتوانیم که نور آفتاب را بیشتر به داش منعکس نماییم.
ورق های منعکس کننده را از توته های مقوای نازک که با زرورق المونیمی پوشانده شده باشد بسازید. یک یا چند دانه از این منعکس کننده را در اطراف داش بچسپانید، تا اینها نور بیشتر را به داش منعکس بسازند. تصویر (۶)


تصویر (۶)

و یا بکس های فلزی کلان را در نزدیک داش بگذارید، تا نور بیشتر را به داخل داش منتقل سازند. اگر ضرورت بود بکس ها را کج بسازید.
ببینید که کجا نور بیشتر منعکس میشود. کوشش کنید داش وغذا را مستقیماً به آن جا بگذارید.
طرح های مختلف برای تهیه کردن غذا در آفتاب وجود دارد. طریقهٔ دیگر اش این است که قسمت بیرونی یک جک شیشه یی را خوب سیاه، رنگ کنید، سپس چای یا سوپ را در بین آن بریزید و آنرا در زیر آفتاب بگذارید. از کدام قوانین جذب و انعکاس حرارت بر این موضوع استفاده میگردد؟ (رنگ سیاه حرارت را جذب میکند).

سؤالات و ارزیابی

۱. از شاگردان بپرسید تا دلیل هر یک از شماره های (۲-۳-۴-۶-۷) فوق را تشریح کنند.
۲. قسمت تحتانی را، سیاه رنگ کنید... (سیاه حرارت را جذب میکند. یا، شاگردان میتوانند جواب بدهند که رنگ سیاه نور آفتاب را به حرارت مافوق سرخ تبدیل میکند.**(Infrared heat)** .
۳. اطراف اش را جلادار بسازید... (رنگهای جلادار، نور را به داخل داش بیشتر منعکس میسازند).
۴. اخبار را پارچه کنید... (این یک راه است که مانع فرار حرارت از داش میشود).
۵. همرای پلاستیک آنرا بپوشانید... (پوش پلاستیک یا شیشه جذب کنندۀ خوب حرارت است).
۶. هدف قرار دادن مستقیم به آفتاب... (نور آفتاب مستقیم یا کمی عمودی نسبت به نور آفتاب زاویۀ گرم کنندۀ خوبتر است.

سؤالات دیگر

۱. بعضی از دهاقین از شیشه خانه ها (خانه های سبز) برای رشد نباتات جوان استفاده میکنند، حتی در زمانیکه هوا در بیرون بسیار سرد میباشد. چرا؟ (خانه های شیشه یی بخاطر داشتن توانایی جذب حرارت حتی در هوای سرد هم گرم باقی می مانند. به همین دلیل نباتات جوان قبل از فرا رسیدن بهار پروسۀ رشد را آغاز میکنند).
۲. چرا داخل موتر ها به دلیل پارک کردن در آفتاب گرم میشوند؟ (نور آفتاب به داخل میاید و حرارت به داخل جذب میشود). در حقیقت چانس بیشتر از بین رفتن اطفال و حیوانات اهلی در چنین حالت وجود دارد. به خاطریکه داخل موتر بسیار گرم می شود.
۳. اگر شما نمی خواهید که موتر تان از پارک کردن به آفتاب گرم شود. پس چی باید کرد؟ کوشش کنید که بیشتر از یک جواب ارایه کنید. (در سایه پارک کنید، بالای کلکین ها پرده آویزان کنید، کلکین ها را باز نگهدارید تا حرارت فرار کند.
۴. بعضی از داش ها قسمی دیزاین شده اند که یک پطنوس کوچک با ارتفاع اندک در بین بکس جلادار موقعیت دارد. رنگ سیاه به کلی استفاده نشده. پس این چی قسم کار میکند؟ (نور آفتاب به طور مستقیم به غذا میتابد).

درس پنجم

اعمار خانه های آفتابی

اصطلاح اساسی ساینس: اختلافات موسمی و استفاده از آفتاب برای گرم و سرد نمودن خانه ها

مقدمه: شما میدانید که زمین به دور آفتاب میچرخد. ولی در این درس میخواهیم اختلاف مسیر آفتاب را در آسمان مورد مطالعه قرار دهیم. باید برای شاگردان تفهیم نماییم که در حقیقت حرکت آفتاب در آسمان نی، بلکه زمین بـه دور آفتـاب میچرخد.

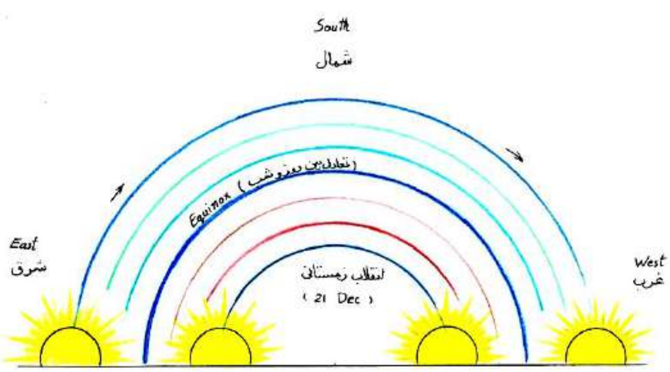
ما نمیتوانیم که زمین را مشاهده نماییم ولی آفتاب را هر روز میتوانیم مشاهده نماییم. از این سبب است که دراین درس ما آفتاب را مطالعه نموده و میخواهیم که اختلافات موسمی را از اینطریق برای شاگردان مان توضیح نماییم. باید بخاطر داشت که نظام شمسی به دور آسمان میچرخد و این مسیر توسط موقعیت زمین در برابر آفتاب تعیین میگردد.

بیایید تصور نماییم که شما میخواهید برایتان خانه بسازید. شما میخواهید که خانه را بسازید که در ایام زمستان روشن و گرم ودر ایام تابستان سرد باشد. در قدم اول میتوان گفت که بعضاً تکنالوژی میتواند. شما را در امر رسیدن به آرزوی شما کمک نماید ولی در مقابل شما بودجۀ خرید و تمویل آنرا به دسترس ندارید.

در زمینه رفیق بسیار هوشیار شما میخواهد کمک تان نماید وبرای شما مشوره میدهد چنانچه به شما مشوره میدهـد کـه از آفتاب استفاده نمایید. زیرا شما نیز میدانید که نور آفتاب کاملاً رایگان بوده ودارای کدام قیمت نمیباشـد. بـا اسـتفاده از درک وشناخت شما از آفتاب میتوانید که فصول مختلفه را به نفع خود مورد استفاده قرار دهید.

چطور این ممکن خواهد بود؟ اولتر از همه شما باید پیرامون آفتاب وزمین معلومات اساسی را کسب نمایید.

چطور، نور روز در فصول مختلفه فرق و یا تغییر میکند؟



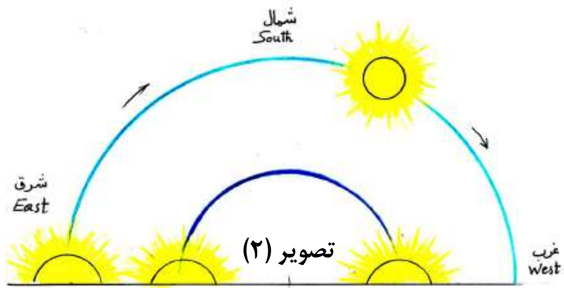
تصویر (۱)

شما بهتر میدانید که روزها در ایام تابسـتان طـولانیتر اند با مقایسه با روز ها در ایام زمستان! تصویر (۱) آیـا شما به این واقعیت متوجه شده ایـد؟ شـما از تجـارب تان میدانید که در ایام زمستان وقتیکه میخواهیـد بـه مکتب بروید آسـمان تاریـک میباشـد وهـم در وقـت رخصتی دفتر یا مکتب، بـازهم نـور آفتـاب کـم بـوده وشما برای کدام بـازی در خـارج از خانـۀ تـان وقـت ندارید.ولی برعکس در فصل تابستان وقتیکـه مکتـب میروید تمام زمین نور آفتاب داشته یعنی روشن میباشد ودر وقت بازگشت باز هم روشنی کا فی وجود داشته وشـما میتوانیـد کـه به سپورت تان نیز رسیده گی نمایید.

چرا روزها در ایام تابستان طویلتر اند؟ زیرا در این فصل آفتاب مسیر طولانی را در آسمان طی میکند. در این فصل آفتاب در بالای افق شرق طلوع نموده ودر ارتفاع بسیار از قسمت های جنوبی آسمان گذشته و بالاخره در افق غرب

غروب مینماید. در طویلترین روز های سال مسیر آفتاب اینطور معلوم میشود" به تصویر مراجعه شود" آیا شما طویلترین روز سال را میدانید؟ (۲۱ جون).

طویلترین روز سال را به نام انقلاب تابستان (Summer Solstice) یاد میکنند. رسم هایتانرا علامه گذاری نمایید. ۲۱ جون یا انقلاب تابستان. افق های غرب وشرق را نیز نشانی نمایید. قسمت جنوب آسمان را مشخص نمایید.



تصویر (۲)

چرا روز ها در فصل زمستان کوتاه تراند؟ در این فصل آفتاب مسیر کوتاهی را در آسمان به طرف جنوب آسمان میپیماید. معلم باید برای شاگردان خویش مسیر آفتاب را در کوتاترین روز سال در فصل زمستان - برای شا گردان رسم نموده و توضیح دهد. کدام روز را میتوان به نام کوتاه ترین روز سال شناخت (۲۱ دسمبر) که این رانیز میتوان به نام انقلاب زمستان یا Winter Solstice یاد نمود. تصویر (۲)

مسیر زمستانی آفتاب کوتاه است چنانچه نمیتواند که آفتاب را برای مدت طولانی باخود داشته و همرای خود حرکت دهد. از اینرو این کوتاه ترین روز است و از طرف دیگر مسیر در قسمت های پایینی آسمان صورت میگیرد. از این رو است که روز ها سرد میباشند. در این وقت عوض اینکه آفتاب مستقیماً به روی زمین بتابد برعکس از کناری (Angle) به روی زمین میتابد. آفتاب در بین تاریخ های کوتاه ترین وطویلترین مسیر متوسط را میپیماید. شما میتوانید همرای شاگردان تان مسیری که آفتاب در آسمان حرکت میکند و چطور میتواند که اقلیم و طول روز را متاثر سازد را بار ها تکرار نماید. باید به خاطر داشته باشید که اگر موقعیت شما در افغانستان است در اینصورت مسیر آفتاب برای همیش به طرف قسمت های جنوبی آسمان میباشد.

شما میتوانید که با استفاده از آفتاب از قسمت های جنوبی استفاده نموده و خانه هایتانرا گرم و سرد سازید.
یکی از آسانترین طریقه که بتوانید خانهٔ تانرا در ایام زمستان گرم نمایید این است که برای خانهٔ تان کلکین های بزرگ به طرف جنوب بگذارید. در افغانستان آفتاب به طور همیشه به طرف جنوب آسمان میباشد پس در اینصورت کلکین های بزرگ به مقدار زیاد آفتاب اجازه میدهد که به خانه داخل شود ودر اینصورت آفتاب زیاد در خانه باعث میگردد که خانه در ایام زمستان گرم باشد ولی چطور میتوانید که از گرمی این خانه در ایام تابستان جلوگیری نمایید تا باشد که خانهٔ شما در ایام تابستان سرد باشد.

چطور میتوانیم کلکین ها را طوری دیزاین نماییم که در فصل زمستان به مقدار زیاد آفتاب اجازه دهد که داخل خانه گردد ودر فصل تابستان گرمی آفتاب را بتواند از خانه خارج نماید. در اینصورت به مودل خانه یی که تهیه گردیده ومیتواند که پرابلم شما را رفع نماید دقت نمایید.

پروژه:

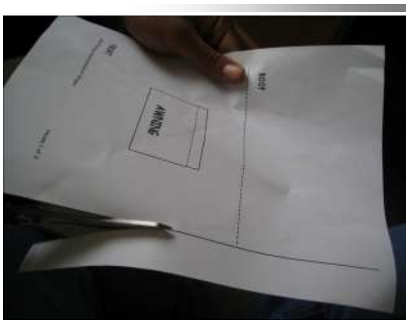
شاگردان تانرا به گروپ ها تقسیم نمایید. یک ویا دو شاگرد میتواند خانه را بسازد و شاگردان متباقی این وظایف زیرین را انجام خواهند داد.

وظیفهٔ ۱: اعمار خانه:

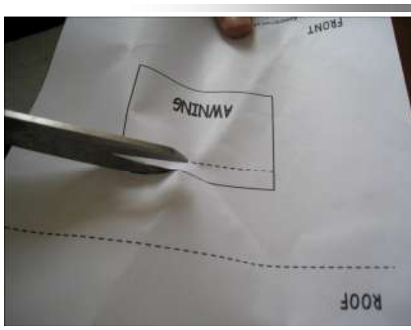
أ. کاغذی که میخواهید از آن خانه بسازید را قطع نمایید. کاغذ را از خطوط روشن قطع نموده تصویر (۳) مطابق خطوط نقطه نقطه آنرا قات نمایید. سوراخهایی را برای کلکین ها نیز قطع نمایید. تصویر (۴) قطعات قطع شده را با خود حفظ نمایید ممکن بعداً مورد استفاده شما قرار گیرند.

ب. قسمت های خانه را مطابق تصویر دست داشتهٔ تان باهم وصل نمایید باید ملتفت بود که خانهٔ شما دارای سه جانب و یک کلکین میباشد. تصویر (۵)

ج. شما یقین حاصل دارید که خانهٔ شما بتواند مستقیم بایستد.



تصویر (۳)



تصویر (۴)

وظیفهٔ ۲: موقعیت آفتاب را در آسمان نشانی نمایید.

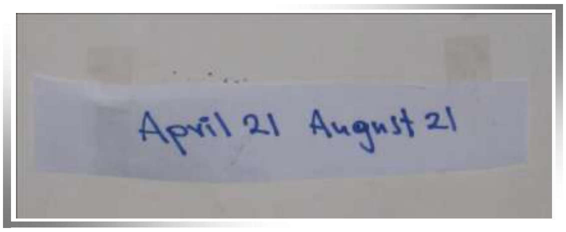
از متر چوبی برای اندازه گیری در روی دیوار استفاده نمایید وسعی نمایید که اندازه گیری از سطح اتاق بطرف بالا صورت گیرد. تصویر (۶) شما میتوانید که موقعیت آفتاب را توسط کاغذ تیپ نشانی نموده و تاریخ درست را بالای هر کدام از تیپ ها بنویسید. تصویر (۷) شما مشاهده خواهید نمود که برای دو موقعیت دو تاریخ ثبت خواهد گردید زیرا آفتاب دوبار از این موقعیت ها در طول سال عبور مینماید. تصویر (۸)


تصویر (۵)


تصویر (۶)


تصویر (۷)

۲۱ دسمبر	۳۲ سانتی متر
تاریخ های ۲۱فبروری و ۲۱- اکتوبر	۴۶ سانتی متر
۲۱ – اپریل و ۲۱ –آگست	۸۸ سانتی متر
۲۱ جون	۱۴۸ سانتی متر



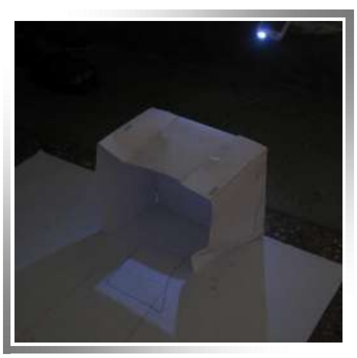
تصویر (۸)

وظیفهٔ سوم: یک کاغذ کلان را در سطح اتاقی که موقعیت آفتاب را نشان میدهد تیپ نمایید. کاغذ تانرا به اندازهٔ ۵۰ سانتی متر دورتر از دیوار قرار دهید. خانهٔ آفتابی تانرا به طور دقیق در کنار نزدیک کاغذ به دیوار قرار دهید. تصویر (۹)
مشاهده نمایید وقتیکه آفتاب از طریق کلکین داخل اتاق میتابد چی واقع میشود؟

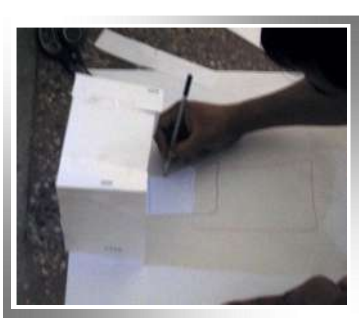
<u>شاگردان نوبت میگیرند</u>


تصویر (۹)

۱. یکی از شاگردان یک چراغ دستی را در نقطه یی که بلند ترین تاریخ را دارا میباشد محکم گرفته و شعاع چراغ را به جانب کلکین خانه سمت دهی مینماید. چراغ از آفتاب در تاریخ های مختلفهٔ سال نماینده گی مینماید. اگر چراغ دستی مهیا نباشد میتوانید از چراغ موبایل استفاده نمایید. تصویر(۱۰)
۲. شاگرد دیگری شعلهٔ آفتاب را که به کلکین می آید بروی کاغذ رسم میکند. این را تحت اسم ۲۱ جون نشانی میکند. (این در واقعیت کوتاه ترین مسیر شعلهٔ آفتاب میباشد). تصویر (۱۱)


تصویر (۱۰)

۳. شاگرد دیگری چراغ دستی را در پایین ترین نقطهٔ شعاع آفتاب که از کلکین وارد شده است نشانی مینماید. این دفعه تیزی شعاع و تاریخ را نیز ثبت نمایید. شما مشاهده خواهید نمود که مقدار زیاد شعاع، وارد اتاق گردیده است.
۴. به این عمل تان تا آنزمان ادامه دهید که چراغ دستی شما به تمام آن نقاط قرار گیرد که شما خود قبلاً در دیوار تیپ نموده اید و شعاع وارده را بالای هر نقطه نشانی نمایید.


تصویر (۱۱)

شما چی را مشاهده نموده اید؟ در کدام وقت زیادترین شعاع آفتاب داخل اتاق میشود؟ (زیاد ترین شعاع آفتاب در داخل اتاق در فصل زمستان داخل اتاق می آید). کمترین شعاع آفتاب در فصل تابستان داخل اتاق میشود از این سبب میتوان گفت که این یک دیزاین مطلوب ما میباشد (شعاع زیاد وگرمی زیاد در ایام زمستان ولی کمترین در ایام تابستان)

درفرجام بیایید در مورد همان کاغذ های اضافی که از همه کار ما باقیمانده است فکر نماییم!

شما میدانیدکه در ایام تابستان بسیار کم آفتاب می آید حالا بیایید که چاره را در مورد آن نیز فکر نماییم. اگر ما همهٔ این کاغذ ها را بالای کلکین که از آن در ایام تابستان آفتاب به خانه میآید نصب نماییم دراینصورت شعاع آفتاب به



تصویر (۱۲)

طورکلی نمیتواند به داخل اتاق داخل شود. شما این تجربه را انجام دهید ومشاهده نمایید که چی واقع میشود تصویر (۱۲) در صورت دقت میتوان گفت که این یعنی استفاده از کاغذ های بیکار، یک طریقهٔ ممانعت از آفتاب است آیا میتوانید که شما منحیث افغانها طریقهٔ دیگری را نیز سراغ نمایید.

- تاک های انگور بلندتر از کلکین
- بالکنی ها در بالای کلکین های پایینی
- پرده های مایل در برابر کلکین ها

موقعیت کلکین های خانهٔ نمونه یی شما طوری است که میتواند برای شعاع آفتاب در ایام زمستان اجازه دهد تا به مقدار کافی داخل اتاق شود و در ایام تابستان از ورود آفتاب زیاد جلوگیری نماید.

ساینتست ها– معماران– انجنیران، ریاضی دانان و مالک های خانه همه با هم کار مینمایند تا خانه هایی بسازند که از یکطرف قیمتی نبوده و از جانب دیگر برای زنده گی نمو دن در ایام زمستان و تابستان مساعد و از مواد سوخت بسیار کمتر استفاده گردد.

سؤالات

۱. شما میدانید که آفتاب تقریباً در تمام سال عین فاصله را از زمین دارد؟ پس چرا آفتاب حرارت کمتر در ایام زمستان میدهد؟ (زیرا در این فصل آفتاب عموداً نه تابیده بلکه بر عکس از یک کنار میتابد.

۲. چرا در ایام تابستان روز ها طویلتر میباشد؟ زیرا آفتاب مسیر طولانی را در آسمان طی میکند. و این عمل از سبب موقعیت های متغییر زمین که در برابر آفتاب در طول سال احراز مینماید میباشد.

۳. چرا داشتن کلکین ها به سمت جنوب خانه در افغانستان ترجیح داده میشود؟ برای اینکه در افغانستان برای همیشه آفتاب به طرف جنوب است و به وفرت میتواند از طریق کلکین های جنوبی داخل اتاق گردد.

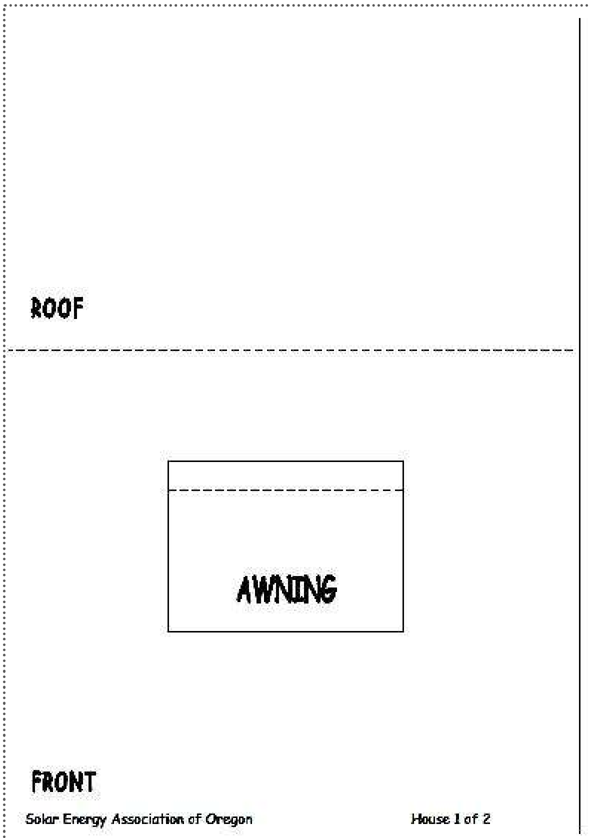
۴. اگر شما در کشور افریقای جنوبی اقامت دارید در اینصورت آیا رخ کلکین های شما به طرف جنوب خواهد بود و یا خیر؟ نی، شما میتوانید که رخ کلکین هایتانرا به رخ شمال بگذارید زیرا آفتاب از طرف سمت شمال می آید.

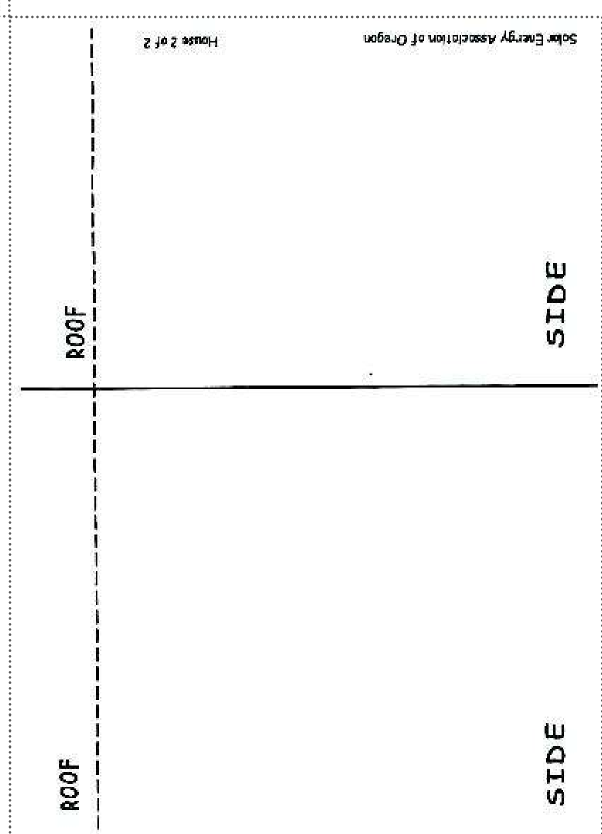
۵. چرا در ماه دسمبر مقدار زیاد آفتاب داخل اتاق خانه "نمونه یی" میگردد؟ زیرا کلکین ها در قسمت های پایینی دیوار قرار داده شده فقط صرف شعاع پایینی میتواند که خانه را روشن سازد و یا نور پایینی میتواند داخل اتاق شود.

۶. در کدام وقت کمترین شعاع آفتاب داخل اتاق میشود و چرا این کمترین شعاع مفید میباشد؟ در ایام تابستان هوا بسیار گرم میباشد در اینصورت اگر کمترین شعاع داخل اتاق گردد اتاق سرد خواهد بود.

۷. اختلاف ساعات روشنی روز در فصول تابستان و زمستان در قطبین وسیعاً مشهود است. در نزدیک قطب شمال طول روز ها در ایام زمستان بسیار کوتاه میباشد ویا در مجموع میتوان گفت که درآنجا روشنی روز در این فصل موجود نمیباشد. باید خاطر نشان ساخت که طول روز ها در ایام تابستان در این جا بسیار طولانی بوده که باز هم در این فصل در این جا شب وجود ندارد.

۸. بیایید از خود بپرسیم که چطور میتوان در این موقعیت از آفتاب استفادهٔ اعظمی نمود؟ از شاگردان بخواهید که در مورد نظریات خود را ارایه نمایند.


ROOF
AWNING
FRONT
Solar Energy Association of Oregon
House 1 of 2


Solar Energy Association of Oregon
House 2 of 2
ROOF
SIDE
ROOF
SIDE

مهارت های عالی آموزش لسان

مهارتهای تدریس لسان برای معلمان و پروگرام استراتیژیهای آموزشی

مؤلف: ستیف بیالوستاک

فصل اول

رهنمود: حواله کردن مسؤولیت ها به طور تدریجی

طوری که قبلاً کفتیم، مفهوم گرفتن تدریس و رهنمایی درست، تدریس هدفمند و واضح را ضرورت دارد؛ اما معنای تدریس واضح این نیست، که به شاگردان گفته شود که ما چه باید کرد؛ بلکه تدریس خوب و عالی این است که به شاگردان نشان داده شود، که این درس چگونه به صورت عملی به کار گرفته شود و منفعت آن در چه است؟ همچنان به آنها نشان داده شود که این درس در حل مشکل آنها چگونه کمک کرده میتواند؟ برای حصول این مقصد، عملیهٔ رهنمایی باید به احتیاط به گونهٔ خوازه یی تنظیم و ترتیب گردد. خوازه همان ساختمان موقت است که در ساختمان تعمیر از آن استفاده می‌شود، تا وقتی که ساختمان مکمل شود. در خوازه ها استاد خود را ستون تصور کند و شاگردان را مثل تعمیر که همین ستون آن را حمایه می‌کند.

وقتی که تعمیر به اکمال می‌رسد، آهسته آهسته ستون و چوب ها را هم یک یک، دو دو کشیده می‌شود. معنی این کار این است که استاد استراتیژی مشخص نمونه یی خواندن در درجه های مختلف را تنظیم و به شکل واضح تشریح می‌کند، که یک شخص چه قسم پیش از خواندن، بعد از خواندن و در جریان خواندن فکر کند. ما به این دلیل آهسته آهسته چوب بانس را دور کرده و به تدریج در مورد شکل ماندن مسؤولیت ها می‌گوییم: برای شاگردان، استادان راه های زیاد سپردن مسؤولیت ها را پیشکش و رهنمایی می‌نمایند.

دربارهٔ یک شکل فکر کنید، اگر در حالت ساختن تعمیر قبل از استاد شدن، آن یک باره حمایه موقت قطع کرده شود. یا یک مثال دیگر مثل اینکه طفل بایسکل را یاد می‌گیرد، اولاً طفل دیگر مردم و اطفال را در آشنایی بایسکل چلاندن مشاهده می‌نماید، که یک نمونه غیر ارادی چلاندن بایسکل برای اطفال است. وقتی که شاگرد توانایی این را پیدا کرد، که خودش کوشش نموده، بایسکل را براند، بزرگان باید پهلوی بایسکل راندن پایه های حمایوی را آماده نمایند. زمانی که بزرگان این را فهمیدند که طفل تجربهٔ کافی کسب نموده، و توازن خود را نگهمیدارد، پایه های حمایوی را دور می‌کند. که حصهٔ ارزیابی می‌باشد، استاد معلوم می‌کند که شاگرد، مستقلانه چه کرده میتواند. فعلاً خوازه ها تجربهٔ شاگرد است، که همچون کوششی است در نتیجه گیری و راندن بایسکل وقتی که والدین بفهمند که طفل توازن خود را می‌تواند، نگهدارد، آنها اراده می نمایند که دست خود را بردارند و طفل خودش بایسکل را می‌راند. اگر بایسکل بی تعادل می‌رود، والدین برای حمایت طفل خود، دوباره بایسکل را با دست خود می‌گیرند.

به همین ترتیب از طرف والدین به تدریج مسؤولیت ها را به اطفال خود می‌سپارند، و طفل یا شاگرد به شکل مستقلانه بایسکل رانی می‌کند. اگر والدین به اطفال خود به سرعت جهت راندن بایسکل، آن را به جلو فشار دهند. امکان دارد آنها تصادم کنند. ما وقوع تصادم شاگردان را نمی خواهیم. هدف استاد کم کردن حمایت به شکل تدریجی است. اگر آنها حمایت خود را زود دور کنند، شاگردان مثل راندن بایسکل به ناکامی رو به رو می‌شوند.

استاد باید زحمت بکشد، تا مسؤولیت را به سرعت به شاگردان نسپارند و همین طور هم نکند که شاگردان را تحت رهنمایی خود محدود نگاه دارد. این یک حالت حساس است و ضرورت به یک رهنمایی، تجویز مستقیم دارد. بدین ملحوظ سپردن مسؤولیت تشویق گردد. دربارهٔ درس نمونه هذا راه مفید تر از همه این است، که باید بگوییم، ما کردم، مایان کردیم، تو کردی، این همه مودل ها در کتاب توضیح داده شده است.

رهنمایی های مشخص دربارۀ اخذ مفهوم استراتیژی ها:

قدم اول: متن را انتخاب نمایید.
رفتن به متن از آسان به مشکل را آماده سازید. برای انتخاب متن باید یک از استراتیژی و یا استراتیژی های مؤثر تدریس مؤثر انتخاب شود. بین دلچسپی شاگردان و مقصد ارتباط در نظر گرفته شود. اگر متن مشکل باشد، به آواز بلند خوانده، از نمونه کار گرفته شود.

قدم دوم: استراتیژی را تشریح نمایید.
به دو سؤال تمرکز کنید.

- این چه چیز است؟
- این چرا کمک کننده است و یا برای اخذ مفهوم چرا ضروری است؟

این طور مثال ها را پیشکش نمایید، که در وقت تشریح کمک کنند و اگر ممکن باشد، با سابقه دانش و پس منظر آن رابطه داشته باشد.

قدم سوم: مودل استراتیژی (نمونه یی)
یک قسمت متن را به آواز بلند بخوانیم (عمیق فکر کنید) یعنی سخن بگویید، که چطور فکر می‌کنید، و مجسم نمایید، (چارت و سمبول ها را استعمال نمایید) تا با شاگردان نظر خود را شریک سازید.
(فکر کردن عمیق) شاگردان به تشریح دقیق مصروف نگه میدارد، باز شاگردان دربارۀ فعالیت ذهنی خواندن فکر خود را توضیح می‌نمایند. طوری که اگر در این قدم یک استراتیژی و یا خلاصۀ تحریر شده، جواب خواسته می‌شود، نمونه یی را نشان داده بتوانید.

قدم چهارم: حمایت رهنمایی شده
قسمتی از متن را با آواز بلند بخوانید و به شاگردان بگویید که با همکار خود کار کنند، تا استراتیژی جدید عملی گردد. به دو دو نفر شاگردان بحث نمایید و قسمت دوم متن را با آواز بلند بخوانید.

قدم پنجم: تمرین آزاد
وقتی که شاگردان در گروپ مستقل کار می‌کنند، شما از آنها نظارت کنید، استادان به حمایت کم در برخی موارد به خواندن دوام بدهند و از شاگردان خواسته شود تا به طور مستقلانه درس خود را بخوانند و شاگردان می‌توانند که از استراتیژی کار بگیرند و به آن شاگردان که زیات به کمک ضرورت دارند به خوازه های مختلف رهنمایی شود. به طور نمونه به وسیلۀ رهنمایی و حمایت برای آن شاگردان که وظیفه را آماده کرده باشد، هدف این است که یقینی شود، که شاگردان به پروسۀ استراتیژی فهمیده اند. بالاخره شاگردان به یک قسم استراتیژی انکشاف می‌دهد، به آن استراتیژی که شاگرد آن را استعمال می‌کند و خودشان مطالعه می‌نمایند.

قدم ششم: انعکاس کردن
به شاگردان بگویید که با گپ بسیار تبارز نمایند، به کار بردن استراتیژی در قسمت درک متن، چقدر کمک می‌کند و از شاگردان خواسته شود تا انعکاسات در گروپ یا صنف را با هم شریک کند، بالای شان جروبحث نمایند، که شاگردان چطور می‌توانند در درس خود استراتیژی را به کار بیاندازند.

معلمین خوب مستریح در پیش روی صنف ایستاده شده و گاه گاه تمام روز در صنف تدریس می‌کند و هیچ وقت به شاگردان اجازه نمی دهد، که مستقلانه تمرین نمایند. بعضی اوقات استادان به سرعت تشریح می‌کند که چه باید کرد و بعداً به اجرای وظیفه و کامیابی شاگردان متوقع اند که این همه در قسمت کامیابی شاگردان کمک نمی کند.
تجربه، استادان باید شاگردان را به مقصد های خوب و رهنمود های دیزاین شده، مصروف نماید، که به ضرورت های فردی و گروپ های کوچک مناسب باشد. سپردن مسؤولیت های نمونه یی یک وظیفهٔ استادان است که به شکل تدریجی باید به شاگردان انتقال یابد. انتقال تدریجی نمونه باید استادان را راضی نماید که مسؤولیت اجرای وظیفوی باید به شاگردان انتقال شود، تا شاگردان همه مسؤولیت ها را به گردن خود بگیرند.

همین سپردن مسؤولیت می‌تواند چند روز یا هفته ها و وقت طولانی بگیرد. سپردن مسؤولیت تدریجی GRR نمونه یی است، که شاگردان را حمایه می‌نماید. تا آن وقت شاگردان آماده، آن شوند، که توان اجرای وظیفهٔ داده شده را داشته باشند.
طوری که ما در بالا نمونهٔ سپردن مسؤولیت های تدریجی را معرفی نمودیم، حالا تمرکز ما به چهار مطلب ذیل است:

۱. یک درس متمرکز (من انجام می‌دهم): استاد مستقیماً به کار بردن استراتیژی را تدریس می‌کند، که به شکل تکرار ضرورت دارند، که درس را چند بار تکرار کند.
۲. رهنمود رهنمایی شده (ما شریکی انجام می‌دهیم): استاد به شکل متقابل کار می‌کند، به سوال ها انکشاف می‌دهد و یا شاگردان را در اثنای وظیفه رهنمایی می‌کند، تا وقتی که دانش آنها دربارهٔ استراتیژی اضافه شود. که همین سپردن مسؤولیت ها به شکل تدریجی است.
۳. کمک جمعی (شما شریکی انجام می‌دهید): استاد به شاگردان اجازه می‌دهد، که در مورد گروپ های کوچک خودش با هم صنفیان استراتیژی را تمرین کنند.
۴. آموزش مستقلانه (تو به تنهایی انجام می‌دهی): طوری که هدف همهٔ ما رهنمایی و آموزش مستقلانه است، تا شاگردان بتوانند، معلومات و تمرین راه های جدید عملی کردن و ساده را برابر نمایند.

سپردن مسؤولیت تدریجی مادل؛ مانند یک خط نیست؛ بلکه شاگردان در این دوران وقتی که استراتیژی یاد می‌گیرند و اجزای آن به پیش و پس حرکت می‌کند.

۱. طرفین رهنمایی ستراتیژی:

استاد باید معنای رهنمای استراتیژی را فهمیده باشد، و به این بداند که چگونه تدریس کند، استاد به شاگردان تدریس می‌کند، که استعمال یک استراتیژی معین چرا مهم است، استادان تجارب خود را با هم شریک می‌کنند، که چطور آنها می‌توانند از استراتیژی کار بگیرند، وقتی که آن را بخوانند.

۲. رهنمود رهنمایی شده:

استادان نمونهٔ استراتیژی می‌دهند و او را تشریح می‌نمایند، که چطور می‌تواند که اخذ مفهوم از متن را بهتر نمایند.
استاد تشریح می‌کند که چه قسم استراتیژی را انتخاب کنند و برای مطالعه چه زمانی از آن کار بگیرند. در وقت استعمال استراتیژی استاد به شاگردان اشاره می‌دهد، که به تمرین مستقلانه رهنمایی شود.

۳. آموزش از راه همکاری:

استاد و شاگردان یک جا کار می‌کنند. استاد شاگردان را تشویق می‌کند، تا زمانی که شاگردان آن را تأیید نمایند که استراتیژی چطور به آنها و دانش آنها کمک کرده می‌تواند و به اساس ضرورت شاگردان تدریس کند.

٤. کار مستقلانه:

بعد از تمرین شاگردان با استاد، حالا توانمندی این را می یابند، که خودشان استراتیژی را تمرین کنند و شاگردان تا هنوز به فید بک (بازدید) ضرورت شاگردان و استادان را حصول مینمایند.

سلوک شاگردان	سلوک استادان	سپردن مسؤولیت‌ها به طور تدریجی
درس های کوتاه: چند مرتبه از کتاب آشنا بخوانند و با فکر کردن عمیق، نمونه نمودن استراتیژی نظریات خود به شاگردان را نشان دهد. و به کار بردن یادداشت شاگردان را مشاهده می کند و بالای آن بحث می کنند، که چطور نمونه ها را دیدند. و یک چارت خلص را تهیه نمایند، تا آموزش خود را خلاصه کند و در آینده به حیث مأخذ به کار برده شود.	استاد در اثنای تشریح نام استراتیژی را می‌گذارد و آن را تعریف می‌نماید. برای پیدا کردن مفهوم، استاد از فکر عمیق کار می‌گیرد. استاد تشریح می‌کند، که چه وقت و چطور زیاد مؤثر است.	رهنمایی مستقیم تدریس (من انجام می‌دهم)
از درس گذشته شاگردان مشاهده نمایید و برای شاگردان یادداشت خلاصه بدهید. تا فکر آنها معلوم شود، که آنها می‌خوانند. آیا شاگردان آن چیزهایی که می‌نویسند، با همکار خود شریک می‌کند و به آنها کمک بازدید دوباره داده شود و به کار دادن استراتیژی انعکاس بدهید و از شاگردان بپرسید که استراتیژی به آنها در اخذ مفهوم چقدر کمک می‌کند.	استاد مسؤولین خود را به شاگردان می‌سپارند، بدین ملحوظ آنان می‌تواند به کمک استاد استعمال استراتیژی را به کار اندازد. آیا استاد به شاگردان این فرصت بدهد تا آنها استراتیژی را در درس صنفی به حیث یک قسمت امتحان کند؟	تمرین رهنمایی شده و رهنمود ها (ما به شکل جمعی انجام می‌دهیم)
در جریان کنفرانس ها استاد، استراتیژی یی را که شاگردان به کار می‌برند، ارزیابی می‌کند و آن را باز نگری می‌نمایند، بدین ملحوظ آنها را تقویت کنند، که چه به سر رسانیده و به خطاهای مهم که از او سر زده، بحث نمایند. استادان شاگردان را تشویق می‌نمایند تا آنها به این توجه کنند، که چطور استراتیژی جهت اخذ مفهوم کمک کرده می‌تواند	شاگردان در وقت ورکشاپ وخواندن مستقلانه خودش استراتیژی را به کار اندازدو از کار کرده گی خود ارزیابی نمایند. شاگردان از استراتیژی کار می‌گیرند، در صورتی که با همکار می‌خوانند.	تمرین مستقلانه (شما به شکل مستقلانه انجام می‌دهید)
شاگردان به استراتیژی مختلف متون آگاه می‌شوند، که خودشان چگونه عملی کار کنند و چگونه به کار می‌اندازند.	شاگردان به طور اتومات خودشان خواندن مستقلانه را عملی می‌نمایند، شاگردان را به این متوجه می کند که استراتیژی را آنها چطور به حیث خواندن مثل آموزش کمک می کند.	عملی کردن(شما به شکل جمعی انجام می‌دهید)

فصل دوم

دانستن: فعال کردن استراتیژی های آموزش قبلی

در این باره استراتیژی هایی برای شاگردان اخذ گردیده اند، که توسط آن شاگردان در مطالعه، استقلال پیدا می‌کنند، تا آنها آموزش قبلی خود را فعال و مقصد مطالعه را تنظیم نمایند. هر استراتیژی با شاگردان همکاری خواهد کرد، تا در مورد آن نظریات و ذخیرهٔ لغاتی را که از قبل یاد گرفته باشند به ذهن خود بیاورند و به نظریات و لغات جدید نیز انکشاف می‌دهند. سه استراتیژی اولی به سوی آزادی و استقلال رهنمایی می‌کند و دیگر ها این سه را حمایت می‌کند.

شاگردان باید پیش از خواندن هر متن در مورد دو چیز فکر کنند. اولاً باید آنها دانش قبلی خود را فعال کنند. «آیا دربارهٔ این موضوع قبلاً هم چیزی را می‌دانستم؟» آنها باید پلان خود را بسازند «من چرا این را می‌خوانم؟» این استراتیژی که شاگردان آن را برای مطالعه و فعال کردن دانش قبلی خود برای ساختن پلان ها به کار می‌برند، قرار ذیل اند:

شما به شاگردان این فعالیت ها را تدریس می‌کنید (تمام فعالیت های دیگر را)، پس توسط آن یک خوانندهٔ آزاد و استراتیژیک خواهد شد. به خاطر داشته باشید که استراتیژی یک پلان انتخاب شده، قصدی برای به دست آوردن یک هدف خاص است. وقتی که شاگردان به این نکته می‌رسند، پس به طور اتومات از استراتیژی کار گرفته و با صلاحیت شده و به آزادی می‌رسند.

١- بحث و مباحثه
٢- طوفان مغزی
٣- زود نویسی
۴- متن گردش کننده- تصویر گردش کننده
۵- نقش های معنایی
۶- اهداف و پرسش های از قب تنظیم شده
٧- دیدن از قبل برای ترمیم کردن
٨- سهم گرفتن
٩- رهنمای آماده گی
١٠-مواد اصلی و تجربه های واقعی

طوفان مغزی: تحقیق: می‌گویند شاگردان همه چیزهایی را که دربارهٔ یک موضوع یا فکر آموخته باشند، توسط آن دانش قبلی شان به فعالیت آغاز می‌کنند.

دستور العمل: شاگردن می‌توانند که به صورت تنها و یا دو نفری کار کنند. در نخست تمام اینها نظریاتی را که در مورد موضوع دارند، تولید می‌کنند. سپس نظریات خود را در گروپ ها با دیگران شریک می‌سازند. استاد بر تختهٔ (بورد) لیست افکار آنها را ساخته و بعداً تحت تحقیق گرفته می‌شود. با شنیدن نظریات دیگران شاید در حافظهٔ شاگردان معلومات اضافی فعال گردیده و یا معلومات جدید را بیاموزند. در اینجا مورد طوفان مغزی راهی نشان داده شده:

١. به شاگردان کارت بدهید، تا آنها بالای آن معلومات بنویسند.

۲. به شاگردان بگویید که در مورد موضوع داده شده، کلمات، نظریات و مراحل را بنویسند، که شما دربارهٔ آن دانسته و وقت را برای شان تعیین نمایید.
۳. وقتی که شما نظریات آنها را بر تخته (بورد) می‌نویسید، که آیا ایشان لیست خود را به آواز بلند به گروپ خود خوانده اند.
۴. دربارهٔ معلومات نوشته شده، بحث کنید و نکاتی را نشانی کنید، که با درس شاگردان ارتباط داشته باشد.
۵. بحث و مباحثه را به سوی مفکوره یا خاکهٔ قصه یی که از جانب شاگردان پیدا شده، جلب نمایید. مباحثهٔ خود را با شاگردان در تنظیم اهداف درس و یا دادن هدف خلاصه کنید.

چه وقت به کار برده می‌شود: از طوفان مغزی وقتی کار می‌گیرید، که شاگردان دربارهٔ موضوع از قبل چیزی معلومات داشته باشند. این کار برای شروع فعالیت های بخش های مختلف یک مقاله، برای خواندن یک قصه و یا برای معلومات یک متن مفید است.

ارزیابی: طوفان مغزی یک راهی از همه بهتر برای ارزیابی معلومات، قبلی شاگردان است.

تیز نوشتن:

تشریح: یک راه خیلی مفید فعال کردن دانش قبلی برای شاگردان پیش از مطالعه کردن، نوشتن است. به تیز نویسی از طرف استاد شکل داده می‌شود و در وقت کم اجرا می‌شود.

دستور العمل:

۱. چیز هایی را انتخاب کنید، که شاگردان در مورد آن باید بنویسند و این نوشته باید با خاکهٔ قصه و یا مقصد اصلی متن ارتباط مستقیم داشته باشد. تیز نویسی می‌تواند در قصه بر اشخاص و مشکلات قصه و یا در یک متن تشریحی در انکشاف و پیشرفت موضوع تمرکز کند.
۲. آیا شاگردان ۵-۴ دقیقه نویسنده گی کرده اند؟ به خود آنها یاد آور شده اند، که این ارزیابی نیست و نمره داده نمی شود.
۳. از شاگردان بخواهید که نوشتهٔ خود را با دیگران شریک سازند و شاگردان را تشویق کنید تا روی موضوع شریک شده، بحث کنند.
۴. با شاگردان در برابر کردن مقصد اصلی درس همکاری نمایند.

چه وقت به کار برده می‌شود؟ شاگردان وقتی از نوشته کار گرفته می‌توانند، که آنها توانایی نوشتن را پیدا می‌کنند. اگر شما می‌دانید که دربارهٔ موضوع، دانش قبلی شاگردان محدود است، پس بهتر است از تخنیک های دیگری کار بگیرید، که توسط آن نظریات و مفکوره های مورد نیاز آنها به درسی پیش بروند.

ارزیابی ارزش ها: وقتی که شما چیزی می‌نویسید، پس راه بهتر آن ارزیابی دانش قبلی آن می‌باشد. ولی احتیاط شود، نه اینکه برای جواب یک وظیفه، مقاصد خیلی زیاد اصلی را نشانی و مشخص سازید. مهارت محدود یک نوشتهٔ فنی، یا نفرت از نوشته شاید برای آنها مانع گردد. (از محدودیت دانش قبلی به اندازهٔ زیاد)

تغییر تصویر یا تغییر متن

توضیح: این یک تخنیک است، که استاد شاگردان را در خواندن پارچه یی از نوشته به واسطهٔ تصویر، مثال ها یا گرافیک های دیگر رهنمایی می‌کند، تا آنها در مورد متن یک فکر عمیق را دریابند. فایدهٔ این تخنیک این است که توسط آن

خواننده در متن نظریات پیشرفته، لغات و تصاویر عمومی را قبل از خواندن اخذ می‌کند. اصطلاح تغییر تصویر عموماً به قصه یا تغییر متن و به طور کلی در متن با معلومات ارتباط می‌گیرد.

دستور العمل ها:

۱. پیش از کار با شاگردان، متن را مطالعه کنید تا مفاهیم با ارزش و مهم را دریابید. مثل خاکهٔ قصه، اصطلاحات کلیدی و دیگر...
۲. اگر درست باشد، پس به شاگردان نشان بدهید، تا پیشگویی کنند که متن دربارهٔ چیست و چه واقع خواهد شد؟
۳. مرور بر صفحه های مختلف و به کار گیری تصاویر، مثال دادن و یا با نشان دادن گرافیک چیزهای کلیدی را بگویند، که در متن آینده چه واقع خواهد شد و آیا شاگردان پیشگویی کرده می‌توانند، که چه واقع خواهد شد. وقتی که شما یک بخش زیاد متن را بگویید، پس کلمه های مهمی که شاگردان با آنها رو به رو شده باشند، به کار ببرید.
۴. در اکثر مثال ها، شما در مورد تمام متن می‌خوانید. در بعضی حالات شاید شما به این دلیل خیلی بیان کنید، که به خاکه انکشاف بدهید. بدون اینکه یک نتیجهٔ حیران کننده و یا دلپسندی به آنها نشان بدهید.

چه وقت به کار برده می‌شود؟

این وقتی مفید است، که شما با شاگردانی کار می‌کنید، که به حمایت و کمک زیادی نیاز دارند؛ ولی شما هر وقت از آن کار گرفته می‌توانید. وقتی که شاگردان می‌خوانند، وقتی که شما فکر می‌کنید که آنها به کمک احتیاج دارند و این کمک با آنها در مفهوم گرفتن از مواد کمک می‌کند؛ مثلاً زمانی که یک متن علوم اجتماعی را می‌خوانید.

ارزیابی سنجش: وقتی که شاگردان در هنگام قدم زدن جواب می‌دهند، شما می‌توانید، دانش قبلی آنها را احساس کنید. قابلیت پیشگویی و توانایی عمومی آنها را معلوم نمایید، تا آنها بتوانند به طور شفاهی دربارهٔ خود بیان کنند.

ساختن نقش معنایی

توضیح: این یک نوع تقدیم کردن بصری یک مفکوره است. اشکال تخم مانند برای تقدیم کردن مفکوره ها به کار برده می‌شود و خط های تیر مانند و کلمه های نوشته شده بر آنها رابطه بین آنان را نشان می‌دهد. رابطهٔ تصویر بر یک نقشه می‌تواند یک صنف باشد، درختی از ارچه باشد. (مثل درخت سفید یا جایداد ستون ها)

دستور العمل ها: در راه های مختلف نقش معنایی به کار برده میشود. نخست رهنما ساخته شده و توسط استاد رهبری می‌گردد. بخش دوم نیز توسط استاد رهنمایی می‌گردد. ولی طوفان مغزی با آن یکجا شونده است، که توسط ساختن گروپ و نشانی کردن مفکوره ها تعقیب می‌شود.

رهنمای اول

۱. تمام مفکوره های بزرگی که زیر بحث گرفته می‌شوند، بر تخته (بورد) بنویسید و گرد آن را یک شکل تخم بپیچانید.
۲. به شاگردان بگویید تا در مورد توضیح مفکور و کلمات فکر کنند. همان کلمه ها را در بکس ها بنویسند و توسط خط های تیر دار با نظریه های بزرگ شکل تخم بچسپانید و از تیرها بالای اینگونه کلمات و عبارات را بنویسید. مثلاً: (داشتن) یا (به کار برده می‌شود). برای اینکه در بکس بین کلمات نوشته شده و مفکوره های بزرگ ارتباطات را نشان بدهند.
۳. به شاگردان بگویید، تا در مورد موضوع چند مثالی بسازند و در دایره با علامه های تیر بنویسند، که مثال ها را نشان بدهند.

رهنمای دوم

مفکوره یی که تحت بحث قرار گرفته می‌شود، در شکل تخم انداختن تقدیم کنید.

چه وقت به کار برده می‌شود: وقتی که یک متن تشریحی را می‌خوانید این خیلی مؤثر است و در متن نقل قولی هم استعمال می‌گردد؛ مگر شما باید متیقن باشید که مفکوره ها در یک خاکهٔ قصه برای فعال نمودن دانش قبلی به کار برده می‌شود.

سنجش ارزش ها: وقتی که یک نقشهٔ معنایی را به کار می‌برید، پس شما می‌توانید در میان مفکوره های مختلف رابطه را ارزیابی کنید.

دوباره پرسیدن و تنظیم مقصد:

توضیح: پرسیدن یک سوال یا موضوعی را به شاگرد دادن، که او درباره آن فکر کند. توسط آن شاید شاگرد در هنگام درس به شکل متداوم در مورد مؤثر ترین متن و فعال نمودن دانش قبلی زیاد توجه تمرکز کند.

دستور العمل ها

۱. برای مقصد اساسی یا تشریح کردن خاکهٔ قصه بیاموزید.
۲. فیصله کنید که شاگردان به کدام نوع دانش قبلی ضرورت دارند.
۳. سوال ها را فورمول بندی کنید، یا شاگردان برای یک مسوده مقاصد را بسازند، تا پیش از درس فکر کنند، که توسط آن شاگردان به مفکوره های بزرگ تمرکز کنند.

مثلاً یک مقاله که عنوان آن (پرنده گان در زمستان) است. در این مقاله پرنده گان در طوفانهای برف چگونه زنده می‌مانند. در اینجا نکتهٔ اصل این است که پرنده گان اکثر اوقات برای زنده ماندن در سردی شدید، به انسان ها تکیه می‌کنند.

سوالات فوق در مورد مقاله مفید خواهند بود. شما باید بر مشکلاتی بحث کنید، که پرنده گان برای زنده ماندن در طوفان های برف قبول می‌کنند. این مقاله را بخوانید تا معلوم کنید که دیگر کدام وجوهات اند، که پرنده گان را در زندگی کردن در طوفان های برف با مشکلات رو به رو ساخته اند، یا چگونه آن مشکلاتی که پرنده گان دارند با مشکلات پرنده گان دیگر که شما در طوفان های سخت زمستانی دیده اید، مقایسه کرده اید.

سوالات فوق درست نخواهند بود؛ زیرا که به نکته های معین تمرکز می‌کند، به تمام متن علاوه بر آن خوانندگان را مجبور نمی کند، که از دانش قبلی کار بگیرند؛ مثلاً: کدام دو نوع پرنده گان در حالات طوفانی برف یا مشکلات زنده ماندن رو به رو می‌باشند. نویسنده کدام سه علت را گفته است، که قضاوت کند، مردم چرا باید در طوفان های برفی با پرنده گان کمک کنند؟ آیا شاگردان برای جواب پرسش ها و به دست آوردن هدف داده شده، مطالعه کرده اند؟
بعد از مطالعه به هدف و پرسش ها دوباره مراجعه کنید تا ببینید، که آیا شاگردان به هدف خود رسیده اند و آن چیزی که اینها یافته اند، زیر بحث بگیرند.

چه وقت به کار برده می‌شود: وقتی به کار برده می‌شود، که اولاً ساختن معنا را یاد می‌گیرند، مگر تا اکنون هدف خود را فورمول بندی نکرده باشیم و یا قبلاً پرسیده اند، یا وقتی که متن خیلی سخت باشد.

سنجش ارزیابی: این آنقدر مفید نیست، طوری که استراتیژی های دیگر است، مطابق یک موضوع ارزیابی کردن فوری دانش قبلی شاگردان و سنجش ارزش های آن ها بعد از خواندن صورت می‌گیرد.

رهنمایی های پیش بینی شده: توضیح: این یک سلسله یی است، در مورد بیان های یک متن خاص، که تحت مطالعه قرار گرفته باشد. شاگردان قبل از مطالعه نشان می‌دهند، که آیا شاگردان با بیان فوق موافق اند یا غیر موافق، و بعد دوباره به همان درس بر می‌گردند. این استراتیژی به این دلیل دیزاین شده، تا دانش قبلی را معلوم کرده و به شاگردان مقصد درس را وانمود کند.

دستور العمل ها

۱. مفکورهٔ کلان را تعیین کنید، به متن عمیقاً فکر کنید، زیرا مفکوره ها و مقاصد بزرگ را تعیین کرده بتوانید.
۲. برای تشخیص این مفکوره ها دانش قبلی را تعیین کنید، تجارب خود را با شاگردان شریک بسازید و دربارهٔ این مفکوره ها بر آن چیز فکر کنید، که اینها می‌دانند.
۳. بیانیه ها بسازید. در مورد معلومات دانسته شده (۱-۲) از هشت چهار بیانیه، را برای شاگردان بنویسید، تا آنکه آنها با نظریات مورد و دانش قبلی شاگردان عکس العمل نشان بدهید. آنها باید تنها آزمایش صحیح و غلط را نکنند.
۴. دربارهٔ ترتیب و حالت بیانیه فیصله بکنید. به بیانیه ها مطابق متن ترتیب بدهید و به جواب ها جای دلپسند را بگذارید. یک مجموعهٔ هدایات را بسازید و بالاخره فیصله کنید، که آیا رهنمایی به صورت فردی تقدیم گردد یا به شکل گروپی. مانند: در صنف بر تخته.
۵. رهنما پیش کنید و به شاگردان بگویید، که دربارهٔ هر بیان عکس العمل خویش را نشان بدهید، که اینها موافق اند یا خیر؟ و به آنها بگویید که جوابات خود را با گروپ ها شریک کنند.
۶. به هر بیانیه به طور خلاصه بحث کنید. شاگردان را تشویق کنید که نظریات خود را شریک کنند و بگویید که اینها چرا اینگونه احساس می‌کنند، که: اینها کرده می‌توانند، شما کرده می‌توانید در پیش روی هر بخش جوابها بنویسید. وقتی که آنها مطالعه می‌کنند، باید فکر کنند که آیا شاگردان نظریات خود را در مغز با نگهداشتن متن خوانده اند.
۷. بعداً یک بحث را اداره کنید. اول در روشنی متن از شاگردان در مورد هر بیان جواب بخواهید و بعداً به آنها بگویید که در مورد چیزی که آنها یاد گرفته اند و چگونه نظریات ایشان تغییر شده، زیر بحث بگیرند.

چه وقت به کار برده می‌شود: به هر سویه برای هر شاگرد، عموماً برای متن های تشریحی خیلی مفید است؛ مگر برای متن های نقل قولی هم به کار برده می‌شود.

رهنمایی نه سهم گیری برای علوم اجتماعی: باب ششم، ترانسپورتیشن (بردن، آوردن)
هدایات: هر بیان را بخوانید، برای موافق A و برای غیر موافق D بنویسیدبعد از خواندن هر باب به همین ترتیب انجام دهید. (یا از کتاب و نوت)

پیش از خواندن	بعد از خواندن
۱. در ۲۵ سال گذشته، سفر کردن خیلی تغییر نکرده است.	------------
۲. اکنون هم موتر وسیلهٔ خوب سفر است.	------------
۳. برای سفر کردن، محفوظ ترین، سفر هوایی است.	------------
۴. شهرهای بزرگ به خاطر زیادت نفوس برای موتر های زیاد به پارکینگ زیاد ضرورت دارد.	------------
۵. از طرف مرکز های تجارتی ولایتی شهرهای بزرگ باید، بر موتر ها قیودات وضع گردد.	------------

از قبل خواندن جور شده (دیدن ساخته شده از قبل)

توضیح: بعضی از شاگردان از قبل، دیدن ساختمان متن را ضرورت دارند. یک جور شده را قبلاً از روی دیدن با احتیاط به واسطهٔ استاد هدایت می‌شود و اکثر اوقات به واسطهٔ نشان دادن معلومات گرافیکی با شاگردان کمک می‌کند، و ببیند که چگونه ترتیب شده، از قبل جور شده به تحقیق بناء می‌باشد و نشان می‌دهد، که دانش قبلی شاگردان رفتن به طرف مستقیم خاکهٔ قصه احتیاج دارد.

دستور العمل: دستور العمل برای اداره کردن ساختار های بیانی متن ها، از روی دیدن است، که چگونه با متن های توضیح فرق دارد و بعضی مشابهات هم وجود دارند.

ساختارهای نقل قولی را از قبل دیدن: اکثر ساختار نقل قولی مشابه می‌باشند؛ زیرا که تمام متن های نقل قولی ساختار های اساسی یکسان دارند.

۱. برای اینکه خاکهٔ قصه را معلوم کنید، بر کتاب مرور نمایید، تا ترتیب قصه، اشخاص، مشکلات، اعمال و نتایج را مشخص سازید.
۲. پرسش ها یا بیانیه ها را فورمول بندی کنید، اگر این کار با شاگردان در عناوین و شروع پاراگراف ها هدایت می‌کند (مطابق سویهٔ آنها)
۳. نقشهٔ قصه را نشان دهید و در مورد اجزای آن با شاگردان بحث کنید. شما برای خوانندگان دیگر به تمرکز تنها یک، یا دو اجزا ضرورت دارید و اجزای دیگر را بعداً به آنها شامل کنید.
۴. از شاگردان بپرسید که آنها دیدن کدام اجزای قصه را از قبل توانسته اند و شاگردان را به خاکهٔ قصه متمرکز کنید.
۵. آیا شاگردان تمام قصه را به یک بار خوانده یا به بخش ها تقسیم کرده اند. سپس به نقشهٔ قصه برگردید، تا ببینید که پیشگویی آنها تأیید شده یا تغییر کرده است، به گونهٔ مشترک نقشهٔ قصه را پوره کنید.

دیدن متن های تشریحی از قبل مختلف خواهد بود؛ زیرا که اینگونه متن ها، متن های مختلف دیگر دارند. پس شما ضرورت دارید که برای آموختن این قسم متن ها به هدایت زیر عمل نمایید.

۱. برای مشخص کردن مقصد اصیل متن، متن را مطالعه کنید. کوشش کنید که یک تنظیم کننده گرافیک را مشخص نمایید. که این کار با شاگردان کمک خواهد کرد، تا آنها ببینند که معلومات چگونه با یکدیگر موافقت و برابری دارند.
مثلاً: اگر متن سه مطلب خلص را دارا باشد، پس تنظیم کنندهٔ گرافیکی باید با یکدیگر به شکل پیوسته به کار برده شود.
۲. پرسش ها و بیانیه ها را فورمول بندی کنید، تا با شاگردان در کمک کردن به کار ببرید. وقتی که آنها یک متن را می‌خوانند و در خواندن عنوان ها این قسم اشیاء را به کار می‌برند، مثل: دید سر لوحه ها و خواندن عناوین کوچک.
۳. شاگردان را در هنگام دیدن متن رهنمایی کنید و آنها باید دربارهٔ آن معلومات، پیشگویی بکنند، که آنها یاد می‌گیرند.

توضیح: یک ملاحظهٔ اصلاحی توسط استاد به احتیاط رهنمایی می‌شود. اکثر انواع مختلف معلومات تنظیم کننده، گرافیکی در آن سهم می‌گیرند، تا به شاگردان کمک نماید که به هدف اصلی متن توجه نماید، که چگونه تنظیم شده است.:

دستور العمل ها:

- نقل قولی
- توضیحی

مشاهدۀ اصلاحی نقل قولی با هم مشابه اند؛ زیرا که تمام متن های نقل قولی ساختمان بنیادی یکسان دارند. مشاهده اصلاحی توضیحی کمی مختلف می‌باشد. تمام متن های توضیحی ساختمان های متنی مختلف دارند. به این اساس لازم است که به هدایات ذیل آشنا شوید، تا همراه ساختارهای متون برابر کنید.

۱. برای اینکه هدف اصلی مشخص شود، متن را بار دیگر ببیند، کوشش گردد که تنظیم های گرافیکی را بشناسید و این به شاگردان کمک می‌کند، که ببیند معلومات چگونه با یکدیگر مرتبط اند؛ مثلاً: اگر متن سه هدف اصلی داشته باشد، ممکن تنظیم های گرافیکی با یکدیگر مرتبط معلوم می‌شود.
۲. سوال ها و بیانیه ها به این دلیل فورمول بندی می‌گردد، که با شاگردان در وقت تکرار متن کمک کند، چیزهایی مثل: خواندن عنوان، دیدن مثال ها، اشکال و خواندن عناوین فرعی را یاد بگیرند.
۳. متن را شاگردان به وسیله تکرار رهنمایی کنند و برای شان بگویید که در رابطه به معلوماتی که شما می‌خوانید، پیشگویی کنید.
۴. تنظیم کنندۀ گرافیکی را تقدیم کنید و به شاگردان بگویید، در این متن مفکوره ها در بخش های نشانی شده تنظیم گردیده است. آیا شاگردان متن را خوانده اند، که مقصد اصلی را دریافت نمایند. وقتی که آن خواننده گان ماهر شدند، بعداً آنها معلومات حمایت کننده اهداف اصلی را مشخص کرده می‌تواند.

چه وقت به کار برده می‌شود:

۱- وقتی که متن به طور خاص مشکل باشد.
۲- وقتی که شاگردان در اخذ مفهوم مشکلات دارند.
۳- وقتی که شما می‌دانید، که دانش قبلی شاگردان در رابطه به موضوع متن محدود است.

<u>سنجش و ارزیابی ارزش ها:</u> توسط جوابات قبل از وقت مشاهدۀ شاگردان، چگونه گی دانش قبلی ایشان را در رابطه به موضوع متن معلوم کنید و آشکار سازید که آن ها قبل از مشاهده چه را به دست آورده اند. به شاگردان با آواز بلند ابلاغ دارید.
توضیح: خواندن با آواز بلند، به حیث یک استراتیژی به خلص مطلب یک موضوع یا انتخاب آن تعلق دارد.

دستور العمل ها:

مواد پس منظر را با آواز بلند بخوانید.
جملات ذیل را جهت عملی کردن استراتیژی ها به کار برید.

۱. یک کتاب، مقاله با مواد دیگر را پیش از پیش انتخاب نمایید، که با موضوع ارتباط داشته باشد.
۲. برای شاگردان بگویید که متن دربارۀ چیست؟ و چرا آن را مطالعه می‌کنید.
۳. برای شاگردان هدف از گوش گرفتن را، واضح سازید. مثلاً: آنها مفکوره های مهم را گوش بگیرند و قسمت های مهم قصه را بار دیگر بیان نمایند. به عبارت دیگر شما می‌توانید به آنها بگویید که از آنها در وقت گوش دادن، آموختن، چه چیز را توقع دارید.

۴. بعد از خواندن با صدای بلند، بالای مواد بحث نمایید و ارزیابی کنید که هدف، کدام گروپ شاگردان است؟ که باید گوش می‌گرفتند. یک قسمت متن را انتخاب و با صدای بلند بخوانید.

جهت به کار بردن استراتیژی ها، هدایت طور ذیل است؟

۱. مقاله یا قصه را شاگردان می‌خوانند، تصمیم بگیرند.
۲. تعیین نمایند که به چه اندازه از قسمت اول، متن انتخاب شده را با آواز بلند بخوانند.
۳. قسمت انتخاب شده، معرفی شود و هدف از گوش گرفتن برای شاگردان واضح شود.
۴. آیا در مورد آنچه از قسمت باقیمانده متن می‌آموزند، پیشگویی یا فکر کرده می‌توانند.
۵. آیا برای پیش گویی، شاگردان خاموشانه مطالعه کرده اند؟
۶. بالای متن انتخاب شده شاگردان، بحث دسته جمعی صورت گیرد و شاگردان بالای پیشگویی تمرکز نمایند.
۷. آیا شاگردان در مقابل موضوعات انتخاب شده، عکس العمل نشان داده اند؟
۸. شما می‌توانید هدایات فوق را، در یک قسمت یک درس انتخاب شده، به کار ببرید.

هم چنان شما می‌توانید بنابر استراتیژی خواندن با آواز بلند، چند قسمت متن را بلند بخوانید، و در این قسمت بین خواندن مستقل و همکاری فرق بگذارید و این به شاگردان مربوط است، که به چه اندازه خواندن با آواز بلند را اجرا نمایند و به آن ضرورت دارند، چه وقت باید استعمال نمایند؟ هنگامی که شما می‌دانید، شاگردان دانش قبلی محدود یا نادرست دارند، خواند با آواز بلند را به کار ببرند.

سنجش یا ارزیابی ارزش ها: وقتی که شما با آواز بلند می‌خوانید، عموماً این چنین می‌گویید، که چگونه شاگردان به وسیلهٔ گوش گرفتن مفهوم را اخذ و به یک طریقهٔ درست، مفکوره ها را تنظیم نموده، به یاد می‌سپارند. کلمات کلیدی را می‌آموزند، بدون اینکه کلمات نوشته شده را نشانی کنند. به اندازه ارزیابی دانش قبلی اینها ممد واقع نمی شود.

اجرای نقش:

توضیح: شاگردان سهم می‌گیرند و یک حالت را در عمل پیاده می‌کنند.

دستور العمل ها:

۱. مطابق ذوق خود یک کتاب را انتخاب کنید، خاکهٔ قصه ها را مشخص نمایید.
۲. حالتی را انتخاب کنید، که آسان باشد و برای شاگردان هین بازی خنده آور باشد و مطمئن گردند که قصه با خاکه رابطه دارد. لاکن تمام قصه را برای شان بدهید.

چه وقت به کار برده می‌شود: برای آن اطفالی که تجارب مشخص را ضرورت دارند، بهترین استراتیژی شمرده می‌شود. اکثراً شاگردان زبان دوم، که به تنهایی به اشتراک و یک بحث خلاصه سازی، علاقه ندارند. آنها هنگامی که اول را اجرا می‌نمایند. با وجود اینکه نقش بازی کردن بالای متون نقل قولی اجرا می‌شود و در متون تشریحی هم استعمال می‌شود، خصوصاً در وقت خواندن موضوعات علوم اجتماعی.

سنجش و ارزیابی دست آورد ها: مشاهدهٔ شاگردان برای شما در موقع بازی کردن نقش، در رابطه با دانش قبلی، یک احساس را می‌دهد و همچنان راه هایی را نشان می‌دهد، که آنها مشکلات را به وسیلهٔ آن حل می‌نمایند.

تجربه های حقیقی و مواد مشخص

توضیح: به خاطر انکشاف و فعال ساختن دانش قبلی شاگردان، بهترین راه این است، که تجارب حقیقی و مواد مشخص به کار انداخته شود. انترنیت، سیدی، تصاویر، دی وی دی و سفرهای کوتاه بسیار مفید است؛ مثلاً: در یک صنف مطالعه تجربهٔ ساینسی، سه بوته به طریقه های مختلف زیر بحث گرفته می‌شود:

برای یک بوته آب داده می‌شود؛ مگر از روشنایی دور نگهداشته می‌شود. دومی در موجودیت روشنایی، به آن آب داده نمی شود و سومی از آب و روشنی، هر دو برخوردار است. که در چنین حالت قبل از بحث بالای موضوع آب و بوته، دانش قبلی شاگردان انکشاف می کند.

دستور العمل ها: یگانه هدایت این است، که مطمئن شوید، که مواد یا تجارب در حقیقت در انکشاف و فعال شدن دانش قبلی شاگردان کمک می کند. از متن آن موضوعاتی که با موضوع رابطه داشته باشد، خوانده و نوشته با تجربه شود.

کدام وقت استعمال شود؟

وقتی که شاگردان به یک موضوع دانش سابقه نداشته باشند. تجارب حقیقی و مواد مشخص بسیار مهم پنداشته می‌شود و این استراتیژی به خاطر شناخت یک موضوع جدید برای شاگردان بسیار مفید می‌باشد.

ارزیابی دست آورد ها

طوری که این استراتیژی به خاطر انکشاف دانش سابقه استعمال می‌گردد، دارای ارزش محدود میباشد؛ مگر عکس العمل شاگردان نماینده گی از آنچه را می کند، که شاگردان می‌دانند و یاد می‌گیرند. برای شاگردان تجارب حقیقی را با گفتن هدف و مقصد آن معرفی نمایید، برای اینکه بتوانند رابطه برقرار نمایند، باید رهنمایی واضح، صورت گیرد.

شاگردان بعد از اجرای تجربه، آنچه را در این رابطه یاد گرفته اند، بیان نمایند که چطور به موضوع رابطه داشت؛ مثلاً: به خاطر آماده گی در برابر موضوع حیوانات جنگلی، شاگردان باید در مورد حیوانات خاص پیشگویی نمایند. پیش از اینکه در باغ وحش رفته، تجربه حقیقی را به دست بیاورند. بعداً پیشگویی ها را خلاصه نمایند و تأکید کنند. وقتی که شاگردان دربارهٔ حیوانات معلومات به دست می‌آورند، ببینند که این دانش چطور آنها را، موقعی که تنها کار می‌کنند، کمک می‌نماید.

هر یک از این استراتیژی ها، در باب گذشته، استراتیژی درس برای شاگردان و استراتیژی تدریس، استراتیژی فعال ساختن دانش قبلی شاگردان، انکشاف مفکوره ها و لغات تمرکز می‌نمایند و شاگردان به هدف اصلی درس طرف تنظیم کننده را رهنمایی می کند.

در بعضی درس ها ضرورت است، که چند استراتیژی را یکجا کنیم و در بعضی درس ها تنها یک استراتیژی را ضرورت دارد. هدایات ذیل به شما کمک می کند، که فیصله نمایید، که کدام استراتیژی را چه وقت استعمال نمایید:

انگیزه و دلچسپی: انگیزه و دلچسپی شاگردان را نسبت به یک کتاب یا موضوع، انکشاف و فعال نمودن دانش قبلی و ضرورت به آن متأثر می‌سازد. عموماً آن عده شاگردانی که موضوع مورد مطالعهٔ خود را خودشان انتخاب می‌نمایند، دربارهٔ موضوع زیاد تحریک شده و دانش قبلی شان زیاد می‌شود، آنها به حمایت کم یا به هیچ حمایتی ضرورت ندارند. اگر شاگردانی که دارای دانش قبلی اندک اند، برای خواندن یا نوشتن یک موضوع تحریک به اندازهٔ کافی هم شده باشند، برای انکشاف دادنش خود به حمایت ضرورت دارند.

متن: شما باید نوعیت متن را بشناسید (نقل قولی یا تشریحی) از مشکلات آن آگاه شوید، وقتی که شما به کار بردن استراتیژی مناسب تصمیم گرفتید، در متون نقل قولی به خاکهٔ قصه تمرکز کنید و در متون تشریحی به هدف اصلی، مفکوره های پیچیده، تصورات و ساختمان های آن توجه و تمرکز نمایید؛ زیرا که به فعال نمودن دانش قبلی ضرورت دارد و بعضی استراتیژی ها نظر به بعضی دیگر مؤثریت خود را دارد.

سطح ضرورت و استقلالیت شاگردان: وقتی با شاگردان آشنا شدید، به شما معلوم می‌شود، که کدام شاگرد در رابطه به دانش قبلی به حمایت زیاد ضرورت دارد. آن گروپ شاگردان که به استقلالیت رسیده باشند، به حمایت ضرورت ندارند. لاکن ضرورت ها از یک حالت تا حالت دیگر تغییر می‌خورد.

رازهای گوناگون درس: برای هر کس به کار بردن یک نوع استراتیژی خسته کن است، و استراتیژی خود را به طریقه های مختلف به کار ببرید تا سبب تحریک و تشویق برای یک آموزش خوب شود.

کامیابی با داشتن دانش قبلی اندک: آن عده شاگردانی که در وقت خواندن به گرفتن مفهوم مشکل دارند، آنها بسیاری اوقات دانش قبلی محدود یا نادرست دارند. آنها به انکشاف دانش قبلی بیشتر ضرورت دارند. به طور مشخص آن چیزی که در خواندن و نوشتن به اجراکردن یک سلسله وظایف خاص ارتباط پیدا می‌کند، در این صورت شما تمام استراتیژی هایی که بالای آن بحث شد، استعمال کرده می‌توانید. لاکن در انتخاب آن دقت نمایید تا موضوعات زیاد را در بر گیرد، که برای اخذ مفهوم از یک متن ضرورت است.

دانش قبلی محدود: هدف شما کمک نمودن به تمام شاگردان است، تا ایشان بتوانند که دانش قبلی خود را که به مکتب آورده، انکشاف داده تکمیل نمایند. هر شاگرد را ارزیابی می‌کند که به مکتب با خود چه را آورده است. حتی اگر تجارب بعضی از شاگردان با ضروریات مکتب موافق هم نباشد.
آسان ترین راه کمک کردن به شاگردان این است، که به آنها اجازه دهیم، معلومات تجارب زنده گی خود را با دیگران شریک سازند و صحبت نمایند. فرصت صحبت کردن و شریک ساختن موضوعات را در وقت تمرین صبح گاهان در فضای آرام، در وقت معین یا در طول روز برابر بسازیم.

دانش قبلی نادرست: درست کردن دانش قبلی نادرست، کار بسیار مشکلی است. فرضاً به شما گفته شود، معلوماتی را که شما دارید، که تا خیلی وقت مشهور بود، غلط است. آیا امکان دارد، که چنین اصلاحات صورت گیرد؟ برای اینکه قابلیت درک شاگردان بهتر شود، هدایات ذیل مفید واقع می‌شود:

- دانش قبلی را فعال سازید، ارزیابی کنید، معلوم سازید که شاگردان چه را می‌دانند و در روشنی استراتیژی های موجوده، دربارهٔ موضوع چه فکر می‌کنند؟ هنگامی که شاگردان جواب می‌دهند، غلطی یا غلط فهمی آنها را یادداشت بگیرند.
- غلطی ها را اصلاح و برای اصلاح آن وقت را تعیین نمایید، این یک فیصله ساده نیست، اصلاح غلط فهمی شاگردان به وقت زیاد، تجارب کافی، محاوره و خواندن ضرورت است. ممکن قبل از خواندن اصلاح نگردد. میتود طوفان مغزی و مباحثه، یگانه استراتیژی است، که غلط فهمی های کوچک قبل از خواندن درست می‌شود. البته قبل از خواندن بالای شاگردان به منظور درست کردن و اصلاح نمودن آن خواندن بسیار متمرکز، شوق آنها را کم می‌کند.
- ستراتیژی های کاری و مناسب را انتخاب کنید. در این جا تمام استراتیژی ها مورد بحث قرار گرفتند، که ممکن برای اصلاح غلطی های کوچک مناسب باشد، مگر آن استراتیژی ها که با فکر کردن طویل المدت، رابطه دارد، به طور مطمئن در دور کردن غلط فهمی مؤثر است، که به این مشکل در یک ستراتیژی، سهم نگرفتن است.

فصل سوم

قاموس (ذخیره لغات)

مقدمه:

معلمین و اطفال در مکتب مشترکاً قصه قوانین را میخواندند. در جریان قصه لست شش لغات پیچیده موجود است (حفاظت، کوشش، قوانین، تفریح، اجتناب) این لغات به خاطری نشانی شده که شاید برای اکثریت اطفال نا اشنا باشد و به فهمیدن معنای آن درک اطفال را بلند نمایند. معلمین این ذخیره لغات را باید سر تخته بنویسند و برای اطفال بگویند که هر لغت چه معنا میدهد تعریف آن را نوشته و در زنده گی واقعی مثالهای آن را به کار ببرند. وظیفه کار خانه گی اطفال به کار بردن شش لغات متذکره در جملات است.

این فصل در موردی بحث میکند که چرا آموزش تدریس لغات برای درک و فهمیدن شاگردان مهم و ضروری است؟ شاگردانی که ذخیره لغات قوی شفاهی را دارا اند مفاد آن این است. که دروس خویش را پیش از پیش میخوانند به خاطری که این شاگردان به کلمات و لغات اشنا می‌باشند و میتواند به طور انفرادی مکالمه و مکاتبه نمایند. دانش ذخیره لغات در خورد سالی و صنف اول از اهمیت بسزایی برخوردار است و شاگردان در صنف های آینده به شمول لیسه پیشرفت خوبتر را کرده میتوانند. به همین قسم تحقیقات نشان داده که مابین ذخیره لغات و درک مفهوم متن شاگردان ارتباط موجود است. اکثر اوقات شاگردان به تمامی چیزهای که آنها خواندند نمی فهمند به خاطری که انها به معنی لغات نمی فهمند. فهمیدن موضوع و درک آن به فهمیدن لغات ارتباط دارد.

ذخیره لغات چیست؟

بسیاری از مردم به این باورند که ذخیره لغات سرمایه لغات و کلمات است که شاگردان بالای آن می‌فهمند و از آن کار می‌گیرند. در حقیقت ذخیره لغات شاگردان چهار پهلو دار شنیدن بیان کردن، خواندن و نوشتن. ذخیره لغات شنیدن از تمامی آن کلمات لغات جور شده که شاگردان آن را می‌شنود و می‌فهمند؛ اما ضرور است که شاگردان در گپ زدن از آن کار میگیرند. ذخیره لغات از تمامی آن لغات جور شده که شاگردان می‌شوند و در گپ زدن روز مره از آن کار گیرند. شاگردان در مرحله اول ضرورت دارند که یک لغت ذریعه شنیدن و گپ زدن به دست آورد پیش از اینکه قادر به خواندن و فهمیدن آن باشد؛ به همین قسم برای آنها ضروری است آن لغاتی که یاد گرفته اند به وسیلهٔ آن گپ بزنند تا در کاربردن لغات اطمینان حاصل نمایند. ذخیره لغات شنیدن و خواندن یکی از سرمایه های است که شاگردان در خواندن و نوشتن از آن کار میگیرند و ذخیره لغات نوشتن از لغات چاپ شده جور شده که شاگردان می‌توانند به آن بفهمند وقتی که آنها می‌شنوند گپ می‌زنند و در مرحله دوم توان کاربرد در نوشتن را داراست.

محققین نشان داده اند که یک خواننده خوب کم از کم هفت لغات در روز می‌آموزند. در حالی که یک خواننده متوسط در روز یک یا دو لغات جدید می‌آموزند.

بدون تعجب شاگردانی که دارای ذخیره لغات غنی هستند در وقت خواندن لذت می‌برند به معنی لغات نمی فهمند و در درک مفهوم متن به مشکلات رو به رو هستند.

شاگردانی که در فهمیدن لغات عقب می‌مانند یا با آن رو به رو می‌شود در جمع کردن معلومات و فهمیدن آن برایش سخت و دشوار است این قسم شاگردان به مشکل اندک دانش و مفاهیم و کیفیت خویش را بلند میبرد.

هدف آموزش ذخیره لغات:

آموزش ذخیره لغات و آموزش خواندن یک حالت است.
هدف آموزش ذخیره لغات اینست که همراه شاگردان در آموزش معنی کمک کند تا آنها به شکل مؤثر گپ بزنند و یک خواننده مستقل شوند. آموزش ذخیره لغات به اطفال می‌آموزد از کدام راه ها لغاتی را که نمی فهمند در وقت خواندن به آن رو به رو می‌شود در آموزش معنی از آن کار بگیرد. وقتی که این کار را به سر برساند شاگردان سطح آن لغات را بلند میبرند آنها خوانده میتوانند و بعداً این لغات را در گپ زدن و نوشتن خویش به کار می‌برند.

به خاطر آموزش ذخیره لغات مؤثر به معلم ضروری است که قادر باشد که در ختم آموزش لغات نوین برای شاگردان فرصت های را مساعد میسازد که معنی و مفهوم لغات را بفهمند به مشکل سطحی کافی نیست که شاگردان به لغات اضافه تر رو به رو شود این قسم ذخیره لغات درک شاگردان را بالا برده نمیتواند و عقب می‌ماند مثلاً به شاگردان میگویید که معنی لغات اضافه تر نوشته و به حافظه سپرده شود وقتی که شاگردان در خواندن به این قسم لغات رو به رو می‌شود شاگردان بالای آن بفهمند اما تحقیقات نشان داده که این قسم کار ها در واقعیت به میان نمی آید.

به خاطری که نوشتن معنی لغات دانش کلی و عمیق را به میان نمی آید تا به واسطه درک مضمون ارتقأ نمایند. شاگردان به فرصت های آموزش مؤثر ضرورت دارند تا آنها در رشد دانش لغات کمک نمایند و آنها بتوانند ذخیره لغات مشخص خویش را تقویت بخشند.

اقسام دانش لغات:

شاگردان به دو قسم لغات سخن میزنند ردیف ذخیره لغات و ذخیره لغات اکادمیک سطح دانش ردیف لغات:

سطح دانش ردیف لغات:
قوانین درس مکتب یک درس ضعیف نبوده درس این قسم لغات اطفال را به سطح دانش عمیق لغات رسانیده نمی تواند به همین ترتیب اطفال نمی تواند این لغات در سخن های خویش به کاربرد که هدف اصلی آموزش ذخیره لغات است.

باید گفته شود که آموزش لغات نوین ذخیره لغات کار ایشان نیست.
فهمیدن یک لغت مهارت میخواهد که برای خواننده ها برجسته یک آمر ضروری است که تا توانایی شناخت لغات را پیدا کنند که یک لغت چه قسم معلوم می‌شود و چنین معلوم می‌شود.

قاعدتاً فهمیدن به یک لغت تعریف و معنی همین لغت میدهد. فهمیدن به تعریف لغت در کاربرد در گپ زدن و نوشتن و همچنین به معنی فهمیدن یک متن نیست. تحقیق کنندها برای فهمیدن یک لغت چهار سطح تشخیص نموده واضح است پس به نظر و تجربه یک شخص در تحقیق جای لغت نقش مهم دارد.

اندازه «سطح» دانش لغات	
اندازه اول دانش لغات	نا معلوم (ما هیچ وقت این لغت را نه شنیدیم.
اندازه اول دانش لغات	دانش لغت موجود است (ما این لغت را شنیدیم)
اندازه اول دانش لغات	دانش کم (خودم در مورد این لغت معلومات دارم)
اندازه اول دانش لغات	دانش مکمل (من می توانم این لغت را تعریف نمایم و به طور صحیح به کار ببریم.

پروسه فهمیدن لغات با گذشت زمان واقع می‌شود وقتی که شاگردان با لغت در متن علیحده رو به رو می‌شود به شاگردانی که به لغات اضاف تر مواجه می‌شود همان اندازه سطح دانش آنها بالا میرود، دانش بلند (اندازه چهارم دانش لغات) با دانش عقلی و فکری عمیق ترجمه میکند دانش همجانبه و دقیق میتواند یک لغت از روی محتوا معنی گونا گون را انتقال دهد و توانائی را به وجود آورده و ارتباط عناوین فرعی یک لسان را با خواندن و نوشتن تحکیم نمایند هدف آموزش ذخیره لغات این است که شاگردان معنای لغات را جمع و در حافظه طویل المدت سپرده و به کار ببرند تا این لغات معنای صحیح را برساند مفهوم متن را به صورت صحیح درک کند بفهمند که چه را میخوانند.

ذخیرۀ لغات اکادمیک:

معلمین باید ذخیره لغات اکادمیک پشتو و دری را رشد و انکشاف دهند ذخیرۀ لغات اکادمیک ارتباط به مفاهیم و اصطلاحات خاص دارد که در متن کتابهای مکتب و در موارد دیگر به چشم میخورد.

لسان اکادمیک در قواعد مختلف با هم فرق دارد؛ اما از ذخیره لغات جور شده گرامر و نحوه شکل احسن در وقت بحث بالای موضوع ضروری است. زبان اکادمیک زبانی است که یک جامعه خاص آن را به کار میبرد، به خاطر تحلیل، ارزیابی، خلاصه، فورمول بندی کردن و مشخص کردن جوابات و آموزش تحصیلات عالی و مسلک های خاص ضروری است که زبان اکادمیک به کار ببرند اگر میخواهید به شکل موفقانه در یک جامعه اکادمیک داخل شوید لازم است که آنها به زبان خاص به فهمیدن زبان اکادمیک ضروری است که به شکل مکمل مانند دیگران بحیث اعضای پوهنتون کار کنید تا درجه مهم و بالا به دست آورید.

صنف سوم	صنف دوم	صنف اول	کودکستان	مضمون
افسانه، برابری	کسر، تناسب	خیالی، اساسی	تاریخ، **نېټه**	دری، **پښتو**
ارقام به عدد زیاد شده	حاشیه، ترکیب	مجموعه، دیجیتال	گراف: مثلث	ریاضی
حفاظت، قدرت	پیش از تاریخ محل بود و باش	محیط: پناگاه	حشرات	ساینس
خریداری شده، واردات	زمان ترتیب میراث	انتخاب شهریان	خانواده: رخصتی	

معلمین باید تعهد خویش به خاطر کیفیت بهتر زبان اکادمیک هم به شکل شفاهی و هم تحریری به کار ببرد تا شاگردان تشویق شوند که این زبان آنها هم به کار ببرند.

چطور ذخیره لغات تدریس نمائیم؟

برای تدریس زبان اکادمیک طریقه خاص وجود ندارد باز هم بعضی قواعد به کار برده می‌شود.

۱. خبردادن: فرق بین زبان اکادمیک و محاوره یی اغاز نقطه مهم شمرده و معلوم می‌شود. ترجمه جمله محاوره یی به زبان اکادمیک این فرق را نشان میدهد.

۲. متوجه کردن: لغات اکادمیک مثلاً «اهمیت» و «تکرار بلند» وغیره مثلاً تحلیل، تکرار و خلاصه مطلب بسیار با ارزش است نسبت به لغات در آموزش اضافه تر تکرار نمی شود.

۳. تدریس لغاتی که ریشه یونانی و لاتینی دارد و به وسیله زبان اکادمیک به کاربرده می‌شود. با ارزش است به همین قسم ضروری است که ساختار اشکال با دلایل منطقی تدریس شود (که X حقیقی است، Y هم باید حقیقی باشد.لغاتی که تسلسل منطقی را نشان میدهد؛ مثلاً: به این هدف، به این خاطر به همین ترتیب بسیار مهم است.

۴. در مرحله اول با متن تحریر شده رو به رو شدن به خاطر سواد اکادمیک آینده بسیار مهم است.

۵. طوری که ذخیره لغات اکادمیک منبع لاتینی و یونانی دارد. شکل ظاهری لغات و ساختمان اکادمیک ریشه لغات به شکل مرتبط تدریس نمایند به طور مثال داشتن و مالکیت برای آموزش شاگردان بسیار مهم است. اما تدریس تعریف لغات کافی نیست اهمیت تدریس مفاهیم برای شاگردان تعریف لغات برای اطفال مهیا می‌سازد.

۶. با تشریح خوب معلمین که اطفال لغات را تحریر و در جمله استعمال نمایند در معنی و فهمیدن لغات به اندازه کافی کمک نمیکند به خاطری که لغات یک نشانی برای مفاهیم است نه تعریف لغات، اگر بخواهیم با این مفکوره مغلق پی ببریم فلهذا ضروری است که دوباره به پروسه نگاه مطالعه نماییم که اطفال در مرحله اول چطور لغات می‌آموزند.

آموزش لسان:

آموزش لسان- گرامر آن صدا و لغات چیزهایی اند که اطفال به شکل مؤفقانه انجام میدهند. طوری که اطفال به آن کلانها گوش می کردند که در اطراف آن زندگی میکنند و به شکل تعجب آور و به سرعت لغات نو را می‌آموزند این همه در خورد سالی به شکل کلی و عمومی و از روی تسلسل انجام می‌شود اطفال از تولد تا چهار ماه اندازه کافی صداها را جور مینمایند؛ آنها چغ پغ و غور غور میکنند بغ بغ کردن آن محصولی است که بعداً صدا از آن جور می‌شود از چهار ماه تا ۱۰ ماه صداها مغلق را میکشد که فهمیدن به آن بسیار دشوار است. آنها اول صداهای خویش را بسیار به دقت تمرین میکنند و متعاقباً با صدا ها بی‌صدای دیگر همرایش یکجا میکند طوری که حروف بی‌صدا و حروف صدا دار با هم یکجا شوند آنها هیجا ها را به میان می‌آورد.

مادران و پدران اطفال در ساختار زبان نقش به سزایی دارد گرچه ما از پیش تنظیم شدیم که به زبان سخن بگوئیم ما ضرورت داریم یک زبان خاص از آن اشخاصی بیاموزیم که در چهار اطراف ما هستند مادران زبان خویش را به طور عیار می‌سازد که به زبان اطفال آن مطابقت داشته باشد به این زبان، زبان مادری میگویندکه در این دنیا در هر رسم رواج دیده می‌شود و این خصوصیات عمومی و مشخص دارد. جملات بسیار کوتاه تر می‌باشد در آن تکرار اضافه تر موجود است کیفیت اواز خوانی در آن موجود است و اضافه تر کلمات خاص اطفال در آن شامل است. و در قرینه نزدیک چهار اطراف به شکل یک مربع دایمی احاطه گردیده و آن فعالیت ها حالا در اینجا و آنجا دوام دارد.

مادران اکثر اوقات یک شکل دقیق جور مینمایند که به نام Protoconversation یاد می‌شود مادران به آنعده اطفال که بسیار چغ پغ میکند مصروف میباشد که به نام Protoconverstim یاد می‌شود

دیدن (توجه اطفال را جذب کردن)
این چه است؟ (پرسش یک سوال)
به او ببین (نام این چیز چه است و نام چیزی را می گیرد.)
آنجا این شی است.
(خنده) بلی لا لا آمد.

مادران پرسان میکنند مثلاً: آن شی در کجا است؟ و این چه است هر جواب به خوشحالی داده می‌شود. معلوم دار است که این محاوره پر معنا است. وقتی که اطفال قادر باشند به لغات خویش شکل بدهد تا ماه ده هم اکثریت اطفال می‌تواند ۵ پنج تا ۱۰ لغات را بفهمند به سرعت ٪۲۵ اطفال تا ۴۰ لغات می‌فهمند.

در حدود ماه های ۱۲ الی ۱۸ برای آموزش لغات یک مرحله مهم پنداشته می‌شود چیزی که برای فهمیدن مهم است، آنچه که طفل یک لغت را تلفظ نمایند؛ اما طفل قصد دارد که به ذریعه یک لغت معنای جمله مکمل را برساند آن طفلی که در گریه صدای مادر را میرساند گرچه دقیقاً عین چیز معلوم نمی شود؛ مثلاً هشت. قصداً این نیست که تنها این لغت ادا نمایند. طفل قصد دارد که با خواندن کلمهٔ مادر مفهوم آن را بیان نمایند من گرسنه هستم. من به تبدیلی ضرورت دارم. من میترسم، من خسته ام وغیره فقط این نیست که طفل بدون خواندن این کلمه چیز اضافه تر میخواهد مگر مادر صدا کشیدن طفل را می‌شنود و از ضمیر کلمه مادر چیز اضافه تر تعبیر میکند مادر سعی مینماید که به خواست طفل بفهمند و ضروریات آن را محیا سازد. به معنای دیگر گفتن کلمه مادر از طرف طفل مفهوم دیگر دارد. این مفهوم لست تمامی فعالیت ها و سلوک است که طفل خودش آموخته، وقتی که کمی اطفال کلان سن بدون اینکه این لغات چطور معلوم می‌شود لغات نو را می‌شنود و به کار می‌برد آنها تنها لغات نو را نمی آموختند آنها مفاهیم نو را می‌آموزند به طور مثال اطفالی که تنها گپ می‌زند و یک لغات را به کار می‌برد تبارز دهنده دو خصوصیات اند.

یکی طوری معلوم می‌شود که آنها مفاهیم و لغات می‌آموزند این دو خصوصیات به نام یک همه جانبه Overextension و انکشاف کمتر Under extension یاد می‌شود.

برای کلمهٔ نا مناسب میتواند برای یک حیوان به کار برده شود و کلمه دادا Dada واضحاً معنی یک نفر را آفاده میکند به طریق دیگر وقتاً فوقتاً اطفال با انکشاف کمتر Under extension رو به رو می‌شود بدین معنا که آنها یک لغت عام به کار می‌برند که معنای یک چیز خاص را میرساند به طور مثال کلمه به میتواند بوتل من تنها بوتل من و کلمه موزیس میتواند بودن امن معنی بدهد و معنی دیگر هیچ چیز را ندهد یگانه کلمهٔ طفل ارسال کننده مفکوره و یک مفهوم است. در ۱۲ ماهگی یک طفل میتواند که تا ۳-۴ کلمه را بگوید و تا ۳۰ الی ۴۰ کلمهٔ بفهمد باز هم بعضی اطفال تا ۸۰ کلمهٔ میداند و به کار میبرد تا ۱۴ ماهگی تعداد کلمات فهمیده شد از ۵۰ تا ۱۰۰ میرسد. در ۱۸ ماهه گی اضافه تر اطفال میتواند از ۲۵ الی ۵۰ کلمه بگوئید و ۱۰۰ کلمات را بفهمند همه این لغات نماینده گی از فهمیدن مفاهیم طفل میکند از ۱۸ الی ۲۴ ماهه گی آن جملات را می‌بینم که از دو کلمه جور شده که به آن سخن های تلگرافی میگویند در اینجا چند مثال عام در جملاتی تقدیم شود که به شکل ساده اختلاف گرامری حروف را نشان میدهد. که دو کلمه با هم یکجا شود.

- پس ببین به شهر

- آن توپ، توپ کلان
- بوت پدر (بوت های پدر) بوت کوچک (بوت های من)
- کلچه های بسیار، خواندن های بسیار
- دو بوت، همه جوس (شمردن اندازه)
- مادر شستن، خواندن (فاعل، فعل، جمله)
- توپ بدهید، بسیار خواستن (جور کردن پیشنهاد)
- بستره نه، نه نه (انکار)
- جرابی مادر (فاعل، مفعول، جمله، مادر، جراب من بدهید).
- کتاب بمانید (فعل، مفعول، جمله خودت کتاب اینجا بمانید).
- اطفالی که دو کلمه را یکجا مینمایند در همه فرهنگ ها یکسان است با هم این دو کلمه تنها دو کلمهٔ نیست ذخیره لغات اطفال نسبتاً کلان روز به روز اضافه تر می‌شود.

همرای آن دو جمله اضافه تر می‌شود برای آنها اجازه معنای عمیق را می‌دهد اطفال چهار ساله دارای ۱۵۰۰ ذخیره لغات می‌باشد ۵ ساله کم از کم ۲۰۰۰ کلمه و ۶ ساله تا ۶۰۰۰ کلمه را به کار برده می‌توانند، مگر حالا هم ذخیره لغات معلوم کنند مفاهیم است. که بدون تجربه به دست آمده بالاخره آموزش لغات نو ذخیره لغات کم می‌شود بدین معنی تجارب زنده گی ما در دنیا زندگی روزمره محدود می‌شود. و در دنیا روز مره ما به دفعات تکرار می‌شود بعضی اوقات مردم (اطفال و کلانها) در علاقه ساحه خویش به کار ادامه میدهند مثلاً موسیقی یا باغبانی که در این پروسه ذخیره لغات نو می‌آموزد مگر باز هم ذخیره لغات خاص را به کار بردن مثلاً بیل که نمایان کنند مثل دانش موضوع است. برای دهقان بیل مثل کلمهٔ مادر هیچ وقت به ما شوم بیگانه نیست که به شکل نام تنهایی نه آموخته بلکه در پروسه دهقانی آموخته.

دهقان اول اصطلاحات دهقانی نه آموخته و بعداً دهقانی نه آموخته همین قسم دهقان دهقانی نه آموخته تا بعداً این ذخیره لغات خاص را معرفی کند به خاطری که دهقان بیاموزند که این اصطلاحات در جریانی دهقانی به کار برد این اصطلاحات از تعریف لغات دور هستند به خاطری که این مفاهیم علیهده است.

اطفال مفاهیم را می‌آموزند و این ذخیره لغات از روی ارتباط از مفاهیم نماینده گی میکند که از راه تجارب مستقیم به دست می‌آید، خواندن تعریف هیچ وقت جای یک تجربه را گرفته نمی تواند و یا تجربه جای تعریف را گرفته نمیتواند به طور مثال یک طفل که در قندهار کلان شده شاید برف در تلویزیون دیده باشد او یا در این مورد چیزی خوانده باشد یا شنیده باشد لیکن هیچ وقت برف را تجربه نکرده طفلی که در کابل کلان شده و برف را تجربه کرده آنها بیش از توقع در مورد برف می‌فهمند ممکن معلمین در مورد برف به اطفالی که در قندهار کلان شده درس بدهد مواد درسی مناسب تهیه نمایند مثلی عکسها برف را برایش نشان دهند برف خوب تشریح کند باز هم این اطفال به مفهوم برف به مثابه اطفال که در کابل کلان شده نمی فهمند بخاطر آموزش لغات نا اشنا و نو باید از تجارب کار گرفته شود که مفهوم کلمه را به دست آورد یک را که درباره مفهوم آن فکر شده می‌تواند آن اینست که این تصور عقلانی یک شی است.

مفاهیم و تصویر یک شی یا دیزاین یک قسم است ممکن مادر ساختار مغلق دنیای خویش غرق میشویم اگر ما جواب هر برخوردار می بودیم به همین خاطر ما به ساختن طبقات اقدام مینمودیم فلهذا ما به مفاهیم شکل میدهیم تا این

مغلق بودن در محیط خویش را کم کنیم به خاطر ضرورت آموزش با ثبات و دایمی اگرچه هر سک نا مهای مختلف دارد (در افغانستان نام سکها را بگیرید که بسیار معمول است) خصوصیات تقسیم شده باعث میگردد که آن اصطلاح عمومی که تعریفات مهیا می‌سازد.

در ذخیره لغات کلمات اضافه تر اند که نامهای مفاهیم است. به فکر ما مفاهیم (مثلی سک) در یک شبکه مغلق و پیچیده ارتباط را تنظیم شده اگر اضافه تر اشخاص به این قسم کلمات دقیق شود در چوکات و محدوده تجربه دانش قبلی نموور شد کرده میتواند.

برای آموزش ذخیرهٔ لغات این چه معنی دارد معلمین که تدریس نوینه لغات برای اطفال به عهده دارد باید کمی اندیشه داشته باشند؛ اما دانش موضوع ذخیره لغات اضافه تر مینمایند معلم باید از خود بپرسد که آموزش لغات چه است. برجای آن از افغانستان مثال ها بدهید خواهشمندیم یک موضوع و مفهوم که خیمهٔ سرخ پوستان است در صنف مثال دهید.

Wigwam خیمه است که در آمریکا توسط سرخ پوستان جور می‌شود شاگردان باید قادر باشد در مورد این خیمه معلومات بدهند که آیا این خیمه است یا خانه شاگرد امریکایی اصلی میتوانند به Wigwam یک خیمه ارتباط بدهد شاید آنها در یک سفر تفریحی از آن کار گرفته باشند این خیمه از چوب های سبک تهیه شده که توسط قشر نی پوشش شده توقع این بود که مفهوم در رشته ساینس یک مفهوم خلاصه بود. مثل انرژی در این حالت شاگردان ضرورت دارد تا این توانائی را داشته باشد در مورد انرژی معلومات دهد. که ما به انرژی در مسابقات و در کار ضرورت داریم طوری که لغت انرژی اضافه تر تشریح و توضیح شد شاگردان باید بفهمند که بدن به خوراک ضرورت دارد تا انرژی تولید کند طوری که یک موتر طیاره به تیل ضرورت دارد شاگردان شاید به این بفهمند ذخیره گاه اتمی (رتوبتی) به انرژی اتومی ضرورت دارد. تا برق انرژِی به دست آورد و خانه ها را روشن کند تلویزیون و ویدیو هم فعال نمایند.

قواعد مستقیم فراگیری لغات:

لغات موجوده در فرهنگ و قاموس که شاگردان باید آن را بیاموزند زیاد است و فراگیری آن نا ممکن می‌باشد مهم انست که بدانیم همهٔ لغات به طور مساویانه در خور توجه نمی باشد. معلمان باید قادر به تفکیک مفاهیم جدید و سابقه (آشنا) باشند.لغات را می‌توان به چهار قسم تقسیم نمود:

۱. لغاتی که زیاد تکرار می‌گردد (لغاتی که در مواد چاپ شده زیاد به نظر می‌رسد و خود دارای معانی کم مگر در معنای جملات نقش بارزی دارد).
۲. لغاتی که موارد استعمال آن زیاد است و مفید می‌باشند (لغاتی که شاگردان در تشریح و معانی آن کلمات دیگر نیز داشته باشند و برای معانی کلمه جدید از قاموس استفاده می‌شود.
۳. لغاتی که کم تکرار میگردد. (تدریس را مؤثر می‌سازد)
۴. حوزهٔ فرهنگ تخنیکی مخصوص (برای یادگیری موضوعات دیگر در آن را هموار می‌سازد.)

برای معلمان در انتخاب لغات، محققین پیشنهادات ذیل را جهت دقت برای موضوعات ارایه نموده اند.

- لغاتی که دانستن آن برای خواندن و مفهوم گرفتن یک متن انتخاب شده خاص، مهم شمرده می‌شود.
- لغاتی که فهم آن به طور عموم برای شاگردان مفید است که هنگام خواندن با آن زیاد تر رو به رو می‌شوند و معلم باید با توجه زیاد تدریس ذخیره لغات را به شکل انفرادی و یا گروپی پلان نمایند باوجود اینکه نویسندۀ کتاب درسی ذخیره لغات را مکرراً برای آموزش انتخاب می‌نمایند. و معلمان باید قضاوت مسلکی خویش را در رابطه با تعیین و تدریس اهمیت این لغات و لغات دیگر کتاب به کار برند.

برای انتخاب ذخیره لغات از نظر عمر کدام فارمول دقیق وجود ندارد؛ مگر آن را بدانیم که کدام لغات باید تدریس شود. معلم باید به اساس دانش خویش تصمیم بگیرد که کدام لغات را برای شاگردان تدریس نماید.

قسمی که قبلاً تذکر داده شد که در رابطه با فراگیری لغات به چهار سطح تقسیم و تشریح گردید درینجا با معلمان همکاری نموده که کدام لغات باید در آموزش مستقیم و صریح شامل گردد.

لیک همکاران شان در سال ۲۰۰۲ لغات را به چند نوع مختلف تقسیم نموده اند.

ردیف اول: در ردیف اول همان کلماتی که در سخن زدن محاوره روز مره مکرراً شنیده می‌شود که در متنها و محاوره غیر شفاهی زیاد به کار می‌رود معلمان به آن توجه نمایند که با این نوع کلمات – ردیف اول اشنا و کلمات ردیف اول آموزش سریع و جدی می‌خواهد.

مثالهای ردیف اول: ساعت. طفل. خوش، رفتن

ردیف دوم: لغات ردیف دوم مفید و مهم می‌باشد و شاگردان باید در آموزش آن همه جانبه توجه به خرچ دهند.

شاگردان به طور مکرر در شنیدن خواندن و گفتن لغات ردیف دوم مواجه می‌شوند و این نوع لغات در دانش شاگردان مهم است که این لغات در متن های مختلف و فرهنگ اکادمیک می‌باشد. – بحث طبقه بندی و اصلاح که در نصاب تعلیمی از آن استفاده می‌شود.

معیار های ذیل در بارۀ لغات ردیف دوم انتخاب شده است.

- برای درک خواندن مهم است.
- دارای چند معنی می‌باشد.
- در ساحات مختلف از آن استفاده می‌شود.
- ساحه کاربرد زبان مشخص می‌باشد.
- سطح دانش و فرهنگ تشریح آن ارتقاء می‌نمایند (این لغاتی است که شاگردان در بارۀ تشریح دقیق یک مفهوم به کار برده می‌شود. یادگیری لغات ردیف دوم بسیار مهم می‌باشد؛ زیرا ایشان شاهد پیشرفت و انکشاف شاگردان می‌باشند و استعمال کم این کلمات در سخن زدن، شاگردان را به مشکلاتی رو به رو می‌سازد خصوصاً اینکه شاگردان این کلمات را در اثار چاپ شده بخوانند.

مثال لغات ردیف دوم: واضح، مغلق، تأسیس کردن، فرق دادن.

لغات ردیف سوم: لغات ردیف سوم در متون آزاد، موضوع یک مضمون و ساحات یک بخش نفس مهم را ایفأ می‌نمایند (ترتیب زمانی، نامگذاری، جای بود و باش) و ساحه استعمال لغات ردیف سوم نظر به ردیف دوم بسیار کم است و در ساحه خاص یک مضمون دارای معنای مشخص می‌باشد برای شاگردان بسیار مهم می‌باشد که این لغات را فرا گرفته و آن را به حافظه بسپارند و معانی آن را بدانند. و این همان معلوماتی اند که شاگردان از خلای خواندن کتابهای درسی وغیره به دست می‌آورند.

ردیف	توضیح	مثالها	مفاهیم آموزش
ردیف اول	ابتدایی: اکثر شاگردان معمولاً به آن آشنا می‌باشند.	ساعت، طفل سخن زدن، رفتن	در مکتب جهت یاد گرفتن به دقت کم ضرورت دارد.
ردیف دوم	تکرار زیاد، بسیار مفید عموماً با لغات آشنا ارتباط دارد	تصادف، بی‌معنی صنعتی، خوشبخت	جلب توجه به طرف یاد گرفتن این لغات میتواند، تولیدی باشد.
ردیف سوم	تکرار کم. مخصوص و مرتبط به یک ساحه مشخص مثل: لغات اکادمیک	تراش کردن شبه جزیره	وقتی آموزش خوبتر صورت می‌گیرد که در یک ساحه مشخص ضرورت خاص واقع شود.

اگر لغاتی را به ذخیره لغات ردیف سوم اضافه نماییم (گفتن و نوشتن) پس شاگردان به متون آزاد و مختلف النوع ضرورت احساس می‌نمایند و در حدود ۱۲-۱۴ لغات که به موضوع ارتباط دارد. همان شاگردانی که در خواندن به مشکلات زیادی مواجه می‌شوند و برای درک مقاصد، معلمان باید از لغات ردیف اول و سوم صرف نظر و توجه را به لغات ردیف دوم متمرکز نمایند؛ زیرا شاگردان معانی و مفهوم لغات ردیف اول را می‌دانند و لغات ردیف سوم را شاگردان در متن می‌یابند و فهم آن برای شاگردان در قسمت دانش زبان می‌باشد درینجا ملاحظاتی در رابطه با لغات ردیف دوم انتخاب شده. قرار ذیل است.

- لغاتی باید انتخاب شود که مفید باشد و این لغاتی است که شاگردان اکثراً در متون دیگر به آن مواجه می‌شوند.
- لغاتی باید انتخاب شود که با لغات دیگر ارتباط داشته باشد که شاگردان آن را میدانند.
- لغاتی باید انتخاب گردد که بر علاوه فهم این لغات سبب یادگیری لغات دیگر گردد.
- آن لغات باید انتخاب شود که در یک ساحۀ مشخص به آن احساس ضرورت می‌باشد.
- آن لغات ردیف دوم که در شروع درس شاگردان با آن آشنایی ندارند باید لست گردد. بعداً لست تحلیل شود که کدام لغات در درک متن ضرور می‌باشد و باید بدانیم که شاگردان به فهم کدام لغات ردیف دوم ضرورت دارند که در فهم آن با شاگردان کمک شود. و در اخیر مشخص گردد که کدام لغات توجه زیاد و کدام آن به توجه کم ضرورت دارد.
- قاموس ردیف شده یک اصطلاح عمومی می‌باشد. و متنی را که شاگردان می‌خوانند معلم باید قبلاً آن را بخواند و لغات ردیف شده را در ذهن جا دهد.

نکات ذیل در مورد تدریس در نظر گرفته شود.

۱. تمام لغات مربوطه را با تعریف آن از نظر نیندازید و معلمان درس را قسمی تهیه و ترتیب نمایند که از تعریف فراتر یا به عبارۀ دیگر نسبت به تعریف معانی زیادی را افاده نمایند. و ذخیرۀ لغاتی که دارای کلمات مربوط (لغات جدید همراه با تعریف و هم در جمله) را دارا باشد مفید و مؤثر می‌باشد، نظر به قاموس.

معلم باید یک فرهنگ لغت یا قاموس را تهیه نماید که برای شاگردان فرصت فراگیری را برابر نماید.
فهم لغات. تشریح و توضیح ۶ برابر کردن، فرصت کاربرد و بحث و تحلیل فرهنگ را غنی می‌سازد برای ایشان لازم است که لغات را بسازند از طرق مختلف و غنامندی قسمی که قبلاً در ارتباط جدید بیان نمایند.

۲. فقط لغاتی که عناصر اساسی خواندن را تشکیل میدهند انتخاب و تدریس نماید. اطفال می‌توانند یک متن را بخوانند بدون اینکه معانی آن را درک کنند؛ مانند بزرگسالان که یک متن را بخوانند و مفهوم آن را بدانند بدون اینکه معانی دقیق لغات آن را بدانند و تدریس کلمات نا آشنا کیفیت درک را درست نمی کند و برای تدریس قبلی از همه لغات کلیدی و مفهوم دارد بهتر می‌باشد.
لغات دارای مفاهیم درست و این لغات مفهوم و مفکورهٔ متن را می‌رساند خصوصاً لغاتی که با خواندن ارتباط داشته باشد. و فهم این نوع لغات ضروری می‌باشد طبعاً شاگردان از کلمات دلچسپ و مأنوس لذت میبرند و این لغات دلچسپ ممکن است که مفهوم متن را درست واضح نسازد و اگر معلمان از خواص بی‌نظیر این کلمات آگاه شوند و یا معانی درست را افاده نماید و این زمینهٔ درست را برای آموزش فرهنگ و قاموس برابر بسازد.

۳. اطفال فهم و دانستن کلمات نا آشنا را انکشاف می‌دهند تا اینکه لغات نا آشنا را با لغات آشنا ارتباط دهند ایشان در پرتو دانش و تجارب قبلی تفاوتها و مشابهت ها را بیان می‌نمایند وقتی که شما لغات را در محتوای مفاهیم تدریس نمایید شاگردان سرعت تعریف لغات را یاد گرفته همچنان در چوکات تحسین معنی را انکشاف میدهد.

دریس لغاتی که با دانش قبلی شاگردان رابطه داشته باشد. و تا اینجا ما در رابطه با طرح شاگردان دربارهٔ فهم آنها بحث می‌کردیم یک عالم رهنمای خواندن (مطالعه) p.Daum person در رابطه با تدریس لغات به شاگردان چنین می‌نویسد.

عوض اینکه بپرسید که چگونه می‌توانیم لغات را در ذهن شاگرد جا به جا نماییم باید بپرسیم که این چیست؟ که شاگردان قبلاً مفهوم آن را میدانستند و آن را برای دریافت و درک یک مفهوم جدید معیار و مورد استفاده قرار می‌دهند. وقتی که معلم سوال آخری را میپرسد، پس شما همیشه به طرح های اموزش ذخیره لغات شاگردان مراجعه خواهید نمود. طریقه آسان آموزش ذخیره لغات برای معلم اینست قبل از اینکه به شاگردان بگویید که این لغت چه معنی دارد؟ از او بخواهید که در مورد معنای این لغت چه میدانید یا مطالعه کرده اید بعداً معلم می‌تواند که معنی لغت را اصلاح و تصحیح نماید و چه اندازه لغات کافی است؟

اکثر متخصصین به این عقیده اند که بدون مداخله معلمان خالیگاه ذخیره لغات بین شاگردان دارای مهارت زیاد و مهارت کم به گذشت زمان زیاد میگردد.
محققین پیشنهاد نموده اند که در امریکا یک طفل متوسط سالانه ۳۰۰۰ لغات جدید را یاد میگیرد. باشنده گان درجه اول جامعه اقتصاد متوسط در امریکا به ۵۰٪ لغات زیاد تر دیگر نسبت به باشنده گان درجه اول جامعه اقتصاد پایین میدانند. اگر یک شاگرد اقتصاد پایین جامعه با ذخیره ۲۵۰۰۰ لغات به مکتب بیایند بر او لازم است که روزانه ۲۵ لغات جدید را بیاموزند تا بتواند با شاگرد جامعهٔ اقتصاد متوسط برسد. ما نمی توانیم بگوییم که این احصاییه در افغانستان نیز صدق می‌نماید؛ مگر به این باور داریم که یک اندازه مشابهت وجود دارد.
معلمان در رابطه با ذخیره لغات سه سوال ذیل را مکرراً می‌پرسند.
–چه اندازه لغات را می‌توانیم در یک سال تدریس نماییم؟

فصل چهارم

انتخاب کلمات جهت تدریس

در هنگام انتخاب لغات و کلمات در اثنای تدریس سواد و درس باید مناسبت متن و سویهٔ شاگردان را در نظر گرفت. در اینجا دو معیار وجود دارد:

در اول، لغات و کلمات مهم و قابل فهم برای خواندن، که به حیث کلید مفاهیم در لغات مسمی گردیده، انتخاب گردد. در مرحلهٔ دوم، کلماتی انتخاب گردد، که اساس ترکیب کنندهٔ مفاهیم مورد نظر باشد. اینگونه انتخاب لغات و کلمات باعث ذخیره و تقویت لغات در شاگردان می‌گردد. بعضی اوقات تداخل و تکرار این دو نوع کلمات مفید و مهم بوده، باعث ذخیرهٔ بهتر لغات و کلمات در شاگردان می‌گردد.

در انتخاب لغات و کلمات لازم است، هفت مرحله را در نظر گرفت:

۱. مرور بر متن جهت تشخیص خطوط اساسی، به داستان، گفتار و مفاهیم عمده، این دستور العمل برای انتخاب کلمات به خاطر تدریس مستقیم است.

۲. از لغات مربوط به خط داستان و مفاهیم عمده را لیست وار بنویسند؛ زیرا فهمیدن اینگونه کلمات (مفاهیم کلیدی) هنگام انتخاب مهم است.

همچنان لازم است تا کلمات ترکیبی و دو سیلابهٔ مفید و ضروری را طوری انتخاب کرد، که بالاتر از سطح مواد خواندنی شاگردان باشد، تا آنها را وادار به تفکر سازد.

۳. باید تشخیص داد که کدام مفاهیم کلیدی و کلمات دو سیلابه طور درست در متن تعریف و معرفی گردیده است. ممکن است بعضی از این کلمات در داخل متن به آسانی قابل فهم باشد. هرگاه در متن، علایم و نشانه های کافی در تلفظ و مفهوم وجود داشته باشد، نباید کلمه یی را مستقیم تدریس کرد.

۴. آن گونه لغات و کلمات را که شاگردان با در نظر داشت پیشوند و پسوند و ریشهٔ لغات که از چه اشتقاق یافته، تعیین کرده بتواند، باز شناسی کنید.

عده یی از لغات داخل لیست، ممکن است دارای ساختمانی باشد، که شاگردان تلفظ و مفهوم آن ها را تشخیص داده بتوانند.

۵. دربارهٔ سابقهٔ شاگردان فکر کنید. لغات و کلمات را که ممکن است، دربارهٔ دانش قبلی شاگردان باشد، از لیست خود حذف کنید. البته آنها را در بحث خواهید گرفت، نه در تدریس مستقیم.

در این نقطه باقی کلمات داخل لیست، ضرورت به تدریس مستقیم دارند؛ زیرا شاگردان از آنها دانش قبلی نداشته، ممکن است در جریان تحلیل و درک این کلمات نا آشنا باشند.

چه زمانی لغات را تدریس کرد: قبل از متن درس، در اثنای متن درس و یا در اخیر موضوع درس.

زمانی را تشخیص دهید، که تدریس مستقیم لغات، یک تصمیم پیچیده را کار دارد، که مربوط به عوامل متعدد است. به یاد داشته باشید، که توقع اکثر از آموزگاران، از شاگردان اینست. تا آنها در مرحلهٔ اول خود، متون درس را مستقلانه بدون کمک معلم خویش بخوانند، ممکن است، عده یی از شاگردان در هنگام خواندن متن به کمک ضرورت احساس کنند، در حالی که عده یی بدون کمک، مستقلانه وظیفهٔ خواندن را انجام دهند.

شرایط برای تدریس لغات قبل از خواندن:

هنگام خواندن متن، شاگردان به لغات و کلمات و پاراگراف هایی بر می‌خورند، که اکثراً از مؤلفه های آن (اجزا) برای شان نا آشنا و نا مأنوس اند. همانطور در فهم لغات و کلمات نیز اتفاق می‌افتد.

- زمانی اتفاق می افتد که شاگردان متن را می‌خوانند، که با تجارب قبلی آنها سازگار و واضح بوده؛ اما شما به این باور هستید، که ممکن آنها اصطلاحات را ندانند.
- مفاهیم مغلق شامل متن.

حتی بسیاری از شاگردان قبل از خواندن به تعلیم دهی لغات ضرورت ندارند. اگر شما فکر می‌کنید، که عده یی از مفاهیم بالاتر از سطح دانش شاگردان است، آنها را قبل از خواندن متن به شاگردان ارائه کنید.

شرایط تدریس لغات، در جریان خواندن:

تعلیم دهی لغات در جریان قرائت اطفال معمولاً واقع نمی گردد. اینگونه تعلیم دهی تنها به اطفال ضرورت می‌افتد، که در خواندن متن مشکل دارند. تدریس لغات در اثنای خواندن از جانب معلم به گروپ های کوچک اطفال ضرورت است.

شرایط تدریس لغات، بعد از خواندن:

تعلیم دهی لغات بعد از خواندن دارای سه مقصد است:

۱. کمک کردن به شاگردانی که، در هنگام خواندن به لغات مشکوک برخورده اند.
۲. بحث و گفتگو دربارهٔ لغاتی که هنگام خواندن برای شان دلچسپ و خوش آیند بوده است.
۳. توسعه دادن ذخیرهٔ لغات شاگردان با بحث و گفتگو دربارهٔ آن عده لغات که دلچسپ بوده با همدیگر شباهت و ارتباط دارد.

به یاد داشته باشید، که این معلم است تا تصمیم بگیرد، که چه وقت و چطور لغات را تدریس کند. بعضی اوقات به تعلیم دهی لغات ضرورت احساس نمی شود. در نظر داشت جدول ذیل خلاصه یی از توجیهات و زمان معین را در تدریس لغات نشان می‌دهد.

چه زمانی به تعلیم دهی مستقیم لغات، ضرورت است.

عوامل مورد نظر	قبل از خواندن	در جریان خواندن	بعد از خواندن
ملاحظات و نکات نظر	هر شاگرد، که در فهمیدن مشکل دارند.	شاگردانی که در آنچه خوانده، تقلّای فهمیدن دارند.	شاگردانی که لغات مشکل و دلچسپ را تشخیص داده اند.
ملاحظات در متن مورد نظر	در متن لغاتی اند، که فهمیدن آن ضروری است. معمولاً مفاهیم مشکل در متن وجود دارد. در متن ردیف لغات دو سیلابه است.	در متن لغتی وجود دارد، که ممکن است در فهمیدن شاگردان، مشکل ایجاد کند. متن دارای ردیف دو سیلابه و بعضی سه سیلابه لغاتی است، که ضرورت به تعلیم دهی دارد.	شاگردان ضرورت دارند، که ذخیرهٔ لغات خویش را توسعه بخشند. در متن فرصت های خوب برای توسعهٔ لغات دو و سه سیلابه وجود دارد.

استراتیژی ها برای تدریس لغات

فیصلهٔ نهایی شما باید این باشد، که چطور لغات را مستقیماً تدریس کرد؛ زیرا بهترین شیوهٔ بالخصوص وجود ندارد. این شما هستید که بر اساس تجربهٔ خویش مناسب ترین طریقه را انتخاب کنید. بر اساس استراتیژی های حاضره امکان اینکه به شاگردان کمک شود تا دانش جدید را با دانش قدیم، ارتباط دهند و در فعالیت های یادگیری سهم گیرند، وجود دارد. همچنان به ایشان رهنمایی گردد، تا شیوه ها و سبک های آموزش خودی خویش را در عملیه های آموزش به کار برند، تا از آموزش با مفهوم بهرمند گردند.

هدف نهایی از انکشاف دادن لغات به شاگردان این است، که با ایشان کمک صورت گیرد، تا ایشان طور مستقلانه لغات و کلمات را هنگام خواندن متون مورد نظر درک کنند واز قراین و شباهت ها لغات نامأنوس را بفهمند.

علاوتاً شاگردان موصوف توان آن را پیدا کنند، تا در هنگام خواندن متون مختلفه و مفاهیم لغات را در جملات درک کنند و بفهمند.

در چارت ذیل از هشت نوع استرایتژی نام برده شده، تا در تعلیم

دهی از آنها طور پلان شده و هدفمند به حیث جزء از درس های خواندن و قرائت استفاده گردد.

در آموختن لغات خارج از متون و محتوای واقعی آن، شواهدی وجود ندارد، که اطفال و یا شاگردان را وادار به حفظ تعاریف لغات ساخت، تا باعث فهمیدن لغات وکلمات گردند. این کار را قطعاً نکنید.

نگاهی به استراتیژی آموزش لغات و کلمات

استراتیژی	مقصد و هدف	وقت کاربرد توضیحی یا روایتی (حکایتی)	اظهار نظریات
علایم و قرینه ها در رهنمایی از محتوا	شاگردان را کمک کنید، تا با شیوه های مستقلانه بیاموزند.	در اثنای خواندن تمام متن.	قبل از کاربرد آن باید تدریس گردد.
مفهوم تعریف (موفقیت و نقشهٔ لغت)	به شاگردان کمک کنید، تا در اثر تدریس اجزای کلمات، آموزنده گان مستقل در لغات و کلمات گردند.	قبل و یا بعد از خواندن تمام متن به شکل توضیحی	دانش لغات، عمیقانه انکشاف داده شود.
مفهوم و معنای لغوی موقعیت و نقشهٔ کلمات	تلفیق و توأم ساختن دانش قبلی و آموزشی لغات وکلمات	قبل و یا بعد از خواندن تمام متن	دانش لغات عمیقانه انکشاف داده شود.
سلسله مراتب و نظم خطی.	روابط لغات توسعه داده شود.	بعد از خواندن تمام متن.	به شاگردان رهنما رهنمایی شود، که مقایسه و فرق ها را پیدا کنند.
مرور قبلی متن و محتوا.	از توسعهٔ لغات متن و محتوا، مفهوم لغات را پیداکنید.	قبل از خواندن تمام متن.	متن با محتوا و قرینه های خوب حتمی است.
تعریف مکرر متن و محتوا	متن را به خاطر تعیین و شناسایی لغت و کلمه به کار برید.	قبل از خواندن تمام متن.	اگر متن با قرینه ها، علایم و اشارت واضح تهیه نشود، بهتر است.

جمع آوری لغات توسط شاگردان.	به شاگردان کمک شود، که لغات جمع آوری شدهٔ خویش را بیاموزند	بعد از خواندن تمام متن.	به شاگردان گفته شود، که آنها مسؤول یاد گرفتن لغات جمع آوری شدهٔ خویش اند.
تحلیل ساختاری	شاگردان را کمک کنید، تا مفهوم را مستقلانه استنباط کنند.	در اثنای خواندن تمام متن.	درس های به خصوص قبل از کاربرد را ضرورت دارد.

رهنما و قرینه ها در محتوا (از محتوا مفاهیم لغت را استنباط کنید)

در مدت زمانی که استراتیژی های مورد نظر، فکر تدریس مستقیم لغات را از جانب معلمان به شاگردان فراهم می‌کند، بعضی اوقات لغات جدید نیز می‌تواند وسیلهٔ آموزش متن گردد.

توضیحات خطی معلومات متن به خواننده کمک می‌شود، تا لغات نامأنوس را تشخیص دهد، همچنان لغات شامل یک جمله تهیه متن به خواننده کمک می‌شود، که لغات غیر مأنوس را تشخیص و شناسایی کند.

با وصفی که می‌دانیم در هنگام خواندن متن، که یک طریقهٔ مهم توسعهٔ لغات جدید است، متن به تنهایی به طور همیشه معلومات کافی را به شاگردان به منظور استنباط و فهمیدن کلمات نا آشنا مهیا نمی سازد؛ بلکه قرینه ها و علایم متنی خاص بخشی از معلومات را فراهم می‌سازد.

طوری که می‌دانیم، اکثراً از متون بعضی چیزها، دربارهٔ مفاهیم و معنای کلمات به جا می‌گویند. اما ندرتاً به متون بر می‌خوریم، که مفاهیم و معلومات مکمل را ارائه می‌کند. استفاده از علایم و قراین به کسانی مفید است، که آنها لغات و کلمات مورد نظر ما را یا می‌دانند و یا دربارهٔ آنها فکر و نظر قبل از وقت را دارند.

به هر صورت هدف آموزش باید این باشد، که به شاگردان طوری متن را تدریس کرد، تا حد اکثر و امکان مفاهیم کلمات جدید را بدانند.بعضی اوقات قراین و علایم رهنما در متن ضمنی و نهفته بوده، ضرورت می‌افتد، که خواننده چندین گونه استنباط را ارائه نمایند.

طوری که گفته شد، قراین رهنما در متن به خواننده به طور اکثر قسماً مفکورهٔ مفاهیم کلمات را می‌دهد، نه معنای دقیق آنها را. پس بر معلمان است، که باید بدانند، به کار گیری متن هنگام خواندن ضرورت به تمرین بیشتر دراد، تا نکات مشکل آن درک و فهمیده شود. علاوتاً تدریس به منظور فهماندن متن و محتوا، طوری که در اینجا خلاصه گردیده، به شیوه های تدریس خاص لغات و کلمات نیست.

در مقابل تدریس اینکه چطور متن را خواند، به مفهوم شیوه های عملی عمومی است و هدف از آن کمک به شاگردان است، که چطور لغات نامأنوس را از اقسام متون خواندنی دریابند. بر معلمان لازم است، که در صورت ضرورت تعلیم دهی اضافی را به ارتباط آن تهیه و باقی استراتیژی ها در مراحل بعدی گفته خواهد شد.

استراتیژی های عمومی برای شاگردان، در استنباط مفاهیم از علایم رهنما در متن و معنای لغت:

۱. اولین چیزی که باید یک شاگرد انجام دهد، آن است که جمله و پاراگراف شامل متن را از آغاز تا به انجام بخوانند و دریابند، که چه کلمات و لغات مهم وجود دارد، تا آنها را بفهمند.

۲. اگر شاگردی احساس می‌کند، که فهمیدن کلمات جدید مهم است، او می‌تواند که مفهوم آنها را در متون قبلی جستجو کند.

۳. مؤلف متن و موضوع در شش نوع قرینه یا علایم رهنما می‌خواهد، خواننده را به مفهوم کلمات نامأنوس مواجه سازد. وضوح و صراحت در تدریس شاگردان باعث می‌شود، که آنها مرتباً لغات را دریابند.

شش نوع قرینه و علایم رهنما در متن

علامه و رهنما	توضیح و بیان	جملۀ نمونه ای
تعریف	خواننده گان در یک جمله، موضوع را تعریف می‌کنند و لغات نا مأنوس را می‌دانند.	بعضی از جولاها تار نازک توسط اعضای کوچک خود، به نام تولید کننده (Spinnerets) تاب می‌دهند.
مثال و یا توضیح	خواننده گان با به کار بردن مثال و با توضیحات، کلمۀ نا مأنوس را می‌فهمند.	بقه و بعضی از پرنده ها جولا را می‌خورند.
فرق یا تفکیک	خواننده به این دلیل، لغات نامأنوس را می‌فهمد، که آنها را با لغات و کلمات دیگر در جمله مقایسه می‌کند.	دوام زنده گی و عمر اکثر جولاها، یک سال است؛ اما یک نوع جولای مو دار تا بیست سال و یا بیشتر زنده گی می‌کنند.
منطق و استدلال عقلی	خواننده دربارۀ باقی جملات فکر می‌کند، تا لغات نا مأنوس را دریابند.	علایم مانند لباس و یا زره، که جولا را محافظت می‌کند.
ریشۀ لغات و یا پیوستن	خواننده گان با معلومات قبلی خود، ریشۀ لغات را با پیوسته های او از نظر می‌گذرانند و لغات نا مأنوس را پیدا می‌کنند.	کسانی که از جولا می‌ترسند، یک نوع ترس از جولا نام گذاری شده است.
گرامر	خواننده گان نقش لغت را در جمله و بعضی از شیوۀ بیان تشخیص می‌دهند.	اکثر جولاها پنج بار در سال پوست می‌دهند.

طوری که شما دربارۀ مفکوره ها، جهت استفاده از متن و محتوا به خاطر استنباط کلمه و لغت نا مأنوس می‌خوانید. لطفاً دربارۀ این شش نوع قرینه ها و رهنما در متن فکر کنید.

- جمله را دوباره بخوانید. در جستجوی مفکوره ها و لغت باشید، که به حیث قراین و علایم و رهنما در استنباط مفاهیم با شما کمک می‌شود.
- جمله را با حذف لغت که نمی دانید، بخوانید.
- آیا می‌توانید دریابید که چه کلمه یی را می‌دانید، که در عوض کلمۀ نا مأنوس بگذارید، تا جمله معنی و مفهوم را به خود گیرد.
- لغت نامأنوس را با مفهوم کلی جمله و پاراگراف مرتبط سازید. بعداً با خود فکر کنید، که آیا معنای آن را دریافته اید؟
- دو یا سه جمله قبل از همان جمله یی که لغت نامأنوس در آن شامل است، بخوانید و ببینید که آیا قرینه ها و علایم و رهنما جهت استنباط معنای لغت نا مأنوس در آنجا نهفته است و یا خیر؟ مثلاً (کلمه های مترادف و متضاد) که ممکن است، در آنجا پیدا شود.

- دو یا سه جمله را که بعد از همان جمله یی که لغت نا مأنوس در آن شامل است، بخوانید و در جستجوی قرینه های مفهوم باشید؛ مانند: (مترادف و متضاد)
- در صفحه یی که لغت نا مأنوس در آن وجود دارد، ملاحظه کنید و ببینید، که آیا در این صفحه توضیحات خطی و یا دیاگرام که باعث درک و فهم همان لغت گردد، موجود است؟
- اساس و ریشهٔ همان لغت نا مأنوس را از نظر بگذرانید، تا اگر ممکن شود، معنای آن را دریابید.
- به پیشوند کلمه توجه کنید، تا اگر باعث فهمیدن شما شود.
- از خود بپرسید، که آیا آن کلمهٔ نا مأنوس و نا آشنا را از جایی شنیده اید و یا در کدام متن و موضوعی دیگر خوانده اید، چه به خاطر شما می‌آید؟
- دربارهٔ مفهوم تمام مواد مورد خواندن خویش، فکر کنید. آیا از درک و فهم مجموعهٔ جملات متن مفاهیم لغات نا مأنوس را پیدا خواهید کرد.
- از هم صنفان دربارهٔ مفهوم و معنای کلمات نا مأنوس بپرسید.
- آن لغات را که در لغتنامه و یا غیاث الغات ببینید و دریابید که از چندین معنای همان لغت، کدام یک از معانی در جمله مناسبت دارد.
- در فرجام معنای لغات نامأنوس را از معمول خود و یا دیگران سوال کنید.
- هر گاه متن و محتوای معلومات مورد نیاز را فراهم نکند، لازم است تا معلم استراتیژی دیگری را به منظور لغت نا مأنوس به کار گیرد، مانند حدس و قیاس، استعمال لغتنامه، گفتگو با دوستان و هم مسلکان.

استراتیژی های یادگیری لغات و کلمات

استراتیژی های دیگر عبارت از تدریس واضح و صریح تعلیم دهی لغات و کلمات است. این یک چیز حیاتی و مهم برای معلم است، که تشخیص می‌دهد و تصمیم بگیرد، که چه نوع لغات و کلمات را برای تدریس و آموزش مطالب و مناسب انتخاب کند.

به طور مثال: چند نوع استراتیژی و در فرجام چه وقت (قبل از ... در اثنای... و یا بعد از ...) خواندن متن کلمات نامأنوس را به شاگردان بفهماند. بر معلمان است، که با شیوه های تدریس صریح خویش در تعلیم دهی لغات و کلمات اشکال رهنمودی را مبنی بر مفاهیم مورد نظر به کار برند.

اشکال و توضیحات خطی؛ مانند تدریس قابل درک و فهم که به شاگردان کمک می‌شود، و رابطهٔ لغات را تا حد ممکن با متن مورد نظر تمثیل و روشن سازد.

تحقیقات نشان داده است، که کسب و دانش کلمات با تمثیل گراف ها و اشکال خطی حتی از درک و فهم بدون اشکال دست آورد بیشتر دارد. به عبارت دیگر به کار گیری گرافیک به حیث وسیلهٔ تدریس و آموزش لغات و کلمات نهایت موثر و مفید است.

به منظور تعلیم دهی لغات و کلمات با اشکال گرافیکی لازم است، تا لغات طوری انتخاب شود که با اشکال و اشکال با کلمات در هنگام فعالیت شاگردان ارتباط شکلی و مفهومی را داشته باشد. لازمهٔ به کار گیری گرافیک در تدریس لغات در محتوای متن مورد نظر است، نه به اشکال جداگانهٔ آنها.

لازم است تا معلمان مودل های روشن و قابل فهم را با استفاده از اشکال گرافیکی در تدریس لغات طرح و تدریس نمایند.

به هر صورت زمانی که یک معلم، مسؤولیت های تعلیم دهی خویش را به تدریج خلاصه می‌سازد، آنگه فرصت های فعالیت را به شاگردان می‌سپارد، تا آنها به سبک آموزش خویش پلان تدریسی و آموزش را به انجام رسانند و از جانب معلم طور انفرادی مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرند.

به هر حال هر یک از شاگردان مؤلفه ها و اجزای کارخویش را با دیگران شریک سازد، شما هر کدام از اشکال گرافیکی را که در ملحقات اخیر این کتاب است، درخواهید یافت.

مفهوم تعریف

مقصد و هدف:

به شاگردان دورهٔ ابتداییه و متوسطهٔ (صنوف ۴–۸) کمک شوید، تا ایشان در جریان تدریس، آنگونه اطلاعات را فرا گیرند، که با خواندن متن قراین و علایم رهنما به ارتباط کلمات و لغات نامأنوس تشخیص دهند و ذخیرهٔ لغت خویش را بالا برند.

۱. صنف: صنف چیست؟
۲. به چه شباهت دارد؟
۳. چه مثال هایی را می‌توان درباره گفت؟

درس اول:

۱. درس را با سه و یا بیشتر از کلمات با مفهوم طوری انتخاب کنید، که شاگردان آنها را بدانند، دربارهٔ هر کدام، لیستی از معلومات را تهیه کنند.
صنفی را در لیست شامل سازید که حداقل سه خصوصیت و یا صفات آن را با سه مثال باید اطفال بشناسند و بگویند. مثلاً: دربارهٔ شیر یخ (آیسکریم) سه چیز عبارت از چاکلیت، شیرینی سرد، توت استرابری، یخ زده، شیرین، شفتالو، لشم و نرم.
۲. مباحث را از آماده بودن و درست تصمیم گرفتن در فهمیدن بهتر متون مورد نظر آغاز کنید. به شاگردان گفته شود، که شیوه های عملی آنها که در اثنای چهار درس، خواهند آموخت، ایشان را کمک خواهند کرد تا بدانند، که کدام حدود به طور واقعی معنای کلمات و لغات داخل متن را درک می‌کنند و می‌فهمند.
۳. به شاگردان ساختار، نقشه و تصویر لغت را نمایش دهید. و به آنها بگویید که این نقشه شکل و تصویر از سه چیزی است، که هنگام فهمیدن به ما فرصت دانستن لغت را می‌دهد و در هر بخش متذکره شاگردان را همراهی کنید.
۴. از سه مفهوم (سه خصوصیت یک کلمه) لیست را تهیه کنید و از شاگردان بخواهید که دو مفهوم لغت را به تصویر بکشند.
۵. بعد از اینکه شاگردان دو مفهوم را از یک لغت به تصویر کشیدند، آنگه بگذارید که به مفهوم سومی کار کنند و آن را بنویسند.
۶. بگذارید تا شاگردان کلمه یی را بنویسند و مفهوم آن را با تجربهٔ قبلی خود، مستقلانه و یا با مقایسهٔ نمونه به تصویر کشند.

۷. در فرجام از ایشان بخواهید، که تعریفی را از مفاهیمی که خودشان در جریان درس انکشاف داده اند، بنویسند. تعریف و تشریح شیر یخ این طو ر است. یک ناشتایی سرد و شیرین خوردنی است، که اجزای آن عبارت از چاکلیت، توت شرین (سترابری) و شفتالو می‌باشد.

درس دوم:

۱. درسی را تهیه کنید، که نمونه ها از عبارات، مبنی بر معلومات مفاهیم مورد بحث در آن ذکر شده باشد. حداقل سه خصوصیت با سه مثال. بهترین منبع که از آن اینگونه مفاهیم و مثال ها را انتخاب کنید، کتاب درسی شاگردان است. یک عبارت نمونه یی، که مفهوم گل ها را بیان کند، این طور است.

۲. گل ها: آیا گاهی دربارۀ نباتات، که چطور آنها دوباره نمو می کنند، فکر کرده اید؟

گل ها بخشی از نباتات اند، که نموی آنها توسط تخمه های آن صورت می‌گیرد. شما فکر خواهید کرد، که گل ها برای زیبایی مناظر طبیعی و بوئیدن است؛ اما اهمیت آن بیشتر در این است، که یک گل متشکل از چندین نوع نباتات دیگر نیز هست. شما ممکن است فقط و فقط به گل برگ های آن فکر کرده باشید. اگر از نزدیک ملاحظه کنید، گل ها اجزای دیگر نیز دارند؛ مانند گل برگها، آله های تذکیر و تانیث، ساقه ها، اگر در بعضی گل ها عمیق دیده باشید، گل های لاله و مینای سفید چمنی و ده ها نوع گل دیگر، با تنوع آن مناظر زیبا را تشکیل می‌دهند.

۳. عبارات و بیانیه ها را با نقشه و تصویر کلمات یک جا بنویسید. از شاگردان بخواهید، که هر کدام از این عبارات را بخوانند، نقشه و موقعیت آن را بکشند.

۴. بعد از اینکه آنها نقشه و موقعیت کلمه یا لغت را تعیین کردند، از آنها بخواهید که مفهوم آن را به شکل شفاهی ارائه کنند.

۵. زمانی که دیده شد شاگردان مفهوم نقشۀ لغت را فهمیده اند، آنگونه به ایشان گفته شود که ضرور نیست، خصوصیت، چگونه گی و مثال ها را به سه حالت محدود بسازند.

درس سوم:

۱. در این درس، چندین عبارت را طوری بنویسید که ناتکمیل بودن تعاریف آنها، کمتر از آنچه در درس دوم گفته شده باشند.

۲. به شاگردان هدایت داده شود، که عبارات را بخوانند و نقشه ها یا موقعیت لغت را؛ مانند درس دوم تکمیل کنند، اگر آنها عبارات ناتکمیل را پیدا نتوانند، با ایشان کمک شوید، تا به این گونه سوالات جواب گویند. آیا عبارت متذکره به شما چیزی می‌گوید، که شما .... مانند این است؟ و یا عبارت مثال از ... به شما می‌دهد؟

۳. بگذارید تا شاگردان از منابع دیگر و دانش قبلی خویش در تکمیل نقشۀ لغت استفاده کنند.

۴. درس را با رهنمایی شاگردان و نتیجه گیری اینکه به طور معمول و همیشه متن طوری نیست، که تعریف کامل را از یک مفهوم ارائه کند. پس تجارب قبلی و قراین ضمنی را نباید در هنگام خواندن از نظر دور داشت.

درس چهارم:

۱. در این درس چندین عبارت را با معلومات نا مکمل که نشان دهندۀ متن و مفاهیم باشد، بنویسید. برای هر مفهوم تعاریف نا مکمل را با گذاشتن بیشتر حصص تعریف، که در جریان نقشه سازی لغت توسعه یابد، بنویسید.

ممکن است تعریف نا مکمل این طور خوانده شود: هنرمند موسیقی کسی است، که آله موسیقی را بنوازد. موسیقی دان بسیار استعداد داشت.

۲. به شاگردان گفته شود، که هدف از درس چهارم به آنها این است، تا ایشان از آنچه تا به حال دربارهٔ نقشه سازی لغت فهمیده اند تصمیم بگیرند، که آیا کدام تعریف مکمل و کدام یکی نامکمل اند؟

۳. بگذارید تا شاگردان عبارات را بخوانند و تعریف را ارزیابی کنند و آن را تکمیل نمایند. از آنها خواسته شود، تا عبارات حذف شده، از تعاریف را بنویسند.

۴. درس را با نتایج بحث و گفتگو با شاگردان طوری خلاصه سازید، که چطور آنها فهمیدند که تعاریف نا مکمل هستند. همچنان از آنها خواسته شود، که چطور باید آنها اینگونه طرز و شیوهٔ تفکر را در هر زمانی که متون مورد نیاز را می‌خوانند، و به لغت و کلمه هایی بر می‌خورند، که آنها را نمی دانند، به کار برند.

ضرور خواهد بود، تا اینگونه درس ها را چند بار به هدف فهم بیشتر به شاگردان تکرار کرد، تا آنها بعد از آن دستور العمل فوق را طور مستقلانه به کار برند.

چه وقت بهتر است، این استراتیژی را به کار بُرد؟

- در متون توضیحی
- به کار گیری چهار درس در جریان موضوعات و واحدات مواد آموزشی به منظور کمک به درک و فهم شاگردان در تطبیق واحدات بعدی.
- بیشتر با مفهوم خواهد بود، که اگر بعد از مواد انتخاب شدهٔ خواندنی جایگزین گردد.
- همچنان این استراتیژی می‌تواند، در انکشاف و توسعه دادن مفهوم کلمه و لغت قبل و یا بعد از خواندن متن انتخاب شده و یا در آغاز و یا موضوع خاص به کار رود.

نقشه سازی لغوی و شناختی

۱. در روی تخته یا توسط اورهید پروجکتور مفهوم عمده را طرح و به دور آن دایره یی کشیده، در مورد به بحث گیرید.

۲. از شاگردان بخواهید تا دربارهٔ لغات و کلمات فکر کنند، که یک عنوان را توضیح دهند. آن لغات را در بین مربعات کوچک بنویسید و توسط ویکتور (⟵) به جانب مفهوم عمده یی داخل دایره بکشید. در بالای ویکتورها لغات و جمله های بدون خبر را؛ مانند «داشتن» یا «مورد استفاده» بنویسید تا رابطه بین مفهوم عمده و لغات داخل مربعات را تمثیل کنید.

۳. از شاگردان خواسته شود، که بعضی عناوین را مثال دهند و آنها را در بین دایره ها با علامه ویکتور جهت نمایش مثال ها بنویسند.

جایگزین و یا طریقهٔ دیگر

۱. مفهوم قابل بحث را به روی تخته نوشته یا توسط او ورهید پروجکتور برای شاگردان نمایش دهید، در حالی که به دور آن خط بیضوی گرفته باشد.

۲. از شاگردان بخواهید که به ارتباط آن مفهوم نظر خویش را آزادانه بیان کنند، اگر ضرورت احساس شود، پرسش و پاسخ بیشتر صورت گیرد.

۳. به شاگردان رهنمایی و هدایت داده شود، که مفاهیم و نظریات را گروپ بندی کنند، تا نقشهٔ لغوی مفهوم را پیدا کرده بتوانند. اشکال مختلف را به کار برید، تا کتگوری های (طبقه) از معلومات را؛ مانند: مربع، مستطیل ها، دایره ها، و مربعات طوری به کار برده شود، تا در تنوع معلومات دیگر کمک شود.

چه زمانی به کار رود:

مؤثر ترین آن با متون توضیحی؛ اما می‌توان آن را با عبارات حکایتی نیز به کار بُرد.

احتیاط و هشدار:

این کار یک دستور العمل زمان گیر است، بنا بر آن زمانی که قبل از خواندن متن آن را به کار می‌برید، آنگاه مطمئن باشید، که کلمات با مفهوم کلیدی در متن انتخاب شدهٔ شما وجود دارد.

اما بهتر آن خواهد بود، که بعد از خواندن به منظور توسعهٔ آموزش لغات و کلمات و کشانیدن مفاهیم که شاگردان قبلاً آنها را فرا گرفته اند، به کار رود.

تحلیل از سیما و مشخصه ها در شناخت مفاهیم لغوی:

توضیحات: شاگردان در هنگام آموزش لغات و توسعه دادن و انکشاف آن زمانی مفاهیم مهم را یاد می‌گیرند، که دریابند چطور گروپ از کلمات و لغات با هم فرق دارند و یا با همدیگر مشابه اند.

SFA یکی از جمله استراتیژی های متمرکز، بر کمک شاگردان است، تا آنها روابط را در بین مفاهیم کلمات پیدا کنند و بیاموزند. این مهارت قرار ذیل صورت می‌گیرد.

۱. طبقه یا صنفی از لغات را مانند، فامیل، سبزیجات انتخاب کنید.
۲. شماره هایی که به این طبقه مربوط است، در سمت چپ ترتیب شود.
۳. لیست سیما و مشخصه های بعضی از شماره ها را که مشابهت دارند، در بالای سیستم عددی بنویسند.
۴. بگذارید که شاگردان مثبت ها و منفی ها را با علایم سؤالیه در مربعات ترتیب کنند، تا نمایان گر آن باشد، که آیا شماره ها در طبقه بندی مشخصه های مورد نظر را دارد.
۵. هر یک از شماره ها را به بحث گیرید، اطمینان خویش را بر اینکه شاگردان بعضی از شماره ها را که توسط مشخصات معین گردیده و بعضی دیگر معین نیست، بفهمند.
۶. کلمات اضافه را علاوه کنید، و به سیستم کلمات سیما و مشخصه ها بدهید.
۷. ترتیب عددی خود را تکمیل و هر یک از کلمات را به بحث و گفتگو گیرید.
۸. این گونه عملیه را چندین بار تکرار کنید. طبقه های مختلف را به کار برید و از مشخص به مجرد عملیه را انجام دهید. شاگردان را رهنمایی کنید و از آنها بخواهید، که طور سیستماتیک و ممتد در جستجوی مؤلفه های مرتبط به سیستم تنظیم کلمات باشند. شاگردان می‌توانند، آن ورق را که کلمات در آن ترتیب شده با خود داشته باشند و به حیث کتابچه یادداشت نگهدارند و همچو کلمات را تا پایان سال تعلیمی به تدریج در آن علاوه کنند.
۹. بعد از تکمیل سیما و مشخصه های لغوی و شناخت آنها، لازم است تا شاگردان نمونه های جمع و منفی را آزمایش کنند، که تا کدام حدود شباهت ها و فرق ها در میان آنها وجود دارند. علایم سؤالیه باید به حیث اساس در تحقیقات بعدی، جهت فهم و روشن ساختن لغات به کار رود.

چه وقت به کار برده می‌شود:

- قبل یا بعد از خواندن و توسعه دادن کلمات، به هر صورت اکثراً بعد از خواندن کلمات و لغات به کار برده می‌شود.
- زمانی بیشتر مفید است، که با متون خواندنی توضیحی به کار رود و ممکن است با متون حکایتی نیز مورد استعمال و کاربرد است.
- فوق العاده این خواهد بود، که شاگردان مهارت تشخیص آنها را در متون مختلفه بدانند و بفهمند.

اشاره و یادداشت:

دایگرام بلنک وین «Blank Venn Diagram» از نوع تنظیم شوندهٔ SFA بوده، که خصوصیات دو و یا بیشتر چیزها را مقایسه می‌کنند.

سلسله مراتب و تنظیم خطی

توضیح: بعضی اوقات کلمات و لغات به سلسله مراتب مرتبط به همدیگر اند.
مثلاً نام علمی و سانتیفیک یک موجود و یا زنده جان ها؛ مانند: طبقه و صنف ... . سلسله مراتب یا توضیح خطی به شاگردان کمک می‌کند، که این روابط را بفهمند.
ساختار دقیق تنظیم و پیمایش خطی مربوط به مفاهیم می‌شود، که باید تحلیل و تجزیه گردد.

دستور العمل:

۱. یک مفهوم و یا گروپی از لغات را از متن با نوشته های شاگردان انتخاب کنید.
۲. آن را به شاگردان نمایش و نشان دهید، تا آنها آنان را آن طور تنظیم کنند.
۳. در طرح ساختار و تنظیم خطی به شاگردان کمک کنید، دربارهٔ روابط بین لغات که دسته یا نظم انکشاف به آنها داده اید، به بحث و گفتگو گیرید. بعد از آنکه شاگردان تجارب قابل اطمینان را در دسته بندی لغات پیدا کرد، ایشان می‌توانند در جریان خواندن، لغات را دسته بندی کنند.

چه زمانی به کار بُرد:

دسته بندی لغات به سیستم خطی بهتر است، بعد از خواندن متن در توسعهٔ لغات به کار رود.

پیش نمایش در متن:

توضیحات: معلم شاگردان را رهنمایی می‌کند، تا در هنگام خواندن متن از دانش قبلی خویش در مفاهیم لغات انتخاب شده، استفاده کنند.

دستور العمل:

۱. آماده سازی: باید لغاتی را که تدریس کرد، انتخاب گردد. این لغات باید مفاهیم کلیدی را با خود داشته باشد. نباید بیش از دو یا سه لغت باشد. عبارات را که دارای قرینه ها و علایم رهنمای صریح داشته باشد، انتخاب کنید.
مثال ذیل از یک کتاب درسی آمریکا دربارهٔ مومیایی سازی است، گرفته شده، بدون حفاظت درست بدن و جسم مردهٔ حیوانات که به سرعت پوسیده می‌شود، این کار در نباتات هم صدق می‌کند. یک جسد مردهٔ پرنده یا پیشک و قسمتی از پوسیده گی میوه جات، نشان دهندهٔ مراحل پوسیده گی است. پوسیده گی مواد توسط باکتریا صورت می‌گیرد.

۲. متن و محتوا بسازید. لغت و متن را به شاگردان تقدیم کنید. عبارات را با صدای بلند بخوانید و شاگردان را وادارید که به شما گوش فرا دهند. بعد از آنها بخواهید که خاموشانه آن عبارات خود را بخوانند.

۳. معنای لغت را مشخص سازید. از شاگردان بخواهید که لغات خوانده شدهٔ خود را تعریف کنند. با سوال از ایشان، شما به آنها جرأت می‌دهید، که از دانش قبلی خویش و علایم و قراین رهنما از متن به مفهوم لغت و کلمه ها نایل آیند. به طور مثال:

۴. توسعه مفهوم لغت، بعد از آنکه شاگردان مفهوم اساسی را از لغت دانستند، بکوشید که توسط بحث و مناظره در شناخت کلمات مترادف و متضاد در دیگر متون و مثالهایی که ممکن لغات به کار رود، فهم و دانستن آنها را عمیق تر بسازید.

هدف از اینگونه فعالیت توسعه دانش لغت در شاگردان است. لازم است در صورت دسترسی، در فرهنگ طبقه بندی لغات از آن استفاده کرد. بحث و مذاکره به طور ذیل دوام خواهد کرد:

معلم: دربارهٔ پوسیده گی چیزهای دیگر، چگونه می‌اندیشید؟

شاگرد: دندانها. بعضی اوقات در داخل دندان سوراخ پیدا می‌شود.

معلم: چطور جلوی پوسیده گی را می‌توان گرفت؟

شاگرد: جهت جلوگیری از پوسیده گی چیزی در آنها بگذارید.

معلم: مانند چه چیزی؟

شاگرد: مادهٔ کیمیاوی به نام فلوراید، اگر در هنگام برس کردن دندان ها به کار رود، آنها را از پوسیده گی نجات می‌دهد.

معلم: دربارهٔ مردهٔ چیزهای دیگر چه می‌دانید؟ چطور جلوی پوسیده گی آن را گرفت؟

شاگرد: شما باید آنها را مومیایی سازی کنید. (مانند بدن انسان)

معلم: طوری که مایع مومیایی چیزهایی را از پوسیده گی می‌رهاند، آیا شما می‌توانید از لغات و کلماتی که به مفهوم پوسیدگی است، نام بَرید؟

شاگرد اول: گندیدگی یا فاسد شدن.

شاگرد دوم: خراب و ضایع.

بعد از تدریس لغات، شاگردان را وا دارید، که نمونه های کلمات متذکره را در یادداشت خویش درج کنند.

چه زمانی به کار بُرد:

- قبل از خواندن متن. اما فقط زمانی که محتوا و قراین قوی برای لغت وجود داشته باشد.
- برای تمام شاگردان در تمام درجه و سطح صنفی مناسب است، اما برای شاگردان که دانش قبلی آنها محدود باشد، کمتر مفید خواهد بود.

تعریف دوبارهٔ متن:

توضیحات: از آنجایی که غالباً متن علایم را که شاگردان به آن مفهوم لغت یا کلمه ای را بدانند، فراهم نمی کنند. آنکه بهتر است از تعریف دوبارهٔ متن به خاطر وضاحت و فهم بهتر شاگردان با قرینه های لازم به شاگردان قبل از خواندن متن موضوع درس توسعهٔ لغات اطلاع داده و مفهوم آن فهمانده باشد.

دستور العمل:

۱. لغات نامأنوس را انتخاب کنید، دو یا سه لغت را برای درس قبلی انتخاب کنید. در زبان انگلیسی دو کلمه و یا نام غیر نا مأنوس Hippophagy and Caracace بهترین از این مثال ها اند.

۲. یک جمله را بنویسید، یک و یا بیشتر جمله را بنویسید، که علایم و قرینه های بیشتر را در تدریس مفهوم و معنای لغت نشان دهند. بکوشید انواع علایم و قراین را در متن مانند: تعریف، مترادف در مقایسه و فرق ها را در نظر گیرید. اگر متن قرینه های بیشتر در مورد لغت دارد، آنها را به کار برید، در اینجا دو نمونه از آن نوع جمله را می‌توان ذکر کرد.

خشک سالی چنان دراز مدت و شدید بود، که حیوانات از بین رفتند، تنها اسپ ها از این خشک سالی جان سالم بدر بردند. ساکنان چنان قحطی زده بودند، که از شدت گرسنه گی مجبور شدند تا Hippophagy را ترویج نمایند، تا جلوی گرسنه گی را بگیرند. بدون Caracace آن یک سنگ پشت هیچ حمایت ندارد و از جانب دشمنان خود و یا عناصر محیطی آسیب پذیر هستند.

۳. لغات را مجزا ارائه کنید. به روی تخته و یا با اورهید پروجکتور نمایش دهید و از شاگردان خواسته شود، که آنها را تلفظ کنند و یا تلفظ کردن آنها را به همدیگر خود تکرار نمایند. بعداً شاگردان را وادارید، که برای هر یک از لغات تعریف بسازند. قیاس های بی مفهوم در این تعاریف واقع خواهد شد. این کار بخشی از مراحل آموزش و یادگیری است. از شاگردان خواسته شود که دربارهٔ فهمیدن مفهوم و معانی لغت به توافق برسند.

۴. لغت را در متن یاد آوری کنید. متن موردتدریس را به کار برید و هر کلمه را توسط شاگردان با صدای بلند جهر بخوانید و یا ایشان با همدیگر تکرار کنند. زمانی که شاگردان دربارهٔ هر لغت بحث می‌کنند، بگذارید که دربارهٔ فهمیدن معنای آن به توافق رسند.به شاگردان کمک کنید، تا بیشتر به ارزش متن و محتوا آشنا و هماهنگ شوند. از آنها خواسته شود، که فرق ها در بین کوشیدن دربارهٔ تعریف لغات در متن و در شکل جدا بودن لغات را پیدا کنند.

۵. به خاطر صحت و رسیده گی در مفاهیم اصلی از غیاث اللغات استفاده کنید. دربارهٔ تعریف لغت که در آن تذکر رفته و تعریفی که خود شاگردان طرح کرده است، مقایسه و توجه شاگردان را درباره جلب نمایید.

چه زمانی به کار برد:

در تدریس تمام لغات قبل از خواندن

تصحیح خودی یادگیری لغات

توضیح: بعد از خواندن و قرائت، شاگردان لغاتی را انتخاب کنند، که آنها فکر می‌کنند، تمام اعضای صنف باید بخوانند و تکرار کنند، تا بفهمند. این کار باعث می‌شود که همهٔ شاگردان مسؤولیت آموختن لغات را به دوش گیرند.

دستور العمل:

۱. لغات را برای مطالعه و خواندن انتخاب کنید. بعد از آنکه شاگردان قصه و یا متن را بخوانند؛ مانند ایشان بازنگری کنید و یک لغت را انتخاب کنید.

ایشان می‌توانند، به طور انفرادی و یا با همتای خویش و یا تیمی از شاگردان، شما نیز یک لغت را برای مطالعه انتخاب کنید. شما به حیث آموزگار یکی از همتای فعال و مؤثر در عملیه یادگیری نقش دارید. از شاگردان بخواهید که لغات و کلمات را انتخاب کنند، که به نظرشان مهم و یا دلچسپ اند.

۲. لغات را با هم الفت دهید و تعریف کنید. از هر شاگرد و یا گروپ شاگردان سوال کنید، که لغات انتخاب کردهٔ خویش را با تعریف از متن ارائه کنند. هر یک از آنها را لیست کنید و با تعریف آن روی تخته یا اورهید پروجکتور نمایش دهید. لغاتی را که خود شما بیرون نویس کرده اید نیز علاوه کنید. به خاطر صحت تعریف از لغتنامه نیز استفاده کنید و همکاری همهٔ شاگردان را درباره تنظیم کنید. با توافق و نظر شاگردان در مفهوم، معنا و تعاریف لغات به توافق رسیده، موضوع را نهایی کنید.
۳. لیست را نهایی و با شاگردان تبادل نظر کنید، تکرار کلمات و کلمات نا مربوط را از عنوان و یا قصه و لغات آسان را که شاگردان نمی خواهند، حذف کنید. در شماره های قابل قبول (۳-۵) لیست توافق کنید. لغات قبول شده را با تعریف آن در کتابچهٔ یادداشت و یا ژورنال بنویسید. بعضی ها ممکن است، لغات حذف شده را در کتابچه یادداشت خویش بنویسند. بعداً از آنها خواسته شود، که از لغات نوشته شدهٔ خویش جملات را بسازند، که در زنده گی خودشان از آن لغات استفاده شده و یا فهمیدن و دانستن از آنها را نشان دهد.
۴. لغت را به کار برید و توسعه دهید. شاگردان را وادارید، که همان لغات را در هنگام نوشتن به کار برند و در متون و کتب دیگری که می‌خوانند، آنها را باز شناسی کنند. فعالیت یادگیری را طوری پلان کنید، که در آن برای تقویت لغات؛ مانند نقشه یی که سیما و مشخصه های لغوی تحلیل، تجزیه و تنظیم شود.

چه زمانی به کار برد:

با متون حکایتی یا داستانی و توضیحی با همهٔ شاگردان و هر گونه سطح و درجه. زمانی که شاگردان مهارت کافی در استفاده از لغتنامه نداشته باشند، آن وقت معلم باید تعریف را تهیه و ارائه کند.

تحلیل ساختاری:

توضیحات: تحلیل ساختاری عبارت از مطالعهٔ قسمت مفهوم لغت است؛ مانند: اساس و ریشه، پیشوند و پساوند، اختلاط و اختصار و انجام دستوری و صرفی یک لغت است. (قسمت های لغت، که در انجام چیزی علاوه شود، ریشه و یا اساس لغات که حالت را تغییر می‌دهد. جنسیت، زمان و یا شکل که همه مربوط به مفهوم واحد واژه ها می‌گردد. حالت اضافت پسر، مهماندار طیاره، جنسیت، درخت ها، اعداد، قدم زدن، حالت، مسخره ها به شکل بعضی اوقات انجام دستوری کلمه را پسوند می‌گویند).

فصل پنجم

تشخیص معلومات مهم و خلاصه سازی

خلاصهٔ سایز از ماهیت یک متن و یا تجربهٔ کاری، در چند کلمه ممکنه، در اشکال موجز و مختصر است.
خلاصه کردن از موضوعی و نوت گرفتن ایجاب داشتن استعداد در ترکیب کلمات را مینماید، بناءً لازم است تا شاگردان در هنگام تحلیل و تجزیه و تنظیم اطلاعات از توانمندی های مناسب و مطلوب برخوردار گردند. شاگردان می‌توانند خلاصه سازی را به طریقه های مختلف انجام دهند. با حذف و علاوه کردن لغات و کلمات غیر ضروری و مهم و تعویض و انتخاب از متن و معلومات مورد نظر را خلاصه نمایند.

با تمرین و ممارست درست از این شیوه ها توانمندی های شاگردان را در درک و فهم متون خاص در سطوح بالا قرار می‌دهد. زمانی شاگردان قادر به توسعه دادن مهارت های خلاصه خواهد شد، که طور مداوم نکات ذیل را در نظر داشته باشند.

- مثال های نا مربوط و غیر ضروری را حذف کنید.
- در مرکز و مفهوم اساسی متن توجه شود.
- در جستجوی کلمات کلیدی و جمله هایی باشید که شما را توفیق به گرفتن مفاهیم عمده دهند.
- نظریات و مفکوره ها و شرح و بیان عمده را به دست آورید و آنها را خلاصه سازید.
- بدون هدایات صریح طوری که در فصل قبلی از آن نام برده شد، اکثراً از شاگردان ممکن است این طور عمل کنند.
- همه چیز را بنویسند.
- بسا چیز های بی معنا را نیز یاد داشت کنید.
- بسیار زیاد و مشرح بنویسند.
- کافی ننویسند.
- تمام لغات را کاپی کنند.

عملیه و روند خلاصه سازی یک پدیده یی است، که درک و فهم و مطالعهٔ عمیق و درست خواندن را ایجاب می‌کند، بر اساس تحقیقات روان شناسان حداقل دو عنصر مرتبط به خلاصه سازی را باید در نظر گرفت.

۱. تکمیل بخش های نا مکمل.
۲. تفسیر و ارتباط دادن معلومات به شکل ترکیبی آن.

در بخش اول معلومات که عبارت از پر کردن خلاها و نبود مفاهیم مورد جستجو است،
جنبهٔ دوم نهفته در خلاصه سازی ممکن است این باشد، که بعد از وقفهٔ زمانی از شما سؤال شود که آنچه را درعبارات خوانده اید، دوباره بگویید. آنگه ممکن است شما کلمه به کلمه عبارات را نگویید، که چه واقع شد؛ بلکه خلاصهٔ کلام را؛ مانند ترکیب مفاهیم عبارات مانند و مثال آن با خواندن و یا شنیدن افاده های ترکیبی و یا تلفیق کلمات از اجزاء یک ساختار بزرگ به وجود می‌آید. چیز معمول این است که انسان هنگام خواندن و حتی دیدن از معلومات مفاهیم و ساختمان کلی را از آن می‌سازد.

تدریس خلاصه سازی

سه طریقهٔ اساسی در تدریس خلاصه سازی به شاگردان وجود دارد.

۱. شیوه های عملی قاعده یی.
۲. چوکات بندی.
۳. تدریس دو جانبه یا تعامل دو طرفه.

ستراتیژی بر اساس قواعد وضع شده

توضیحات:

با شیوه ها و طرق عملی که بر اساس قواعد و مراحلی است، می‌توان شاگردان را رهنمایی کرد تا آنها خلاصه سازی منظم را انجام دهند.

قبل از اینکه شاگردان طور مستقلانه در خلاصه سازی آغاز به کار نمایند، بهتر است آنها را از مودل های خلاصه سازی و مراحل آن آگاه ساخت.

دستور العمل:

۱. متن مربوط به عبارات خلاصه کردن را انتخاب کنید. بگذارید تا شاگردان بخوانند و یا وظیفهٔ خواندن را به دوش گیرند.
۲. از شاگردان خواسته شود که عبارات را بخوانند و کلمات غیر ضروری را حذف نمایند.
۳. از شاگردان بخواهید که مواد اضافی را از متن بیرون کشند.
۴. شاگردان را خاطر نشان سازید تا عنوان را تعویض کنند، به جای گل ها یکی از گل های؛ مانند گل سفید چمنی، گل لاله و یا گل گلاب را انتخاب کنند.
۵. از شاگردان خواسته شود که جمله عنوان یا جمله پر معلومات متن را بسازند.

عبارت یا گفتار کوتاه ... مطالعهٔ حرکت آفتاب:

اکثر دانشمندان معتقدند که نظام شمسی ماه ۴-۶ بلیون سال قبل از امروز توسط به هم خوردن کشش و جاذبهٔ سحاب یا کهکشان؛ مانند غاز در بین ستاره گان به شکل گرد و غبار و یخ که از ستاره ها جدا شده بود، تشکیل گردیده است.

با مرور زمان ذرات غاز و غبار ابر آلود به واسطهٔ قوهٔ جاذبه یکجا شدند و آفتاب را به وجود آوردند. و غبارها و ذرات دیگر با نیروی جاذبه به هم چسپیدند، بالاخره سیارات، اقمار، اجسام سماوی و ستاره های کوچک دنباله دار را طوری که امروز می‌بینیم، به وجود آوردند.

از اینکه چطور این انتقال و انشقاب در کهکشان رخ داد و سیارات به وجود آمدند، باعث حیرت و سرگیجی ساینس دان ها گردیده است. چرا بعضی از سیارات؛ مانند زهره ضخیم و با اتموسفیر زهر آلود ساخته شده، در حالی که دیگر سیارات مانند زمین، مساعد برای زندگی موجودات باقی مانده است؟

بخش کوچک از این جوابات با مطالعهٔ عناصر و ترکیب ایزوپیت ها که از بدنهٔ نظام کیهانی جدا شده، نشان می‌دهد که اقمار یا مهتاب، سیارات، حتا ستاره های کوچک طور مشخص از همدیگر فرق دارند.

گر چه این گونه معلومات به ایشان کمک شده تا بدانند که چرا همچو حادثه یی رخ داده است؛ اما یک چیز مانع فهمیدن آنها شده است و آن سوال عمده این است، که سحاب و یا کهکشان اولیه از چه چیز ها ساخته شده بود؟

یکی از جمله چیزهایی که به ما کمک می‌شود، تا جواب سوال عمده را پیدا کنیم، عبارت از ساختمان آفتاب است. آفتاب ۹۹٪ آن گونه مواد را در خود دارد که در نظام شمسی وجود دارد؛ اگر چه داخل آفتاب توسط تعامل هسته وی تغییر کرده است. قشر بالای آن از مواد مشابه سحاب اولی تشکیل شده است. با جمع آوری مواد و معلومات در حرکت کیهانی، موادی که از آفتاب پرتاب شده است، باعث خواهد شد که ساینس دانان جواب های بیشتر را در این موضوع اعجاب انگیر و ابهامات به دست آورند. (اقتباس از http://www.genesismission.org)

مودل سازی معلم: (من می‌توانم)

زمانی که استرایتژی یا شیوه های عملی قواعد را در خلاصه سازی متن به کار بریم. من با صدای بلند به خواننده می‌گویم، بیائید با هم فکر کنیم که آیا این شیوه نزد شما با مفهوم خواهد بود؟

مطابق قواعد خلاصه سازی مواد پیش پا افتاده و یا کم اهمیت و اضافی و غیر ضروری را از متن مورد نظرتان حذف کنید. همچنان اصطلاحات بسیار عمومی در سطح بالا را به مفاهیم خاص و مشخص تبدیل کنید. پاراگراف اول همیشه و اکثر اوقات سوابق موضوع را بیان می‌کند، نباید تبدیل شود.

همچنان لیستی از کلمات؛ مانند ابر غبار آلود و گاز بین ستاره گان در متن به کار رفته که من آن را به «مواد بین ستاره گان، سیاره ها، اقمار، اجرام سماوی، گرد و غبار یخ، تعویض و یا تبدیل می کنم. من به جای «اجرام دایمی» هستهٔ نظام شمسی و مواد ابری از ستاره گان قبلی انشعاب یافته است، که به عین مفهوم است. پس من یکی از آنها را حذف می‌کنم. حال به افاده یی می‌رسیم که گفته شده «به هم چسپیده و می‌پیوندد» دیده می‌شود که قسماً تکرار است. من آن را حذف می‌کنم.

حال پاراگراف اوّل خلاصه شدهٔ من این است:

اکثر ساینس دان ها عقیده دارند، که نظام شمسی ما ۴۰۶ بلیون سال بر اساس کشش جاذبهٔ هسته این نظام انشعاب یافته است. با گذشت زمان پارچه های این فرو پاشی توسط همدیگر جذب و بالاخره اجرام دایمی را که امروز به چشم می‌بینیم، به وجود آورده اند.

حال بر اساس قاعده به پاراگراف دوم می‌روم. بیایید عمیق شویم که به جای حیرت و سرگیج شدن کلمه شگفت زده را می‌آوریم، که تقریباً معادل به مفهوم هر دو کلمه است.

همان طور مثال زهره و زمین دلچسپ است، اما ضرور نیست که در پاراگراف باشد، آن دو کلمه را نیز حذف می‌کنیم. باقی پاراگراف ها دربارهٔ دانش قبلی ساینس دانان و اینکه حال به چه نوع معلومات ضرورت دارند، بیان و توضیح می‌دهد لازم به حذف نیست؛ اما به خاطر خلاصه کردن می‌خواهم آن را به عبارت ساده تر بگویم.

من آن حصهٔ متن را که گفته شده «قسمتی از جواب ها به دسترس است و با جمله یی که سحاب اولی و یا کیهانی از چه ساخته شده را حذف و فقط می‌گویم، که: ساینس دانان بعضی جوابات را در این باره دارند؛ اما می‌خواهند به طور دقیق و واقعی بدانند که اولین نظام شمسی قبل از پارچه شدن از چه ساخته شده بود؟ و این چطور است؟

چگونه این انتقال از سحاب کیهانی به سیارات مبدل گردیده است، ساینس دانان را شگفت زده کرده است. ایشان قسمتی از جوابات را دارند؛ اما ضرورت است تا بدانند که سحاب اصلی که این همه پارچه ها از او جدا شده، از چه نوع مواد ساخته شده بود.

پاراگراف سوم مملو از اطلاعات دل انگیز است. چطور می‌توان بر اساس قواعد آن را خلاصه کرد؟
آیا چیز اضافی و غیر ضروری در فکر من وجود دارد؟

در جملهٔ اول گفته شده که «آفتاب کمک خواهد شد، که جوابات بر موضوع ساختمان سحاب اولی را دریافت» این جمله مهم است نباید حذف شود.

در جملهٔ دوم گفته شده، که چرا آفتاب جوابات ممکنه را داشته باشد. فقط در بخشی از جمله گفته شده ... قشر بیرونی زمین مرکب است، از ... مواد نظام اصلی ... که به نظر من ضروری است و باقیمانده حذف شود. در آخرین جمله «حرکت کیهانی» و مواد پرتاب شده از آفتاب عین چیز است. فقط یکی را باید نگهداشت و دیگری را حذف کرد. حال من این جمله را که «آفتاب به ما کمک می‌شود، تا جواب را دریابیم» به دست آوردم.

این قشر خارجی آفتاب است که تقریباً مواد آن از عین مواد سحاب اصلی ترکیب یافته است. با جمع آوری و تحقیق مواد پرتاب شده از آفتاب ممکن است، ساینس دان ها بیشترین جوابات را از این معمای شگفت آمیز به دست آرند.

در فرجام من تمام مواد خلاصه شده را یکجا می‌کنم. «حال دربارهٔ خلاصه سازی من چه نظر دارید؟»

چوکات و محدودهٔ خلاصه سازی

خلاصه سازی عبارت از یک سلسله سوالات اند، که معلم به شاگردان می‌دهد.
به علت آنکه سوالات طوری طرح شده است، تا عناصر و مؤلفه های نوعی معلومات با این سوالات نقد و بررسی گردد.
این سوالات شاگردان را یاری می‌رساند تا ایشان به طور واقعی و درست، خلاصهٔ معلومات را بنویسند.
چوکات مختلف خلاصه سازی در تنوع اطلاعات و معلومات نهایت سودمند است.
به خاطر آن که هر یک از چوکات ها در بر گیرندهٔ نمونهٔ معلومات متون مختلف اند. حال می‌توان شش نمونه از چوکات را در خلاصه سازی مشاهده کرد.

نمونه های قصه و داستانی:

طوری که در فصل چهارم گفته شد. تمام قصه و داستان دارای مؤلفه ها و اجزای خاص خود اند، مانند (اقامه و تنظیم مفاهیم و کرکترها) مانند اجزای ترکیب کنندهٔ یک غذا در قصه و یا داستان است. که بدون آنها نه غذایی و نه داستانی وجود خواهد داشت.

حکایت یا داستان دارای هفت جزء و یا مؤلفه می‌باشد. بعضی اوقات از شماره سوم الی هفت به خاطر ایجاد حادثهٔ جدید تکرار می‌شود.

اقامه و تنظیم و یا بستر سازی:

تنظیم و بستر سازی مربوط به زمان و مکان و زمینه ها و قراین است که قصه ها آن را به خود می‌گیرند.
کرکترها: گردانندهٔ مهم حادثه را کرکتر همان حادثه گویند. در هر قصه یا داستان کرکتری وجود دارد.

ایجاد و آغاز حادثه و یا پرابلم: حادثه یی که در قصه نقش اصلی را به خود می‌گیرد.
عکس العمل یا برخورد داخلی: برخورد عاطفی و هیجانی کرکترها با حوادث ایجاد شده.
هدف: کرکترهای عمده چه نوع تصمیم را در مقابل وقوع حادثه از خود نشان می‌دهند و چه نوع هدفی را دربارهٔ حل آن حادثه اقامه می‌کنند.
نتیجه یا پیامد ها: چطور کرکترهای عمده می‌خواهند در فرجام به هدف رسند.
حل موضوع قصه: قصه چطور ختم می‌شود.
نمونه T-R-I: معمولاً متن در مواد توضیحی ایجاد می‌شود و عناصر و مؤلفه های ذیل را دارا است.
عنوان (Topic): بیانیه های عمومی دربارهٔ معلومات مورد بحث.
موانع (R): بیانیه هایی که به نوعی معلومات را محدود می‌سازد.
شکل و تصویر و توضیح (Illustration) بیانیه هایی که عنوان یا موانع را تمثیل می‌کند، نمونهٔ (T-R-I) می‌تواند به تعدادی از موانع و توضیحات را داشته باشند.
نمونهٔ تعریف: متن و موضوعی که مفهوم بالخصوص را با مفاهیم جزیی آن توضیح می‌دهد، این نمونه دارای عناصر ذیل اند:
واژه یا اصطلاح Term: مضمونی که باید تعریف شود.
بستر سازی یا تنظیم Set: طبقه بندی عمومی که اصطلاح و یا واژه به آن ربطی دارد.
خصوصیات نا همگون: به آن گونه خصوصیات اطلاق می‌شود، که اصطلاح را از عناصر و مؤلفه های بستر و نظم (Set) جدا می‌سازد.
فرق های موضوع: رده بندی های مختلف اهداف، که در ماتحت اصطلاح قرار دارد.
نمونه یی از مشاجره و دعوا: متنی که یک ادعا و شکایت را تقویت کند.
این نمونه دارای مؤلفه های ذیل اند:
دلیل و برهان: معلوماتی که ارجاع به ادعا و شکایت است.
ادعا: اثباتِ چیزی که گفته می‌شود، درست است.
تقویت: مثال ها یا شرح و بیان دربارهٔ ادعا، انتخاب شده برای ... مانع در ادعا و یا مشهود و مدارک مربوط به ادعا.
نمونهٔ حل پرابلم: متن و موضوعی که یک پرابلم را تشخیص و یک یا بیشتر راه حل به مشکل را پیشنهاد کند.
پرابلم یا مسئله: بیان چیزی که واقع شده یا ممکن است پرابلم دار باشد.
حل و گره گشایی: حل ممکنهٔ دیگر.
نمونهٔ مطالعه و گفتگو: گفتار شفاهی بین دو یا بیشتر کسان،، به طور معمول دارای عناصر ذیل اند.
مصافحه یا ادای احترام: خوش آمدید و احترام از این که اشخاص و یا گروپ ها مدتی از هم دور بودند و همدیگر را ندیده اند.
جستجو و تکاپو: سوال دربارهٔ عنوان عمومی و بالخصوص.
بحث و گفتگو: شرح و بیان یا تحلیل از عنوان، که معمولاً در بحث و گفتار کم و بیش در یکی از این عناصر دخیل باشند.
اثباث و تأیید: بیانیه ها در حقایق و واقعیات توسط گوینده.
درخواست ها: بیانیه هایی که از شنونده تقاضای عملی دارند.
تعهدات: بیانیه هایی که گوینده نوعی از اعمال را از خود نشان خواهد داد.

تقاضاها: بیانیه هایی که تشخیص دهندهٔ اعمال گرفته شدهٔ شنونده باشد.
ارعاب و تخویف ها: بیانیه هایی که پیامد ها در صورت قبول نکردن تقاضا از جانب شنونده رد گردد.
تبریکات و شاد باش ها: بیانیه هایی که ارزش کارکرد های شنونده را نمایش دهد.
نتیجه یا اختصار: پایان گفت و شنود و یا سخن دو جانبه.

برای چوکات سازی نمونه های خلاصه سازی قبل از همه لازم است، تا آموزگار متن نمونه یی در خور حال را برای خواندن به آموزنده گان تشخیص دهد، تا بعد از آن در انکشاف و توسعهٔ یک سلسله از سوالات رهنمایی کننده، که به خاطر استفاده کردن شاگردان در خلاصه سازی متن به کار می‌رود، اقدام نمایند.

به طور مثال معلمی که می‌خواهد تا شاگردان او در بین دو کرکتر داستان مکالمه یا گفت و شنود را تحلیل و تجزیه کنند، عناصر و مؤلفه های گفت و شنود آنها را باید در قالب سوال در آورند. مثلاً چطور همتاها در هنگام گفتگو با یکدیگر مصافحه کردند؟

چه نوع سوال و یا عنوان در میان تبادله گردید؟ تا شاگردان گفته های خویش را با آن جوابات خلاصه می‌کردند.

چوکات سؤالات:

۱. چه وقت و در کجا این قصه به وقوع پیوسته است؟ آنجا چه جایی بوده است؟
در گذشته های دور در جوار جنگلات، دخترکی در خانهٔ ییلاقی زنده گی داشت. اگر به خانه مادر کلان خود می‌رفت، باید از بین این جنگل عبور می‌کرد.
۲. کرکتر بارز داستان کیست؟ (دخترک چادر سرخ) مادر کلان او و گرگ جنگل بان.
۳. در آغاز قصه چه واقع شد؟ مادر دخترک به او گفت تا برای مادر کلان خود غذا برد، زیرا مادر کلان او مریض است.
۴. عکس العمل کرکتر ها در آغاز قصه چطور بود؟ دخترک چادر سرخ به دیدن مادر کلان خوش است و آمادهٔ رفتن می‌شود.
۵. چه اهداف را کرکترها تعیین می‌کند؟ دخترک تصمیم می‌گیرد، که برود و مادر کلان را ملاقات کند.
۶. نقش و عمل کرکتر ها چیست و چطور با هم برخورد می‌کنند؟ دخترک فیصله می‌کند، که از بین جنگل غذا را به «گره نی» مادر کلان خود ببرد، دخترک در مسیر راه به سوی خانهٔ گرگ می‌دود. دخترک هیچ گاه گرگ را ندیده و گرگ به او مهربان معلوم می‌شود. همان است که می‌گوید که کجا می‌رود.
۷. قصه چطور پایان می‌یابد؟ گرگ به پیش می‌دود و به سوی بستر مادر کلان (گره نی) دخترک را رهنمایی می‌کنند، به بهانه یی که او مادر کلان «گره نی» است. گرگ با این چال و نیرنگ نزدیک است دخترک را بخورد. اما با چیغ زدن دخترک، جنگل بان از آن راه می‌گذرد و صدای نالهٔ دختر را می‌شنود و آن سو می‌رود، که گرگی نزدیک دختری را بخورد. گرگ با دیدن چوب شکن جنگل بان راه گریز را در پیش می‌گیرد و دختر نجات می‌یابد.

خلاصه: دختر کوچکی با «روی سری سرخ»با مادرش در جوار جنگل انبوه زنده گی دارد. مادر دختر از او می‌خواهد که به مادر کلان خود غذا برد، زیرا او مریض است. دختر غذا را گرفته از بین جنگل در راه به سوی خانهٔ مادر کلان خود به نام «گره نی» می‌رود. او به گرگی بر می‌خورد و می‌گوید که کجا می‌رود. گرگ در جلو می‌دود و به بهانه یی که به

سوی «بستر گره نی» می‌رود. مگر به خانهٔ خود آن دختر را می‌کشاند. گرگ به این بهانه نزدیک است، که دخترک را بخورد. اما با گذر جنگل بان صدای چیغ و آه وواویلای دخترک بلند است، جنگل بان به داد دخترک می‌رسد و او را از خوردن گرگ نجات می‌دهد.

چوکات T-R-I:

عبارت و بخش کوچک خواندنی: ماموت ها

ملیون ها سال قبل از امروز حیوانات بزرگ به روی زمین زنده گی می‌کردند، که حال نسل آنها قطع شده، از آنها چیزی باقی نمانده است.

از جملهٔ آنها یک نمونه اش ماموت ها هستند، که قد آنها به چهارده فوت می‌رسید. ماموت دارای خرطوم و دندان های کلان بود و شباهت نزدیک به فیل های امروزی داشت، تا هنوز کسی نمی داند که چطور این حیوان بزرگ از بین رفته اند و یا ساینس دانان فکر می‌کنند، که شاید در اثر تغییر اقلیم و گرم شدن کرهٔ زمین این حیوانات بزرگ از جمله ماموت ها از بین آنها را شکار کرده باشند، تا نسل آنها از بین رفته باشند.

چوکات یا محدودهٔ سؤالات:

عنوان (T): موانع (R) و توضیحات (I)

۱. در مجموع قصه دربارهٔ چیست؟ حیوانات بزرگ که در گذشته های دور زنده گی داشتند، اما فعلاً وجود ندارند.
۲. مؤلف یا نویسنده با چه نوع معلومات موضوع را محدود و مشخص ساخته است؟
۳. یکی از آن جمله حیوانات بزرگ ماموت ها بودند.
۴. چه مثالی را نویسنده برای مشخص و محدود کردن موضوع ارائه می‌کند؟ بلندی قد ماموت در حدود ۱۴ فوت بوده و به شباهت زیاد به فیل های امروزی داشته است. ماموت ها در اثر تغییرات اقلیمی و گرم شدن هوا و یا شکار بیش از حد توسط انسانها از بین رفته اند.

خلاصه: ماموت حیوانی قوی الجثه بوده، صد ها هزار سال قبل زنده گی داشتند، اما حال از آنها چیزی باقی نمانده است. ماموت مربوط به طبقهٔ فیل ها بوده، در حدود ۱۴ فوت یا چهار متر قد بلند داشته است. ممکن است هوای گرم و شکار انسان باعث قطع نسل آنها شده باشد.

چوکات تعریف:

عبارت یا فقره: متوازی الاضلاع

انواع مختلف متوازی الاضلاع و یا چهار ضلعی وجود دارند، که در هندسه از آنها نام می‌برند. بعضی از آنها نام های غیر معمول دارند، که فقط دربارهٔ شکل آن معلومات می‌دهد. مثلاً یک نوع متوازی الاضلاع است. از نام آن هویدا ا ست، که یک شکل قابل توجه بوده، ساختمان او مفهوم شکل را توضیح می‌دهد.

یک متوازی الاضلاع شکل چهار ضلعی است که خطوط مقابل آن با همدیگر موازی و در عین حال مساوی اند.

اما این توضیح عمومی به اشکال مختلف هندسی صدق می‌کند. یکی از جملهٔ این گونه اشکال که مردم آن را می‌آموزند عبارت از مربع است، که دارای چهار ضلع مساوی و زوایای قایمه می‌باشد. اما مربع تنها مثالی از متوازی الاضلاع است

که هر چهار ضلع آن مساوی و موازی و هر چهار زاویهٔ آن با هم مساوی و قایمه اند. دو تای دیگر آن مستطیل است که اضلاع مطابق آن با همدیگر مساوی و موازی اند و زوایای آن قایمه می‌باشد. در حالی که ذوذنقه دارای چهار ضلع است، اما ضرور نیست که زوایای آن قایمه باشد..

چوکات سؤالات:

۱. چه چیز تعریف شده است؟
۲. به کدام طبقه از چیزها این شماره مربوط است؟ اشکال چهار ضلعی.
۳. چه خصوصیات این شماره ها را در طبقه بندی جدا می‌سازد؟
۴. اضلاع مقابل موازی و در عین مساوی نیز اند؟
۵. انواع دیگر اشکال که تعریف شده، کدام اند؟ مربع، مستطیل و ذوذنقه.

خلاصه: متوازی الاضلاع شکل چهار ضلعی است، اضلاع مقابل آن با هم موازی و مساوی اند.

مثال: متوازی الاضلاع، مربع، مستطیل و ذوذنقه می‌باشد.

چوکات مناظره و استدلال:

عبارت یا فقره: موتر چلانی:

در این ایالت موتر رانی یک مشکل بزرگ را ایجاد کرده است. جاده های عمومی یا شاه راه ها طوری طولانی است، که مدت بیشتر را نسبت به سرک های فرعی در رسیدن به مکان مورد نظر در بر می‌گیرد. در واقع این یک نا بسامانی است.

تا جایی که من می‌دانم، منشأ اصلی پالیسی های عدم کنترول دو سیستم اداری گذشته بوده است.

والی با طرفداران خویش انکشاف و توسعه را راهنمایی کرد و تجاران کوته نظر و عاقبت نیندیش همشهریان را به مفکورهٔ اینکه اقتصاد رشد می‌کند و شغل های جدید ایجاد می‌شود و ایالت از آن شود، می‌برد. «رشد می‌کند و یا رکود می‌کند» زمانی که مالیه و مصرف حمایهٔ محیط به قانون دانان تقدیم شد، معلوم گردید که آنها در تجارت مقررات و موانع را گذاشتند، والی در مقابلشان مدعی شد و استدلال کرد. در وقت ضرورت رای داد و پذیرفت.

در جریان پنج سال گذشته، تعداد زیاد تجار و مردم به سوی ایالت کوچیدند و نفوس شهر را دو چند ساختند. بنا بر آن در شهر های عمدهٔ ایالت جای برای رشد باقی نماند. انکشاف دهنده گان هزاران ایکر زمین را که زمانی زمین های زراعتی و منطقهٔ سبز ایالت بود، خریداری نمودند. حال باید ساکنان شهر فاصله های طولانی را طی کنند تا به وظایف خویش روند و در راه به بیروبار و مانع رفت و آمد موتر ها مواجه شوند، که گاهی بیشترین وقت کاری شان تلف می‌گردد. من فکر می‌کنم یکی از دلایل زیبایی ایالت ما این است که بسیاری از مردم و تاجران در اینجا آمدند و محیط ما را قشنگ و گیرا ساختند.

بر علاوه ایالت غربی که قبلاً تراکم نفوس داشتند و حال هم پر نفوس اند، چنان درگیر ازدهام و آلوده گی هستند که نسبت به آن شهر و ایالت ما از نگاه پاکی و فضای صاف برای عده یی بهشت برین اند.

چوکات سؤالات:

۱. چه نوع معلومات ارائه شد که خواننده را وادار به شکایت کند؟ جاده عمومی پر از ازدهام است.
۲. شکایت و ادعای نویسنده دربارهٔ پرابلم و اوضاع چیست؟ تقاضاهای او چطور است؟ پالیسی رشد ادارهٔ قبلی باعث همچو مشکلات گردیده است.
۳. چه نوع مثال ها و تشریحات را مؤلف ارائه می‌کند، تا ادعای او را تأیید کند؟ قانون حمایهٔ محیط زیست از جانب والی رأی داده شد؛ که مانع اندکی در رشد به وجود می‌آورد. او به مفهوم و نظر اینکه رشد و انکشاف چیزی خوب است، ما را به فروش رسانید و اختیار از ما رفت.
۴. چه موانع و جلوگیری ها و توضیحات را مؤلف ارائه می‌کند، که ادعای او را ثابت یا تأیید کند؟ کی می‌گوید: ما ایالت زیبا و کمتر آلوده داریم، آن را به مردم نشان می‌دهد، تا به تقاضای آنها جواب گفته باشد.

خلاصه: آلودگی هوای شهر دو چندان شد و مردم فاصله های دور و دراز را طی می‌کنند، تا جاده های عمومی را مزدهم سازند. والی قبلی علت اینگونه پرابلم ها است. او به قانون رأی داد، که انکشاف را اندکی مانع شود و ما را به تمنای اینکه رشد و انکشاف چیز خوب است، فروخت.

لیکن ایالت ما زیبا و کمتر آلوده است. ممکن یکی از دلایل این باشد که بسیاری از مردم به این ایالت آمدند.

چوکات حل پرابلم و یا محدودهٔ حل موضوع:

عبارت یا فقره: مشکل سوء استفاده از مواد مخدر.

استفادهٔ غیر مجاز از مواد مخدر مشکل اکثر از ممالک به شمول ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. بسیاری از مردم فکر می‌کنند، که بهتر است به خاطر کم کردن استعمال مواد مخدر جنگ را به راه انداخت و جلو کشت و استفادهٔ غیر مجاز آن را گرفت.

دربارهٔ جلوگیری از کشت تریاک و خرید و فروش آن قوانین ممنوعیت وضع شده و پاسداری از سرحدات جزء وظایف اشخاص مؤظف گردیده، بالخصوص در خطوط سرحدی بین مکسیکو و ایالت متحدهٔ آمریکا جلوگیری جدی صورت می‌گیرد و قاچاق بران دستگیر می‌شوند و محاکمه می‌گردند.

اما عده یی از مردم به اینگونه شیوهٔ جلوگیری از مواد مخدر موافق نیستند. بعضی می‌گویند که در مقابل استفاده از مواد مخدر لازم است. مقررات غیر قانونی وضع شود و در عین حال معتقد بر آنند که در مقابل باید مردم را از خطرات استفادهٔ ناجایز از تریاک و مواد مخدر آگاه ساخت تا آنها گول نخورند و معتاد به مواد مخدر نگردند.

عده یی هم معتقد بر آن هستند که باید استفاده از چرس و یا مفرح مجاز گردد و منابع و تجهیزات در مقابل مواد مخدر خطرناک؛ مانند پودر کشیدن و غیره جلوگیری قانونی شدیدتر صورت گیرد.

هنوز عده یی هستند که طرفدار قانونی شدن منع مواد مخدر اند. آنها استدلال می‌کنند که هر چیز غیر قانونی کشش بیشتر و قانونی شدن آن تمایل را به آن کم می‌سازد و تشویق و ترغیب کم می‌شود و از اهمیت آن کاسته می‌شود، نظر که مخالف جنگ در جلوگیری از مواد مخدر است.

علاوه بر پیشنهادات فوق، طرق دیگری نیز وجود دارد، که باعث حل چندین گانهٔ مشکل مواد مخدر، مانند آگاهی دادن و تعلیم خطر و اضرار مواد مخدر به نوجوانان و بی خبران از این خطر و در عین حال کنترل شدید قانونی از غیر مجاز بودن آن را نیز در نظر داشت. مثلاً در سال های ۱۹۸۰ رئیس جمهور آقای ریگن و خانم ریگن کمپاین آگاهی دادن نسل جوان را به ضرر و خطر مواد مخدر به راه انداخت، که باید اطفال و جوانان در مقابل مواد مخدر فقط نه بگویند. در عین حال جنگ و جلوگیری در مقابل خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر نیز تعمیم گردد.

سوالات محدود:

۱. مشکل چیست؟ استفادهٔ غیر مجاز از مواد مخدر.
۲. حل ممکنه چیست؟ جنگ در مقابل خرید و فروش و جلوگیری آن.
۳. امکانات طرق دیگر حل چیست؟ غیر قانونی بودن مواد مخدر را حفظ کرد و در عین حال پروگرام آگاهی دادن مردم را از ضرر و خطر صحی مواد مخدر را عام ساخت.
۴. امکان حل دیگر چیست؟ چرس کشیدن را قانونی ساخت تا منابع در جلوگیری دیگر اقسام مواد مخدر قوی تر گردد. خرید و فروش و استفادهٔ تمام مواد مخدر را قانونی ساخت، تا تمایل به آنها کم شود.
۵. امکان دیگر چیست؟ اطفال و جوانان را طوری تعلیم داد و عملاً تربیه کرد که در مقابل عرضه و فروش مواد مخدر فقط یک کلمه را به کار برند، یعنی (نه، نه)

خلاصه: استفادهٔ نا جایز از مواد مخدر یک پرابلم است.

یکی از طرق جلوگیری آن قانون شدید و کنترل از سرحدات است و در مقابل در صورت ضرورت جنگ را به راه انداخت. حل دومی، عبارت از قانون ممنوع ساختن کشت و خرید و فروش آن تا تمایل مردم کم شود و اغواگری ضعیف گردد. حل سومی، تعلیم و تربیه اطفال و جوانان در استفاده نکردن از مواد مخدر است.

در محدودهٔ گفتگو یا چوکات گفت و شنود:

عبارت یا فقره: اقتباس از گفتار دو نفر به نام های «وینی و پوه»

«پوه» در بیرون منزل خود «پیگلید» را در حالی دید که بالا و پایین می‌دوید و زنگ دروازهٔ حویلی اش را فشار می‌داد. با باز نمودن دروازهٔ حویلی، پیگلید سلام و خوش آمدید گفت و او هم به آقای «پوه» ادای احترام کرد.

اولین چیزی که پوه انجام داد به سوی الماری رفت که در بین آن مرتبان عسل بود و عسل را گرفت و گفت می‌خواهم این عسل را به حیث تحفه یی برای «یوری» بدهم. شما چه می‌خواهید به او بدهید؟ «پیگلید» در جواب گفت می‌خواهم این مرتبان عسل از جانب هر دو ما به آقای «یوری» داده شود. پوه گفت: نه خیر. این پلان خوب نیست. خوب درست است. من می‌خواهم یک دانه بالون را به او بدهم. این فقط چیزی است که او را خوشحال خواهد ساخت. بناءً پیگلید دور خورد، با بوتل عسل رفت.

چوکات یا محدودهٔ سوالات:

۱. چطور همکاران در جریان گفتگو با همدیگر احترام گذاشتند؟ سلام.
۲. چه سوال و یا موضوع مورد بحث قرار گرفت؟ تحفه برای روز تولد «یوری».

۳. مباحثه چطور به پیش می‌رفت؟
۴. آیا یکی از آنها حقایق را بیان کردند؟ پوه گفت: که می‌خواست یک مرتبان از عسل را به یوری تحفه دهد.
۵. آیا کسی درخواست کرد؟ پیگلید گفت: اگر او نیز بتواند با همان تحفهٔ عسل خویش شریک شود.
۶. آیا کسی تقاضای عمل خاص را انجام داد؟ خیر.
۷. آیا کسی پیامد خاص دربارهٔ اینکه اگر تقاضا بر آورده نشود، مشکلی به وجود آید چیزی گفت؟ خیر.
۸. آیا کرکترهای دیگر به ارتباط خواهش و تقاضا و یا مشکلی چیزی گفت؟ بله، پوه گفت نباید یک تحفه توسط دو نفر به کسی داده شود.
۹. آیا کسی در این گفتگو چیزی که به ناشن دهد، که طوری دیگران تحفه می‌دهند، آنها نیز آن را تعقیب کنند، گفته است؟ بله، پوه گفت مفکورهٔ پیگلید که برای «یوری» یک دانه بالون داده شود، چیز خوبی است.

خلاصه: چوه و پیگلید در خانهٔ پوه با همدیگر ملاقات نمودند، پوه می‌گوید که او به «یوری» یک مرتبان عسل را به سالگره اش می‌دهد. پیگلید گفت: اگر هر دو همان مرتبان عسل را مشترکاً به «یوری» تحفه دهد، اما «پوه» می‌گوید که فکر می کند این یک کار خوب نیست. بناءً پیگلید تصمیم می گیرد که یک دانه بالون را که پوه فکر می کند خوب است، به یوری بدهد.

تدریس دو جانبه

توضیحات: تدریس دو جانبه شیوهٔ چوکات بندی خواندن با درک و فهم درست است، که چهار استراتیژی خواندن را مانند پیش گویی که متن دربارهٔ چیست؟ سوال کردن دربارهٔ متن و خلاصه کردن متن و واضح ساختن کلمات مشکل را هماهنگ می‌سازد. معلم مودل استراتیژی درسش را برای تمام شاگردان یک صنف تهیه می کند و بعداً به تدریج مسؤولیت تطبیق آن را به طور آزادانه به شاگردان می‌سپارد، تا ایشان در گروپ های کوچک آن را با در نظر داشت اهداف آموزشی به کار برند.

این دستور العمل درک و فهم شاگردان را با اینگونه تدریس، تلفیق می‌دهد تا از چندین نوع روش عملی بیاموزند. شاگردان این چهار نوع استراتیژی آموزش ... را در هنگام خواندن به کار برده و بعداً در مباحثات از آن استفاده می کنند. زمانی که آنها می‌خواهند از این دستور العمل استفاده کنند، آنها در هنگام خواندن با تمام اعضای صنف و گروپ های کوچک همنوا شده شیوه های خویش را دربارهٔ آموزش بیان می کنند.

اهداف تدریس دو جانبه عبارت اند از:

- درک و فهم دقیق خواندن را در چهار شیوهٔ یادگیری مانند پیشگویی از متن مهارت سوال کردن، واضح ساختن و خلاصه سازی را بلند می‌برند.
- تنظیم و چوکات بندی چهار شیوهٔ عملی آموزش توسط مودل سازی، رهنمایی و تطبیق.

استراتیژی ها در هنگام خواندن

- رهنمایی شاگردان که دربارهٔ شیوهٔ یادگیری خودی و انعکاس و تفکر در هنگام به کار گیری این ستراتیژی.
- به شاگردان کمک شوند که در هنگام خواندن از این چهار استراتیژی استفاده کنند.

- به کار گیری ماهیت اجتماعی آموزش در هنگام هماهنگ سازی خواندن.
- تقویت تعلیم دهی در جایگزینی فعالیت کلی صنف خواندن رهنمایی شدۀ گروپی و دایرۀ ادبی.
- به کار گیری استراتیژی های خواندن با مفهوم که مرکب از بررسی قبلی، از خود سوال کردن، ارتباط دادن، مشخص ساختن، دانستن اینکه چطور لغات در جمله نقش دارد.، مراقبت کردن، خلاصه کردن و ارزیابی کردن را در نظر داشت.

تحقیقات در تدریس دو جانبه نشان می‌دهد، که اگر این شیوۀ تدریس طور درست به کار رود، اطفال شیوۀ خلاصه سازی را می‌آموزند. مهم تر از آن آموزگاران یا شاگردان مهارت های درک و فهم خواندن را به طور آنی می‌آموزند. همچنان مهارت درک و فهم از یک متن به این شیوه تا پایان سال تعلیمی پا بر جا مانده با امتحانات نمایان خواهد شد.

اینگونه تکنیک تردیس بالخصوص در هماهنگی بخشی از تلاش و تقلای آموزنده گان از متون بسیار مؤثر و مفید خواهد بود.

در تدریس دو جانبه انواع متون حکایتی و توضیحی به شمول مجله، مقالات و اخبار به کار برده می‌شود.

اولاً آموزنده گان دستور العمل ها را در خواندن بخش های متن؛ مانند پاراگراف و یا صفحات مختصر به کار می‌برند و بعد از آن که مهارت و تجربۀ بیشتر پیدا کردند، می‌توانند فصل کتابی و یا مقاله.

دستور العمل ها:

زمانی که شاگردان در سیستم تدریس دو جانبه سهیم می‌گردند، آنگه به طور واقعی از هر یکی از استراتیژی ها که چطور استفاده کنند، مودل و نمونه را می‌سازند. همچنان با تفکر صریح و عملی شیوۀ تفکر خود را به شاگردان نشان می‌دهند.

بنابر آن قبل از تدریس دو جانبه می‌توان توسط شاگردان تدریس دو جانبه را طور مفید و مطلوب مطابق نیاز تمرینی در صورت احساس ضرورت چهار استراتیژی را مانند خلاصه سازی پرسش و پاسخ، پیشگویی، مراقبت و توضیحات دهند.

شاگردان می‌توانند توسط چارت هر یک از استراتیژی را در روی دیوار نصب کنند و دیگر شاگردان را فرصت دهد و تشویق کند که از استراتیژی ها استفاده کنند.

۱. تمثیل و معرفی تدریس دو جانبه (من می‌توانم): معلمان تدریس دو جانبه را به شیوه یی تدریس می‌کنند که آموزنده گان بیشتر در فراگیری تجارب خواندن نظریات و مفاهیم را بهتر و خوب تر می‌دانند و معلم از هر یک استراتیژی های چهارگانه مودلی را می‌سازند. در اثنای این مرحله کیفیت گفتگو بین معلم و شاگردان مربوط به صراحت تدریس معلم در نمایش یا همایش درک و فهم استراتیژی ها می‌گردد.
۲. تمرین رهنمایی شده (ما می‌توانیم): بعد از مشاهدۀ تدریس معلم، شاگردان ... چیزهای مربوط به درس را از متن انتخاب شده علاوه می‌کند. به طور مثال شاگردان قیاس می‌کنند، که نقش و جریان مودل یک و یا بیشتر را در درک و فهم فعالیت ها در بخش متن آینده دریافت می‌تواند، هر گاه شاگردان در نحوۀ اجرای فعالیت احساس مشکل نمایند، معلم در اجرای آن ممد واقع می‌شود. بالتدریج معلم کمک خود را کم ساخته، شاگردان به درس دادن دوام می‌دهند.

خلاصه سازی:

بعد از اینکه شاگردان خموشانه یا شفاهی بخش مختصر از عبارات را خواندند، یکی از آنها اکت یا شیوهٔ تدریس معلم را تمثیل می‌کنند (مثلاً لیدر شاگردان) از آنچه خوانده اند خلاصه سازی می‌کند و شاگردان دیگر به کمک معلم به خلاصه سازی چیزهایی را علاوه می‌کنند.

اگر شاگردان هنگام خلاصه سازی به مشکلی مواجه شوند، ممکن است معلم با علایم و قرینه ها به شاگردان کمک شوند. مثلاً ارقام مهم و یا عناوین و یا جملات عمده، که توان ایجاد خلاصه سازی را به شاگردان دهند.

سوال کردن:

لیدر شاگردان از اعضای صنف طوری سوال می‌کنند، تا آنها جواب گویند. سواالات طوری طرح شده است، که معلومات مهم را در عبارات دریافت می‌کنند. به طور مثال، ممکن است اول نمرهٔ شاگردان به مواد انتخاب شده، نظر اندازی کند و دربارهٔ جنبه های خاص معلومات سوالات مربوط را از شاگردان نمایند. در مقابل، شاگردان دیگر مطابق مواد اضافی جمع شده جواب را ارائه نمایند.

صراحت و واضح بودن:

اول نمرهٔ شاگردان می‌کوشد، ابهامات را در عبارات پیدا و توضیح و می‌دهد و یا سوال کردن از شاگردان آنها را قابل فهم خواهد ساخت.

مثلاً: لیدر شاگردان (اول نمره) ممکن است بگوید: من نفهمیدم که چرا حامد، هم کلاس من گفت، که چرا صاحب منزل به خانه نبود. آیا کسی می‌تواند این را واضح سازد؟ یا اینکه لیدر صنف از شاگردان توضیح سوالات را بپرسد. بعد از آن شاگردان طور گروپی در وضاحت ابهامات بکوشند. این کار ضرور به خواندن مکرر عبارت را درباره ضرورت دارند.

استنباط و پیشگویی:

لیدر شاگردان از آموزنده گان خواهد پرسید، که در بخش بعدی متن چه چیز ها خواهد بود و چه اتفاقات خواهد افتاد؟ یا آ«را بالای تخته خواهد نوشت و یا اینکه از شاگردان خواهد ساخت، تا آنها را در کتابچهٔ یادداشت خویش بنویسند.

تمرین تدریس در گروپ کوچک:

<u>تدریس دو جانبه در گروپ های کوچک (چهار نفری)</u>

معلم فعالیت خواندن شاگردان را تعقیب می‌کند، تا در بخشی از متن استراتیژی های چهارگانهٔ درک و فهم را به کار برند.

در این مرحله دو طریقهٔ ساختن مباحثهٔ گروپی وجود دارند. روش دوم بیشتر منظم و ساخته شده نسبت به گروپ اولی است. اما هدف در هر دو روش مشابه اند.

طریقه و یا روش الف:

شاگردان اعضای گروپ قبل از خواندن متن با یک نگاه مفاهیم را استنباط و پیش گویی می‌کنند و با هم می‌گویند، که به زعم آنها متن مورد نظرشان از چه بحث خواهد کرد و بعد از آن خموشانه آغاز به خواندن و مطالعه می‌کنند و به سوالاتی که قبل از مطالعه خموشانه دربارهٔ متن پیدا می‌شود، جواب می‌گویند و مفاهیم کلمات نا مانوس و ابهامات دیگر را روشن می‌سازد.

بعد از آن آنها به مطالعه دوام دار آغاز می‌کنند. بعد از اینکه متن را خواندند، با در نظر داشت ابهامات آنها را روشن و قابل فهم ساخته، دوباره در یک وقفه خلاصه می‌کنند و سوالات اضافی را به منظور وضوح کلمات و مفاهیم نا مأنوس انجام می‌دهند، تا مفاهیم کلی را که ترکیب آن از لغات و کلمات و پاراگراف های تشکیل شده، به دست آرند و بفهمند.

طریقه و یا روش ب:

در این روش شاگردان به چهار گروپ خلاصه سازی، سوال کننده گان، توضیح دهنده گان (کسانی که مراقبت و بررسی و توضیح می‌دهند) و استنباط کننده گان تقسیم می‌کنند و معلم نقش هر یک از گروپها را در وظایف شان تعیین و کنترل می‌کنند.

بعد از آن، آنها آغاز به مطالعهٔ متن تعیین شدهٔ خویش می‌کنند. معلم گروپ ها را به منظور اینکه چطور مفاهیم را یادداشت و تشخیص دهند، راهنمایی می‌کند، تا هنگام مباحثه در نقش خویش آماده باشند. هر یک از اعضای گروپ ها نقش افرادی خود را بعد از انجام وظایف داده شده؛ مانند اینکه گروپ خلاصه ساز، خلاصهٔ متن را با خود دارند و گروپ سوال کننده، سوالات مربوط را لیست وار نوشته اند و آغاز به سوال دربارهٔ نکاتی مینمایند؛ مانند:

- بخش های متن
- معلومات معما آمیز متن
- آنچه به آموزش قبلی متن که شاگردان آن را می‌دانند، ارتباط می‌گیرد.

گروپ توضیح دهنده در مقابل پرسش مبهم و معما آمیز می‌کوشد، جواب گوید. گروپ استنباط کننده نیز وظیفه دارد که هدف مؤلف را از نوشتن متن به خواننده که چطور مفاهیم و حوادث را در حکایت و عبارات تمثیل می‌کند، توضیح دهد.

در این روش وظایف داده شده در گروپ ها، در چهار بخش متذکره بالنوبه از آغاز تا انجام عملی می‌گردد. وظیفه کلی معلم در جریان و عملیه های فعالیت گروپ چهارگانه رهنمایی و پرورش توانایی های افراد شامل در گروپ ها بوده، نقش آن کمتر از مهارت کار شاگردان در فهمیدن موضوع و متن است، که البته یکی از مهارت های کیفی تدریس در آن نهفته است.

تمرینات رهنمایی شده در گروپ های کوچک:

زمانی که شاگردان از اینگونه شیوه های مطالعه و خواندن متن مطلع و آگاه شدند، آنگاه به راحتی می‌توانند که در گروپ های کوچک متون و موضوعات دیگر را نیز به این سبک بخوانند و بفهمند. در این شیوهٔ خواندن موضوعات، شاگردان می‌توانند که در کاغذ چارت در چهار بخش؛ مانند استنباط سوالات، خلاصه سازی و توضیحات را بنویسند و با اعضای گروپ شریک ساخته تبادل افکار نمایند و در فرجام هر گروپ بالنوبه از تمام حصص متن آگاه شوند و بیاموزند.

بعد از این تمرینات معلم به شاگردان رهنمایی می‌کند، که تدریس دو جانبه را در متون طویل تر به سیستم گروپی انجام دهند.

مودل تدریس دو جانبه:

این درس بعد از آنکه معلم چهار نوع استراتیژی (روش های عملی) را به شاگردان معرفی نماید، آغاز خواهد شد؛ مانند:

۱. متن تا زمانی خوانده شود، که شاگرد بداند، هدف او از خواندن چیست؟ و چه چیز را می‌خواهد بیاموزد، استنباط گروپ از متن خلاصه گردد. اگر مناسب دیده شد، چیزی از خود علاوه کنید. یادداشت کنید که درس ذیل آغاز می‌یابد:

معلم: عنوان عبارت جدید ما چیست؟

شاگرد: کرامات و خارق العاده بودن پروانه ها.

معلم: درست است، خارق العاده بودن شاپرک ها در چیست؟ به عبارات خود بگوید که استنباط شما درباره، چه خواهد بود؟

شاگرد: چطور پروانه ها پرواز می‌کنند؟

معلم: بلی، آن یک استنباط خوب است.

شاگرد: چیزی است که آنها انجام می‌دهند.

شاگرد: در چه فصلی (زمانی) آنها پیدا می‌شوند؛ مانند تابستان.

معلم: بلی، این استنباط ها عالی اند، بیایید که آغاز به درس نماییم.

۲. معلم بخش کوچک متن؛ مانند پاراگراف را با صدای بلند می‌خوانند.

۳. دربارۀ متن سوال می‌کند، از گروپ می‌خواهد که جواب گوید. از شاگردان طور انفرادی می‌خواهد که سوالات دیگر را که در جریان خواندن به آنها پیدا شده باشد، علاوه کنند.

معلم: سوال من این است، که «شهر پروانه ها» در ایالات متحدۀ آمریکا چه کاری را در حفظ و نگهداشت شاپرک ها انجام داده است؟

شاگرد: ایشان دربارۀ جلوگیری پروانه ها قانون و مقررات را وضع کرده اند.

معلم: چه کار باید کرد؟

شاگرد: کشتن پروانه.

معلم: درست و دقیق است. آیا کس دیگری سؤال دارد؟

۴. نکات مهم و عمده متن انتخاب شده را خلاصه نمایید. توضیح دهید، که چطور به این نتیجه خلاصه سازی رسیدید. از گروپ بخواهید که نظر خود را دربارۀ مطالب خلاصه شده، بیان کنند. یادداشت شود که چطور معلم از متن انتخاب شده خلاصه کرد.

معلم: خلاصه سازی من دربارۀ مهاجرت ملکۀ پروانه هاست. من دربارۀ آن گونه خلاصه سازی فکر کردم، که نویسنده داستان پروانه را با جملۀ مربوط به موضوع آغاز کرد. این یک قرینه و علامۀ خوب برای فهمیدن است. آیا شما چیزی دارید، که در این خلاصه علاوه گردد؟

۵. بحث را به راه اندازید، که توضیح کنندۀ کلمات مبهم و یا نا مأنوس و گیج کننده باشد.

معلم: بگذارید، که از شما چیز دیگری سؤال کنم. آیا در این پاراگراف مفهوم غیر صریح وجود د ارد؟

شاگرد: بلی، در یک جای متن گفته شده «نوشتن نا خوانا در امواج نوری»

معلم: حال، آیا آفتاب گاهی در آسمان یک پیام را می‌نویسد؟

شاگرد: نه.

معلم: پس نویسنده در اینجا چه می‌کند؟

شاگرد: تمام چیزها را در دماغ خود ساخته است؟

معلم: درست است. به طور واقعی همچو چیزی به وجود نمی آید؛ اما هدف نویسنده از این افاده عبارت از فرستادن پیام، منبع انرژی است؛ اما به طور واقعی شما هیچ گاه به سوی آسمان به خاطر پیام نوشته شده آفتاب نمی بینید.

دو نظر آخری:

۱. تدریس دو جانبه در خواندن متون که از آن یاد آوری گردید، احتیاج به تجارب و دانش لازمه دارد. در تدریس دو جانبه انواع روش ها را باید در یک درس واحد به خاطر فعالیت مفید تجارب و مهارت ها به کار برد.

۲. کدام مودل خاص در آغاز و انجام تدریس دو جانبه وجود ندارد. کلید کار مربوط به مودل معمول و مروج تدریس و تمرین شیوه های مناسب عملی مربوط به نوعی درس است، که داده می‌شود. شما مجبور نخواهید بود، که نصاب درسی خود را به خاطر مناسب سازی تدریس دو جانبه تغییر دهید. شما می‌توانید به آسانی شیوهٔ تدریس دو جانبه را در دروس تمام مضامین به شمول علوم انسانی و طبیعی به کار برید. عده یی از معلمان حتی این شیوه را در تدریس ریاضیات نیز به کار می‌برند.

ستراتیژی های قابل درک در بهتر سازی خلاصه کردن:

فعالیت های اضافی می‌تواند در تقویت قواعد خلاصه سازی، چوکات بندی، خلاصه سازی تدریس دو جانبه با تجارب قبلی شاگردان در خلاصه سازی به کار روند. آنچه که ضروری پنداشته می‌شود، عبارت از تقدیم دو فعالیت از جانب معلم است.

دربارهٔ سهم گیری همتاها فکر کنید و بر اساس مودل دادن مسؤولیت تدریجی به آموزنده گان به مفهوم اینکه (اگر این کار را من می‌توانم، ما هم می‌توانیم و شما نیز می‌توانید) فعالیت که بر اساس جیگسا sigsaw «یک موضوع قطعه قطعه می‌شود و به چهار گروپ داده میشود. یکی به دیگری حل موضوع را مبادله می‌کنند و هر کدام قسمت خویش را می‌خوانند».

فکر دو نفر همتا در یک موضوع یا کار جوره یی:

توضیح: اندیشهٔ دو نفر در عین موضوع و یا تفکر جوره یی به منظور خلاصه سازی را می‌توان قبل از درس، در جریان درس و بعد از درس به کار بُرد. این فعالیت به «مثال غذایی روح و یا تفکر دلخواه طرح شده» است، که مفکوره های جدید و نظریات گوناگون شاگردان را برای تبادل در عنوان مورد نظر شریک سازند. این نوع فعالیت باعث تشویق شاگردان در سهم گیری و همکاری می‌شود و مزیت و مفید بودن آن نسبت به خواندن و سوال کردن از شاگردان بهتر خواهد بود.

تفکر جوره یی در حد اعلای سهم گیری و نگهداشت شاگردان در وظیفه آموختن است.
ما می‌دانیم که شاگردان طور انفرادی موضوعی را می‌آموزند، تا دربارهٔ آن چیزی بدانند؛ اما ما نمی خواهیم که آنها طور آزادانه در موضوع سهم گیرند. تفکر جوره یی به این دلیل مهم است، که باعث ساختار بحث و گفتگو می‌شود. شاگردان یک عملیهٔ تجویز شده را که محدود وظیفه و تفکر و سلوک و حساب دهی می‌سازد، به خاطر اینکه هر کدام آنها باید به همتای دیگر خود راپور دهد و بعداً همتاها به صنف گزارش دهند.

دستور العمل:

فعالیت متذکره شامل سه مرحلهٔ اساسی است.

۱. در مرحله و مرتبهٔ تفکر، که معلم به شاگردان ابلاغ می‌کند، تا آنها در ذهن خویش اندیشهٔ سوال کردن را ایجاد کند، این توقف به شاگردان موقع می‌دهد، که طور ناگهانی در ذهن آن سوال ایجاد شود و از جواب دادن بدون تفکر جلوگیری شود و سوال با مفهوم ایجاد گردد.

۲. در مرتبهٔ دوم افراد در گروپ ها بحث می‌کنند و یا پرابلم را حل می‌سازند. در اثنای مرتبه ممکن است، شاگردان بخواهند گفته های خویش را تجدید و یا مفکوره اصلی را تغییر دهند.

۳. در پایان کار از شاگردان خواسته می‌شود، که نظریات خویش را با اعضای صنف شریک سازند. همچنان شیوه یی دیگر به نام «تبادل نظر در بین دو جوره» نیز مورد استعمال است. در این استراتیژی همتاها جوابات را با همدیگر قبل از ارائه به اعضای صنف به بحث می‌گیرند. با اینگونه فعالیت باور بر این است که تمام شاگردان با موضوع توجه نموده و از همدیگر نیز می‌آموزند. معلمان اینگونه فعالیت ها را سنجش و بررسی، ارزیابی تدریجی هنگامی که فعالیت آنها را مشاهده می‌کنند و از گفته های آنها مفاهیم درست و نادرست را تشخیص می‌دهند، کار می‌گیرند.

- از شاگردان که در تیم چهار نفری تنظیم شده، خواسته شود که هرکدام به نام عدد (۱، ۲، ۳، ۴) خود را نام گذاری کنند.
- عنوان و موضوعی را که می‌خواهید درباره اش بحث گردد، اعلان کنید؛ مثلاً در مکتب ما، کدام یک از اتاق ها کلان ترین است. کفتریا و یا جمنازیم چطور می‌توان جواب را دریافت؟
- حداقل برای تفکر شاگردان دربارهٔ پیدا کردن جوابات ده ثانیه وقت دهید، تا دربارهٔ پیدا کردن جوابات خویش فکر کنند. (تحقیقات نشان می‌دهد که کیفیت جواب گویی شاگردان زمانی بلند می‌رود، که شما به آنها فرصت تفکر دهید.)
- با اعدادی که نام هر یک از شاگردان به آن منسوب است، مباحث همتاها را اعلان کنید. مثلاً: (برای این بحث، شاگرد یک و شاگرد دو همتا باشند. در عین زمان «شاگردان سوم و چهارم دربارهٔ خویش با همدیگر مذاکره می‌کنند».
  از شاگردان بخواهید که با همتاهای خویش جوره شوند، تا دربارهٔ موضوع تعیین شده، بحث کنند.
- در فرجام از شاگردان تصادفاً خواسته شود، که نظریات خود را با اعضای صنف شریک سازند، معلم نیز از شاگردان می‌خواهد که نظر خویش را بنویسند، یا با یک دیاگرام در هنگام فعالیت تفکر جوره یی مهیا سازند.

ستراتیژی تفکر جوره یی به شاگردان طوری کمک می‌شود، که شاگردان مفاهیم عنوان و موضوع را می‌دانند و استعداد فلتر سازی و یا تشخیص مفاهیم را در خود انکشاف داده می‌توانند و آن وقت نتیجه گیری به خود احساس می‌کنند و نقطه نظرهای دیگر را نیز پیدا می‌کنند؛ زیرا بر اساس مرحلهٔ اول زمانی که شاگردان فکر می‌کنند، به مفهوم فرصت تفکر ایشان وقت واقعی تفکر را دارند و دربارهٔ جوابات فکر می‌کنند؛ زیرا این تفکر خموشانه است و شما (خواننده) مشکل ذوقمندان و شاگردانی که همیشه با صدای بلند جواب های غیر ضروری را که گاهی توسط دیگر شاگردان نیز فکر می‌شود بیان می‌کنند، حذف کرده می‌توانند.

همچنان معلم سوالی را طرح می‌کند و از هر کدام می‌پرسند که دربارهٔ جوابات فکر کنند، این شیوه بسیار از شیوه ای که سوال می‌شود و بعد از هر کدام شاگردان جواب خواسته می‌شود که بعضی؛ مانند کار تصادفی جواب می‌گوید، که اکثر آنها درست نیست.

شاگردان می‌کوشند که جوابات خویش را محرمانه با همتای خویش قبل از ارائه در اعضای صنف عیار سازند. شاگردانی که هیچ گاه در داخل صنف سوال نمی کنند. حداقل به کسی جواب خواهد گفت. اکثر اوقات آنها درمی یابندکه جوابات

آنها طوری که خودشان فکر کنند و آنها را در جاهای دیگر نیز به کار برند. اکثر شاگردان در طرح جوابات و شیوهٔ فکری خود با همتای خویش شرح و بیان می‌دهند و آن را با او شریک می‌سازد. این چیزی خوب و استدلال قوی است، که مهارت «تفکر جوره یی» باید به کار رود، تا شیوهٔ تفکر شاگردان ساختار مطمئن هنگام مباحثه را به خود گیرد.

چه مدت زمانی برای تفکر وقت را تعیین کرد؟ کمترین وقت آن ۳ ثانیه و بیشترین آن ۱۵ ثانیه است و بهترین آن ۳۰ ثانیه است.

طوری که اوسط دادن وقت تفکر از جانب معلمان ۱۰۵ ثانیه است. ما معلمان را تشویق می‌کنیم که به ساعت ببینند و یا از ۱ تا ۱۵ حساب کنند.

دستور العمل تداخل بین طرح کلی و متن

این نوع خلاصه سازی لازمه اش این است، که شاگردان معلومات را حداقل در بیست لغت معنا دار خلاصه نمایند. این وسیله یی است که توانایی های درک و فهم شاگردان را بالا می‌برد و مفاهیم عمده را در هر پاراگراف از گروپ جملات طور انفرادی یا جوره یی نسخه برداری می‌کنند و به پاراگراف مفاهیم کلی مبدل می‌سازند، که شامل خواندن و نوشتن می‌گردد.

انواع پاراگراف ها:

۱. پاراگراف مناسب را انتخاب کنید.

چندین پاراگراف که هر کدام از سه الی پنج جمله داشته باشد، انتخاب کنید. پاراگراف های خوب و مناسب را می‌توان در کتب درسی و یا کتب معلوماتی پیدا کرد.

۲. اوراق خلاصه سازی را مهیا سازید.

معلم اوراق خلاصه سازی را با در نظر داشت مسافه ها برای خلاصه نویسی جملات پانزده کلمه یی برای شاگردان می‌سازد.

۳. جملهٔ اول را بخوانید.

معلم جملهٔ اول را می‌خواند و شاگردان آن جمله را دوباره می‌خوانند، بعد از آن شاگردان دوباره همان جمله را به کلمات خود بیان می‌کنند.

۴. جمله خلاصه را طرح کنید. شاگردان جمله اول را با ۱۵ کلمه خلاصه می‌کنند. معلم این جملهٔ تمرینی را بالای تخته می‌نویسند. شاگردان آن جمله را مودل قرار می‌دهند و در پهلوی جملهٔ اصلی می‌گذراند و به تکرار اصلاح می‌کنند، تا اطمینان حاصل کنند، که دیگر خلاصه سازی آن امکان پذیر نیست.

شاگردان دوباره جملهٔ روی تخته را می‌خوانند، بعد از آن شاگردان جملهٔ آخر خلاصه سازی را در ستون راست ورق خلاصه سازی خود می‌نویسند.

۵. جملهٔ دوم را بخوایند و جمله خویش را تجدید کنید.

شاگردان دوباره جملهٔ اول را با جملهٔ دوم بخوانند، بعد از آن، آنها جملهٔ اول را طوری تجدید کنند، که نمایانگر جملهٔ اول و دوم باشد. وقتی که شاگردان در تجدید اطمینان به دست آوردند، در ستون دوم ورق خلاصه سازی بنویسند.

۶. خواندن و خلاصه سازی هر یک از جملات را در پاراگراف دوام دهید.

شاگردان در پنج مرتبه هر جمله را در پاراگراف تکرار کنند. خلاصه یی که آنها در اخیر می‌نمایند، باید تمام پاراگراف شامل شود. وقتی که شاگردان آموختند که چطور جملات خلاصه سازی صورت می‌گیرد، آنها به متون طولانی تر به تعداد سه پاراگراف و یا بیشتر از آن و خلاصه سازی چندین جانبه پاراگراف کار کنند، بناءً شیوۀ خلاصه در اینجا از کلمات به جملات و به پاراگراف ها آغاز و انجام می‌یابد. خلاصه سازی با پاراگراف شاگردان را جهت خلاصه سازی به سبک خودشان در هنگام متون طویل تر کمک می‌کنند.

جیگسا (sigsaw):

جیگسا یک طریقۀ آموزش همکارانه یا شاگرد محوری است. که باعث هم آهنگی کار در وظایف قابل تنظیم می‌گردد. در این گونه فعالیت لازم است تا شاگردان تشخیص دهند، که کدام بخش از متن مورد نظر مهم است، که به کمک دیگران خلاصه گردد.

این فعالیت در هر نوع مضمون به منظور سهل سازی آموزش، مواد مغلق و پیچیده قابل تطبیق است. مبنای اساسی این روش تقسیم مواد خواندنی به بخش ها و دادن هر بخش به یکی از اعضای تیم است. مبنای اساسی این روش تقسیم مواد خواندنی به بخش ها و دادن هر بخش به یکی از اعضای تیم است. بخش داده شده به هر یک از اعضای تیم، مثل بخش های معما آمیز ضروری است، که تصویر اولی متن را تکمیل کنند. هر یک از شاگردان در نقش معلم است. مهارت و تخصص و بخش کاری تقسیم می‌گردد، تا موفقیت به دست آید.

دستور العمل:

۱. معلم یک متن واحد را برای هر یک از اعضای تیم می‌دهد.
۲. معلم متن را به بخش های کوچک تقسیم می‌کند و برای هر یک از تیم های الف، ب، ج، د، و هـ همان بخش را می‌دهد.
۳. هر یک از تیم های کوچک مسؤول بخش داده شدۀ خود اند.
۴. اعضای تیم با همدیگر دربارۀ موضوع داده شده، بحث می‌کنند. تا آنجا که بفهمند این برای تیم ها قابل قبول و حتی مطبوع و خوشایند است. تا در تلاش فهمیدن موضوع باشند و نظریاتی را که در بخش مربوط نهفته است، ارائه کنند، تا به همدیگر کمک شوند.
۵. برای اینکه هر تیم موضوع را بدانند لازم است آن را دقیق مطالعه کنند، تا در موضوع وارد آیند، تیم ها موضوع را می‌خوانند و دربارۀ آن معلومات حاصل می‌کنند. بعد از آن تیم تصمیم می‌گیرند، که چه چیزها مهم و قابل بحث است و چه نوع خلاصه را ضرورت دارد. اعضای تیم باید یادداشت کنند و یا خلاصۀ درست را برای هر یک از اعضا برای استفاده تهیه نمایند.
۶. حال معلم اعضای تیم را ردیف بندی می‌کنند. یک عضو تیم را به تیم دیگر شامل می‌سازد (ممکن است نام جدید و یا لقب) دهد. به طور مثال تیم قندهار از نام یکی از اعضای تیم نامگذاری شده است.
مانند تیم های A, B, C, D, E
۷. ترتیب از آغاز مطالعه تا پایان این است، که هر یک از اعضای تیم خلاصه معلومات داده شده را به گروپ های کوچک ارائه می‌کند. وظیفۀ این عضو مسؤول تیم (متخصص موضوع) به اعضای گروپ های دیگر در بخش های داده شده یی که آنها خوانده و بحث کرده است.

دستور العمل جایگزین:

ساختار جیگسا بسیار پیچیده بوده، به احتمال قوی کاربرد آن با شاگردان و تعلیم دهنده گان با تجربه مناسبت بیشتر دارند. زیرا توقعات عالی و مسؤولیت ها به شاگردان سپرده می‌شود. تدریس شاگردان در تیم اصلی می‌تواند مقتضی بر تجارب شاگردان باشد. این می‌تواند تعدیل شود، اگر ساختار جیگسا تغییر کرد، بناءً اعضای دو تیم که عین بخش را خوانده و بحث کرده با جورهٔ شاگردان دیگر یکجا شده می‌توانند. یا به عبارت دیگر در عوض ترکیب گروپ پنج نفری ترکیب گروپ های ده نفری را می‌توان ساخت.

توضیح و دستور العمل: ۱، ۲، ۳

۱، ۲، ۳ برای شاگردان بعضی فرصت های خلاصه سازی را در مفاهیم کلیدی که باعث تفکر ایشان و تمرکز بالای دلچسپ ترین مفاهیم و سپس اقدام به سوالات که بتوانند پرده از روی نا دانستنی هایی که تا هنوز نا مشخص است، بردارند.

معمولاً معلمان اینگونه استراتیژی را در عوض اوراق سوالات از خواندن فصل های متون به کار می‌برند و زمانی که شاگردان به صنف در روز آینده می‌آیند، شما می‌توانید که جوابات مثال ساختار اوت لین طرح دیاگرام که تشخیص تسلسل و یا تفکیک علت و اثر را انجام دهند.

شاگردان بر اینست که مباحث در مفکوره های یافت شده، که ایشان افاده کرده، در صنف مورد توجه قرار گیرد. شاگردان شماره های ۱، ۲، ۳ تنظیم گرافیکی همراه با چیزهای ذیل است:

۱. سوال که هنوز در دل داری.
۲. چیزهای دلچسپ است.
۳. چیزهایی که شما پیدا کرده اید.

از اینکه شما چه چیز را درس می‌دهید، مربوط به شما است؛ اما شما می‌توانید ۱، ۲، ۳ به هر شکلی که می‌خواهید، تغییر دهید. مثلاً اگر شما فقط انتقال دورهٔ فیودالی را به ظهور حکومت های ملی مطالعه می‌کنید. شاید شما سه فرق را در بین فیودالیزم و دولت های ملی و دو مشابهت و یک سوال که ایشان هنوز دارند، پیدا کنید.

توضیح و دستور العمل:

داخل و خارج دایره، یکی از تکنیک های خلاصه سازی است، که شاگردان خویش را بالا و حرکت می‌کنند و در این شیوه زمینه را طوری مساعد می‌سازند ... و در هنگام حرکت با یکدیگر گپ نمی زنند. بعد از ختم مطالعه یک متن، معلم تیم را تقسیم می‌کند، نصف شاگردان طوری می‌ایستند که پشت شان به سوی داخل دایره باشد، این ها همتاهای بخش A می‌باشند. صنف دیگر شاگردان دایره یی را تشکیل داده اند، که مقابل دایرهٔ اولی می‌باشد. این شاگردان همتای B اند. همتاهای A اول گپ خواهند زد، به سرعت آنچه خوانده اند در چند دقیقه خلاصه می‌سازد. بعد از آن همتای B به اندازهٔ وقت همتای A گپ می‌زند و در خلاصه سازی چیزی علاوه می‌کند.

اگر معلم در مرکز دایره ایستاده شود، می‌تواند به آسانی جواب یا عکس العمل شاگردان را مراقبت کرده می‌تواند. حال زمان آن است که حرکت کنند. شاگردان همتای A را بگوید که دست های راست خویش را بالا کنند و بعد دو نفر به طرف راست حرکت کنند، که همتای جدید را ملاقات کنند. بعد آنها با همتای جدید که ایشان خلاصه را با همتای A گویند، اول دوام می‌دهد این مربوط به اندازهٔ صنف است. معلمان از شاگردان می‌خواهد که بیشتر حرکت کنند و با کمی دقت به تکمیل فعالیت پرداخت شود.

داخل و خارج دایره تمام شان را مسؤول برای داشتن چیزی برای گفتن می‌سازد. معلم می‌تواند این فعالیت را به حیث ارزیابی و سنجش تدریجی توسط ایستادن در مرکز دایره و گوش فرا دادن به مکالمات و مفاهمه می‌گردد.

دستور العمل جایگزین:

۱. معلم دو دایره متحد المرکز را با داشتن عین تعداد از شاگردان می‌سازد.
۲. شاگردان در داخل دایره، رو به همتاها ایستاده در بیرون دایره می‌ایستند.
۳. از شاگردان داخل دایره سوال کنید، که چیزی را با همتای شان در وقت فعالیت شریک سازند.
۴. معلم نقش ذخیرهٔ شاگردان دارد.
۵. شاگردان در خارج دایره تجارب، خود را با همتای شان سهیم می‌سازند.
۶. معلم وقت را کنترل می‌کند، به طور مثال در خارج دایرهٔ نوبت شما است، که در یک دقیقه تجارب خویش را با دیگران شریک سازند.
۷. معلم در داخل دایره بالنوبه حرکت می‌دهد و شاگردان روی خویش را به همتای جدید دور می‌دهند، مراحل ۲، ۳ تکرار شود.

خلاصه سازی جذاب و پر کشش یا مقناطیسی

خلاصه سازی های جذاب و کشش دار به شاگردان کمک می‌شود، تا ایشان اصطلاحات و یا مفاهیم کلیدی را از مطالعه و خواندن توسعه دهند. این مقناطیس کلمات به شاگردان کمک می‌شود تا آنها معلومات را طوری تنظیم کنند، که باعث ابتکار خلاصه سازی شاگردان گردد.

۱. مفهوم مقناطیس را که در این متن استعاره به کار رفته، ارتباط و نزدیکی آن را به دانش قبلی شاگردان بیان کنید. آن طوری که مقناطیس ها فلز را به خود جذب می‌کند، لغات کشش دار نیز معلومات را به خود جذب می‌کند.
۲. شاگردان را رهنمایی کنید، که بخش کوتاه از متن را بخوانند ودر هنگام خواندن آنها باید در جستجوی مفاهیم کلیدی باشند، که نمایانگر نظم مواد متن است.
۳. بعد از اینکه شاگردان مواد مورد خواندن را خلاص کردند، آنگه لغات جذاب و کشش دار را به طور امکان پیدا کنید.
۴. به حیث یک صنف، لغتی را به نام اصطلاح مقناطیسی کلمه دریابید و بالای تخته بنویسید. «هر گاه این استراتیژی را به کار می‌برید، لازم است که لغات مستعار مقناطیسی یا کشش دار از قبل انتخاب کنید، نسبت به اینکه شاگردان آن کلمات را انتخاب کنند».
۵. با اعضای صنف لغات اضافی، مفکوره ها و شرح و بیان که تقویت کننده کلمه جذاب باشد، از مواد خواندنی خویش بیرون نویس کنید و بالای تخته بنویسید.
۶. به حیث یک صنف یا گروپ کوچک یک پاراگراف را بنویسید که در آن لغات مقناطیسی طور مفصل به کار برده شده باشد.
۷. باقیماندهٔ متن را برای خواندن شاگردان تعیین کنید. شاگردان می‌توانند طور همکارانه و یا مستقل بخوانند؛ اما برای هر کدام آنها چندین کارت فهرست برای لغات کشش دار علاوگی به منظور تقویه ای در شرح و بیان متن تهیه کنید. طوری که آنها باقی متن را که می‌خوانند، آنگاه می‌توان لغات کشش دار و جذاب را در متن پیدا و انتخاب کنند.

۸. شاگردان را در گروپ های کوچک تنظیم کنید. آنها کارت های فهرست را با همدیگر تبادله می‌کنند و خلاصه سازی را مبتکرانه انجام می‌د هند.
۹. در عقب هر کارت لغت مقناطیسی خلاصه را بیان کنید.
۱۰. خلاصه ها را از کارت مقناطیسی به خلاصه سازی پاراگراف تبدیل نمایید.

یک جمله:

دستور العمل:

یک جمله، یک کلمه می‌تواند باعث شود، که شاگردان تمرکز فکری خود را به کمک آن در مفاهیم کلیدی و موضوع خواندن و یا عنوان مورد مطالعه معطوف نمایند. این شیوه به درک و فهم و انکشاف ذهنی دریافت مفهوم و تفسیر و تغییر جملات و خلاصه سازی منتهی می‌گردد. مفید بودن دیگر آن، این است که تمام شاگردان می‌توانند سهم گیرند و موفقیت ها را صرف نظر از فرق استعداد ها و سطح دانش به دست آرند.

زمانی که معلم با کسانی که آغاز به خواندن نموده و یا در هنگام خواندن تقلّا می‌کند، کار می‌نمایند، می‌توانند یک جمله را حذف کنند و فکر خود را به یک لغت یا کلمه متمرکز نمایند.

دستور العمل:

۱. متن مورد خواندن را انتخاب کنید. مواد انتخاب شده می‌تواند از یک مقالۀ کوتاه یا تصویر و یا پارچه های ادبی به سبک قصه و حکایت و یا توضیح یک مطلب در ساحۀ متون ادبی باشد.
۲. موضوع مطالعه و خواندن را تعیین کنید.
۳. زمانی که شاگردان مطالعۀ پلان شده را خلاص نمودند، بعداً تمام اعضای صنف را متوجه فعالیت بعدی نمایید.
۴. از شاگردان طور انفرادی بخواهید که جمله یا اصطلاح و یا مقوله یی را علامت گذاری کنند، که نزدشان با مفهوم بوده است. نباید شاگردان در این مرحله جملات اصلی را به جملات سبک خود بنویسند، هدف از این تمرین و ممارست این است که بیانیه های متنوع را بیشتر از یک و یا دو به دست آورد، شاگردان باید مستقلانه کار نمایند.
لازمۀ این مرحله این است که شاگردان دانشی را که از خواندن متن به دست آورده اند، دوباره سازی کند و با دانش قبلی خود یکجا دانش خودی سازند. همچنان ایشان را در موقعیتی قرار می‌دهد، که معلومات را ترکیب و ارزیابی کنند و بدانند که چه چیزها مهمترین آنها است.
۵. از اینکه شما می‌خواهید آموزش و یادگیری شاگردان را مراقبت و مشاهده کنید، چیز مهم این است که شاگردان را به پیمانۀ زیاد تشویق نمایید، که غالباً همکاری های یادگیری سهیم باشند.
۶. شاگردی متن انتخاب شده را می‌خواند، به حیث شاگرد از او خواسته شود که چطور و چگونه جملات و بیانیه ها و عبارات و مقوله ها به او مفید و هم بوده است. همچنان او توضیح دهد که نظم محیط مطالعه بیانگر چه چیزها بوده است. زمانی که شاگردان بیانیه ها و عبارات را به بحث می‌گیرند، آنها جملات را به عبارات خود می‌نویسند و متوجه مفاهیم عمده می‌باشند.
(سازگاری به این گونه عملیه ها مربوط به متن است، اگر موضوع مطالعۀ شما ادبیات داستانی است، آن گاه لازم است که شاگرد دربارۀ کرکترهای شامل در داستان و حوادث که داستان را مشخص و برملا می‌سازد نیز نظر خویش را طور مستدل آشکار سازند.

یک کلمه (لغت)

بعد از خواندن چند جمله و یا یک پاراگراف، لازم است تا شاگرد آنها را طوری خلاصه نماید، که در یک کلمه گفته بتواند که مفهوم و یا هدف از آنها چیست و چه پیامی به خواننده می‌دهد. آن را به فردی و یا گروپ خود گفته بتواند. آن گاه هر یک از گروپ ها، حاصل مطالعهٔ خود را که چه فهمیده اند، در یک کلمه به افراد و گروپ های دیگر بگویند و سوال را از همدیگر چنین اقامه کنند «یک نظر عالی و بزرگ و یا مفهوم کلی و عمده را که از خواندن متن دریافته اید» به یک کلمه خلاصه کنید و بگویید که آن چیست؟

استراتیژی جایگزین:

۱. متن را برای مطالعه انتخاب کنید. متن مورد انتخاب می‌تواند از یک مقالهٔ کوتاه دربارهٔ کتاب تصویری با یک پارچهٔ ادبی در ساحهٔ متون خواندنی باشد.
۲. موضوع خواندن و مطالعه را تعقیب کنید.
۳. هر یک از شاگردان کلمات انتخاب کردهٔ خویش را با دیگران در میان می‌گذارند و توضیح می‌دهند، که چرا و چگونه مفهوم کلی داستان و یا متن مورد مطالعه را انعکاس می‌دهد. خلاصه سازی یک متن درسی کلمه به شاگردان توانمندی ها و عادات مفید را طوری انکشاف می‌دهد که آنها مفاهیم مهم و نظریات عمده را در یک نگاه از متن استنباط کنند.

انتخاب یک کلمه از یک متن به مفهوم آن نیست، که خواننده را به درک و فهم مفهوم کلی رهنمایی کند؛ بلکه هدف این است که شاگردان با تفکر انتقادی و استدلال منطقی و عقل سازنده از مفاهیم کلی متن در یک کلمه گنجانیده، در یک کلمه بگوید که هدف و مرام از این متن چیست؟

هر دو نوع این فعالیت ها «خلاصه سازی در یک جمله و در یک کلمه» می‌توانند در بحث و گفتگو در پیدا کردن مفاهیم عمده، هدف و مقصد مؤلف از نوشتن متن و کتاب به کار روند.

بازگویی در کلمات خویش

بعد از خواندن چند جمله و یا یک پاراگراف اگر شاگردی بخواهد که رجوع به بازگویی کلمات در زبان و سبک فهم دانش خود نمایند، آنگه از ایشان توقع چنان است، که آنچه را خوانده اند، به عبارت خود به دیگران و گروپ خویش بیان کنند.

همچنان بیان کننده می‌تواند از اعضای گروپ و یا دیگر اشتراک کننده گان بخواهندکه گفته های او را آنها به زبان و عبارت خود بازگو نمایند.

شاگردان می‌تواند که به متن و موضوع مطالعه ببینند و بخوانند؛ اما آنها نمی توانند دوبارهٔ خوانی را؛ مانند آنچه ایشان بازگویی می‌کند، تمثیل کنند.

بازگویی یک بخش به سبک و فهم خودی خواننده (نسبت به قرائت یک متن از حافظه) به شاگردان چنان فرصت و زمینه را مساعد می‌سازد، که آنچه را آموخته به نمایش گذارد و مورد عمل قرار دهد.

با چرخش بازگویی در کلمات خویش چیزی است، که شنونده باید بسیار متوجه آن باشد.

فصل ششم

راهنمایی امتحان برای معلمان ابتدایی متوسطه و دورهٔ لیسه

بخش ها / مطالب

1. امتحان شاگردان برای دانش: چه وقت همه آن شروع شد؟
2. هدف امتحان چیست؟ چرا از امتحانات استفاده میشود؟
3. ساختار امتحانات مؤثر.
4. پیشنهادات بیشتر برای نوشتن سوالات مختلف امتحان.
5. دستورالعمل های بیشتر برای سوالات چهار جوابه.
6. رهنمایی های دیگر انکشاف امتحان برای استادان.
7. طبقه بندی عینیت های تعلیمی بلوم.
8. درجه بندی معرفتی تفکر و آموزش.
9. نتیجه گیری و بعضی موضوعات دیگری که دربارهٔ آن فکر شود.

خلاصه معرفی فصل دوازدهم

در فصل اخیر (فصل یازدهم)، آرزیابی آموزش، مفهوم عالی ارزیابی را شرح داده است. هدف ارزیابی اینست که شاگردان چطور خوب آموخته اند. نسبت به امتحان مفهوم وسیع تری را احتوا میکند. یک ارزیابی شاید شامل مشاهده شاگردان طوریکه آنها با هم یا مستقلانه کار میکنند، بحث با شاگردان در باره آموزش شان، مثال کار شاگردان، محصولات و پروژه ها شود. یک "ارزیابی معتبر" که شواهد رشد کار شاگردان را در آموزش اندازه گیری میکند، مثال های کار اولیه صنف را با مقایسه مثال های بعدی در صنف جایی که آموزش و رشد میتواند دیده شود شامل خواهد شد.

۱. امتحان شاگردان برای دانش: چه وقت همهٔ آن شروع شد؟

کدام شخص در میان ما ترس امتحانات را احساس نکرده است؟ آیا تشویش تان را به یاد دارید؟ یک شب بی خوابی قبل از امتحان، کف های دست پر از عرق، رقابت قلبی، دهن خشک، دست های لرزان، آیا شما این ترس ها را تجربه کرده اید؟ اطفال و جوانان اکثراً قبل از امتحان ترس و نگرانی احساس میکنند. همچنان استادان وقتیکه به امتحانات ملی و دیگر امتحانات خواسته میشوند این نگرانی را احساس میکنند. چرا ما همین طور هیجان زده هستیم؟ ما از چه میترسیم؟ آیا ما مشروط بر ترس ناکامی یا شرم و خجالتی یک نتیجه ضعیف هستیم؟ این تجربه با خوشی و افتخار آموزش چه باید کرد؟ چه وقت و چرا این جریان ایجاد ترس امتحان برای انسان شروع می شود؟

امتحان همیشه وجود داشت؛ مگر قبلاً امتحانات زیاد با همچو علم امتحان که آنها را طراحی کنیم و یک علم اندازه گیری که آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و علم ارزشیابی که انها را انتخاب کنیم که کی آنهارا خوب انجام داده و آنهایی که خوب انجام نداده اند، کنار گذاشته شود هر گز نبود.

در یونان باستان، سقراط شاگردان خود را به وسیله محاوره امتحان میکرد. جوابات طور درست و غلط نمره داده نمیشد. آنها فقط بیشتر دیالوگ (تبادل نظر) میکردند. بسیاری از نخبه گان فکری در قرن چهارم وپنجم قبل از میلاد نسبت به ارایه یک جواب درست مراقبت بیشتر در مورد پیدا کردن طریق دانش بالاتر میکردند. به ایشان، دقت برای دوکان داران بود. ایجاد دیالوگ سقراط در یک صنف مشکل است؛ مگر بسیاری استادان به این میتود نسبت به دادن امتحانات برای تشویق آموزش ترجیح میدهند.

در دوران حکمروایی مینگ (۱۳۶۸ – ۱۶۴۴)، چین یک سیستم بررسی به عنوان یک رویکرد مبتنی بر شایسته گی برای انتصابات را به دفتر دولت تاسیس کرد. برای امتحانات با حذف نهایی، سپس آمدن یک امتحان اداره شده توسط خود امپراتور سه سطح وجود داشت. موضوع امتحانات استندرد و فراتر از هر چیزی که امروز ما می بینیم بود. امتحان به اساس مجموعۀ کار های محدود قدیم بود که از ارسال شده های معاصر محروم بود. امتحانات به طور انحصاری وابسته گی به حفظ کردن این آثار دارد. امتحانات به طریقه یی اداره شده است که تاکید بر گمنامی میکند. رسیدن به سطح سوم در خانه های جداگانه معادل کابین های روز عالی نوشته شده است. آنها پس از چند روز نوشتن به معنای واقعی کلمۀ مقالات خود را بالای یک دیوار انداختند، جایی که در آن نگارش توسط نویسنده برای حصول اطمینان از اینکه هیچ نشانه یی از داستان شاگردان وجود ندارد چاپ شد.

کسانیکه در جستجوی دفاتر دولتی نخبه گان بودند سالهای زیادی را برای تهیه امتحان سپری کردند. آنهایی که ناکام میشدند، میتوانستند هر قدریکه بخواهند درخواست امتحان کنند. این سیستم به مردم امیدواری میداد که حتی کسانی که بسیار عاجز هستند می توانند به طبقه بالا با زور، اراده و تلاش خود را رشد دهند. این طریقه به نوبه خود ثبات این سلسله را توسعه داد؛ زیرا که ممکن است آنها ناکامی خود را از خارج سیستم وکسیکه که استعداد برانگیختن انقلاب را داشت می توانست به مراحل نخبه گان جامعه برسد.

این سیستم توسط دیگر کشور های آسیایی به ویژه جاپان و کوریا پذیرفته شد و تا عصر معاصر با کمی تغییر ادامه پیدا کرد. این سیستم برای مکاتب و دولت در تمام خاور دور، آسیای مرکزی و جنوبی به شمول افغانستان یک تمرین سنتی شد. مسیر به پوهنتون های عالی از طریق امتحانات استندرد مشابه بر اساس توانایی به خاطر سپردن و آموختن توسط حفظ طوطی وار به وجود آمد. این امتحانات از اهمیت حیاتی برخوردار بودند که شاگردان کار های صنفی خود را با ساعت ها مطالعه پس از مکتب تعقیب میکردند و اکثراً یک سال اضافی را برای آماده گی در بر میگرفت. امتحانات ورود به مکاتب متوسطه نخبه گان، که به نوبه خود شاگرد را برای مجموعۀ امتحانات به مکاتب نخبه گان بالا، که سپس به پوهنتون نخبه گان آماده میساخت اداره میشد.

مؤرخان افزایش امتحان را یک رشد سریع اجتناب ناپذیر توسعه تکنالوژی میدانند. طوریکه اموال یا اجناس و خدمات با سرعت عالی و کیفیت و کمیت عالی تر عرضه میشود، سطح تعلیم و تربیه باید به سرعت بلند برده شود.

امتحانات استندرد دارای منابع زیاد میباشد. همانطور که در بالا نشان داده شد، در امپراتوری چین در قرن هفتم میلادی متقاضیان کار، دولت مجبور به نوشتن مقاله در مورد فلسفه کنفسیوسی و سرودن شعر بودند. در اروپا، اختراع چاپ و تولید کاغذ مدرن رشد امتحانات تحریری را شدت بخشید.

تا سال ۱۸۴۵ در ایالات متحده امریکا استادان مترقی خواستار امتحان مقالهٔ استندرد بودند. با وجود آنکه امتحانات املاء، جغرافیه و ریاضی ندرتاً استندرد بود در مکاتب شگوفا شد.

در قرن نوزدهم مکاتب غرب شاگردان شان را به خاطریکه چیزی که آنها تدریس شده اند بر آن مسلط هستند یا نه امتحان میکردند و شاگردانیکه امتحان را مؤفقانه سپری نمیتوانستند ناکام محسوب میشدند. معلمان مکاتب در قرن نوزدهم اغلب خواسته میشد تا امتحان از دانش خود را مؤفقانه سپری کنند و می تواند توسط یکی از اعضای هیئت مدیریت مکتب محلی (که معمولا شامل یک عضو روحانیت) مصاحبه شود تا مطمئن شوند که آنها در هیچ دیدگاه های غیر متعارف و غیر معمول اعتقادات مذهبی پناه داده نشده اند؛ اما زمانی که آنها برای خدمات پذیرفته میشدند، معلمان با آزمایشات بیشتر از شایسته گی و یا ظرفیت آنها روبرو میشدند. اگر شاگردان در آموزش ناکام میشدند اشتباه شاگردان بود.

در آغاز قرن بیستم، مربیان غربی به تجربه امتحانی که کلید جوابات داشت و در اطراف مقاله روش قدیمی صورت میگرفت شروع کردند. آلفرد بینه، روانشناس فرانسوی، یک آزمون هوش را در سال ۱۹۰۵م. توسعه داد. در سال ۱۹۱۴م. فریدریک جی کلی امریکایی امتحان سوالات چهار جوابه را طراحی کرد. بسیاری از آمریکایی ها این امتحانات را به عنوان ابزار مؤثر برای کمک به ایجاد یک جامعه بر اساس شایسته گی، نه تولد و یا نژاد یا ثروت پذیرفتند.

توسعه امتحان به عنوان یک ابزار علمی در قرن بیستم با روانشناسان و متخصصان روان با توسعه معیارهای آزمایش، دستورالعمل ها، و امتحان برای اندازه گیری هر جنبه یی از شخصیت انسان به سرعت گسترش یافته است. این آزمایشات شامل امتحانات یادگیری، هوش، و شخصیت برای مطابقت با خط مشی، امتحان برای اندازه گیری نگرش ها، علایق و حتی استعداد حرفه یی میشد.

در مکاتب امروزی از استادان خواسته میشود تا امتحانات را به خاطر اندازه گیری مؤفقیت های شاگردان ایجاد کنند. اکثراً درجه نهایی شاگردان تنها بر اساس نتایج امتحان است. اکثراً سوالاتی را که استادان میسازند خوب نوشته نشده است و بسیار ضعیف ساخته شده است و بالای مهارت های مهم و مفاهیمی که آموخته شود تمرکز نمیکند و شاید کاملاً برای شاگردان نا درست باشد.

اگر از استادان خواسته شود که برای امتحان شاگردان شان سوال بسازند آنها نیاز دارند که به خاطر ساختن سوالات آگاه باشند. این فصل پیشنهادات مفید را در بارهٔ ساختن و گرفتن امتحان برای استادان پیشکش میکند.

به هر حال اول اجازه دهید تا بر رسی نماییم که چرا ما به استفاده و توسعهٔ امتحان ادامه میدهیم و چطور امتحان به مفهوم وسیع تر ارزیابی شاگردان مناسب است، در فصل اخیر شرح داده شده است.

۲. هدف امتحان چیست؟

امتحان فقط یک بخشی از ارزیابی است.

ارزیابی در تعلیم و تربیه دارای سه هدف میباشد:

۱. ارزیابی تشخیصی: معلوم میکند که شاگردان در کدام بخش مشکل دارند و به همکاری بیشتر، میتود دیگر یا وقت بیشتر برای آموختن نیاز دارند.

۲. ارزیابی تکوینی: این ارزیابی در جریان آموزش به خاطر مشخص نمودن این که شاگرد یاد گرفته یا استاد نیاز دارد که دوباره آن را تشریح نماید به کار برده میشود. ارزیابی تکوینی به این معنی است که آموزش در جریان شکل گیری ارزیابی شود.
۳. ارزیابی نهایی: ارزیابی نهایی در پایان یک برنامه آموزشی، کورس یا سال صورت میگیرد. ارزیابی نهایی ثبوت اینکه شاگردان چه را آموخته اند خلاصه میکند. هر چند در ارزیابی نهایی این هم پایان نیست. استادان نیاز دارند تا به نتایج تمرینات ارزیابی نهایی شان نگاه کنند تا ببینند که کدام نوع معلومات را بسیاری شاگردان شان نفهمیده اند. این بازدهی شاید برای استادان وقتیکه این مواد را در یک روش تصحیح شده با استفاده از معلومات نتایج ارزیابی نهایی قبلی صنوف دوباره تدریس میکنند کمک می نماید.

چرا شاگردان امتحان شوند؟

به پاسخ این سوال میتوانیم بگوییم که ما نیاز داریم بدانیم که شاگردان چطور در مکتب کار های شانرا انجام میدهند. از زمانیکه مکاتب وجود داشت استادان انواع مختلف امتحانات را به خاطر چگونه گی آموزش شاگردان و مؤفق بودن یا نبودن هدایات شان استفاده میکردند.

مطابق نظریه کار شناسان و محققین، امتحان بسیار اهداف مهم را انجام میدهد. امتحان نه به خاطر مجازات و مکافات شاگردان؛ بلکه به خاطر بسیاری ازدلایل استفاده میشود.

بعضی محققین در برابر افزایش امتحان استدلال کرده اند و میگویند که افزایش امتحان تنها به خاطر انجام دادن اهداف بسیار نیست؛ بلکه امتحان نسبت به دیگر اصلاحات مکتب؛ مثل، انکشاف مسلکی (پروگرام های تربیۀ معلم) ارزان تر است. او اشاره می کند که امتحان را می توان به جای نسبتاً سریع قرار داد که می تواند معلمان را تحت فشار قرار دهد تا ایشان را به تغییرات آموزشی به امید بهبود عملکرد امتحان و تمایل به جذب رسانه ها و توجه افکار عمومی وادار سازد.

جواب مختصر به اینکه "چرا شاگردان امتحان میشوند؟" این است که امتحان در خدمت گسترش تعدادی از اهداف مهم تعلیم و تربیت، تقویت برخی از ملاحظات سیاسی و مالی است.

امتحان ملی معلمان و شاگردان، پیامدهای سیاسی دارد و به پالیسی و سیاست مرتبط است. هرچند استادان امتحانات شان را شاید به خاطر اهداف ذیل استفاده کنند:

- تشخیص توانایی و ضعف شاگردان.
- کنترول کردن پیشرفت هر شاگرد.
- تعیین درجات.
- مشخص کردن مؤثریت تدریس استاد.
- ارایه اطلاعات برای اطلاع رسانی به تصمیم گیری های آموزشی و برنامه تحصیلی.
- کمک استادان جهت مشخص نمودن مقاصد آموزشی شان.

هنگامی که نتایج وظایف مکتب، امتحان دولت، مشاهدات استاد و امتحانات صنفی یکجا شود میتواند تصویر توانایی ها و ضعف های شاگرد را تهیه کند. همچنان میتواند استاد و والدین را آگاه سازد که شاگردان در حال رشد هستند یا عقب میمانند.

مشخص نمودن مؤثریت درس یک استاد میتواند یک جنبه دیگر بسیار مفید امتحان صنفی باشد. اگر تمام شاگردان کمتر از توقعات استاد کار های شان را در یک امتحان انجام دادند استاد میتواند در نتیجه تدریس خود را تغییر دهد. او باید میتود های مختلف تدریس را استفاده کند، وقت بسیار را بالای مفاهیمی که فراموش شده سپری کند یا مواد گوناگون تدریس را استفاده کند.

همچنان امتحانات صنفی استاد را کمک میکند تا مقاصد تدریس خود را واضح سازد. امتحانات رو به توسعه مقدم بر هدایات است که استادان را تشویق میکند تا یک نقشه رهنمایی واضح را برای آموزش که شامل استندرد ها، هدایات و ارزیابی میشود گسترش دهد.

۳. ساختن امتحانات مؤثر

بسیاری مربیان در تدریس تازه شروع کردند. فرض کنید که آنها میدانند سوالات امتحان را بسازند؛ مگر این یک مهارت آموخته شده است که سالها را در بر میگیرد تا توسعه داده شود. خوشبختانه، چند استراتیژی های کلیدی کمک می کند تا امتحانات متوسط را به آمتحان مؤثر تبدیل کنیم. بعضی استراتیژی های عمومی که در زیر ذکر میشود مربیان را کمک میکند تا بیاموزند که چطور سوالات خوب برای امتحان آماده کنند یا به اساس مهارت هایی را که قبلاً دارند سوالات را آماده کنند.

شروع از: چطور یک سوال امتحان را طراحی کنیم؟

آموختن طریقه ساختن سوالات امتحان اکثرا بخش مشکل پروسه است. مربیان باید با مشخص نمودن اهداف اصلی یا نتایج آموزش کورس آغاز کنند. این ممکن است که برای استادان مفید باشد تا با خود لست ده چیزی را که از شاگردان شان میخواهند به یاد داشته باشند با خود بیاورد. سپس آنها میتوانند این ها را به خاطر تمرکز بالای سوالات امتحان استفاده کنند.

بعداً ساختار امتحان را مشخص کنند. اکثراً یک آمیزش سوالات چندین گزینه یی، جواب کوتاه و سوالات مقاله یی شاگردان را خوب اجازه خواهد داد تا وسعت و عمق دانش خود را بیان کنند. با این حال، موضوعات خاصی است که بر تفکر انتقادی بر حفظ؛ مانند مطالعات ادبیات، که بیشتر منجر به تنها امتحان مقالات است تاکید میکند. هنگامیکه مربیان مشخص میکنند که چطور امتحان را طراحی کنند آنها باید برای هر بخش یک نمره تعیین کنند.

نوشتن سوالات مؤثر وقت و تمرین بیشتر را در بر میگیرد. این که آیا هدف شما اندازه گیری دانش و مهارت ها، نظرات و بررسی نگرش و یا افزایش تجربه یادگیری، کلمات ضعیف سوال است می تواند به طور مخالف بالای کیفیت نتایج تاثیر بگذارد.

در صورت امکان یک همتای خود را که در ساحه محتوای امتحان تخصص دارد به خاطر مرور بر چیز های مبهم، زواید و مشکلات ساختاری با خود داشته باشید.

پس از تکمیل سوالات که ممکن است ما به خاطر تکمیل وظیفه در وسوسه باشیم به طور معمول راحت هستیم. ممکن است ما هر مورد را در شکل نهایی و دایمی اش بگذاریم.

با این حال قانون برای تعقیب آن : تجدید دوباره است.

مراحل تهیه سوالات امتحان:

۱- پلان محتوا و شکل امتحان

- تعیین مواد تحت پوشش توسط امتحان
- مرور اهداف آموزش ارزیابی شده با امتحان
- ایجاد جدول خصوصیات
- مشخص نمودن زمان و شکل امتحان

۲- نوشتن سوالات امتحان

- ایجاد سوالات امتحان با استفاده از تهیه دستورالعمل ها
- ترتیب موضوعات در امتحان توسط گروپ بندی بر اساس نوع موضوع
- نوشتن هدایات برای هر گروپ موضوعات

۳- مشخص نمودن معیار و میزان درجه بندی

- شامل شرح مختصر پالیسی درجه بندی یا توزیع هدایات امتحان مربوط میشود.

۴- تجدید نظر و اصلاحات

- بررسی نتایج امتحان برای شناسایی مشکلات موضوعات خاص امتحان
- تجدید، اصلاح یا حذف موضوعات در صورت ضرورت

چگونه میتوان انواع مختلف سوالات امتحان را برای یک مضمون بسازیم؟

۱. سوالات درست و غلط

- سطح محتوای دانش
- ارزیابی درک شاگرد از تصورات غلط معمول
- مفاهیم با دو جواب منطقی

فواید:

- میتواند محتویات زیاد را امتحان کند.
- شاگردان میتوانند ۳-۴ سوال را در یک دقیقه جواب دهند.

نواقص:

- سوالات آسان است.
- مشکل است تا شاگردان فهمیده را از نا فهم فرق کنیم.
- شاگردان ۵۰ فیصد چانس دارند تا با حدس زدن جواب درست را پیدا کنند.
- برای قابلیت اعتماد عالی نیاز به موضوعات زیاد دارد.

رهنمود ها برای نوشتن سوالات خوب درست و غلط:

- اجتناب از دو منفی
- اجتناب از جملات طولانی و مغلق
- استفاده از عوامل تعیین کننده خاص با احتیاط: هرگز، تنها، همه، هیچ، همیشه، می تواند، ممکن است، گاهی اوقات، به طور کلی، برخی، و چند.
- استفاده فقط یک نظریهٔ مرکزی در هر موضوع
- تاکید نکردن بالای جزئیات
- استفاده زبان کمی دقیق
- انتقال ندادن مستقیم موضوعات از کتاب
- بیشتر ساختن سوالات غلط نسبت به درست (۶۰/۴۰). ممکن است شاگردان بیشتر به سوالات درست جواب دهند.

۲. چندین گزینه یی

خوب است برای:

- درخواست، ترکیب، تجزیه و تحلیل و سطوح ارزیابی

انواع:

- سوال/ جواب درست
- بیانیه نا مکمل
- بهترین جواب

فواید:

- بسیار مؤثر
- دارای کار برد زیاد در همه سطوح
- حد اقل نوشتن برای شاگردان
- کاهش حدس زدن
- پوشش ساحه وسیع محتویات

نواقص:

- مشکل بودن ساختن مطالب خوب امتحان
- مشکل بودن ساختن جوابات گیج کننده یا گزینه جوابات

رهنمود ها برای خوب نوشتن سوالات چندین گزینه یی:

- سوال باید مجرد بوده و مشکل را به شکل فورمول شده پیشکش کند.
- سوال باید ساده و زبان آن قابل فهم باشد و کلمات اضافی را حذف کنید.

- از همه موضوعات فوق جلوگیری کنید؛ زیرا شاگرد میتواند به اساس دانش جزیی خود (اگر یک آن نا درست و دو جواب درست باشد، مگر در سومی مشکوک باشد) جواب دهد.
- همه موضوعات گیج کننده را (جوابات ممکن الف تا د) محتمل و یکسان سازید.
- گزینه های جوابات را روی هم نیندازید (تبعیض در میان شاگردانی که مواد را میدانند یا آنهایی که نمیدانند را کاهش دهید).
- دو جواب منفی را استفاده نکنید.
- گزینه ها را به ترتیب عددی و منطقی پیشکش کنید.
- جواب را در یک جای تصادفی بگذارید (جوابی که اغلب زیاد است).
- هر بخش را در امتحان مستقل از بخش دیگر سازید.
- طریقه یی که جواب دران خوب قضاوت میشود را انتخاب کنید: شاگردانیکه محتوا را میدانند باید قادر باشند تا سوال را قبل ازخواندن گزینه ها جواب دهد.
- گزینه ها را در خط های متفاوت برجسته سازید البته به طور جداگانه توسط خط های خالی، برای جوابات گزینه ها در مقابل شماره ها حروف را استفاده کنید.
- به بیشتر از سه گزینه نیاز داریم. چهار گزینه بهترین است.

۳. جواب کوتاه

خوب است برای:

- درخواست، ترکیب، تجزیه و تحلیل و سطوح ارزیابی

فواید:

- ساختن آن آسان است.
- برای محتویات کی، کدام، کجا و چه وقت خوب است.
- حدس زدن را کاهش میدهد.
- شاگردان را به بسیار مطالعه شدید تشویق میکند. شاگردان باید در مقابل تشریح جواب اصل جواب را بدانند.

نواقص:

- شاید حفظ حقیقت ها را بیش از حد تاکید کند.
- مراقبت سوالاتی که ممکن بیش از یک جواب درست باشد.
- نمره دادن دشوار است.

رهنمود ها برای بهتر ساختن سوالات جواب کوتاه:

- هنگام استفادۀ تعریفات: فراهم کردن اصطلاح نه تعریف برای یک قضاوت خوب دانش شاگرد.

- نشان دادن درجه دقیقی که برای اعداد انتظار میرود یا خواسته میشود.
- استفاده سوالات مستقیم نه یک بیانیه نا مکمل
- اگر شما بیانیه های نا تکمیل را استفاده کردید کوشش کنید که بیش از دو خانه خالی در یک مورد استفاده نکنید.
- ترتیب خانه خالی ها جهت آسان نمره دادن
- به عبارت سوال کوشش کنید؛ زیرا که در آنجا فقط یک جواب ممکن است.

۴. ارتباط دادن دو لست

خوب است برای:

- سطح دانش
- بعضی سطوح جامع اگر به طور مناسب ساخته شود.

انواع:

- اصطلاحات با تعریفات
- عبارات با عبارات دیگر
- دلایل با تأثیرات
- بخش ها با اجزای بزرگتر
- مشکلات با راه حل ها

فواید:

- پوشش حد اکثر سطح دانش در حد اقل جای/ زمان تمرین

نواقص:

- مصرف وقت برای شاگردان
- برای سطوح عالی آموزش خوب نیست.

رهنمود ها برای ترتیب کردن سوالات ارتباطی:

- نیاز ۱۵ مورد یا کم
- دادن رهنمایی های خوب به اساس ارتباط دادن عبارات
- استفاده موارد در ستون جواب بیش از یکبار (تأثیرات حدس زدن را کاهش دهید).
- استفاده یکنواخت مواد در هر تمرین
- ممکن ساختن همه جوابات
- گذاشتن همه موارد در یک صفحه
- گذاشتن جوابات در یک ترتیب منطقی

- کوتاه بودن جوابات
- سوالات آسان
- خوب است برای:
- درخواست، ترکیب، تجزیه و تحلیل و سطوح ارزیابی

انواع:

- جواب گسترده: ترکیبات و سطوح ارزیابی، بسیار آزاد بودن در جوابات
- جواب محدود: بسیار سازگار بودن نمره دادن، عناوین شاخص های جواب

فواید:

- احتمال کم حدس زدن شاگردان
- تهیه کردن یا ساختن آسان است.
- وانمود کردن مطالعه بسیار
- اجازه دادن شاگردان برای بیان کردن توانایی تنظیم دانش، بیان نظریات و نشان دادن خلاقیت

نواقص:

- محدود ساختن مواد امتحان شده که روی این ملحوظ اعتبار امتحان کاهش می یابد.
- ذهنی و به طور بالقوه نمره دادن غیر قابل اعتبار
- مصرف وقت نمره دادن

رهنمود ها برای خوب نوشتن موارد سوالات آسان:

- فراهم نمودن محدودیت های با دلیل زمان برای تفکر و نوشتن
- اجتناب شاگردان از جواب دادن بخشی از سوالات انتخابی (شما نخواهید یک نظریه خوب معنی وسیع دستیابی شاگرد را به دست آورد وقتیکه آنها فقط یک بخش سوال را جواب میدهند).
- دادن وظایف معتبر برای شاگرد در بارۀ مقایسه، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و غیره.
- استفاده سیستم چک لست برای نمره دادن با مودل جواب: عنوان را بنویسید و مشخص بسازید که چقدر نکات را برای هر بخش تعیین کنید.
- نمره دادن سوالات در یک وقت – همه در وقت یکسان

۵- پیشنهادات بیشتر برای تهیه کردن انواع سوالات امتحان

سوالات چند گزینه یی:

گرامری را که شما در جواب گزینه استفاده میکنید شاید بالای شاگردان تان تأثیر کند که چطور یک جواب را انتخاب کنند. اطمینان حاصل نمایید که همه گزینه های تان از نگاه دستوری موازی است. به عبارت دیگر، اگر شما بپرسید که آیا خرگوش در کجا زنده گی میکند؟ همه جوابات تان را طور عبارات حرف اضافه بسازید.

أ. در خانه
ب. در وتر
ج. در زیر پل
د. زمین محصور

هرگاه شما گزینه "ه" را علاوه کنید به طور خطر ناک در یک راه بزرگ نزدیک میشوید و این آشکارا نادرست خواهد بود؛ زیرا این گزینه نسبت به دیگر گزینه ها به طور متفاوت ساخته شده است.

با وجودیکه هر شاگرد تعلیم و تربیه شاید آن را شنیده باشد به واولهای تان نگاه کنید. همیشه در وقت پرسیدن سوال امکان هر دو a وan را بدهید. شما میتوانید هر دو گزینه را در خود سوال یا جوابات شامل بسازید.

أ. یک زردک
ب. یک پروتین
ج. یک تخم

یک پارچه غذای سرخ شده
یا خرگوش یک "ه" ____________ در چای صبح میخورد.

همه جوابات تان را به یک اندازه بسازید. هرگاه یک جواب به طور مشخص نسبت به دیگران طولانی تر باشد شاید بهترین انتخاب یا حذف آسان باشد. کوشش کنید تا همه جوابات را به طور مساوی بسازید تا از جواب دادن فوری و بدون تفکر شاگردان اجتناب کنید.

سوالات خانه خالی

میان دانش شناسایی یک کلمه و تشریح آن تفاوت موجود است. معنای شناسایی اینست که شما هنگامیکه کلمه را میشنوید یا میخوانید آن را میدانید. به یاد آوردن به این معنی که شما میتوانید کلمه رابه عبارت استفاده نمایید. مشکل نیست که لغات زبان کسی، نسبت به زبان فراخوانی یا به یادآوردن عالی تر باشد. توانایی شاگردان تان را امتحان کنید که آیا موادی را که شما تدریس کرده اید دانسته اند یانه، دانش دو باره گفتن آنها را با فراهم نمودن ایشان با بانک لغات. میتواند بسیار یا تعداد مساوی لغت را که شاگردان شما به خاطر پر نمودن خانۀ خالی نیاز دارند. زیرا تهیه بانک لغات دانش به یاد آوردن آنها را امتحان میکند. این یک سیستم خوب اندازه گیری دانسته های شاگردان است نسبت به امتحان دانش به یاد آوردن و پرسش ایشان تا ذخیره لغات شان را به زبان خود آشکار نمایند.

سوالات صحیح و غلط

کوشش نکنید که شاگردان تان را با سوالاتی که اندک تغییر دارند گول بزنید تا آنها را ناکام بسازید. هنگام امتحان ادبیات نامهای غلط را برای حروف یا تغییر حروف در کلمات را نسازید تا آنها را نادرست بسازید. این سیستم شاگردان تان را متردد میسازد و یک معیار مفید را به خاطر درک آنها از درس برای تان نمیدهد. به عوض آن درک عمومی شان را از موضوع امتحان کنید. اگر شما واقعاً میخواهید بدانید که شاگردان تان چه را آموخته اند برای شان بیانیه های غلط را درست بسازید. این طریقه حدس تصادفی را از بین خواهد برد و یک مفکوره خوب را برای تان خواهد داد که

شاگردان تان کدام مفاهیم را تا هنوز ندانسته اند. همچنان شما خواهید دریافت که شما باید مواد مشخص را دوباره تحت پوشش قرار دهید یا یک مفهوم را به طریقه دیگر شرح دهید.

سوالات سطح مشکل

سوالات امتحان را از آسانترین شروع کرده و به طرف سوالات بسیار مشکل بروید. با وجودیکه شاید شما بخواهید که ترتیب خود را یکجا بسازید تا شاگردان تان را به چالش مواجه سازید، رفتن از سوالات آسان به مشکل فشار شاگردان را کاهش میدهد و به ایشان یک امتحان بهتر را میسازد. امتحانات استندرد؛ مانند: SAT و TOEFL را که این ارگان ها تعقیب میکنند قابل ذکر نیست. طوریکه ساختار امتحانات شما به این طریقه شاگردان تان را در این امتحانات مهم در آینده کمک خواهد نمود.

سطوح متعدد آموزش را امتحان میکند. هدف اکثریت سوالات تان باید سطوح پایین به یاد آوردن، درک و درخواست را در بر گیرد. هر چند که یک یا دو سوال را جهت امتحان سطح عالی آموزش؛ مانند تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی علاوه کرده اید (تکسانومی آموزش بلوم را برای معلومات بیشتر سطح آموزش مشاهده کنید) در هراس نباشید. این سطوح عالی را با کیفیت عالی امتحان کنید، مخصوصاً اگر شما وقت زیاد را در جریان درس بالای این نوع فعالیت ها سپری نکرده اید.

رهنمود های عمومی

هرگاه میخواستید شاگردان را امتحان کنید آنها را تجربه با انواع سوالات بدهید. امتحان نباید برای بار اول باشد که آنها سوالات خانه خالی یا درست سازی یک جمله نا درست را تازه دیده باشند. باید شاگردان تان به شکل سوالاتی که شما میتوانید محتوا را امتحان کنید نه شکل را تمرین داشته باشند.

برای شان ساختمان و محتوای امتحان را بگویید. هرگاه منحیث یک استاد برای شاگردان تان دربارۀ انواع سوالات امتحان درست معلومات دهید نتایج امتحان را صدمه نخواهند رساند. دادن این معلومات برای شاگردان سر وقت برای شاگردان به این معنی است که شما نمیتوانید سوالات تان را یک شب قبل از امتحان تهیه کنید، مگر به هرحال کیفیت ارزشیابی را بالا میبرد. همچنان شما باید در مورد محتویات امتحان برای شان معلومات دهید مگر این معلومات نباید مشخص در مورد همان سوالات باشد. صفحات، تاریخ لکچر و فصل های کتاب کافی است.

این نکات را شامل بسازید که هر بخش با ارزش است. در این طریقه شاگردان میتوانند وقت خود را به طور درست تنظیم کنند. نه شما و نه آنها میخواهند که ده دقیقه خود را بالای حل سوال کم اهمیت سپری کنند. اجازه دهید تا دانش کامل درین مورد داشته باشند تا بدانند که گرانترین چیز در امتحان چیست و آن را اولیت دهند.

از شاگردان بخواهید تا مهارت نوشتن خارجی داشته باشند. با وجودیکه انگلیسی در تمام دنیا تدریس میشود، نوشتن در هر جا یکسان نیست. متعجب نباشید از اینکه شاگردان تان حسن خط ندارند و خواندن خط شان شما را به مشکل مواجه میسازد.

هنگامی که یک شخص در حال ترس، خشم و هر گونه احساسات قوی است، زبان به طور غریزی به آنچه که طبیعی ترین برای آن شخص است برگشت میکند. شما می توانید برای از بین بردن فشار شاگردان خود را که ممکن است با نوشتن سوالات آمتحان خوب به طوری که شما در حال امتحان شاگرد خود را در بهترین حالت آن، قرار دهید این طریقه شما را یک معلم خوبتر و شاگردان تان را آموزنده بهتر میسازد.

هدایات عمومی برای نوشتن موضوعات امتحان

انجام دادن	ندادن
هدف ارزیابی و سودمندی نتیجه نمره را بیان کند	پرسیدن سوالاتی که یک هدف آموزش را ارزیابی نمیکند
ارتباط داشتن سوالات امتحان با اهداف آموزش	تمرکز بالای موضوعات کم اهمیت که حفظ کم عمق حقایق و جزئیات را رشد میدهد
نوشتن و استفاده کلمات ساده و دستوری	عمدا سوالات امتحان نسبت به هدف قرار دادن یک زیر مجموعه خاص از شاگردان
ساختن سوالات متوسط مطابق سویهٔ خواندن شاگردان	قصدا مشکل ساختن سوالات
حصول اطمینان از اینکه هر سوال یک جواب درست دارد	ساختن موارد زیاد امتحان که حد اوسط شاگردان بتوانند جواب دهند
نوشتن سوالات امتحان در یک سطح مشکل که با اهداف آموزش ارتباط داشته باشد	استفاده مواردی که توسط ناشر ساخته شده بدون مرور از اینکه آیا سوالات با اهداف آموزش تناسب دارد یا نه
فارمت سوالات گوناگون	

رهنمود ها برای رشد کیفیت همه موارد امتحان و ارزیابی:

- تهیه سوالات بیشتر نسبت به ضرورت به خاطر اینکه بعضی سوالات بعد از مرور به نسبت ضرور نبودن آن حذف میشود.
- سوالات امتحان را خوب و عالی مطابق تاریخ امتحان بنویسید بعدا چندین روز انتظار کنید تا آن را تکرار کنید. این نوع جنبه تازه شاید شمارا کمک کند تا مشکلات متحرک و ساحات مشکوک را مشخص کنید.
- تمام سوالات را یکبار مرور کنید تا اطمینان حاصل کنید که کلمات یک سوال به جواب سوال دیگر ارتباط ندارد.
- در هر گروپ سوالات را از آسان به مشکل ترتیب کنید.

  یک خواننده بی ریا داشته باشید تا سوالات امتحان تان را مرور کند و نکات مشکوک و اشتباه گرامری را مشخص کند.

<u>مشخص نمودن تعداد سوالات ارزیابی:</u>

تعداد سوالات امتحان به دوره کورس و انواع سوالات استفاده شده ارتباط میگیرد. رهنمود های زیر شما را برای مشخص نمودن یک ارزیابی مناسب برای شاگردان کالج کمک میکند.

نوع سوال	حد اوسط زمان
درست و غلط	۳۰ ثانیه
چند گزینه یی	یک دقیقه
چندین گزینهٔ سطح عالی اهداف آموزش	یک و نیم دقیقه
جواب کوتاه	دو دقیقه
ارتباطی	سی ثانیه در هر سؤال
مقالهٔ کوتاه	۱۰–۱۵ دقیقه
مقالهٔ گسترده	۳۰ دقیقه
خانه خالی	یک دقیقه

رهنمود های دیگر برای رشد امتحان برای استادان

۱۲ رهنمایی خوب برای نوشتن سؤالات خوب امتحان:

تهیه سؤالات مؤثر برای امتحان به وقت و تمرین نیاز دارد. خواه هدف شما اندازه گیری دانش و مهارت شاگردان، سروی نظریات و طرز سلوک است یا تقویت تجربه آموزش، سؤالات ضعیف به طور مخالف بالای کیفیت نتایج تأثیر میگذارد.

۱. بیانیه ها و موضوع را تا حد ممکن کوتاه بسازید و زبان واضح و مختصر را استفاده کنید.
۲. سوالات ممکن (کدام، کی، چه وقت، کجا، چرا و چطور) را استفاده کنید.
۳. انسجام دستوری را به اجتناب از رهنما رعایت کنید.
۴. گزینه ها را در یک ترتیب منطقی لست کنید.
۵. از کلمات منفی مخصوصا از دو منفی اجتناب کنید.
۶. از معین کننده های غیر ضروری، مخصوصا محض (مثال: همیشه، هرگز و غیره) اجتناب کنید.
۷. با احتیاط از موضوعات متذکره اجتناب کنید.
۸. از ضمایر مهم این و انها اجتناب کنید.
۹. از گزینه های متضاد اجتناب کنید.
۱۰. از گزینه های استدلالی (مانند، الف و ب هر دو درست است) مگر اینکه کاملا ضروی است اجتناب کنید.
۱۱. از تهیهٔ سخن رهنما در جواب درست سؤال اجتناب کنید.
۱۲. از تهیه کلید های جوابات برای سوال دیگر اجتناب کنید.

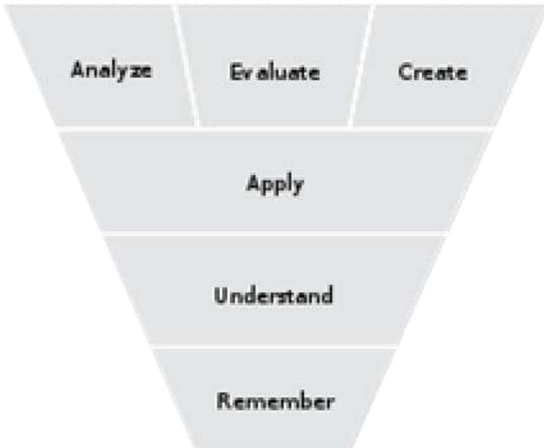
مرحله نهایی: مرور و دوباره نوشتن سوالات امتحان

مربیان باید سوالات شان را قبل از امتحان مرور کنند ترجیحاً با خواستن از شخص دیگر تا سؤالاتش را مرور کند. این طریقه شاید از اشتباهات دستوری و زبان گنگ جلوگیری کند. پوهنتون اندیانا به توصیه های ساختن سوالات امتحان رهنمایی میکند که مربیان باید در ساختن سوالات چند گزینه یی باید توصیه های زیر را به خاطر داشته باشند:

- کلمات اضافی و زبان مغلق و غیر ضروری (به ویژه مشکل زا برای شاگردان زبان دوم) را تصحیح کنید.
- از همه موضوعات فوق تا حد امکان جلوگیری کنید طوریکه آنها سؤال را بسیار آسان میسازد.
- اطمینان حاصل نمایید که جواب درست نسبت غلط طولانی و کوتاه نباشد.
- اطمینان حاصل کنید که ماده یی که جواب درست را معرفی میکند تا حدی به سوال جواب ندهد.

در جریان آموزش اینکه چطور سوالات خوب امتحان را بسازیم میتواند با مشکل و تمرین مواجه شویم که در نتیجه نتایج مثبت به بار می‌آورد. همچنان مربیان باید درخواست بازدهی سوالات امتحان شاگردان را خود شان بر رسی کنند، طوریکه این بررسی یک بینش با ارزش را پیشکش میکند و میتواند که بیشتر کمک کند.

- اهداف طبقه بندی عینیت های تعلیمی بلوم – سلسله تفکر و آموزش معرفتی



مهارت ها در قلمرو معرفتی در اطراف دانش، درک، و تفکر انتقادی یک موضوع مخصوص میپرخد. تعلیم و تربیه سنتی مواظب است که بالای مهارت ها در این قلمرو، به ویژه ترتیب پایین تر اهداف تأکید کند.

در تکسونومی بلوم شش سطح وجود دارد که از پایین به بالا ترتیب شده است:

۱- دانش:

موضوعات آموخته شده قبلی را با بازگو کردن حقایق، اصطلاحات، مفاهیم اساسی و جوابات نمایش میدهد.

- دانش خاص – اصطلاحات، حقایق خاص
- آگاهی از شیوه ها و با استفاده از برخورد با جزئیات – همایش ها، گرایش ها و دنباله ها، طبقه بندی ها و دسته ها، ضوابط، روش
- دانش انتزاعی و عام در یک ساحه، اصول و تعمیم ها، نظریه ها و ساختارها
- پرسش هایی همچون: فواید خوردن سیب چه هستند؟

۲- درک:

نمایشی از درک حقایق سازماندهی نظریات، مقایسه، ترجمه، تفسیر، شرح دادن، و بیان ایده های اصلی

- ترجمه
- تفسیر
- برون یابی

پرسش هایی همچون: مقایسه فواید خوردن سیب در مقابل نارنج.

۳- کاربرد

با استفاده از دانش جدید مشکلات را به موقعیت های جدید با استفاده از کسب دانش، حقایق، تکنیک ها و مقررات در راه های مختلف حل میکند.

پرسش هایی همچون: کدام نوع سیب، بهترین پشتوانه برای پخت کیک است، و چرا؟

٤- تجزیه و تحلیل

بررسی و تجزیه اطلاعات به بخش ها با شناخت انگیزه ها یا علت ها. ساختن استنتاج ها و یافتن شواهد تا عمومیت را تمویل کند.

- تجزیه و تحلیل عناصر
- تجزیه و تحلیل روابط
- تجزیه و تحلیل اصول سازمانی

پرسش هایی همچون: چهار طریقه صرف غذاهای ساخته شده از سیب را لست کنید و آنهایی را که بیشترین منافع بهداشتی را دارند توضیح کنید. برای حمایت از بیانیه های تان منابع را تهیه کنید.

۵- ترکیب

اطلاعات را با هم به شیوه های مختلف با ترکیب عناصر موجود در یک الگوی جدید و یا ارائه راه حل گزینه ها تدوین میکند.

- تولید یک ارتباط منحصر به فرد
- تولید یک طرح یا پیشنهاد از عملیات
- اشتقاق مجموعه یی از روابط انتزاعی

سوالات همچون: غذا های نا سالم را برای سیب به دستور "سالم" به جای انتخاب خود از مواد تشکیل دهنده تبدیل کنید. منافع بهداشتی استفاده از موادی را که شما در مقابل شی اصلی انتخاب کردید توضیح کنید.

٦- ارزشیابی

نظریات را با قضاوت در بارۀ اطلاعات اعتبار نظریات یا کیفیت کار به اساس مجموعه یی از معیار ها پیشکش میکند.

- قضاوت در شرایط شواهد داخلی
- قضاوت در شرایط معیار خارجی

سوالات همچون: آیا شما احساس میکنید که خوردن یک غذای سیب بعد از غذای مکتب برای اطفال صحی است؟ چرا و چرا نه؟

مرحلۀ بعدی: تهیه سوالات امتحان با استفاده از تکسانومی بلوم

یک سوال در سطح دانش از شاگرد پرسش می خواهد که آیا شاگرد معلومات را حفظ کرده است. یک سوال در سطح ارزشیابی خواهد ارزیابی کرد که آیا شاگرد میتواند ارزش تیوری های گوناگون، نظریات یا سیستم ها را ارزیابی و مقایسه کند. مربیان باید هدف داشته باشند تا هر یک از سوالات شان را مطابق شش سطح بلوم تهیه کنند. در منوال تریننگ یک وظیفه از شما خواهد پرسید که سوالات را برای مضمون خود با استفاده از تکسانومی معرفتی بلوم بنویسید.

نتیجه گیری

در این فصل و در فعالیتهای ورکشاپ برای شما در بارۀ تهیه سوالات امتحان در آینده یا کمک برای دیگران در ساختن سوالات معلومات خواهد داده شده باشد. به خاطر داشته باشید که در وقت امتحان شاید بسیار مهم باشد که این فقط بخشی از ارزیابی شاگردان است. همچنان به خاطر داشته باشید که بیشتر از یک هدف در دادن یک امتحان یا امتحانات مختلف شاید برای اهداف مختلف داده شود. بعضی اوقات برای تشخیص و مشخص نمودن مشکل در آموزش مواد استفاده میشود. بعضی اوقات شاید برای چک نمودن کار برد دانستن شاگرد طوری که شما در تدریس مواد جدید به عنوان همراه استفاده میکنید به کار میرود. و در اخیر امتحان ارزیابی نهایی خلاصه آموزش شاگردان از شروع تا ختم کورس خواهد بود.

شما در این فصل به یاد دارید که ارزیابی نهایی نیاز به پوشش همه موضوعات تدریس شده استاد ندارد. رهنمایی برای اینکه چطور میتوان مقاله را انتخاب کرد و چطور اولیت داد و چطور میتوان انواع مختلف سوال را تا اینکه یک امتحان با کیفیت بسازیم که شاگردان را اجازه دهد تا آموزش شان را بیان کنند نسبت به آمتحان تخنیکی میباشد.

برای مأخذ آینده این فصل را استفاده کنید. این فصل بسیار نظریه های تکرار و هم پیوند دارد. شما نخواهید امتحان شد که چطور به یاد بیاورید و این طور خواهید امتحان شد که شما چطور این پیشنهادات را منحیث یک معلم و رهنما استفاده میکنید.